اطلاعات

چهارشنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۰ـ ۱۴ ذی القعده ۱۴۳۲ـ ۱۲ اکتبر ۲۰۱۱ـ شماره ۲۵۱۵۰ـ ۲۰ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – ۲۰۰ تومان

رهبر معظم انقلاب امروز به استان کرمانشاه می‌روند

*مسئولان و مردم استان کرمانشاه خود را برای استقبال چشمگیر از رهبری آماده کرده‌اند

*اجلاس سراسری نماز امروز با پیام رهبر معظم انقلاب در بوشهر گشایش می‌یابد

صفحه ۲

روسیه و چین قطعنامه جدید درباره سوریه به شورای امنیت می‌دهند

*لاوروف: در قطعنامه جدید، خشونت‌ها از سوی حکومت سوریه و مخالفان به یک اندازه محکوم شده است

*اتحادیه اروپا از تشکیل شورای ملی مخالفان سوریه استقبال کرد

صفحه ۱۶

توسط آیت‌الله آملی لاریجانی مطرح شد

استمداد از قوای سه‌گانه برای پیشگیری از وقوع جرم

*باید از ظرفیت نهادهای دینی، اجتماعی و سیاسی نظام برای پیشگیری از وقوع جرم استفاده شود

*همه دلسوزان نظام به این نتیجه رسیده‌اند که موضوع پیشگیری از وقوع جرم باید با جدیت پیگیری شود

*۱۳میلیون پرونده در دستگاه قضایی وجود دارد

*پیشگیری از وقوع جرم، موضوعی نیست که قوه قضائیه به تنهایی از عهده آن برآید

سرویس خبر: رئیس قوه قضائیه بر استفاده از ظرفیت نهادهای دینی و ساختار اجتماعی و سیاسی نظام اسلامی برای پیشگیری از وقوع جرم تاکید کرد.

آیت‌الله صادق لاریجانی در جمع مدیران و معاونان پیشگیری از وقوع جرم دادگستری‌های سراسر کشور گفت: تعامل مناسب با حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش و سایر نهادها به پیشبرد اهداف قوه قضائیه در پیشگیری از وقوع جرم کمک خواهد کرد.

وی افزود: قوه قضائیه بر حسب وظیفه قانونی خود با جدیت بحث پیشگیری از وقوع جرم را در دستور کار دارد و پیگیر آن است. با این حال نهادینه شدن موضوع پیشگیری بحثی است که همه قوا باید نسبت به آن حساسیت به خرج دهند.

وی استفاده از ظرفیت‌های موجود و در کنار آن تلاش برای تحکیم ساختار قانونی پیشگیری از

بقیه در صفحه ۱۳



رئیس جمهوری: امید را باید در جوانان تقویت کنیم

صفحه ۲

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی: وقوع برخی فسادها در جامعه نگران کننده است

*دستگاه قضایی پرونده‌های امنیتی را به سرعت رسیدگی و متخلفان را مجازات کند

*اگر اعتقادات مردم تقویت شود، جلو بسیاری از تخلفات گرفته خواهد شد

صفحه ۲

براساس آخرین آمار ثبت احوال مشخص شد

افزایش آمار زاد و ولد در کشور

*در ۶ ماهه اول امسال ۶۹۵ هزار و ۲۰۹ واقعه ولادت در کشور به ثبت رسیده که نسبت به مدت مشابه پارسال ۱/۳ درصد افزایش دارد

*در هر شبانه‌روز ۳۷۳۸ نوزاد در کشور متولد می‌شود

*آمار طلاق در شش ماهه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۵/۴ درصد افزایش یافته است

*در شش ماهه نخست امسال ثبت واقعه ازدواج ۲ درصد کاهش یافته است

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: در شش ماهه نخست امسال ۶۹هزار و ۲۰۱ واقعه طلاق در کشور به ثبت رسیده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۵/۴درصد افزایش یافته است.

به گزارش سازمان ثبت احوال کشور، در این مدت ۵۸هزار و ۵۴۸ واقعه طلاق در شهرها و ۱۰هزار و ۶۵۳ طلاق در روستاها به ثبت رسیده است. به این ترتیب در شش ماه گذشته در هر شبانه‌روز به طور متوسط ۳۷۲ واقعه طلاق در کشور به ثبت رسیده است.

بر اساس این گزارش، در این مدت بیشترین طلاق ثبت شده زنان در گروه سنی ۲۹ـ۲۵ ساله با رقم ۱۸۷۶۱ واقعه و بیشترین طلاق ثبت شده زنان در گروه سنی ۲۹ـ۲۵ ساله رقم ۱۷۲۰۱ واقعه بوده است.

بر این اساس میزان ثبت طلاق در مناطق روستایی ۱۰هزار و ۶۵۳ مورد بوده که نسبت به میزان طلاق مدت مشابه سال قبل که ۹۶۸۲ مورد بوده است، ۱۰درصد رشد را نشان می‌دهد.

این گزارش حاکی است: در شش ماهه نخست امسال ۴۷۰هزار و ۳۳۱ واقعه ازدواج در کشور به ثبت رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل دو درصد کاهش داشته است.

بقیه در صفحه ۱۴

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی:

پایبند نبودن به قانون ریشه معضلات کشور است

* تجسس در افکار و عقاید زندگی مردم از مسائل مورد مذمت دین اسلام است

*ایجاد تزلزل در قانون و عمل نکردن به آن هرج و مرج و فساد به همراه خواهد داشت

*زور و تحمیل در عصر کنونی توسط افکار عمومی آگاه پذیرفته شده نیست

صفحه ۲

انتقاد وزارت خارجه از سیاست‌های اروپا در تحریم مقام‌های ایرانی

*سخنگوی وزارت خارجه: هدف از تحریم‌ها، دست کشیدن ملت ایران از حقوق اساسی خود است

*ریشه اصلی همه بحران‌های جهان، یکجانبه‌گرایی غربی‌ها است

*اتحادیه اروپا ۲۹ ایرانی از جمله ۳ وزیر را در فهرست تحریم‌های خود قرار داد

صفحه ۴

یادداشت

بایدها و باورها

فتح ا... آملی

روزنامه امروز را ورق می‌زنم، وزیر محترم بهداشت گفته‌اند که پزشک متخصص باید ۲۴ ساعته در اورژانس بیمارستان حضور داشته باشد.

یکی دو صفحه آن‌طرف‌تر از قول یک مقام مسئول در بانک مرکزی نوشته شده است که تورم شهریورماه ۱۸ درصد بوده است.

در جای دیگری وزیر محترم صنعت، تجارت و بازرگانی گفته‌اند که اگر مردم در مراجعه به مغازه‌ها و بازار تخلف قیمتی در کالایی دیدند به ۱۲۴ زنگ بزنند و گزارش کنند و اگر از آنجا هم نتیجه‌ای نگرفته‌اند به ۰۹۶۱۰ زنگ بزنند تا به صورت قاطع به شکایات مردم رسیدگی کنیم. (و البته اشاره نفرمودند که اگر از اینجا هم نتیجه‌ای نگرفتند، چه کنند؟)

چند روز پیش هم وزیر محترم کار اعلام کرده‌اند که تا به حال بیش از یک میلیون شغل ایجاد شده و هر که شک دارد می‌تواند به سایتی مراجعه کند که نام و مشخصات و شماره‌های افرادی را که تازه به سر کار رفته‌اند، در آنجا درج شده است...

در ابتدای هفته و در روز شنبه در دو یادداشت جداگانه به قلم همکاران گرامی دکتر قاسم‌زاده و آقای خانی به بحث آمار و نقش آن اشاره شد. اینکه مردم به آمارهایی که ارائه می‌کنیم نگاه نمی‌کنند وقتی در عمل و در مقام مشاهده و مقایسه ببینند که این آمارها با واقعیت ملموس زندگی‌شان همخوانی دارد، آنگاه آنها را «باور» می‌کنند و آنوقت است که «اعتماد» به وجود می‌آید. نگارنده چون در گذشته بارها درباره آمار و ضرورت مراقبت از آمار در برابر هر آفتی نظیر مصلحت‌اندیشی و آمارسازی و خوش‌بینی و مثبت‌نمایی و سیاسی‌کاری و... صحبت کرده و مطالبی قلمی کرده و با توجه به یادداشت‌های اخیر ضرورتی نمی‌بیند که دوباره در این باب مبحث تازه‌ای بگشاید که متأسفانه یا خوشبختانه مسئولان و متولیان محترم را هم اراده‌ای برای اصلاح نباشد اما آنچه که در این یادداشت می‌خواهد به آن بپردازد آسیبی است که از این ناحیه به ملک و ملت و بدتر از آن آسیبی است که به اعتماد مردم، به گفته‌ها و کردار مسئولان در نظام جمهوری اسلامی و اقتدار آنها وارد می‌آید.

وقتی وزیر محترم بهداشت می‌فرماید که در همه بیمارستان‌ها و در اورژانس‌ها حتماً باید یک متخصص آن هم در ۲۴ ساعت حضور داشته باشد، از موضع یک وزیر سخن می‌گوید و قاعدتاً یک کارگزار برجسته نظام به حساب می‌آید.

اگر فردی یا بیماری، نه در نیمه‌های شب، بلکه حتی وسط روز به یک اورژانس مراجعه کرد و دید که چنین بایدی در عمل (یعنی هیچ پزشک متخصصی در اورژانس) وجود خارجی ندارد، نه فقط اعتمادش را از دست می‌دهد بلکه نسبت به اقتدار یک مسئول بلندپایه نظام هم شک می‌کند. یا وقتی وزیر دیگری می‌گوید که هر کس گرانفروشی دید به فلان شماره زنگ بزند و ما بلافاصله با متخلف برخورد کنیم و اگر باز هم به نتیجه نرسید، به شماره دیگری زنگ بزند و... وقتی اعتماد ایجاد می‌کند که شهروندان در عمل خاصیتی از این شکایت ببینند. آنچه که ما به آن توجه نمی‌کنیم آسیبی است که از این محل به اقتدار مدیریتی کشور و فهمی که مردم از اقتدار دولت و نظام دارند، وارد می‌آید. این نکته، نکته بسیاری مهمی است. اگر بخواهیم اقتدار نظام را تنها در توان دفاعی و یا امنیتی و یا نظامی آن تحلیل کنیم حق مطلب را به تمامی ادا نکرده‌ایم.

اقتدار نظام در حوزه داخلی هم مورد سنجش مردم قرار می‌گیرد و در یک جامعه بی‌توجهی به این بخش از اقتدار حکومت نیز آسیب زننده است. مردم ضعف‌های داخلی در مدیریت اجرایی و اقتصادی کشور را نیز در حوزه اقتدار نظام به ارزیابی می‌نشینند.

یک نظام مقتدر قدر مسلم و قطعاً هم نیازمند کارگزارانی است که از مردم در برابر خطرات و آسیب‌ها دفاع کنند و از پس تأمین حقوق شهروندی آنان برآیند. گرچه شاید مقایسه این دو وجه از تعریف اقتدار، اندکی نامتجانس بیاید و نمی‌توان و نباید گفت چون در حوزه داخلی و مدیریت داخلی ضعف‌هایی وجود دارد پس نظام و حکومت دارای اقتدار نیست و منظور هم در این یادداشت این نیست چرا که خوشبختانه حتی دشمنان ما می‌دانند که جمهوری اسلامی نظام مقتدری است که توان دفاعی کافی در برابر هر تهدید خارجی را دارد، اما هر حکومت و دولتی در کنار تلاشی که باید برای تقویت دفاعی و ارتقای اقتدار حکومتی و سیاسی و نظامی خود به عمل آورد در حوزه داخلی نیز نباید نسبت به ضعف‌های مدیریتی خود تسامح به خرج دهد و لازم است که کارگزارانش نیز مقتدر باشند. وقتی یک وزیر حرفی می‌زند یک کارگزار برجسته نظام است و باید به هر قیمتی که هست پای حرفش بایستد و مقتدرانه در برابر هر آنچه که آرامش شهروندان را برهم می‌زند اعمال قدرت کند و معنای آن قطعاً اعمال خشونت نیست. مثلاً صرفاً برکناری یک رئیس بیمارستان و یا تغییر یک مدیرکل در فلان وزارتخانه و یا صدور یک بخشنامه برای فلان اداره کافی نیست. «باید»های کارگزاران وقتی به «باور» مردم بدل می‌شود که در همه‌جا جلوه و بروز داشته باشد. وگرنه اینکه در مقام مسئول بگوییم هیچکس حق ندارد اجاره خانه را بیش از ده درصد بالا ببرد و یا تخم‌مرغ را به بالاتر از ۶ هزار تومان بفروشد و یا بیش از ده درصد شیر را گران کند و یا جواب مردم را با سخن درشت و با بی‌حوصلگی بدهد و یا هیچ بانکی نباید تخلف کند و ... دردی را دوا نخواهد کرد و بی‌تردید برای نمایش اقتدار بایسته نظام در حوزه داخلی نیز عدم تحقق وعده‌ها و عدم جلوه و بروز این بایدها و نبایدها و عدم باور گفته‌ها و آمارها آسیب زننده است.

پیام تسلیت سیدمحمد خاتمی به مناسبت درگذشت دلخراش آمنه زنگنه

سیدمحمد خاتمی در پاسخ به نامه جمعی از دختران دانشجوی دانشگاه صنعتی امیرکبیر به مناسبت هفتمین روز درگذشت آمنه زنگنه تصریح کرد: عزیزی که با پشت‌کار و تحمل مشکلات مسیر دانش‌اندوزی و کمال را به امید آینده‌ای بهتر می‌پیمود و جامعه، چشم‌انتظار بهره‌گیری از وجود و دانش او بود از میان ما رفت و همه را داغدار کرد. طبیعی است که این داغ در جان بستگان گرانقدر و دوستان و همراهان و همکاران او سوزان‌تر است.

متن کامل پیام سیدمحمد خاتمی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

باز هم حادثه‌ای دلخراش و تابسوز و باز هم آمنه‌ای دیگر قربانی فاجعه‌ای که دست‌کم سهل‌انگاری کسانی که در برابر جان و مال و امنیت افراد مسئولند در آن بی‌دخالت نیست.

آمنه زنگنه، فرزند شهید بزرگواری که در دفاع از انقلاب و برای سربلندی کشور سخاوتمندانه جان خود را تقدیم پیشگاه حضرت حق کرد در حادثه‌ای دل‌آزار جان عزیز خود را از دست داد.

عزیزی که با پشت‌کار و تحمل مشکلات مسیر دانش‌اندوزی و کمال را به امید آینده‌ای بهتر می‌پیمود و جامعه، چشم‌انتظار بهره‌گیری از وجود و دانش او بود از میان ما رفت و همه را داغدار کرد. طبیعی است که این داغ در جان بستگان گرانقدر و دوستان و همراهان و همکاران او سوزان‌تر است.

از خداوند منان برای آن فقیده سعیده آمرزش و رحمت و برای بازماندگان محترم شکیبایی و پاداش نیکو مسألت می‌کنیم و امیدواریم اگر قصور و تقصیری در بروز این فاجعه بوده است مسئولان ذی‌ربط به وظیفه خود با جدیت عمل کنند.

سیدمحمد خاتمی / ۱۹ مهرماه ۱۳۹۰

گفتنی است آمنه زنگنه، دانشجوی ۲۶ ساله کارشناسی ارشد پلیمر دانشگاه صنعتی امیرکبیر هفته گذشته به دلیل گازگرفتگی حاصل از استنشاق گاز متصاعد شده از اسیدی که برای نظافت لوله‌ها در حمام دانشگاه استفاده شده بود جان سپرد.

توضیح دکتر حداد عادل درباره سفر دخترش به آمریکا و ژاپن

دکتر غلامعلی حداد عادل که در برنامه پارک ملت حضور یافته بود، توضیحاتی را درباره علت تحصیل و زندگی دخترش آزاده حدادعادل در ژاپن و آمریکا ارائه داد.

شهیدی مجری برنامه از حداد عادل پرسید: امروز (پریروز) خبری در روزنامه درباره دختر شما نوشته شده بود که تداعی این موضوع بود که فرزندان مقامات برخلاف آنچه گفته می‌شود در خارج از کشور زندگی و تحصیل می‌کنند و این طور مسایل.

حداد عادل هم در پاسخ به این موضوع گفت: دخترم وقتی دانشگاه قبول شده بود ازدواج کرد و داماد بنده پزشک است. به شوهر دخترم بورس تحصیلی برای ژاپن دادند و این بورس همزمان شد با فارغ التحصیلی دخترم در مقطع کارشناسی و خلاصه آنها راهی ژاپن شدند.

حدادعادل در ادامه با تاکید بر این که دخترش هم در ژاپن ادامه تحصیل داد و رشته ژنتیک مولکولی را برگزید، تصریح کرد: البته دخترم از جایی بورسیه نبود و به خاطر همسرش راهی آنجا شد. وی همچنین درباره سفر دخترش به آمریکا گفت: بعدها به سبب تحقیقاتی که همسر دخترم برای یک دانشگاه آمریکایی انجام داد، به همراه دو فرزندشان راهی آمریکا شدند اما بعد از سه سال به ایران برگشتند.

حدادعادل درباره علت بازگشت خانواده دخترش به ایران گفت: در آمریکا نوه‌هایم در مدرسه اسلامی درس می‌خواندند اما شرایط زندگی برای آنها راحت نبود و در نهایت دخترم و خانواده‌اش به ایران برگشتند.

وی در پاسخ به این که دخترش به چه کاری مشغول است گفت: دخترم در ایران کار نانوتکنولوژی را دنبال نکرد و با مادرش همراه شد و شبکه زنان دانشمند جهان اسلام را راه‌اندازی کردند تا زنان دانشمند را به زنان جهان اسلام و خارج از جهان اسلام معرفی کنند. وی در انتقاد از تیتر مطالبی که برخی روزنامه‌ها و رسانه‌ها درباره تحصیل دخترش در ژاپن و آمریکا زده بودند، گفت: در عالم سیاست رقبا از هرفرصتی استفاده می‌کنند تا دندان خود را به تن رقیب فرو کنند.

حدادعادل همچنین گفت: برای پیشرفت علم، به قول رهبری باید هرکجا شد رفت، باید به ژاپن هم رفت، حتی به آمریکا البته با حفظ مواضع.

رئیس‌جمهوری: آمریکا و رژیم صهیونیستی ریشه اصلی بدبختی ملت‌ها هستند

رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی را ریشه اصلی بدبختی ملت‌ها دانست و گفت: همه فریادها باید بر سر آمریکا و رژیم صهیونیستی کشیده شود. به گزارش ایرنا، محمود احمدی نژاد دیروز در مراسم رونمایی از مستند مهار نشده با تاکید به ضرورت وحدت و همدلی تمامی ملت‌های آزادیخواه و عدالت طلب گفت: کسی نباید آدرس غلط به ملت‌ها بدهد، همه فریادها باید بر سر آمریکا و رژیم صهیونیستی کشیده شود.

احمدی نژاد با تاکید بر این‌که اساس دیکتاتوری، مخلوق استعمارگران و مستکبران است، اظهار داشت: امروز همه ملت‌ها از وضع موجود به شدت ناراضی هستند و فطرت الهی انسان‌ها به شدت در حال بیدار شدن است.

وی افزود: دورانی بود که ملت‌ها به ستوه آمده بودند اما فرصت اظهار نظر نداشتند و سیطره استکبارگران اجازه نمی‌داد خواست ملت‌ها بیان شود اما امروز فرصت برای ملت‌ها به منظور ورود به عرصه تصمیم‌گیری فراهم شده است زیرا روند تحولاتی که امروز ایجاد شده همه‌گیر و فراگیر بوده و یک موج جهانی است.

رئیس‌جمهوری اظهار داشت: مستکبران ابتدا سعی کردند این موج بیداری فراگیر و جهانی را مدیریت و مهار کنند و در برخی جاها هم موفق شدند و تلاش کردند از موج ایجاد شده فرصت‌هایی را برای خود فراهم کنند اما این موج بیداری، موجی عمیق و بسیار قوی است که هیچ ارتباطی با توده‌ها و گروه‌های خاص ندارد و توده‌های مردم حرف اول را در ایجاد این موج‌های بیداری می‌زنند.

احمدی نژاد افزود: توده‌های مردم در حال آماده شدن برای حرکت‌های سرنوشت‌ساز هستند و مستکبران هم بیکار ننشسته‌اند و به فکر آن هستند تا از هر طریق ممکن این حرکت‌های عظیم مردمی را عقیم بگذارند.



وی در بخش دیگری از سخنانش از کسانی که تلاش کردند با نگاه آرمانی انقلاب اسلامی، مستند مهار نشدنی را درباره تحولات منطقه و جهان تهیه کنند و نقش ایران را در بیداری اسلامی به تصویر بکشند، تقدیر و تشکر کرد.

احمدی نژاد این مستند را کاری بسیار خوب و قوی توصیف کرد و گفت که مشخص است پشت سر چنین مستندی هم ایمان، هم اندیشه و هم عمل قرار گرفته است.

وی پیش از سخنرانی در این مراسم از دست‌اندرکاران تهیه و تولید مستند مهارنشدنی با اهدای جوایزی تقدیر کرد.

رئیس‌جمهوری در این مراسم همچنین از همسر و فرزند شهید دکتر مجید شهریاری دانشمند هسته‌ای کشورمان که به دست تروریست‌ها به شهادت رسید با اهدای لوحی تقدیر کرد.

اجرای چند سرود حماسی به زبان عربی توسط گروه سرود الاسراء لبنان از دیگر برنامه‌های این مراسم بود که مورد تشویق رئیس‌جمهوری و حاضرین قرار گرفت.

این گروه سرود لبنانی که لباس مقاومت حزب‌الله را به تن داشت اعلام کرد که حامل سلام گرم سیدحسن نصرالله برای ملت بزرگ ایران است.

رونمایی از مستند مهار نشده

براساس این گزارش، در این مراسم علاوه بر محمود احمدی‌نژاد، سیدمحمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم حضور داشت.

مستند مهار نشده به نویسندگی و کارگردانی مصطفی رضوانی و تهیه‌کنندگی محمدحسن پوروبه‌روایت محتشم علی نقوی روایتی از دو دانشمند هسته‌ای ایران است.

رئیس‌جمهوری: امید را باید در جوانان تقویت کنیم

«مشکلات امروز کشور به خاطر آن است که روحیه انقلابی که در دوران دفاع مقدس وجود داشت و جلوه می‌کرد، تضعیف شده است. ما نظام انقلابی هستیم که تمامی نظامات اداری آن باید بومی باشد، نه این که سیستم سرمایه‌داری سکولار که ضد انسانی است را اجرا کنیم چرا که این خارج از روحیه انقلابی است».

دکتر محمود احمدی نژاد رئیس‌جمهوری دیروز در همایش فرمانداران سراسر کشور که در وزارت کشور برگزار شد با اعلام این مطلب فرمانداران را سطح تماس جمهوری اسلامی ایران با مردم ذکر کرد و گفت: ممکن است در استان یا مرکز، هزاران تصمیم گرفته شود، اما آنجا که این تصمیمات عملیاتی می‌شود و در برابر چشم مردم قرار می‌گیرد، فرمانداران نقش به سزایی دارند.

رئیس‌جمهوری با تاکید بر این که تصمیمات باید برای رضای خدا باشد، نه این که برای طرفداری از برخی افراد یا مسائل دیگر، گفت: فرمانداران و تمامی مسئولان باید مراقب باشند که منافع مردم را با منافع برخی‌ها عوض نکنند، زیرا این عناوین برای کسی چیزی به ارمغان نمی‌آورد.

احمدی نژاد با تاکید بر این که امروز تاریخ یک‌بار دیگر در حال رقم خوردن بوده و نگاه جهانیان به ایران اسلامی است، گفت: اگر برای رضای خدا کار کنیم و بر روی ارزش‌ها بایستیم، مطمئناً در کارهایمان پیروز خواهیم شد، حتی اگر همه جهانیان بسیج شوند و اجازه ندهند شما به هدفتان برسید.

رئیس‌جمهوری در ادامه با بیان این که امروز بیش از ۳۰ عنوان کار برجسته ملی در کشور صورت گرفته است، گفت: اگر یک کدام از این کارها در دولت‌های قبلی صورت می‌گرفت، ذکر می‌کردند که دولت موفق تاریخ هستند؛ اما بسیاری از کارها از جمله هسته‌ای شدن، ورود به عرصه فضا، خودکفایی در بنزین، کنترل مصرف سوخت، هدفمندی یارانه‌ها، بیوتکنولوژی، اجرای اصل ۴۴ و مسکن مهر در این دولت صورت گرفته است که به جای تقدیر، انگشت اتهام را به سوی آن نشانه رفته‌اند.

احمدی نژاد افزود: امروز اتهاماتی را به این دولت وارد می‌کنند که بسیار جای تاسف است، ولی با این حال اگر کار برای رضای خدا باشد و این اتهامات چندین و چند برابر شود، مطمئن باشید که به حساب نخواهد آمد، چرا که شما فقط برای رضای خدا کار کرده‌اید.

رئیس‌جمهوری افزود: کاری که برای رضای خدا باشد، تهمت و افتراها در آن اثری نخواهد داشت؛ همانطور که امام خمینی(ره) فرمودند: «اگر خمینی یکه و تنها بماند در برابر زیاده‌خواهان و مستکبران خواهد ایستاد.»

احمدی نژاد در ادامه با بیان اینکه مواضع دولت از ابتدا تاکنون هیچ تغییری نکرده است، گفت: در گذشته عده‌ای بودند که امروز از دولت جدا شدند که‌ای کاش این کار را نمی‌کردند، زیرا مواضع دولت از دولت نهم تا به امروز ثابت بوده و تغییری نکرده است.

رئیس‌جمهوری افزود: امروز ما برای کسانی تأسف می‌خوریم که از فرصت خدمتگذاری استفاده نمی‌کنند و فقط نظام و ارزش‌های الهی را قربانی خواسته‌های خود می‌کنند و افترا و اتهامات را به این دولت روا می‌دارند، البته برخی‌ها در گذشته نبودند، ولی امروز درونشان را بیرون ریخته‌اند و دولت را متهم می‌کنند.

رئیس‌جمهوری با بیان این که راه انقلاب روشن است، گفت: مسائل فرهنگی را نمی‌توان با تخریب شخصیت پیش برد، محال است شخصی را تخریب کنیم، سپس از او بخواهیم که زیباترین حرف‌ها را بپذیرد.

احمدی نژاد با بیان این که خدمتگذاری به مردم یک امانت الهی است، گفت: باید از این فرصت استفاده کرده و در بازی‌های سیاسی قرار نگیریم، زیرا دور از کرامت یک انسان الهی است که از این فرصت به وجود آمده استفاده نکنند.

احمدی نژاد افزود: اسلام برای احیای کرامت انسان‌ها آمده است و همانطور که خداوند گناهان را می‌پوشاند و نمی‌گذارد گناهان آنها معلوم شود، ما نیز اجازه نداریم با آبروی افراد بازی کنیم زیرا این افراد تحت حاکمیت اسلام قرار دارند.

رئیس‌جمهوری گفت: متاسفانه امروز اگر کسی به دنبال انجام کار خوب در کشور است، برخی‌ها می‌خواهند آن را خراب جلوه دهند، از این‌رو مسئولین باید مراقب باشند، تا مبادا منافع ملت را به افراد ترجیح دهند.

رئیس‌جمهوری در ادامه به موضوع هدفمندی یارانه‌ها اشاره کرد و گفت: گام اول این طرح توسط ملت به خوبی برداشته شد و فرمانداران نقش بسزایی در اجرایی شدن آن داشتند. حال امروز باید تلاش شود تا این منابعی که در اختیار مردم قرار گرفته، توسط خود آنان مدیریت شود و در جهت ارتقاء سطح زندگی و درآمدهایشان هزینه شود.

رئیس‌جمهوری داشتن اخلاص و عشق به مردم را دو اصل مهم در خدمت‌رسانی دانست و گفت: اگر کار برای رضای خدا باشد، با قدرت بیشتری انجام خواهد شد، اما اگر کار برای رضای خدا نباشد، ارزشی نخواهد داشت و تنها موجب سقوط انسان خواهد شد.

احمدی نژاد خطاب به فرمانداران گفت: شما می‌توانید مردم را تشویق کنید تا با استفاده از بخشی از یارانه‌های دریافتی، صندوقی را تشکیل دهند و دولت نیز آنان را کمک خواهد کرد تا به واسطه آن، کارگاهی را ایجاد و به افزایش تولید کشور کمک کنند که این امر موجب افزایش درآمد آنها نیز خواهد شد.

رئیس‌جمهوری همچنین از وزیر کشور خواست در این زمینه ستادی را در وزارتخانه متبوع خود تشکیل دهد.

احمدی نژاد در ادامه به موضوع حفظ روحیه انقلابی در جوانان اشاره کرد و گفت: همه شیاطین، امروز بسیج شده‌اند تا این روحیه امید را از ملت ایران بگیرند.

رئیس‌جمهوری با بیان این که قطعاً آینده و تحولات به نفع ملت ایران رقم خواهد خورد، گفت: باید روحیه و امید را در میان جوانان تقویت کرد و برنامه ویژه‌ای را برای آنان در نظر گرفت، زیرا آینده یک ملت به جوانان آن بستگی دارد، از این‌رو باید به جوانان احترام گذاشت.

احمدی نژاد با تاکید بر این که امروز باید به جوانان اجازه بحث داد و نباید روحیه جوانان را تضعیف کرد، گفت: معلوم است که جوانان ما نباید نسبت به وضع موجود رضایت داشته باشند، زیرا در این صورت تحرکی در کشور اتفاق نخواهد افتاد؛ این جوانان هستند که باید ضعف‌ها را ببینند و بیان کنند.

رئیس‌جمهوری در بخش دیگری از سخنان خود به موضوع عمران و آبادانی در کشور اشاره کرد و گفت: همانطور که می‌دانید، بودجه کشور محدود است اما باید از آن درست استفاده کنیم زیرا می‌توانیم با صرفه‌جویی در برخی از موارد در جهت عمران و آبادانی کشور گام برداریم؛ البته دولت هیچگاه نگفته است که هزینه‌ای صورت نگیرد، بلکه حرف ما این است که در نوع مصرف باید دقت شود.

رئیس‌جمهوری در ادامه با بیان این که می‌توان با فروش بسیاری از ساختمان‌ها و املاک دولتی که مورد استفاده نیست به عمران و آبادانی کشور کمک کرد، خطاب به وزیر کشور گفت: در محدوده فرمانداری‌ها اگر اموال دولتی وجود دارد، فرمانداران می‌توانند آنها را بفروشند و پول آن را در منطقه خود برای فعالیت‌های عمرانی استفاده کنند.

احمدی نژاد افزود: امروز باید نگاه‌ها را تغییر داد، به‌خصوص در بودجه امسال که فرصت کار برای شهرستان‌ها در آن بسیار وجود دارد.

تحولات منطقه‌ای

رئیس‌جمهوری در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به تحولات اخیر منطقه به ویژه در کشور مصر، گفت: امروز غربی‌ها به دنبال آن هستند تا نگذارند انقلاب‌هایی که در بسیاری از کشورهای جهان به ویژه مصر در حال وقوع است به ثمر برسد؛ زیرا می‌دانند در چنین صورتی دولت‌هایی بر سر کار خواهند آمد که مخالف آمریکا و رژیم صهیونیستی خواهند بود.

احمدی‌نژاد خطاب به ملت و علمای مصر اظهار داشت: ملت مصر، ملتی بزرگ، تمدن‌ساز و فرهنگ‌ساز است بنابراین اگر حرکت مردم مصر به نتیجه برسد و حکومت مردمی در این کشور برقرار شود، اثرات و برکاتش به تمامی جهان خواهد رسید. از این رو غربی‌ها نمی‌خواهند اجازه دهند که مردم مصر انتخاباتی آزاد برگزار کنند.

رئیس‌جمهوری در ادامه با بیان این که امروز در دیگر کشورهای منطقه نیز شاهد بیداری فطرت‌ها هستیم، گفت: ملت‌های منطقه باید هوشیار و همدل باشند به طوری که اگر خطایی از سوی افراد و یا گروهی صورت گرفت آن خطا را با خطا پاسخ ندهند، از این رو بزرگان مصر و سایر کشورها باید سعه صدر داشته باشند و اجازه ندهند که دشمنان از خطای آنها خوشحال شوند.

احمدی نژاد در ادامه با بیان این‌که تمامی مسلمانان جهان که در توحید و عدالت با هم مشترک هستند باید با هم همدل باشند، گفت: کشورهای آزادی‌خواه هوشیار باشند و از انقلاب‌های خود مراقبت کنند، زیرا دست‌های پشت پرده استعمارگران به دنبال آن است تا این انقلاب‌ها به نتیجه نرسد.

رئیس‌جمهوری با تاکید بر این‌که امروز همه ملت‌های جهان به سرعت در حال بیدار شدن هستند، گفت: به لطف الهی همه فطرت‌ها و اندیشه‌های توحیدی به شدت در حال نزدیک شدن به یکدیگر هستند.

وی گفت: همه ملت‌های آزاده به دنبال آرزوی تاریخی بشر یعنی برقراری عدالت، توحید و پاکی هستند و به لطف خدا این شرایط تمام فضای جهان را خواهد گرفت، اما ملت‌های منطقه باید هوشیار باشند و بدانند که شیاطین دست از توطئه‌های خود برنداشته‌اند تا مدیریت این بیداری‌ها را در دست بگیرند و از سوی دیگر نگذارند که این انقلاب‌ها به سرانجام برسد.

کدخدایی در جمع فرمانداران

سخنگوی شورای نگهبان نیز در جمع فرمانداران سراسر کشور گفت: تهدیدها همواره متوجه نظام جمهوری اسلامی بوده، لیکن این نظام به دلیل اتکاء به آراء مردم، تصویب قانون اساسی و برگزاری انتخابات را تحقق بخشیده است. کدخدایی با برشمردن انتخابات به عنوان یکی از معیارهای مردم‌سالاری تاکید کرد حتی در شرایط جنگی نیز این اصل مهم هیچگاه معطل نماند.

سخنگوی شورای نگهبان تصریح کرد: دشمنان انقلاب با مشاهده این روند راه فتنه را در پیش گرفتند که ابتدا ادعاهای واهی جانبداری دستگاه‌ها مبنی بر تقلب و تخلف مطرح شد و دیگر این که یک لشکرکشی مردمی را قبل از انتخابات آغاز کردند که تا قبل از آن سابقه نداشت.

وی خطاب به فرمانداران، گفت: برقراری هماهنگی میان اعضای هیات‌های نظارت و شورای نگهبان از اصلی‌ترین وظایف فرمانداران است که سبب تسهیل در روند اجرایی انتخابات خواهد شد.

سخنگوی شورای نگهبان در عین حال رایانه‌ای شدن انتخابات را کار بسیار خوب و مبارکی دانست و ابراز امیدواری کرد در دوره‌های آینده تمامی مراحل انتخابات به صورت رایانه‌ای برگزار شود.

در ادامه این اجلاس وزیر کشور و سه تن از فرمانداران گزارش‌هایی ارائه کردند.

برگزاری آیین بزرگداشت حافظ با حضور رئیس‌جمهوری در شیراز

سرویس خبر- پانزدهمین ویژه برنامه یاد روز حافظ دیشب با حضور رئیس‌جمهوری در جوار آرامگاه این شاعر نامی کشورمان برگزار شد.

به گزارش ایرنا، در این مراسم علاوه بر محمود احمدی‌نژاد، سیدمحمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، کامران دانشجو وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و سیدمجتبی ثمره هاشمی مشاور و دستیار ارشد رئیس‌جمهوری، حضور داشتند.

در این ویژه برنامه و در حضور رئیس‌جمهوری، شاعران ایران و جهان به شعرخوانی پرداختند.

این برنامه با گلباران آرامگاه حافظ در شیراز و با حضور مسئولان ملی و محلی برگزار شد.

امسال یکصد و پنجاهمین سالگرد تولد «رابیندرانات تاگور» فیلسوف و شاعر هندی است و با توجه به علاقه شدید وی به حافظ، در این برنامه از این شاعر هندی نیز تجلیل شد. این بزرگداشت در سه بخش عمومی، علمی و تشریفاتی برگزار شد و در بخش علمی در دو محور حافظ و قرآن و نقش حافظ در شبه قاره هند مورد بررسی قرار گرفت.

در این آیین چهارجلد کتاب با نام‌های سفرنامه میرزا محمود شیرازی به بمبئی، دفتر چهاردهم حافظ‌پژوهشی، آیین مهرآیین و فصلنامه فارس شناخت رونمایی شد.

در این مراسم ۵۰ شاعر از سراسر ایران و جهان از جمله کشورهای لبنان، هندوستان، اروگوئه، بنگلادش، الجزایر، کویت، ازبکستان، اردن، عراق، دانمارک، هلند، سوریه، تونس، کرواسی، تایلند، نروژ، کره‌جنوبی، چین، ترکیه، روسیه و فیلیپین حضور داشتند.

افزایش ۴۳میلیون تن به ظرفیت فولاد کشور

تا پایان برنامه پنجم توسعه ۴۳میلیون تن به ظرفیت تولید فولاد کشور افزوده می‌شود.

علیرضا رشیدی دبیر ستاد فولاد کشور در گفت‌وگو با ایرنا در رابطه با وضع تولید فولاد کشور اظهار داشت: در حال حاضر به خاطر بحث تأمین نیاز داخلی، صادرات فولاد انجام نمی‌شود، اما واردات آن صورت می‌گیرد که با کارهای انجام شده در حوزه تولید این محصول، پیش‌بینی می‌شود تا پایان برنامه پنجم توسعه ۴۳میلیون تن به ظرفیت تولید فولاد کشور اضافه خواهد شد. وی برنامه تولید فولاد که امسال برنامه‌ریزی شده است را معادل ۱۴/۳میلیون تن تولید فولاد خام در بخش‌های خصوصی و دولتی ذکر کرد و افزود: این میزان از ۱۵/۵درصد رشد نسبت به پارسال برخوردار است.

رشیدی برنامه تولید امسال محصولات فولادی را حدود ۱۷میلیون و ۳۰۰هزار تن برشمرد و اظهار داشت: این میزان نسبت به سال گذشته حدود ۱۳/۵درصد رشد خواهد داشت. خبر دیگری در همین رابطه حاکیست میزان تولید فولاد آذربایجان در شش ماهه نخست امسال ۱۳درصد افزایش یافت. به گزارش روابط عمومی سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو)، سیدباقر مرتضوی مدیرعامل شرکت فولاد آذربایجان با بیان این مطالب گفت: این شرکت در شش ماهه نخست سال ۹۰ حدود ۲۷۲ هزار و ۵۰۰ تن محصول تولید کرد. این در حالی است که میزان تولید این شرکت در مدت مشابه سال ۸۹، حدود ۲۴۰هزار و ۵۵۶تن محصول بود.

رهبر معظم انقلاب امروز به استان کرمانشاه می‌روند

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب برای دیدار با قشرهای مختلف مردم استان کرمانشاه، امروز وارد مرکز این استان می‌شوند.

به گزارش ایرنا، دراین سفر که حدود ۱۰ روز ادامه خواهد داشت، ولی‌امر مسلمین جهان با سفر به شهرهای مختلف استان کرمانشاه با قشرهای مختلف مردم از جمله علما و روحانیون، دانشگاهیان، نظامیان، فرهنگیان، نخبگان، بسیجیان و مدیران استان دیدار خواهند کرد.

از جمله برنامه‌های نخستین روز از سفر معظم‌له به استان کرمانشاه، حضور در ورزشگاه آزادی و سخنرانی در جمع مردم این استان اعلام شده است.

رهبر معظم انقلاب همچنین قرار است با سفر به شهرهای گیلانغرب، پاوه و کنگاور از توابع استان کرمانشاه با مردم این شهرها دیدار کنند. گفتنی است که مسئولان و مردم استان کرمانشاه خود را برای استقبال چشمگیر از رهبر معظم انقلاب آماده کرده‌اند.

همچنین ایستگاه‌های صلواتی در جای‌جای شهر کرمانشاه برای پذیرایی از مستقبلین برپا شد.

اجلاس سراسری نماز امروز با پیام رهبر معظم انقلاب در بوشهر گشایش می‌یابد

سرویس شهرستانها- بیستمین اجلاس سراسری نماز صبح امروز با پیام رهبر معظم انقلاب در بوشهر گشایش یافت.

به گزارش ایرنا، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران نیز امروز در این اجلاس سخنرانی می‌کنند. محمد حسین جهانبخش استاندار بوشهر به ایرنا گفت: سفر دکتر محمود احمدی نژاد به استان بوشهر یک روزه است و در این سفر دیدار عمومی و شهرستانی ندارد.

وی گفت: رئیس‌جمهوری را در این سفر شماری از وزیران و اعضای کابینه دولت همراهی می‌کنند.

احمدی‌نژاد و کرزی تفاهم میان کشورها را نیاز امروز منطقه خواندند

روسای جمهوری ایران و افغانستان بر گسترش روابط دو جانبه دو کشور و کمک به ایجاد تفاهم و همدلی میان کشورهای منطقه برای مقابله با طراحی‌های دشمنان تأکید کردند.

دکتر محمود احمدی‌نژاد در گفت‌وگوی تلفنی با حامد کرزی، رئیس‌جمهوری افغانستان ضمن تسلیت مجدد شهادت برهان‌الدین ربانی و محکوم کردن این جنایت، اظهار داشت: با ترور ربانی مشخص شد دشمنان هرگز نمی‌خواهند فضای منطقه آرام بوده و تفاهم و همدلی در افغانستان برقرار باشد.

رئیس‌جمهوری، برهان‌الدین ربانی را شخصیتی اسلامی و انقلابی برشمرد که همواره پشتیبان خوبی برای دولت و ملت افغانستان به شمار می‌رفت و تصریح کرد: دشمنان با ترور این انسان مؤمن و دلسوز جنایت بزرگی را انجام دادند و امروز باید کمک کنیم عواطف تحریک شده ملت افغانستان در فضایی منطقی به آرامش تبدیل شود.

احمدی نژاد همچنین با تأکید بر لزوم هوشیاری کشورها و ملت‌ها نسبت به طراحی‌های دشمنان و کمک به ایجاد تفاهم و همدلی در منطقه، ادامه رایزنی و گفت‌وگو میان کشورهای ایران، افغانستان و پاکستان در قالب نشست‌های سه جانبه را اقدامی تاثیرگذار در این جهت دانست و گفت: دشمنان هرگز نمی‌خواهند برادری و دوستی در منطقه ما برقرار باشد و ما باید برای نزدیک‌کردن دل‌ها و اندیشه‌ها به همدیگر، تمامی تلاش خود را به کار گیریم.

رئیس‌جمهوری افغانستان هم در این مکالمه تلفنی با قدردانی از حسن نیت و پشتیبانی‌های ایران از دولت و مردم کشورش، ترور برهان‌الدین ربانی را سانحه‌ای بزرگ و خسارتی جبران‌ناپذیر برای ملت و دولت افغانستان ذکر کرد و گفت: افغانستان همواره از ایجاد صلح و امنیت پایدار در منطقه حمایت می‌کند، چرا که آن را به نفع تمامی ملت‌های منطقه می‌داند لذا اجلاس سه‌جانبه ایران، افغانستان و پاکستان موضوعی مهم به شمار می‌رود که قطعاً موجب تقویت فضای دوستی و همکاری خواهد شد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: پایبند نبودن به قانون ریشه معضلات کشور است

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعتقادات، عبادات و اخلاقیات را سه رکن اساسی دین مبین اسلام خواند و با تأکید بر لزوم پایبندی و اجرای همزمان و جمیع این اصول تصریح کرد: اگر به دور از سلایق شخصی، مجموع عقاید، اخلاقیات و عبادات اسلام با هم عمل شود، جامعه دارای تعادل خواهد بود و در غیر این صورت نظام جامعه اسلامی دچار اخلال و رفتار و گفتار دچار تناقض خواهد شد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در دیدار اعضای شورای مرکزی سازمان دانشجویی حزب اسلامی کار، با اشاره به این‌که براساس آیات قرآن تبعیض در اجرای اصول اسلام کفر به همراه دارد، گفت: نمی‌شود در جامعه مکرر بر عبادات و عقاید تأکید کرد و چشم بر روی اخلاقیات بست، چرا که این سه رکن با هم جامعه را اسلامی می‌سازند.

وی با اشاره به آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن»، تجسس در افکار و عقاید و زندگی مردم را از مسائل مورد مذمت دین اسلام خواند و تأکید کرد: همه ما باید هوشیار باشیم که اگر برخی اعمال و رفتار ما خلاف دستورات قرآن و اسلام است، توبه و بازگشت کنیم چرا که صلاح و اصلاح جامعه در سایه بازگشت از خطا رخ خواهد داد.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در بخش دیگری از سخنانش تقید به قانون و داشتن مجریان صالح را دو رکن اساسی حیات سیاسی هر جامعه‌ای خواند و با اشاره به این‌که ریشه بسیاری از معضلات کنونی کشور پایبند نبودن به قانون یا عمل سلیقه‌ای و گزینشی به قانون است، تصریح کرد: ایجاد تزلزل در قانون و عمل نکردن به آن، هرج و مرج و فساد به همراه خواهد داشت.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی فعال و در صحنه بودن افکار عمومی و رسانه‌های مسئول را از الزام‌های پایبندی به قانون توسط مجریان خواند و گفت: خارج کردن افکار عمومی و رسانه‌ها از حوزه نظارت بر عملکرد مسئولان کشور خسران جبران‌ناپذیری را برای جامعه به همراه دارد که مفسده اقتصادی اخیر نمونه بارز این مسأله است.

وی، هوشیاری و عمل به وظایف توسط نهادهای نظارتی را شرط تکرار نشدن و اصلاح مفاسد اقتصادی و اداری خواند و گفت: همه ارگان‌ها و سازمان‌ها باید به وظایف خود به درستی عمل و از خود سلب مسئولیت نکنند.

رئیس هیأت امنای دانشگاه آزاد اسلامی در بخش دیگری از سخنانش فعالیت آزاد و مسئولانه تشکل‌های دانشجویی را از الزام‌های دانشگاه پیشرو جامعه پویا خواند و تصریح کرد: مسئولان و تصمیم‌گیران کشور باید طوری عمل کنند تا دانشجویان و جوانان با سلایق گوناگون مشتاقانه در تشکل‌های دانشجویی حضور و کشور و انقلاب را از آن خود بدانند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، بیداری ملت‌ها را سرمایه بزرگی برای آینده خواند و گفت: افزایش آگاهی و دانش، گسترش رسانه‌های جدید و مضاعف شدن روحیه امید، آینده بهتری را برای منطقه و کشور عزیز ایران نوید خواهد داد. وی از تحولات منطقه‌ای به عنوان خیزش مبارک اسلامی نام برد و گفت: زور و تحمیل در عصر کنونی توسط افکار عمومی آگاه پذیرفته شده نیست و دیکتاتورها رفتنی و در حال نابودی هستند.

به گزارش روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام، در ابتدای این دیدار، آقایان جعفری، نمازی و صفری از اعضای شورای مرکزی سازمان دانشجویی حزب اسلامی کار به طور جداگانه گزارشی از نحوه شکل‌گیری و فعالیت این سازمان، معضلات و مشکلات پیش روی تأسیس و فعالیت تشکل‌های دانشجویی و تحولات و معضلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور ارائه کردند.

اختصاص جایزه بدون تضمین در تبلیغات خلاف قانون است

مدیر کل دفتر تبلیغات و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اختصاص جایزه و قرعه‌کشی بدون تضمین کافی در تبلیغات را از مصادیق ادعاهای خلاف قانون دانست.

به گزارش ایسنا، علیرضا کریمی با استناد به بند «ت» از ماده ۱۲ آیین‌نامه تأسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانون‌های آگهی و تبلیغاتی گفت: طبق این قانون، ذکر ادعاهای غیرقابل اثبات و مطالب گمراه‌کننده در تبلیغات ممنوع است. مدیر کل دفتر تبلیغات و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ارتباط با موضوع اختصاص جایزه و انجام قرعه‌کشی که در برخی از تبلیغات انجام می‌گیرد، گفت: در حال حاضر شاهدیم که در معرفی کالا و خدمات و حتی در تبلیغ محصولات فرهنگی نظیر فیلم‌هایی که در فروشگاه‌های مختلف عرضه می‌شود، به منظور جذب مشتری، جوایزی را با انجام قرعه‌کشی اختصاص می‌دهند که بدیهی است درصورت عدم انجام قرعه‌کشی و اهدای جوایز، این امر از مصادیق ادعاهای خلاف واقع است.

وی با استناد به قانون تبلیغات گفت: بر اساس قانون و به منظور رعایت مقررات و حفظ حقوق مردم، صاحبان آگهی‌های فوق‌الذکر ملزم هستند ضمن ارائه مستندات مربوط به انجام قرعه‌کشی و اختصاص جایزه، مجوز لازم را از دفتر تبلیغات و اطلاع‌رسانی کسب کنند و همچنین تمامی رسانه‌ها درصورت عدم دریافت مجوز فوق‌الذکر و پخش و انتشار آگهی‌های مذکور، مسئولند و طبق قانون باید نسبت به ادعای عموم مردم، پاسخگوی دستگاه قضایی کشور باشند. مدیرکل دفتر تبلیغات و اطلاع‌رسانی ضمن اینکه از هموطنان درخواست کرد که نسبت به این قبیل آگهی‌ها هشیار باشند و به آگهی‌های موردنظر بدون مجوز توجه نکنند، تاکید کرد: این ضابطه مشمول تبلیغات بانک‌ها، موسسات مالی و اعتباری و تمامی مجموعه‌های تولیدی و خدماتی و مانند آن‌ها نیز می‌شود.

روایت روزهای سفر رهبر معظم انقلاب به کرمانشاه(۱)

تابلوهای مسیر، لحظه به لحظه فاصله‌مان تا کربلا را نشان می‌دهد. به عبارتی، داغ مسافرین کرمانشاه همیشه تازه است: نانوایی زائران کربلا، نهال‌کاری حاشیه راه کربلا، ترمینال کربلا.... در هر بخشی از مسیر کرمانشاه، نشانه‌ای از کربلا را می‌توان یافت.

ظهر به کرمانشاه می‌رسیم؛ چند روزی زودتر از رهبر معظم انقلاب. کمی استراحت می‌کنیم تا غروب دوستی دنبالمان بیاید و ستاد استقبال مردمی از رهبر معظم انقلاب را نشانمان بدهد. کمی از مرکز شهر دور می‌شویم. ستاد را در کوچه پس کوچه‌ای تاریک پیدا می‌کنیم. خانه‌ای که تعدادی جوان به ضرب و زور، کرایه کرده‌اند و جلو در آن را چراغ رنگی و چند پوستر از رهبری زده‌اند.

دوست همراهمان ظهر آنجا رفته و کمی از فعالیت‌هایشان پرسیده است. وقتی که وارد خانه می‌شویم، تعدادی جوان لاغر را می‌بینیم که شام می‌خورند. بعد از سلام و احوالپرسی از کارهایشان در این ستاد می‌پرسیم -و اول با جدیت از ما می‌پرسند که از کدام روزنامه یا خبرگزاری آمده‌ایم؟- و وقتی می‌فهمند از سایت نشر آثار رهبری برای روایت و عکاسی حاشیه‌های سفر آمده‌ایم، با لبخند همه چیز را کامل برایمان تعریف می‌کنند.

می‌گویند از سه هفته پیش که شایعه حضور «آقا» در شهر به واقعیت نزدیک شده است آنها فعالیت‌شان را شروع کرده‌اند.

مسئول محتوایی ستاد استقبال اول از همه تاکید دارد که این ستاد با کمک‌های مردمی تشکیل شده که شامل کمک هیأت‌ها، خیرین و مردم است. بعد، از ایستگاه‌های صلواتی‌ای می‌گوید که در این روزها برپا کرده‌اند و ویژه‌نامه‌ای که برای ورود رهبری آماده کرده‌اند و توضیح می‌دهد که می‌خواهند این بچه‌های جمع‌شده در این ستاد را برای کارهای فرهنگی در استان، در آینده هم دور هم جمع کنند.

همزمان با این توضیحات، برای ما غذا می‌آورند و سفره‌ای می‌چینند. فضای قدیمی خانه آدم را می‌گیرد. لهجه همه‌شان کردی است. از کرمانشاه می‌گویند که هندوستان ایران است و از هر دسته‌ای در آن می‌توان یافت. از شهید جعفری کرمانشاهی‌ها می‌گویند که شهید صیاد شیرازی در رثایش حرف زده است و انگار همه جوانان شهر خاطره‌ای از او در سر دارند.

وقتی قرار است خداحافظی کنیم یک وانت‌بار که کمک‌های مردم را برای ستاد جمع کرده، می‌رسد به این خانه قدیمی؛ و همگی بچه‌ها برای کمک می‌آیند دم در. در راه برگشت به محل اسکان، ایستگاه‌های صلواتی زیادی را در شهر می‌بینیم. گفتگو می‌کنیم با جوان‌هایی که برای کمک به این ایستگاه‌ها آمده‌اند و بین مردم شربت و عکس‌های رهبری را پخش می‌کنند. همه‌جور شکل و ظاهری هم در آن‌ها هست؛ از مشکلات استان می‌پرسیم و اکثرشان از بیکاری می‌گویند و این که مسئولین دست از اختلاف بردارند و آخر سر از علاقه‌شان به رهبر معظم انقلاب می‌گویند.

دوجوان دیگر که از طرف هیأتشان ایستگاه زده‌اند، می‌گویند این یک هفته حال و هوای شهر عوض شده است و امشب را باید درون ایستگاه بخوابند و از وسیله‌ها مراقبت کنند. هم سن هستیم. آنها شب را بیدار می‌مانند و من روایت می‌کنم و دیگری...

دیر وقت است که به محل اسکانمان می‌رسیم. شهر به آرامش شبانه خود فرورفته است. همه می‌دانند که چند روز شلوغ در پیش است.

قرار است بیش از یک هفته نفس‌گیر را روایت کنیم. دیدار امام و امت. دیداری که ۲۲ سال چشم‌انتظار آن بوده‌اند. البته هر کس برای این دیدار کاری می‌کند. نیروی انتظامی امنیت را برقرار می‌کند، عکاسان تصاویر را ثبت می‌کنند و من روایت می‌کنم.

حامد هادیان

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی: وقوع برخی فسادها در جامعه نگران کننده است

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی از مراجع عظام تقلید قم خواستار تسریع در محاکمه و صدور احکام ضاربان دو طلبه‌ای که در تهران به دلیل امر به معروف و نهی از منکر آسیب دیدند، شدند.

به گزارش ایرنا، ایشان دیروز در دیدار جمعی از فرمانده‌هان انتظامی استان قم خاطرنشان کردند: مسؤولان امر برخی موانع را دلیل صادر نشدن احکام مربوطه دانسته‌اند، اما این موانع حتما لاینحل نیست و باید برطرف شود.

این مرجع تقلید بابیان این که نیروی انتظامی باداشتن وظایف بسیار حساس کارنامه و عملکرد خوبی در کشورمان دارد، گفت: امنیت در جامعه و زندگی انسان‌ها حرف اول را می‌زند و بدون وجود آن، توسعه و پیشرفت در هیچ عرصه‌ای حاصل نمی‌شود.

ایشان بر ضرورت همکاری دستگاه‌های اجرایی و مردم با نیروی انتظامی برای برقراری امنیت تاکید کردند و گفتند: مردم باید هم خود بر رعایت قوانین اهتمام داشته باشند، هم تخلفات و موارد مشکوک را به نیروی انتظامی اطلاع دهند و نهادهای مسؤول هم باید بنا را بر صداقت بگذارند و موضوع را پیگیری کنند و دستگاه قضایی هم برای به ثمر نشستن تلاش نیروی انتظامی باید در اسرع وقت پرونده متخلفان به ویژه پرونده‌های امنیتی را رسیدگی و آنها را مجازات کند.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی با اشاره به نقش حوزه‌ها و مدارس علمیه در برقراری امنیت در جامعه و کاهش تخلفات خاطرنشان کردند: اگر اعتقادات مردم تقویت شود و آنها به عقوبت جرم و گناه آگاه باشند، جلو بسیاری از تخلفات هم گرفته می‌شود: وقوع برخی فسادهای اخلاقی و افزایش طلاق در جامعه پیام نگران‌کننده‌ای برای مسؤولان دارد که باید به شدت مورد توجه قرار گیرد.

ایشان معضل تصادفات موتورسواران را هم مورد توجه قرار دادند و گفتند: برخی موتورسواران گویی از همه قوانین شرعی، عرفی و انتظامی معافند و از هرکجاکه بخواهند عبور می‌کنند که برای حل این معضل هم باید تدابیر ویژه‌ای اندیشیده شود.

حفظ جایگاه بین‌المللی قم

آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی از مراجع تقلید هم گفتند: مسئولان تلاش کنند جایگاه بین‌المللی قم حفظ شود و اگر این شهر نمونه شود افتخاری برای همه است.

به گزارش ایرنا، ایشان دیروز در دیدار با شهردار جدید قم گفتند: شهر قم مرکز علم و دین است و شکوه و عظمت خاصی دارد که باید همواره برای حفظ آن کوشید.

اخبار کوتاه

ایران بدون هیچ قید و شرطی آماده کمک به ارتش لبنان است

غضنفر رکن آبادی سفیر ایران در لبنان ـ در ملاقات با «فایز غصن» وزیر دفاع لبنان درباره همکاری‌های دفاعی بین دو کشور گفت‌وگو کرد.

به گزارش (ایسنا)، وزیر دفاع لبنان در این دیدار با تشکر از حمایت‌های ایران از لبنان و دفاع از حقوق جهان عرب و اسلام گفت: ما به این حمایت‌ها افتخار می‌کنیم.

فایز غصن آمادگی خود را برای سفر به ایران در آینده نزدیک اعلام کرد.

سفیر ایران هم با اشاره به سخنان رئیس‌جمهوری لبنان مبنی بر این که بیروت هنوز پاسخ رسمی از تهران را برای گسترش همکاری‌های دفاعی دریافت نکرده است، به توانمندی ایران در عرصه‌های مختلف از جمله در صنایع دفاعی اشاره کرد و اظهار داشت: ایران برای ارائه کمک به ارتش لبنان و گسترش همکاری‌های دفاعی دو کشور رسما و بدون هیچ قید و شرطی آمادگی دارد.

رکن آبادی افزود: در شرایطی که شاهد تجاوزهای روزانه هواپیماهای رژیم صهیونیستی برفراز آسمان لبنان هستیم، توسعه این همکاری‌ها را ضروری می‌بینیم.

تکذیب شلاق زدن یک جوان به جرم توهین به رئیس‌جمهوری

مرکز ارتباطات، اطلاعات و تبلیغات ریاست جمهوری با صدور اطلاعیه‌ای جوسازی‌های برخی رسانه‌های ضد انقلاب و معاند نظام در مورد شلاق زدن یک جوان به جرم توهین به رئیس‌جمهوری را کذب محض و مغرضانه دانست.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، در پی انتشار خبری درباره اجرای حکم شلاق به دلیل توهین به رئیس‌جمهوری و جوسازی مغرضانه رسانه‌های بیگانه و ضد انقلاب علیه دولت، به اطلاع می‌رساند که از سوی رئیس‌جمهوری و مجموعه دولت هیچ‌گونه شکایتی در این مورد انجام نشده‌است. ضمن این‌که رئیس‌جمهوری در سال‌های گذشته به طور مکرر صراحتا تاکید کرده‌اند که با برخوردهای قهرآمیز مشابه مورد مذکور به شدت مخالف بوده و این شیوه را مناسب نمی‌دانند.

انتقال پیکرهای ۵۰ شهید دفاع مقدس به کشور

مدیرکل روابط عمومی بنیاد شهید و امور ایثارگران گفت: در پی موافقت دولت عراق، تبادل و انتقال پیکرهای ۵۰ شهید دفاع مقدس به ایران، به‌زودی صورت می‌گیرد.

حسن خسروآبادی در گفت‌وگو با ایرنا، در مورد مکان دفن این شهدا افزود: محل دفن ۵۰ شهید ایرانی در منطقه دراجی عراق و نزدیک مرز شهرستان مهران در استان ایلام پیش از این محرز شده بود. وی گفت: خوشبختانه با پیگیری استاندار ایلام در سفر اخیر نمایندگان عراقی به این شهرستان، موافقت دولت عراق با انتقال شهدای این منطقه به ایران اعلام شد.

نشست سه‌جانبه ایران، عربستان و کویت در مورد مرز دریایی

وزیر امور خارجه کویت دیروز اعلام کرد که نشست سه جانبه ایران، عربستان سعودی و کویت برای حل مناقشه برسر مرزهای دریایی برگزار می‌شود.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از کویت، شیخ محمد الصباح به دنبال ملاقات با علی‌اکبر صالحی همتای ایرانی‌اش در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت: این مسأله در حقیقت یک موضوع فنی است، اما به اتخاذ تصمیمی سیاسی از طرف ایران، عربستان سعودی و کویت نیاز خواهد داشت.

وی بدون اشاره به تاریخ برگزاری نشست موردنظر افزود: پیشنهاد برگزاری این نشست سه‌جانبه ارائه شده و ایران به طور کلی با آن موافقت کرده است.

وزیر امور خارجه کویت همچنین گفت که محور مذاکراتش با علی‌اکبر صالحی به طور کلی بر مسأله مرز دریایی متمرکز بوده است.

حدیث روز

امام علی علیه‌السلام:
العَقلُ یَهدی وَیُنجی وَالجَهلُ یُغوی وَیُردی
خرد هدایت کند و برهاند ونادانی گمراه وهلاک کند

آیت‌الله حسینی بوشهری:

اختصار و همه فهم بودن از ویژگی‌های بارز تفسیر بلاغ است



امام جمعه قم با اشاره به ویژگی‌های تفسیر بلاغ گفت: این تفسیر نتیجه سالها تلاش آیت‌الله میرمحمدی در یک جلسه دوره مباحث تفسیری است.

آیت‌الله حسینی بوشهری در گفتگو با «رسا» با اشاره به ویژگی‌های تفسیر بلاغ گفت: هرچند در بحث‌های تفسیری نیازمند تبیین آیات قرآن به صورت گسترده و شامل همه دیدگاهها هستیم اما از آنجا که عموم مردم با مبانی تفسیری آشنا نیستند و مطالعات گسترده دینی هم ندارند نیازمند تفاسیری هستیم که علاقه‌مندان را در مدت کوتاهی با بحث‌های تفسیری آشنا کند و تفسیر بلاغ با توجه به اختصار وقابل فهم بودن برای همه اقشار مردم این ویژگی را داراست.

وی با بیان این که تفسیر بلاغ، خواننده را درگیر اقوال و نظریه‌های مختلف نمی‌کند، ادامه داد: آیت‌الله میرمحمدی برداشت کلی خود درباره آیات را در این تفسیر مطرح کرده که این مسئله به فهم بهتر تفسیر کمک می‌کند.

امام جمعه قم پرداختن به مباحث علوم قرآنی پیش از ورود به تبیین و تفسیر آیات را از دیگر ویژگی‌های تفسیر بلاغ دانست و گفت: این امر باعث می‌شود تا خواننده با کلیاتی از مسائل علوم قرآنی مانند کیفیت نزول آن، وحی و کیفیت ملاقات جبرئیل با پیامبر(ص)، نسبت الفاظ قرآن کریم به خداوند و فواتح و اوایل سوره‌ها وارد بحث‌های تفسیری شود، این نکته جالبی است که در کمتر تفسیری دیده شده است.

وی با بیان این که تفسیر بلاغ در عین اختصار یک تفسیر ادبی به شمار می‌رود، ادامه داد: نویسنده در ضمن معنا کردن واژه‌ها به نکات ادبی موجود در آیات هم پرداخته است.

آیت‌الله حسینی بوشهری افزود: بلاغ یک تفسیر قرآن به قرآن است چرا که برای تفسیر یک آیه از آیات دیگر قرآن استفاده شده است، افزون بر این از روایات اهل بیت(ع) هم بهره می‌گیرد که در کمتر تفسیری به چشم می‌آید.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بیان داشت: در تفسیر بلاغ به نکات تاریخی هم تکیه شده است. کمک گرفتن از مقوله تاریخ برای تبیین مباحث تفسیری کار مفید و لازمی است.

وی ادامه داد: در تفسیر بلاغ در تبیین آیات مرتبط به هم، خواننده در یک نگاه کلی با تفسیر آن آیات آشنا می‌شود و پس از آن به تفسیر الفاظ می‌پردازد.

امام جمعه قم خاطر نشان کرد: جمع کردن همه این ویژگی‌ها در یک تفسیر مختصر نشان دهنده توجه و اشراف نویسنده به مباحث تفسیری است و در حقیقت آیت‌الله میرمحمدی در استخراج این ویژگی‌ها در یک کار طولانی مدت رنج فراوانی برده است. وی در پایان گفت: آیت‌الله میرمحمدی از چهره‌های مبارز و حاضر در صحنه پیش از انقلاب است که با امضای اطلاعیه‌های مخالف با دستگاه ستمشاهی شناخته شده بود و پس از انقلاب هم در مسؤولیت‌های مختلف قضایی و دانشگاهی نقش آفرین و موثر بود و امروز هم به عنوان یکی از چهره‌های شاخص جامعه مدرسین حوزه علمیه قم شناخته می‌شود که امید است نهادهای مختلف علمی و فرهنگی بتوانند ضمن استفاده از تفسیر بلاغ، تجلیل و تکریم شایسته‌ای هم از ایشان داشته باشند.

اولین شماره زائر منتشر شد



مدینه منوره ـ خبرنگار اعزامی اطلاعات: اولین شماره «زائر» نشریه خبری تحلیلی بعثه مقام معظم رهبری در سرزمین وحی در مدینه منوره و مکه مکرمه منتشر شد.

در اولین شماره زائر که بین زائران ایرانی سرزمین وحی توزیع شد، ضمن اطلاع‌رسانی به زائران، مطالب آموزشی و تحلیلی درباره مناسک حج هم منتشر شد.

در اولین شماره نشریه ۸ صفحه‌ای زائر این مطالب به چاپ رسیده است: خصلت‌های زائر از نگاه امام صادق(ع)، اخلاق سفر در کلام لقمان، طواف زیباترین جلوه حج، هفت توصیه برای زیارت بهتر، حج ابراهیمی از نگاه امام خمینی(ره)، چگونه راحت‌تر به زیارت برویم و ...

معرفی کتاب

چگونگی ساخت فیلم دیجیتال با هزینه کم



اگر خواهان تولید فیلم با دوربین‌های دیجیتالی و با هزینه کم هستید، «سوره مهر» کتابی منتشر کرده که در این زمینه می‌تواند راه‌گشا باشد. این کتاب با عنوان «فیلم‌سازی دیجیتال، کم‌بودجه و مستقل» نوشته «راسل ایونز» است که حمزه ابراهیم‌زاده آن را ترجمه کرده است.

به گزارش پایگاه خبری سوره مهر، این کتاب به مسائل تکنیکی سینمای دیجیتال می‌پردازد.

کتاب در ۱۰ فصل تدوین شده که در اولین فصل نگاهی اجمالی به مسئله فیلم دیجیتال و ظهور تکنولوژی در سینما شده است و در فصل‌های بعد، چگونگی ساخت فیلم دیجیتال و ابزارها تولید آن و مباحث دیگر به طور مفصل توضیح داده شده است.

کتاب «فیلم‌سازی دیجیتال، کم‌بودجه و مستقل» نوشته «راسل ایونز» و با ترجمه حمزه ابراهیم‌زاده تولید حوزه هنری خراسان رضوی است که سوره مهر آن را در ۴۸۰ صفحه، قطع رقعی و در تیراژ ۲۵۰۰ نسخه و با قیمت ۷۵۰۰ تومان منتشر کرده. این کتاب به تازگی با تغییر جلد به چاپ دوم رسیده است.

رونمایی از تمبر یادبود هفته هنر فارس باحضور وزیر ارشاد



تهران – وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، استان فارس را به لحاظ برخورداری از سرمایه‌های انسانی، فرهنگی و ادبی، غنی‌تر و برجسته‌تر از بسیاری از کشورها توصیف کرد. به گزارش ایرنا دکتر سیدمحمد حسینی دوشنبه در آیین آغاز هفته هنر استان فارس در تهران که در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد، استان فارس را بلندآوازه و از شیراز به عنوان شهری که شهره آفاق است یاد کرد.

وی افزود: حقایق فراوانی درباره این دیار وجود دارد که زبان ما قاصر از بیان همه زیبایی‌ها و شگفتی‌های آن است.

دکتر حسینی به برگزاری هفته‌های فرهنگی و هنری استانها در کشورهای منطقه که با جمهوری اسلامی ایران سنخیت دارد و دارای اشتراکات دینی، تاریخی فراوانی هستند اشاره کرد و افزود: درصدد هستیم با این حرکت، ضمن صیانت از فرهنگ و هنر ایرانی اسلامی، در معرفی و تبیین هرچه بیشتر این مهم با حضور اهالی فرهنگ و هنر و ادب تلاش مضاعفی صورت گیرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خاطرنشان کرد: اعلام شده هر استانی باید حداقل پشتیبان دو رایزنی فرهنگی در دو کشور از طریق اعزام هنرمندان، شاعران، ادیبان، نویسندگان در مناسبت‌های گوناگون به ویژه برگزاری هفته‌های فرهنگ و هنر باشد. حسینی به حضور ۴۳ شاعر از ۳۱ کشور جهان در دومین همایش شاعران ایران و جهان در شهر شیراز اشاره کرد و افزود: همواره یکی از برنامه‌های جدی ما، در استان فارس برگزار می‌شود که این امر همه نشانگر اهتمام ویژه به این استان و خطه از میهن اسلامی ایران است. وی هدف از این برنامه‌ها را علاوه بر معرفی مناظر طبیعی، اماکن تاریخی و گردشگری، آشنایی همگان با مفاخر، مشاهیر، بزرگان و شخصیت‌های ادبی و فرهنگی و هنری استان فارس عنوان کرد. عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی یادآور شد: اینکه گفته‌اند این خطه از کشور دارالفضل و یا دارالعلم است، اینها همه مصداق دارد زیرا بسیاری از بزرگان، عالمان و فرهیختگان در این دیار بوده‌اند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خاطرنشان کرد: درست است که همگان شیراز را می‌شناسند اما ابعاد فراوانی از این استان وجود دارد که باید با برگزاری اینگونه برنامه‌ها و تعاملات فرهنگی بین کشورها، بیشتر به مردم معرفی و تبیین شود.

در ادامه این مراسم با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حمید شاه آبادی معاون امور هنری وزیر ارشاد، استاندار و نماینده استان فارس در مجلس شورای اسلامی، از تمبر یادبود هفته هنر این استان رونمایی شد و همچنین جمعی از هنرمندان این دیار مورد تجلیل قرار گرفتند.

گشایش جشنواره فیلم کوتاه تهران

با تقدیر از برگزیدگان ۲۷ دوره گذشته جشنواره فیلم کوتاه تهران، دوره بیست و هشتم این جشنواره طی مراسمی در سینما« آزادی» آغاز شد.

به گزارش ایسنا، در این مراسم که دوشنبه ۱۸ مهرماه برگزار شد، هاشم میرزاخانی ـ مدیرعامل انجمن سینمای جوان ـ و دبیر این جشنواره با ارایه گزارشی از روند آماده‌سازی جشنواره بیست و هشتم گفت: در مجموع چهار هزار و ۲۳۲ اثر از ایران و ۱۰۵ کشور خارجی به دبیرخانه جشنواره ارسال شد که این تعداد نشان می‌دهد ایران در این حوزه در جایگاه بسیار خوبی قرار دارد و امیدوارم این سینمای مستقل روزی دارای جایگاه مستقلی برای نمایش شود.

در بخش دیگر آیین افتتاحیه جشنواره بیست و هشتم از تندیس جشنواره‌های منطقه‌ای سینمای جوان توسط شمقدری رونمایی شد.

در این مراسم شمقدری معاون امور سینمایی، خبر از تدوین آئین‌نامه‌ای برای خرید فیلم‌های کوتاه توسط فیلمخانه ملی داد تا به ماندگاری این آثار کمک شود.

پس از بخش سخنرانی مراسم، گروه موسیقی «محمدهاشم احمدون» به اجرای برنامه سنتی پرداخت و پایان بخش مراسم افتتاحیه تقدیر از استادان دفاتر سینمای جوانان بود که با حضور شمقدری، سجادپور، اسلام‌لو و میرزاخانی انجام شد. در پایان مراسم نمایشگاه «مایکل کنا» عکاس انگلیسی، در سینما «آزادی» افتتاح شد.

این مراسم با پخش کلیپ ویژه میلاد امام رضا(ع) و قرائت پیام رئیس‌جمهوری توسط دبیر جشنواره آغاز شد.

دکتر محمود احمدی نژاد رئیس‌جمهوری، در بخشی ازاین پیام آورده است: اهمیت فیلم کوتاه و کارکرد آن در حیطه‌های روایت، تجربه، آموزش، روشنگری، هویت‌بخشی و همچنین تأثیرگذاری برای بیان اندیشه‌های والای الهی، دینی و انسانی بر کسی پوشیده نیست و از این روست که باید فیلم کوتاه را به عنوان رباعی سینمای ایران بیش از گذشته جدی گرفت و بر جوانان هوشمند این مرز و بوم است که در سرتاسر ایران عزیز با جدیت و خودباوری، امیدوارانه برای اعتلای این بخش از سینمای اصیل کشورمان تلاش نموده و از آن پاسداری کنند.

اعضای جدید هیأت منصفه مطبوعات انتخاب شدند

اعضای جدید هیأت منصفه مطبوعات، صبح دیروز با حضور سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب شدند.

به گزارش ایرنا، جلسه انتخاب اعضای جدید هیأت منصفه مطبوعات با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس شورای شهر تهران، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه سراسر کشور و معاون دادستان کل کشور برگزار شد.

بر اساس این گزارش، ۱۰ نفر از اعضای هیأت منصفه از جمله حبیب‌الله عسگراولادی، حجت‌الاسلام والمسلمین رحیمیان، عباس شکری، علی‌اکبر کسائیان، جمال شورجه، یوسف غروی قوچانی، علیرضا سربخش، احمد مومنی راد و نصیرالدین نیک‌نژاد و خانم منیره نوبخت مجدداً به عنوان اعضای این هیأت در دور جدید نیز انتخاب شدند.

همچنین عیسی زارع‌پور، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدرضا آقامیری، نادر قدیانی، جواد نجم‌الدین، مینو اصلانی، پروین سلیحی، سیداحمد زرهانی، ایرج سبقتی، محمود خسروی وفا، احمد بیگی حبیب‌آبادی و حجت‌الاسلام والمسلمین شهاب مرادی نیز به عنوان اعضای جدید هیأت منصفه مطبوعات انتخاب شدند.

بر اساس این گزارش، حبیب کاشانی، محمدحسین موسی‌پور، حسن حمیدزاده، مرتضی آخوندی، عفت شریعتی، عبدالصمد خرم‌آبادی، زهرا مشیر، روح‌الله جمعه‌ای، سیدفضل‌الله موسوی، مهدی فضائلی و محمد صادقی مقدم از اعضایی هستند که از ترکیب جدید هیأت منصفه مطبوعات خارج شدند.

برگزاری کنسرت شب باغچه‌بان در تالار وحدت



ارکسترهای سمفونیک «ویولت» و مجلسی «آرس نوا» در دومین شب از دوازدهمین جشن خانه موسیقی، قطعاتی را از زنده یاد ثمین باغچه‌بان اجرا کردند. به گزارش ایرنا، در ابتدای این کنسرت که دوشنبه، در تالار وحدت برگزار شد، پس از پخش نماهنگی از زنده یادان ثمین و اولین باغچه بان به کارگردانی و تهیه کنندگی محمدرضا جعفری، ارکستر سمفونیک ویولت قطعه اهل کاشانم را اجرا کرد.

شعر گوش کن اثر سهراب سپهری دومین قطعه‌ای بود که این ارکستر به رهبری فرزاد نوشاد و خوانندگی مسعود یکتا به اجرا رساند.

هیچستان عنوان قطعه سومی بود که ارکستر سمفونیک ویولت با بهره گیری از اشعار سهراب سپهری آن را در سالن تالار وحدت در حالیکه پشت سر اعضای گروه، تصویر بزرگ اولین و ثمین باغچه‌بان خودنمایی می‌کرد، اجرا شد.

همچنین این گروه در ادامه کنسرت، قطعات اینجا کسی ست پنهان و تیز دوم از اشعار مولانا را اجرا کردند که با استقبال حاضران در سالن مواجه شد.

سوئیت آذربایجانی عنوان قطعه‌ای بود که ارکستر سمفونیک ویولت آن را تقدیم به روح بزرگ اولین و ثمین باغچه‌بان، به پاس زحمات بی شائبه آنان برای آموزش و اشاعه موسیقی ایران زمین، اجرا کرد.

همچنین ارکستر مجلسی «آرس نوا» به سرپرستی آرمین قیطاسی در ادامه، شش قطعه برای کوئینتت بادی اثر جورج لیگتی با عنوان‌های آلگرو کن اسپیریتو، رباتو، کن اسپیریتو، آلگرو گرازیوسو، پرستو، آداجیو، مستو و ملتو ویواچه، کاپریچیسو را اجرا کرد. همچنین این گروه در ادامه، سوئیت بومی وار شامل قطعات آذربایجانی، دوره گرد، شرکو اثر زنده یاد ثمین باغچه بان را با تنظیم مجدد برای کوئینتت بادی و پیانو از میلاد عمرانلو اجرا کرد.

کوتاه آموزشی

ورود بدون کنکور فنی حرفه‌ای‌ها به مقاطع بالاتر از سال آینده

رئیس دانشگاه فنی و حرفه‌ای از حذف کنکور برای دانشجویان رتبه‌های برتر این دانشگاه خبر داد و گفت: دانشجویان رتبه‌های برتر فنی و حرفه‌ای می‌توانند از سال آینده بدون کنکور ادامه تحصیل دهند.

سهراب رضایی در گفت‌وگو با مهر یادآور شد: دانشجویان رتبه‌های برتر دانشگاه‌های کشور طبق آیین‌نامه استعدادهای درخشان وزارت علوم می‌توانند بدون کنکور وارد مقاطع تحصیلی بالاتر شوند.

رضایی ادامه داد: اگر دانشجوی کاردانی فنی‌وحرفه‌ای، رتبه برتر باشد، می‌تواند بدون کنکور وارد مقطع بالاتر یعنی کارشناسی و اگر دانشجوی نمونه کارشناسی باشد، می‌تواند بدون کنکور وارد مقطع کارشناسی ارشد دیگر دانشگاه‌ها شود. چون دانشگاه فنی و حرفه‌ای مقطع کارشناسی ارشد ندارد.

اطلاعیه وزارت علوم درباره جلسه هیأت امنای دانشگاه آزاد

وزارت علوم با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که برگزاری جلسه هیأت امنای دانشگاه آزاد در حال پیگیری است.

به گزارش فارس، در پی انتشار اخباری مبنی بر برگزاری جلسه هیأت امنای دانشگاه آزاد اسلامی برای تعیین رئیس این دانشگاه بعد از برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی و طرح این موضوع از قول وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در برخی رسانه‌ها، روابط عمومی وزارت علوم با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: چنین مطلبی از سوی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری مطرح نشده است. ضمن این که برگزاری جلسه در حال پیگیری است که با فراهم شدن شرایط برگزار خواهد شد.

اعلام نتایج متقاضیان کارشناسی ارشد استعدادهای درخشان پیام نور

رئیس مرکز آزمون دانشگاه پیام نور از اعلام نتایج متقاضیان ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد با استفاده از تسهیلات استعدادهای درخشان در این دانشگاه خبر داد و گفت که ۷۲۹ نفر از این طریق پذیرفته شده‌اند. محمد هادی امین ناجی در گفت‌وگو با ایرنا افزود: اسامی پذیرفته‌شدگان استفاده از تسهیلات استعدادهای درخشان برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد از دیروز ۱۹ مهر بر روی پایگاه اینترنتی سازمان سنجش به نشانی sanjesh.org قرار گرفته است.

امین ناجی، شمار پذیرفته‌شدگان استعداد درخشان دانشگاه پیام نور سال ۹۰ در مقطع کارشناسی ارشد را ۷۲۹ نفر در ۳۲ رشته گرایش اعلام کرد و افزود: پذیرش این افراد براساس معدل کارشناسی و انتخاب رشته‌های آنان صورت گرفته است. به گفته این مسئول، ثبت‌نام از دانشجویان استعداد درخشان کارشناسی ارشد پیام نور از ۲۴ مهر آغاز می‌شود و پذیرفته‌شدگان باید با مراجعه به سامانه جامع آموزشی گلستان ویژه دانشگاه پیام نور، مراحل ثبت‌نام اینترنتی خود را انجام دهند.

کنکور کاردانی به کارشناسی دانشگاه آزاد دوباره برگزار می‌شود

رئیس مرکز آزمون دانشگاه آزاد اسلامی گفت: کنکور کاردانی به کارشناسی دانشگاه آزاد بار دیگر برگزار می‌شود، اما زمان ثبت‌نام هنوز قطعی نشده و به‌زودی اعلام می‌شود. عبدالله سجادی جاغرق در گفت‌وگو با مهر افزود: چون امسال تاریخ برگزاری آزمون کارشناسی ناپیوسته با تغییر داده بودیم، داوطلبان گلایه کردند. بنابراین کنکور کارشناسی ناپیوسته بدون هیچ تغییری برای جاماندگان بار دیگر برگزار می‌شود. کنکور کاردانی به کارشناسی (کارشناسی ناپیوسته) سال ۹۰ دانشگاه آزاد اسلامی ۱۸ شهریور برگزار شد. این درحالی است که مرکز آزمون دانشگاه آزاد، این کنکور را در سال‌های گذشته در فصل پاییز برگزار می‌کرد.

موافقت با ایجاد ۱۹ رشته در ۳ مقطع تحصیلی

شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم ایجاد ۸ رشته در مقطع کارشناسی ارشد، ۱۰ رشته در کارشناسی و یک رشته را در مقطع کاردانی دانشگاه‌های کشور تصویب کرد.

به گزارش مهر، شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم با ایجاد رشته‌های تحصیلی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام در دانشگاه پیام نور واحد بین‌الملل قشم، مدیریت مالی در دانشگاه الزهرا(س)، محیط زیست دریا در دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر، علوم باغبانی در دانشگاه صنعتی شاهرود، علوم قرآن و حدیث در دانشگاه اراک، نانو شیمی در دانشگاه‌های تبریز و رازی کرمانشاه و دوره کارشناسی ارشد فرش در دانشگاه کاشان موافقت کرد. این شورا، ایجاد رشته‌های کارشناسی مهندسی برق در دانشگاه کاشان، مهندسی معماری در دانشگاه قم، بیوتکنولوژی کشاورزی در مجتمع آموزش عالی جهرم، مکانیک ماشین‌های کشاورزی در دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین، مهندسی مواد در دانشکده فنی و مهندسی گلپایگان، علوم مهندسی و مهندسی شهرسازی در مجتمع آموزش عالی کازرون را نیز به تصویب رساند. موافقت با ایجاد رشته‌های کارشناسی ناپیوسته مهندسی سخت‌افزار کامپیوتر در مرکز آموزش عالی شهرضا و فرش در دانشگاه هنر اسلامی تبریز و رشته کاردانی علمی کاربردی ارتباطات و فناوری اطلاعات در دانشکده فنی مهندسی تربت‌حیدریه از دیگر مصوبات شورای گسترش آموزش عالی است.

حذف و اضافه دانشجویان دانشگاه پیام نور تا ۲۱ مهر ادامه دارد

معاون سنجش و آموزش دانشگاه پیام نور با اشاره به آغاز حذف و اضافه دانشجویان این دانشگاه مهلت آن را تا ۲۱ مهر اعلام کرد.

به گزارش فارس عبدالله معتمدی افزود: دانشجویان دانشگاه پیام نور باید تا ۲۱ مهر به سامانه گلستان مراجعه و اقدام به حذف و اضافه کنند.

ثبت‌نام دانش آموزان برای آموزش مجازی در نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال

اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش آموزان در پنجمین نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال که در مصلای امام خمینی(ره) برگزار شده است، اقدام به ثبت‌نام دانش آموزان مقطع متوسطه برای آموزش مجازی می‌کند.

به گزارش روابط عمومی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، آموزش مجازی در غرفه ۴۴۶ و ۴۴۷ بخش دانش آموزی نمایشگاه به صورت کلاس‌های آنلاین صوتی و تصویری با حضور مجرب‌ترین استادان و معلمان تهران انجام می‌شود.

دکتر حداد عادل: کتابخانه آستان قدس ذخیره فرهنگی است

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: کتابخانه آستان قدس رضوی یکی از ذخایر فرهنگی با قدمت ۱۲۰۰ ساله است.

دکتر غلامعلی حداد عادل گفت: وجود مضجع پاک امام رضا(ع) در ایران به چهل چراغی شباهت دارد که در کل کشور روشن شده است و ما نیز همانطور که از چلچراغ در رواقی بهره‌مند می‌شویم، از وجود مقدس حضرت رضا(ع) و حرم مطهر ایشان به‌عنوان چلچراغ جان‌های ایرانیان بهره‌مند خواهیم شد.

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در ادامه با بیان این که یاد امام رضا(ع) و توجه به وجود این آستان در مشهد با دل‌های شیعیان، همان رفتاری را می‌کند که این گنبد طلایی درخشان با چشم‌های مجاوران می‌کند، تشریح کرد: همان‌طور که هر روز مجاوران حرم مطهر رضوی با نگاه به این گنبد دلشان روشن می‌شود، زائران این حرم مطهر نیز با یاد حضرت رضا(ع) دل خودرا صفا و جلا می‌دهند.

وی از مشهد رضوی به دانشگاهی بزرگ ملی در مقیاس ملی یاد کرد و با ذکر این که این شهر دانشگاه بزرگی برای جهان اسلام است، تصریح کرد: رغبت، علاقه و حضور معنوی در مشهد الرضا در هیچ مکان دیگری در عالم تشیع وجود ندارد و این شهر باید کانون ایمان و معنویت باشد.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در بخش دیگری از سخنانش بیاد کرد: آستان قدس رضوی با سابقه بیش از ۱۲۰۰ سال (زمان شهادت حضرت رضا(ع)) ظرفیت‌های فرهنگی فراوانی را در خودش ذخیره کرده و این ظرفیت‌های فرهنگی به معدن بزرگی شباهت دارد، و امروز ضرورت دارد این ذخایر شناخته و استخراج شوند.

وی با یادآوری این که آنچه تاکنون شناخته شده در مقایسه با آن چه وجود دارد و با مقایسه با ظرفیت‌های این مجموعه هنوز اندک است، از کتابخانه آستان قدس رضوی به‌عنوان یکی از ذخایر فرهنگی یاد کرد و اذعان داشت: اگر گفته شود که کتابخانه آستان قدس رضوی بیش از ۱۲۰۰ سال قدمت دارد، سخنی صحیح است، زیرا همانطور که این مضجع شریف وجودش در اینجا استمرار داشته کتابخانه آستان قدس رضوی نیز در این مکان مطهر استمرار داشته است، حتی در زمان هجوم دشمنان به مشهد کتاب‌ها را در میان دیوار نگهداری می‌کردند تا این کتاب‌ها از بین نرود و این سند افتخاری برای کشور است و این قدمت و اصالت جزو هویت‌های کشور ما است.

دیدار رئیس دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی از نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال

حجت الاسلام محمد محمدی گلپایگانی رئیس دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی ظهر دیروز با حضور در مصلای بزرگ امام خمینی(ره) از پنجمین نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال بازدید کرد. به گزارش ایرنا، حجت الاسلام محمدی گلپایگانی از بخش‌های جنگ نرم، دانش آموزی، نرم‌افزارهای رایانه‌ای و برخی از غرفه‌های پنجمین نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال دیدن کرد.

بر اساس این گزارش، عیسی زارع پور، رئیس مرکز رسانه‌های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس دفتر رهبر معظم انقلاب را در بازدید از نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال همراهی کرد.

وی در حاشیه بازدید خود از پنجمین نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال، استقبال نسل جوان را از این نمایشگاه مثبت ارزیابی کرد و گفت: اگر مدت زمان برگزاری این نمایشگاه افزایش یابد به طور قطع مورد استقبال سایر مردم در شهرها و استان‌های کشور قرار می‌گیرد.

حجت الاسلام محمدی گلپایگانی ادامه داد: محصولات و نرم افزارهای ارائه شده در این نمایشگاه، خانواده‌ها را از خطرات موجود در مسیر فرزندانشان آگاه می‌کند. وی با بیان این که دشمنان نظام تا پستوی برخی خانه‌ها نفوذ کرده‌اند، اظهار امیدواری کرد با تلاش مسئولان و جوانان کشور، حیله‌های دشمنان خنثی شود.

ثبت اذان شیخ محمد آقاتی درمیراث معنوی

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: به همت معاونت میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی، صدای دلنشین اذان مرحوم شیخ محمدآقاتی به عنوان اذان ثبت شده در فهرست میراث معنوی ایران اسلامی جای گرفت.

سرپرست اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی گفت: فرهنگنامه‌ها واژه اذان را آگاهی دادن و خبردادن از وقت نماز معنی کرده‌اند و از نظر مفهوم لغوی در دین اسلام، برای اعلام وقت نماز با الفاظ مخصوص است. مجتبی رجایی اظهار داشت: در همین راستا به منظور صیانت و حفاظت از یک اذان قدیمی که ویژگی‌های منحصر به فردی را به همراه داشته و با هدف نشر فرهنگ مذهبی کشور، ثبت اذان شیخ محمد آقاتی در فهرست میراث معنوی کشور (گروه سنت‌ها و نمودهای شفاهی) در سال جاری در دستور کار قرار گرفت.

معاون مطبوعاتی ارشاد: رسانه‌ها باید سند چشم‌انداز را به مطالبه ملی تبدیل کنند



معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکید کرد: رسانه‌ها باید با مدیریت خود اهداف سند چشم‌انداز را به مطالبه ملی در میان مردم تبدیل کنند.

به گزارش مهر، محمدجعفر محمدزاده ظهر دیروز در همایش «رسانه و جهاد اقتصادی در افق چشم‌انداز» که در دانشکده صدا وسیما در حال برگزاری است، با بیان اینکه تهیه و ابلاغ سند چشم انداز ۲۰ سال کشورمان حکایت از آن دارد که نظام اسلامی به ظرفیت‌های جدیدی در آینده پژوهی دست یافته است، گفت: معتقدم چشم‌انداز تکامل در نظام اسلامی به پیشرفت در صنعت محدود نمی‌شود بلکه این سند باید در ۲۰ سال آینده موجب استحکام خانواده، نواندیشی و پویایی فکری جامعه شود. معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکید کرد: توسعه و پیشرفت در فرهنگ اسلامی به دست انسان و با مشارکت شهروندان انجام می‌شود. محمدزاده ادامه داد: دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز در گرو رشد آگاهی‌های عمومی و مشارکت نخبگان در جنبش نرم‌افزاری است. وی ادامه داد: باید در افق چشم‌انداز امنیت شغلی و حمایت از اصحاب رسانه گسترش یابد تا بخش خصوصی به فعالیت در رسانه‌ها ترغیب شود.

محمدزاده با اشاره به نقش مطبوعات در تبیین اهداف سند چشم‌انداز گفت: این نقش نباید به هیچوجه مغفول بماند، رسانه‌ها باید با مدیریت و کمک به مسئولان اهداف سند چشم‌انداز را به مطالبه ملی تبدیل کنند.

نشر اولی‌ها در نمایشگاه مطبوعات حضور می‌یابند

مدیر کل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از حضور نشر اولی‌ها در حاشیه نمایشگاه مطبوعات امسال خبر داد و گفت: این نمایشگاه برای نخستین بار در طول تاریخ برگزاری نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری‌ها برگزار می‌شود.

به گزارش کمیته اطلاع رسانی هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی مطبوعات وخبرگزاری‌ها پدرام پاک آیین افزود: نشر اولی‌ها، نشریاتی را شامل می‌شود که برای نخستین بار در طول سال گذشته و امسال پا به عرصه انتشار گذاشته و نخستین شماره خود را منتشر کرده‌اند. این مقام مسئول در معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان اینکه نمایشگاه مطبوعات امسال با گذشته تفاوت‌های اساسی دارد، گفت: یکی از این تفاوت‌ها ایجاد یک کانون فرهنگی و رسانه‌ای جدی با عنوان سرای روزنامه نگاران ایران در نمایشگاه مطبوعات است.

ضرغامی: رسانه‌ها باید به مردم امید بدهند

رئیس سازمان صداو سیما گفت: رسانه‌ها باید به مردم امید بدهند که کشور در ریل خودش است. ممکن است مشکلاتی توسط هر فرد یا هر نهادی به وجود بیاید یا وقفه‌ای در کار کشور ایجاد شود اما کشور در ریل چشم‌انداز است.

بنا براین گزارش، همایش «رسانه و جهاد اقتصادی در افق چشم‌انداز»، صبح دیروز سه‌شنبه ۱۹ مهرماه با حضور محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، عزت‌الله ضرغامی رئیس سازمان صدا و سیما، شهرام گیل آبادی معاون اطلاع‌رسانی و پژوهش دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، محمدجعفر محمدزاده معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیران و اهالی رسانه در سالن آمفی تئاتر دانشکده صدا و سیما برگزار شد.

رئیس سازمان صدا و سیما با اشاره به مستندی که درباره رهبر معظم انقلاب توسط شبکه BBC فارسی پخش شد، گفت: دشمنان فکر می‌کنند با مستندسازی می‌توانند خط و نشانی منفی از رهبر انقلاب نشان دهند در حالی که ناخواسته مبلغ افکار و سخنان ایشان شده‌اند و ناخودآگاه مواردی از برتری‌های ایشان را نشان داده‌اند. چون این برتری‌ها برای مردم دنیا واضح است که یکی از این برتری‌ها مدیریت و برنامه‌ریزی ایشان است که در ۲۰ سال اخیر داشته‌اند. البته آن‌ها با قصد و نیت دیگر این کار را کردند و قصدشان این بود که جایگاه مرجعیت رهبری را تضعیف کنند اما این یک امتیاز است که مرجعی در مسائل اداره کشور سرآمد باشد.

رئیس سازمان صدا و سیما با اشاره به موضوع امیدبخشی رسانه در جامعه گفت: فرض کنیم یک کشتی در دریا باشد و شایع شود که قطب‌نمای ناخدا مفقود شده و کشتی راهش را گم کرده است. ساکنان کشتی بهتر است به این موضوع امید داشته باشند که هر چند دیر و با سرعت کند به مقصد خواهند رسید خیلی بهتر از این است که سرعتشان تند باشد و باد موافق هم بوزد ولی به پیدا کردن راه امید نداشته باشند. ما رسانه‌ها باید به مردم امید بدهیم که کشور در ریل خودش است. ممکن است مشکلاتی توسط هر فرد یا هر نهادی به وجود بیاید یا وقفه‌ای در کار کشور ایجاد شود اما کشور در ریل چشم‌انداز است.

نکوداشت زنده یاد عباس بلوکی فر برگزار شد

بیست‌ودومین نشست پژوهشی نگارخانه برگ به بزرگداشت عباس بلوکی‌فر هنرمند فقید نقاشی قهوه‌خانه‌ای اختصاص داشت که با حضور هادی سیف پژوهشگر هنرهای ایرانی و نقاشی قهوه‌خانه‌ای، نعمت‌الله کیکاوسی مدیر سابق موزه هنرهای زیبا کاخ سعدآباد و علی اصغر بلوکی‌فر فرزند این هنرمند برگزار شد.

به گزارش فارس، هادی سیف در این مراسم متنی روایی را که به همین مناسبت نوشته بود خواند.

هادی سیف در خاتمه با تأکید بر این که با از دست دادن عباس بلوکی‌فر در واقع ما یک مورخ را از دست داده‌ایم که طلایه‌دار نقاشی مردمی ایران بوده است، خواستار انتشار کتابی مستقل در یادبود این هنرمند شد.

نعمت‌الله کیکاوسی مدیر سابق موزه هنرهای زیبا کاخ‌موزه سعدآباد در مراسم نکوداشت عباس بلوکی‌فر گفت: عباس بلوکی‌فر از باسوادترین، مردمی‌ترین و پرکارترین نقاش قهوه‌خانه‌ای است که ۶۰ سال از عمر ۷۶ ساله‌اش را صرف نقاشی قهوه‌خانه‌ای و احیاء این هنر کرد، او در طول زندگی‌اش حدود هزار تابلو با موضوعات رزمی، بزمی و مذهبی آفرید که حدود ۳۰۰ تابلو از آثارش را از نزدیک دیده‌ام و حدود ۱۰۰ تابلو از این هنرمند نیز در اختیار نگارخانه «عقیلی» است.

کیکاوسی در بخش دیگری از سخنانش از حضور «نیکولا» دبیر اول سفارت گرجستان در این مراسم خبر داد و گفت: قرار است نمایشگاهی از آثار نقاشان قهوه‌خانه‌ای در تفلیس برگزار شود که بخش اعظم این تابلوها را از طریق نگارخانه عقیلی تهیه خواهند کرد و از دیگر نقاشان قهوه‌خانه‌ای هم دعوت شده است تا آثارشان را ارائه کنند. در ادامه مراسم نکوداشت عباس بلوکی‌فر، محمد فراهانی که در مراسم حضور داشت در سخنان کوتاهی گفت: من برای دوستم که چند سالی با هم بودیم و اکنون در بستر بیماری است بسیار ناراحتم و توان سخن گفتن ندارم اما باید بگوییم ما آن سال که در فرهنگسرای نیاوران در کنار دیگر نقاشان قهوه‌خانه‌ای کار می‌کردیم در خدمت عباس آقا بلوکی‌فر بودیم و نکات بسیاری را از او آموختیم.

علی‌اصغر بلوکی‌فر فرزند عباس بلوکی‌فر سخنران بعدی این مراسم بود که خودش را به عنوان مرید استاد بلوکی‌فر معرفی کرد.

علی‌اصغر بلوکی‌فر همچنین خواستار راه‌اندازی بنیادی برای حفظ ونگهداری از نقاشی قهوه‌خانه‌ای شد و گفت: با تشکیل این بنیاد می‌توان از هنرمندانی که در قید حیات هستند تجلیل کنیم و اجازه ندهیم که بعد از مرگ هنرمند از او یاد شود تا زمانی که در قید حیات هستند از آن‌ها قدردانی کنیم و به امورات زندگی آن‌ها رسیدگی کنیم.

پایان بخش این مراسم اجرای تک‌نوازی تار و پخش فیلمی درباره زندگی و آثار عباس بلوکی‌فر بود و در ادامه نمایشگاه آثار این هنرمند فقید گشایش یافت.

کوتاه فرهنگی

تولید نخستین سری کتاب‌های گویای قرآنی

رئیس موسسات قرآنی تفسیر جوان از تولید و انتشار نخستین کتاب‌های تفسیر موضوعی قرآن کریم به صورت گویا ـ صوتی ـ خبر داد.

به گزارش ایرنا، محمد بیستونی افزود: شرایط دنیای صنعتی کنونی و محدودیت زمان برای مطالعه ایجاب می‌کند که روش‌های آموزشی و پژوهشی قرآن کریم متحول شود، از این رو موسسه قرآنی تفسیر جوان اقدام به تولید کتاب‌های تفسیر موضوعی قرآن به صورت گویا کرده است.

وی تصریح کرد: این کتاب‌ها که در موضوعات متنوع و کاربردی و مورد نیاز جامعه به ویژه جوانان تولید شده و بر اساس متن خلاصه شده تفاسیر موضوعی منتشر شده است.

وی افزود: اکنون ۱۲ سری از این کتاب‌ها به همت یکی از حافظان قرآن کریم خوانده و با کمک جامعه نابینایان کاشان صدابرداری، تدوین و ضبط شده است.

تغییر زمان برگزاری نشست بررسی آثار استاد حسین علیزاده

دومین نشست موسیقی بررسی آثار استاد حسین علیزاده در شهر کتاب که قرار بود شنبه ۲۳ مهر برگزار شود به دلیل اشتغالات ایشان در ارکستر ملی و گروه موسیقی دوستی به شنبه ۲۱ آبان ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه موکول شد.

جشنواره ملی شعر کودک برگزار می‌شود

برای اولین بار در کشور، جشنواره ملی شعر کودک هجدهم و نوزدهم آبان سال جاری در شاهین شهر برگزار می‌شود.

به گزارش ایسنا جشنواره ملی شعر کودک در پنج بخش «شعر کودک»، «شعر خردسال»، «کتاب شعر کودک و خردسال»، «شاعران کودک و شعر» و «کتاب و کتاب‌خوانی» برگزار می‌شود. شایان ذکر است، کتاب‌های شعر با موضوعات مختلف کودک و خردسال که در سال ۸۹ به چاپ رسیده و اشعاری که با موضوع کتاب و کتاب‌خوانی و همچنین مسائل شهروندی در قالب شعر سروده شده باشد، از دیگر آثار قابل ارائه به جشنواره ملی شعر کودک است. مهلت ارسال آثار تا پنج‌شنبه، پنجم آبان سال جاری و زمان انتخاب آثار برگزیده سه‌شنبه، ۱۰ آبان خواهد بود.

آغاز ششمین جشنواره تئاتر خیابانی مریوان از امروز

ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی مریوان با حضور شش کشور برگزار می‌شود.

به گزارش ایرنا، در آستانه ششمین دوره جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی مریوان روز گذشته پرچم شش کشور در شهر مریوان و در نقطه صفر مرزی ایران به اهتزاز در آمد. جشنواره امسال از تاریخ ۲۰ مهر به میزبانی مریوان و با حضور هفت گروه نمایش خارجی از پنج کشور تاجیکستان، عراق، ژاپن، ترکیه و فرانسه و همچنین ۳۰ گروه نمایش خیابانی داخلی آغاز می‌شود و تا ۲۴ مهر ادامه دارد.

آغاز اجرای نمایش «سست» از ۲۴ مهر

نمایش «سست» به کارگردانی «داود بنی اردلان» یکشنبه ۲۴ مهر ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه روی صحنه سالن انتظامی، خانه هنرمندان می‌رود.

به گزارش ایسنا، نمایش «سست» دریچه‌ای است به جهان کابوس‌وار کنونی که کودکی با محیطی مملو از جنگ، نفاق و افراط گرایی مواجه می‌شود و گویا او را با جهان وعده دیگری بوده است. وعده‌ای از جنس شادی و گندم. اشاء بیک وردی، مائده قدیری، مسعود قره گوزلو، نیما محبی ذکاء، دنیا نصرالله زاده ماسوله‌ای و ماهور هاشمی در این نمایش نقش آفرینی می‌کنند.

آغاز نمایشگاه بین‌المللی کتاب پس از ۱۱ سال در غزه

شبکه الجزیره قطر روز گذشته اعلام کرد پس از ۱۱ سال، نمایشگاه بین‌المللی کتاب در نوار غزه با حضور انتشارات عربی و محلی آغاز به کار کرد.

براساس این گزارش، نمایشگاه بین‌المللی کتاب غزه با حضور چندین انتشارات از کشورهای مصر، عربستان و لبنان به همراه انتشارات محلی افتتاح شد. انتشارات کشورهای عربی جدیدترین کتاب‌های خود را در علوم مختلف در این نمایشگاه عرضه کردند.

محاصره نوار غزه باعث شد کتاب‌های انتشارات کشورهای عربی با ۲ روز تاخیر پس از افتتاح نمایشگاه وارد غزه شد.

نمایشگاه گروهی نقاشی در نگارستان «شاهد»

نمایشگاه نقاشی‌های منوچهر فتحی، افسانه یزدانی و زهرا قوامی از ۱۸ تا ۳۰ مهر در نگارستان «شاهد» دایر است. نگارستان شاهد در خیابان ولیعصر، تقاطع طالقانی، نبش کوچه رحیم‌زاده قرار دارد.

نمایشگاه نقاشی «جهان زن‌باور» در گالری «دی»

گالری «دی» نقاشی‌های سحر صالحی با عنوان «جهان زن‌باور» از ۲۲ مهرماه در گالری «دی» به نمایش در می‌آید. سحر صالحی هنرمند نقاش به مهر گفت: در این نمایشگاه ۲۳ اثر نقاشی با ابعاد مختلف و با تکنیک ترکیب مواد روی دیوار خواهد رفت. محوریت این آثار با موضوع زن و راجع به زندگی زنان نقاط مختلف دنیا است. این نمایشگاه ۲۲ مهر ساعت ۱۶ تا ۲۱ مراسم افتتاحیه خود را برگزار می‌کند و تا ۳ آبان از ساعت ۱۶ تا ۲۰ میزبان علاقه‌مندان خواهد بود. گالری دی پائین‌تر از فرهنگسرای نیاوران، ابتدای پاسداران، تنگستان چهارم، کوچه ناز ۱، بن‌بست ترانه، شماره ۳ قرار دارد.

پرداخت تسهیلات به سرمایه‌گذاران در قطب‌های تولید کشاورزی

وزارت جهاد کشاورزی آماده پرداخت تسهیلات کم‌بهره به سرمایه‌گذارانی است که در قطب‌های تولیدی کشور در صنایع بسته‌بندی، فرآوری و سردخانه سرمایه‌گذاری می‌کنند.

از این پس وزارت جهاد کشاورزی یگانه صادرکننده مجوز برای صنایع این بخش خواهد بود.

مهندس سجادی معاون آب، خاک و صنایع وزارت جهاد کشاورزی با اعلام این مطالب در گفت‌وگو با اطلاعات اعلام کرد: وزارت جهاد کشاورزی و این معاونت از همه کسانی که آمادگی دارند، دعوت به‌عمل می‌آورد تا با دریافت تسهیلات کم‌بهره در این حوزه‌ها سرمایه‌گذاری کنند. نرخ این تسهیلات ۱۴ درصد است که پس از کسر ۳ درصد یارانه دولت به ۱۱ درصد کاهش می‌یابد.

وی تاکید کرد: حتما باید در این صنایع سرمایه‌گذار بخش خصوصی وجود داشته باشد زیرا دولت دیگر در این حوزه‌ها سرمایه‌گذاری نمی‌کند. ضمن آنکه یکی از شرایط سرمایه‌گذاری قرار گرفتن در قطب‌های تولید است.

سجادی گفت: در برنامه پنجم از طریق احداث و ایجاد صنایع جدید و بازسازی و نوسازی صنایع موجود، ۲۴ میلیون تن ظرفیت ایجاد خواهد شد. امسال هم از محل اعتبارات معاونت و تسهیلات بانکی ۱۷۰ تا ۱۸۰ میلیارد تومان اعتبار به این بخش تخصیص می‌یابد.

وی با یادآوری اینکه در برخی محصولات مانند صنایع لبنی ظرفیت تکمیل است و سرمایه‌گذاری جدید انجام نخواهد شد، گفت: هم‌اکنون به دنبال ایجاد صنایعی در بخش فرآوری و بسته‌بندی خرما، سیب‌زمینی و پیاز و همچنین گوجه فرنگی آن هم در قطب‌های تولید هستیم که در این خصوص تسهیلات و مجوز پرداخت می‌شود.

معاون وزیر جهاد کشاورزی از پایان موازی کاری بین وزارت کشاورزی و وزارت صنایع، پس از ادغام این وزارتخانه خبر داد و گفت: به موجب یک مصوبه دو فوریتی که یک فوریت آن به تصویب رسید، مقرر شد از این پس مجوز تاسیس تمامی صنایعی که در ارتباط با بخش کشاورزی است، توسط وزارت جهاد کشاورزی صادر شود. این مصوبه به موازی کاری‌ها پایان داد.

ایجاد یک میلیون فرصت شغلی در نیمه نخست امسال

معاون سرمایه انسانی و توسعه اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از ایجاد یک میلیون فرصت شغلی در نیمه نخست امسال در کشور خبر داد.

به گزارش ایرنا از روابط عمومی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، محمدحسین فروزان مهر افزود: امسال هدفگذاری را برای ایجاد ۲/۵ میلیون فرصت شغلی تعریف کردیم که در شش ماه نخست یک میلیون فرصت شغلی ایجاد شده است.

فروزان مهر تصریح کرد: فرصت شغلی، یک شغل بالقوه است ودولت در حوزه اشتغال، نقش تسهیل گر و حمایت‌کننده را برعهده دارد.

وی افزود: بحث منابع مالی برای ایجاد فرصت‌های شغلی تعیین تکلیف شده است که در حال حاضر برای تامین منابع مالی ایجاد ۲/۵ میلیون فرصت شغلی و براساس اسناد پشتیبان برنامه پنجم ۱۷۵ هزار میلیارد تومان اعتبار در نظر گرفته شده است.

وی تصریح کرد: هر بخش مسئول تامین قسمتی از این اعتبارات است که از این رقم ۳۲ درصد مربوط به بودجه عمومی و بالغ بر ۵۰ هزار میلیارد تومان است.

معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی افزود: ۳۰ هزار میلیارد تومان از طریق صندوق توسعه ملی و ۳۰ هزار میلیارد تومان از طریق تسهیلات بانکی، ۳۰ هزار میلیارد تومان از طریق منابع خارجی فاینانس و ۱۶ هزار میلیارد تومان از محل سرمایه‌گذاری شرکت‌ها از منابع داخلی خود تامین خواهد شد.

این مقام مسئول بیان داشت: برای استان‌ها سه برش در نرخ بیکاری منظور شده است که تقسیم بندی آن بر اساس بیکاری حاد و معتدل است.

وی یادآور شد: در خصوص تکمیل طرح‌های نیمه تمام در سال ۹۰ هم اکنون ۱۳ هزار میلیارد تومان در تعهد سیستم بانکی کشور است که با توجه به منابع و مصارف در استان‌ها به مصرف خواهد رسید.

وی یادآور شد: هم اکنون ظرفیت‌های خالی بسیاری در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور وجود دارد بطور مثال در بخش صنعت به طور تقریب ۳۰ درصد از ظرفیت‌ها خالی است یا در حوزه‌های دیگر ظرفیت‌های خالی بسیاری وجود دارد که می‌توان برای ایجاد فرصت‌های شغلی از آن استفاده کرد.

معاون سرمایه انسانی و توسعه اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به اینکه ۲۰ هزار و ۷۰۰ واحد نیمه تمام در کشور وجود دارد، اظهار داشت: ۷۰ درصد آنها با مشارکت بانک‌های کشور در حال اجرا هستند که با تکمیل این واحدها، ظرفیت‌های خوبی برای توسعه اشتغال فراهم خواهد شد.

وی به توسعه مشاغل خانگی و مشاغل خرد به عنوان یکی از راهبردهای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در ایجاد فرصت‌های شغلی اشاره کرد و گفت: در این خصوص هم از ۸۰۰۰ میلیارد تومان منابع قرض‌الحسنه توانسته‌ایم ۲۰۰۰ میلیارد تومان را به این امر تخصیص دهیم.



وی به اختیارات بانک‌ها در استمهال بدهی واحدهای تولیدی اشاره کرد و گفت: براساس مصوبه‌ای که به تصویب هیات دولت رسیده است، بانک‌ها اختیار دارند که بدهی واحدهای دارای بدهی معوق را تا پنج سال تقسیط کنند.

توسعه یافتگی و هویت ملی، محور سند چشم‌انداز کشور

سرویس اقتصادی: اساس سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ بر توسعه یافتگی و هویت ملی استوار است.

دکتر محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در همایش رسانه و جهاد اقتصادی در افق چشم‌انداز گفت: در بحث توسعه یافتگی مفاهیمی چون رفاه و درآمد تا سلامت و دسترسی به اطلاعات مستتر است. اگر درآمد سرانه کشور ۱۱ هزار دلار است، باید در پایان سند چشم‌انداز یعنی سال ۱۴۰۴ به ۳۰ تا ۴۰ هزار دلار برسد.

وی افزود: براساس سند چشم‌انداز باید در منطقه با حفظ هویت ملی اول و در سطح جهان اسلام الهام‌بخش باشیم.

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با تاکید بر اینکه پیشرفت ایران در منطقه‌ای شدنش است، گفت: رشد و تعالی کشور بدون ایجاد یک منطقه واحد امکانپذیر نیست. در منطقه آسیای جنوب غربی، ایران در کنار چین، هند، روسیه و اروپا قرار گرفته است و در حال حاضر دنیا می‌خواهد برای این منطقه تعریف جدیدی ارائه کند، در حالیکه در سال ۸۲ ایران پی برده بود که این منطقه دچار تحول خواهد شد و برای آن نامگذاری کرده بود.

وی خاطرنشان کرد: در این منطقه کشورهای سوریه، عراق، ایران و افغانستان به منطقه کمربند طلایی معروف هستند و هرکس بر این کشورها تسلی داشته باشد، منطقه را در دست دارد.



رضایی یادآور شد: آمریکا، عراق و افغانستان را در دست گرفته است، اما نتوانسته در آن موفق شود و حال قصد تسلط بر سوریه را دارد که انشاءالله در آن هم شکست خواهد خورد.

وی اضافه کرد: در سند چشم‌انداز طوری برنامه‌ریزی شده که الگوی واحد منطقه‌ای با جمعیتی بالای ۵۰۰ میلیون نفر و گاز و نفت فراوان بتوانند در کنار یکدیگر زندگی کنند.

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام خطاب به رسانه‌ها اظهار داشت: باید وضع رسانه‌ای را به امید و خوش‌بینی به آینده برگردانیم و در عین اختلاف داشتن، بتوانیم با هم زندگی کنیم.

رضایی با اشاره به اینکه هم در بُعد انقلاب و هم در بُعد سیاست، مردمی و الهی عمل کردیم، گفت: البته در بخش اقتصاد و فرهنگ نتوانستیم این گونه عمل کنیم و باید تلاش شود تا فرهنگ و اقتصاد را هم مردمی و الهی کنیم.

وی با تاکید بر اینکه می‌توانیم جهاد اقتصادی را به رسانه و چشم‌انداز متصل کنیم، افرود: برای رسیدن به چشم‌انداز باید راه خود را انتخاب کنیم. چین و کره راه خود را داشتند و ما هم باید راه خود را بشناسیم و آن را از طریق رسانه‌ها تبلیغ و ترویج کنیم. رسانه‌ها هم باید افق خود را با چشم‌انداز تنظیم کنند، زیرا مطالبه‌گری مردم از طریق رسانه‌ها امکانپذیر است.

در این همایش محمدزاده معاون مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: پیشرفت و توسعه پیوندی استوار با فرهنگ و ارتباطات دارد و برقراری این پیوند از رسانه‌ها ساخته است.

وی افزود: در عصر حاکمیت رسانه‌ها، نحوه مدیریت و کاربرد اطلاعات، همه شئون حیات فردی و اجتماعی را در چنبره خود دارد. در عصر ارتباطات، رسانه‌ها نه ابزار توسعه، بلکه محور آن تلقی می‌شوند.

محمدزاده با اشاره بر اینکه برای التزام به سند چشم‌انداز و تحقق اسناد و برنامه‌های پائین‌دستی آن باید جریان آزاد اطلاعات و حق دسترسی شهروندان به آن با رعایت مبانی اسلامی و مصالح جامعه تضمین شود، اظهار داشت: لازم است امنیت شغلی و حمایت‌های حقوقی و رفاهی از اصحاب رسانه گسترش یابد و التزام به مالکیت معنوی اشخاص در سطوح ملی و جهانی به رسمیت شناخته شود.

در ادامه این همایش، ضرغامی رئیس سازمان صدا و سیما اظهار داشت: ممکن است مشکلاتی در کشور وجود داشته باشد، اما کشور در ریل سیاست‌های کلان و چشم‌انداز ترسیم شده از سوی رهبری در حرکت است.

وی افزود: درست است که مشکلات زیادی داریم، ولی اگر امید را از بین ببریم، امکان حل مشکلات را از بین برده‌ایم.

ضرغامی ادامه داد: سند چشم‌انداز ۲۰ ساله تجربه اول کشور در زمینه برنامه‌های بلندمدت است و نباید تبدیل به بهانه‌ای برای تسویه‌حساب شود.

وی با اشاره به اینکه سند چشم‌انداز، سند وفاق و وحدت است، افزود: شاخص اصلی برای تمامی فعالیت‌ها و برنامه‌های ۵ ساله توسعه کشور و بودجه‌های سالانه، سند چشم‌انداز است.

همچنین در این حاشیه این همایش دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: دولت در بخش‌های مختلف از جمله صنایع دفاعی، ماهواره و مقالات علمی پا به پای سند چشم‌انداز پیش می‌رود و موفقیت‌های خوبی کسب کرده است.

به گزارش واحد مرکزی خبر، محسن رضایی در جمع خبرنگاران در پاسخ به سؤالی درباره عملکرد دولت در اجرای سند چشم‌انداز گفت: هنوز زود است درباره عملکرد دولت قضاوت کنیم، البته در برخی زمینه‌ها پیشرفت‌های خوبی داشته‌ایم.

وی افزود: از نظر اشتغال، تولید و کاهش تورم امیدوار هستیم در دو سال باقیمانده دولت دهم تلاش بیشتری صورت بگیرد.

رضایی درباره نقش رسانه‌های گروهی در اجرای بهتر اهداف سند چشم‌انداز گفت: رسانه‌ها می‌توانند در نشان دادن ظرفیت‌های ملی و ایجاد امید و نقد سازنده و مطالبه کردن سند چشم‌انداز از مسئولان کشور نقش زیادی داشته باشند.

ایران ٤ فروند کشتی بزرگ تجاری برای ونزوئلا می‌سازد

*سرویس اقتصادی: ایران ٤ فروند کشتی بزرگ تجاری به سفارش ونزوئلا می‌سازد.

مهدی اعتصام مدیرعامل کشتی‌سازی صدرا از تکمیل جرثقیل ۱۰۰۰ تنی تا پایان سال، احیاء کشتی لوله‌گذار و ساخت دو بارج ۷۰۰۰ تنی خبر داد و گفت: چهار فروند کشتی افراماکس طبق برنامه زمان‌بندی به ونزوئلایی‌ها تحویل می‌شود.

وی با اشاره به اینکه صنعت کشتی‌سازی زیان‌ده است، گفت: این در حالی است که نباید به هیچ وجه آن را رها کرد؛ این صنعت به عنوان صنعت مادر اشتغال‌زا است و بدان دلیل که در مناطق ساحلی و محروم پایه‌ریزی می‌شود نقش به‌سزایی در اشتغال‌زایی برای این مناطق دارد.

اعتصام با بیان اینکه اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین فعالیت شرکت کشتی‌سازی صدرا ساخت چهار فروند شناور افراماکس برای کشور ونزوئلا است، اظهار داشت: با وجود محدودیت‌های اعتباری و مالی که با کارفرما داشتیم سعی کردیم پروژه‌ها را اجرا کنیم.

مدیرعامل شرکت کشتی‌سازی صدرا ادامه داد: تمامی اقلام به جزء موتور برای شناور اول خریداری شده است و اقلام شناور دوم هم خریداری شده است.

وی افزود: برای ساخت شناورهای سوم و چهارم برنامه خرید اقلام تا پایان مهر ارائه می‌شود که سفارش‌ها در این باره نهایی شده است.

نامبرده افزود: فعلاً بخش صنعت کشتی‌سازی با این پروژه تا دو سال دیگر بیمه است که امیدواریم با آب‌اندازی اولین شناور اعتماد به این صنعت افزایش یابد.

وی با بیان اینکه در ساخت کشتی‌های افراماکس اغلب اقلام را بومی کرده‌ایم، افزود: در پروژه ساخت افراماکس عملاً بیش ۱۳۰۰ نفر برای ساخت یک کشتی مشغول کار هستند و برای ساخت این شناورها سعی کرده‌ایم اغلب اقلام لازم از داخل کشور و تولیدات داخلی تهیه شود.

مدیرعامل شرکت کشتی‌سازی صدرا افزود: در حال حاضر بیش از ۷۰ درصد بلوک اولین شناور افراماکس ساخته و نصب شده است و در مرحله نهایی اتصال بلوک‌ها به یکدیگر هستیم.

وی افزود: قطعاً با آمدن کالاها سرعت حرکت افزایش می‌یابد و سپس برنامه لانچ شناور اول تا ابتدای سال آینده اجرایی می‌شود.

اعتصام افزود: مسئولان ونزوئلایی از ما خواسته‌اند این افراماکس را تا قبل از انتخابات آن کشور به آنها تحویل دهیم چون پروژه بزرگ نفتی و ملی برای آنها است.

وی با اشاره به اینکه در کشتی‌سازی زیرساخت‌های خود را توسعه داده‌ایم، اظهار داشت: اخیراً cncهای چهار شعله و دستگاه‌های مدرن وارد کرده‌ایم و با خرید بوژی ۵۰۰ تنی کل مجموع فرا ساحل و کشتی‌سازی تقویت می‌شود و توان در جابه‌جایی بلوک‌ها و امکان ساخت سوپر بلوک‌ها افزایش می‌یابد.

مدیرعامل صدرا با اشاره به اینکه جرثقیل ۱۰۰۰ تنی هم تا پایان سال به بهره‌برداری می‌رسد، اظهار داشت: در این مورد با پیمانکار چینی قرار داد به امضا رسیده و پول پرداخت شده است و تمامی اقلام این جرثقیل به کشور وارد شده است.

وی با اشاره به اینکه این جرثقیل، بزرگترین جرثقیل سواحل ایران است، اظهار داشت: ایزوایکو در حال ساخت این جرثقیل است که برای ساخت شناور دوم افراماکس نقش به‌سزایی خواهد داشت.

اعتصام با بیان اینکه شرکت صدرا در حال ساخت دو بارج ۷۰۰۰ تنی است، اظهار داشت: این بارج‌ها در مرحله رنگ آمیزی نهایی است که به‌زودی آب اندازی شده و در بحث نفت و گاز دریایی در فازهای ۱۷، ۱۸، ۲۳ و ۲٤ استفاده می‌شود.

وی با بیان اینکه برای احیای کشتی لوله‌گذار اقدامات مطلوبی توسط صدرا انجام گرفته است، اظهار داشت: با هزینه خود، این کشتی لوله‌گذار را دوباره احیا کرده‌ایم وهم اکنون آماده اجرای لوله‌گذاری در فازهای ۱۷،۱۸ و رشادت است.

۵۰ صادرکننده نمونه کشور بزودی معرفی می‌شوند

سرویس اقتصادی: صادر کنندگان نمونه کشور همزمان با ۲۹ مهر (روز ملی صادرات) معرفی می‌شوند.

کیومرث فتح اله کرمانشاهی معاون کمک‌های تجاری سازمان توسعه تجارت گفت: در پانزدهمین دوره برگزاری روز ملی صادرات از ۵۰ صادر کننده نمونه در بخش‌های کشاورزی، صنایع و معادن، فنی و مهندسی، گردشگری و... تقدیر به عمل می‌آید. کرمانشاهی، صادرات را از عوامل موثر در توسعه اقتصادی کشورها دانست و گفت: این عوامل می‌تواند علاوه بر رشد اقتصادی موجب افزایش توان رقابت‌پذیری کشورها در عرصه‌های بین‌المللی شود. با این منظر امسال به دلیل مصادف شدن ۲۹ مهر با روز جمعه این مراسم روز شنبه ۳۰ مهر در محل دایمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار می‌شود.

کرمانشاهی تصریح کرد: امسال از میان ۵۰ صادرکننده نمونه، تعداد ۱۵ صادر کننده برای نخستین بار، ۱۸ صادر کننده برای دومین بار، ۱۳ صادر کننده برای سومین بار، پنج صادر کننده برای چهارمین بار، پنج صادر کننده برای پنجمین بار به این عنوان در سطح کشور دست یافتند که در گروه‌ها و بخش‌های کشاورزی، صنایع و معادن، بازرگانی عمومی، خدمات فنی و مهندسی، بخش گردشگری، نرم‌افزار، خدمات فرهنگی، هنری، بصری و سمعی، حمل‌ونقل، نیروی کار و های تک فعالیت می‌کنند.

آغاز بهره‌برداری از درگاه ملی بار در تهران

*سرویس اقتصادی: بهره‌برداری از درگاه ملی بار از دیروز در جنوب تهران آغاز شد.

دکتر شهریار افندی‌زاده معاون وزیر راه و شهرسازی و رئیس سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای در مراسم بهره‌برداری از این طرح بزرگ ملی با اشاره به اتصال ۲۳ پایانه حمل‌ونقل بار به این مرکز تا پایان امسال گفت: با این شیوه تأخیر در زمان تخلیه و بارگیری کامیون‌ها و در نتیجه قیمت تمام شده حمل کالا در پایانه‌ها کاهش می‌یابد.

وی گفت: درگاه ملی یک سامانه الکترونیکی بار است که می‌تواند تاثیر بسیار زیادی در کاهش زمان سفر، افزایش ظرفیت و کاهش هزینه جابه جایی بار داشته باشد.

افندی‌زاده با اشاره به این که در کشور ما حجم بسیاری از جابه‌جایی بار توسط جاده صورت می‌گیرد، تصریح کرد: برآوردها نشان می‌دهد پارسال ۵٤۱ میلیون تن بار از طریق سیستم جاده جابه‌جا شده است.

وی با اشاره به این‌که سامانه الکترونیکی بار بنا به مصوبه سال ۹۰، ایجاد شد، خاطرنشان کرد: در شش ماهه اول سال تلاش شد که پنج پایانه مهم کشور مانند بندرعباس، اصفهان، تهران، بندر امام و مشهد به عنوان پایلوت قرار بگیرند و از طریق شبکه‌های ارتباطی به یکدیگر متصل بشوند.

معاون وزیر راه و شهرسازی تصریح کرد: وظیفه ما این است که اطلاعات مربوط به صاحبان کالا، متصدیان بارگیری و تخلیه بار، رانندگان ناوگان، شرکت‌های حمل و نقل بار، میزان بار جابه‌جا شده و بار مورد نیاز و سایر اطلاعات را در این سامانه قرار دهیم. وی با اشاره به این‌که این سامانه برای پنج پایانه به صورت همزمان افتتاح شده است، خاطرنشان کرد: در تلاش هستیم تا پایان سال، پایانه‌های دیگر هم تحت پوشش این سامانه قرار بگیرند. در این زمینه درخواستمان از سایر وزارتخانه‌ها این است که اطلاعات مربوط به صادرات، واردات، مراکز تولید و مصرف را در اختیار سامانه قرار دهند تا برنامه‌ریزی درستی صورت بگیرد.

وی صدور بارنامه الکترونیکی نوبت‌دهی، صدور کارت هوشمند، اطلاع‌رسانی بار، اطلاع رسانی درباره مراکز حمل‌ونقلی، رهگیری، اطلاعات آب‌وهوا، اطلاع‌رسانی از مناقصه، پارکینگ، کارت سلامت، تردد از مرز، مدیریت شرکت‌ها، مدیریت بارنامه، پرداخت الکترونیکی عوارض را از اطلاعاتی دانست که در این سامانه قرار گرفته و به تدریج کامل می‌شوند.

امضا قرارداد توسعه میدان مشترک نفتی ایران و عراق

قرارداد توسعه بزرگترین میدان نفتی مشترک باقی مانده موسوم به آذر عصر دیروز بین شرکت ملی نفت ایران و یک پیمانکار داخلی امضا شد.

به گزارش فارس، قرارداد توسعه بزرگترین میدان نفتی مشترک باقی‌مانده در جنوب غربی کشور با پیمانکاران داخلی بسته شد.

این گزارش حاکی است، میدان نفتی آذر که در منطقه مهران قرار دارد با کشور عراق مشترک است و قرار است براساس این قرارداد توسعه شرکت اویک و صندوق بازنشستگی صنعت نفت به صورت مشترک کار توسعه این میدان را در مدت ۵۵ ماه انجام و به تولید نهایی برسانند.

این گزارش اضافه می‌کند، براساس قراردادی که دیروز بین شرکت ملی نفت و این پیمانکار داخلی بسته شد تولید زودهنگام این میدان پس از ۳٦ ماه و به میزان ۳۰ هزار بشکه است و بعد از ۵۵ ماه تولید نهایی به میزان ٦۵ هزار بشکه در روز خواهد رسید.

وزیر نفت در مراسم امضای این قرارداد گفت: برای توسعه میدان نفتی آذر به یک شرکت خارجی ۲۰ روز فرصت دادیم و در روز بیستم که جوابی دریافت نکردیم، قرارداد را با پیمانکار داخلی امضا کردیم.

رستم قاسمی در حاشیه امضاء قرارداد توسعه میدان نفتی آذر گفت: یکی از برنامه‌های مهم وزارت نفت در این دوران توسعه و افزایش تولید از میادین مشترک است.



وی ادامه داد: قراردادی که بسته شد به این منظور است که بتوانیم توسعه میدان آذر را که بزرگترین میدان باقیمانده مشترک نفتی است، هر چه زودتر توسعه داده و به تولید برسانیم.

قاسمی خاطر نشان کرد: تولید زود هنگام از این میدان در ۳٦ ماه آینده و به میزان روزانه ۳۰ هزار بشکه است و تولید نهایی هم ظرف ۵۵ ماه محقق خواهد شد.

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران هم ارزش قرارداد توسعه میدان آذر ۱/۹ میلیارد دلار اعلام کرد.

احمد قلعه‌بانی گفت: مدت زیادی به دنبال عقد قرارداد برای توسعه این میدان با شرکت‌های خارجی بودیم و چندین بار به یک شرکت خارجی مهلت دادیم تا آمادگی خود را برای توسعه این میدان بزرگ مشترک اعلام کند، اما تاکنون هیچ خبری از این شرکت خارجی نیست.

مدیرعامل شرکت ملی نفت ادامه داد: بعد از جمع‌بندی نهایی و جلساتی که با حضور وزیر نفت برگزار شد، مقرر شد تا توسعه این میدان توسط پیمانکاران داخلی صورت گیرد، زیرا در چند سال اخیر شاهد بوده‌ایم پیمانکاران داخلی دارای توانایی بالایی هستند و می‌توانند از عهده پروژه‌های بزرگ برآیند.

وی گفت: در حال حاضر میادین دیگری در داخل کشور وجود دارد که شرکت‌های خارجی در صورت اعلام آمادگی می‌توانند کار توسعه آنها را بر عهده بگیرند.

از سویی، مدیرعامل شرکت مهندسی توسعه نفت هم گفت: تولید اولیه از میدان نفتی آذر در مدت ۳٦ ماه به میزان ۳۰ هزار بشکه در روز است، اما تولید نهایی براساس قرارداد ۵۵ ماهه و به میزان ٦۵ هزار بشکه خواهد بود.

ناجی سعدونی مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه نفت ایران در حاشیه امضاء قرارداد توسعه میدان آذر با یک پیمانکار داخلی گفت: این قرارداد توسعه بزرگترین میدان باقیمانده مشترک نفتی در حضور وزیر نفت بین شرکت ملی نفت ایران، و شرکت او یک و صندوق بازنشستگی صنعت نفت امضاء شد.

وی ادامه داد: توسعه میادین مشترک از اولویت کاری وزارت نفت است و وزیر نفت تمامی اهتمام خود را بر این گذاشته تا میادین مشترک نفتی و گازی بتوانند در مقایسه با رقیب خود بیشترین تولید را داشته باشند و ما هم تلاش می‌کنیم هر چه زودتر بتوانیم این میدان مشترک را به تولید برسانیم.

اختلاس ۱۰۰ میلیارد تومانی ارتباطی با پرونده اختلاس بزرگ ندارد

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: پرونده اختلاس ۱۰۰ میلیارد تومانی در بانک صادرات زرین‌شهر هیچ ارتباطی با پرونده اختلاس بزرگ در کشور ندارد.

انصاری رئیس کل دادگستری استان اصفهان با اعلام این مطلب افزود: در این پرونده رئیس بانک اقدام به باز کردن ۱۰۰ میلیارد تومان LC بصورت غیر قانونی کرده است، که در کنار این رقم مبالغی وارد شده است که متهمان پرونده اقدام به برداشت آن کرده‌اند. او با اشاره به پرونده باشگاه ذوب آهن گفت: اتهام متهمان این پرونده نیاز به کارشناسی و انجام تطبیق از سوی متخصصان دارد. وی افزود: متهمان پرونده در بازداشت هستند و به دلیل این که هنوز حسابرس نظر خود را اعلام نکرده است نمی‌توان آنها را با قرار وثیقه آزاد کرد، چون احتمال تبانی با همدستان می‌رود.

انصاری با تأکید بر این که هر کدام از سه نفر متهمان این پرونده متهم به اختلاس یک میلیارد تومان هستند، اضافه کرد: امیدواریم کارشناسان ظرف چند روز آینده نظر قطعی خود را اعلام کنند تا بتوانیم متهمان را با قرار وثیقه آزاد کنیم.

اعدام ٤ مجرم حادثه خمینی‌شهر

چهار مجرم حادثه خمینی‌شهر ساعت شش صبح امروز در پارک «بهشت» خمینی‌شهر به دار مجازات آویخته شدند. غلامحسین انصاری در جمع خبرنگاران با اشاره به قاطعیت قوه قضاییه در برخورد با جرایم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افزود: حکم اعدام چهار نفر از مجرمان حادثه خمینی‌شهر در شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور تأیید و برای اجرا به دادگستری استان ابلاغ شده بود. وی اظهار داشت: رای قطعی ۹ نفر از مجرمان پرونده صادر و تایید شده و در زمان حاضر چهار نفر از متهمان متواری و دو نفر نیز بتازگی دستگیر شده‌اند که پرونده آنها در حال بررسی است.

رئیس کل دادگستری اصفهان خاطرنشان کرد: متهم ردیف اول به نام «عباس» مجرد و ۲٤ ساله و دارای دو فقره آدم‌ربایی و رابطه نامشروع در سالهای ۸۳ و ۸۷ و متهم ردیف دوم به نام «رجبعلی» معروف به «علی سیاه»، مجرد و ۲٤ ساله و دارای پیشینه کیفری با قدرت‌نمایی با قمه، شرب خمر و رابطه نامشروع بوده‌اند.

انصاری افزود: متهم ردیف سوم به نام «اصغر» مجرد و دارای پیشینه کیفری با قدرت‌نمایی با چاقو، شرب خمر و رابطه نامشروع و متهم ردیف چهارم به نام منصور، مجرد و دارای پیشینه کیفری آدم‌ربایی در سال ۸٤ بوده‌اند.

به گزارش ایرنا، سوم خرداد امسال عده‌ای از افراد شرور، نیمه شب با ورود به یک مهمانی خصوصی خانوادگی در یکی از باغ‌های اطراف خمینی‌شهر در غرب اصفهان، مردان حاضر در این میهمانی را حبس کردند و با انتقال زنان به محلی دیگر به آنان تجاوز به عنف کرده و متواری شده بودند.

انتقاد وزارت خارجه از سیاست‌های اروپا در تحریم مقام‌های ایرانی

سخنگوی وزارت خارجه کشورمان تحریم اخیر اتحادیه اروپا را علیه برخی از مقامات ایرانی را نادرست خواند. به گزارش ایسنا رامین مهمان‌پرست که در راس هیاتی در روسیه به سر می‌برد، در این باره افزود: بحث تحریم‌هایی که توسط اتحادیه اروپا به بهانه نقض حقوق بشر و فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان صورت می‌گیرد، متاسفانه یک اقدام نادرست با هدف وارد کردن فشار به ملت ایران برای دست کشیدن از حقوق اساسی خود است.

وی خاطرنشان کرد: بارها توصیه کرده‌ایم که کشورهای غربی بهتر است با احترام به حقوق ملت‌ها و مداخله نکردن در مسائل داخلی آن‌ها، زمینه همکاری‌های مثبت و سازنده را فراهم کنند. وی با اشاره به بحران‌های مختلف دنیای امروز که فشار زیادی را به مردم و مناطق مختلف وارد می‌کند، گفت: ریشه اصلی همه بحران‌ها یک‌جانبه‌گرایی برخی کشورهای غربی است که مسائلی را طراحی می‌کنند و سعی دارند آن را به همه کشورها تحمیل کنند و نتیجه نهایی آن، تبعات سنگینی را برای کشورهای مختلف ایجاد کرده است.

وی یادآور شد: بارها اشاره کرده‌ایم که اداره جهان امروز باید با مشارکت همه کشورها باشد و دوره تک‌قطبی به پایان رسیده است. پیشنهاد ما این بوده که برای نشست‌های مختلف از جمله مباحث هسته‌ای یا حقوق بشر بهتر است رویکرد همکاری در نظر گرفته شود؛ چرا که همکاری کشورها در رفع نواقص موجود در صحنه‌های بین‌المللی موثرتر خواهد بود.

۳ وزیر ایرانی در فهرست تحریم‌ها

در تازه‌ترین اقدام خصمانه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران، نام سه وزیر ایرانی در فهرست تحریم ۲۹ ایرانی به چشم می‌خورد. به گزارش ایسنا به نقل از خبرگزاری فرانسه حیدر مصلحی ـ وزیر اطلاعات، سیدمرتضی بختیاری ـ وزیر دادگستری ـ محمد حسینی ـ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به همراه صادق محصولی ـ وزیر کشور پیشین و همچنین فرمانداران منطقه‌ای، دادستان‌ها و مدیران زندان‌ها از جمله افرادی هستند که هدف تحریم‌ها قرار دارند.

این تحریم‌ها که روز دوشنبه به تصویب رسید، از دیروز در مجله رسمی اتحادیه اروپا منتشر شد و از این پس اثر اجرایی پیدا خواهد کرد. وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا روز دوشنبه در لوکزامبورگ ممنوعیت سفر و مسدود شدن سرمایه‌های مقامات ایرانی و تحریم‌هایی علیه بلاروس را تصویب کردند.

این اقدام در پی تحریم ۳۲ ایرانی دیگر در ماه مارس صورت می‌گیرد.

دکتر صالحی: توسعه همکاری‌های آسیایی، اقدامی پیشگیرانه برای مقابله با چالش‌های جهان است

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: دکتر علی‌اکبر صالحی وزیر امور که برای شرکت در دهمین اجلاس مجمع گفت‌وگوهای آسیایی (ACD) در رأس هیأتی در کویت به‌سر می‌برد، در سخنرانی خود در این نشست اهمیت توسعه همکاری‌های کشورهای آسیایی به‌ویژه با توجه به شرایط جاری بحران مالی جهانی و ضرورت اتخاذ تدابیر مناسب برای مواجهه با چالش‌های آتی جهانی و بکارگیری ظرفیت‌های اقتصادی و بانکی اعضای (ACD) برای توسعه عملیات مالی، تجارت و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری میان اعضاء به‌عنوان اقدامات پیشگیرانه را موردتأکید قرار داد.

وی با ابراز تأسف از اثرات منفی به‌وجود آمده بر اقتصاد کشورهای عضو مجمع از ناحیه چند کشور سلطه‌گر و تسلط آنها بر فرآیندهای مالی، پولی و نهادهای اقتصادی بین‌المللی، اتخاذ تصمیمات اجرایی توسط کشورهای آسیایی را برای جلوگیری از دخالت‌های غیرموجه برخی از کشورها در مناطقی از قاره پهناور آسیا خواستار شد.

دکتر صالحی با اشاره به خیزش‌های مردمی در منطقه، آزادیخواهی، صلح دوستی و عدالت‌خواهی را مطالباتی دانست و افزود: شاهد مطالبات مردمی از نژادهای مختلف برای دسترسی به آزادی، دولت‌های پاک و مقتدر و مخالف ظلم، فساد، نژادپرستی و تبعیض هستیم و یک دولت نمی‌تواند این حقوق را نادیده انگاشته و با به‌کارگیری نیروهای خارجی با آن مقابله کند.

صالحی از وزرای خارجه شرکت‌کننده در این اجلاس خواست تا با کمک همه کشورها در جهت بدست آوردن جایگاه واقعی مبتنی بر ارزش‌های خودی، ظرفیت‌ها و اولویت‌های آسیایی و ایفای نقش این کشورها در تصمیم‌گیری‌های جهانی به‌ویژه در بازسازی وضع نهادهای مالی، پولی و تجاری بین‌المللی تحرک جدی از خود نشان دهند.

وزیر امور خارجه همچنین اقدامات جمهوری اسلامی ایران را در دوره ریاست بر (ACD) به‌ویژه ابعاد فرهنگی این تلاش‌ها در حوزه‌های مطبوعاتی، انتشار کتاب، هنر، سینما، تولید فیلم‌های تلویزیونی، موضوعات مربوط به باستان‌شناسی، مسائل مربوط به زنان و همچنین تأسیس اتاق‌های فرهنگی اعضا تشریح کرد.

دیدار با وزیران خارجه عمان و تاجیکستان

وزیر امور خارجه کشورمان در حاشیه اجلاس دهم مجمع همکاری‌های آسیایی در کویت با یوسف‌بن‌علوی، وزیر امور خارجه عمان هم دیدار و گفت‌وگو کرد.

دو طرف در این دیدار با مروری بر آخرین روند تحولات روابط دوجانبه و موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی بر ضرورت گسترش همکاری‌ها در ابعاد مختلف تأکید کردند.

وی همچنین با «همراه خان ظریفی»، وزیر امور خارجه تاجیکستان دیدار و آخرین مناسبات دو کشور در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را موردبحث و بررسی قرار داد. دو طرف در این دیدار با تأکید بر اهمیت گسترش همکاری‌ها، بر ضرورت نهایی‌سازی پروژه‌های اقتصادی مشترک تأکید کردند.

وزیر امور خارجه همچنین با شیخ محمد علی الصباح السالم الصباح، معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه کویت دیدار و گفت‌وگو کرد.

دکتر صالحی در این دیدار با تشکر از برگزاری شایسته اجلاس دهم مجمع گفتگوهای آسیایی (ACD) در کویت، ضرورت تقویت این گفت‌وگوها و بهره‌برداری از ظرفیتهای موجود در آسیا را مورد تاکید قرار داد.

دکتر صالحی با اشاره به روابط دیرینه و همسایگی دو کشور، بر مسئولیت طرفین برای برقراری زمینه‌های آرامش، اعتماد متقابل و زمینه‌سازی برای روابط هر چه گسترده‌تر به‌منظور ایجاد رفاه دوست تاکید کرد و برگزاری کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی را برای گسترش مناسبات در زمینه های مختلف مهم خواند. معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه کویت هم در این دیدار با تشکر و قدردانی از تلاشهای جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست بر مجمع گفتگوهای آسیایی (ACD)) زمینه‌های گسترش مناسبات در کشور در حوزه‌های مختلف را مورد بحث قرار داد.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۸۴/۵۵ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۸/۶۵ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۶۶۱/۹۳ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۵۸۸۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۵۶۳۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۲۶۱۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۱۴۲۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۷۳۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۴۹۱۷۰ تومان
هر گرم نقره خام	۱۲۵۰ تومان
دلار آمریکا	۱۲۲۲ تومان
یورو اتحادیه اروپایی	۱۶۶۸ تومان
پوند انگلستان	۱۹۴۵ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

ارائه گزارش تجارت خارجی گروه آریا به دادستانی

رئیس کل گمرک از ارائه گزارش وضع واردات و صادرات شرکت‌های زیرمجموعه گروه امیر منصور آریا به دادستان کل کشور خبر داد و گفت: طبق بررسی‌های صورت گرفته این شرکت‌ها از ابتدای پارسال تا شهریور امسال یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار تجارت خارجی داشته اند.

دکتر عباس معمارنژاد درباره بررسی فعالیت‌های گروه امیرمنصور آریا در امر صادرات و واردات، اظهارداشت: پس از بررسی‌هایی که انجام دادیم، حجم تجارت شرکت‌های زیرمجموعه گروه امیرمنصور آریا را تهیه و برای دادستان کل کشور ارسال و استعلام کردیم که اگر لازم است کالاهایی که در گمرک وجود دارد، توقیف و اعلام شود.

آغاز تولید انبوه موتور ملی از سال آینده

تولید انبوه موتور ملی ۱٤۰۰ سی‌سی به ۹۵ درصد ساخت داخل از سال آینده آغاز می‌شود.

مهندس جواد نجم‌الدین مدیرعامل گروه صنعتی ایران خودرو با بیان این مطلب گفت: این موتور ۱٤۰۰ سی‌سی به صورت تنفس طبیعی و دارای بیش‌ترین قطعات و اجزای مشترک با موتور ۱۷۰۰ سی‌سی EF۷ است.

وی پایین بودن میزان مصرف سوخت را مهم‌ترین ویژگی این موتور دانست و گفت: این تنها موتور ایرانی است که استاندارد یورو ۵ را تامین می‌کند.

خصوصی‌سازی فروش گاز در تمامی شهرها

یک مقام مسئول در شرکت ملی گاز با تشریح جزئیات راه‌اندازی طرح قبوض پیامکی گاز، از واگذاری خدمات گازرسانی و فروش گاز به بخش خصوصی در تمامی شهرهای ایران تا پایان برنامه پنجم توسعه خبر داد.

مجتبی شیخ‌بهایی در گفتگو با مهر درباره جزئیات اجرای طرح ارسال قبوض گاز از طریق پیامک، گفت: در حال حاضر هیچگونه تکلیفی به شرکت ملی گاز ایران مبنی بر حذف قبض‌های کاغذی گاز مطرح نشده است و تا اطلاع ثانوی ارسال قبض‌های کاغذی گاز برای مشترکان ادامه می‌یابد.

این عضو هیات مدیره شرکت ملی گاز در خصوص پیمان‌سپاری خدمات گازرسانی در سطح شهرهای مختلف کشور گفت: در حال حاضر در هر یک از استان‌های کشور به صورت آزمایشی، خدمات گازرسانی در یک شهر به بخش خصوصی دارای صلاحیت واگذار شده است.

ارائه ۲۰۰۰ میلیارد تومان اظهارنامه مالیات بر ارزش افزوده

۱۵۲ اظهارنامه مالیات برارزش افزوده معادل ۲۰۱۰ میلیارد تومان مربوط به تابستان امسال تا ۱٦ مهر تحویل سازمان امور مالیاتی شده است.

محمدقاسم پناهی معاون سازمان امور مالیاتی، در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان این که این تعداد نسبت به دوره مشابه پارسال ۱۲۲ درصد رشد داشته است، افزود: همچنین این میزان نسبت به بهار امسال چهار درصد افزایش نشان می‌دهد.

پناهی درباره مشارکت پارچه‌فروشان در طرح اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده گفت: با توافق‌هایی که بین سازمان و اتحادیه حاصل شد، پارچه فروشان تا پایان مهر فرصت دارند برای اجرای قانون ثبت نام کنند.

شناسایی ۳ نقطه در استان تهران برای ساخت شهرهای جدید

معاون وزیر راه و شهرسازی با بیان جزئیات ساخت شهرهای جدید برای مسکن مهر در سال‌های آینده گفت: ۳ نقطه در استان تهران برای ساخت شهر جدید در سال‌های آینده انتخاب شده است که محلی برای ساخت مسکن مهر خواهند بود.

میر محمد غراوی در گفت‌وگو با مهر به دستور وزیر برای مکانیابی شهرهای جدید دیگر در استان تهران اشاره کرد و گفت: با همکاری وزارت جهاد کشاورزی از اراضی ملی و دولتی در استان تهران بازدید انجام شد که در این بازدیدها دو نقطه برای ایجاد شهر جدید شناسایی و مورد بازدید قرار گرفت.

تعلیق قرارداد گازی چین در پارس شمالی

مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس با اشاره به تعلیق موقتی قرارداد یک پیمانکار چینی در طرح توسعه میدان پارس شمالی اعلام کرد: تصمیم گیری برای فعالیت چینی‌ها در پارس شمالی منوط به تحرک و نوع فعالیت آنها در توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی است.

موسی سوری در گفتگو با مهر درباره اجرای قرارداد طرح توسعه میدان گازی پارس شمالی توسط یک شرکت چینی، گفت: در حال حاضر اولویت و سیاست وزارت نفت توسعه میادین مشترک نفت و گاز کشور با محوریت پارس جنوبی است.

مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس با اعلام اینکه بر این اساس توسعه میدان مستقل گازی پارس شمالی در اولویت دوم قرار دارد، تصریح کرد: ایران به تمامی قراردادهای خود پایبند است. اما تصمیم گیری برای فعالیت چینی‌ها در پارس شمالی منوط به تحرک و نوع فعالیت آنها در طرح توسعه فاز ۱۱ میدان پارس جنوبی است.

دوم آبان در تهران برگزار می‌شود

همایش ال.ان.جی ایران با سخنرانی دو شخصیت برجسته بین‌المللی

نخستین همایش ال.ان.جی ایران با حضور رییس شرکت ملی نفت و دو تن از شخصیت‌های جهانی این حوزه در تهران برگزار می‌شود.

به گزارش ستاد اطلاع‌رسانی نخستین همایش ال.ان.جی ایران، در این همایش علاوه بر سخنرانی دو شخصیت برجسته جهانی حوزه ال.ان.جی، رییس شرکت ملی نفت ایران نیز درباره این صنعت مهم جهانی سخنرانی خواهد کرد.

رییس شرکت ملی نفتکش ایران، سرپرست شرکت ملی صادرات گاز ایران، معاون امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران مدیرعامل ایران ال.ان.جی، رییس پیشین شرکت ملی صادرات گاز ایران هم از جمله سخنرانان این همایش خواهند بود.

نخستین همایش ال.ان.جی ایران دوم آبان در مجموعه رایزن تهران برگزار می‌شود. این همایش به نشانی WWW.LNGCONF.COM قابل دسترسی است.



والدین و مسئولیت نظارت بر تغذیه صبحگاهی و میان وعده فرزندان

بچه‌ها، صبحانه یادتان نرود!

تغذیه سالم یکی از روش‌های موثر برای حفظ سلامت و رسیدن به حداکثر رشد در کودکان است که نه تنها بر روی رشد جسمی، بلکه در مورد افزایش یادگیری و رشد فکری کودکان هم نقش بسزایی را ایفاء می‌کند.

کارشناسان معتقدند تغذیه‌ای سالم است که در آن موارد موردنیاز بدن مانند پروتئین، کربوهیدارت، چربی، ویتامین‌ها و موادمعدنی برای رشد کودک فراهم شود.

بررسی‌های انجام شده در کشور نشان می‌دهد که سوءتغذیه افراد به دلیل ناآگاهی خانواده‌ها از نحوه تغذیه مناسب، بسیار گسترش یافته است براساس این بررسی‌ها، یکی از مشکلات تغذیه‌ای کشور ما کم‌خونی یا فقر آهن است که از شایع‌ترین کمبودهای تغذیه‌ای در میان کودکان در سنین پیش‌دبستانی و نوجوانان محسوب می‌شود و به عوارض گوناگونی مانند رشد ناکافی، تغییرات رفتاری، افت تحصیلی و ابتلا به عفونت‌ها می‌انجامد. از مشکلات دیگر تغذیه‌ای دانش‌آموزان می‌توان به کم‌وزنی، اضافه‌وزن، کوتاهی قد، کمبود ریزمغذی‌ها و آغاز پوسیدگی دندان‌ها اشاره کرد و این در حالی است که با آموزش تغذیه سالم می‌توان این کمبودها را برطرف ساخت.

صبحانه فراموش نشود

بابک ندوشن ـ متخصص تغذیه در مورد ارتباط تغذیه و یادگیری به گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: سال‌هایی که کودک در مدارس ابتدایی می‌گذراند، از نظر تغذیه‌ای دوره مهمی است، زیرا رشد کودک در این سنین ادامه دارد. اگرچه سرعت رشد آنان کمتر از سال‌های اولیه زندگی است، ولی باید توجه داشت که هر مرحله از رشد متکی بر روند مرحله قبل است و مرحله بعد را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در اصل دانش‌آموزان به ۳ وعده غذای اصلی و دو میان وعده در طول روز نیاز دارند و باید از تمامی گروه‌های غذایی شامل شیر، لبنیات، گوشت، حبوبات، سبزی‌ها و میوه‌ها و گروه نان و غلات مصرف کنند و به تعادل و تنوع غذایی در این سنین توجه شود. از طرفی به دلیل کمبود منابع مالی در کشورهای در حال توسعه، توصیه می‌شود که غذای نیمروز مدرسه حداقل یک ـ سوم کالری و یک ـ دوم پروتئین مورد نیاز کودک را داشته باشد.

میان وعده‌های مناسب و مغذی نیز بسیار اهمیت دارد، زیرا در ساعات آخر مدرسه کودکان ممکن است گرسنه شوند و این گرسنگی نشستن سر کلاس را برای آنان غیرقابل تحمل کند. وعده غذایی صبحانه نقش موثری در سلامت جسمی و فکری دانش‌آموزان دارد. به دنبال ناشتا بودن در طول شب اگر دانش‌آموز صبحانه نخورد، به دلیل پایین افتادن قند خون، توانایی لازم برای یادگیری در مدرسه را نخواهند داشت.

هر وعده صبحانه باید حاوی یک لیوان شیر یا ۳۰ گرم پنیر یا یک عدد تخم‌مرغ به همراه یک لقمه نان باشد دانش‌آموزانی که صبحانه کافی نمی‌خورند، کم‌دقت، خسته و بی‌حوصله اند و نمی‌توانند کمبود انرژی، ویتامین و املاح معدنی را با خوردن وعده‌های دیگر جبران کنند.

بنابراین مادران باید وظیفه خود بدانند که هر روز صبح، صبحانه کودک خود را قبل از این که به مدرسه برود، آماده کنند. غذاهای حاوی پروتئین میزان یادگیری را افزایش می‌دهند و همچنین ابزار لازم برای ارتباط میان سلول‌های مغز را فراهم می‌کنند.

از سوی دیگر، کربوهیدرات‌ها انرژی‌بخش هستند، اما اگر به مقدار زیاد و بدون پروتئین کافی مصرف شوند، موجب خواب‌آلودگی می‌شوند. کمبود اسیدهای چرب ضروری، موجب آلرژی و مشکلات یادگیری شامل کم‌توجهی و اختلالات بیش‌فعالی می‌شود.

مواد مورد نیاز بدن

ندوشن، در مورد غذاهای طبیعی می‌افزاید: امروز به طور معمول ۲۸۰۰ افزودنی به غذاهای آماده اضافه می‌شود. تحقیقات انجام شده نشان داده است که تقریبا نصف کالری مصرفی روزانه کودکان از چربی و قنداضافی تامین می‌شود و نه از انواع طبیعی آن، غذاهای طبیعی و خانگی برای هر سنی خوب است، اما برای بچه‌های در حال رشد بسیار اهمیت دارد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که قند در مغز استرس ایجاد می‌کند. برای مثال نیم ساعت پس از خوردن یک ماده قندی، گلوکز خون بالا می‌رود و اگرچه ماهیچه‌ها و دیگر بافت‌های چربی آن را برای استفاده بعدی ذخیره می‌کنند، بافت مغز نمی‌تواند این کار را انجام دهد. سه ساعت پس از خوردن موادقندی، گلوکز خون پایین می‌آید و شروع به آزاد کردن هورمون‌های استرس‌زا می‌کند.

کودکانی که دچار اختلال کم‌توجهی و اختلال بیش‌فعالی هستند، کمتر قادرند با تاثیرات غذاهای شیرین مقابله کنند و بنابراین فعالیت‌های فیزیکی‌شان افزایش می‌یابد که این فعالیت‌ها بر اثر پایین آمدن گلوکز خون و تلاش برای به کار انداختن مغز است.

این متخصص تغذیه در مورد مصرف پروتئین هم یادآوری می‌کند: کودکان پایه ابتدایی (۷ تا ۱۱ سال) به پنج وعده پروتئین در روز نیاز دارند که باید در صبحانه و ناهار مصرف شود. منابع غذایی پروتئین شامل گوشت مرغ، تخم‌مرغ، ماهی و حبوبات می‌شود. رژیم‌های غذایی گیاهان برای بچه‌ها توصیه نمی‌شود، زیرا توازن پروتئین در بدن بدون خوردن گوشت مشکل است. همچنین این چربی‌ها به خصوص چربی ماهی‌هایی که در آب‌های سردزندگی می‌کنند، مانند ماهی آزاد، به سرعت به سلول‌های مغز و دیگر اعضای بدن می‌رسند.

ندوشن، در مورد مصرف کربوهیدرات‌ها اظهار می‌دارد: کودکان پایه ابتدایی روزانه به ۷ وعده کربوهیدرات و هر وعده به نصف فنجان حبوبات، پاستا یا برنج یا یک برش نان گندم به علاوه ۵ وعده میوه و سبزی‌ها (هر وعده نصف فنجان میوه ریز شده و رنگارنگ) نیاز دارند. ترکیبات کربوهیدرات‌ها (گندم، حبوبات، پاستا و سبزی‌ها) با غذای حاوی پروتئین، موجب تغذیه متعادل‌تر می‌شود و کودک را هوشیارتر می‌کند.

زمانی که کودکان مدرسه رفتن را آغاز می‌کنند، بیش از ۵۰ درصد کالری مصرفی آنان، صرف مدرسه رفتن می‌شود، برخلاف دیگر اعضای بدن، مغز ۲۴ ساعته شبانه‌روز کار می‌کند و گلوگز، قند ساده‌ای که هنگام هضم کربوهیدرات‌ها به وجود می‌آید، تنها سوختی است که مغز برای فعالیت نیاز دارد، در حالی که سلول‌های دیگر بدن پروتئین و چربی‌ها را به گلوگز تبدیل می‌کنند، اما سلول‌های مغز نمی‌توانند این کار را انجام دهند.

*** بابک ندوشن ـ متخصص تغذیه: دانش‌آموزانی که صبحانه کافی نمی‌خورند، کم‌دقت، خسته و بی‌حوصله می‌شوند و نمی‌توانند کمبود انرژی، ویتامین و املاح معدنی را با خوردن دیگر وعده‌های غذایی، جبران کنند**

*** کمبود اسیدهای چرب ضروری در بدن کودکان می‌تواند موجب بیماری‌هایی مانند آسم، اگزما و بیش‌فعالی شود که این عوارض را می‌توان با مصرف مکمل‌های روغن ماهی کنترل کرد**

وی با اشاره به نقش چربی‌ها در تغذیه دانش‌آموزان می‌افزاید: کودکان پایه ابتدایی به ۵ وعده چربی در روز نیاز دارند که معادل یک قاشق چای‌خوری روغن یا سس مایونز و یک قاشق چای‌خوری کره بادام‌زمینی است. با این که شاید همه ما از خوردن چربی واهمه داشته باشیم، باید انواع خوب آن را برای یادگیری مورد استفاده قرار دهیم که دو ـ سوم آن باید از چربی‌هایی مانند روغن کانولا، بزرک، زیتون، گل کاجیره، سویا یا گردو باشد و بیش از یک سوم آن را نیز چربی‌های اشباع شده مانند کره تشکیل دهد.

کمبود اسیدهای چرب ضروری می‌تواند موجب بیماری‌هایی مانند آسم، اگزما و همچنین بیش‌فعالی شود، اما این عوارض را می‌توان با مصرف مکمل‌های روغن ماهی کنترل کرد.

رابطه هوش و تغذیه

این متخصص تغذیه در مورد رابطه تغذیه و هوش کودکان اظهار می‌دارد: هوش و استعداد در رابطه مستقیم با تغذیه فرد است. در کودکان کم‌وزن به علت تامین نکردن حداقل نیازهای انرژی روزانه کودک، اولین شاخص در کاهش وزن و کاهش رشد خودنمایی می‌کند. این بدان معنا است که سطح سلولی بدن به دلیل دریافت نکردن موادغذایی، نتوانسته است به رشد و تکثیر خود ادامه دهد. تغذیه صحیح نه تنها سبب رشد جسمی و روانی دانش‌آموزان می‌شود، بلکه افزایش بهره هوشی آنان را نیز به همراه می‌آورد. کودکی که از نظر بدنی ضعیف باشد، از نظر ذهنی هم ضعیف خواهد بود و نمی‌توان انتظار داشت که از مدرسه به طور کامل بهره‌مند شود.

بررسی‌ها نشان داده است که در کشورهای درحال توسعه مانند هند، بیماری‌های تغذیه‌ای و به خصوص آن گروه که با کمبود ویتامین‌های A و C، ویتامین ریبوفلاوین، کلسیم و آهن مرتبط است، شیوع بسیاری دارد.

میان وعده‌های مدرسه

ندوشن، در مورد میان وعده‌های غذایی در مدرسه می‌افزاید: دانش‌آموزان در میانه روز به اندازه وعده‌های اصلی گرسنه نیستند، بنابراین دقت به اینکه چه مواردی را برای میان وعده انتخاب می‌کنند، دارای اهمیت است. زیرا قند خون تامین کننده نیاز مغز برای فعالیت است و تامین و تنظیم قند خون با کبد است و کودکان به علت کوچک بودن کبد، ذخیره کافی برای تامین قند خون ندارند. پس علاوه بر مصرف صبحانه، مصرف میان وعده از ضروریات تغذیه کودک جهت تامین کارآیی و جلوگیری از حواس‌پرتی در کلاس درس است. الگوهای پیشنهادی برای میان وعده سالم در کیف دانش‌آموزان عبارتند از میوه‌های خشک شامل انجیر خشک، توت خشک، برگه زردآلو و هلو و انواع مغزها شامل بادام، پسته، گردو و فندق.

انواع میوه‌ها نظیر سیب، پرتقال، نارنگی، هلو، زردآلو، انگور و انواع سبزیها مانند هویج، کاهو و خیار.

انواع ساندویچ‌ها مانند نان و پنیر و گردو، ساندویچ تخم‌مرغ و نان و کره و مربا.

خوراکی‌های مجاز بوفه مدارس

تمامی اقلام توصیه شده برای عرضه در بوفه مدارس باید در بسته‌های بهداشتی و مورد تایید وزارت بهداشت و درمان در شرایط بهداشتی ارائه شود. مواد غذایی یاد شده از این قرار است: تنقلات شامل پسته، بادام، فندق، کشمش، گندم بو داده، توت خشک، نخودچی، انجیر خشک و سویای بوداده.

ـ انواع کیک، کلوچه و بیسکویت‌های ساده و بدون کرم.

ـ انواع ساندویچ‌ها مانند پنیر و نان و به صورت بسته‌های یک نفره.

ـ نوشیدنی‌ها شامل شیر، ماءالشعیر، دوغ بدون گاز.

ـ بستنی‌ها از نوع بدون رنگ و غیرسنتی.

ـ انواع ماست‌های میوه‌ای.

ندوشن در مورد خوراکی‌های غیرمجاز بوفه مدارس هم یادآوری می‌کند: سالاد الویه، پیراشکی، چیپس، انواع بستنی‌های یخی، شکلات، پاستیل، آب‌نبات‌های رنگی، آدامس، کاکائو، شکلات‌های چسبنده، نوشابه‌های گازدار و انواع پفک از جمله خوراکی‌هایی است که نباید در بوفه‌های مدارس در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد.

توصیه‌های مهم به دانش‌آموزان

این متخصص تغذیه سپس به دانش‌آموزان توصیه می‌کند برای اینکه همیشه سرحال و شاداب باشند و بتوانند خوب درس بخوانند، به نکات زیر توجه کنند:

ـ روزانه حتماً باید علاوه بر ۳ وعده غذایی اصلی (صبحانه، ناهار و شام) ۲ میان وعده در ساعت‌های ۱۰ صبح و ۵ عصر، مصرف شود.

ـ در برنامه غذایی روزانه حتماً از ۴ گروه غذایی اصلی و گروه متفرقه در حد متعادل استفاده کنند.

ـ از تنقلات غذایی کم‌ارزش مانند پفک نمکی، چیپس، شکلات و نوشابه‌های گازدار که زمینه‌ساز چاقی و در نهایت بیماری‌های قلبی و عروقی است، استفاده نشود.

ـ روزانه حداقل باید ۶۰ دقیقه فعالیت‌های متوسط یا شدید بدنی داشته باشند که توصیه می‌شود این فعالیت‌ها قبل از وعده اصلی غذایی (ناهار) نباشد.

ـ برای اینکه یادگیری دانش‌آموزان در درس‌ها بهتر شود و حافظه خوبی داشته باشند، مصرف ماهی و میگو (۲ تا ۳ بار در هفته) توصیه می‌شود.

نیمی از دانش‌آموزان صبحانه نمی‌خورند

دکتر محمد صفریان ـ عضو مرکز تحقیقات بیوشیمی و تغذیه دانشگاه علوم پزشکی مشهد در گفتگو با خبرگزاری مهر گفته است: براساس تحقیقات انجام شده بیش از ۵۰ درصد از دانش‌آموزان از خوردن وعده صبحانه بی‌بهره‌اند و به عبارت دیگر نخوردن صبحانه به عنوان یک عادت نادرست غذایی، در میان بسیاری از دانش‌آموزان رواج دارد و این امر موجب اختلال در روند یادگیری و رشد کودکان می‌شود.

این عضو هیأت علمی دانشگاه نقش والدین را در تغذیه مناسب دانش‌آموزان موثر می‌داند و می‌گوید: استفاده از مواد غذایی مقوی و مناسب، کاهش مصرف مواد قندی، مصرف مغزها مانند گردو و پسته، از موارد مناسب در وعده صبحانه است و والدین می‌توانند با هوشمندی، فرزند خود را به خوردن صبحانه ترغیب کنند. وی با بیان اینکه مصرف موادغذایی و تنقلات بی‌ارزش موجب کمبود ریز مغذی‌ها و همچنین اضافه وزن در کودکان می‌شود، می‌افزاید: والدین باید از در دسترس قرار دادن تنقلات برای پیشگیری از مشکلات بعدی مصرف آن توسط کودکان، خودداری کنند. ضمن آن که همراه کردن نوعی غذا و یا لقمه مانند نان و پنیر و گردو، کره و پنیر، میوه و مغزها بهترین میان‌وعده در زمان حضور دانش‌آموزان در مدارس است.

دکتر صفریان همچنین با اشاره به شیوع اضافه وزن و چاقی در میان کودکان اظهار می‌دارد: والدین باید از روش‌ها و رژیم‌های خودسرانه برای کاهش وزن کودکانشان، خودداری و برای مشورت در این خصوص به پزشکان متخصص مراجعه کنند.

*** دکتر محمد صفریان ـ عضو مرکز تحقیقات بیوشیمی و تغذیه دانشگاه علوم پزشکی مشهد: نخوردن صبحانه به عنوان یک عادت نادرست غذایی در میان بسیاری از دانش‌آموزان رواج یافته است و این امر موجب اختلال در روند یادگیری و رشد کودکان می‌شود**

*** دکتر فروزان صالحی ـ کارشناس دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: «لقمه سالم» که در بوفه مدارس عرضه می‌شود، باید شامل نان و پنیر و گردو، نان و تخم‌مرغ، نان و پنیر و خیار، نان و پنیر و گوجه‌فرنگی و نان و کره و عسل باشد**

لقمه سالم

دکتر فروزان صالحی ـ کارشناس دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت و درمان نیز در مصاحبه با رسانه‌های گروهی گفته است: انواع خوراکی‌های بسته‌بندی شده باید دارای پروانه ساخت وزارت بهداشت و درمان، علامت استاندارد، نام و نشانی کارخانه، تاریخ تولید و انقضای معتبر، مشخصات و ترکیب‌های تشکیل دهنده، پوشش سالم و تمیز داشته و ترجیحا دارای برچسب موادغذایی باشند.

این مواد شامل خشکبار، خرما، انواع میوه‌های خشک، انواع مغزها، کشمش، نخودچی، سویا، توت خشک، انجیر خشک و انواع ماست، انواع شیر، پنیر، بستنی، به جز بستنی‌های یخی است، که همه باید پاستوریزه یا استرلیزه باشند.

این کارشناس تغذیه همچنین یادآوری می‌کند: انواع میوه‌های سالم که شسته و ضدعفونی شده و در بسته‌بندی‌های یک‌نفره و کیوم شده قرار داشته باشند. نوشیدنی‌هایی مانند دوغ بدون گاز و انواع آبمیوه‌های طبیعی استریلیزه یا پاستوریزه، ماءالشعیر و آب معدنی از اقلام قابل عرضه در بوفه مدارس است و جا دارد بیسکویت از نوع سبوس دار و کیک و کلوچه از نوع غنی و تهیه شده با روغن حاوی اسید چرب با ترانس زیر ۱۰۰ درصد باشد.

به گفته دکتر صالحی «لقمه سالم» که در بوفه مدارس عرضه می‌شود باید نان و پنیر و گردو، نان و تخم‌مرغ، نان و پنیر و خیار، نان و پنیر و گوجه‌فرنگی و نان و کره و عسل باشد و حتماً باید خیار و گوجه فرنگی شسته و ضدعفونی شده باشد. این متخصص تغذیه سپس توصیه می‌کند: بهتر است به جای نان‌های سفید با نمایه گلایسمی بالا، از انواع نان‌های سبوس‌دار و غنی‌شده آن مصرف شود. همچنین عرضه غذاهای پخته شده مانند انواع آش و سوپ، لوبیا، عدس، حلیم، شله‌زرد و فرنی به شرط داشتن تمامی شرایط بهداشتی تهیه آن‌ها، بلامانع است. ضمن آن که آشپزخانه مدارس باید آیین‌نامه بهداشت محیط را به دقت رعایت کنند.

به گفته دکتر صالحی، لازم است مواد غذایی در ظروف یکبار مصرف عرضه شود، پخت روزانه باشد و نظارت انجمن اولیاء و مربیان بر پخت و توزیع این مواد، ضرورت دارد. در مورد غذاهایی که از بیرون (مراکز پخت) تهیه می‌شوند نیز وضعیت بهداشتی آن‌ها و شرایط حمل و نقل غذا باید مطابق با آیین‌نامه مرتبط با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشد.

وی در مورد موادغذایی که عرضه آن‌ها در پایگاه‌های تغذیه سالم مدارس غیرمجاز است، اظهار می‌دارد: فروش انواع پفک، یخمک، نوشابه‌های گازدار به جز ماءالشعیر، آدامس، سوسیس، کالباس، سالاد الویه، چیپس، انواع لواشک، آلو و آلوچه، آب‌نبات‌هایی که به سطح دندان می‌چسبد، آبمیوه‌هایی که از آب و قند و اسانس میوه تهیه شده‌اند، فلافل و بستنی یخی در بوفه‌های مدارس ممنوع است.

در ضمن فهرست موادغذایی قابل عرضه در پایگاه‌های تغذیه سالم مدارس و جدول موادغذایی‌ای که عرضه آنها در این پایگاه‌ها مجاز است، باید درمحل مناسب و در معرض دید دانش‌آموزان و کارکنان مدارس نصب شود.

بیتا مهدوی

جدول شرح در متن
شماره ۲۸۵۰
طراح: غلامحسین باغبان

حل جدول شماره ۲۸۴۹

جدول ۲۱۵۴۲

افقی:
۱ـ لقب حافظ شیرازی، چهارشنبه ۲۰ مهر مصادف است با روز بزرگداشت وی ـ بنیانگذاری
۲ـ جذام ـ جامعه‌شناس و پژوهشگر ایرانی از مردم کاشان مؤلف چندین کتاب در جامعه‌شناسی، فلسفه و تاریخ
۳ـ آش ـ ویتامین انعقادی ـ حمام بخار ـ فهمیده و عاقل
۴ـ بند گردن ستور ـ واکسیناسیون ـ حرف سفره نوروزی
۵ـ کارگردان فیلم‌های «گزارش اقلیت» و «هوش مصنوعی» ـ آگاه باش ـ عدد خیطی
۶ـ حرکت ـ بخشنده، از نام‌های خدای متعال ـ مهربان و باعاطفه
۷ـ واحد پول هر دو کره ـ از علامت‌های جمع ـ کنایه از خدمتکار، نوکر
۸ـ اشاره بعید ـ دادوستدکننده پول ـ گل صبح شکفته در شبنم ـ از جدایی‌ها شکایت می‌کند
۹ـ نام پیشین مشهد ـ مساوی ـ پرز مخمل
۱۰ـ دربان ـ قسمت کننده، نامی مردانه ـ آژانس فضایی آمریکا
۱۱ـ عضو دونده ـ رسیدن، رسایی ـ تالار و کاخ آراسته به نقش صورت‌ها و مناظر
۱۲ـ چهره ـ خرابکاری، ممانعت از پیشرفت کار ـ ضربه‌خور چکش
۱۳ـ از پسوندها ـ دستیار ـ سلیقه همگانی ـ گشاده
۱۴ـ نام مستعار غلامحسین ساعدی نویسندهٔ ایرانی ـ فدراسیون بین‌المللی فوتبال
۱۵ـ شهر زیبای شمال کشورمان ـ اثری از «ماکسیم گورکی» نویسنده روسی

عمودی:
۱ـ آزمایشگاه ـ بیماری ناشی از کمبود یکی از ویتامین‌های «ب» در نظام غذایی
۲ـ نام سابق جزیره آشوراده ـ از شیرینی‌های سنتی یزد
۳ـ فریاد درد ـ نوعی ترازوی بزرگ ـ جهت ـ واحد برقی
۴ـ منقار پرنده ـ پساوند نسبت ـ سکه‌ای مسی یکدهم ریال ـ عبرت و پند
۵ـ مردان و زنان مجرد ـ طرح اسلیمی ـ مرز بی‌پایان
۶ـ زیر پا فشرده شده ـ طول و تفصیل و تکلف در کلام ـ سپاسگزار
۷ـ روش، سنت و خلق و خو ـ شکاف سرقلم ـ داستان
۸ـ ژاژخای ـ کالج
۹ـ مدال مقام سوم ـ اقبال ـ از فنون کشتی
۱۰ـ هاون ـ جد رستم دستان ـ غم و رنج
۱۱ـ خم پارچه یا کاغذ ـ امدادرسان ـ از علوم خیالی مانند کیمیا
۱۲ـ عدد مجهول بین سه تا نُه ـ فلز نقره‌ای رنگ در باتری‌های قابل شارژ ـ پوز ـ خاکسپاری
۱۳ـ حق‌شناسی و شکر نعمت ـ غوزه پنبه ـ نگین انگشتری ـ وی
۱۴ـ نام اختصاری «صندوق کودکان سازمان ملل متحد» ـ پایتخت کشور مجمع‌الجزایر باهاما
۱۵ـ مربوط به هر نفر ـ محکمه و دارالقضاء

طراح: غلامحسین باغبان

حل جدول ۲۱۵۴۱

جدول ۲۱۵۴۱

افقی:
۱ـ شاعر معاصر تاجیکی آثار «بنفشه»، «خانه پدری» و «بنیاد دل» ـ نابود و ناپدید
۲ـ عنوان فیلم‌های غرب وحشی و هفت‌تیری ـ رنگ سبز تیره ـ شفادهنده
۳ـ فیلمی از مسعود کیمیایی ـ قاضی ورزشی ـ توقفگاه و جای نگهداری خودروها
۴ـ از حروف مقطعه قرآن مجید ـ جایگاه، مقام و موقعیت ـ وسیله درودگری ـ راه کوتاه
۵ـ در مثل صدا نداره! ـ قسمی شیشه چراغ که بالا و پایین آن باز است
۶ـ نقش بازیگر ـ بت بی سر و پا ـ تیم فوتبال انگلیسی به مربیگری «آرسن ونگر»
۷ـ رشته کوه مغرب آمریکای جنوبی ـ از نام‌های حضرت فاطمه(س) ـ علی‌الظاهر، گویا
۸ـ تنیسور مشهور سوئیسی با نام «راجر» ـ ستمگر عصر حضرت ابراهیم(ع) ـ هیمه
۹ـ خرنوب نبطی گیاهی دارویی ـ از ضروریات جامعه مدنی ـ آگاه باش
۱۰ـ کنایه از این دنیای ناپایدار ـ گلّه ـ راه بی‌فرجام
۱۱ـ تقدیر ـ فیلسوف فرانسوی «گفتار در روش به کار بردن عقل»
۱۲ـ مغز ـ گروه ورزشی ـ نه سرد نه گرم ـ کتاب مقدس هندوان
۱۳ـ از مرکبات ـ نوعی ماهی و دانشگاه ـ واگیردار
۱۴ـ سیگاری ـ تخت پادشاهی، اورنگ ـ جمع حکم
۱۵ـ هر لنگه در و پنجره ـ کتابی از ناصرخسرو

عمودی:
۱ـ روزنامه جهانگیر خان شیرازی روزنامه‌نگار آزادیخواه ایرانی ـ کاشف اتریشی قوانین وراثت
۲ـ سنگواره ـ پایتخت انگلستان ـ بخشندگی
۳ـ یتیم بودن ـ بی‌خانمان و آواره ـ صف و رسته
۴ـ شاخه‌زدایی ـ بز کوهی ـ مربوط به آن دسته از عارضه‌های روانی که دارای نشانه‌های جسمی است
۵ـ شکم‌بند ـ محل دور زدن ـ رواج دادن
۶ـ «... شرح پریشانی من گوش کنید» ـ از ییلاقات اطراف تهران ـ جهت
۷ـ تحمل رنج برای کسب اخلاق انسانی ـ کفالت ـ نام برهانی گلزن استقلال تهران
۸ـ فروتنی ـ اثری از «فدریکو گارسیا لورکا» شاعر و درام‌نویس اسپانیایی ـ سنگین
۹ـ افسانه ـ در گرو یا وابسته به چیزی ـ مایه شادی دل، معشوق
۱۰ـ حرف پنجم انگلیسی ـ رود مرزی ـ تأخیر و تعویق
۱۱ـ راه پیچیده بر بلندی کوه ـ کامل و همه ـ حرف ندا
۱۲ـ اثر حماسی فردوسی ـ همه را شامل می‌شود ـ جمع محنت، رنج‌ها
۱۳ـ خزنده خوش خط و خال ـ شکایت ـ چوب این درخت دارای ارزش صنعتی است
۱۴ـ کندن و کاوش در زمین ـ لاغر و نحیف ـ نوعی نمایش
۱۵ـ مخصوص ـ امام هشتم شیعیان جهان، حضرت امام رضا(ع)

طراح: غلامحسین باغبان

حل جدول ۲۱۵۴۰

توضیح: جدول شماره ۲۱۵۴۱ در روز گذشته هنگام صفحه آرایی متأسفانه جابه جا شده بود. ضمن پوزش از خوانندگان گرامی، شرح یاد شده با جدول متناسب و صحیح، دوباره از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرد.

تقدیم به هندشناس بزرگ ایران، دکتر فتح‌الله مجتبائی

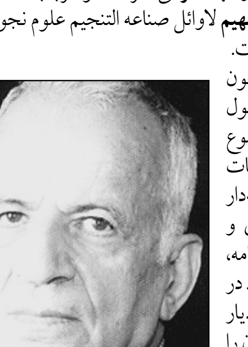
مقام علمی ابوریحان بیرونی

دکتر مهدی محقق ـ عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

ابوریحان محمدبن احمد بیرونی در بامداد روز پنجشنبه سوم ذی‌حجه سال ۳۶۲ که مصادف با مهرروز شانزدهم شهریور سال ۳۴۲ بود، به عرصه گیتی گام نهاد و مطابق آنچه به خط شاگردش ـ ابوالفضل سرخسی صاحب کتاب «جوامع التعالیم» بر حاشیه یکی از کتابهای استاد ـ آمده، وفاتش در شب جمعه دوم رجب سال ۴۴۰ اتفاق افتاده است.

او در مدت هفتاد و اندی سال از عمر پربار و پرکتش، آثار فراوانی از خود به یادگار گذاشت و در زندگی خود موفق شد آن آثار را فهرست و برحسب موضوع طبقه‌بندی کند. او در بررسی‌های خود روش دقیق علمی را به کار می‌برد و مسائل را مورد آزمایش و تجربه قرار می‌داد و تا وقتی که به یقین علمی و یا ظنی که متاخم به علم باشد نمی‌رسید، مطلب علمی را اظهار نمی‌داشت.

موضوعات مهمی که او در آثارش مورد بحث قرار داده، همه از اهمیت فراوانی برخوردار هستند. در کتاب **تحقیق ماللهند** خود آداب و رسوم و علوم هندی به‌ویژه ریاضیات و نجوم آنان را مورد بحث قرار داده، در کتاب **الآثار الباقیه** از تاریخ و تقویم و گاه‌شماریهای ملل مختلف بحث کرده، در **الجماهر** فی معرفه‌الجواهر به بحث درباره احجار کریمه و معدنیات پرداخته، در **التفهیم** لاوائل صناعه التنجیم علوم نجومی و ستاره شناسی را مورد بررسی قرار داده است.



گذشته از این، در موضوعاتی همچون علم زیجات و علم هیأت و قبله‌شناسی و طول و عرض بلاد و استخراج اندازه زمین و طلوع و غروب خورشید و اصطرلاب و شعاعات واعیاد ملت‌ها و منازل قمر و ستارگان دنباله‌دار و گیسودار و شکل قطاع و آثار علوی و اختلاف فصول کتابهایی مفرد(= تک‌نامه، مونوگراف) به رشته تحریر درآورده است. در مدت اقامت خود در هند با منجمان آن دیار به بحث و گفتگو پرداخته و اشکالات آنان را پاسخ داده و برخی از آثار علمی آنان را از زبان سنسکریت به زبان عربی ترجمه کرده است و به برخی از آثار مذهبی آنان نیز توجه داشته و کتابهای **پاتنجل** و **سانک** را ترجمه کرده و کوشیده است که مطالب آن دو کتاب را با دیدگاههای اسلامی منطبق سازد.

ابوریحان بیرونی همچون سایر دانشمندان اسلامی علم دیگران را مورد نقد و بررسی قرار می‌داد و علم خود را هم با محک بحث دیگران می‌آزمود و آن اصل مسلمی که علم در وقتی پاک و مصفا می‌گردد که بر مخالفان عرضه شود و مورد ایراد و انتقاد قرار گیرد همیشه مورد نظر او بوده است:

با خصم گوی که: بی خصمی — علمی نه پاک شد نه مصفا شد
زیرا که سرخ روی برون آمد — هرکو به سوی قاضی تنها شد

از این جهت می‌بینیم که او با توجه فراوانی به آثار دانشمندان گذشته و معاصر خود داشته مثلا زیج خوارزمی را مورد مطالعه قرار داده و کتابی مستقل درباره علل آن نوشته و در کتاب **استخراج‌الاوتار** هنگام بحث درباره معرفت قطعه منکسف از نیران(=خورشید و ماه) به آن استناد جسته است و نیز ایراداتی را که ابوطلحه طبیب بر آن وارد ساخته بود، مورد رد و نقض قرار داده است و هنگامی که ابوالحسن اهوازی به ناروا بر خوارزمی خرده گرفت، ابوریحان کوشید تا میان آن دو وساطت کند و میان گفتار آنان راه اعتدال و میانین را بجوید. همچنین وقتی زیج ممتحن ـ ساخته احمد بن عبدالله حبش بن حاسب ـ بر او عرضه شد، تکمیلش کرد و موارد ضعف آن را اصلاح نمود و در مسأله یافتن آغاز ماه رمضان بدون رویت هلال از آن زیج استمداد جست.

او همچنین به **زیج کندکانک** ساخته هندوان که به نام زیج ارکند است، عنایت

*** شاید بتوان گفت که ابوریحان نخستین دانشمندی است از مسلمانان که سخن از ادیان تطبیقی به میان آورده و مقالات و آرای هندیان را با آنچه یونانیان گفته‌اند، مقایسه نموده است. او همین روش تطبیقی را در مورد مقایسه صوفیان اسلامی با یکی از فرقه‌های نصارا به کار برده‌است**

داشت و چون الفاظ آن زیج را در ترجمه نامفهوم یافت، خود زیجی برای سیاویل کشمیری ساخت و آن را در کندکانک عربی نامید و مسأله کسوفین(=کسوف و خسوف) را در آن مبرهن ساخت. او به کتاب جوامع علم النجوم احمدبن محمدبن کثیر فرغانی عنایت کافی مبذول داشت و برای استاد و شیخ خود ابوالحسن مسافر آن کتاب را تهذیب کرد و این ابوالحسن مسافر همان کسی است که بیرونی کتاب **افرادالمقال فی امرالظلال** را برای او نوشته تا او بتواند بر پایه شاخص‌ها اوقات نماز خود را تنظیم نماید. بیرونی در همین کتاب مسأله ابصار و اینکه آن با شعاعی است که از چشم بیرون می‌آید و به اشیا می‌رسد و یا از شعاعی است که از رنگ و صورت اشیا پدید می‌آید و به رطوبت جلیدی چشم منطبع می‌گردد، مورد بررسی و بحث قرار داده است.

او توجه به حساب هندی و ارقامی که معروف به سند هند است نیز داشت و سند هند همان است که هندیان «سدهاند» خوانند و آن را به «راستی که اندر آن کجی نیاید» معنی کرده‌اند و نیز مسأله آن و زمان را بر پایه اندیشه هندیان بررسی کرده است. او با عبدالملک طبیب بستی درباره آغاز و انجام جهان و با ابوسهل کوهی درباره ستارگان منقضه و با ابوحفص عمر بن فرخان نیز در برخی از مسائل در تبادل اندیشه و آرا بود و با منجمان گرگان نیز در برخی از موضوعات مکاتبات و مباحثاتی داشت. از میان دانشمندان همزمان و یا نزدیک به زمان خود بیش از همه توجه به محمد بن زکریای رازی و حسین بن عبدالله بن سینا داشت.

به رغم اینکه ابوریحان با اندیشه‌های فلسفی و دینی رازی مخالف بود، کتابهای او را فهرست و طبقه‌بندی کرد و همراه با کتابهای خود در یک رساله مفرد مدون ساخته است. گذشته از این جای‌جای در آثار خود به کتابهای رازی استناد می‌جوید. از جمله در کتاب تحقیق ماللهند، آنجا که درباره مدت و زمان مطلب بحث می‌کند، در مورد قدمای خمسه که به یونانیان و ایرانیان نسبت داده شده، از رازی نقل قول می‌کند و در الآثارالباقیه اشاره به مناظرات رازی با ابوبکر حسین تمار در مورد هوای نقاط زیرزمینی می‌کند و در الجماهر از کتاب الخواص رازی در مورد بسد و کهربا نقل می‌کند و در کتاب **استخراج‌الاوتار** آنچه را که رازی «فصول‌الهندسه» نامیده، رد می‌نماید.

مهمترین بخش ایرادات ابوریحان بر معاصران خود، پرسش و پاسخ‌هایی است که میان او و ابن‌سینا رخ داده که در الآثارالباقیه به آن اشاره و از ابن‌سینا به عنوان «الفتی الفاضل» یاد کرده است. پرسش‌های ابوریحان که از خوارزم برای ابن‌سینا فرستاد شده، مشتمل بر دو بخش است:

۱) ایراداتی که ابوریحان بر کتاب «السماء والعالم» ارسطو وارد ساخته که مشتمل بر ده پرسش است.

۲) اشکالاتی که در برخی از مسائل علمی و فلسفی برای خود او پیدا شده است که مشتمل بر هشت پرسش است.

ده ایراد موضوع بخش اول عبارتند از:

پرسش اول: چرا ارسطو معتقد شده است که فلک سبک و سنگینی ندارد از جهت آنکه حرکت از مرکز و حرکت به مرکز برای او متصور نیست؟

پرسش دوم: چرا ارسطو در دو جای از کتاب خود گفتار پیشینیان را مبنی بر اینکه فلک را همچنان که او یافته است، یافته‌اند، دلیل بر ثبات و دوام فلک آورده است؟

پرسش سوم: چرا ارسطو و دیگران جهات را شش دانسته‌اند، در حالی که مکعبی که از شش جهت به شش مکعب دیگر مماس باشد، این امر را باطل می‌سازد؟ و نیز این جهات در کره متصور نیست.

پرسش چهارم: چرا ارسطو قول قائلان به جزء لایتجزی را زشت پنداشته، در حالی که آنچه لازمه قول کسانی است که جسم تا بی‌نهایت تجزیه‌پذیر است، زشت‌تر است؟

پرسش پنجم: چرا ارسطو قول کسانی را که می‌گویند ممکن است جهانی جز جهانی که ما در آن هستیم بر طبیعتی دیگر وجود داشته باشد، زشت پنداشته است؟

پرسش ششم: ارسطو در مقاله دوم از کتاب خود یاد کرده است که شکل بیضی و عدسی در حرکت مستدیر نیازمند به جای خالی هستند و کره چنین نیازی را ندارد، در حالی که این درست نیست.

پرسش هفتم: ارسطو گفته است که جهت راست مبدأ حرکت در هر جسم است. بعد از آن برعکس گفته که حرکت آسمان از مشرق است؛ زیرا آن سمت راست است.

پرسش هشتم: ارسطو پنداشته است که افلاک وقتی حرکت می‌کنند، هوای مماس با آنها گرم می‌شود، در حالی که این گرمی در معدل‌النهار است که حرکت تند است نه در دو قطب.

پرسش نهم: اگر گرمی از مرکز به بالاست، چرا گرمی که به ما می‌رسد، از خورشید و شعاع‌های آن است؟ آیا اینها اجسام‌اند یا اعراض یا چیزی دیگر؟

پرسش دهم: برخی اشیا که به برخی دیگر استحالت می‌پذیرند، آیا بر سبیل تجاوز و تداخل است یا بر سبیل تغیر؟

هشت ایراد موضوع بخش دوم عبارتند از:



پرسش اول: هرگاه شیشهٔ سفید مدور را پر از آب صاف کنیم، در سوزاندن همچون بلور مدور است؛ ولی اگر از آب صاف آن را تهی سازیم، نمی‌سوزاند. چرا آب این چنین است و هوا این چنین نیست؟

پرسش دوم: کدام یک از این دو قول درست است: یکی آنکه گوید آب و خاک حرکت به مرکز می‌کنند و هوا و آتش از مرکز حرکت می‌کنند، و دیگری آنکه گوید همهٔ اینها به سوی مرکز حرکت می‌کنند و سنگین‌تر سبکتر را پیشی می‌گیرد.

پرسش سوم: ادراک با چشم چگونه است؟ چرا ما آنچه در زیر آب است، می‌بینیم، درحالی‌که شعاع چشم از اجسام صیقل منعکس می‌شود و آب از اجسام صیقل است؟

پرسش چهارم: چرا یک ربع شمالی آبادان است و ربع دیگر شمالی و دو ربع جنوبی چنین نیستند؟ درحالی که احکام دربارهٔ آنها یکسان است.

پرسش پنجم: در چهار سطح (ا ب ج د) که میان آن خطوط وهمی فرض شده است، سطح «الف» با طول به سطح «ب» و با عرض به سطح «ج» مماس است. آیا سطح «الف» با سطح «د» مماس است؟ و اگر «الف» با «د» مماس باشد، چگونه «ج» با «ب» مماس می‌شود؟

ب	ا
د	ج

پرسش ششم: حال که نزد ما ثابت شده خلأ در داخل و خارج عالم وجود ندارد، چرا اگر شیشه‌ای مکیده شود و وارونه بر آب نهاده گردد، آب را به سوی بالا به خود می‌کشد؟

پرسش هفتم: چون اجسام با گرما باز و با سرما بسته می‌گردند و ترکیدن قمقمه‌های صیاحه از همین جهت است، چرا ظروف وقتی که آبی میان آنهاست یخ ببندد، می‌ترکند و می‌شکنند؟

پرسش هشتم: چرا یخ بر روی آب می‌ماند، درحالی که تراکم سرما و سنگ گونگی در آن، آن را به زمین بودن نزدیک‌تر ساخته است؟

اعتراض ابوریحان

ابوریحان بر پاسخ‌های ابن‌سینا ـ به جز پاسخ ششم و هشتم از قسمت اول و پاسخ هشتم از قسمت دوم ـ اعتراضاتی وارد ساخته است و نیز فقیه معصومی به دفاع از ابن‌سینا اعتراضات ابوریحان را پاسخ داده و فقط اعتراض بر مسأله سوم و پنجم را مسکوت‌عنه گذاشته است. فقیه معصومی همان ابوعبدالله معصومی است که از فاضل‌ترین شاگردان ابن‌سینا بوده و ابن‌سینا «کتاب العشق» خود را به نام او کرده و دربارهٔ او گفته است که: «نسبت او به من همچون نسبت افلاطون به ارسطو است.»

هندشناسی

چنان‌که پیش از این یاد شد، کتاب تحقیق ماللهند از مهمترین کتابهای ابوریحان به شمار می‌رود. ابوریحان در این کتاب آگاهی‌های فراوان و سودمندی را دربارهٔ فرقه‌های گوناگون هند ارائه داده است. از جمله آنکه از میان اصحاب کتب، مقالات از ابوالعباس ایرانشهری نیشابوری نام می‌برد که این ابوالعباس به رغم اینکه وابستگی به دینی خاص نداشته، بلکه خود واضع دینی نو بوده است، از یهود و نصاری بدون میل و مداهنت یاد کرده و مضامین تورات و انجیل را به خوبی گزارش کرده است؛ ولی دربارهٔ مانویان غلو نموده و در مورد فرقه‌های هندی و شمنیه مطالب کتاب زرقان را در کتاب خود نقل کرده است.

شاید بتوان گفت که ابوریحان نخستین دانشمندی است از مسلمانان که سخن از ادیان تطبیقی به میان آورده و مقالات و آرای هندیان را با آنچه یونانیان گفته‌اند، مقایسه نموده است؛ چنان‌که خود گفته است: «فاورد کلام‌الهند علی وجهه واضیف الیه مالليونانيين من مثله لتعريف المقارنه بينهم.» او همین روش تطبیقی را در مورد مقایسه صوفیان اسلامی با یکی از فرقه‌های نصارا در مورد مسأله حلول و اتحاد به کار می‌برد. او خلاصه دو کتابی را که از زبان سنسکریت به عربی ترجمه کرده، یعنی کتاب سانک در مبادی و صفت موجودات و کتاب پاتنخل دربارهٔ رها ساختن نفس از رباط بدن در کتاب خود آورده و جای جای به مطالب آنها استناد می‌جوید.

در مورد معرفی زبان سنسکریت نیز از شم تطبیقی خود استمداد می‌جوید و آن را با زبان عربی مقایسه می‌نماید و اصطلاح کلمات مترادف: «فتسمی الشیء الواحد بعده اسام» و کلمات مشترک: «وقوع الاسم الواحد علی عده مسمیات» را در هر دو زبان نشان می‌دهد. در مورد نجوم و ستاره‌شناسی او اشاره به آغاز ورود خود به هند می‌کند که آشنا به زبان نبود و اصطلاحات علمی آنان را نمی‌دانست و همچون تلمیذی در برابر استاد با بزرگان علم آن دیار روبرو می‌شد: «انی کنت اقف من منجمیهم مقام التلمید من‌الاستاذ لعجمتی فیما بینهم و قصوری عما هم فیه من مواضعاتهم» و وقتی که به زبان مسلط گشت، اعجاب آنان را برانگیخت و همه در شگفت بودند که او این مطالب را از کجای هند فراگرفته و در میان بزرگان علم از او به عنوان «دریا» یعنی بحرالعلوم یاد می‌شده است!

مقایسه هندیان با یونانیان

ابوریحان آرا و اندیشه‌های هندیان را با عقاید یونانیان دوره جاهلیت یعنی پیش از ظهور نصرانیت مقایسه می‌کند و هر دو را متقارب می‌داند و به جمله «**الکفر مله واحده**» استشهاد می‌جوید؛ با این تفاوت که جاهلیت و بت‌پرستی هندوان در میان خواص و عوام بود؛ ولی یونانیان توانسته بودند به وسیله فلاسفه خود اندیشه‌های خواص را که عنایت به بحث و نظر بود، از اندیشه‌های عوام که بر پایه بی‌باکی و عناد است، جدا سازند و در این باره داستان قتل سقراط را مثال می‌آورد که چون او مخالفت خود را با عوام در بت‌پرستی آشکار ساخت و نام «آلهه» را بر ستارگان روا ندانست، قاضیان آتن فتوا به کشتن او دادند؛ ولی در میان هندیان فیلسوفانی پیدا نشدند که علوم را تهذیب نمایند؛ از این روی اندیشه‌های علمی آنان دچار اضطراب و بی‌نظمی گردید و در نهایت با خرافات عوام مخلوط شد. بنابراین آنچه آنان در کتابهای حساب و ریاضی خود یاد کرده‌اند، همچون صدفی است که با خزف مخلوط شده است.

در مورد اعتقاد آنان به خداوند، او فرق می‌نهد میان خواص و عوام آنان و می‌گوید: طبیعت عوام در هر قومی متوجه محسوسات و فروع است. در حالی که خواص عنایت به معقولات و اصول دارند. خواص از هندیان خداوند را یکتا و ازلی بدون آغاز و انجام می‌دانند که در افعال خودمختار است و از اشتباه و اضداد مبراست، او برای اثبات این مطلب فقراتی از کتاب‌های مهم آنان همچون **پاتنجل** و **بید** و **گیتا** می‌آورد و از مکالماتی که میان باسدیو و ارجن رخ داده، استشهاد می‌جوید که خداوند کل اشیاست. با زادن آغاز نشده و با مردن انجام نیافته و در کارهای خود قصد مکافات ندارد و دوستی و دشمنی خود را ویژه طبقه خاصی نمی‌گرداند. خداوند هرچند از حواس به دور است، ولی نفس انسانی او را تعقل و صفات او را تدبر می‌نماید و همین امر عبادت خالص او را شکل می‌دهد که با آن به سعادت و خوشبختی می‌توان رسید.

ابوریحان هنگام سخن از موجودات عقلی و حسی، از حکمای هفتگانه یونان یاد می‌کند و عقائد هندیان را با اندیشه‌های آنان مقایسه می‌نماید که برتری آدمی بر سنگ و جماد، بستگی به نزدیکی او به علت نخستین دارد و وجود حقیقی فقط برای علت نخستین است و موجوداتی که نیازمند به غیر هستند، وجودشان همچون خیال است. او این حکیمان را که چنین اندیشه‌ای دارند، سوفیه می‌خواند که «سوف» در زبان یونانی به معنی حکمت است و پیلاسوپا (=فیلاسوفیا) دوستدار حکمت می‌باشد و در اسلام هم آن گروه که چنین اندیشه‌ای داشتند، به این نام خوانده شده‌اند و آنان که شناختی از این نام نداشتند، آنان را منسوب به صُفه ساختند که در زمان پیغمبر(ص) بودند و سپس این نام تصحیف گردید و به «صوف» که پشم چهارپایان است، منسوب گشتند و ابوالفتح بُستی چنین نسبتی را رد می‌نماید و می‌گوید شخصی سزاوار این نام است که «صافی فصوفیَ حتی لُقب الصوفی» یعنی کسی که به تصفیه باطن کوشیده و مصفا گردیده، سزاوار لقب صوفی گشته است. گروهی از هندیان در جریان این تصفیه به اندازه امکان به علت نخستین مانندگی پیدا کرده و با گذشت از وسائط و میانجی‌ها، با آن متحد گشته‌اند و این همان تشابه میان اینان و صوفیان اسلام است.

ابوریحان می‌گوید که برخی از هندیان معتقدند که ستارگان هفتگانه دارای اصوات و الحانی هستند که با آن خالق خود را تمجید و تعظیم می‌کنند و این عقیده را با اندیشه‌های اومیرس و فرفوریوس و دیوجانس مقایسه می‌کند که دیوجانس را چنان حسی لطیف بود که آواز حرکت افلاک را می‌شنید! او جهان‌شناسی هندیان را بر این پایه توصیف می‌کند که: ماده اصل جهان است و فعل آن به صورت طبیعی انجام می‌گیرد؛ همچون فعل بذر در درختان که اراده و اختیاری از آن نیست و فعل ماده در صورتهای مختلف براساس نیروهای سه‌گانه نخستین و غلبه هریک صورت می‌پذیرد. این سه نیرو عبارتند از: نیروی فرشتگی، نیروی انسانی و نیروی بهیمی و همه مادون نفس قرار دارند و نفس در آنها نظارت دارد. نفس همچون آب بارانی است که از آسمان بر یک حالت و کیفیت فرود می‌آید و در ظرفهای مختلف که قرار می‌گیرد، به صورتهای مختلف مشاهده می‌گردد.

تناسخ

در مورد عقاید هندیان به تناسخ، ابوریحان می‌گوید: همچنان که «ایمان» شعار مسلمانان و «تثلیث» شعار نصرانیان و «اسبات» شعار یهودیان است، «تناسخ» شعار همه گروهها و فرقه‌های هندی است. و توجیه تناسخ بدین صورت است که نفس چون عاقل نیست، دفعتاً احاطه کلی به مطالب پیدا نمی‌کند، بلکه نیازمند به زمان است و حصول علم برای آن نسبت به اشخاص و انواع و افعال و احوال آنها باید مسبوق به تجربه و شناخت جدید باشد. از این روی ارواح جاویدان در بدنهای مختلف تردد می‌نمایند تا به سوی خیر جلب گردند و از شر دور شوند و این تردد و گذر از پست‌ترین به سوی بهترین است نه برعکس آن. نفس در حال تجرد از ماده عالم می‌گردد و هرگاه به ماده متلبس شود، تیرگی ماده در آن اثر می‌گذارد و جهل آن آشکار می‌گردد و هرگاه نفس از بدن جدا گردد، آثار محسوسات از آن به کلی جدا نمی‌شود، بلکه عشق به آن باقی

*** بیرونی از معدود دانشورانی است که توجه و عنایت به آرا و اندیشه‌های فلسفی و دینی دیگران داشت و روش مطالعه مقایسه‌ای در علوم مختلف را به کار برد و در تحقیقات و بررسی‌های خود از راه و روش علمی منحرف نگشت، بلکه در همه موارد رعایت انصاف و اعتدال را ملحوظ می‌داشت**

می‌ماند. او در همین فصل تناسخ می‌گوید که: مانی از ایرانشهر تبعید شد و به هند آمد و تناسخ را از آنان برای پیروان خود به ارمغان آورد.

او از قول برخی از متکلمان نقل می‌کند که گفته است تناسخ چهار مرتبه دارد: «نسخ» که توالد میان انسانهاست که از شخصی به شخص دیگر نسخ می‌شود و ضد آن «مسخ» است که اختصاص به مردمانی دارد که به بوزینه و خوک و فیل مسخ می‌گردند و «رسخ» که در گیاهان صورت می‌گیرد و شدیدتر از نسخ است؛ زیرا آن راسخ می‌ماند در طی روزگاران و همچون کوهها دوام و ثبات می‌یابد و ضد آن «فسخ» است که در گیاه جدا شده، از درخت و کشتارها پدید می‌آید که متلاشی می‌شوند و باقی نمی‌مانند.

ابوریحان گفته ابویعقوب سجستانی را در کتاب «کشف المحجوب» نقل می‌کند که گفته‌است: «انواع محفوظند و تناسخ در هر یک از آنها به نوعی دیگر سرایت نمی‌یابد» و این همان نظر یونانیان است؛ چنان‌که یحیی نحوی از افلاطون نقل کرده که او بر این عقیده بود که نفوس ناطقه در جامه بدنهای چهارپایان در می‌آیند. در کیفیت رهایی از بند دنیا هندیان می‌گویند: همچنان که جهل موجب بستگی و علاقه به دنیا می‌شود، رهایی از آن به وسیله علم حاصل می‌گردد. ابوریحان کیفیت رهایی نفس از بدن را از کتابهای پاتنجل و سانک نقل می‌کند و با آنچه صوفیان مسلمان گفته‌اند، تطبیق می‌نماید؛ از جمله نقل می‌کند که از بایزید بسطامی پرسیدند: «چگونه به این مقامات عالی عرفانی رسیدی؟» او پاسخ داد: «من از نفس خودم کنده شدم؛ همچنان که مار از پوست خود بیرون می‌آید و آنگاه که به خود نگریستم، خود را از او دیدم.»

ابوریحان علت بت‌پرستی هندوان را چنین یاد می‌کند: طبیعت عوام به محسوسات توجه دارد و از معقولات گریزان است و از این جهت اهل ادیان بسیار مایلند که کتابهایشان مصور باشد و این در یهود و نصاری و مانویت دیده می‌شود و همین سبب ساختن بتها به نام پیمبران و دانشمندان و فرشتگان شده است که در هنگام مرگ و غیبت آنان، آثاری باقی مانده باشد که یادشان را در دلها نگه دارد. این در مورد عوام است؛ اما خواص و اهل تحقیق خود را از پرستش غیر خدا منزه می‌دانند تا چه رسد به تصویرها و تندیس‌هایی که به وسیله آدمی خلق و ساخته شده است. از جمله این بتان در هند بت مولتان بود که به نام «خورشید» معروف گردید. این بت را از چوب ساخته بودند که جامه‌ای پوستین در برداشت و دو یاقوت سرخ هم در چشمانش جای داده بودند. وقتی محمدبن قاسم بن منبه مولتان را فتح کرد، به جهت استخفاف آن بت، گوشت گاو به گردن آن آویخت و در محل آن، مسجدی بنا کرد و سپس قرامطه که بر آنجا تسلط یافتند، آن بت را شکستند و خادمان بتکده را هم به قتل رساندند.

ابوریحان بت‌پرستی هندوان را با بت‌پرستی یونانیان مقایسه می‌نماید و می‌گوید یونانیان هم بتها را واسطهٔ میان خود و علت نخستین قرار می‌دادند و آنها را با نام ستارگان و اجرام علوی می‌خواندند و اعراب هم که از طریق شام بتهایی برای پرستش آوردند، آن بتها را واسطه میان خود و خود می‌دانستند که در قرآن هم آمده: **لیقربونا إلی الله زلفی**».

او داستانی رمزی در مورد تلقی از بت نقل می‌کند که در زمان قومودس قیصر که پانصد و اندی سال پیش از اسکندر می‌زیسته، رخ داده و آن عبارت است از: دو مرد نزد بت‌فروشی می‌آیند تا بت «هرمس» را از او بخرند؛ یکی از آنان می‌خواست آن را در معبدی نصب کند تا یادبودی از هرمس باشد و دیگری می‌خواست آن را بر روی قبری نهد تا یادبود مرده‌ای در گور باشد. این دو با هم اتفاق نداشتند و این امر را به فردای آن روز موکول کردند. بت فروش در آن شب به خواب دید که گویی بت با او سخن می‌گوید و با او چنین خطاب می‌کند: «ای مرد فاضل! من ساخته تو هستم و با دستان تو صورتی یافته‌ام که منسوب به ستاره‌ای است. دیگر نشانی از سنگ بودن در من نیست و من تاکنون به عنوان ستاره عطارد شناخته شده‌ام. حال ببین که می‌خواهی مرا یادبود چیزی قرار دهی که فاسد نمی‌شود و یا چیزی که فاسد و فانی می‌گردد!»

چنان‌که می‌دانیم، او کتابی مستقل درباره دو بت بامیان یعنی «سرخ‌بت» و «خنگ بت» نوشته‌است. ابوریحان فصلی از کتاب را اختصاص به کتابهای نحوی و شعری هندیان داده و اشاره می‌کند که آنان به شعر راغب‌ترند تا به نثر و معتقدند که نفس انسانی شائق است به چیزی که نوعی تناسب و نظام در آن به کار رفته باشد. او سپس مقایسه‌ای میان عروض شعر عربی و اوزان منظومه‌های هندی می‌کند و انواع وزنهای معمول نزد آنان را بیان می‌دارد و این احتمال را هم می‌دهد که خلیل بن‌احمد فراهیدی ـ واضع علم عروض ـ تحت تاثیر هندوان بوده باشد. او سپس شمه‌ای از توجه هندیان را به علوم دیگر ذکر می‌کند و از آن میان اشاره به علم نجوم نزد آنان می‌کند و علم حساب و نجوم آنان را که نزد مسلمانان به سند هند معروف بوده، بیان نماید و آن را قاصر از محاسبه زیج‌های مسلمانان می‌داند.

احکام نجوم

او کتابی را در موالید و احکام نجوم هندیان به نام **ساراول** به معنی مختار یاد می‌کند و آن را با بزیدج‌های ایرانیان مقایسه می‌نماید. کلمه «بزیدج» معرب «ویچتیک» پهلوی به معنی «گزیده» است که به عربی آن را «مختارات» می‌نامند. در پزشکی از کتاب «چرک» یاد می‌کند و این همان کتابی است که علی‌بن ربن طبری خلاصه آن و خلاصه کتاب «سسرد» را تحت عنوان «جوامع من کتب الهند» در «فردوس‌الحکمه» خود نقل کرده است.

ابوریحان در پایان این فصل می‌گوید کتابهای هندیان بی‌شمار است که من دسترسی به آنها ندارم و آرزومند بودم که کتاب «پنج تنتر» را که معروف به کتاب «کلیله و دمنه» است، می‌توانستم ترجمه کنم. این کتاب میان زبانهای هندی و فارسی و سپس عربی تردد داشته و در دست کسانی بوده که در آن دست برده‌اند؛ همچون عبدالله بن مقفع که «باب برزویه» را به آن افزود تا کسانی را که در عقائد و دین ضعیف‌اند، به شک اندازد و آنان را به سوی مذهب منانیه (=مانویه) سوق دهد.

در پایان به این نتیجه می‌توان رسید که ابوریحان بیرونی یکی از معدود دانشمندانی است که توجه و عنایت به آرا و اندیشه‌های فلسفی و دینی دیگران داشته و روش مطالعه مقایسه‌ای در علوم مختلف را به کار برده و در تحقیقات و بررسی‌های خود از راه و روش علمی منحرف نگشته، بلکه در همه موارد رعایت انصاف و اعتدال را در علم ودانش ملحوظ داشته است و نسل جوان به ویژه دانشجویان ما می‌توانند روش او را نمونه و اسوه‌ای برای خود قرار دهند. امید است که این مختصر آنان را سودمند افتد. بعون الله تعالی و کرمه.

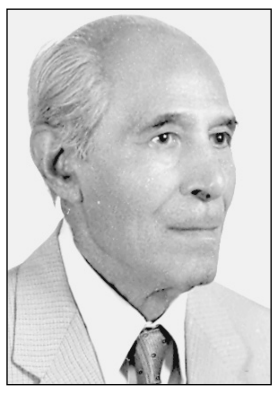
علم

سیدبرهان‌الدین محقق ترمذی: علم نور است و دلهای‌علما همچو قندیلهاست افروخته. و نشان آن علم که الهی‌باشد، ترسگاری باشد و تواضع باشد.

معارف

تربیت یا تعلیم کدامیک ضامن خوشبختی بشر تواند بود؟

از: دکتر علی پریور



پسر: دانستم که راه خوشبخت و شادکام زیستن را باید آموخت و یقیناً راهنمایی در بدو امر از وظایف مهم پدر و مادر و پس از آن به عهده آموزگاران و دولت‌هاست.

ممکن است بفرمائید تربیت یا تعلیم کدامیک در حصول شادکامی آدمی اثر بیشتر دارد و چگونه باید آن را اعمال داشت؟

پدر: حصول شادکامی و فن خوشبخت زیستن به هیچ‌وجه بستگی با میزان درآمد و بودجه روزانه آدمی و اثاث و زینت او ندارد بلکه همانطور که گفتم شادکامی فنی است آموختنی و بنابراین تعلیم اگر در راه توسعه وسائل رفاه و آسایش بشر انجام شود یعنی فقط اسباب راحت جسمی او را فراهم سازد با وجود آسایش کامل جسمی در حصول شادکامی‌اش بی‌اثر است. مثلاً اگر کسی ادعا کند که در این عهد مسافرت با هواپیما و سرعت سیر بشر یا جمع سایر مواهب خوشبختی بیشتری از عهود قدیم بدون داشتن رفاه فعلی ایجاد کرده است، اشتباه محض است، زیرا به رأی‌العین می‌بینیم که مردم امروز با داشتن کلیه امکانات لازم هنوز خود را شادکام نمی‌شناسند تنها اگر تعلیم در راه تربیت صحیح روانی افراد انجام شود به حصول شادکامی منجر می‌گردد و سبب آرامش خاطر می‌شود و در حقیقت باید گفت یک فرد تربیت شده اگر در دانش‌های جدید نیز متبحر نباشد خوشبخت‌تر و شادکام‌تر از دانشمند بی‌تربیت و خودرائی است که آرامش روانی ندارد. شرح زیر برای وضوح مطلب نمونه خوبی است:

آقای ... با درآمد کافی و مشغولیات خوب و ارزنده صاحب خانه بزرگ و زیبایی بود که اغلب روزها مجمع و محفل دوستان می‌بود یعنی با میل شدید به دیدار دوستان و جمع آنان همیشه سفره‌ای گسترده و روئی گشاده داشت.

بصورت ظاهر چنین می‌نمود که از مواهب دنیا چیزی کم و کسر ندارد و در بین دوستان به خوشبختی کامل منسوب بود. روانکاوی و دقتِ در احوالش نشان داد که با داشتن کلیه مواهب نه تنها ازاصول شادکامی رسماً به دور بود و روزگاری تاریک داشت، بلکه این همه اصرار در دعوت دوستان و دیدار اجتماع آنان فقط برای فراموشی نفس پرطلب و گریز از محیط پرآشوب درون خودش بود و در کنه وجدان خود آرزو می‌کرد که: چه می‌شد لحظه‌ای از شر خواهش‌های نفس آزاد می‌شد تا طبق دلخواه خود می‌توانست نفس بکشد و از این همه تظاهر و نابسامانی راحت شود.

آری، اغلب خنده‌ها و پایکوبی‌های پرحرارت و اغلب تظاهرات بی‌معنی که به‌صورت بزرگ‌منش یا جود و سخاوت یا شجاعت و بی‌پروائی جلوه می‌کند، فقط برای ارضای نفس پرطلب و بهانه‌گر درون است تا آدمی بتواند به‌خود بگوید: ای نفس! تو همان هستی که دوستان این همه دوستت دارند و پروانه‌وار گرد وجودت می‌گردند و یقیناً این همه دوستی و محبت را به علت بزرگی شخصیت و سخاوت تو ابراز می‌دارند، در صورتی که خود در باطن به‌خوبی می‌داند که از جود و سخاوت واقعی بویی نبرده و این تظاهرات برای خودنمایی و اقناع حس خودخواهی‌اش انجام گرفته است و در چنین احوال، ابتلای این دسته افراد به یکی از بیماری‌های پسیکوسوماتیک نشانه بارز عدم توافق نفس و روان آنهاست و برای شناخت واقعی آنان ضابطه خوبی به شمار می‌رود. بخصوص باید اندیشه کرد که اگر کلیهٔ مواهب زندگانی را بی‌زحمت و تکلف در دسترس آدمی بگذارند، آدمی خیلی زود به پوچی زندگی پی می‌برد و از همه آنها سیر و بیزار می‌گردد و باز هم در پی سرگرمی جدید می‌رود. دلیل بزرگ بر صحّت این مطلب، وفور روزافزون فراریان از زندگی و هیچی گرایان و بیزاران واقعی در دنیای متمدن امروز است.

آری، زندگی که در آن شوری نباشد، شیرینی نخواهد داشت و اگر کلیهٔ مواهب دنیا را بی‌تکلف در اختیار آدمی بگذارند، به زودی از آن بیزاری می‌جوید و دنبال محبوب جدید و ناشناخته دیگر می‌رود و آنچه زندگی را شیرین و دوست‌داشتنی می‌کند، راه وصول به آستان محبوب است نه خود او. چه، وصول بدو، خود خیلی زود به سیری و بیزاری می‌گراید. عده‌ای از مردم دنیا، خوشی و خوشگذرانی را با خوشبختی واقعی اشتباه می‌کنند و این دو را در یک کفه ترازو قرار می‌دهند، در صورتی که هر یک پرونده‌ای جداگانه دارد.

خوشی عبارت از حالتِ مخصوصی است که پس از ارضای یکی از غرایز آدمی حاصل می‌شود. مثلاً حالتی که پس از صرف یک غذای خوب و دلخواه به او دست می‌دهد و یا بوییدن یک عطر مخصوص و یا بالاخره لذت حاصله از ارضای غرایز مختلف، همه خوشی نامیده می‌شوند. حصول این حالت همانطور که گفتم فقط در ارضای خواهش‌های جسمانی صورت می‌گیرد.

پس از خوشی، نوبت به نشاط می‌رسد که حالت رضامندی حاصله پس از یک موفقیت معنوی است، بدین معنی که اگر کسی با طرح نقشه مخصوص اجرای منظوری را آرزو داشته باشد و برای نیل بدان فعالیت کند، پس از موفقیت کامل، حالت مخصوصی بدو دست می‌دهد که «نشاط» نام دارد و این حالت معمولاً پس از انجام آرزوهای آدمی بسیار دیده شده است، چون نقشه دقیق که آدمی برای احراز مقام یا پستی طرح می‌کند و یا زحمتی که برای تحصیل مدارک علمی بالا متحمل می‌شود و البته میزان آن وابسته به میزان ارزش مطلوب است.

خوشبختانه هیچ‌یک از این دو عامل در خوشبختی آدمی اثر ندارد، بدین معنی که امکان دارد آدمی در خوشی‌های دسته اول غرق شود و آمال و هدف‌های دسته دوم را خیلی زود به دست آورد، ولی هنوز خوشبخت نباشد مثل اغلب تحصیل‌کرده‌ها و مالداران و صاحبان عناوین که در زندگی پرنعمت غرق‌اند و هنوز احساس بدبختی می‌کنند. بنابراین، شادکامی حالت دیگری از روان است که ارتباط به هیچ‌کدام از این دو عامل ندارد. چه، اگر شادکامی آدمی وابسته به میزان خوشی یعنی برآوردن غرایز نفسانی‌اش باشد، ظلم طبیعت درباره افرادی که از این گونه ارضای جسمانی عاجزند، به خوبی روشن می‌گردد و یا اگر داشتن برنامه‌های مخصوص و برآوردن مطلوب‌های جدید متضمن خوشی افراد شود، فاقدین این گونه مطلوب را باید بدبخت واقعی به حساب آورد، ولی عدل آفرینش چنین اقتضا دارد که شادکامی نه به میزان ثروت و اندوخته آدمی و نه با میزان مواهب موجود و حتی نه با برآوردن هدف‌های معنویش تأمین شود، بلکه خوشبختی واقعی در رضای خاطر است و به قول حافظ شیراز:

هر آنکو خاطر مجموع و یار نازنین دارد
سعادت همدمش بادا و دولت هم‌نشین دارد

یعنی در حقیقت، شادکامی فقط با داشتن خاطر مجموع است و تنها آرامش روانی است که آدمی را در هر حال سالم و شادکام می‌سازد.

از کتاب افسانه زندگی زنده‌یاد دکتر علی پریور به مناسبت چهلمین روز درگذشت آن بزرگوار

پل خواجو

پل بابا رکن الدین یا پل خواجو، در شهر اصفهان و بر روی رودخانه زاینده‌رود در شرق سی وسه پل قرار دارد. این اثر در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۱۰ با شماره ثبت ۱۱۱ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

این پل را پل شاهی و بابارکن‌الدین و شیراز و حسن‌آباد هم نامیده‌اند و از بناهای شاه عباس دوم صفوی است که در سال ۱۰۶۰ق بنا شده‌است. درازای پل ۱۳۳ متر و پهنای آن ۱۲ متر است.

این پل را به نامهای دیگری نیز خوانده‌اند؛ ولی به سبب قرار گرفتن در محله خواجو، به پل خواجو بنام است.

ویژگی‌ها

پل خواجو به خاطر معماری و تزئینات کاشیکاری آن از دیگر پلهای زاینده‌رود مشهورتر است. این پل که در دوران صفوی یکی از زیباترین پلهای جهان به شمار می‌رفت، بیشتر به منزله سد و بند بود. در میان هریک از دو ضلع شرقی و غربی پل، ساختمانی بنا شده که شامل چند اتاق مزین به نقاشی است. این ساختمان که شاه‌نشین نامیده می‌شود، در آن دوره جایگاه بزرگان و امیرانی بود که برای تماشای مسابقات شنا و قایقرانی بر روی دریاچه مصنوعی به این مکان فراخوانده می‌شدند.

در گوشه‌های ضلع شرقی پل خواجو، دو شیرسنگی وجود داردکه ظاهراً نمادسپاهیان بختیاری و محافظ اصفهان در عصر صفویه هستند. این پل دارای ۲۴ دهانه است که از مکعب‌های به‌دقت تراش‌خورده ساخته شده و در بخش میانی، با سدهای چوبی برای گرفتن جلو رودخانه مسدود گردیده است.

در اشعار و نوشته‌ها

شعرای اصفهان درباره پل خواجو اشعار زیبایی سروده و در این سروده‌ها زیبایی‌های آن را ستوده‌اند. از جمله این سروده‌ها قصیده بلند صائب تبریزی در وصف یکی از روزهای جشن و چراغانی در کنار این پل است. به نوشته تاریخ نگاران و پژوهشگرانی که درباره سلسله صفوی بررسی کرده‌اند، هدف شاه عباس دوم از ساختن پل خواجو پیوند دادن دو محله خواجو و دروازه حسن آباد با تخت فولاد و راه شیراز بوده است.

گردشگران و جهانگردانی که در دوره‌های گوناگون به اصفهان آمده‌اند، زیبایی‌های پل خواجو را ستوده، آن را در زمره شاهکارهای جاودانه معماری ایرانی و اسلامی به شمار آورده‌اند.



حافظ آسمانی

یوهان ولفگانگ گوته ـ شاعر آلمانی

ترجمه شادروان جواد حدیدی

ای حافظ، سخن تو همچون ابدیت بزرگ است؛ زیرا آن را آغاز و انجامی نیست. کلام تو همچون گنبد آسمان، تنها به خود وابسته است و میان نیمه غزل تو با آغاز و پایانش فرقی نمی توان گذاشت؛ زیرا همه آن در نهایت جمال و کمال است.

تو آن سرچشمه فیاض شعر و نشاطی که از آن، هر لحظه موجی از پس موج دیگر بیرون می تراود. دهان تو همواره برای بوسه زدن و طبعت برای نغمه سرودن و گلویت برای باده نوشیدن و دلت برای مهرورزیدن آماده است.

اگر هم دنیا به سر آید، ای حافظ آسمانی، آرزو دارم که تنها با تو و در کنار تو باشم و چون برادری، هم در شادی و هم در غمت شرکت کنم. همراه تو باده نوشم و چون تو عشق ورزم؛ زیرا این افتخار زندگی من و مایه حیات من است.

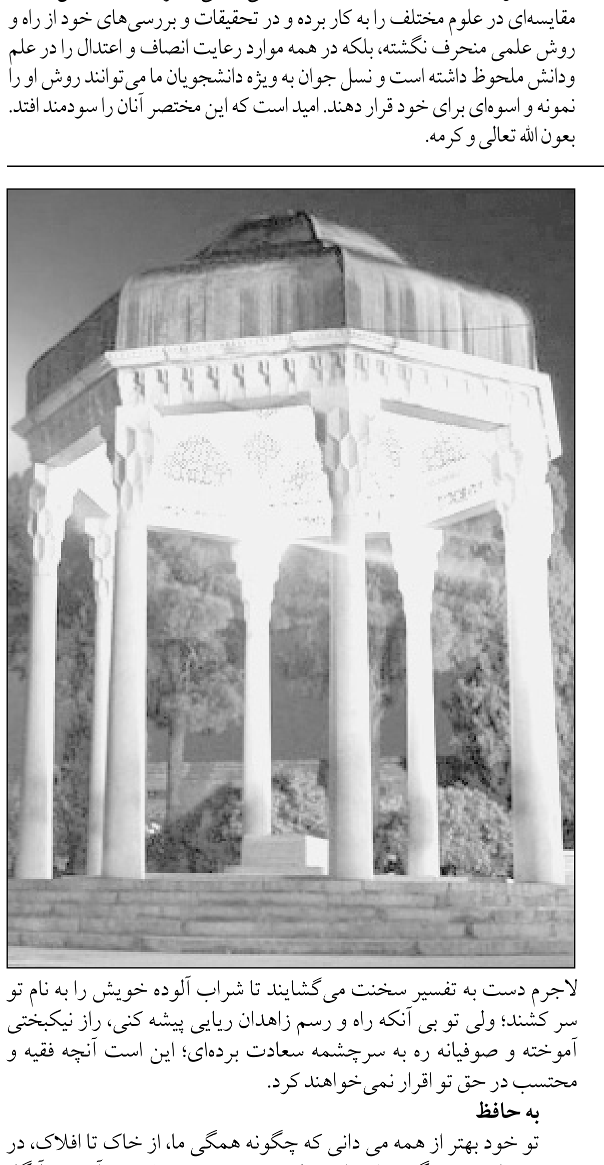
ای طبع سخنگوی من، اکنون که از حافظ ملکوتی الهام گرفته‌ای، به نیروی خود نغمه‌سرایی کن و آهنگی ناگفته پیش آر؛ زیرا امروز پیرتر و جوانتر از همیشه‌ای.

تقلید

حافظا، آرزو دارم از سبک غزلسرایی تو تقلید کنم. همچون تو قافیه بپردازم و غزل خویش را به ریزه کاریهای گفته‌ات بیارایم. نخست به معنی اندیشم و آنگاه لباس الفاظ زیبا بر آن بپوشانم. هیچ کلامی را دو بار در قافیه نیاورم مگر آنکه با ظاهری یکسان، معنایی جدا داشته باشد. آرزو دارم همه این دستورها را به کار بندم تا شعری چون تو، ای شاعر شاعران جهان، سروده باشم!

ای حافظ، همچنان که جرقه‌ای برای آتش زدن و سوختن شهر امپراتوران کافی است، از گفته شورانگیز تو چنان آتشی بر دلم نشسته که سراپای این شاعر آلمانی را در تب و تاب افکنده است.

ای حافظ مقدس، تو را لسان‌الغیب نامیدند؛ ولی سخنت را آن چنان که باید، وصف نکردند؛ عالمان خشک واژه‌پرداز نیز کلامت را به میل خود تأویل می کنند؛ زیرا از سخن نغز تو جز آن مهملات که خود می پندارند، درنیافته‌اند.



لاجرم دست به تفسیر سخنت می‌گشایند تا شراب آلوده خویش را به نام تو سر کشند؛ ولی تو بی آنکه راه و رسم زاهدان ریایی پیشه کنی، راز نیکبختی آموخته و صوفیانه ره به سرچشمه سعادت برده‌ای؛ این است آنچه فقیه و محتسب در حق تو اقرار نمی‌خواهند کرد.

به حافظ

تو خود بهتر از همه می دانی که چگونه همگی ما، از خاک تا افلاک، در بندهوس اسیریم؛ مگر نه این است که عشق، نخست غم می آورد و آنگاه نشاط می بخشد، و اگر هم کسی در نیمه راه آن از پای درافتد، دیگران از رفتن نمی‌ایستند تا راه را به پایان برند؟

پس ای استاد، مرا ببخش اگر گاه در رهگذری دل در پای سروی خرامان می‌نهم که به ناز پا بر سرزمین می‌گذارد و نفسش چون باد شرق جان مشتاقان را نوازش می‌دهد؟

حافظا! بگذار لحظه‌ای در بزم عشق تو نشینم تا در آن هنگام که حلقه‌های زلف پر شکن دلدار را از هم می‌گشایی و به دست نسیم یغماگر می‌سپاری، پیشانی درخشانش را چون تو با دیدگان ستایشگر بنگرم و از این دیدار، آیینه دل را صفا بخشم آنگاه مستانه گوش به غزلی دهم که تو با شوق و حال در وصف یار می‌سرایی و با این غزلسرایی، روح شیفته خویش را نوازش می‌دهی.

سپس ای استاد، تو را بنگرم که در آن لحظه که مرغ روحت در آسمان اشتیاق به پرواز درمی‌آید، ساقی را فرا می‌خوانی تا با شتاب می ارغوانی در جامت ریزد و یک بار و دوبار سیرابت کند، و خود بی صبرانه در انتظار می‌مانی تا باده گلرنگ، زنگار اندیشه از آیینه دلت بزداید و آنگاه کلامی پندآمیز بگویی تا وی با گوش دل بشنود و به جانش بپذیرد.

آنگاه نیز که در عالم بی خودی ره به دنیای اسرار می‌بری و خبر از جلوهِ ذات می‌گیری، تو را بینم که رندانه گوشه‌ای از پرده راز را بالا می‌زنی تا نقطه عشق دل گوشه‌نشینان خون کند و اندکی از سر نهان از پرده برون افتد.

ای حافظ، ای حامی بزرگوار، ما همه در پی تو روانیم تا ما را با نغمه‌های دلپذیرت در نشیب و فراز زندگی رهبری کنی و از وادی خطر به سوی سرمنزل سعادت بری.

حافظا، خود را با تو برابر نهادن جز نشان دیوانگی نیست. تو آن کشتیی هستی که مغرورانه باد در بادبان افکنده و سینه دریا را می‌شکافد و پا بر سر امواج می‌نهد، و من آن تخته پاره‌ام که بی خودانه سیلی‌خور اقیانوسم. در دل سخن شورانگیز تو گاه موجی از پس موج دیگر می‌زاید و گاه دریایی از آتش تلاطم می‌کند؛ اما مرا این موج آتشین در کام خویش می‌کشد و فرو می‌برد.

با این همه، هنوز در خود جرأتی اندک می‌یابم که خویش را مریدی از مریدان تو شمارم؛ زیرا من نیز چون تو در سرزمینی غرق نور زندگی کردم و عشق ورزیدم.

دیوان غربی – شرقی

اخبار کوتاه شهرستان

صدور پروانه شکار در قزوین

قزوین - خبرنگار اطلاعات: اداره کل حفاظت محیط زیست استان قزوین این ماه برای عده‌ای از متقاضیان، پروانه شکار کل وحشی صادر می‌کند. مسئول روابط عمومی اداره کل حفاظت محیط زیست استان قزوین با اعلام این خبر از متقاضیان واجد شرایط خواست تا ۲۱ مهر با در دست داشتن اصل و تصویر شناسنامه و کارت ملی، دفترچه شناسایی شکارچیان، جواز حمل سلاح گلوله‌زنی و یک قطعه عکس ٤در۳ برای شرکت در قرعه کشی پروانه شکار چهارپا (پروانه ویژه منطقه الموت شرقی) در این اداره کل نام نویسی کنند. اصغر طارمی افزود: مهلت ثبت نام به هیچ وجه تمدید نخواهد شد و متقاضیانی که از سال ۱۳۸۷ تاکنون پروانه شکار عادی و ویژه چهارپا دریافت کرده‌اند نمی‌توانند برای دریافت پروانه ویژه امسال ثبت نام کنند.

بهره‌برداری از پروژه انتقال آب کشاورزی

* مدیر جهاد کشاورزی شهرستان قزوین گفت: برای استفاده بهینه از منابع آب در بخش کشاورزی طرح انتقال آب کشاورزی در روستای قوشچی در بخش طارم سفلی از توابع این شهرستان به بهره‌برداری رسید. مهندس ولی گودرزوندچگینی افزود: این طرح شامل لوله‌گذاری لوله پلی اتیلن ۱۲۵ میلیمتری به طول ۲۴۰۰ متر است که با اجرای این پروژه میزان راندمان آبیاری را افزایش داده است.

وی اظهار داشت: با اجرای این طرح بخش عمده‌ای از مشکلات کمبود آب کشاورزی بهره‌برداران این روستا برطرف شده است.

او میزان اعتبار هزینه شده برای طرح یاد شده را ۶۰۰ میلیون ریال از محل اعتبارات استانی پارسال بیان کرد. چگینی استفاده بهینه از منابع آب و بالا بردن راندمان آبیاری را از مهمترین اهداف اجرای طرح انتقال آب در روستاهای شهرستان قزوین ذکر کرد و افزود: با اجرای این طرح میزان راندمان آبیاری از ٤۰ درصد به ۹۰ درصد افزایش یافته است.

وی یادآور شد: همچنین با اجرای این طرح، باغ‌های زیتون این روستا از خطر خشک شدن و وارد شدن خسارت به محصول زیتون نجات یافت.

بازدید کارشناسان لبنانی از بخش کشاورزی قزوین

* هیأتی از کارشناسان و محققان کشور لبنان از توانمندیهای بخش کشاورزی استان قزوین دیدن کرد.

در این بازدید که هفت نفر از کارشناسان و محققین لبنانی و کارشناسان موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر کشور حضور داشتند شرکت کنندگان از سردخانه ۱۰ هزار، نهالستان، باغ‌های سیب، باغ‌های داربستی انگور و واحد تولید قارچ در شهرستان تاکستان دیدن کردند.

در جریان این دیدار مدیران و کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی استان درباره ویژگی‌ها و اقلیم آب و هوایی و شرایط مناسب خاک این استان برای توسعه باغ و تولید محصولات کشاورزی مطالبی ارائه کردند. مدیر جهاد کشاورزی شهرستان تاکستان در این بازدید گفت: شهرستان تاکستان با ۲۵ هزار هکتار باغ انگور سالانه قادر به تولید ۳٤۰ هزار تن انگور است.

مجید اسماعیلی افزود: ۳۰ درصد انگور این شهرستان به‌صورت تازه‌خوری به مصرف می‌رسد و ۷۰ درصد آن به کشمش تبدیل می‌شود.

وی اظهار داشت: همچنین سالانه در این شهرستان بیش از ۵۲ هزار تن کشمش تولید می‌شود.

کشف ۱۵ قبضه سلاح از شکارچیان متخلف در استان قزوین

*مدیرکل حفاظت محیط زیست استان قزوین گفت: مأموران یگان حفاظت محیط زیست استان در حوزه مرکزی، اداره تاکستان و سرمحیط‌بانی‌های آوج و رازمیان هنگام عملیات گشت و کنترل در طول سه روز ۱۵ نفر شکارچی متخلف را دستگیر کردند و تحویل مقامات قضایی دادند.

مهندس علی آقا فرهادی افزود: از شکارچیان متخلف که مبادرت به شکار غیرمجاز پرندگان و وحشی در شکارگاه‌ها و مناطق شکار ممنوع کرده بودند ۱۵ قبضه سلاح شکاری دولول و تک لول، ۲۲ قطعه لاشه کبک و مقادیر زیادی ادوات شکار کشف و ضبط شد.

وی ادامه داد: چهار قبضه از سلاح‌های ضبط شده قاچاق است و بقیه به دلیل شکار و تیراندازی در مناطق شکار ممنوع از متخلفان ضبط شده است.

فرهادی اضافه کرد: مأموران یگان حفاظت محیط زیست با جدیت کامل به‌طور شبانه‌روز در حال گشت در عرصه‌های طبیعی استان هستند و با متخلفان شکار و صید به طور قاطع برخورد خواهند کرد.

توسعه باغ‌های زیتون کشور در افق ۱۴۰۴

* سالانه ۹۰ هزار تن محصول زیتون در کشور تولید می‌شود
* مجری طرح توسعه تولید زیتون وزارت جهاد کشاورزی: از زمان اجرای طرح توسعه باغ‌های زیتون، ۲۶ استان تولید کننده زیتون توسعه این محصول را در سرلوحه خود قرار داده‌اند
* از برنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی در افق ۱۴۰۴ توسعه سطح باغ‌های زیتون ایران به ۵۰۰ هزار هکتار و افزایش مصرف سرانه روغن زیتون است



قزوین - خبرنگار اطلاعات: مجری طرح توسعه تولید زیتون وزارت جهاد کشاورزی گفت: سالانه ۹۰ هزار تن زیتون از سطح باغ‌های بارور کشور تولید می‌شود که آورده مالی خوبی را به همراه دارد.

دکتر علی‌اصغر زینانلو در کارگاه آموزشی ترویجی مکانیزه کردن برداشت محصول زیتون که با حضور استادان شورای بین‌المللی زیتون و جمعی از کارشناسان سراسر کشور در سالن باغستان قزوین برگزار شده بود افزود: در حال حاضر ۱۱۱ هزار هکتار باغ بارور و غیربارور محصول زیتون در کشور وجود دارد که استان‌های قزوین، گیلان، گلستان و فارس از جمله استان‌های مستعد کشت این محصول است.

وی میزان تولید روغن زیتون در کشور را سالانه حدود ۹۰۰۰ تن برآورد کرد و اظهار داشت: روغن‌های استحصالی از محصول زیتون تنها در کشور مصرف می‌شود ولی این میزان تولید نیاز داخلی را تامین نمی‌کند که ما نیازمند توسعه بیشتر کشت این محصول در کشور هستیم.

زینانلو به وضع فرآوری محصول زیتون در کشور اشاره کرد و افزود: ظرفیت کارخانه‌های روغن کشی زیتون در کشور ۵۶ هزار تن است که واحدهای صنعتی فرآوری این محصول جوابگوی محصول تولیدی کشور است.

وی با اشاره به اجرای طرح توسعه اصلاح باغ‌های زیتون از زمان اجرا در ۲۶ استان کشور گفت: در پنج سال اخیر با انجام مطالعات دقیق تفصیلی و اجرای دقیق هم اکنون بیش از ۹۰ درصد استان‌های تولید کننده زیتون در کشور توسعه تولید این محصول را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار دادند.

مجری طرح توسعه زیتون وزارت جهاد کشاورزی ادامه داد: از برنامه‌های این وزارتخانه در افق ۱۴۰٤ توسعه سطح باغ‌های زیتون ایران به بیش از ۵۰۰ هزار هکتار و افزایش مصرف سرانه روغن زیتون است.

زینانلو اضافه کرد: با توجه به اهمیت زیتون در سبد غذایی، وزارت جهاد کشاورزی با بهره‌گیری از کارشناسان و متخصصان در این حوزه برای مطالعه و شناسایی عرصه‌های مستعد، اصلاح باغ‌های قدیمی زیتون و افزایش بهره وری از منابع آب و خاک مکلف شده است. وی برنامه‌ریزی برای نهادینه کردن هرس، تغذیه و آبیاری مناسب باغ‌های زیتون را از برنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی در راستای توسعه باغ‌های زیتون دانست.

زینانلو به برداشت مکانیزه محصول زیتون در کشور اشاره کرد و افزود: برای رسیدن به توسعه پایدار در بخش کشاورزی و کاهش هزینه‌های تولید در این بخش باید سعی کنیم تا با آموزش و ترویج روش مکانیزه برداشت محصول را در کشور بین زیتونکاران توسعه دهیم. به همین منظور برای استفاده از دانش فنی کشورهای پیشرو در این زمینه، با هماهنگی شورای بین‌المللی زیتون کارگاه آموزشی با حضور استادان خارجی از کشورهای اسپانیا و ایتالیا در استان قزوین برگزار شد.

در این کارگاه آموزشی پروفسور «تومبزی» از کشور ایتالیا و پروفسور «کاسترو» از کشور اسپانیا مطالب آموزشی در خصوص برداشت مکانیزه محصول زیتون ارائه کردند.

بازدید ۳۵ هزار نفر از موزه اسناد ملی یزد

یزد - خبرنگار اطلاعات: موزه اسناد ملی یزد در نیمه نخست امسال پذیرای ۳۵ هزار و ۳٤۰ نفر بازدیدکننده بود که از این عده بیش از ۱۳۰۰ نفر توریست خارجی بودند.

محمدرضا ملک ثابت، مدیر سازمان اسناد و کتابخانه ملی یزد، با اعلام این خبر افزود: موزه اسناد ملی استان به دلیل قرار گرفتن در خانه لاری‌ها که فضای سنتی بسیار جذاب و دیدنی دارد، همواره مورد توجه بازدیدکنندگان ایرانی و خارجی است.

وی ادامه داد: در موزه اسناد ملی ۱۱۰ تابلو از اسناد قدیمی استان وجود دارد که با همت کارشناسان سازمان اسناد و کتابخانه ملی استان در موضوع‌های اسناد حکومتی و فرامین دولتی، اسناد مربوط به ازدواج، تجارت، انقلاب، اسناد مربوط به کشف حجاب، آگهی‌ها، شخصیت‌ها، اسناد مربوط به قنات‌ها و گزیده‌ای از تصاویر تاریخی دسته‌بندی شده و در معرض دید علاقه‌مندان به تاریخ و فرهنگ یزد قرار گرفته است.

ملک ثابت افزود: یکی از آخرین گروه‌های بازدیدکننده موزه اسناد ملی دانشجویانی از دانشگاه ای‌پی‌یو ژاپن بودند که هفته گذشته به اتفاق راهنمایانشان از این موزه ملی و بنای تاریخی آن دیدن کردند.

مدیر اسناد و کتابخانه ملی استان یزد مهم‌ترین مشکل این موزه را جای کم و محدود آن دانست و افزود: با توجه به این که هنوز محل اداری سازمان اسناد و کتابخانه ملی استان آماده نشده، همه اتاق‌های موزه به بخش اداری و آرشیوهای آن اختصاص داده شده است که البته محل فعلی با وجود آن که برای موزه اسناد بسیار مناسب است به هیچ وجه نمی‌تواند محل مناسبی برای سازمان اسناد و کتابخانه ملی استان باشد.

ملک ثابت نسبت به تهدیدات ناشی از ادامه حضور بخش اداری سازمان در خانه لاری‌ها هشدار داد و خواستار همت جدی مسئولان استان برای اختصاص فضای مناسب برای بایگانی اسناد مهم استان از جمله اسناد ادارات و اسناد شخصی افراد شد.

به گفته وی اسناد بسیار زیادی به صورت‌های مختلف در کنار اسناد شفاهی وجود دارد که می‌تواند مرجع علمی خوبی برای محققان و پژوهشگران استان باشد و برنامه‌ریزان آینده استان را نیز یاری رساند.

خانه لاری‌ها از مجموعه بناهای تاریخی متعلق به دوران قاجار با فضاهای معماری ویژه خانه‌های کویری است که اجزای اصلی این خانه دو حیاط بزرگ و کوچک با مجموعه‌ای از ایوان‌ها و تالارها و اتاق‌ها و نیز یک سردر و هشتی است که جزو شش خانه برتر آن دوران در یزد محسوب می‌شود.

این خانه در سال ۱۲۸٦ قمری توسط حاج‌محمد ابراهیم لاری بنا شده است.

مساحت خانه لاری‌ها حدود ۱۷۰۰ مترمربع و زیربنای آن معادل ۱۲۰۰ مترمربع است و درها، پنجره‌ها، ارسی‌ها و اتاق‌های آیینه کاری و نقاشی شده آن یکی از نمونه‌های زیبا و عالی خانه‌های اعیانی قرن سیزدهم است.

این مجموعه همجوار بناهای تاریخی همچون مدرسه ضیائیه یا زندان اسکندر، بقعه سید گلسرخ و برج و باروی یزد است که در مجموع ٦۰۰۰ مترمربع وسعت دارد.

خانه لاری‌ها به شماره ثبتی ۱۸۳۷ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

شورای شهر و شهرداری اردبیل تکلیف باغ شریعت و پل ایستگاه سرعین را روشن کنند

اردبیل - خبرنگار اطلاعات: شورای شهر و شهرداری به سرعت باغ شریعت و پل ایستگاه سرعین اردبیل را که بسیار با اهمیت به نظر می‌رسد تعیین تکلیف کرده و زمینه اجرایی شدن آنها را فراهم کنند.

یوسف‌اکبری فرماندار اردبیل با بیان مطلب بالا در مراسم افتتاح بستر و حریم رودخانه بالیخلوی اردبیل افزود: با همت عالی و تدبیر مناسب شورای شهر و شهرداری در چهار سال عمر شورای سوم و یک سال دوره افزوده شده به شورای سوم شاهد فعالیت‌های خوب و زیربنایی هستیم به طوری که نسبت به ادوار گذشته خدمات قابل توجه و مناسبی به همت شورا و شهرداری در مرکز استان اردبیل در حال اجرا است.

وی اضافه کرد: هرچند باید این افتتاح در هوای مساعد تابستان و در حضور مسافران و گردشگران انجام می‌شد اما تلاش شهرداری را برای تکمیل پروژه بهسازی رودخانه بالیخلو می‌ستاییم چرا که این مجموعه آبرویی برای استان و مرکز این خطه به شمار می‌رود.

اکبری یادآور شد: کارکنان شهرداری و مدیران این مجموعه شبانه‌روز تلاش کردند تا این پروژه در مهلت مقرر آماده افتتاح و تکمیل شود تا گرهی از مشکلات و نارسایی‌ها برطرف شود.

فرماندار اردبیل اضافه کرد: باید مشکلات و نارسایی‌ها و برخی از گره‌های کور شهری اولویت بندی شود تا براساس این اولویت نسبت به برطرف شدن این مشکلات و معضلات اقدام اساسی و جدی انجام شود.

به گفته وی، در سفر اخیر هیات دولت به استان با توجه رئیس جمهوری ۵۰ میلیارد تومان به مجموعه شهرداری‌های استان کمک شد که انتظار داریم این کمک‌ها به سرعت تحویل شهرداری‌ها شود.

اکبری در ادامه سخنان خود افزود: ما به توسعه متوازن و مطلوب نیاز داریم به طوری که شهر اردبیل با توجه به موقعیت جغرافیایی و مکان تردد بسیاری از مسافران کشورهای همسایه به ویژه جمهوری‌آذربایجان و حوزه قفقاز باید از نظر عمران و آبادانی شهری به معنای حقیقی توسعه پیدا کند تا این منطقه که پیشانی نظام در مشاهده مسافران و گردشگران کشورهای خارجی قرار می‌گیرد، عزتمند و آبرومند جلوه کند.

فرماندار اردبیل درادامه سخنان خود توجه جدی به مرکزاستان را بسیار با اهمیت و برای سایر شهروندان نیز مفید فایده و همراه با رعایت فراوان اعلام کرد و افزود: همان‌گونه که در ساماندهی وضع ورودی و خروجی شهر اردبیل از ورودی تبریز و آستارا سر و سامان واقعی و اقدام‌های مناسب ساماندهی انجام شده است انتظار می‌رود در ورودی مغان و خلخال نیز همین ساماندهی‌ها انجام شود.

ثبت ۲۹ میلیون تردد خودروها در محورهای خراسان رضوی

مشهد - خبرنگار اطلاعات: مدیرمرکز مدیریت راه‌های خراسان رضوی از ثبت ۲۹ میلیون و ۳۷۰ هزار تردد در محورهای این استان در نیمه نخست امسال خبرداد. مهندس سید محمدسیاسی گفت: ۵/۵٤ درصد این آمار معادل ۱٦ میلیون و ۵۰ هزار تردد در فصل تابستان ثبت شده است. وی افزود: در این مدت از بین ۱۳ محور اصلی و شریانی استان که دارای تردد شمار هستند، بزرگراه مشهد- چناران با ثبت ۹ میلیون و ٤۵۰ هزار گذر، پرترددترین محور استان بوده‌است.

سیاسی گفت: آزاد راه مشهد- باغچه با ٤ میلیون و ۱٦۳ هزار تردد، بزرگراه‌های چناران- قوچان با ۳ میلیون و ٦۵۵هزار تردد، مشهد- فریمان با ۲ میلیون و ۳۰۱ هزار تردد، باغچه- نیشابور با ۲ میلیون و ٤۱ هزار تردد و نیشابور- سبزوار با یک میلیون و ۷۹۵ هزار گذر در رتبه‌های بعدی پرترددترین محورهای استان قرار دارند.

مدیر مرکز مدیریت راه‌های خراسان رضوی افزود: تعداد خودروهای سبک عبوری از محورهای استان در این مدت ۲٤ میلیون و ۱۷۷هزار دستگاه معادل ۸۲ درصد کل آمار بوده است.

وی گفت: در این صورت بزرگراه مشهد- چناران با ۸ میلیون و ۳۰ هزار تردد و محورهای مشهد- باغچه و چناران- قوچان با ثبت آمار ۳ میلیون و ۳۷۰ هزار و ۳ میلیون و ۱۳۰ هزار دارای بیشترین آمار گذر خودروهای سبک بوده‌اند.

او با تاکید بر لزوم رعایت کامل مقررات راهنمایی و رانندگی با توجه به افزایش روز افزون ترددهای جاده ای در استان، افزود: در این دوره زمانی ۸ میلیون و ۲۰۰ هزار تخلف سرعت غیر مجاز و ٦ میلیون و ۷۰۰هزار تخلف رعایت نکردن فاصله مطمئنه در محورهای استان به ثبت رسید.

به گفته وی این امر نشان دهنده ضرورت ارائه آموزش‌های بیشتر به رانندگان برای حفظ ایمنی خود و هموطنان است.

قدردانی از برگزیدگان مسابقات خاطره‌نویسی

زرین شهر - خبرنگار اطلاعات: همایش قدردانی از بانوان شهرستان لنجان همزمان با دهه کرامت در زرین‌شهر برگزار شد.

در این همایش که در راستای برگزاری جشن‌های رضوی و تجلیل از مقام زن در زرین شهر برگزار شد.

به برگزیدگان مسابقه خاطره نویسی کرامات حضرت معصومه (س) لوح تقدیر و هدایایی اهدا شد.

همچنین از طرف اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان لنجان به دو شعر جوان روشندل و معول جسمی کمک هزینه سفر به مشهد مقدس اهدا شد.

برگزاری جشنواره بادام‌زمینی در بندر کیاشهر

بندر کیاشهر - خبرنگار اطلاعات، جشنوارۀ بادام زمینی با حضور معاون وزیر جهاد کشاورزی و جمعی از مسئولان محلی و مردم در شهرک صنعتی نقره‌ده بندر کیاشهر، برگزار شد.

در این مراسم دکتر پورهمت معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان آموزش و تحقیقات کشاورزی گفت: سازمان تحقیقات کشاورزی درحال بررسی گونه‌های پر محصول بادام‌زمینی است که این امر می‌تواند علاوه بر تولید بیشتر، کیفیت این محصول را افزیش دهد.

وی گفت: از آنجا که آستانه اشرفیه و بندرکیاشهر از فعال‌ترین و بزرگترین بخش‌های تولید بادام‌زمینی در کشور است، قصد داریم مرکز تحقیقات بادام‌زمینی را در این شهرستان ایجاد کنیم.

در این آیین همچنین نمایندۀ مردم آستانه اشرفیه و بندرکیاشهر در مجلس شورای اسلامی یاد آور شد که وزارت جهاد کشاورزی باید به دنبال ایجاد کارخانه‌ها و واحدهای صنایع تبدیلی برای روغن این نوع بادام باشد.

صادق افزود: درحال حاضر ۹۰ درصد بادام‌زمینی کشور در این شهرستان تولید می‌شود و بادام این شهرستان دارای ۵۱ درصد چربی است، در حالی که دیگر بادام‌های خارجی فقط ۳۰ درصد چربی دارند.

وی تاکید کرد که مسئولان نباید اجازه دهند که بادام‌زمینی هم به سرنوشت پیله ابریشم در این منطقه دچار شود.

ثبت ۲۸۲ نمونه اطلاعات در فرم‌های سرشماری نفوس و مسکن

کرمان- خبرنگار اطلاعات: ۲۸۲ نمونه اطلاعات در قالب ۲۰۷ پرسش در طرح سرشماری نفوس و مسکن جمع آوری و ثبت می شود.

معاون برنامه‌ریزی استاندار کرمان در جمع خبرنگاران از اجرای طرح سرشماری نفوس و مسکن از دوم آبان خبرداد و گفت: شهروندان برای پاسخگویی به پرسش‌ها باید اطلاعات مورد نظر را از پیش آماده کنید و در سریع‌ترین زمان ممکن پاسخگوی پرسش‌های مأموران آمارگیر باشند.

وی تاکید کرد: شهروندان باید از مأموران آمارگیر کارت شناسایی با هولوگرام(برچسب) مشخص بخواهند از تحویل مدارک خود پس از ارائه اطلاعات به مأموران خودداری کنند.

او افزود: ماموران آمارگیر با لباس فرم و جلیقه ویژه و در محدوده زمانی مشخصی در روز در خانه شهروندان مراجعه می کنند. تکلوزاده یادآور شد: در این دوره ثبت شماره ملی افراد و کدپستی خانه‌ها ضروری است و پس از پایان سرشماری فرم گواهی سرشمار خانوار در اختیار خانواده‌ها قرار داده می‌شود و درآینده بر اساس کد ملی سرپرست خانوار قرعه‌کشی هایی برای اهدای جوایز به شرکت کنندگان در اجرای این طرح انجام خواهد شد.

وی با اشاره به ارائه فرمی با عنوان«اطلاعیه‌خانوارهای غایب» افزود: در صورت نبودن افراد در خانه -این فرم که شامل مشخصات و شماره تلفن فرد آمارگیر است به واحد آنها انداخته می شود تا با تماس با مأمور، حضور خود را برای مراجعه مجدد مأمور و کسب اطلاعات لازم اعلام کنند.

تکلوزاده اظهار داشت: در فرم شماره یک با عنوان«فهرست برداری» مربوط به اجرای طرح سرشماری نفوس و مسکن، ۱۵ پرسش توسط مأمور آمارگیر در مورد محل مسکن، معبر، خیابان وسایر اماکن پاسخ داده می‌شود.وی ادامه داد: در فرم شماره۳ نیز با عنوان« خانوار مؤسسه‌ای» پاسخ ۳۹پرسش از افرادی که در خوابگاه دانشجویی، پادگان‌ها، مراکز نگهداری معلولان، سرای سالمندان و اینگونه اماکن زندگی می کنند ثبت می‌شود.

او اعلام کرد: در فرم شماره ٤ هم با عنوان«شناسنامه آبادی» ۸۳ پرسش در مورد اطلاعات مختلف وضع و موقعیت روستا و آبادی، نوع راه‌ها، سکونت‌های دائمی و موقت آبادی‌های مختلف مطرح می شود که دهیاران و اعضای شوراهای اسلامی هرآبادی به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهند.

تکلوزاده با اشاره به این‌که ۸۰ دستگاه‌اجرایی برای‌برنامه‌ریزی‌های خود نیاز به اطلاعات این سرشماری دارند، اظهارداشت: مردم باید در ارائه اطلاعات صحیح و دقیق به ماموران آمارگیر همکاری لازم را انجام دهند. وی لازمه توسعه پایدار هر کشور را داشتن آمار و اطلاعات دقیق دانست و گفت: امروزه در دنیا یکی از شاخصهای توسعه یافتگی داشتن بانک اطلاعاتی و آمار دقیق و صحیح است.

او افزود: طرح سرشماری نفوس و مسکن در ۹۰درصد کشورها هر ۱۰ سال یک بار اجرا می شود.

معاون برنامه‌ریزی استاندار کرمان یادآور شد: در ایران به دلیل سرعت رشد در همه زمینه‌ها اجرای طرح سرشماری هر پنج سال یک بار اجرا می‌شود. تکلوزاده گفت: برای اجرای طرح سرشماری نفوس و مسکن ٤۸۰۰ نفر در استان کرمان فعالیت دارد که از این عده، ٤۳۰۰نفر بازبین، مأمور کارشناس هستند.

مدیرکل آمار و اطلاعات معاونت برنامه ریزی استانداری کرمان نیز در این نشست،اظهار داشت: طرح سرشماری پارسال به طور آزمایشی در شهرستان کوهبنان اجرا شد و در این زمینه استان کرمان رتبه نخست کشور را کسب کرد. مهرداد محمدی سلیمانی افزود: دفتر آمار و اطلاعات استانداری کرمان نیز پارسال رتبه نخست کشوری را از آن خود کرد.

وی گفت: ستاد هماهنگی اجرای طرح نفوس و مسکن در محل دفتر آمار و اطلاعات استانداری تشکیل شده است.

او افزود: اصلاح نقشه‌های مربوط به طرح سرشماری یک سال پیش آغاز شد تا در اجرای آن، اطلاعات دقیق از مکان‌های مختلف را در اختیار داشته باشیم.

بهره‌برداری از فرهنگسرای بزرگ الغدیر تبریز



* این فرهنگسرا با ۹۰۰۰ متر مربع زیربنا در محل کشتارگاه قدیمی تبریز ساخته شده است
* ظرفیت تالارهای شهر تبریز به ۵۰۰۰ صندلی رسید
* تالار بزرگ همایش‌های بین‌المللی تبریز تا سه سال آینده آماده بهره‌برداری می‌شود

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: فرهنگسرای بزرگ الغدیر همزمان با سالروز ولادت حضرت امام رضا(ع) در تبریز مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

مجموعه فرهنگسرای الغدیر از سوی شهرداری تبریز در محل کشتارگاه قدیمی این شهر در محوطه‌ای به وسعت ۹ هکتار و با ۹۰۰۰متر مربع زیربنا و صرف ۲۵ میلیارد تومان هزینه ساخته شده است.مهندس نوین شهردار تبریز در آیین بهره‌برداری از این پروژه، اعلام کرد: مجموعه فرهنگی و ورزشی الغدیر تبریز که شامل چهار تالار ۱۰۰ تا ۵۰۰ نفری، آمفی تئاتر روباز، کتابخانه، کلاس های آموزشی، سالن‌های تمرین، انجمن‌های ادبی، خانه فرهنگ و تالار مادر، گالری هنری، موزه و استادیوم فوتبال ۵۰۰۰ نفری است درمدت چهار سال ساخته شده است.

به گفته وی با بهره‌برداری از تالارهای این مجتمع، مجموع صندلی‌های تالارهای شهر تبریز از ۲۵۰۰ صندلی به ۵۰۰۰ صندلی افزایش یافت.

وی همچنین با اشاره به بهره‌برداری از٦ میلیارد تومان پروژه‌در دو هفته اخیر، از انتقال کشتارگاه قدیم شهر تبریز به بیرون شهر و تبدیل محل آن به فرهنگسرا و استادیوم ورزشی به‌عنوان‌بزرگترین کار زیست‌محیطی در منطقه شمال‌غرب نام برد.

او در ادامه اعلام کرد: تالار بزرگ همایش‌های بین‌المللی تبریز درناحیه شمال‌شرقی شهر ظرف سه سال آینده آماده بهره‌برداری خواهد شد.

آیت‌الله مجتهد شبستری نماینده ولی‌فقیه در آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز نیز در این آیین با اظهار خرسندی از گشایش فرهنگسرای الغدیر، در یکی از نقاط کم‌برخوردار و محروم شهر، بر لزوم استفاده بهینه ازآن تأکید کرد.

وی در ادامه یادآور شد: کتابخانه عمومی و آمفی‌تئاتر مصلی امام خمینی(ره) تبریز با ظرفیت ۱۲۰۰ صندلی مراحل پایانی ساخت را می گذرانند.

همچنین علیرضا بیگی استاندار آذربایجان شرقی در سخنان خود با اشاره به این که عمران شهری تبریز با شتاب در حال انجام است، از شهردار تبریز و رئیس و اعضای شورای اسلامی شهر به خاطر اهتمام جدی در پیشرفت‌های عمرانی شهر قدردانی کرد.وی اظهار امیدواری کرد؛ درسایه وفاق و همدلی شورا و شهرداری، تبریز به شهری سرآمد و نمونه تبدیل شود.

دکتر دبیری، رئیس شورای اسلامی شهر تبریز هم در این آئین از مجموعه فرهنگسرای الغدیر تبریز به عنوان یکی از بزرگترین فرهنگسراهای کشور نام برد و با اشاره به برگزاری هفته‌های فرهنگی تبریز در نقاط مختلف کشور و دیگر کشورها‌ونیز‌خواهرخواندگی تبریزبا شهرهای مهم دنیا، اعلام کرد: شورای اسلامی شهر تبریز در حال پیگیری خواهرخواندگی این شهر با بعضی شهرهای اروپایی مانند هامبورگ آلمان و نیز شهرهایی در کشورهای مالزی و اندونزی است.

درپایان‌این‌آیین‌نماینده‌ولی‌فقیه در آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز و استاندار آذربایجان شرقی از قسمت‌های مختلف فرهنگسرای الغدیر دیدن کردند.

دانشکده پرستاری آباده گشایش یافت

آباده ـ خبرنگار اطلاعات: دانشکده پرستاری آباده با حضور سرپرست فرمانداری و نماینده مردم در خانه ملت، معاون آموزشی دانشگاه علوم پزشکی، مدیرعامل مجمع خیرین استان فارس، مسئولان شبکه بهداشت و درمان و جمعی از مدیران استانی و محلی مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

معاون شبکه بهداشت و درمان استان فارس در آیین بهره‌برداری از این پروژه گفت:آباده، به عنوان شمالی‌ترین شهرستان استان فارس و با توجه به توان بالا و پتانسیل‌های علمی، از داشتن دانشگاه دولتی محروم بود و خوشحالیم که تلاش‌های مجموع مدیران شهرستان به نتیجه رسید.

وی افزود: داشتن دانشگاه دولتی حق مردم آباده است. برای گسترش، توسعه و ارتقای سطح علمی این دانشکده، همچنان باید تلاش کنیم و نیازمند کمک، همکاری و مساعدت مسئولان هستیم.

درادامهٔ این مراسم داود محمدجانی نماینده مردم آباده در مجلس شورای اسلامی گفت: امیدواریم که افتتاح دانشکده پرستاری مقدمه ایجاد دانشگاه جامع علوم پزشکی در شمال فارس به مرکزیت آباده باشد. وی افزود: افتتاح این پروژه علمی به لحاظ تعلل، تسامح و کاغذبازی‌ها با یک سال تاخیر انجام شد ولی ما فقط به دانشکده پرستاری اکتفا نمی‌کنیم و از مسئولان می‌خواهیم در مورد پروژه‌های بزرگ انجام شده در شهرستان، اطلاع‌رسانی وسیعتری داشته باشند.دکتر ثاقب، معاون آموزش شبکه بهداشت و درمان استان فارس نیز دراین مراسم با تاکید بر توانمندی شهرستان آباده قول حمایت برای تأسیس و گسترش دانشگاه علوم پزشکی به مرکزیت آباده را داد.

وی گفت: برای این کار زیرساخت‌هایی نیز باید ایجاد شود و یکی از آن زیرساخت‌ها تشکیل هیات امنایی است تا نیازها و کمبودها را بررسی کند و براساس نیازمندی‌های شهرستان پیگیر گشایش دیگر دانشکده‌ها باشد. در ادامه سید نعمت الله خرسندی سرپرست فرمانداری آباده با اشاره به لزوم تربیت نیروهای ماهر و متخصص در رشته پرستاری گفت: تولید و توسعه و گسترش تحقیقات پایه و کاربردی در حیطه علوم پرستاری، ارتقای جایگاه دانشکده در رتبه‌بندی کشوری و تربیت پرستاران متعهد از وظایف دانشکده پرستاری است . وی با اشاره به قدمت شهرستان آباده و تاکید بر حضور دانشمندان و نخبگان علمی آباده در سراسر دنیا، حمایت خود را از تاسیس دانشگاه علوم پزشکی در آباده اعلام کرد.سپس دکتر سخن‌دان رئیس دانشکده پرستاری آباده خطاب به دانشجویان وارده شده به این دانشکده گفت: شما دانشجویان به عنوان اولین ورودی این دانشکده از جایگاه خاص و ویژه‌ای برخوردارید. وی افزود: دانشکده پرستاری از نظر استادان و مدرسین علمی هیچ کمبودی ندارد ولی با توجه به این که دانشکده در چهار سال آینده بازهم پذیرش دانشجو دارد، برای تامین ساختمان و کلاس درس، تجهیزات و امکانات مورد نیاز دانشکده باید در این فرصت کوتاه یک ساله، مسئولین و مجمع خیرین همکاری و مساعدت لازم را داشته باشند.

۲ واحد آموزشی در ساوه به بهره‌برداری رسید

ساوه ـ خبرنگار اطلاعات: دو واحد آموزشی با حضور مدیر کل نوسازی و تجهیز مدارس استان مرکزی؛ فرماندار ساوه و جمعی از مسئولان محلی در شهرستان ساوه به بهره‌برداری رسید.

محمدعلی گلستانی فرد معاون استاندار مرکزی و فرماندار ساوه در آیین افتتاح این دو واحد آموزشی گفت: اگرچه دنیای غرب با ترفند و حیله‌های خود در برهه‌ای از تاریخ توانست مسلمانان را در مسیر پیشرفت علمی متوقف کند، اما اکنون شاهد شکوفایی دوباره مسلمانان در عرصه‌های مختلف علمی هستیم.

او باشاره به چشم‌انداز افق ۱٤۰٤ گفت: مهمترین ثمره انقلاب شکوهمنداسلامی ایران عزت بخشیدن و رشد و تعالی تمام مسلمانان جهان است و تأکید مقام معظم رهبری رسیدن ایران به قدرت برتر منطقه با تکیه بر قدرت علمی، خود گواه این مساله است.

گلستانی فرد در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به وضع جغرافیایی و اجتماعی شهرستان ساوه افزود: ساوه به عنوان بزرگترین قطب صنعتی کشور هر سال پذیرای مهاجرین بسیاری از نقاط مختلف کشور است و محدودیت اعتبارات دولتی مانع از تأمین فضای آموزشی مورد نیاز در این شهرستان می‌شود؛ اما با وجود خیّرین بزرگواری که با انفاق مال خود در این عرصه گام بر می‌دارند، هرسال شاهد افتتاح تعدادی واحد آموزشی در این شهرستان هستیم.

عبدالله سالمی مدیرآموزش و پرورش ساوه هم گفت: خیّرین مدرسه‌ساز با انفاق ثمره زندگی خود بانی ساخت مکانی‌های مقدسی می‌شوند که مکان پرورش متولیان و آینده‌سازان فردای ایران اسلامی هستند.

آموزشگاه امام حسین (ع) با اعتبار ۸۰۰ میلیون تومان در زمینی به وسعت ۳۵۰۰ مترمربع و با زیربنای ۱۷۵۰ مترمربع در سه طبقه ساخته شده و دارای ۱۲ کلاس درس است.

او اضافه کرد: ٦۰۰ میلیون تومان از اعتبار ساخت این واحد آموزشی از سوی خیر مرحوم حاج رضا ذوالفقاری به آموزش و پرورش اهدا شده و مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان هم از محل اعتبارات دولتی هزینه شده است.

آموزشگاه ۱۲ کلاسه امام صادق(ع) هم در زمینی به وسعت ۲۱۰۰ مترمربع در سه طبقه ساخته شده و دارای ۱۷۵۰ مترمربع زیربنا است او اضافه کرد: ۱۳۰ میلیون تومان از اعتبار ساخت این واحد آموزشی از سوی خیر حاج محمود جراحی پرداخت شده و ٦۰۰ میلیون تومان هم از محل اعتبارات دولتی هزینه شده است.

برپایی نمایشگاه بزرگ کتاب در کرمانشاه

کرمانشاه ـ خبرنگار اطلاعات: نمایشگاه سراسری کتاب از ۲۵ مهر تا یکم آبان در نمایشگاه‌های استان کرمانشاه(پارک شاهد) با حضور ۲٤۰ ناشر از سراسر کشور برپا می‌شود.

حجت‌الاسلام محمد آفتابی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمانشاه با بیان مطلب بالا افزود: با توجه به استقبال گسترده مردم کرمانشاه از نمایشگاه‌های سال‌های گذشته، تصمیم گرفته شد امسال نیز برای چهارمین سال متوالی این نمایشگاه را در سطحی وسیع تر در استان برگزار کنیم.

وی با اشاره به اهداف برگزاری نمایشگاه بزرگ کتاب در کرمانشاه گفت: ارتقای سطح کتاب و کتابخوانی، انس بیشتر مردم با کتاب، گسترش و اشاعه فرهنگ کتاب‌خوانی میان قشرها و دسترسی آسان به کتب مورد نیاز مردم از اهداف برگزاری این نمایشگاه در کرمانشاه است.

آفتابی ادامه داد: ۲٤۰ ناشر از سراسر کشور تازه‌های نشر خود را در زمینه‌های گوناگون در اختیار همشهریان کرمانشاهی دراین نمایشگاه قرار می‌دهند و پیش‌بینی می‌کنیم امسال استقبال خوبی از این نمایشگاه شود.

وی افزود: نمایشگاه کتاب یک رویداد بزرگ فرهنگی برای عامه مردم و اصحاب علم و فرهنگ است که شور و شعور فرهنگی را در جامعه افزایش می‌دهد و این ارج گذاری به مقوله کتاب به عنوان یک سرمایه فرهنگی باعث رفع مظلومیت و محرومیت از این کالای فرهنگی می‌شود.

رونمایی از نرم‌افزار چند رسانه‌ای آیت‌الله نجومی

کرمانشاه ـ خبرنگار اطلاعات: نرم‌افزار چند رسانه‌ای آیت‌الله نجومی در پنجمین نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال رونمایی شد.

فتاح مومنه مسئول غرفه دیجیتال استان کرمانشاه در پنجمین نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال تهران در این باره گفت: این نرم‌افزار چند رسانه‌ای که با نام «فروغ مه‌نگاران» ساخته شده شامل بخش‌های مختلفی از جمله؛ زندگینامه و آثار علامه هنرمند آیت‌الله سیدمرتضی نجومی است.

وی افزود: در بخش زندگینامه، از کتاب کیمیای هستی که نوشته خود آیت‌الله نجومی است همچنین سخنرانی‌ها، مقالات، آثار خوشنویسی و نگارخانه تصاویر آیت‌الله نجومی در این نرم افزار قرار دارد.

مومنه ادامه داد: مسجد نواب کرمانشاه که محل اقامه نماز حضرت آیت‌الله نجومی بوده در بخش دیگری از این نرم‌افزار به صورت سه‌بعدی شبیه‌سازی شده و بر روی دیوارها و ستون‌های این مسجد نیز آثار خوشنویسی آیت‌الله نجومی قرار داده شده است.

وی افزود: این نرم‌افزار چند رسانه‌ای توسط مجتمع فرهنگی دیجیتال وحدت استان کرمانشاه ساخته شده و قرار است به مناسبت دومین سالگرد ارتحال آن عالم ربانی به صورت رایگان بین مردم کرمانشاه توزیع شود.

مسئول غرفه دیجیتال استان کرمانشاه در پنجمین نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال تهران گفت: این نرم‌افزار، تنها نرم‌افزاری است که قفل ندارد و کپی‌برداری از آن نیز حلال اعلام شده، چرا که هدف اصلی از ساخت و انتشار آن معرفی شخصیت و آثار ارزشمند آیت‌الله نجومی است.

اعزام ۱۱۹۲ زائر از سیستان و بلوچستان به سرزمین وحی

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: امسال ۱۱۹۲ زائر از سیستان و بلوچستان برای انجام فریضه حج تمتع به عربستان سعودی اعزام می‌شوند. مدیر حج و زیارت سیستان و بلوچستان گفت: این زائران در روزهای ۷ و ۸ آبان در قالب هفت کاروان و چهار پرواز به سرزمین وحی اعزام می‌شوند.

سیدمحمدعلی موسوی در دیدار با استاندار سیستان و بلوچستان اظهار داشت: حج عرصه‌ای است که می تواند نگاه سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی مسلمانان سراسر جهان از اقوام و نژادهای گوناگون را متحول کند. استاندار سیستان و بلوچستان هم گفت: زائران سرزمین وحی برای اعتلای نظام جمهوری اسلامی باید بیش از پیش کوشا باشند. علی محمدآزاد تاکید کرد: باید با معرفی درست از چهره نظام جمهوری اسلامی به بهترین شکل در مقابل هجمه‌های دشمنان این مرز و بوم ایستاد. آزاد خطاب به زائران سیستان و بلوچستان یادآور شد: شما باید در کنار معرفی چهره زیبای نظام، همزیستی مسالمت‌آمیز شیعه و سنی را در این مرز و بوم به همگان نشان دهند. وی گفت: حج عبادتی معنوی است که اتحاد امت اسلامی در آن دیده می‌شود.

غبارروبی و عطرافشانی ضریح مطهر امامزاده سید اسحاق (ع) ساوه

ساوه ـ خبرنگار اطلاعات: همزمان با دهه کرامت و میلاد باسعادت حضرت امام رضا (ع)، آیین معنوی غبارروبی مضجع شریف امامزاده سید اسحاق (ع) ساوه با حضور جمعی از مردم ولایی این شهر برگزار شد.

در این آیین باشکوه، خادمان و محبان ائمه اطهار (ع) اقدام به زدودن غبار از ضریح این فرزند حضرت امام موسی کاظم (ع) و برادر امام رضا (ع) کردند. حجت‌الاسلام امرالله حسنی‌نیا رئیس اداره اوقاف و امورخیریه شهرستان ساوه در این مراسم معنوی ضمن گرامیداشت دهه کرامت، گفت: ترویج فرهنگ اهل بیت (ع) از ضروریات جامعه امروزی است و دهه کرامت بهترین فرصت برای این عمل شایسته و ارزشمند است.

وی افزود: در دهه کرامت باید مردم را با ابعاد شخصیتی حضرت معصومه (س) و حضرت رضا (ع) بیشتر آشنا کرد، چرا که امروز جامعه اسلامی تشنه فرهنگ رضوی است.او با اشاره به این که این بارگاه شریف یکی از زیارتگاه‌های مشهور استان مرکزی به شمار می آید، گفت: این مرقد مطهر از دیرباز مورد توجه دوستداران اهل‌بیت (ع) بوده و در طول روز و مناسبت‌های مختلف انبوه عظیمی از مردم شهرستان و مسافرین برای زیارت این مکان مقدس مشرف می‌شوند.

نسب شریف امامزاده سید اسحاق (ع) مدفون در میدان سرداران شهر ساوه با سه واسطه به امام هفتم شیعیان (ع) می‌رسد.

نیازمندیها تلفنی آگهی می‌پذیرد ۲۲۲۲۵۳۳۳-۰۲۱
شماره فاکس نیازمندیها ۲۲۲۲۴۸۸۶ـ۲۲۲۲۴۹۶۳

پیرو درج آگهی تبریک در صفحه ۸ شماره مورخ ۱۳۹۰/۷/۱۳ آن روزنامه با عنوان انتصاب اینجانب به سمت «ریاست دادسرای قوه قضاییه» که با امضای «جمعی از قضات عالی» به چاپ رسیده است به اطلاع می‌رساند اولاً سمت مندرج در آگهی در قوه قضاییه وجود خارجی ندارد ثانیاً هویت قضاتی که آگهی منسوب به آن‌ها می‌باشد، نامعلوم است. بنابراین مفاد آگهی مذکور عاری از واقعیت می‌باشد.

دکتر فرخ‌زاد جهانی
بازپرس دادسرای عمومی و انقلاب تهران

کوتاه از چهار گوشه کشور

موفقیت دانش آموز دزفولی در مسابقات کشوری نانو

دزفول - خبرنگار اطلاعات: یوسف شلاگه دانش آموز دبیرستان و عضو پژوهشسرای فرهیختگان دزفول موفق شد در دومین المپیاد فن آوری در سطح دانش آموزی، مدال نقره را از آن خود کند.

این مسابقات در تهران و بین دانش آموزان منتخب استان‌ها برگزار شد که در این مرحله دو نفر مدال طلا، چهار نفر مدال نقره و ۱۱ نفر مدال برنز دریافت کردند. پژوهشسرای فرهیختگان دزفول با مدیریت غلامعلی هادوی نیا فعالیت‌های علمی دانش آموزان مخترع و پژوهشگر را مورد حمایت قرار می دهد و با تشکیل انجمن های علمی زیر نظر استادان مجرب زمینه‌های مناسبی را برای رشد خلاقیت‌های دانش آموزان فراهم می کند.

دانش آموختگان این پژوهشسرا تا به حال توانسته‌اند در مسابقات کشوری روباتیک و نانو موفقیت‌های بسیاری را کسب کنند.

برگزاری جشن سینما در دیر

بندر دیر - خبرنگار اطلاعات: جشن سینما در بندر دیر برگزار شد. رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان دیر در این آیین گفت: سینما سرآغاز تحولات عظیم فرهنگی - هنری در جامعه است.

در این آیین از شماری از هنرمندان دیر از جمله صادق زارعی بازیگر فیلم بالابان و چهار نفر از سینماگران فعال شهرستان شامل احمد بحرینی‌نژاد، قحطبه فخرایی، محسن حامدی و محمد پورمقدم با اهدای لوح سپاس و هدایایی تقدیر به عمل آمد. از دیگر برنامه‌های جشن سینما در دیر نمایشگاه عکس زهرا فخرایی، اجرای موسیقی کلاسیک، پاپ و محلی توسط هنرمندان انجمن موسیقی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی دیر بود که مورد توجه هنرمندان و حاضران قرار گرفت.

بررسی مشکلات صیادان بندر دیر

* رییس شیلات ایران از اسکله صیادی دیر و بردخون دیدن کرد.

در این بازدید، مدیرکل شیلات، مدیرکل جهاد کشاورزی بوشهر و نماینده مردم در مجلس و فرماندار دیر نیز حضور داشتند.

در این دیدار فرماندار و نماینده مردم در مجلس و جمعی از صیادان مشکلات جامعه صیادی را بیان کردند و غلامرضا رازقی رئیس شیلات ایران قول پیگیری داد.

قهرمانی تیم فوتسال دیّر

* تیم فوتسال جوانان شهرستان دیّر توانست در مسابقات انتخابی روستایی عشایری مقام نخست استان بوشهر را به دست آورد.

مسابقات فوتسال انتخابی روستایی و عشایری جوانان استان بوشهر با حضور هشت تیم از سراسر این استان به صورت دوره‌ای در روستای احمدی بخش مرکزی بوشهر برگزار شد که در پایان تیم دیّر به مقام قهرمانی رسید. تیم‌های شهرستان گناوه و روستای احمدی به ترتیب مقام‌های دوم و سوم را به دست آوردند. تیم منتخب استان برای شرکت در مسابقات کشوری به چهارمحال و بختیاری اعزام خواهد شد.

مشکل کمبود آب آشامیدنی تسوج برطرف می‌شود

تبریز - خبرنگار اطلاعات: مشکل چندین ساله کمبود آب آشامیدنی در شهر تسوج با اجرای طرح آبرسانی برطرف می‌شود.

مهندس پوررجب مدیر عامل آب و فاضلاب آذربایجان‌شرقی با اعلام این خبر، گفت: تسوج با توجه به شرایط جغرافیایی و آب و هوایی منطقه و خشکسالی های اخیر، هر سال با کمبود آب روبرو بود.

وی افزود: شرکت آب و فاضلاب آذربایجان‌شرقی برای حل مشکل کم‌آبی منطقه اقدام به حفر چاه کرد که در حال حاضر با دبی ۱۵ لیتر در ثانیه وارد مدار شده است. وی با اشاره به حل مشکل آب این شهر در دراز مدت، گفت: شرکت آب و فاضلاب استان در یک اقدام دیگر مطالعات اجرای خط انتقالی آبرسانی به شهر تسوج را به اتمام رسانده است و به زودی عملیات اجرایی آن آغاز خواهد شد. پوررجب با اشاره به مشخصات طرح آبرسانی تسوج، افزود: این طرح شامل خط انتقال به طول ۲۵ کیلومتر، دو مخزن ۲۰۰۰ و ۳۰۰۰ مترمکعبی و یک ایستگاه پمپاژ است.

مسابقات والیبال دانش آموزان آسیا در ارومیه برگزار می‌شود

ارومیه - خبرنگار اطلاعات: چهارمین دوره مسابقات والیبال دانش آموزان زیر ۱۸ سال آسیا از ۲۱ تا ۲۸ مهر در ارومیه برگزار می‌شود.

ولی سمرقندی مدیرکل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی با بیان مطلب بالا افزود: چین، اندونزی، تایلند، سریلانکا، سنگاپور، مالزی و دو تیم از جمهوری اسلامی ایران در این مسابقات حضور دارند.

به گفته وی، این مسابقات به میزبانی اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی برگزار خواهد شد.

عزم دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز جدی است

*** معاون ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز: هیچ بازارچه و معبری بدون نظارت گمرک اجازهٔ فعالیت نخواهد داشت**

بندر انزلی - خبرنگار اطلاعات: عزم دولت در جلوگیری از قاچاق ارز و کالا بسیار جدی است و رئیس‌جمهوری نیز خواستار ساماندهی بازارچه‌های مرزی و انسداد معابر غیرقانونی است.

معاون ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز نهاد ریاست جمهوری در نشست مشترک با مدیران اداره کل گمرک انزلی با بیان این مطلب گفت؛ رئیس‌جمهوری در جلسه‌ای مشترک با وزرا خطاب به وزیران کشور و امور اقتصادی و دارایی بر این نکته تأکید کرد که باید همه بازارچه‌های مرزی در اسرع وقت تحت نظارت گمرک قرار بگیرند و بدون نظارت گمرک هیچ بازارچه و معبری اجازه فعالیت نداشته باشد.

دکتر فرهانیان متذکر شد؛ هر کالایی که بخواهد وارد کشور شود، باید با نظارت دولت و گمرک باشد و هیچ مرجعی تحت هیچ عنوان حق ندارد مجوز ورود کالا را خارج از مقررات مصوب و بدون نظارت دولت و گمرک صادر یا وارد کند.

محمدبهبود آهنی ناظر گمرکات گیلان و مدیرکل گمرک بندرانزلی نیز در این نشست با اشاره به فعالیت گمرک در سه بخش حاکمیتی، نظارتی و استیفای حقوق دولت گفت؛ گمرکات گیلان پارسال ۵۰۰ میلیارد تومان از محل ترخیص کالا درآمد کسب کرده است که با توجه به اختصاص اعتبارات تخصیصی به گمرکات گیلان این میزان اعتبار به هیچ وجه کافی نیست و لازم است نگرش متولیان امور به حساسیت و اهمیت جایگاه گمرک تقویت شود.

وی با تأکید بر این مطلب که کارکنان ستاد نظارت گمرکات گیلان خدمتگزاری را برای خود یک رسالت می‌دانند افزود: گمرکات گیلان به رغم کمبودهای موجود با درک نیازهای کشور و استان و محروم از نیروی انسانی مورد نیاز با تحت فشار قرار دادن نیروهای شاغل برای کالاهای عادی تا ساعت ۲۲ و برای کالاهای استراتژیک و سوخت، بیست و چهار ساعته آماده ارائه خدمات است.

یعقوب جمالی دبیر کمیسیون مبارزه با قاچاق کالا و ارز گیلان به عنوان سخنران بعدی این نشست با قدردانی از عملکرد مناسب ناظر گمرکات گیلان بر آمادگی کامل این کمیسیون بر اجرای تصمیمات مربوط به مبارزه با قاچاق کالا تأکید کرد و افزود: در نیمهٔ نخست امسال ۳۳۶ فقره پرونده قاچاق به ارزش ۹۶ میلیارد ریال در گمرکات گیلان تشکیل و به مراجع ذیصلاح ارجاع شد که این تعداد پرونده نسبت به مدت مشابه پارسال از نظر تعداد ۱۹۵ درصد و از حیث ارزش ۲۲ درصد کاهش داشته است.

او اضافه کرد: پارچه و البسه، مشروبات الکلی، خودرو، تخته، گوشی تلفن همراه، روغن مایع، چای، لامپ کم‌مصرف و لوازم آرایش و شکلات از مهم‌ترین اقلام مکشوفه قاچاق در گمرکات گیلان محسوب می‌شوند.

بهره‌برداری از آزمایشگاه کنترل کیفی مواد غذایی خام دامی در بندر عباس



بندرعباس - خبرنگار اطلاعات: آزمایشگاه کنترل کیفی مواد غذایی خام دامی و پایش باقی مانده‌ها در بندرعباس با حضور رئیس سازمان دامپزشکی کشور به بهره برداری رسید.

رئیس سازمان دامپزشکی کشور در این آیین با بیان اینکه با فراهم شدن مقامات، در آینده همه آزمایش‌های لازم برای صدورگواهی بهداشتی صادرات آبزیان به خصوص میگوهای پرورشی در داخل کشور انجام می‌شود، افزود: در تلاش هستیم تا از سال آینده نمونه‌های برداشت شده را در آزمایشگاه‌های داخل کشور انجام بدهیم که هماهنگ با اتحادیه اروپا است.

وی اضافه کرد: آزمایشگاه باقی مانده‌ها در داخل کشور آماده شده وکارش را شروع کرده است که امیدواریم درآینده آن مقداری از نمونه‌هایی که برای آزمایش به خارج از کشور می‌فرستیم بتوانیم خودمان در آزمایشگاه مذکور انجام بدهیم.

وی اضافه‌کرد: در دو سال گذشته نمونه‌هایی که برای مهم‌ترین آزمایشگاهی درکشور فرانسه فرستادیم نشان داد که هیچ مشکلی در زمینه باقی‌مانده‌های کشورمان وجود ندارد و در نتیجه محموله‌های صادراتی به طور کامل مورد پذیرش آنها قرارگرفت.

رئیس سازمان دامپزشکی کشور گفت: امسال نیز نمونه برداری انجام و ارسال می‌شود و با اقدام‌هایی که در زمان تکثیر و پرورش و فرآوری و بسته‌بندی انجام شده نگرانی نداریم و صادرات به خوبی انجام خواهد شد.

دستور افزود: با هماهنگی اتحادیه اروپا از سال آینده آزمایش نمونه‌های برداشت شده برای پی بردن به میزان باقی مانده دارویی در میگوهای پرورشی در داخل کشور انجام می‌شود که با توجه به بازدید نهادهای مسؤول این اتحادیه از امکانات آزمایشگاهی ما مشکلی در این امر وجود ندارد.

ساماندهی تابلوهای واحدهای صنفی ساوه

ساوه - خبرنگار اطلاعات: طرح ساماندهی تابلوهای واحدهای صنفی شهرستان ساوه که با اسامی بیگانه نامگذای شده‌اند، آغاز شد.

علی شعبانی رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی ساوه با بیان مطلب بالا بر ضرورت ساماندهی تبلیغات شهری افزود: در راستای تحقق قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه در تابلوهای واحدهای صنفی و ضرورت ساماندهی تابلوها این طرح در سطح شهرستان به مرحله اجرا درمی‌آید.

وی با بیان اینکه رسالت و وظیفه مسئولان فرهنگی حفظ و دفاع از حریم فرهنگی و هویت اصیل ملی ایران است، گفت: به کارگیری از اسامی، عنوان‌ها و اصطلاحات بیگانه در تابلوهای سردر واحدهای صنفی هویت ملی ما را خدشه‌دار می‌کنند.

او با اشاره به شناسایی حدود ۱۰۰ تابلو واحد صنفی که در آنها اسامی بیگانه به کار رفته است، اضافه کرد: از این تعداد تابلو در سطح شهرستان عکس گرفته شده است و در مرحله نخست تذکر کتبی به متصدیان واحدهای صنفی که الفاظ بیگانه در تابلوهای واحد صنفی آنها به کار رفته است داده می‌شود و در صورت تغییرنکردن عنوان تابلو در مهلت مقرر، از طریق مراجع ذیربط اقدام‌های قانونی لازم صورت خواهد گرفت و با افراد متخلف به طور جدی برخورد خواهد شد.

شعبانی ادامه داد: طبق آیین‌نامه قوانین و مقررات تبلیغاتی کشور انتخاب هرگونه نام، عنوان و اصطلاح بیگانه برای معرفی اجناس و اماکن فروش ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

خط ارتباطی اطلاعات بامردم

۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

از خوانندگان محترم شهرستانی تقاضا دارد در پیام های خود، نام شهرستان مربوطه را ذکر کنند

بقیه از صفحه ۱۳

تأخیر در اسفالت خیابان

قراربود شهرداری مارلیک کرج خیابان شیوا واقع در مجاورت مجتمع‌های مسکونی ولی‌عصر(عج) را اسفالت کند، اما پس از گذشت ۳ ماه هنوز این کار را انجام نداده است.

شهرک مارلیک - حسن کاشی

جلوگیری از سد معبر فروشندگان موتوسیکلت

از مسئولان شهرداری انتظار می‌رود از پارک موتوسیکلت‌ها توسط فروشندگان آن‌ها در پیاده‌روی خیابان هفدهم شهریور و ایجاد سد معبر، جلوگیری به عمل آورند.

سیدمحمد علوی

اصلاح قانون تملک آپارتمان‌ها

خوب است در قانون تملک آپارتمان‌ها، پرداخت هزینه‌های گاز و آب به تعداد نفرات هر واحد مسکونی قید شود تا خانواده‌هایی که الگوی مصرف را رعایت می کنند، ملزم به پرداخت هزینه‌های مساوی با سایر خانواده‌ها نباشند.

شهروند تهرانی

پروژه فاضلاب نیمه تمام مانده است

با این که لوله اصلی فاضلاب خلخال ۱۱ سال قبل در خیابان اصلی این شهر نصب شده، متاسفانه هنوز لوله‌های فاضلاب ساختمان‌های اطراف این خیابان هنوزوصل نشده که دلیل آن هم ظاهراً عدم تخصیص اعتبارات مورد نیاز است. با توجه به این که رئیس جمهوری دستور داده است پروژه‌های نیمه‌تمام باید دراولویت کاری مسئولان قرار گیرد، معلوم نیست در مورد تکمیل شبکه فاضلاب خلخال، چرا اقدامی انجام نمی‌شود؟

خلخال (استان اردبیل) - تقی بابایی، فرهنگی بازنشسته

تبدیل سازمان استاندارد به وزارتخانه

نظر به اهمیت فراوان استاندارد انواع کالا و خدمات و از جمله مصالح ساختمانی که در سلامت و ایمنی مردم نقش اساسی دارد پیشنهاد می‌شود سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران تبدیل به وزارتخانه شود و مجلس برحسن اجرای وظایف آن درخصوص صدور پروانه استاندارد ملی، نظارت مستقیم داشته باشد.

تلفن به خط ارتباطی

توصیه‌ای به مجری برنامه «پارک ملت»

مجری برنامه تلویزیونی «پارک ملت» متاسفانه کمتر اجازه می‌دهد میهمانان برنامه حرف بزنند، اگر قرار بر این است که مجری برنامه متکلم‌الوحده باشد، دیگر چه نیازی است که میهمانانی به برنامه دعوت شوند؟

خانم بیننده برنامه

مزاحمت

گه گاه در تقاطع کوچه‌های علمداری و محمدی خیابان سلسبیل جنوبی برخی افراد برای اهالی محل مزاحمت‌هایی ایجاد می کنند، که از کلانتری ۱۰۸ نواب تقاضا می‌شود در مورد رفع این مزاحمت‌ها، اقدامات لازم را انجام دهند.

از اهالی محل

بنیاد دستور رئیس جمهوری را اجرا کند

جانباز ۶۵ درصد درحال درمان هستم که مرداد سال ۸۸ از طریق یکی از نمایندگان مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، تقاضایی را در مورد حل مشکل مسکن و دیگر گرفتاری‌هایم به رئیس محترم جمهوری تقدیم کردم که ایشان هم دستور داد بنیاد شهید و امور ایثارگران استان آذربایجان‌غربی به صورت خاص و مؤثر، مشکل مرا حل کنند. اما با گذشت بیش از ۲ سال متاسفانه دستور رئیس جمهوری را هنوز اجرا نکرده‌اند، که ای کاش واحدی مسئول پیگیری دستورات رئیس جمهوری می‌شد تا در صورت عدم انجام این دستورات، فرد یا سازمان متخلف مورد بازخواست قرار می‌گرفت.

ارومیه - آقازاده

عدم هماهنگی در تأمین روشنایی معابر عمومی

در میدان صادقیه، تقاطع خیابان شهید کسرایی و بلوار شهید موسوی به طول ۱۰۰ متر چراغ‌های برق از ماه‌ها پیش روشن نیست و در نتیجه رفت و آمد عابران شب‌ها از این محل خطرناک است.

از اهالی محل

کارت خودرو را تحویلم نداده‌اند

حدود ۷۰ روز پیش از شرکت مزدا خودروی شماره گذاری شده همراه با سند مالکیت آن را تحویل گرفتم، اما هنوز کارت این خودرو را دریافت نکرده‌ام و اداره پست هم در این باره پاسخگویم نیست.

احمد قاسم‌آبادی

تشکر از سردبیر روزنامه اطلاعات

از سردبیر روزنامه اطلاعات به دلیل نوشتن مقاله «آسپرین» تشکر می کنم.

قائم‌شهر - حسن اکبری

مشکل بوی نامطبوع کارخانه‌های روغن کشی

اغلب کارخانه‌های روغن‌کشی صنعتی لوشان در محدوده این شهر بنا شده‌اند و از این رو بوی بسیار بد و نامطبوع آن‌ها، اهالی لوشان را آزار می دهد. امیدواریم اداره محیط زیست لوشان ضمن حل مشکل کارخانه‌های روغن کشی، با موظف ساختن کارخانه‌های سیمان به نصب فیلترهای مخصوص، به معضل گردوخاک ناشی از فعالیت آن‌ها هم خاتمه دهد.

لوشان (استان گیلان) - ایرج فدایی بیورزنی

تأخیر در قرعه کشی پرداخت یکجای عوارض شهرداری

شهرداری تهران امسال هم اعلام کرده بود به شهروندانی که تا پایان آبان‌ماه تمامی عوارض نوسازی خود را یکجا بپردازند، به قید قرعه‌جوایزی اهدا می کند، که جا دارد توضیح دهد این قرعه‌کشی چرا به تعویق افتاده است؟

شهروند خوش حساب

احداث سیستم فاضلاب برای روستاهای اطراف سد

قبل از احداث سدهایی مانند سد طالقان در استان البرز، جا دارد برای روستاهای اطراف سد و دریاچه آن، سیستم فاضلاب بسازند تا از سرازیر شدن آن به دریاچه سد و آلودگی آن، پیشگیری به عمل آید.

طالقان - دکتر ذوقی

وظیفه بانک مرکزی حفظ ارزش پول ملی است

وظیفه اصلی بانک مرکزی - حفظ ارزش پول ملی است. اما با عدم جلوگیری از افزایش بیرویه قیمت طلا و ارز، عملا به کاهش ارزش پول ملی کمک کرده است و حتی روزهای زیادی پس از کاهش قیمت جهانی طلا، در جهت بالا نگه داشتن قیمت آن در ایران، کوشیده است. از بانک مرکزی انتظار می‌رود با پیشگیری از نوسان‌های قیمت ارز و سکه، اجازه ندهد پول ملی در برابر ارزهای خارجی تضعیف شود.

کارشناس مسایل اقتصادی

عدم واریز بودجه سرانه مدارس دولتی

از فرهنگیان منطقه ۱۲ آموزش و پرورش تهران و معلم یکی از مدارس خیابان ایران هستم. تا حالا که مهرماه به نیمه رسیده، حتی یک ریال بودجه سرانه مدارس دولتی در اختیارشان قرار نگرفته که به نظر من در تاریخ وزارت آموزش و پرورش، بی‌سابقه است. از یک سو به مدیران مدارس می گویند از والدین شهریه فرزندانشان را نگیرند و از طرف دیگر، سرانه مدارس دولتی را نمی‌پردازند که با این وضع، مدارس دولتی چگونه باید فعالیت کنند و هزینه‌های افزایش‌یافته آب و برق و گاز را بپردازند؟

از فرهنگیان منطقه ۱۲

مسئولان راهنمایی و رانندگی پاسخ دهند

مسئولان راهنمایی و رانندگی لطفاً پاسخ دهند چرا موتورسواران مزاحم را به حال خودشان گذاشته‌اند تا هر طور دلشان خواست رانندگی کنند و بلای جان مردم بیگناه شوند؟

شهروند تهرانی

کارت ایثارگری پاسداران وظیفه

از مسئولان ذی‌ربط تقاضا می‌شود به پاسداران وظیفه دوران دفاع مقدس هم کارت ایثارگری اهداء کنند.

پارس آباد مغان (اردبیل) - قدیرلو

افزایش صددرصدی قیمت رنگ مو

از یک داروخانه در خیابان سهروردی رنگ موی ایگورو رویال را ۳۵۰۰ تومان می خریدم، که یکدفعه قیمت آن را به ۷۳۰۰ تومان افزایش داده‌اند و معلوم نیست چه کسی باید به این گران‌فروشی‌ها یا گرانی‌ها رسیدگی کند؟

خانم شهروند

اخبار کوتاه شهرستان

قدردانی از فعالان قرآنی در زرین‌شهر

زرین شهر – خبرنگار اطلاعات: ۳۰ فعال قرآنی در آیین پایانی جشنواره قرآنی مبین در زرین شهر تجلیل شدند.

به گفته سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی لنجان نخستین جشنواره قرآنی مبین با موضوع قرائت و تفسیر سوره حجرات از کتاب تفسیر سوره حجرات تالیف حجت‌الاسلام و المسلمین قرائتی با همکاری موسسات قرآنی، کانون‌های فرهنگی – هنری مساجد در هشت شهر و روستاهای شهرستان لنجان برگزار شد. رسول افیونی افزود: در پایان این جشنواره به ۳۰ نفر برتر جوایزی اهدا شد.

رانندگان برتر در اجرای قانون ترافیکی هدیه گرفتند

* میزان تصادفها در شهرستان لنجان در نیمه نخست امسال نسبت به پارسال ۵۷ درصد کاهش داشته است.

فرمانده انتظامی لنجان درهمایش تجلیل از شهروندان قانونمند و نمونه ترافیکی این شهرستان گفت: از اولویت‌های کاری ناجا بحث کاهش تصادفات است و باید در طول امسال ۲۰درصد کاهش تصادفات منجر به فوت را داشته باشیم.سرهنگ علی فروغ‌نیا افزود: در سال ۱۳۸۴ در کشور ۲۷ هزار نفر بر اثر تصادفات جان خود را از دست دادند که این میزان در سال ۱۳۸۹ به ۲۳ هزار نفر کاهش یافته است و طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده در چند سال آینده به استانداردهای بین‌المللی نزدیک خواهیم شد. وی گفت: در شهرستان لنجان مناطق حادثه‌خیز شناسایی شده و برای رفع آنها در تلاش هستیم.

فرمانده انتظامی لنجان اضافه کرد: طبق آمار به دست آمده ۷۰ درصد تصادفها در شهرستان لنجان به دلیل بی‌احتیاطی رانندگان بوده است که امسال در نیمه نخست امسال نسبت به مدت مشابه پارسال ۵۷ درصد کاهش تصادفات را شاهد بوده‌ایم. در این همایش از ۲۰ راننده برتر در اجرای قانون‌های ترافیکی شهرستان لنجان تجلیل شد.

معرفی سرپرست جدید ورزش و جوانان سمیرم

سمیرم – خبرنگار اطلاعات: سرپرست جدید ورزش و جوانان سمیرم معرفی شد. در این جلسه که با حضور فرماندار، بخشدار مرکزی، مدیرکل ورزش و جوانان استان اصفهان ، معاون توسعه منابع انسانی اداره کل استان و مسئولان هیات ورزشی سمیرم تشکیل شد مقرر شد تا مبلغ ۲۰ میلیون تومان برای خرید و نصب تجهیزات قایقرانی در سه سد مخزنی این شهرستان از طرف ورزش استان اختصاص یابد.

همچنین پیست اسکی نیز پس از تکمیل توسط شهرداری به اداره ورزش تحویل داده می‌شود. در این نشست فلسفی به عنوان سرپرست جدید ورزش و جوانان سمیرم معرفی و از زحمات آصفی سرپرست قبلی تقدیر شد.

امام جمعه جدید شهر سده‌لنجان معرفی شد

* بیش از ۷۰۰ مراسم نماز جمعه در داخل و خارج از کشور برگزار می‌شود.رئیس دفتر شورای سیاستگذاری ائمه جمعه استان اصفهان در مراسم معارفه امام جمعه جدید شهر سده‌لنجان در این باره گفت: به برکت وجود امام و رهبری و انقلاب و شهدا نمازجمعه در کشور برپا و تقویت شد و امروز بیش از ۷۰۰ نماز جمعه در داخل و خارج از کشور برپا می‌شود که سهم استان اصفهان ٦٣ نماز جمعه است که به زودی به ۷۰ خواهد رسید. حجت‌الاسلام و المسلمین صالحیان افزود: سند نماز جمعه قرآن است و این سند ۱٤۰۰ سال قدمت دارد.

وی گفت: امام جمعه بازوی توانمند برای مسئولان شهر است و در پیشرفت و تعالی یک جامعه نقش مهمی می‌تواند داشته باشد. همچنین اتحاد و همبستگی عنصری است که امور یک شهر را پیش می‌برد و نقش امام جمعه در این بین موثراست. وی سپس حجت‌الاسلام انصاری را به عنوان امام جمعه جدید شهر سده لنجان معرفی و از خدمات حجت‌الاسلام اژدری امام جمعه سابق قدردانی کرد.

کشف ۳۰۰ میلیون ریال کالای قاچاق در ساوه

غرق‌آباد – خبرنگار اطلاعات: سیصد میلیون ریال کالای قاچاق از یکدستگاه کامیون در محور ساوه – همدان توسط ماموران کلانتری نوبران کشف شد.سرهنگ مصطفی ویسمه‌ای فرمانده انتظامی شهرستان ساوه با بیان این خبر افزود: کامیون فوق که اقدام به قاچاق مقادیر زیادی البسه و لوازم آرایشی قاچاق کرده بود، و با تشکیل پرونده تحویل مراجع قضایی شد.

فرمانده انتظامی شهرستان ساوه از کشف ۱۰۰۰ قوطی مشروبات الکلی توسط پلیس مبارزه با مواد مخدر این شهرستان خبرداد و افزود: منزل فردی که اقدام به قاچاق مشروبات الکلی در سطح شهرستان می‌کرد، در یک عملیات ضربتی و با هماهنگی مرجع قضایی مورد بازرسی قرار گرفت ودر این رستا ۱۰۷۸ قوطی مشروبات الکلی خارجی قاچاق کشف شد.

آغاز برداشت انار از باغ‌های طارم



* پیش‌بینی می‌شود۱۵هزار تن محصول از باغ‌های بارده ارقام زودرس طارم برداشت شود
* تولید انار امسال از باغ‌های طارم۲۹درصد در مقایسه با پارسال رشد داشته است
* درآمد حاصل از برداشت انار در طارم ۱۲۴میلیارد ریال پیش‌بینی شده است

زنجان ـ خبرنگار اطلاعات: برداشت محصول انار از ۱۳۰۰ هکتار از باغ‌های بارده ارقام زودرس طارم آغاز شد.

زنگنه، مدیر جهاد کشاورزی طارم، با اعلام این خبر افزود: پیش‌بینی می‌شود از این باغ‌ها ۱۵هزار و ٦۰۰تن محصول برداشت شود.

وی سطح زیر کشت باغ‌های انار این شهرستان را ۱۵۰۰هکتار اعلام کرد و گفت: از مجموع محصول تولیدی انار ۳۰۰تن برای تهیه رب‌انار و ۱۵هزار و ۳۰۰تن نیز برای مصرف تازه‌خوری به بازار عرضه می‌شود.

زنگنه از افزایش ۲۹درصدی تولید انار امسال از باغ‌های طارم خبر داد و افزود: افزایش ۱۰۰هکتاری سطح زیرکشت باغ‌های بارده، اجرای طرح اصلاح باغ‌های انار، هرس باغ‌ها، مبارزه با کرم گلوگاه انار و تغذیه مناسب از جمله عوامل افزایش تولید انار در سال جاری است.

مدیر جهاد کشاورزی طارم با بیان این که از ۳۰۰۰ بهره‌بردار باغ‌های انار بیش از ۳۰هزار نفر روز در کار برداشت این محصول مشغول به کار بوده و از این طریق کسب درآمد می‌کنند، افزود: پیش‌بینی می‌شود درآمد حاصل از برداشت انار به ۱۲٤ میلیارد ریال برسد.

وی ارقام انار تولیدی این شهرستان را ملس شیرین، پوست‌سیاه،شاه‌بارمیخوش،دوستی، زاغ، پوست‌کدویی، ترش جنگلی و ترش محلی اعلام کرد و افزود: انار تولیدی طارم به شهرستان‌های استان زنجان و استان‌های همجوار صادر می‌شود.

مدیر جهاد کشاورزی ماهنشان نیز از آغاز برداشت برنج از مزارع روستاهای حاشیه قزل‌اوزن خبر داد و افزود: امسال نزدیک به ۱٦۰هکتار از اراضی زراعی این شهرستان زیر کشت محصول برنج قرار گرفت.

طیبی ادامه داد: پیش‌بینی می‌شود از کل اراضی زیر کشت ٤۸۰تن شلتوک با ۳۰۰ تن برنج به ارزش ۳میلیارد و ٦۰۰میلیون ریال حاصل شود.او در ادامه کشت محصول ذرت علوفه‌ای را به عنوان کشت دوم در مزارع ماهنشان با ۵۰هکتار سطح زیر کشت بیان کرد و افزود: این محصول در ارقام سینگل کراس ۷۰٤ و ۵۰۰ کشت شده است.

پرداخت ٦۰درصد هزینه‌های علمی نخبگان

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: ٦۰درصد هزینه سفرهای علمی نخبگان توسط بنیاد نخبگان یزد پرداخت می‌شود.

محمدحسین طالبی، یکی از نخبگان بنیاد نخبگان یزد، با بیان این خبر افزود: متقاضیان برای استفاده از این تسهیلات باید فرم درخواست استفاده از تسهیلات را به همراه مستندات مورد نیاز به بنیاد ارسال کنند.

وی گفت: مستندات مورد نیاز برای دریافت ٦۰درصد کمک هزینه مسافرت علمی شامل اصل‌نامه معاونت پژوهشی دانشگاه محل تحصیل مبنی بر تأیید اعتبار علمی همایش و نیز پذیرش مقاله و موافقت با ارائه مقاله متقاضی از سوی برگزارکننده، روگرفت گواهی پذیرش مقاله و دعوتنامه، روگرفت صفحه‌ای از مقاله مورد نظر که شامل ذکر حمایت بنیاد ملی نخبگان از مقاله است، روگرفت بلیت و روگرفت برابر اصل شده روادید است.

او ادامه داد: پس از ارسال فرم و مستندات، بررسی کارشناسی مبنی بر بهره‌مندی متقاضی از آیین‌نامه اعطای جوایز تحصیلی بنیاد ملی نخبگان به دانشجویان نخبه و استعداد برتر و احراز پویایی وی، طرح درخواست و پرونده در جلسه شورای کارشناسی برای تأیید، بررسی کارشناسی انجام خواهد گرفت که پس از تأییدهایی در شورای نخبگان و اعلام به معاونت پشتیبانی بنیاد، ٦۰درصد کمک هزینه به حساب بانک متقاضی توسط امور مالی بنیاد واریز خواهد شد.

او در مورد دریافت ٤۰درصد باقیمانده کمک هزینه مسافرت علمی نخبگان افزود: برای این امر متقاضی باید درخواست خود و مستندات مورد نیاز را به بنیاد ارسال کند که این مستندات شامل مستندات همایش به یکی از سه روش روگرفت جلد، فهرست، صفحه اول مقاله و ذکر حمایت بنیاد ملی نخبگان در مقاله مورد نظر در کتابچه همایش، نشانی الکترونیکی دسترسی به مقاله در صورتی که مقاله به طور آنلاین قابل مشاهده باشد و لوح فشرده همایش همچنین روگرفت برابر اصل‌شده گذرنامه به همراه مهر ورود و خروج (در صورتی که محل برگزاری همایش خارج از کشور باشد) و بلیت ابطال شده رفت و برگشت است.

وی افزود: پس از بررسی کارشناسی و تأیید نهایی دبیر شورای نخبگان و اعلام به معاونت پشتیبانی بنیاد، ٤۰درصد باقیمانده کمک هزینه مسافرت علمی به حساب بانکی متقاضی که از طریق آن کمک هزینه ماهانه دانشجویی را دریافت می‌کند، واریز می‌شود.

آغاز به کار شورای هم‌خانواده در استان زنجان

*محور فعالیت شورای هم‌خانواده در استان رفع موانع تولید بر محور صادرات است که توسعه اشتغال و افزایش درآمد خانوارها را هدف‌گذاری کرده است

زنجان ـ خبرنگار اطلاعات: در پی تشکیل سازمان صنعت، معدن و تجارت شورای هم‌خانواده در استان زنجان فعالیت خود را آغاز کرد.

حمید صدری، سرپرست سازمان صنعت، معدن و تجارت استان زنجان با بیان مطلب بالا، افزود: انجام تعاملات گسترده و ارائه راهکارهای مناسب در جهت رفع معضلات تولیدکنندگان و فعالان عرصه تجارت از ماموریت اصلی این شورا است.

وی تصمیم‌گیری بر پایه اجماع جمعی و اصول کارشناسی را اساس مصوبات شورای هم‌خانواده اعلام کرد و گفت: برای رفع موانع تولید و صادرات استان از پیشنهادهای تمام متخصصین و دلسوزان به توسعه استان استقبال می‌کنیم.

صدری افزود: محور فعالیت شورای هم‌خانواده در استان رفع موانع تولید بر محور صادرات است که توسعه اشتغال و افزایش درآمد خانوارها را هدف‌گذاری کرده است.

سرپرست صنعت، معدن و تجارت استان زنجان با اشاره به دور چهارم سفر هیأت دولت به استان از اعضای شورا خواست پیشنهادهای خود را با هدف توسعه‌ای به دبیرخانه شورا ارائه کنند.

سازمان صنعت، معدن و تجارت، اداره استاندارد و تحقیقات صنعتی، شرکت شهرک‌های صنعتی، بانک صنعت و معدن، خانه صنعت و معدن، اتاق بازرگانی، سازمان نظام مهندسی معدن، اداره دخانیات، شرکت غله و خدمات بازرگانی و مجمع امور صنفی اعضای شورای هم‌خانواده استان زنجان را تشکیل می‌دهند.

کاهش ۴۵ درصدی تصادفات رانندگی در ساوه

ساوه ـ خبرنگار اطلاعات: تصادفات درون‌شهری و برون‌شهری نیمه نخست امسال در شهرستان ساوه ٤۵ درصد کاهش داشته است.سرهنگ مصطفی ویسمه‌ای فرمانده نیروی انتظامی ساوه با اعلام این خبر افزود: اقدام‌های فرهنگی در راستای ارتقای فرهنگ ترافیکی، تقویت پلیس، گشت‌ها و واحدهای انتظامی، مشارکت مطلوب مردم و اجرای طرح‌های مختلف از جمله مواردی است که در کاهش تصادفات نقش بسزایی داشته است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با بیان آماری از فعالیت‌های پلیس در نیمه نخست امسال گفت: کاهش ۸ درصدی وقوع جرایم در منازل، کاهش ۵ درصدی سرقت از مغازه‌ها، کاهش ۲۳ درصدی سرقت موتورسیکلت، کاهش ۵۰درصدی سرقت احشام، کاهش ٤۵ درصدی کیف‌قاپی و ۵ درصدی سرقت از داخل خودرو از جمله اقدام‌های پلیس بوده است.

وی با بیان اینکه در سرقت‌های خرد در سطح شهرستان شاهد افزایش ٦٤ درصدی بودیم، اضافه کرد: با انجام یک کار کارشناسی متوجه شدیم که افزایش سرقت‌های خرد ریشه در معضل اعتیاد دارد که در این خصوص با دستگیری حدود ۸۰ نفر از معتادین از داخل خرابه‌ها، پارک‌ها و مناطق مختلف و تحویل آنها به مراکز ترک اعتیاد، وقوع سرقت‌های خرد به صورت چشمگیری کاهش یافت.

وی همچنین از وقوع هفت مورد قتل در این شهرستان در نیمه نخست امسال خبر داد و افزود: دو مورد از قتل‌های رخ داده مربوط به سایر استان‌های کشور بود که متهمان آنها در این شهرستان دستگیر شده‌اند و در خصوص کشته شدن نوجوان چهارده ساله‌ای که اخیراً در شهرستان رخ داد نیز متهم به قتل وی در کمتر از ۲٤ ساعت دستگیر شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد و پرونده قتل به مراجع قضایی ارسال شده است.

ویسمه‌ای همچنین از کشف ۲۷ کیلوگرم انواع مواد مخدر در شهرستان خبر داد و افزود: در این خصوص ۵۰۲ نفر توزیع‌کننده انواع مواد مخدر شناسایی و دستگیر شده‌اند.

او همچنین از افزایش ۲٦ درصدی کشفیات سلاح خبر داد و افزود: ۷۵٤٤ عدد قوطی انواع مشروبات الکلی طی این مدت کشف و ضبط شده است و در خصوص جمع‌آوری تجهیزات ماهواره‌ای هم شاهد رشد ۳۱ درصدی بوده‌ایم.

۲٦۰۰ نفر روز فعالیت در طرح هجرت-۳ نائین

نائین – خبرنگار اطلاعات: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه نائین، درجلسه پایانی طرح هجرت ۳ در سالن اجتماعات سپاه نائین گفت: هجرت درونی در فرزندان این . مرز و بوم و بسیجیان شکل گرفته که منجر به سازندگی شده است.

وی ادامه داد: اردوهای طرح هجرت برای فعالان عرصه جهاد دارای ابعاد سازندگی و معنوی است که مقام معظم رهبری نیز به این ابعاد تاکید داشته و دارند. فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه نائین اضافه کرد: اعزام گروه‌های جهادی به روستاهای کدونولیه ، آرند، عباس‌آباد ، ورپا ، ارجک و عشرت‌آباد، از ابتدای تیر با شرکت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نائین ، دانجشویان پیام نور مرکز نائین و دانش‌آموزان مدارس سطح شهرستان همراه بود.

وی افزود: دانش آموزان و دانشجویان شرکت‌کننده در این طرح در مجموع بیش از ۲٦۰۰ نفر روز فعالیت را در سطح شهرستان در قالب مرمت و بازسازی ، نقاشی، شعارنویسی و زیباسازی، اصلاح باغ‌های کشاورزی و عملیات عمرانی داشتند.

صفری اضافه کرد: کارگاه تعمیر میز و نیمکت در هنرستان شهید قدوسی به استعداد تعمیر ٤۰۰ میز و نیمکت و صندلی توسط دانش‌آموزان بسیجی برپا شد و مرمت و سرامیک دبستان‌های آیت‌الله نائینی و وحدت محمدیه انجام گرفت.

وی با اشاره به شرکت فعال دانش‌آموزان و دانشجویان خواهر در این طرح افزود: زیباسازی ۱۰ کتابخانه در سطح مدارس توسط خواهران دانش‌آموز بسیجی و همچنین شعارنویسی و زیباسازی مرکز تحقیقات معلمان نائین توسط خواهران بسیجی انجام گرفت.

نیاز مبرم نائین به فرهنگسرا

*شهرستان نائین به عنوان یک شهرستان با پیشینه فرهنگی ارزشمند و قدمتی بسیار زیاد، از شهرستان‌هایی است که نیاز مبرم به فرهنگسرا دارد. سید علیرضا حسینی مدیرکل اداره ارشاد استان اصفهان درجلسه بررسی مشکلات فراروی فضاهای فرهنگی شهرستان نائین با تاکید بر این که نائین هیچ‌گونه فضای فرهنگی ندارد افزود: متاسفانه به دلایل مختلف پروژه فرهنگی نائین با روند کندی جلو رفته است و در صحبت‌هایی که با مسئولان انجام شد تمهیداتی اندیشیده شد که پروژه مجتمع فرهنگی نائین سرعت بیشتری بگیرد.

وی اضافه کرد: سال گذشته حدود ۱۲۰ میلیون تومان بودجه به این پروژه اختصاص یافت که امسال این رقم به ۱٦۰ میلیون تومان ارتقا یافته است . وی افزود: در نظر است از بودجه مازاد، تا سقف ۵۰۰ میلیون تومان ، اعتبارات این پروژه افزایش یابد تا بتوانیم ظرف دو تا سه سال آینده شاهد به نتیجه رسیدن پروژه فرهنگی نائین باشیم.

ساخت مجتمع فرهنگی نائین ، در زمینی به مساحت ٤٦۱۰ مترمربع، با زیربنای ۲۲۰۰ مترمربع، مشتمل بر فضاهای اداری، سالن سینما و تئاتر ، نگارخانه فضای آموزشی خانه هنرمندان و خانه مطبوعات و خبرنگاران، از سال ۸۸ آغاز شد و تاکنون بیش از ۲/۸ میلیارد ریال برای آن هزینه شده است و پیش‌بینی می‌شود برای تکمیل و بهره‌برداری کامل از آن نیاز به بیش از ۱۰ میلیارد ریال بودجه دیگر باشد.

اختصاص اعتبار برای اجرای طرح هادی روستاهای ایلام

ایلام – خبرنگار اطلاعات: ۱٤۰ میلیارد ریال برای اجرای طرح هادی روستاهای استان ایلام اختصاص یافت.

مدیرکل بنیاد مسکن استان ایلام گفت: این اعتبار از محل اعتبارات ملی و استانی برای اجرای طرح هادی ۱۰۰ روستا و مطالعه این طرح در ۵۷ روستای دیگر استان هزینه می‌شود.

فریادرس شهبازی اعلام کرد:در حال حاضر از ۳۹۰ روستای بالای ۲۰ خانوار استان ایلام، کار مطالعه طرح هادی ۳۰۹ روستا به پایان رسیده است. وی با اشاره به صدور سند مالکیت برای واحدهای مسکونی روستایی استان ایلام گفت:از مجموع ۳٤ هزار واحد مسکونی روستایی استان، سند مالکیت ۲۱ هزار واحد صادر شده است. شهبازی همچنین از تملک ۱۳۰۰ هکتار زمین برای واگذاری و ساخت خانه روستایی خبر داد و افزود: تاکنون ۷٦۰۰ قطعه زمین به روستائیان استان ایلام واگذار شده است. به گفته وی: پرداخت تسهیلات ۱۰۰ میلیون ریالی برای مقاوم سازی واحدهای مسکن روستایی در حال انجام است.



عملکرد سازمان ملل در جنگ تحمیلی

مرتضی شیرودی

بخش سوم

۳ـ رئیس شورای امنیت در سال ۱۹۸۳ م. / ۱۳۶۳ ش. طی صدور یک بیانیه جدید، درخواست آتش‌بس فوری، عقب‌نشینی نیروهای نظامی به مرزهای شناخته شده بین‌المللی و حل و فصل صلح‌آمیز جنگ را از طرفین به عمل آورد. این بیانیه مطلب جدیدی نسبت به قطعنامه‌ها و بیانیه‌های قبلی شورای امنیت نداشت. شورای امنیت، متأثر از عملیات‌های موفقیت‌آمیز نیروهای مسلح ایران،[23] برای صدور قطعنامه جدید ۲۴ در تاریخ ۳۲ اکتبر ۱۹۸۳ (۹ آبان ۱۳۶۲) جلسه شماره ۲۴۹۳ خود را تشکیل داد و قطعنامه ۵۴۰ را با ۱۲ رأی موافق و سه رأی ممتنع پاکستان، نیکاراگوئه و مالت از تصویب گذراند.[25] در این قطعنامه، مطابق شیوه قبلی شورای امنیت، بر قطعنامه‌ها و بیانیه‌های گذشته شورا تأکید گردید.

قطعنامه ۵۴۰ حاوی نکات جدیدی چون محکوم ساختن نقض حقوق انسانی و بشر دوستانه مغایر با کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ م. / ۱۳۲۸ ش. ژنو[26]، درخواست از ایران و عراق به رعایت احترام به حق و آزادی کشتیرانی و بازرگانی در آب‌های بین‌المللی و پرهیز از حمله به تأسیسات و بنادر دور از ساحل و خودداری از هرگونه اقدامی که صلح و امنیت دریایی منطقه به خطر می‌اندازد، بوده است.

۴ـ در پی تأیید هیأت اعزامی سازمان ملل به منطقه درگیری ایران و عراق، مبنی بر کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراق، دبیرکل، گزارش هیأت را به شورای امنیت تحویل می‌دهد و شورا ضمن صدور بیانیه‌ای در ۳۰ مارس ۱۹۸۴ (۱۰ فروردین ۱۳۶۳) بدون ذکر نام کشور عراق، کاربرد سلاح شیمیایی را برای اولین بار[27] در جنگ ایران و عراق قویا محکوم می‌سازد. شورای همکاری خلیج فارس در تاریخ ۲۱ مه ۱۹۸۴ (۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۳) نسبت به تجاوز و نقض حقوق و آزادی کشتیرانی از سوی ایران در حمله به کشتی‌ها در خلیج فارس، به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت کرد. بر این اساس، شورای امنیت ضمن تشکیل جلسات متعدد، نهایتاً در جلسه شماره ۲۵۴۶ مورخ ۱ ژوئیه ۱۹۸۴ (۱۱ خرداد ۱۳۶۳) با ۱۳ رأی موافق و ۲ رأی ممتنع، قطعنامه ۵۵۲ را تصویب کرد. در این قطعنامه با یادآوری تعهد کشورهای عضو در رعایت حسن همجواری، احترام به اهداف و اصول منشور ملل متحد، متوسل نشدن به زور علیه تمامیت ارضی و اهمیتی که خلیج فارس در صلح و امنیت بین‌المللی و ثبات اقتصاد جهانی ایفا می‌کند، از کشورهای درگیر خواست بر اساس حقوق بین‌الملل، حق کشتیرانی آزاد و تمامیت ارضی کشورهایی را که طرف مخاصمه و درگیری نیستند، محترم بشمارند.[28] علاوه بر آن، خواهان توقف فوری هرگونه حمله به کشتی‌ها شد و حمله به کشتی‌ها را هم محکوم کرد. در بند ۶ قطعنامه ذکر گردید که چنانچه مفاد این قطعنامه رعایت نگردد، شورا به بررسی اقدام‌های موثری که اجرای آزاد کشتیرانی را تضمین نماید خواهد پرداخت. شورا، بعد از صدور قطعنامه ۵۵۲ تا پایان سال ۱۹۸۴ م. / ۱۳۶۳ ش. به استثنای بیانیه ۱۹ ژوئن (۲۶ خرداد)، اقدام دیگری انجام نداد. در این بیانیه، شورای امنیت تصمیم دبیر کل مبنی بر اعزام دو هیأت به ایران و عراق، به منظور بررسی اتهام حمله به مناطق مسکونی را تأیید و تنفیذ کرد.[29]

۵ ـ شورای امنیت در سال ۱۹۸۵ م. / ۱۳۶۴ ش. قطعنامه‌ای را صادر نکرد و فقط اقدام به صدور ۳ بیانیه کرده است. در اولین بیانیه که در ۵ مارس (۱۴ اسفند) منتشر شد، از طرفین عراق و ایران خواست که از حمله به مناطق مسکونی دست بردارند و به توافقی که با دبیرکل در این زمینه انجام داده‌اند، احترام بگذارند. بار دیگر شورای امنیت در ۱۵ مارس (۲۴ اسفند) در دومین بیانیه خویش، خواستار اجرای توافق حمله نکردن به مناطق مسکونی و هم کوشش برای یافتن راه حل مسالمت‌آمیز در منازعه گردید. شورای امنیت، سومین بیانیه خود را در ۲۵ آوریل (۵ اردیبهشت) صادر کرد. در این تاریخ، نظر شورا بار دیگر متوجه به کارگیری سلاح شیمیایی در جنگ ایران و عراق شد. بر این اساس، با صدور بیانیه فوق، کاربرد سلاح شیمیایی علیه نیروهای ایرانی را بدون ذکر نام کشور عراق، قویا محکوم کرد. مهمترین علت صدور این بیانیه را با توجه به لحن محکمی که داشت، برای فشار غیر مستقیم به عراق به منظور پذیرش طرح هشت ماده‌ای دبیر کل دانسته‌اند.[30]

۶ ـ عملیات والفجر ۸ که در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ از سوی ایران انجام شد، منجر به ورود نیروهای ایرانی به فاو و قسمت‌هایی از منطقه فاو گردید و هم ارتباط دریایی عراق را قطع و قوای ایرانی به مرزهای کویت و شهر بصره عراق بسیار نزدیک شدند. متعاقب آن عراق و اتحادیه عرب[31] از شورای امنیت درخواست کردند ۳۲ که برای رسیدگی به موضوع جنگ تشکیل جلسه دهد. شورای امنیت در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ (۵ اسفند ۱۳۶۴) جلسه شماره ۲۶۶۶ خود را تشکیل داد و قطعنامه ۵۲۸ را به اتفاق آرا صادر کرد. از نکات جدیدی که در این قطعنامه به چشم می‌خورد، به موضوعاتی چون: تلاش ۶ ساله اش در مورد وضعیت ایران و عراق، یادآوری امضای پروتکل منع استفاده از گازهای خفه کننده، سمی یا سایر گازها و سلاح‌های میکروبی در جنگ،[33] تأکید بر اصل غیر قابل تصرف بودن اراضی از راه زور اشاره کرد. همچنین، شورای امنیت از اقدام‌های اولیه‌ای ۳۴ که سبب منازعه گردید و هم از شدت یافتن منازعه و بمباران مراکز مسکونی، کشتی‌ها و هواپیماهای غیرنظامی ابراز تأسف کرد و از طرفین خواست با قطع بی‌درنگ تمامی مخاصمات، آتش‌بس فوری را به مرحله اجرا گذارند و سپس به مبادله اسرا با همکاری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بپردازند. شورای امنیت در ادامه کوشش‌هایش در مورد جنگ ایران و عراق، در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۸۶ (۱ فروردین ۱۳۶۵) براساس گزارش متخصصان علوم پزشکی اعزامی از سوی سازمان ملل متحد، بیانیه‌ای صادر کرد که در آن، برای اولین بار با ذکر نام کشور عراق، کاربرد سلاح شیمیایی توسط آن کشور علیه نیروهای ایرانی محکوم شد. به علاوه، در این بیانیه، ادامه درگیری بین طرفین محکوم گردید. شورای امنیت در مورخ ۲۹ اوت ۱۹۸۶ (۷ شهریور ۱۳۶۵) ضمن صدور بیانیه‌ای دیگر، از افزایش احتمالی دامنه درگیری و گسترش حمله به کشتی‌های تجاری و مناطق غیرنظامی، ابراز نگرانی کرد و از تلاش‌های مداوم دبیرکل، به ویژه در زمینه عدم بکارگیری سلاح‌های شیمیایی و نیز از اعلام دو کشور ایران و عراق مبنی بر خودداری از حمله به مناطق مسکونی حمایت کرد.[35]

شورای امنیت به درخواست اتحادیه عرب که از اعلام ایران مبنی بر تصمیم به دست زدن به عملیات سرنوشت‌ساز بیمناک بودند از آغاز اکتبر ۱۹۸۶ (۸ مهر ۱۳۶۵) بحث خود را در مورد درگیری عراق و ایران شروع کرد. در جلسه سوم اکتبر (۱۱ مهر)، دبیر کل، طی سخنانی نگرانی عمیق جامعه جهانی را از روند ادامه و توسعه منازعه ابراز داشت. ۳۶ سرانجام، شورای امنیت در جلسه شماره ۲۷۱۳ خود به اتفاق آرا منجر به قطعنامه ۵۸۸ را در تاریخ ۸ اکتبر ۱۹۸۶ (۱۶ مهر ۱۳۶۵) صادر نمود. شورای امنیت در دو قطعنامه ۵۵۲ و ۵۸۲، به قطعنامه‌ها و بیانیه‌های گذشته خویش اشاره‌ای نمی‌کند، این روند در قطعنامه ۵۸۸ هم ادامه می‌یابد؛ با این تفاوت که در قطعنامه جدید، از دو کشور ایران و عراق خواسته شد که بدون درنگ، قطعنامه ۵۸۲ را به مرحله اجرا گذارند و از دبیرکل خواست با مشورت طرفین منازعه، بر شدت فعالیتهایش در اجرای قطعنامه ۵۸۲ بیفزاید. این قطعنامه به استثنای نکات مزبور، حاوی مطلب جدید دیگری نبوده است.[37] شورای امنیت، پس از دریافت گزارش جدید دبیر کل در مورد تازه‌ترین مواضع دولتین ایران و عراق نسبت به قطعنامه ۵۸۲ و ۵۸۸ و طرح هشت ماده ای[38] دبیرکل، تشکیل جلسه داد. در این جلسه که در ۲۲ دسامبر ۱۹۸۶ (۳۱ شهریور ۱۳۶۵) منعقد شد، منجر به صدور بیانیه‌ای گردید که در آن به تکرار موضوعاتی چون ابراز نگرانی عمیق از وضعیت وخیم موجود بین ایران و عراق، اظهار تأسف از نقض قوانین انسان دوستانه بین‌المللی، درخواست از طرفین به منظور اجرای قطعنامه‌های ۵۸۲ و ۵۸۸، تصمیم شورا به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف موجود، ادامه کوشش دبیرکل در حل منازعه و مانند آن می‌پردازد.[39] ایران در پاسخ به این بیانیه، همانند آنچه را که در مورد قطعنامه ۵۸۸ اعلام کرده بود، مجدداً اعلام کرد بخشی از قطعنامه ۵۸۲ و ۵۸۸ و بیانیه ۲۲ دسامبر ۱۹۸۶ (۳۱ شهریور ۱۳۶۵) که ناظر برخاتمه مخاصمات بدون تعیین متجاوز است را نمی‌پذیرد.[40]

۷ـ در پی اعلام دبیرکل، مبنی بر اینکه حاضر است نظراتش را در اختیار شورای امنیت بگذارد تا آن شورا بتواند به مبنایی که مورد قبول طرفین برای مذاکره باشد، دست یابد، شورا ضمن پاسخ مثبت به این درخواست، از فوریه ۱۹۸۷ (بهمن ۱۳۶۶) یک گروه کار مشترک و سازمان یافته، مرکب از اعضای دایمی شورا برای پایان بخشیدن به منازعه ایران و عراق تشکیل داد. متعاقب آن، در ۱۶ ژانویه، بیانیه‌ای از سوی شورا منتشر شد که حاکی از نگرانی شورا در توسعه خصومت موجود بود و نیز، از طرفین درخواست کرد که قطعنامه‌های ۵۸۲ و ۵۸۸ را به مرحله اجرا گذراند. در ضمن از تلاش‌های دبیرکل در فراهم آوردن رضایت طرفین به اجرای قطعنامه‌های مزبور، قدردانی کرد. در ۱۴ مه ۱۹۸۷ (۲۴ فروردین ۱۳۶۶) شورای امنیت در پی تأیید مجدد کاربرد سلاح شیمیایی عراق علیه ایران توسط گروه اعزامی دبیرکل، برای بار دیگر طولانی شدن درگیری و استفاده مکرر از سلاح شیمیایی را محکوم کرد، امّا در هر صورت، بر اثر تلاش گروه مزبور، پیش‌نویس یک قطعنامه جدید که حاوی نکات جدیدی بود، در تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۹۸۷ (۳۱ خرداد ۱۳۶۶) تهیه شد.

شورای امنیت، پس از مشورت‌های فراوان در مورد پیش‌نویس مذکور، سرانجام در جلسه شماره ۲۷۵۰ مورخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ (۲۹ تیر ۱۳۶۶) با تأکید بر مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد، ۴۱ مفصلترین، اجرایی‌ترین و آمرانه‌ترین قطعنامه خود در جنگ تحمیلی[42] را تحت عنوان قطعنامه ۵۹۸ به تصویب رساند.[43] در مقدمه این قطعنامه بر لزوم اجرای قطعنامه ۵۸۲ تأکید شد و از توجه نکردن به درخواست‌های گذشته‌اش از سوی ایران و عراق و آغاز، ادامه، گسترش و تشدید منازعه و بمباران مراکز مسکونی غیرنظامی، حملات به کشتی‌ها و هواپیماها، نقض قوانین بین‌المللی و کاربرد سلاح‌های شیمیایی ابراز تأسف کرد و ضرورت اتمام اقدام‌های نظامی بین طرفین و ایجاد یک راه‌حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه و پایدار گوشزد گردید و مفاد منشور ملل متحد در مورد حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی را یادآوری نمود. در بخش اجرایی قطعنامه،[44] شورای امنیت، خواستار عقب‌نشینی نیروهای دو طرف به مرزهای شناخته شده بین‌المللی و رعایت آتش‌بس همه جانبه به عنوان نخستین گام در جهت حل و فصل مناقشه گردید و از طرفین خواست، بدون تأخیر، پس از برقراری آتش‌بس نسبت به اجرای آزادسازی اسرا اقدام نمایند و با دبیرکل در تلاش به منظور اجرای قطعنامه و دستیابی به یک راه‌حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه و مورد قبول طرفین، همکاری می‌کنند. این قطعنامه از دبیرکل تقاضا کرد که پس از مشورت با طرفین، زمینه‌های حل و فصل مناقشه را فراهم آورد. قطعنامه مزبور سه تیم کارشناسی را برای امور ذیل پیش‌بینی کرد.

نظارت، بررسی و تأیید آتش‌بس و عقب‌نشینی،
تعیین شروع کننده جنگ و
مطالعه موضوع بازسازی.

موضع ایران در قبال قطعنامه ۵۹۸، نه رد و نه تأیید بود و این موضع گیری، تا پذیرش قطعنامه از سوی ایران ادامه یافت. علت چنین موضع گیری آن بود که این قطعنامه برخی از نظرات ایران را تأمین کرده بود. (مانند تعیین متجاوز) امّا در عین حال به عمده‌ترین خواست ایران؛ یعنی شناسایی متجاوز قبل از آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها توجهی نشد.[45] با این وصف، عراق[46] در ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۷ (۳۱ تیر ۱۳۶۶) یعنی دو روز بعد از تصویب قطعنامه شورای فرماندهی انقلاب و رهبری حزب بعث، قطعنامه ۵۹۸ را تصویب می‌کند. در ۲۳ ژوئیه (۱ مرداد) وزیر امور خارجه عراق موضع جدید دولتش را به دبیرکل اطلاع می‌دهد و در ۱۴ اوت (۲۳ مرداد) همان سال، عراق رسما قطعنامه ۵۹۸ را می‌پذیرد.[47] رئیس شورا، طی بیانیه‌ای که در ۱۱ دسامبر (۲۰ بهمن ۱۳۶۶) صادر کرد، قطعنامه ۵۹۸ را تنها راه‌حل وصول به حل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار منازعه ایران و عراق عنوان کرد و بدین وسیله راه را بر تغییر و جابجایی مواد قطعنامه ۵۹۸، بست.[48] همچنین در ۲۴ دسامبر ۱۹۸۷ (۳ اسفند ۱۳۶۶) به تعهد و پایبندی اعضای شورا به اجرای قطعنامه ۵۹۸ اشاره کرد.

۸ ـ شورای امنیت در سال ۱۹۸۸ / ۱۳۶۷ همچنان به اقدام‌هایش درباره جنگ ایران و عراق ادامه داد. بر این اساس، شورای امنیت در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ (۲۵ اسفند ۱۳۶۷) در بحث راجع به منازعه عراق و ایران، از تلاش‌های دبیرکل به منظور حل و فصل قطعنامه ۵۹۸ پشتیبانی نمود و در هشت آوریل (۱۹ فروردین) همین سال، مواضع ایران و عراق در خصوص قطعنامه را مورد بررسی قرار داد

. تأیید هیأت اعزامی دبیرکل، مبنی بر کاربرد سلاح شیمیایی در منازعه ایران و عراق و ارسال گزارش آن به شورا توسط دبیرکل در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۸۸ (۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۷) منجر به صدور قطعنامه ۶۱۲ در جلسه شماره ۲۸۱۲ مورخ ۹ مه ۱۹۸۸ (۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۷) به اتفاق آرا گردید.

در این قطعنامه، استفاده از سلاح‌های شیمیایی در منازعه ایران و عراق، مغایر پروتکل ۱۳۲۸/۱۹۴۹ دانسته شده و به شدت آن را محکوم کرد. به علاوه، خواهان رعایت این پروتکل شد و بر ضرورت رعایت آن تأکید ورزید و از کشورهای دیگر خواست به اعمال کنترل خود در صدور تولیدات شیمیایی که در ساخت سلاح‌های شیمیایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بیفزایند. شورای امنیت، سه روز قبل از پذیرش قطعنامه از سوی ایران، برای بررسی شکایت[49] ایران از آمریکا در مورد ساقط ساختن هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس، تشکیل جلسه داد و پس از بحث و بررسی و استماع سخنان نمایندگان ایران و آمریکا، سه روز پس از قبول و پذیرش قطعنامه از سوی ایران، با صدور قطعنامه ۶۱۶ فقط به اظهار اندوه و اعلام تسلیت به بازماندگان حادثه اکتفا می‌کند. جالب این که در آخرین بند قطعنامه، به لزوم اجرای کامل و فوری قطعنامه ۵۹۸ به عنوان تنها اساس و پایه برای رسیدن به صلحی پایدار و عادلانه تأکید می‌شود.

ب) دبیر کل و جنگ تحمیلی

دبیرکل در اولین ساعات شروع جنگ، فعالیتش را به منظور خاتمه بخشیدن به جنگ آغاز کرد. در واقع دبیر کل، نخستین مرجع بین‌المللی بود که نسبت به حمله عراق علیه ایران، واکنش نشان داد. با تعویض دبیرکل و انتخاب «خاویر پرز دوکوئیار»[50] در سال ۱۹۸۲ / ۱۳۶۱ به عنوان دبیرکل جدید، فعالیت‌های دبیرکل در رابطه با مسائل جنگ، روندی رو به افزایش گرفت. به طور کلی، عمده‌ترین فعالیت‌های دبیرکل را می‌توان تلاش در جلب نظر شورای امنیت به مسأله جنگ عراق با ایران، مشورت و دیدارهای مختلف با مقام‌های ایرانی و عراقی و اعضای شورای امنیت، اعزام هیأت‌های متعدد به ایران و عراق و ارسال گزارش‌های آن به شورای امنیت، ابتکار ۱۲ ژوئن ۱۹۸۴ (۲۰ خرداد ۱۳۶۳) در خصوص خودداری طرفین از حمله به مناطق مسکونی، ابتکار طرح هشت ماده‌ای در ماه مارس ۱۹۸۵ (فروردین ۱۳۶۴) و ارائه طرح اجرایی برای قطعنامه ۵۹۸ را نام برد. مجموعه اقدام‌های دبیرکل شامل زمینه‌هایی چون وادار کردن ایران و عراق به پرهیز از حمله به مناطق مسکونی، به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و بدرفتاری با اسرای جنگی (یا رعایت مقررات بین‌المللی) و کاهش آلام و مصایب جنگ و نهایتاً پایان دادن به جنگ بود.[51]

جزئیات مواضع و عملکرد دبیر کل سازمان

۱ـ دبیرکل، در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) با صدور اعلامیه‌ای به دولت ایران و عراق پیشنهاد کرد که به او اجازه دهند، مساعی‌اش را در حل مسالمت‌آمیز برخورد دو کشور انجام دهد، ولی از ناحیه هیچ کدام پاسخی دریافت نکرد. در ظهر همین روز، سخنگوی سازمان ملل متحد در مصاحبه مطبوعاتی، اعلامیه دبیرکل را به اطلاع عموم رساند. روز بعد، دبیرکل براساس ماده ۹۹ منشور ملل متحد[52] از شورای امنیت خواست با توجه به احتمال افزایش مخاصمه بین دو کشور، برای مذاکره پیرامون جنگ، تشکیل جلسه دهد. این جلسه در همان روز تشکیل و منجر به صدور اولین بیانیه شورای امنیت گردید.

در ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۰ (۲ مهر ۱۳۵۹) دبیرکل، دو نامه جداگانه ولی با مضمون مشترک برای رؤسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق فرستاد و خواستار خاتمه عملیات مسلحانه و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات شد، عراق در پاسخ به این نامه از پذیرش خاتمه عملیات نظامی خودداری کرد و اقدامش را دفاع از خود دانست. دبیرکل در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳ مهر ۱۳۵۹) به شورای امنیت اطلاع داد که به رغم کوشش‌هایی که به عمل آورده، منازعه ایران و عراق در زمین، هوا و دریا ادامه دارد و موجب خسارات مالی و جانی شده است و بر این اساس، از شورای امنیت خواست که مسأله را به فوریت رسیدگی نماید.

روز بعد، شورای امنیت تشکیل جلسه داد. دبیر کل، در آغاز جلسه شورای امنیت[53]، خلاصه اقداماتی را که درباره منازعه ایران و عراق انجام داده بود، به اطلاع شورای امنیت رساند و از شورا درخواست کرد که وظیفه خود را درمورد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به انجام رساند. سپس شورا تشکیل جلسه داد و قطعنامه ۴۷۹ را صادر کرد.

ادامه دارد

پاورقی‌ها:

۲۳ـ قطعنامه‌ها و بیانیه‌های شورای امنیت متأثر از شرایط موجود داخل و خارج از ایران بوده است. بر این اساس، از مهمترین عللی که موجب صدور اکثریت قطعنامه‌های شورای امنیت دانسته شده، عملیاتهای موفقیت‌آمیز نیروهای مسلح ایران بوده است. به عنوان مثال، قطعنامه ۵۱۴ و ۵۲۲ به ترتیب پس از عملیاتهای بیت‌المقدس و مسلم بن عقیل صادر شد.

۲۴ـ عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۰، صص ۹۵ ۹۴.

۲۵ـ از مجموع ۹ قطعنامه‌ای که شورای امنیت از بدو جنگ تا ۹ مهر ۱۹۸۸ (۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۷) صادر کرد، فقط دو قطعنامه ۵۴۰ و ۵۲۲ با اکثریت آرا و نه اتفاق آرا به تصویب رسید. لازم به ذکر است که در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۷، قطعنامه ۶۱۲ به وسیله شورای امنیت صادر شد که آخرین قطعنامه قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، محسوب می‌شود.

۲۶ـ کنوانسیونهای ۱۹۴۹ ژنو مربوط به رعایت حقوق اسرا، زخمی‌های نظامی و غیر نظامی و مانند آن است.

۲۷ـ عباس هدایتی خمینی، پیشین، ص ۱۸۲.

۲۸ـ همان، ص ۲۱۷.

۲۹ـ «ابتکارات دبیرکل سازمان ملل متحد در رویارویی با تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی در جنگ ایران و عراق». بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، تهران، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۳.

۳۰ـ هدایتی خمینی، پیشین، ص ۱۸۴.

۳۱ـ اتحادیه عرب، شامل تعداد زیادی از کشورهای عربی است که در سال ۱۹۴۵ برای ایجاد هماهنگی و همکاریهای مختلف بین اعضا به وجود آمد.

۳۲ـ حسن فتحی، تلاشهای صلح‌آمیز در ۸ سال دفاع مقدس، حماسه مقاومت، ستاد فرماندهی کل قوا، تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۱۶.

۳۳ـ این پروتکل در ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ (۲۷ خرداد ۱۳۰۴) به تصویب کشورها رسیده است.

۳۴ـ در پیش‌نویس این قطعنامه به جای اقدامات اولیه، تجاوز اولیه نوشته شده بود که در صورت تصویب، به معنای متجاوز شناخته شدن عراق بود. ایران علی رغم رد کردن این قطعنامه، آن را یک گام مثبت در جهت محکومیت به عنوان متجاوز و خاتمه یافتن عادلانه جنگ دانست.

۳۵ـ در این قطعنامه نیز همانند سایر قطعنامه‌ها و اکثر بیانیه‌ها با درخواست از دبیرکل مبنی بر ارائه گزارش در مورد مراحل اجرایی قطعنامه یا بیانیه و یا با ذکر عنوان شورا موضوع را زیر نظر دارد. موضوع جنگ را برای بررسیهای بعدی مفتوح نگاه می‌داشت.

۳۶ـ تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور حقوقی وزارت امورخارجه، تهران، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۷.

۳۷ـ شورای امنیت، قبل از قطعنامه ۵۸۸، بیانیه دیگری را در ۲۹ اوت ۱۹۸۶ (۷ شهریور) صادر می‌کند، که در آن با ابراز نگرانی از توسعه احتمالی درگیری و افزایش حمله بر کشتیهای تجاری و مناطق غیر نظامی بر تکرار مجدد اکثر موضوعاتی که قبلاً یادآوری کرده بود، می‌پردازد.

۳۸ـ در مورد این طرح، در بخش مربوط به اقدامات دبیرکل سخن خواهیم گفت.

۳۹ـ قطعنامه ۵۸۸، تکرار همان قطعنامه ۵۸۲ است. بنابراین اشاره به یکی و یا به هر دو، اشاره به یک مطلب واحد است.

۴۰ـ محمدجعفر محلاتی، «تحول در روند برخورد شورای امنیت با مسائل جنگ تحمیلی»، گزارش سمینار ۴، دی ماه ۱۳۶۶، ص ۳۵۰.

۴۱ـ برای اولین بار در طول هفت سال جنگ، شورای امنیت به ماده ۳۹ منشور ملل متحد که ناظر بر تشخیص وجود تهدید علیه صلح، بر هم خوردن صلح یا اقدام به تجاوز است، اشاره کرد و نیز، به ماده ۴۰ منشور که ناظر بر این موضوع است که برای وخیم نشدن وضعیت، شورای امنیت می‌تواند طبق ماده ۳۹ توصیه‌هایی را به طرفین بنماید، اشاره می‌کند.

۴۲ـ این قطعنامه به علت این که شورا در مقدمه قطعنامه تصمیم خود را به خاتمه عملیات نظامی بین ایران و عراق تاکید می‌کند و به دلیل اشاره قطعنامه به ماده ۳۹ و ۴۰، از جنبه توصیه‌ای خارج و حالت آمرانه به خود گرفت.

۴۳ـ هدایتی خمینی، پیشین، ص ۱۲۲.

۴۴ـ هر قطعنامه دارای ۲ قسمت مقدماتی و اجرایی است.

۴۵ـ همان، ص ۱۴۳.

۴۶ـ تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ص ۱۶۶.

۴۷ـ ایران خواهان تعیین متجاوز، قبل از اجرای سایر مواد قطعنامه بود، ولی عراق خواستار اجرای قطعنامه به همان صورت مصوب بود.

۴۸ـ محمدجواد لاریجانی، تحرک بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در مورد جنگ تحمیلی، گزارش سمینار ۴ (مهرماه ۱۳۶۶) ص ۶۸۱.

۴۹ـ دو روز بعد از حادثه ساقط شدن هواپیمای مسافری ایران توسط آمریکا، ایران برای اولین بار پس از انقلاب، از شورای امنیت تقاضای رسیدگی به یک موضوعی را می‌کند.

۵۰ـ «کورت والدهایم» تبعه اتریش از سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) به سمت دبیر کلی برگزیده شد و در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) جای خود را به «خاویر پرز دکوئیار» تبعه پرو داد. دکوئیار از سال ۱۹۴۰ (۱۳۲۹) در خدمت وزارت امور خارجه کشورش بود. وی از سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) نماینده کشورش در سازمان ملل متحد بوده است.

۵۱ـ تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ص ۱۷۰.

۵۲ـ این ماده می‌گوید: رئیس دبیرخانه (دبیرکل) می‌تواند در هر امری که به نظر او ممکن است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد، توجه شورای امنیت را جلب کند.

۵۳ـ دبیرکل می‌تواند در تمام جلسات مجمع عمومی و شورای امنیت شرکت نماید.





* نوشته: دکتر حسین علایی

نگاهی به جنگ تحمیلی و تجربیات آن ۱۴

در همین سال با انجام ترورهای گسترده ۷۲ تن از مسئولین مهم سه قوه از جمله آیت‌الله دکتر بهشتی را به قتل رساند و سپس دومین رئیس جمهور کشور و نخست وزیر را به شهادت رساند. همچنین این سازمان با ترور روحانیون ذی نفوذ در شهرهای مختلف کشور از جمله ائمهٔ جمعهٔ مرکز چهار استان مهم کشور؛ سعی کرد تا قدرت بسیج مردم را در برابر تجاوز ارتش عراق به حداقل برساند. در سال‌های اولیهٔ جنگ، این سازمان به کار جاسوسی برای عراق و نیز هواپیماربایی و بازجویی از اسرای ایرانی مشغول بود ولی در اثنای جنگ تصمیم گرفت تا از نیروهای خود به عنوان پیشمرگان صدام هم استفاده کند. حدود یک سال پس از استقرار رسمی سازمان منافقین در عراق، ارتش آزادیبخش ملی متشکل از نیروهای این سازمان با کمک ارتش عراق در ۲۹ خرداد سال ۱۳۶۶، تشکیل شد. با تشکیل این ارتش، راهبرد منافقین از کمک رسانی جاسوسی به ارتش عراق به راهبرد شرکت مستقیم در جبهه‌های جنگ تغییر کرد. دو هفته پس از تشکیل این ارتش، سرکردهٔ منافقین با صدام ملاقات نمود[35] و هماهنگی‌های لازم با رئیس جمهور عراق صورت گرفت. تشکیل این ارتش حکایت از برنامهٔ عراق برای تهاجم مجدد به خاک ایران می‌داد. این ارتش چند عملیات مهم در تهاجم به مواضع قوای ایران در مهران، فکه و سرپل ذهاب انجام داد. مهم‌ترین تهاجم منافقین، انجام عملیات فروغ جاویدان برای تصرف تهران بود که پس از پذیرش قطعنامهٔ ۵۹۸ از سوی ایران به مرحلهٔ اجرا درآمد و در نزدیکی‌های کرمانشاه در ۱۳۶۷/۵/۵ به شکست خفت بار انجامید و این سازمان حدود ۴۰ درصد از نیروهای خود را از دست داد و بسیار سرافکنده شد.

۶ ـ به دست گرفتن ابتکار عمل توسط ارتش عراق

در ماه‌های پایانی سال ۱۳۶۶، استقبال مردم از حضور در جبهه‌های جنگ، ضعیف شد. با توجه به آن که تنها نیروی آفندکننده کشور از سال ۱۳۶۳ به بعد، عملاً سپاه بود و سپاه هم برای انجام عملیات وابسته به نیروهای داوطلب بسیج بود، کاهش تمایل بسیجیان جهت پیوستن به جبهه‌ها، موجب شد تا قدرت تهاجمی کشور کاهش یابد.[36] در اوایل فروردین ماه سال ۱۳۶۷، با وجود پیروزی ایران در عملیات والفجر ۱۰، علاقه نیروهای داوطلب برای پیوستن به سایر رزمندگان، کاهش یافت. کاهش نیروهای داوطلب بسیجی باعث شد تا ایران بر سربازگیری تکیه بیشتری داشته باشد. اما سربازها حرارت و انگیزه جنگی بسیجیان را نداشتند. قبل از حمله ارتش عراق به منطقه فاو، با بسیج تمامی امکانات و انجام تبلیغات گسترده، تنها ۱۶ هزار نفر از مردم تحت عنوان گردان‌های قدس عازم جبهه‌های جنگ شدند که تنها ۳ هزار نفر آنها نیروی جدید بودند و بقیه داوطلبین، رزمندگان اعزام مجدد بودند. در همین حال امام خمینی (ره) در هر فرصتی مردم را تشویق به حضور در جبهه‌های جنگ می‌کردند. از جمله ایشان در پیامی در ۱۳۶۷/۱/۱۱ که خطاب به ملت ایران به مناسبت شروع بکار سومین دورهٔ مجلس شورای اسلامی صادر کردند مرقوم فرمودند: «ملت شهید پرور ایران بدانند این روزها، روز امتحان الهی است. روز پرخاش علیه کسانی است که با اسلام کینه دیرینه دارند، روز انتقام از کفر و نفاق است، روز فداکاری است، امروز روز عاشورای حسینی است، امروز ایران کربلا است، حسینیان آماده باشید. جَهزوا اَنفُسَکُمْ بالصَّلاح وَ السِلاحْ. نهراسید که نمی‌هراسید، کمربندهایتان را محکم کنید. ای آزادگان و احرار بپا خیزید. قدرت‌های بزرگ شرق و غرب می‌خواهند شما را در زیر چکمه‌ها و چنگال‌های کثیف و خونین خود، خُرد کنند که حتی آخ هم نگویید. امروز روز مقابله است چنان بر صدام و آمریکا و استکبار غرب سیلی زنید که برق آن استکبار شرق را کور کند. امروز روز درنگ نیست، امروز روز صیقل انسانیت انسان‌ها است. روز جنگ است، روز احقاق حق است و حق را باید گرفت و انتظار آن که جهان خواران ما را یاری کنند بی حاصل است. امروز روز حضور در حجله جهاد و شهادت و میدان نبرد است. روز نشاط عاشقان خدا است، روز جشن و سرور عارفان الهی است. امروز روز نغمه سرایی فرشتگان در ستایش انسان‌های مجاهد ماست. درنگ امروز، فردای اسارت باری را بدنبال دارد. امروز باید لباس محبت دنیا را از تن بیرون بکنیم و زره جهاد و مقاومت پوشید و در افق طلیعه فجر تا ظهور شمس به پیش رفت و ضامن بقای خون شهیدان بود[37].» درسال آخر جنگ، استعداد سپاه به ۱۲ لشکر و تعداد یگان‌های ارتش هم به همین حدود رسید، درحالی که استعداد ارتش عراق به نزدیک ۶۰ لشکر رسیده بود. لشکرهای ایران عمدتا پیاده و کم تجهیزات بودند ولی یگانهای عراق پر از تجهیزات بودند. ۶ لشکر عراق هم، زرهی و مکانیزه بودند. بنابراین هر بسیجی با یک سلاح انفرادی و با پشتیبانی یک گلوله توپ می‌بایستی درمقابل ۳ تن از نظامیان دشمن که دارای سنگر و پشتیبانی ۱۰ گلوله توپ و ۳ تانک است بجنگد.[38] برای عراق، مهمترین مسئله وجود نیروهای پر انگیزه تهاجمی سپاه بود که در این زمان آنها در خطوط پدافندی، نیروی آزاد خود را از دست داده بودند و استقبال کمی که از سوی بسیجیان داوطلب می‌شد موجب افزایش کسری سازمان واحدها گردیده بود. ارتش ایران در آن زمان فاقد توانایی و قدرت تهاجمی بود و بخش اعظمی از هواپیماهای جنگی ایران، به دلیل کمبود قطعات یدکی غیر عملیاتی بودند و کشتی‌های جنگی ایران در خلیج فارس نیز فاقد سامانه‌های موشکی عملیاتی و تجهیزات کامل الکترونیکی بودند. نیروی دریایی ارتش نیز فاقد توانایی بکارگیری مؤثر سامانه‌های موجود خود بود، به طوری که نتوانست تا آخر جنگ هیچگاه از موشک‌های هارپون موجود بر روی ناوهای خود و نیز از موشک‌های ساحل به دریا استفاده نماید. بنابراین در چنین شرایطی آمریکا در خلیج فارس با قدرت رزمی قابل ملاحظه‌ای از سوی ایران مواجه نبود. تنها نگرانی آمریکا، استقرار موشک‌های کرم ابریشم در تنگه هرمز، قایق‌های پر تحرک سپاه در دریا و وجود مین‌های شناور در آب‌های خلیج فارس بود. در همین حال مشکلات لجستیکی هم به عنوان یک مانع مهم برای تلاش‌های جنگی ایران بشمار می‌رفت. این مشکلات به خاطر تجهیزات و مهمات گوناگون که برخی غربی و بعضی شرقی بودند حادتر می‌شد. به هر حال ارتش عراق در ۱۳۶۷/۱/۲۹ تهاجم گسترده به فاو را انجام داد و آن را بازپس گرفت. ارتش عراق طی سه ماه حمله مداوم که از ۲۹ فروردین ماه ۱۳۶۷ آغاز گردید و بدون وقفه ادامه یافت، توانست قوای ایران را از اراضی عراق به عقب براند. «سلسله عملیات تهاجمی عراق» به همراه «استفادهٔ گسترده از سلاح‌های شیمیایی» و نیز «جنگ آمریکا با ایران» در خلیج فارس در حمایت از عراق و «کاهش شدید درآمد نفتی ایران» از مهم‌ترین عوامل وادار شدن ایران به پذیرش قطعنامهٔ ۵۹۸ در ۱۳۶۷/۴/۲۷ و پایان دادن به جنگ بود.

۷ ـ واکنش ایران و شکست مجدد عراق

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، آتش بس در جبهه‌های جنگ برقرار نشد و عراق جنگ را حدود یک ماه دیگر ادامه داد. قوای ارتش عراق از مرز در استان خوزستان عبور کردند و خود را در نزدیکی‌های اهواز به رودخانهٔ کارون رساندند و خرمشهر را هم محاصره کردند. در غرب کشور هم ارتش عراق خطوط دفاعی ایران را در قصرشیرین شکست و منافقین را در ۱۳۶۷/۵/۳ راهی تهران کرد. اما حضور انبوه مردم در جبهه‌ها و ایستادگی امام خمینی موجب شد تا ایران یک بار دیگر، ارتش عراق و منافقین را شکست دهد. امام خمینی در پیامی به سپاه فرمودند: یا خرمشهر یا سپاه و به این ترتیب، روندی آغاز شد که بر اساس آن جنگی همه جانبه در گرفت و ایران موفق شد تا ارتش عراق را وادار به عقب نشینی کرده و تلفات سنگینی به منافقین وارد آورد. در نهایت با پیروزی مجدد نظامی ایران بر عراق، جنگ هشت ساله به پایان رسید. به هر حال جنگ نه با طرح عراق و نه با برنامهٔ ایران پایان نیافت. عراق در آغاز جنگ به دنبال اشغال بخشی از سرزمین ایران برای وادار کردن جمهوری اسلامی به مذاکره و تحمیل نظراتش بر ایران بود. این سیاست عراق گرچه به اجرا درآمد و موجب اشغال بخش‌هایی از ۵ استان مرزی ایران شد ولی نتیجهٔ آن مطلوب عراق نبود و ایران توانست با تمرکز قوای خود بخش عمده‌ای از قوای متجاوز را از خاک خود بیرون نماید. ایران هم در ادامهٔ جنگ به دنبال تنبیه متجاوز و سرنگونی صدام حسین از قدرت با کمک مردم عراق بود. این سیاست هم در ادامه تبدیل به تصرف بخشی از سرزمین عراق شد تا ایران بتواند از موضع بالا جنگ را خاتمه دهد و به خواسته‌های خود برسد. اجرای این سیاست گرچه موجب چند عملیات موفق از جمله تصرف بخشی از رودخانهٔ اروند و عبور از فاو گردید ولی عراق تسلیم خواسته‌های ایران نشد و به افزایش قدرت خود پرداخت. با روشن شدن ظرفیت و توانایی ایران در انجام عملیات‌های نظامی موفق، آمریکا و شوروی با هم توافق کردند که اجازه ندهند عراق در جنگ شکست بخورد. آنها علیرغم نگرش‌های متفاوت و اختلاف و رقابت بر سر مسائل بین‌المللی، گرایش زیادی از خود به نفع عراق نشان دادند.

ادامه دارد

منابع:
۳۵. سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام، ص/۲۸۱
۳۶. اظهارات سردار رشید در بهداروند مهدی، ماوجنگ، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۸ص/۴۹
۳۷. صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی(ره)، جلد ۲۰، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸، جلد ۲۱، ص/۱۲
۳۸. اظهارات سردار رشید در بهداروند مهدی، ماوجنگ، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۸، ص / ۱۳٤

رژیم اردن در مواجهه با بهار عربی

تکاپو برای ایستادن مقابل توفان تغییر

*عبدالله دوم در این مقطع که چون جزیره‌ای در اقیانوس مواج آزادیخواهی ملت‌های منطقه و حمایت آنان از آرمان فلسطین و مقاومت گیرافتاده است ظاهراً راهی بهتر از گرداندن نوک تیز چاقوی انتقادات به سمت رژیم صهیونیستی نیافته است

■ بخش سوم و پایانی

اشاره:

رژیم پادشاهی اردن که در نخستین مواجهه با بهار عربی تصمیم داشت تن به برخی اصلاحات برای جلوگیری از سرنگونی بدهد، به سبب آگاهی مردم از نیات خود برای وقت‌کشی و نبود صداقت در حکومت به منظور اجرای اصلاحات واقعی، خیلی زود در برابر موج قیام ملی برای احقاق حقوق قرار گرفت. در این مقطع رژیم اردن در حال آزمایش ترفندهای مختلف برای خریدن زمان و به تعویق انداختن اصلاحاتی است که بی‌تردید به کاهش قدرت و اختیارات عبدالله دوم منجر می‌شود. در بخش پایانی مقاله به برخی راهکارهای رژیم اردن در این راستا، نگاهی می‌اندازیم.

***

در حالی که شکوفه‌های بهار عرب و بیداری انسانی روز به روز در کشورهای منطقه خودنمایی بیشتری می‌کنند، پادشاه اردن از احساس عطر این گل‌ها بی‌نصیب نمانده است. بنابراین روشن است که برای در امان ماندن از نسیمی که پایه‌های سلطنت او را به لرزه در آورده است، دست به هر اقدامی بزند.

رژیم صهیونیستی نیز اردن را به‌مثابه دروازه‌ای همیشه باز برای ارتباط با جهان اسلام و دیگر کشورهای عربی و پایگاهی برای مخفی نگه داشتن فعالیت‌های خزنده خود در این کشورها می‌دید. وجود بیش از ۶۰۰ کیلومتر مرز مشترک بین اردن و اراضی اشغالی، موضوع‌های مشترکی همچون حضور پناهندگان فلسطینی و واردات و صادرات کالا را نیز پیش می‌کشد.

به خطر افتادن حکومتی که پابه‌پای مذاکرات به اصطلاح صلح تا نیویورک آمد و کنار حسنی مبارک، رئیس جمهوری مخلوع مصر، میانجی این نمایش صوری شد، منافع رژیم صهیونیستی را نیز به خطر خواهد انداخت. مقام‌های این رژیم به خوبی آگاهند که تغییرات اخیر در مواضع اتخاذ شده از سوی حکومت اردن، با نیتی جز فرونشاندن آتش خشم ملت صورت نگرفته است. با این همه، تداوم این راه با توجه به سقوط حکومت‌های حامی صهیونیسم در تونس و مصر، انزوای بیش از پیش رژیم اشغالگر قدس را سبب خواهد شد. این امر با توجه به تحریم‌های اعلام شده از سوی گروه‌های سیاسی اردنی برای حضور در انتخابات شورای شهر وجهی جدی‌تر به خود گرفته است، چرا که اعتراض‌های این گروه‌ها حول خواست‌هایی فراتر از دموکراسی‌های نمادین همچون برگزاری انتخابات فرمایشی می‌چرخد. پایین آمدن مشارکت مردمی، همانگونه که در انتخابات اخیر کشورهایی همچون بحرین، امارات و عربستان دیده شد، نمادی از بی‌اعتمادی مردمی به حکومت‌های خود است.

لغو پیمان «وادی عربه» شاید فقط یکی از نتایج ادامه اعتراض‌های مردمی در اردن باشد اما با توجه به نقشه‌های پوچ صهیونیسم جهانی برای جایگزینی اردن به جای وطن فلسطینیان، رویارویی نظامی میان دو طرف دور از ذهن نیست.

شاید عبدالله دوم نیز در این مقطع که در جزیره‌ای میان اقیانوس مواج خواست ملت‌های منطقه برای دستیابی به آزادی و آرمان فلسطین از راه مقاومت گیر افتاده است، راهی بهتر از چرخاندن نوک تیز چاقوی انتقاد به سوی رژیم صهیونیستی و چنگ و دندان نشان دادن به این رژیم، نیابد.

*** یارگیری خارجی**

در چنین شرایطی است که دیدارهای هفته‌های اخیر پادشاه اردن در فاصله کوتاه باقی مانده تا اعلام نظر کمیته اصلاح قانون اساسی، نشان از عزم ملک‌عبدالله دوم در یارگیری‌های خارجی دارد.

هنگامی که ملک عبدالله دوم پادشاه اردن راهی بحرین شد، برخی این اقدام را در جهت تقلاهای شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه، امیر بحرین، برای محکم کردن پایه‌های لرزان حکومت خود در این کشور تفسیر کردند.

عضویت اردن در شورای همکاری خلیج فارس هم بهانه خوبی به ملک عبدالله دوم داد تا به قطر هم برود و با مقام‌های این کشور دیدار کند؛ امری که چند روز بعد نیز تکرار شد. امیر کویت نیز میزبان پادشاه اردن شد تا با توجه به سفر سعودالفیصل، وزیر امورخارجه عربستان، نظر مثبت آنان را درباره عضویت اردن در شورای همکاری خلیج فارس جمع کند. اما دیدار وی در همین روز با محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، جنبه‌های دیگری از روابط خارجی فعال شده اردن را به نمایش گذاشت. عبدالله دوم در این دیدار بر لزوم برپایی دولت مستقل فلسطینی در خاک خودش و به پایتختی قدس شریف تاکید کرد؛ امری که اکنون در دنیای اسلام و اعراب و حتی میان کشورهای جنوب، موضوعی مطرح است. اگر سفر عبدالله دوم به کشور روسیه و دیدار با رئیس جمهوری و نخست وزیر این کشور را نیز در کنار تلاش‌های منطقه‌ای او بگذاریم، بوی مقاصد دیگری را استشمام خواهیم کرد. به نظر می‌رسد پادشاه اردن در پی اوجگیری اعتراضهای مردمی در منطقه شاخ آفریقا و خاورمیانه، به فکر جمع کردن همپیمانان منطقه‌ای و بین‌المللی برای فرار از سرنوشتی مشابه زین‌العابدین بن علی و حسنی مبارک، رؤسای جمهوری مخلوع تونس و مصر است.

*** اعتراض‌های مردمی و وابستگی‌های خارجی**

گرچه بن علی با فرار خود از تونس، نخستین برگ سقوط دیکتاتورهای جهان عرب را به نام خود زد، اما تکرار این حادثه برای مبارک، ملت‌های آزادیخواه منطقه را بیش از پیش برای رسیدن به خواسته‌های خود تشویق کرد.

تظاهرات مردم اردن نیز که از دی‌ماه ۱۳۸۹ در اعتراض به وضع بد اقتصادی آغاز شده بود، فقط چند روز پس از سرنگونی مبارک چهره‌ای جدی‌تر به خود گرفت. با این حال، عبدالله دوم در رویکردی متفاوت، از برخوردهای گسترده با اجتماعات مردمی اجتناب کرد و در عوض، اعطای آزادی‌های بیشتر سیاسی و اعمال تغییراتی در ساختار حکومتی از جمله استعفای دولت و انتصاب «معروف البخیت» به عنوان نخست‌وزیر جدید را برای خاموش کردن آتش غضب مردم برگزید.



به این ترتیب، خواست مردم و برخی گروه‌های سیاسی اردن مبنی بر اصلاحات در رأس حاکمیت و استقرار نظام‌های دیگری از جمله پادشاهی مشروطه به جای پادشاهی مطلقه، کم‌کم جای خود را به تقاضاهای صنفی و اقتصادی، یا در شدیدترین حالت خود، درخواست انحلال مجلس، برکناری دولت و اصلاحات قانون اساسی داد.

«البخیت» برای انجام اصلاحات سیاسی تا پایان سال جاری میلادی مهلت خواست که البته با مخالفت گروه‌های داخلی روبرو شد و اسلامگرایان اردن فرصت یک ماهه را برای این منظور به دولت دادند. همزمان، موضعگیری‌های حکومت اردن علیه رژیم صهیونیستی بالا گرفت تا به این ترتیب، رضایت ۵۵ درصد جمعیت حدود ۷ میلیون نفری خود را به دست آورد که بر اساس اطلاعات مندرج در تارنمای دانشگاه آمریکایی کلمبیا، فلسطینی تبارهای پناهنده به اردن پس از جنگهای ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ اعراب و رژیم صهیونیستی هستند. این در حالی است که اردن و مصر دو کشور اسلامی هستند که رژیم اشغالگر قدس را به رسمیت می‌شناسند. از سوی دیگر، اردن و رژیم صهیونیستی موافقتنامه‌های متعددی را همچون موافقتنامه خودداری از تجاوز (بیانیه واشنگتن)، پیمان صلح «وادی عربه» امضا کرده‌اند.

جایگاه اردن در معاملات اقتصادی رژیم صهیونیستی نیز تا حدی است که تارنمای وزارت بازرگانی رژیم صهیونیستی اعلام کرده بود در سال گذشته میلادی، اردن رتبه نخست صادرات محصولات تولیدی این رژیم را بین کشورهای عربی داشت.

اردن، مصر، قطر، الجزایر، عربستان، عمان، بحرین و کویت به ترتیب بیشترین میزان واردات را از رژیم صهیونیستی داشتند. «گیورا آیالاند» رئیس مرکز پژوهش‌های امنیت داخلی رژیم صهیونیستی با انتشار گزارشی، از نگرانی تل‌آویو نسبت به آینده تحولات کشورهای بحرین و اردن خبر داد و افزود: در صورت پیروزی انقلاب بحرین و نیز با فرض خروج نیروهای آمریکایی از عراق، این مسأله می‌تواند تأثیر بسیار منفی بر اردن بگذارد و این تاثیر در کنار پیروزی انقلاب اردن، می‌تواند آینده رژیم صهیونیستی را به مخاطره بیندازد.

از سوی دیگر، اردن با آمریکا نیز روابطی نزدیک دارد، به طوری که برای آغاز دور جدید مذاکرات صلح بین فلسطین و رژیم صهیونیستی در سال جاری، پادشاه اردن به کاخ سفید رفت و در کنار رئیس جمهوری آمریکا، رئیس رژیم صهیونیستی، رئیس جمهوری مخلوع مصر و رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین ایستاد و عکس گرفت. پس از اجرایی شدن قرارداد تجارت آزاد بین اردن و آمریکا (اف. تی. آ) نیز میزان تجارت دوجانبه این دو کشور به ۱/۰۵ میلیارد دلار رسید.

بر اساس این قرارداد، باید به تدریج تمامی عوارض متعلق به کالا و خدمات دو کشور تا سال ۲۰۱۰ حذف می‌شد.

در آخرین مورد همکاری‌های اردن و آمریکا، «جعفر حسان» وزیر برنامه‌ریزی و همکاری‌های بین‌الملل اردن و «استیون بایکرافت» سفیر ایالات متحده در امان، چهار توافقنامه امضا کردند و به این ترتیب آمریکا ۱۰۰ میلیون دلار کمک بلاعوض به اردن اختصاص داد. سفیر آمریکا در امان پس از امضای این توافقنامه گفت: ایالات متحده همواره از اردن حمایت کرده و یکی از این راه‌های حمایتی، مساله اعطای کمک مالی است. از سوی دیگر، از اردن به عنوان گزینه‌ای احتمالی برای استقرار ناوگان پنجم دریایی آمریکا یاد می‌شود که اینک در بحرین مستقر است و آمریکایی‌ها قرارداد حضور خود را نیز برای دست‌کم یک سال دیگر تمدید کرده‌اند.

*** ابزاری برای کنترل خشم مردم**

پس از گذشت ۱۵ سال از نخستین زمانی که اردن درخواست خود را برای عضویت در شورای همکاری خلیج فارس داد، اینک و در زمانی که بسیاری از اعضای موثر این شورا با بحران‌های اجتماعی و اعتراض‌های مدنی روبرو هستند، باز این بحث در دستور کار آنان قرار گرفته است. شورای همکاری خلیج فارس چند ماه پیش با درخواست اردن برای پیوستن به این شورا موافقت کرد و از وزرای خارجه خود خواست تا برای پذیرفتن شروط عضویت، با امان وارد مذاکره شوند. این تصمیم با مخالفت‌های شخصیت‌های سیاسی اردن در گردهمایی ملی این کشور، جماعت اخوان‌المسلمین و جبهه امل اسلامی اردن روبرو شد و آن را در جهت کمک به سرکوب ملت‌های انقلابی منطقه و زمینه‌ساز کوچاندن ساکنان کرانه باختری به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس اعلام کردند.

تاکید گروه‌های سیاسی اردنی بر محکومیت اقداماتی از جمله اعزام بیش از ۲۰۰۰ نیروهای امنیتی اردن به بحرین بود که نهم مردادماه وارد منامه شدند.

البته اعتراف‌های رئیس پیشین شورای شهر منامه مبنی بر ورود شهروندان اردنی به بحرین برای اجرای سیاست تجنیس (اعطای تابعیت به خارجی‌ها) نیز قابل توجه است.

نکته مهم، حمایت‌های بی‌شائبه پادشاه بحرین از پیوستن اردن به شورای همکاری خلیج فارس است. شیخ حمد در دیدار اخیر خود با ملک عبدالله دوم تاکید کرد از این روند حمایت می‌کند.

گرچه قرار بود جلسه بررسی این امر پیش از این برگزار شود، اما تعویق آن، سبب بروز نگرانی‌هایی میان حامیان اضافه شدن اردن به جمع اعضای شورای همکاری خلیج فارس شد. با این حال، خبرگزاری رسمی اردن (پترا) به نقل از «ناصر جوده» وزیر امورخارجه این کشور، نوشت: نخستین نشست شورای همکاری خلیج فارس برای بررسی پیوستن اردن به شورای همکاری بلافاصله پس از عید فطر آغاز می‌شود.

البته یکی از دلایلی که بر نگرانی این کشورها دامن زد، درخواست «شیخ عبدالله‌بن راشد» وزیر امورخارجه امارات متحده عربی، برای تعویق این جلسه بود که خبر از یک دست نبودن اعضای این شورا درباره این امر می‌داد.

به هر روی، به نظر می‌رسد اردن همراهی با ملت خود و همچنین مردم بیگناه و آزادیخواه کشورهای عربی از جمله بحرین را فدای امتیازگیری از حاکمان مستبد منطقه کرده است.

کمک یک میلیارد دلاری عربستان سعودی به اردن را نیز می‌توان در همین جهت تحلیل کرد که هم دست‌خوشی باشد به ملک عبدالله دوم برای تصمیم‌های اخیر خود و هم پشتگرمی تلقی شود برای ادامه سیاست‌های حکومت اردن در داخل این کشور. از سوی دیگر، اردن را به بهانه عضویت در یک شورای منطقه‌ای، به عنوان نماینده‌ای رسمی از دنیای عرب کنار خود نگه دارد و او را در جنایات خود شریک کند. وعده‌های ملک عبدالله دوم به مردم که تاکنون جامه عمل به خود نگرفته و آتش اعتراض‌های جدیدی را برافروخته است، می‌رود تا شاید به پشتوانه پدرخوانده‌ای مانند عربستان، رنگ و بوی خشونت بگیرد.

پادشاه اردن در صورت بروز اجبار برای به کار بردن مشت آهنین، این اطمینان را دارد که عربستان سعودی را در کنار خود خواهد داشت؛ گرچه عربستان نیز برای لرزه‌های گاه و بیگاهی که بر پیکره نظام پادشاهی آن کشور وارد می‌شود، همکاری‌های نظامی و امنیتی کشوری مانند اردن را نیاز دارد.

یادداشت

موقعیت ویژه تهران و مخاطرات زلزله

*محمدباقر قالیباف



شهردار تهران در پیامی به مناسبت بیستم مهر روز کاهش اثرات بلایای طبیعی تاکید کرد: کلانشهر تهران با برخورداری از ویژگی‌های خاص از جمله بالا بودن جمعیت، تمرکز اکثر مراکز سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، موقعیت ویژه زمین شناسی و وجود گسل‌های فعال اصلی و فرعی، گستردگی بافت فرسوده و استهلاک شریان‌های حیاتی از جمله شهرهای حساس و در معرض مخاطرات ناشی از زلزله است که این امر وظیفه مدیران شهری و شهروندان را سنگین‌تر می کند.

به گزارش «تهران سما» متن کامل پیام شهردار تهران به مناسبت روز کاهش اثرات بلایای طبیعی به شرح زیر است:

امروزه در شرایطی که برای اولین بار در تاریخ حیات بشر، بیشترین جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می کنند، وقوع حوادث طبیعی به ویژه زلزله در شهرها به چالشی عمده در روند توسعه پایدار تبدیل شده است.

در طی سال‌های اخیر تقریبا هر روز شاهد اثرات مخرب سوانح در جهان هستیم. براساس تازه‌ترین آماری که در خرداد ماه سال جاری از سوی سازمان‌های بین المللی از جمله دفتر استراتژی بین‌المللی کاهش مخاطرات سوانح سازمان ملل UNISDR – و مرکز پژوهش های بیماری‌های واگیردار در سوانح CRED – منتشر شده است، تنها در سال گذشته طی ۳۸۵ سانحه طبیعی بالغ بر ۲۹۷ هزار نفر در سراسر جهان جان باختند که این آمار از میانگین سالانه وقوع سوانح در دهه اول قرن حاضر فراتر رفته است. بر همین اساس طی سال گذشته بیش از ۲۱۷ میلیون نفر در سراسر جهان تحت تاثیر این سوانح قرار گرفته‌اند و بالغ بر ۱۴۲ میلیارد دلار خسارت اقتصادی به بار آمده است.

حدود ۳۴/۸ درصد از سوانح گزارش شده در این بازه زمانی فقط در قاره آسیا رخ داده و در مجموع این آمار بیانگر آن است که قاره آسیا بیشترین میزان وقوع سوانح طبیعی و تعداد قربانیان را به خود اختصاص داده است.

در این میان کلانشهر تهران با برخورداری از ویژگی‌های خاص از جمله بالا بودن جمعیت، تمرکز اکثر مراکز سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موقعیت ویژه زمین‌شناسی و وجود گسل‌های فعال اصلی و فرعی، گستردگی بافت فرسوده و استهلاک شریان‌های حیاتی از جمله شهرهای حساس و در معرض مخاطرات ناشی از زلزله است که این امر وظیفه مدیران شهری و شهروندان را سنگین‌تر می کند.

شهرداری تهران به‌عنوان متولی پیشگیری و مدیریت بحران در شهر تهران در سال‌های اخیر با هدف دستیابی به شهری ایمن در برابر حوادث طبیعی اقدام‌های موثری را در دستور کار خود قرار داده که بخشی از این فعالیت‌ها و طرح‌های در دست اجرا عبارت است از: تحقق مدیریت واحد حادثه از طریق برپایی مرکز فرماندهی و ستاد مدیریت بحران، توسعه زیرساخت‌های مدیریت بحران در قالب ۲۲ ستاد مدیریت بحران در سطح مناطق بیست‌ودو گانه شهر تهران با مسئولیت مستقیم شهرداران مناطق، ساخت یک صد پایگاه پشتیبانی مدیریت بحران و تجهیز این مراکز به اقلام امداد ونجات، گسترش ستادهای مدیریت بحران در سطوح ناحیه و محله، افزایش دانش مورد نیاز مدیران شهری در سوانح، ایجاد مراکز اسکان اضطراری و تهیه نقشه تخلیه اضطراری محلات، انجام مانورهای سراسری و تخصصی مدیریت بحران و ارتقای کیفیت مقابله با سوانح در شهر تهران با جذب شهروندان داوطلب، آموزش، تجهیز و پایدارسازی آنان.

این فعالیت‌ها و دهها طرح و برنامه دیگر از جمله نوسازی بافت‌های فرسوده باید به صورت مستمر در دستور کار مدیریت شهری قرار گیرد تا موجب کاهش مخاطرات شهری شده و شهر مقاوم در برابر زلزله تحقق یابد.

در این حوزه سرمایه گذاری در امر پیشگیری از مخاطرات سوانح و ارتقای آمادگی در برابر سوانح، نه تنها موجب حفظ جان شهروندان در حوادث خواهد شد بلکه به صرفه جویی مالی خواهد انجامید. ایجاد فرهنگ پیشگیری کار ساده‌ای نیست چرا که هزینه پیشگیری در زمان حال پرداخته می‌شود اما منافع آن در آینده دور قابل دستیابی است.

از سوی دیگر شهروندان تهرانی می‌توانند با افزایش میزان مشارکت در برنامه‌های مدیریت شهری به‌طور کلی و مدیریت بحران شهر تهران حول محورهای پیشگیری، آمادگی و مقابله با بحران به‌طور خاص و با عضویت در گروه‌های داوطلب واکنش اضطراری محلات(دوام) به عنوان همکاران ستاد مدیریت بحران شهر تهران نقش بسیار ارزنده‌ای در خود امدادی و دگر امدادی در سوانح ایفا کنند.

به امید آن که بتوانیم با اتکال به خداوند متعال دست در دست هم آسیب‌پذیری شهر را کاهش و توان آمادگی در برابر سوانح را افزایش دهیم.

اخبار کوتاه اجتماعی

حضور بازنشستگان سپاه در حوزه‌های امنیتی و سیاسی

سرویس خبر ـ پاسداران وابسته و بازنشسته با برنامه‌ریزی دقیق همچون گذشته باید سازماندهی شوند و مسائل مهم و استراتژیک استان خود را در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و سیاسی بررسی، کنترل و مدیریت کنند تا از ارزش‌های انقلاب عدول نشود.

به گزارش روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سردار پاسدار جمال‌الدین آبرومند معاون هماهنگ کننده سپاه پاسداران با بیان مطلب بالا در همایش کانون بازنشستگان این نهاد، با اشاره به جانفشانی شهدا برای حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های اسلام و انقلاب افزود: ما امروز مدیون و بدهکار انقلاب، امام(ره)، رهبر معظم انقلاب و شهیدان هستیم.

وی افزود: بازنشستگان و وابستگان سپاه نگران حفظ آرمان‌های نظام هستند و دغدغه‌ای جز پاسداری از انقلاب ندارند.

بزرگترین نقاشی با موضوع پیشگیری از اعتیاد در پارک ملت

معاون اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۳ گفت: بزرگترین نقاشی دیواری با موضوع پیشگیری از اعتیاد به طول ۲۰۰ متر در پارک ملت ترسیم شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه۳، پیرهادی افزود: طولانی‌ترین نقاشی دیواری با موضوع اعتیاد توسط کودکان و شهروندان در پارک ملت نقش بست.وی ادامه داد: توزیع بروشور با مضامین جلوگیری از اعتیاد و برگزاری نمایشگاهی از تصاویر منتخب دو دوره گذشته از جمله برنامه‌های جانبی این برنامه بود.وی خاطرنشان کرد:اعتیاد، پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی آن از دیدگاه کودکان، نوجوانان و شهروندان از موضوعات مطرح دراین تصاویر بود.

معتادانی که خود را درمان نکنند، مجرمند

سرویس خبر، معتادان بر اساس آیین‌نامه ماده ۱۵ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر موظفند برای درمان اعتیاد به مراکز مجاز و کاهش آسیب مراجعه کنند و هر فردی که سوء مصرف مواد دارد و این قانون را نقض کند، مجرم است.

به گزارش روابط عمومی ستاد مبارزه با مواد مخدر، محمد نجار دبیرکل این ستاد با هشدار به معتادان افزود: بر اساس ماده ۱۵ اصلاحیه قانون مبارزه با موادمخدر، مراکز مجاز درمان باید گسترش یابند و به راحتی در دسترس بیماران باشند.وی گفت: باید شرایط مهیا شود تا بیماران به صورت داوطلبانه برای درمان خود، به این مراکز مراجعه کنند.محمدنجار به ماده ۱۶ اصلاحیه همان قانون اشاره کرد و افزود: به دنبال اجرای این ماده، در بیش از هشت نقطه کشور مراکز اقامتی اجباری درمان آماده شدند که چهارنقطه آن به صورت رسمی افتتاح و کار خود را آغاز کردند و بقیه این مراکز نیز به زودی افتتاح خواهند شد.محمدنجار با بیان این که ماده ۱۶ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر نیز یک تکلیفی را برای دستگاه‌های اجرایی تعیین کرده است، گفت: بر اساس این ماده، اگر معتادی به مراکز مجاز درمان مراجعه نکرد و مدارک مستندی بر درمان وی وجود نداشت و متجاهر به اعتیاد شناخته شد، دستگاه قضایی باید به مدت سه ماه وی را به مراکز دولتی و مجاز درمان و کاهش آسیب منتقل کند تا در آنجا نگهداری و درمان شود.

خطر بیماری وبا رفع شد

معاون امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی خبر داد: با توجه به رفع خطر بیماری وبا، از دیروز عرضه سبزی و سالاد در رستوران‌ها آغاز شد.

به گزارش ایسنا، دکتر احمدرضا فرسار در مراسم اهدای لوح دوستدار سلامت مشتری با اعلام این خبر تاکید کرد: استفاده نکردن از سبزی خام در رستوران‌ها در کنترل وبا بسیار کارگشا بود.

وی با اشاره به اهدای لوح به رستوران‌ها اظهار داشت: گرفتن لوح به این معنا نیست که رستوران‌ها صاحب لوح با خیالی آسوده به عرضه مواد غذایی بپردازند، بلکه نظارت بر این نوع رستوران‌ها بیشتر و دقیق‌تر می‌شود و اگر رستورانی تخلف کند، لوح از او گرفته خواهد شد.فرسار تاکید کرد: در آینده به سراغ حرفه‌ای دیگر مربوط به عرضه مواد غذایی می‌رویم، به این ترتیب در مرحله بعد نظارت بر روی قنادی‌ها و سپس نانوایی‌ها صورت می گیرد.

گشت‌های تست سلامت رانندگان از راه می‌رسد

سرویس خبر:« گشت‌های تست سلامت رانندگان تا یک ماه آینده در کشور راه اندازی می‌شود.»

سردار اسکندر مؤمنی رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی کشور با اعلام این خبر، اظهار داشت: با تجهیز خودروهای تست الکل و مواد مخدر، گشت‌های تست سلامت رانندگی تا ماه آینده راه‌اندازی می‌شود و دستگاه‌های تست الکل و مواد مخدر تائیدیه پزشکی قانونی را گرفته است. وی در ادامه با اعلام مرگ سالانه ۵۰۰۰ موتورسوار در کشور گفت: اگر موتورسواران دارای کلاه و تجهیزات ایمنی بودند، این آمار به ۱۰۰۰ نفر کاهش می‌یافت.سردار مؤمنی با اشاره به حادثه برای یکی از موتورسواران در مسابقه سرعت پلیس تصریح کرد: این موتورسوار که با سرعت ۱۴۰ کیلومتر در حال مسابقه بود به علت داشتن تجهیزات ایمنی سالم ماند.

مهندس چمران: آمبولانس‌های تهران برای نجات جان مصدومان جای پارک ندارند

سرویس سیاسی – اجتماعی: «شورای شهر در نظر دارد با ارسال نامه‌ای به راهنمایی و رانندگی برای جریمه نشدن آمبولانس‌های اورژانس اقدام کند، زیرا اکنون حتی این خودروها برای نجات جان مصدومان جای پارک ندارند و جریمه می‌شوند.»

به گزارش خبرنگار اطلاعات، این مطلب را مهندس مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران دیروز در جلسه علنی و پس از ارائه گزارش اورژانس تهران اعلام کرد.

او اظهار داشت : درحوزه امدادرسانی به مردم، اکنون سوله‌های مدیریت بحران هم وضع مناسبی ندارند و در دسترس نیستند؛ مدتی پیش که برای بازدید یکی از آنها رفته بودیم ، فقط دو ساعت منتظر باز شدن در سوله بودیم و احتمالاً اگر اتفاقی رخ دهد یا بحرانی پیش بیاید، باید در این مراکز شکسته شود، زیرا آن را می‌بندند و آماده استفاده در هر لحظه نیست.

رئیس شورای شهر همچنین به اظهارات رئیس سازمان نوسازی شهرداری تهران اشاره کرد و ادامه داد: شورا با این سازمان رفتاری کریمانه داشت، اما آنها سوء استفاده کردند. ما به دنبال علم کردن تخلف نبودیم، اما اکنون باید بگوییم که این سازمان تخلف کرده است و در صددیم برای مدیرآن تعیین تکلیف کنیم. به گفته چمران براساس قوانین ، ۱۸ شرکت زیر مجموعه سازمان نوسازی باید منحل شوند و در فهرست سیاه قرار بگیرند و اعضای شورا با بررسی دقیق گزارش کمیته تحقیق و تفحص، پیشنهادهایشان را برای ادامه فعالیت این سازمان به صورت کتبی به شهردار اعلام کنند. حمزه شکیب، رئیس کمیسیون عمران و توسعه شهری هم در این زمینه گفت: در روند تحقیق و تفحص، مسائلی دال بر ضرر و زیان‌های کلان در این سازمان مشخص شد.به گفته این عضو شورا در بررسی اولیه، ضرر ۳۲۰ میلیارد تومانی این سازمان مشخص شده و لازم است گزارش تحقیق و تفحص یک بار دیگر در صحن علنی شورا بررسی شود و نتیجه تخلف‌ها به آگاهی شهروندان تهرانی برسد.

مشارکت شهرداری و اورژانس

در جلسه چهارصد و یازدهم ، رضا دهقان‌پور مدیر مرکز اورژانس تهران گزارش از فعالیت‌های این نهاد ارائه و مشکلات اجرای مصوبه آیین‌نامه چگونگی مشارکت شهرداری تهران در ساماندهی خدمات فوریت‌های پزشکی در شهر را تشریح کرد.او گفت: سنگینی ترافیک، نوع بافت شهری و دسترسی ها، نوع رانندگی ماموران اورژانس و آدرس دادن نامناسب شهروندان از دلایل دیر رسیدن ماموران بر بالین مصدومان است و از سوی دیگر، بسیاری از گزارش‌ها به اورژانس ، جنبه اورژانسی ندارد که با اعزام نیرو به صحنه آن موارد، از اعزام‌های مهم و حیاتی باز می‌مانیم.

دهقان‌پور همچنین اظهار داشت: پراکندگی بیمارستان‌ها به صورت غیر استاندارد از دیگر مشکلات اعزام بیماران و مصدومان به مراکز درمانی است که این موضوع در شرق تهران بیشتر به چشم می‌خورد.مدیرمرکز اورژانس تهران تاکید کرد: فوت مصدومان در آمبولانس‌ها به دلیل شدت جراحات است نه کمبود تجهیزات ، زیرا اکنون بیشتر آمبولانس‌های کشور تجهیزات و امکانات پیشرفته دارند و جا دارد در این زمینه از وزیر بهداشت تشکر کنیم.

در ادامه جلسه دیروز، معصومه ابتکار رئیس کمیته محیط زیست در بررسی لایحه ساماندهی صنایع، صنوف و مشاغل شهر تهران بر ضرورت خروج صنایع آلاینده از شعاع ۱۲۰ کیلومتری پایتخت تاکید کرد و افزود: در این قالب ، صنایع به سه گروه سبز، زرد و قرمز تقسیم شده‌اندو صنایع قرمز برای محیط زیست خطر بسیاری به همراه دارند که نباید در محدوده تهران به فعالیت خود ادامه دهند.

استمداد از قوای سه گانه برای پیشگیری از وقوع جرم

بقیه از صفحه اول

وقوع جرم را ضروری خواند و افزود: ظرفیت‌های پیشگیری از وقوع جرم بسیار زیاد است اما تاکنون به درستی احصا نشده و تلاش دستگاه قضایی، شناسایی ظرفیت‌های موجود و فراهم کردن بسترهای تعامل در این موضوع است.

رئیس قوه قضائیه فریضه امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان پایگاهی دینی و مورد تاکید قرآن، سنت و همه فقها و یکی از مهمترین عناصر دینی دانست که توجه به آن به بحث پیشگیری از وقوع جرم کمک بسیاری خواهد کرد.

آیت‌الله لاریجانی توجه جدی به مشارکت روحانیون و حوزه‌های علمیه را زمینه مناسب دیگری در همگانی کردن موضوع پیشگیری از وقوع جرم توصیف کرد.

وی با تأکید بر این که تشکیل معاونت پیشگیری از وقوع جرم کاری تشریفاتی نیست، افزود: قوه‌قضائیه و همچنین همه دلسوزان نظام به این نتیجه رسیده‌اند که بحث پیشگیری از وقوع جرم باید با جدیت پیگیری شود.

رئیس قوه قضائیه به وجود نزدیک به ۱۳ میلیون پرونده در دستگاه قضایی اشاره کرد و با تأکید بر اینکه این تعداد پرونده نشانگر وقوع ۱۳ میلیون حادثه و جرم در کشور نیست، گفت: حدود سه تا چهار میلیون شکایت یا دعوای حقوقی در کشور رخ می دهد که نشانگر وجود آسیب‌های مختلف است و ضروری است با توجه جدی به پیشگیری از وقوع جرم نسبت به کاهش جرایم اقدام کرد.

آیت الله صادق لاریجانی پیشگیری از وقوع جرم را بحثی بسیار پیچیده و دارای زمینه‌ها و بسترهای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دانست و اظهار داشت: پیشگیری از وقوع جرم معلولی است که علل مختلفی در آن دخالت دارد و برای همه روشن است که مساله‌ای نیست که قوه قضائیه به تنهایی از عهده آن برآید، بلکه در خارج از قوه قضائیه نیز باید برای آن چاره‌جویی شود.

سیل، مجلس تایلند را به تعطیلی کشاند



تایلند: به دلیل جاری شدن سیل در تایلند، جلسات مجلس این کشور در این هفته و نشست مشترک مجلس سنا و مجلس نمایندگان که قرار بود هفته آینده برگزار شود، تعطیل اعلام شد.

چاروئن جانکومول معاون اول رئیس مجلس تایلند: تعطیلی این جلسات به اعضای مجلس این فرصت را می‌دهد که با بازگشت به استان‌های خود به مردم سیلزده کمک کنند.

وی افزود: برخی از نمایندگان مجلس این کشور نیز به دلیل سیل‌های روزهای اخیر در استان‌های خود گرفتار شده‌اند و نتوانسته‌اند به بانکوک بازگردند. بارش‌های شدید و جاری شدن سیل در تایلند از ۲ ماه پیش آغاز شده و در روزهای جاری به بحرانی‌ترین شرایط خود رسیده است

بر اثر این بحران ۲۶۹ نفر جان خود را از دست داده و بخش‌های کشاورزی و کارخانجات این کشور با آسیب‌های اقتصادی زیادی روبرو شده‌اند.

ساخت تونل ۶/۲ کیلومتری برای انتقال کابل‌های برق بزرگراه صدر



سرویس سیاسی ـ اجتماعی: تونل ۶/۲ کیلومتری حدفاصل قیطریه تا ازگل برای انتقال کابل‌های برق فشار قوی بزرگراه شهید صدر ساخته شد.

به گزارش خبرنگار ما، به همت معاونت فنی وعمرانی شهرداری تهران دیروز خبرنگاران از این تونل بازدید کردند و در جریان چگونگی انتقال کابل‌های برق فشار قوی بزرگراه شهید صدر به این تونل و جمع‌آوری حدود ۷۲ دکل موجود در این مسیر که در آینده انجام می‌شود، قرار گرفتند.

در اجرای طرح بزرگراه طبقاتی شهید صدر از تقاطع بزرگراه مدرس تا بزرگراه امام علی(ع) یکی از موانع جدی بر سر اجرای این طرح، وجود تأسیسات شهری و ۷۷ دکل برق فشار قوی است که معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران در یک اقدام سریع و همه جانبه تصمیم به جابه‌جایی خطوط کابل‌های فشارقوی گرفت و توانست در مدت کمتر از شش ماه، یک رشته تونل به طول ۶/۲ کیلومتر حدفاصل پست قیطریه تا ازگل را احداث کند تا نسبت به انتقال کابل‌های فوق از بزرگراه شهید صدر اقدام کند که در این راستا مطالعات و طراحی مربوطه به سرعت انجام شد و به موازات آن عملیات اجرایی تونل در مسیر خیابان‌های شهید اندرزگو، شهید لواسانی و بلوار ارتش آغاز شد. مسئولان ساخت این تونل، کاهش اثرات زیانبار زیست‌محیطی ناشی از جریان‌های قوی الکترومغناطیسی، اصلاح وضعیت موجود و بهبود شرایط بصری مسیر بزرگراه شهید صدر، ارتقای صنعت ساخت برخی از قطعات جانبی برای کابل کشی و امکان استفاده از تونل اجرا شده برای عبور سایر تأسیسات شهری از قبیل فیبر نوری و شبکه مخابراتی را از دستاوردهای جانبی این طرح اعلام کردند.

یکی از مجریان این پروژه، ساخت تونل تأسیسات در مدت کمتر از شش ماه را در نوع خود بی‌نظیر دانست و گفت: این تونل در پنج قطعه طبق زمانبندی انجام شد که قطعه اول از پست قیطریه تا تقاطع بلوار اندرزگو و قطعه دوم از ضلع جنوبی تقاطع بلوار اندرزگو تا تقاطع باند جنوبی خیابان شهید لواسانی، قطعه سوم از تقاطع باند جنوبی بلوار شهید لواسانی تا تقاطع بلوار شهید سیاری، قطعه چهارم از تقاطع خیابان دوم آجودانیه با بلوار شهید سیاری تا ازگل و قطعه پنجم از ازگل تا پست برق موجود در این نقطه است.

این مدیر پروژه افزود: با ساخت این تونل و انتقال کابل‌های برق فشار قوی به داخل آن و دیگر تأسیسات شهری در امتداد مسیر بزرگراه صدر، دکل‌های موجود برق برداشته می‌شود وعملیات دوطبقه کردن بزرگراه صدر از جمله نصب پایه‌های طبقه دوم آغاز خواهد شد.وی افزود: با ساخت و بهره‌برداری از بزرگراه دوطبقه صدر، ۴۰ درصد ترافیک بزرگراه به طبقه دوم منتقل و پیش‌بینی می‌شود که از بار ترافیکی طبقه اول کاسته شود.

اخبار کوتاه حوادث

افزایش واژگونی خودروهای سواری در بزرگراه‌های تهران



سرویس حوادث: سازمان آتش نشانی از واژگونی سه دستگاه خودرو سواری در بزرگراه‌های تهران خبر داد.

یک خودرو سواری پس از انحراف درمسیر شرق به غرب بزرگراه حکیم بعد از پل باکری در داخل پیاده رو کنار بزرگراه واژگون شد.

علیرضا جوقینی فرمانده آتش نشانان ایستگاه ۲۷ گفت: این خودرو سواری هنگام پس از انحراف از مسیر در برخورد با خودرو سواری دیگر و جدول کنار بزرگراه، در پیاده رو واژگون شد. درحادثه دیگری برخورد همزمان سه دستگاه خودرو سواری به واژگونی یکی از خودروها در فضای سبز وسط بلوار سیمون بولیوار منجر شد.ناصر شاه محمدی فرمانده آتش نشانان ایستگاه ۹۴ گفت: رخداد این حادثه سبب انحراف یکی از خودروها و واژگونی آن در وسط بلوار شده بود.واژگونی خودرو سواری در بزرگراه نیز منجر به آسیب دیدگی راننده و بر جا ماندن خسارت مالی شد.این حادثه نرسیده به پل شهید بابایی رخ داد. به گفته محسن عسگریان، فرمانده آتش نشانان ایستگاه ۶۱، خودرو سواری پس از برخورد با نرده‌های محافظ کنار بزرگراه واژگون شده بود و آتش نشانان راننده آن را که از ناحیه دست آسیب دیده بود به خودرو اورژانس منتقل کردند.

انهدام ۴۵ کارگاه تولید ماده مخدر شیشه در کشور

سرویس خبر: رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی از انهدام ۴۵ کارگاه تولید و توزیع شیشه در کشور در نیمه نخست امسال و افزایش ۱۴۰ درصدی کشف این نوع ماده مخدر در کشور خبر داد.

سردار علی مؤیدی دیروز در حاشیه حضور در مرکز نظارت همگانی نیروی انتظامی (۱۹۷) با ارائه آمار نیمه نخست امسال از عملکرد پلیس مبارزه با موادمخدر، گفت: در این مدت ۲۵۰ تن انواع موادمخدر کشف و ضبط شد که این کشفیات در مقایسه با مدت مشابه آن در سال قبل ۸ درصد افزایش پیدا کرده است.

وی با بیان این که میزان کشف موادمخدر از نوع شیشه در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۱۴۰ درصد افزایش یافته است، گفت: امسال ۴۵ کارگاه تولید و توزیع ماده مخدر شیشه در کشور شناسایی و منهدم شده است که این تعداد کارگاه، تأمین‌کننده شبکه‌های متلاشی شده بوده‌اند. سردار مؤیدی افزود: امسال ۱۰۹۰ شبکه ترانزیتی موادمخدر در کشور متلاشی شده است که این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل دو درصد افزایش داشته است. وی گفت: پلیس مبارزه با موادمخدر یکی از اولویت‌های خود را مبارزه با تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان مواد روانگردان قرار داده است و به جد و با قاطعیت با آنان برخورد خواهد کرد. رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر در ادامه این نشست با رد برخی آمارهای منتشر شده مبنی بر معتاد بودن ۸۰ درصد از جامعه دانشجویان کشور گفت: فرمانده نیروی انتظامی نیز پیش از این آمارهای ارائه شده از سوی برخی سایت‌ها مبنی بر مصرف موادمخدر از سوی ۸۰ درصد دانشجویان کشور را رد کرد و باید گفت گزارش این سایت‌ها توهینی به جامعه دانشجویان و این آمارها کذب است. وی تأکید کرد: پلیس به نمایندگی از مردم پیگیر نحوه ارائه این آمار است و افرادی که این آمارها را ارائه می‌دهند، باید پاسخگو باشند.

توهم شیشه ای، جنایتی دیگر آفرید

سرویس حوادث: جوان معتادی که در پی توهم آزارو اذیت از جانب دوستش، او رابه قتل رسانده بود، به دلیل اظهارات مبهم درباره انگیزه قتلش، برای تائید سلامت روانی به پزشکی قانونی اعزام شد.

این متهم به قتل به نام ایوب ۱۸ مهر دریک گاراژ تعمیرات خودرو درخیابان خاوران پس ازکشتن دوستش به نام «خیرالله» درحالی که همچنان باآلت قتل شاهدان را تهدید می‌کرد، توسط ماموران کلانتری ۱۵۷ مسعودیه بازداشت شد.

به دستور قاضی روشن، بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران، پرونده این قتل به اداره دهم پلیس آگاهی تهران ارسال شد و ایوب دربازجویی به کارآگاهان گفت: من حدود چند سالی است که برای مصرف مواد به گاراژ محل کار خیرالله رفت و آمد می‌کنم و به همراه او و چند تن دیگر از کارگران که شب‌ها در گاراژ می‌خوابیدند، شیشه مصرف می‌کردیم، اما به دلیل اختلاف و درگیری‌هایی که با خیرالله پیدا کردم، تصمیم گرفتم او را بکشم و برای همین پس از مصرف شیشه در خانه، چاقویی را در زیر لباسم پنهان کردم و به گاراژ آمدم و به محض دیدن خیرالله با او درگیر شدم.

کارآگاهان درجریان تحقیق از شاهدان حادثه متوجه شدند که ایوب بارها در صحبت‌های خود به آنها گفته که خیرالله یک جادوگر است و او را اذیت می‌کند، ولی خیرالله ادعای او را بی اساس خوانده بود.

با تکراراین ادعا از سوی متهم به قتل دربازجویی‌ها وباصدور قرار قانونی، قرار است متهم برای تایید سلامت روحی و روانی اش تحت آزمایشات پزشکی قانونی قراربگیرد.

کشف تخلف ۱۴۰ میلیون تومانی در فضای سایبری

شیراز: تخلف یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریالیِ جوان شیرازی در فضای سایبری کشف شد.

رئیس پلیس فتای استان فارس گفت: این فرد بیست‌وسه ساله با استفاده از نرم‌افزارهای فارکس با یک شرکت خارجی فعال در بورس قراردادی تنظیم و با جذب زیرشاخه‌هایی در سراسر کشور و شهر شیراز اقدام به معامله می‌کرد. سرهنگ موسی حسینی افزود: او پس از مدتی با شرکت خارجی مورد نظر ارتباط خود را قطع و اقدام به جذب زیرشاخه‌های خود در استان فارس به ویژه شیراز کرد. وی گفت: پس از انجام تحقیقات پلیس در فضای سایبری این متخلف شناسایی و دستگیر شد.

مادرافسرده کودکش را کشت!

سرویس حوادث: زنی که پس از زایمان، دچار افسردگی شده بود، نوزاد ۱۶روزه‌اش را کشت.

دکتر مهری رئیس اورژانس مشهد با اشاره به این که این زن هم اکنون با حکم قاضی در اختیار پلیس است گفت:صبح ۱۷مهر،ماموران اورژانس از طریق تماس فردی در جریان وقوع این حادثه در مشهد قرار گرفتند و با حضور در محل نوزادی به نام متین راکه از ناحیه سینه‌اش دچارخونریزی شده بود، به بیمارستان منتقل کردند.مهری افزود: بنا به گفته مادربزرگ متین، مادر این نوزاد ۱۶ روزه که از افسردگی پس از زایمان رنج می‌برد، با یک چاقو به او ضربه زده بود. وی گفت:این کودک به علت شدت جراحات وارده جان خود را از دست داد .به گفته مهری، مادر این نوزاد نیز که پس از انجام این قتل اقدام به خودزنی کرده بود، بنا بر حکم مقام قضایی در اختیار ماموران پلیس قرار گرفت.

خط ارتباطی اطلاعات با مردم

۲۲۲۲۶۰۹۰

۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
* موضوعات پیامها جنبه خصوصی، حقوقی و قضایی نداشته باشد.
* از تکرار یک پیام روی پیامگیر اکیداً خودداری بفرمایید.
* پیامها مختصر و مفید، شمرده و دقیق باشد.
* چاپ پیامها بر اساس نوبت است

باتشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

فشار آب در منطقه گلستان کم است

لوله‌کشی انشعاب آب در منطقه گلستان اهواز قدیمی است و پاسخگوی نیاز اهالی نیست. در مورد لزوم افزایش فشار آب هم که با مسئولان ذی‌ربط تماس می گیریم، به مشکل رسیدگی نمی کنند.

اهواز ـ خانم شهروند

اشتباه در مبالغ قبوض عوارض نوسازی

در قبوض عوارض نوسازی و پسماند که امسال برای شهروندان ارسال شده است، اشتباهات زیادی دیده می‌شود. زیرا با این که قبوض پارسال پرداخت و تصفیه شده، در مواردی این موضوع در قبوض جدید مورد توجه قرار نگرفته و موجب اتلاف وقت شهروندان در شهرداری‌های مناطق شده است.

خانم شهروند تهرانی

٤ ماه انتظار برای تغییر کاربری کارت‌سوخت

٤ ماه پیش برای تغییر کاربری کارت سوخت خودرو در همدان اقدام کردم، اما هنوز صادر نشده است و مسئولان ذی‌ربط در راهنمایی و رانندگی و شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی همدان هم در این مورد پاسخ روشن نمی‌دهند.

همدان ـ متقاضی تغییر کاربری کارت سوخت

اعلام کالابرگ روغن نباتی

از ستاد بسیج اقتصادی تقاضا می‌شود لطف فرماید و کالابرگ روغن نباتی را اعلام کند.

متقاضی روغن نباتی سهمیه‌ای

بهتر است پارک خانوادگی باشد تا زنانه

در روزنامه‌ها خواندم که پارک نرگس ویژه بانوان تهرانی در زمینی به مساحت ٤٠ هکتار افتتاح شده است که بهتر است این پارک به جای آن‌که زنانه باشد، خانوادگی مورد استفاده قرار گیرد تا به عنوان محلی برای استقرار دختران فراری نشود.

دزفول ـ مددکار اجتماعی

قدردانی از پروفسور سمیعی

حضور فعال پروفسور سمیعی رئیس انجمن جهانی جراحان مغز و اعصاب در سمپوزیوم بیماری‌های مغز و اعصاب که در تهران تشکیل می‌شود، و این‌که این دانشمند ایرانی دانش خود را در اختیار پزشکان هموطن می گذارد، اقدامی پرارزش است که باید قدرشناخته شود.

سیداحمد حسینی

مگر مردم سوریه مسلمان نیستند؟

مگر مردم سوریه مسلمان نیستند که صدا و سیما از پخش تصاویری از تظاهرات آنان را پخش نمی‌کند، اما هر شب به پخش تصاویر تظاهرات مردم سایر کشورها نظیر بحرین و یمن و مصر می‌پردازد و از آنان به عنوان مسلمانان بپاخاسته و از حرکاتشان تحت عنوان بیداری اسلامی یاد می‌کند؟

آستارا ـ بیننده تلویزیون

وام یک میلیون تومانی مشکلی را حل نمی کند

دفتر ریاست جمهوری به جای رسیدگی دقیق و حل منطقی مشکلات کسانی که به این نهاد نامه می‌نویسند، اغلب آنان را برای دریافت وام یک میلیون تومانی به بانک‌ها ارجاع می‌دهد، که مشکلی را حل نمی‌کند.

آمل ـ رضایی

تقاضای احداث تقاطع غیرهم‌سطح

تقاضا می‌شود شهرداری در بزرگراه بعثت، تقاطع خیابان شهید رجایی و میدان کشتارگاه تقاطع غیرهم‌سطح احداث کند، تا از ترافیک سنگین این محل کاسته شود.

از ساکنان محل

اولویت عمره با سالمندان باشد

از سازمان حج و زیارت تقاضا می‌شود برای اعزام به عمره مفرده سالمندان، اولویت قایل شود. زیرا هرچند عمر انسان با خدا است، اما باید کاری کرد که متقاضیان سالمند تا عمرشان در این جهان باقی است، بتوانند به زیارت خانه خدا نایل شوند.

داوود عضوی و چند تلفن دیگر

تشکر از زحمات کارکنان شهرداری

از مسئولان و کارکنان ناحیه یک منطقه ١٤ شهرداری تهران که در رسیدگی به مشکلات اهالی این ناحیه از هیچ کوششی دریغ ندارند و با گشاده‌رویی و سعه‌صدر پاسخگوی مراجعان هستند، تشکر و قدردانی می‌شود.

از اهالی محل

چاپ مقاله‌ها به صورت کتاب

از علاقه‌مندان ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات هستم و با تشکر از چاپ مقاله‌هایی درباره آقایان صنعتی‌زاده و کاتوزیان و همچنین ناصرالدین شاه قاجار، اگر این مقاله‌ها به صورت کتاب هم منتشر شده است، اعلام کنید تا بخریم.

بابل ـ دوستدار صفحات ضمیمه

رهاسازی افزایش بی‌رویه قیمت‌ها

هزینه مصرف برق خانه‌ام در ۳ دوره ۳٤ هزار تومان، ٤٨ هزار تومان و ۵٨ هزار تومان افزایش یافته و این در حالی است که وزیر نیرو از افزایش چندباره آن به هر کیلو وات ١٠٠ تومان خبر داده است. دولت تا کی می‌خواهد افزایش بی‌رویه قیمت کالا و خدمات خود و دیگران را آزاد و رها بگذارد و در فکر عواقب چنین وضعی هم نباشد؟

یک حقوق‌بگیر

سؤال از کارگردان سریال ستایش

در یکی از صحنه‌های سریال تلویزیونی ستایش، افسر فرمانده پاسگاه پلیس یکی از بازیگران سریال به نام فردوس را با احترام فراوان تا در خروجی پاسگاه مشایعت می‌کند، که معلوم نیست این فرد برای انجام کاری به اداره پلیس مراجعه کرده و یا به میهمانی رفته است که او را مشایعت می کنند؟!

رضوانی

افغان ها در بیکاری جوانان کشور مقصر نیستند

بعضی از هموطنان‌مان متاسفانه حضور افاغنه در ایران را موجب بیکار ماندن جوانان ایرانی می‌دانند، که چنین نیست. زیرا اکثریت جوانان بیکار کشور ما، دارای تحصیلات دانشگاهی هستند که بدیهی است افغانی‌ها نمی‌توانند جای آنان به عنوان کارشناس را در ادارات بگیرند. بنابراین آنچه موجب بیکاری جوانان ایرانی شده است، در درجه اول عدم برنامه‌ریزی‌های مناسب برای اشتغالزایی و سپس افزایش بی‌رویه جمعیت کشور است ضمن آن که افغانی‌ها در ایران با حداقل دستمزد به کارهای دشواری تن می‌دهند.

یک خانم ایرانی

وعده‌هایی که عملی نشده است

رئیس صندوق بازنشستگی کشوری قبل از پایان سال قبل اعلام کرده بود که مطالبات سال‌های ٨٦ و ٨٧ بازنشستگان تا پایان اسفندماه ٨٩ پرداخت می‌شود، که چنین نشد و وعده پرداخت ١٢٠ هزار تومان کمک به مناسبت ماه مبارک رمضان و سپس ۵٠ تا ٨٠ هزار تومان کمک دیگر در سال جاری هم به جایی نرسید، با این وصف روابط عمومی صندوق بازنشستگی کشوری پس از ماه‌ها انتظار، تازه از نامه‌نگاری درباره واگذاری سهام به جای مطالبات نقدی بازنشستگان خبر می‌دهد، که این سهام نیز هنوز مشخص نشده است در چه تاریخی واگذار می‌شود.

غفارزاده

وام عمره فقط برای دانشجویان جایز است؟

حال که می گویند پرداخت وام به متقاضیان عمره مفرده درست نیست و ایراد دارد، چرا همین وام را به دانشجویان متقاضی عمره پرداخت می‌کنند و آیا می‌توان گفت گوشت یک سمت گوسفند حلال و سمت دیگر آن، حرام است؟!

شهرضا ـ متقاضی سفر عمره

اقدام قابل تقدیر وزارت آموزش و پرورش!

وزارت آموزش و پرورش در یک اقدام شایسته و قابل تقدیر اعلام کرده است که کارت بیمه طلایی تکمیل درمان به فرهنگیان بازنشسته تعلق نمی‌گیرد که بابت این خبر مسرت‌بخش، از تمامی مسئولان وزارتخانه یاد شده تشکر می‌کنیم و از این که فرهنگیان را با بیش از ٣٠ سال خدمات صادقانه در اوج بیماری و سالمندی تنها گذاشته‌اند، سپاسگزاریم!

فرهنگی بازنشسته

برخوردهای قاطعانه‌تر با سارقان بیت‌المال

رئیس محترم قوه قضائیه اظهار داشته عامل اختلاس‌ها و سرقت‌ها مسائل فرهنگی و اجتماعی است، حال آن که به نظر من مسامحه و سهل‌انگاری مسئولان امور و عدم قاطعیت کافی و ضروری محاکم قضایی و نیروی انتظامی نیز در جرأت‌یافتن خلافکاران برای اختلاس و سرقت بیت‌المال نقش دارد و با این قانون‌شکنان باید قاطعانه‌تر برخورد شود.

شهروند تهرانی

بقیه در صفحه ۹

اخبار کوتاه ورزشی

جوانان واترپلو ایران جهانی شدند

تیم ملی واترپلو جوانان ایران با پیروزی مقابل کویت در مرحله نیمه نهایی رقابت‌های رده‌های سنی و عموم آسیا، علاوه بر صعود به رقابت‌های جوانان جهان حریف تیم ازبکستان در دیدار فینال شد.

در ادامه مسابقات واترپلو رده‌های سنی و عموم آسیا که در شهر «پالم بانگ» اندونزی جریان دارد، تیم واترپلو جوانان کشورمان در مرحله نیمه نهایی این مسابقات به مصاف کویت رفت و با نتیجه ۱۳ بر ۳ حریف خود را شکست داد و به دیدار فینال این دوره از مسابقات راه یافت.

تیم‌های جوانان ایران و ازبکستان، ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه امروز، دیدار پایانی هفتمین دوره مسابقات واترپلو رده‌های سنی و عموم آسیا را برگزار خواهند کرد. دیدار رده‌بندی این مسابقات هم بین تیم‌های کویت و قزاقستان برگزار خواهد شد.

مسابقات واترپلو رده‌های سنی و عموم آسیا به منزله رقابت‌های انتخابی جوانان جهان (کمتر از ۱۸ سال) است که سال آینده به میزبانی استرالیا برگزار می‌شود.

عزیمت تیم ملی هندبال ایران به اردوی کرواسی

تیم ملی هندبال مردان ایران پس از برپایی شش مرحله اردوی داخلی برای حضور در اردوهای برون مرزی و برگزاری مسابقات دوستانه راهی کرواسی شد.

این تیم با ترکیب محمد سیاوشی، سجاد حیدری راد، سجاد استکی، کامران نصرتی، میلاد مسائلی، مهدی بیجاری، محمدرضا رجبی، مسعود ظهرابی، جلال کیانی، سجاد ندری، سعید برخورداری، سید مصطفی ساداتی، الله کرم استکی، ایمان جمالی، سیدعلیرضا موسوی، علی مانیان، مهرداد صمصامی، هادی طالبی، محسن بابا صفری، مهدی موسوی به سرمربیگری «ایویکا ریمانیچ» راهی این کشور شده‌است.

در پایان این اردوی تدارکاتی از بین ۲۰ هندبالیست ایران سه نفر خط خورده و تیم ملی با ۱۷ ورزشکار به کره جنوبی سفر می‌کند. این تیم ۲۸ مهر به طور مستقیم از کرواسی راهی کره جنوبی می‌شود تا برای نخستین بار در مسابقات انتخابی المپیک لندن شرکت کند.

برگزاری مسابقات دوگانه بانوان ایران در اندیمشک

مسابقات قهرمانی کشور دوگانه بانوان برای نخستین‌بار در تاریخ سه گانه ایران مطابق با آیتمهای بین‌المللی به میزبانی اندیمشک برگزار خواهد شد.

این مسابقات، جمعه این هفته در رده‌های سنی جوانان و بزرگسالان با حضور نماینده‌های بیشتر استانهای کشور برگزار خواهد شد.

این برای نخستین بار در تاریخ ورزش سه گانه ایران است که بانوان بزرگسال باید ابتدا ۱۰ کیلومتر دو صحرا نوردی داشته باشند، سپس ۴۰ کیلومتر دوچرخه سواری و دوباره پنج کیلومتر بدوند تا به خط پایان برسند.

فینال مسابقات کشوری کارتینگ در پیست آزادی

دوره نهایی مسابقات کشوری اتومبیلرانی کارتینگ Rotax Max125 cc انتخابی تیم ملی، جمعه این هفته در مجموعه پیست کارتینگ آزادی تهران برگزار می‌شود.

نفرات برتر این مسابقه و دوره‌های برگزار شده در هر یک از کلاس‌های Junior (رده سنی نوجوانان) Senior، (جوانان) و DD2 (ماشین‌های دنده‌ای) در مسابقات جهانی ۲۰۱۱ که اواخر آبان در العین امارات برگزار می‌شود، حضور خواهند داشت.

برگزاری مسابقات بین المللی تنیس روی میز بانوان در گرگان

نخستین دوره رقابتهای بین المللی تنیس روی میز جام فجر بانوان بزرگسال از ۲۳ مهر و با حضور چهار تیم خارجی در گرگان برگزار می‌شود.

نخستین دوره این رقابتها ـ یادواره چهار هزار شهید استان گلستان از ۲۳ تا ۲۶ مهر با حضور چهار تیم از کشورهای مجارستان، قزاقستان، عراق و اسلواکی و دو تیم از کشورمان در سالن امام خمینی (ره) گرگان برگزار می‌شود.

این مسابقات دارای رنکینگ جهانی و جایزه نقدی آن ۳۵۰۰ دلار است که بین نفرات و تیم‌های برتر تقسیم می‌شود.

تیم والیبال پیکان در جام باشگاه‌های جهان پنجم شد

تیم والیبال پیکان با شکست مقابل نماینده کشور کانادا به مقام پنجم مشترک باشگاه‌های جهان اکتفا کرد تا نسبت به دوره پیش دو پله سقوط کرده باشد.

تیم والیبال پیکان ایران که به عنوان نماینده ایران و قاره آسیا در رقابت‌های والیبال قهرمانی باشگاه‌های جهان شرکت کرده بود، در آخرین دیدار خود در این رقابت‌ها مقابل نماینده کانادا با نتیجه ۳ بر ۲ شکست خورد و با کسب یک امتیاز طبق فرمول مسابقات به مقام پنجم مشترک اکتفا کرد.

مصاف بانوان ایران و امارات در فینال رقابت‌های غرب آسیا



تیم ملی فوتبال بانوان ایران با شکست تیم اردن در مرحله نیمه‌نهایی به دیدار نهایی رقابت‌های قهرمانی غرب آسیا راه یافت و امشب برای کسب عنوان قهرمانی به مصاف تیم امارات می‌رود.

ملی‌پوشان فوتبال بانوان ایران در رویارویی با تیم ملی بانوان اردن با نتیجه ۳ بر ۲ با گل‌های مریم رحیمی پیروز شدند و به فینال این مسابقات راه یافتند.

اردنی‌ها، گل زود هنگام خود را در دقیقه ۲ بازی به ثمر رساندند که این موضوع موجب شد تا بانوان ایران بازی محتاطانه‌ای را آغاز کنند، مریم رحیمی در دقایق ۵۶، ۷۲ و ۸۲ گل‌های پیروزی ایران را به ثمر رساند و تیم اردن در دقیقه ۸۶ فقط یکی از گل‌های ایران را جبران کرد. در مسابقه دیگر مرحله نیمه نهایی رقابت‌های قهرمانی غرب آسیا، امارات با نتیجه ۴ بر صفر بحرین را شکست داد تا امروز برای کسب مقام قهرمانی در مقابل ایران قرار بگیرد. این مسابقه در ساعت ۲۰ به وقت تهران برگزار خواهد شد.

تیم‌های بحرین و اردن هم برای مقام سوم و چهارمی این رقابت‌ها به مصاف هم می‌روند.

نخستین پیروزی مقابل اردن

تیم ملی ایران در مقابل اردن، یکی از بهترین بازیهای خود را به نمایش گذاشت و برای شکست این تیم مدتها انتظار کشید.

مریم ایراندوست، مربی تیم ملی فوتبال بانوان پس از پیروزی بر اردن و راهیابی به فینال غرب آسیا گفت: بازی سختی را پشت سر گذاشتیم. در نیمه نخست با قبول گل زودهنگام تیم از لحاظ روحی در شرایط نامناسبی قرار گرفت و با وجود حملات فراوان نتوانست به گل برسد. بازیکنان استرس زیادی داشتند و فکر می‌کردند بازی تمام شده است. اما بین دو نیمه مواردی را مطرح کردم و از ملی پوشان خواستم که بهترین بازی خود را به نمایش بگذارند و برای رسیدن به گل بی دقت به توپ ضربه نزنند که در نهایت در دقیقه ۵۶ با گل مریم رحیمی، اندکی فشار و استرس بازیکنان کم شد.

وی افزود: خوشبختانه در دقایق ۷۳ و ۸۲ با کار تیمی وعملکرد خوب بازیکنان، ایران به گلهای دوم و سوم رسید. در واقع ملی پوشان در بازی دوم بازی اصلی خود را به نمایش گذاشتند و در نهایت با حمایت و تشویق هواداران به پیروزی رسیدند. مدت‌ها بود که در انتظار این پیروزی بودیم. چرا که در رقابتهای مقدماتی المپیک لندن نگذاشتند تا با تیم اردن به رقابت بپردازیم و مدتها تلاش و تمرین به هدر رفت. اما دراین بازی ثابت کردیم که ایران تیمی نیست که به راحتی بتوان از آن گذشت. اردن طعم تلخ شکست را برای نخستین بار از ایران در مسابقات رسمی چشید.

ایراندوست افزود: فقط ۸۰ درصد توانایی بازیکنان به معرض نمایش در آمد وامیدوار هستیم تا در بازی با امارات بهترین نتیجه را بگیریم. از قبل پیش‌بینی رقابت دو تیم ایران و امارات را در فینال رقابت‌ها کرده بودیم. امیدوارم با دعای خیر مردم به هدفمان برسیم. از بازیکنانم به خاطر بازی خوب خود که باغیرت و تعصب به مصاف تیم همیشه قهرمان اردن رفتند، تشکر می کنم. مربی تیم ملی فوتبال بانوان درباره مریم رحیمی که به عنوان بهترین بازیکن ایران در ۴ بازی گذشته ظاهر شده است، گفت: او یک پدیده است. رحیمی یکی از بهترین بازیکنان ایرانی است که به عرصه فوتبال قدم گذاشته و در رده سنی جوانان بازی می‌کند. معتقدم این بازیکن آینده درخشانی پیش روی خود دارد.

فینال پایاپا

نایب رئیس فدراسیون فوتبال، پس از راهیابی ایران به فینال رقابت‌های قهرمانی غرب آسیا گفت: تفکری که برای فوتبال بانوان در نظر داریم، فراتر از مسابقات غرب آسیاست و بنا داریم با سرمایه‌گذاری در تیم‌های نوجوانان و جوانان در آینده، تیم ملی توانمندی بسازیم. فریده شجاعی درباره بازی ایران مقابل امارات در مرحله فینال، گفت: بازی که پیش‌روی تیم ملی است با بازی اول که در مقابل امارات داشتیم، متفاوت خواهد بود.

وی افزود: فینال امروز، یک بازی پایاپای خواهد بود و نباید تیم امارات را دست کم گرفت، چون این تیم از دو، سه بازیکن خارجی بهره می‌برد. اگر اعضای تیم ملی فوتبال بانوان بازی خودشان را ارائه دهند، برنده این دیدار خواهند بود.

وی درباره قهرمانی ایران در این رقابت‌ها، گفت: هیچ چیز قابل پیش‌بینی نیست. هر چند همه افرادی که در اینجا حضور دارند، ایران را بهترین تیم این دوره از رقابت‌ها می‌دانند، ولی مسابقه فوتبال یک بازی است و هیچ حساب و کتابی ندارد.

شجاعی افزود: امارات مقابل بحرین، بسیار خوب ظاهر شد و با توجه به این که از یک مربی مرد خارجی بهره می‌برد و امکانات مطلوبی را در اختیار دارد و از امتیاز میزبانی بهره‌مند است، بازی آسانی را در پیش نخواهیم داشت.

شجاعی درباره سطح کیفی مسابقات فوتبال قهرمانی غرب آسیا گفت: این مسابقات که تاکنون جدی گرفته نشده بود، رفته‌رفته جدیت بیشتری پیدا می‌کند و کشورهای اسلامی با توان بیشتری در این رقابت‌ها حضور می‌یابند؛ به طوری که تیم بحرین که دو، سه سال از تشکیل تیمش می‌گذرد، به خوبی توانسته سطح بازی‌اش را بالا ببرد و حتی تیم امارات هم دو، سه بازیکن خارجی را به خدمت گرفته است. وی افزود: استقبال از مسابقات غرب آسیا نشان می‌دهد که این مسابقات اهمیت و ویژه‌ای پیدا کرده و کشورهای اسلامی در حال سرمایه گذاری برای این رقابت‌ها هستند. نایب رئیس فدراسیون فوتبال افزود: نباید تیم‌های حاضر در این رقابت‌ها را دست کم گرفت چون آنها واقعا کار می‌کنند و روز به روز سطح کیفی این مسابقات بالاتر می‌رود. البته امیدواریم ایران در صدر این تیم‌ها جای گیرد. وی با بیان این که ما برای تیم‌های فوتبال بانوان برنامه‌ریزی مشخصی داریم، از به کارگیری مربی اوکراینی تیم‌های جوانان و نوجوانان ایران خبر داد و افزود: حدود یک ماه است که یک مربی اوکراینی کار خود را در سطح تیم‌های جوانان و نوجوانان آغاز کرده و بناست هفته‌ای یک بار به یک استان برود و جوانان و نوجوانان را در سه رده سنی ۱۴، ۱۶ و زیر ۱۹ سال شناسایی کند تا برای سال‌های آینده این بازیکنان جذب تیم ملی جوانان و نوجوانان شوند.

شجاعی در عین حال تصریح کرد: در صدد هستیم که یک مربی خارجی را برای تیم بزرگسالان بانوان ایران بیاوریم که در امارات با مربی هلندی تیم اردن صحبت کرده‌ایم و منتظریم که قرارداد وی تمام شود. وی درباره این که نداشتن برنامه مشخص برای تیم ملی بزرگسالان فوتبال باعث تنزل کیفی تیم نخواهد شد، گفت: لیگ‌های ما به صورت مرتب برگزار می‌شود و ملی‌پوشان به طور مرتب آماده هستند و ما از نظر کمی و کیفی رو به جلو حرکت می‌کنیم.

نایب رئیس فدراسیون فوتبال درباره حل مشکل پوشش بانوان برای حضور در مسابقات بین‌المللی هم گفت: طراحی لباس جدید ملی پوشان در دستور کار ما قرار دارد و فیفا هم منتظر است تا ما این کار را ارائه کنیم و در مجموع نظر فیفا درباره حضور بانوان با پوشش منفی نیست و دنبال راهکاری برای حل این موضوع است. شجاعی افزود: بلاتر شخصا به من قول داد که راهکاری پیدا می کند تا با پوشش و حجاب در مسابقات بین‌المللی حضور یابیم.

پیشنهاد به ۴ بازیکن

باشگاه نیروهای مسلح امارات از چهار بازیکن تیم ملی فوتبال بانوان ایران خواست تا در این تیم بازی کنند.

پس از درخشش تیم ملی فوتبال بانوان ایران در مسابقات غرب آسیا و به ویژه در بازی مقابل اردن و صعود به فینال رقابت‌ها، باشگاه نیروهای مسلح ابوظبی خواهان مریم رحیمی، نیلوفر اردلان، فاطمه ارژنگی و افسانه اقبال شد. این باشگاه در نظر دارد با حقوق ماهانه ۲ هزار دلار با این بازیکنان قرارداد ببندند.

دو بازیکن از لبنان و اردن و همچنین یک بازیکن از سوریه، افرادی هستند که این باشگاه تمایل دارد با آنها نیز قرارداد ببندد. این چهار بازیکن از سوی مسئولان و مدیران برگزاری مسابقات و مربیان به عنوان بهترین بازیکنان ایران در این رقابت‌ها معرفی شدند.

مریم رحیمی با ۷ گل زده، بهترین گلزن ایران در مسابقات غرب آسیاست.

تیم ملی فوتبال بانوان ایران ساعت ۲۰ امروز در دیدار نهایی رقابت‌های غرب آسیا به مصاف امارات می‌رود.

۲۶ بازیکن در اردوی تیم ملی فوتبال نوجوانان

سرمربی تیم ملی فوتبال نوجوانان اسامی ۲۶ بازیکن را برای حضور در اردوی جدید این تیم اعلام کرد.

این اردو از ۲۲ تا ۲۵ مهر در کمپ تیم‌های ملی برگزار خواهد شد و بازیکنان باید ساعت ۱۴ روز جمعه خود را به اعضای کادر فنی و سرپرستی در کمپ تیم‌های ملی معرفی کنند. این اردو تا دوشنبه هفته آینده ادامه خواهد داشت.

کیوان‌هاشمی، رضا اسدی، محمد بائوج، امیر ابراهیمی، مهدی امینی (اصفهان)، سهیل صالحی، ایمان عبیدی پور، ماجد گنبری، محمد خسروی، محمد غلامی، محمد فرزادی، ناصر نصارا (خوزستان)، صادق محرمی، پارسا سلیمی، مهیار بابایی نیا (گیلان) مهدی قصه‌دار، امین عادلی، فرهاد آقاگلی (تهران) عبدالرضا زارعی، حیدرپوررضا، حمید اورنگی، امیررضا امامی، حمید سمندری (فارس) علی خاندل (کرمان) امیر حسین صالحی (خراسان رضوی) و کیوان مازندرانی (گلستان) بازیکنان دعوت شده به اردوی تیم ملی فوتبال نوجوانان هستند.

صعود به جام جهانی

سرمربی تیم ملی فوتبال نوجوانان ایران گفت: امیدوارم با برنامه‌ریزی فدراسیون و کمیته جوانان به جام جهانی نوجوانان صعود کنیم.

علی دوستی مهر درباره مرحله نهایی مسابقات فوتبال قهرمانی آسیا، گفت: با پایان رقابت‌های گروه C که در نهایت به حذف تیم نوجوانان بحرین انجامید، تیم‌های ازبکستان و هند به عنوان تیم‌های اول و دوم از این گروه صعود کردند و این نشان از کار کردن تیم‌های پایه هند در این کشور است و حذف بحرین نشان می‌دهد که کشورهای غرب آسیا مثل گذشته نیستند و دیگران در حال حرکتند.

وی درباره گروهی که ایران از آن صعود کرد، گفت: ما در گروه مرگ قرار گرفته بودیم، چرا که تیم‌های عراق، قطر و حتی فلسطین تیم‌های قوی گروه بودند و قطر با توجه به اینکه روی بازیکنانش برای جام جهانی ۲۰۲۲ در حال سرمایه گذاری است، با همه قوا و امکانات به دهوک عراق آمده بود. عراق هم تیم بسیار خوب و استخوان داری داشت. اما تیم ملی نوجوانان قطر و فلسطین را شکست داد و مقابل عراق به تساوی رسید و به مرحله بعد صعود کرد. هر چند که ما می توانستیم به عنوان تیم اول صعود کنیم اما به خاطر اینکه بنگلادش از تیم دوم و بازیکنان ذخیره استفاده کردیم با تفاضل گل و هم امتیاز با عراق از گروه صعود کردیم.



دوستی مهر گفت: در گروه دوم، یمن و کویت صعود کردند و این در حالی بود که تیم پرامید امارات در این گروه حذف شد. در گروه چهارم، عمان و سوریه درحالی صعود کردند که عربستان در کمال ناباوری حذف شد تا افت فوتبال عربستان را بیشتر نشان بدهد. جالب اینجاست که تیم نوجوانان افغانستان هم به عنوان بهترین تیم سوم گروه‌ها در جمع تیم‌های صعود کننده غرب آسیا در حالی با ۸ امتیاز صعود کرد که امارات هم ۸ امتیازی بود، ولی به خاطر تفاضل گل بهتر به عنوان بهترین تیم سوم صعود کرد. قطر با ۶ امتیاز، بحرین با ۴ امتیاز و عربستان با ۴ امتیاز بهترین تیم‌های سوم گروههای غرب آسیا بودند. صعود افغانستان به مرحله نهایی نشان می‌دهد که این تیم به فوتبال در رده‌های پایه اهمیت می‌دهد و در جشنواره یزد هم تیم نونهالان افغانستان در فینال مغلوب تیم ملی نونهالان ایران شد.

سرمربی تیم ملی نوجوانان افزود: در شرق آسیا تیم‌های کره شمالی و چین در حالی صعود کردند که تیم نوجوانان سنگاپور حذف شد. ژاپن و کره جنوبی به عنوان تیم اول و دوم گروه ششم صعود کردند در حالی که تیم ویتنام حذف شد. در گروه هفتم که رقابت شدیدی بین تیم‌های تایلند، استرالیا و اندونزی و حتی میانمار بود. تیم‌های تایلند و استرالیا صعود کردند.

وی افزود: البته بهترین تیم‌های سوم شرق آسیا اندونزی با ۹ امتیاز، لائوس با ۱۰ امتیاز، ویتنام با ۷ امتیاز و سنگاپور با ۴ امتیاز بودند که در نهایت لائوس با ۱۰ امتیاز به عنوان بهترین تیم سوم صعود کرد. به این ترتیب تیم‌های ایران، عراق، یمن، کویت، ازبکستان، هند، عمان، سوریه، کره شمالی، چین، ژاپن، کره جنوبی، تایلند، استرالیا، افغانستان و لائوس به مرحله نهایی رقابت‌های قهرمانی آسیا ـ مقدماتی جام جهانی صعود کردند. میزبان این رقابت‌ها اواخر آبان مشخص خواهد شد.

وی گفت: فیلم بازی‌های غرب آسیا را بدست آوردیم و به دنبال بدست آوردن فیلم بازی تیم‌های شرق آسیا هستیم. برنامه تیم ملی نوجوانان تا رقابت‌های سال آینده را به کمیته جوانان ارائه دادیم تا در جلسات این کمیته و همچنین کمیته تیم‌های ملی بحث و بررسی درباره آنها انجام شود. امیدواریم که با برنامه‌ریزی به جام جهانی صعود کنیم.

عزیمت تیم ملی قایقرانی روئینگ به کره‌جنوبی

تیم ملی قایقرانی روئینگ کشورمان پس از تامین اعتبار مالی از سوی وزارت ورزش، برای حضور در مسابقات قهرمانی آسیا راهی کره جنوبی شد.

ترکیب تیم روئینگ بانوان ایران به این ترتیب است: سولماز عباسی در ماده یک نفره سنگین وزن بزرگسال، مریم سعیدی و حمیرا برزگر در ماده دو نفره سبک وزن جفت پاروی بزرگسال، رویا عباسی و فرحناز عشقی در ماده دو نفره سنگین وزن جفت پاروی بزرگسال و مهسا جاور وهانیه توسلی در ماده دو نفره جفت پاروی جوانان به مربیگری جاوید سرابی و کمک مربیگری بهناز مرادخانی.

همچنین ترکیب تیم قایقرانی روئینگ مردان کشورمان را این نفرات تشکیل می‌دهند:

رده سنی بزرگسال محسن شادی در ماده یک نفره سنگین وزن، عاقل حبیبیان یک نفره سبک وزن، سعید عادلی، افشار حیدری، یاسر جوهری، وحید جوهری، فرهاد کربلایی قلی‌زاده، فرزاد کربلایی قلی‌زاده، مسعود محمدی، اتابک پیشیار و کیهان شمسی در ماده هشت نفره به مربیگری «شخرت گانیو» و در بخش جوانان نیز محمدرضا قندیان، محمدرضا متحدیان، امید عابد و امیرحسن کاویانی در ماده چهار نفره جفت پارو، حامد خدری و محمد حمزه نتاج در ماده دو نفره جفت پارو و امیر راهنمای رونقی در ماده یک نفره به مربیگری محمدعلی قرائت

مسابقات قایقرانی روئینگ قهرمانی آسیا از ۲۱ تا ۲۵ مهر در شهر «هاوچون» کره‌جنوبی برگزار خواهد شد.

شانس مدال‌آوری زنان

مربی تیم ملی روئینگ زنان گفت: امید کسب مدال در همه مواد رقابت‌های قهرمانی آسیا در کره جنوبی وجود دارد.

بهناز مرادخانی، گفت: قایقرانان تیم ملی زنان در سه رده سنی در اردوی زنجان تمرینات خوبی را پشت سر گذاشته‌اند و امیدواریم در مسابقات قهرمانی آسیا ـ ۲۰۱۱ در کره‌جنوبی در همه مواد مدال‌آور باشیم.

او افزود: پاروزنان روئینگ در اردوی‌های تمرینی شرایط سختی را پشت‌سر گذاشته‌اند، این حق آنها است که به مدال دست یابند.

عضو سابق تیم ملی در خصوص ادامه تمرینات تیم ملی برای کسب سهمیه المپیک لندن تصریح کرد: ظاهرا قرار است مربی نروژی به ایران بیاید و هدایت قایقرانان را بر عهده بگیرد. با توجه به در پیش بودن فصل سرما، اردوی زنجان تعطیل خواهد شد و تیم ملی راهی انزلی می‌شود.

وی در مورد برطرف شدن مشکل خزه روی آب مرداب انزلی گفت: این مشکل در فصل تابستان ایجاد می‌شود و با بارش باران بر طرف می‌شود و قایقرانان می‌توانند بدون مزاحمت خزه‌ها در مرداب انزلی پارو بزنند.

قایقرانان بادبانی در قطر

ملی پوشان قایقرانی بادبانی کشورمان برای حضور در مسابقات بین المللی قطر راهی این کشور شدند. ششمین دوره مسابقات بین المللی قایقرانی بادبانی قطر از دیروز تا ۲۳ مهر در دوحه برگزار می‌شود و تیم ملی بادبانی کشورمان در این رقابت‌ها در رشته لیزر ۴/۷ و لیزر رادیال آپتیمیست به مصاف حریفان خواهد رفت.

محمدعلی رسولی در رشته ۴/۷، شهاب خاتم در ماده لیزر رادیال، نیما رهبری، محمد بحری، سید عارف طالبی و سید عرفان طالبی در ماده آپتیمیست به سرمربیگری «خالد پرویز» و مربیگری عمار رئوفی در این رقابت‌ها حضور خواهند داشت.

برنامه دیدارهای تیم ملی فوتسال در جام جهانی کوچک

تیم ملی فوتسال کشورمان برای راهیابی به دیدار نهایی مسابقات فوتسال جایزه بزرگ برزیل به احتمال فراوان باید حریفان پرقدرتی چون هلند و برزیل را در مراحل یک چهارم و نیمه نهایی از پیش رو بردارد.

هفتمین دوره مسابقات فوتسال جایزه بزرگ برزیل در حالی از یکشنبه هفته آینده در شهر «مانائوس» مرکز ایالت «آمازوناس» برگزار می‌شود که تیم کشورمان در گروه سوم این مسابقات به مصاف تیم‌های بلژیک، اروگوئه و آمریکا می‌رود.

تیم ایران در صورت صدرنشینی در این گروه در مرحله یک چهارم نهایی مسابقات به مصاف تیم دوم گروه یکم می رود که در آن تیم‌های برزیل، گواتمالا، هلند و آنگولا حضور دارند. اگر شاگردان علی صانعی رتبه دوم گروه خود را بدست آورند به مصاف تیم اول گروه یکم خواهند رفت.

ملی پوشان فوتسال ایران اگر در مرحله یک چهارم نهایی به برزیل «میزبان جام جهانی کوچک» روبه‌رو نشوند، در مرحله نیمه نهایی با این تیم دیدار خواهند کرد.

برزیل که شانس نخست قهرمانی در مسابقات فوتسال جایزه بزرگ این کشور است، بدون شک در مصاف با حریفانی چون هلند، آنگولا و گواتمالا از شانس بسیار زیادی برای صدرنشینی برخوردار است و در مرحله یک چهارم نهایی نیز تیم‌های بلژیک، اروگوئه و آمریکا نمی توانند سد تسخیرناپذیری برای این باشند. به همین خاطر و با توجه به شرایط جدول باید منتظر رویارویی دوباره تیم‌های ملی فوتسال ایران و برزیل در مرحله نیمه نهایی جام جهانی کوچک باشیم.

تیم ملی فوتبال ایران یکشنبه و دوشنبه و سه شنبه هفته آینده به ترتیب به مصاف تیم‌های بلژیک، آمریکا و اروگوئه می‌رود.

چهارشنبه هفته آینده تیم‌های حاضر در هفتمین دوره مسابقات فوتبال جایزه برزیل استراحت می‌کنند و پنجشنبه و جمعه هفته آینده تیم‌های برتر رقابت خود را از سر می‌گیرند.

صدور سند مالکیت و تفکیک باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی آزاد شد

سرویس پارلمانی: بررسی جزئیات لایحه «تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی»، در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی ادامه یافت و ۱۴ ماده دیگر آن به تصویب رسید.

براساس مواد تصویب شده، صدور سند، تفکیک و افراز زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها، با رعایت قانون و «جلوگیری از خرد شدن اراضی کشاورزی و ایجاد قطعات مناسب فنی، اقتصادی مصوب ۱۳۸۳/۱/۲۵»، بلامانع است.

صدور سند تفکیکی آن دسته از زمین‌های کشاورزی، اعم از نسق و باغ که مساحت آن‌ها زیر حدنصاب‌های تعیین شده باشد، ولی به دلیل محاط شدن به معابر عمومی موجود یا زمین‌های دولتی و ملی یا زمین‌های دارای سند تفکیکی، امکان صدور سند مشاعی برای آن‌ها وجود ندارد، بلامانع خواهد بود.

در مناطقی که مالک عرصه و اعیان یکی نباشد و مورد معامله، اعیان ملک باشد، چنانچه مالک زمین در هیأت حاضر و مالکیت متقاضی اعیان را نسبت به عرصه تأیید کند، هیأت به درخواست و رسیدگی و با احراز تصرف مالکانه متقاضی اعیانی، رأی به صدور سند مالکیت عرصه و اعیان می‌دهد.

در صورتی که مالک مراجعه نکند یا مدارک ارائه شده تأیید نشود، هیأت با حفظ حقوق مالک عرصه، رأی به صدور سند مالکیت اعیان برای مالک یا مالکان می‌دهد و مراتب را به اداره ثبت محل برای صدور سند اعلام می‌کند.

صدور سند تفکیکی برای آپارتمان‌های مشمول این ماده، براساس قانون «تملک آپارتمان‌ها، مصوب ۱۳۴۳/۱۲/۱۶ و اصلاحات بعدی آن»، انجام می‌شود.

اگر سند مورد تقاضا مربوط به زمین‌های کشاورزی، نسق زراعی و باغ باشد، هیأت، باید با توجه به محل وقوع اراضی، حسب مورد، نظر وزارتخانه‌های راه و شهرسازی یا جهاد کشاورزی را استعلام کند.

در صورتی که پاسخ در مهلت تعیین شده (دو ماه) ارسال نشود یا پاسخ ارسالی خلاف واقع باشد، متخلف، به انفصال موقت از خدمات دولتی به مدت سه ماه تا یک سال توسط هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهد شد. در صورت تکرار، متخلف یا متخلفان به انفصال دایم از خدمات دولتی محکوم می‌شوند.

محدودیت‌های زیست محیطی

سازمان حفاظت محیط زیست، موظف است نقشه مناطق چهارگانه موضوع قانون محیط زیست را با مختصات جغرافیایی تهیه کند و در اختیار واحدهای ثبتی قرار دهد.

املاک موقوفه

در صورتی که تمام یا بخشی از اعیان در زمین‌های موقوفه احداث شده باشد، هیأت با موافقت متولی و اطلاع اداره اوقاف محل و رعایت مفاد وقف‌نامه، چنانچه متولی منصوص نداشته باشد، با موافقت اداره اوقاف و رعایت مفاد وقف‌نامه و نیز مصلحت موقوف علیهم، با در نظر گرفتن تمامی جوانب به موضوع رسیدگی و پس از تعیین اجرت عرصه و حقوق موقوفه که حداکثر دو ماه طول می‌کشد، نسبت به صدور رأی اقدام می‌کند.

اگر پاسخ در مهلت دو ماهه ارسال نشود یا ارسال پاسخ خلاف واقع باشد، متخلف به انفصال موقت از خدمات دولتی به مدت سه ماه تا یک سال محکوم و در صورت تکرار، به انفصال دایم از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

در مورد متصرفان زمین‌های مربوط به مؤسسه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی، هیأت، باید نماینده تام‌الاختیار دستگاه صاحب زمین را دعوت یا نظر آن دستگاه را استعلام کند.

شهرداری‌ها، فقط می‌توانند درباره املاک اختصاصی خود با انتقال ملک به متصرف موافقت کنند.

در شرایطی که متصرفان در یک پلاک چند نفر باشند، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، می‌تواند با دریافت هزینه کارشناسی و انتخاب هیأتی از کارشناسان ثبتی، حدود کلی پلاک را نقشه‌برداری و تصرفات اشخاص را به تفکیک با ذکر تاریخ تصرف و قدمت بنا و اعیان، تعیین و دستور رسیدگی را صادر کند.

برای املاکی که براساس قانون مربوط به اصلاح مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ پرونده تشکیل شده و تاکنون رأی صادر نشده است، باید برابر مقررات این قانون دو باره پرونده تشکیل شود.

متقاضیان این قانون به هنگام صدور سند مالکیت، باید علاوه بر بهای دفترچه مالکیت، تعرفه سند و معادل ۵ درصد بر مبنای ارزش منطقه‌ای ملک و در نقاطی که ارزش منطقه‌ای تعیین نشده است، بر مبنای قیمت منطقه‌ای املاک مشابه، بپردازد.

چنانچه ملک مورد تقاضا سند اولیه نداشته باشد، علاوه بر مبلغ فوق، مابه‌التفاوت هزینه ثبتی (بقایای ثبتی) متعلقه هم دریافت می‌شود.

اداره ثبت اسناد و املاک محل، مکلف است آرای هیأت را در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه‌های کثیرالانتشار و محلی آگهی کند. معترضان ظرف مدت دو ماه می‌توانند اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک ارائه دهند. اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه خواهد بود.

چنانچه اعتراض در مهلت قانونی واصل نشود یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند، اداره ثبت محل، باید مبادرت به صدور سند مالکیت کند.

صدور سند، مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

طرح «قانون وزارت نفت»، با پیشنهاد یک فوریت در این جلسه مطرح شد و در پی تصویب این پیشنهاد، نمایندگان موافقت کردند که این طرح حداکثر تا یک ماه دیگر در دستور کار جلسه علنی قرار گیرد.

هدف از تدوین این طرح، ساماندهی تشکیلات وزارت نفت و کارکنان آن اعلام شده است.

طراحان، معتقدند که این وزارتخانه فاقد نیروی انسانی منسجم و متخصص است و بیشتر کارکنان آن به عنوان مأمور از دیگر مراکز اداری به این محل منتقل شده‌اند.

آنان همچنین تصویب این طرح را مقدمه تدوین اساسنامه وزارت نفت دانستند.

سئوال از وزیر آموزش و پرورش

در ادامه این جلسه، سئوال محمد رضا خباز، نماینده کاشمر، از حمید رضا حاجی بابایی، در مورد علت اجرا نشدن مفاد برنامه تقدیمی آن وزارتخانه مطرح شد و با وجود آن که پاسخ وزیر قانع کننده نبود، سئوال کننده از رأی گیری در مورد سئوال خودداری کرد.

در پاسخ به این سئوال، وزیر آموزش و پرورش، برنامه تقدیمی را «نقشه راه» آن وزارتخانه و در راستای فرمان مقام معظم رهبری، مبنی بر تربیت دانش آموزان متناسب با هدف‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی دانست. حاجی بابایی سپس به تشریح عملکرد ۲۲ ماهه خود در آن وزارتخانه پرداخت و اعلام کرد: سال گذشته برای اولین بار کتاب‌های سال اول دبستان عوض شد.

نوع کتاب‌هایی که از این پس منتشر می‌شود، ضمن رعایت حجم و محتوای مطالب، دانش آموزان را به سمتی می‌برد که بتواند رابطه خود را با خود، خدا، طبیعت و مردم تعریف کنند، بنابراین روش تدریس، کتاب‌های درسی، ساعات و برنامه‌های درسی در حال تحول و دگرگونی است.

وزیر آموزش و پرورش، تجهیز مراکز آموزشی به فن‌آوری‌های نوین را از جمله اقدامات خود دانست و پیش بینی کرد که در طول دو سال آینده تمامی مدارس کشور از فن‌آوری‌های جدید برخوردار شوند.

راه‌اندازی شبکه مجازی قرآن

وی راه‌اندازی شبکه مجازی قرآن را در شمار اقدامات مربوط به آموزش از طریق فن‌آوری توصیف کرد و یادآور شد: هر مدرسه یک مهندس «آی. تی» دارد که تمامی امور مربوط به فن‌آوری‌ها را پیگیری می کند.

ضعف آموزش کاربردی

پس از این توضیحات سئوال کننده، ایجاد معاونت پرورشی، تغییر مراکز تربیت معلم به دانشگاه تربیت معلم، تبدیل سازمان فنی، حرفه‌ای به دانشگاه فنی، حرفه‌ای را از جمله عملکردهای مثبت آن وزارتخانه دانست و افزود: بسیاری موارد، از جمله تشریح نقشه راه، جزو سئوال من نبود و جهت طرح تحول آموزش و پرورش به گفته یکی از علمای برجسته دینی به سمت معارف غیردینی است.

وی همچنین اظهار داشت: هیچ تحولی در آموزش دوره ابتدایی و راهنمایی به وجود نیامده، کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌های مدارس بیشتر نشده و فقط به آموزش تئوریک بسنده می‌شود، در حالی که رهبر معظم انقلاب، بر کاربردی کردن علم اصرار داشتند.

خباز، یادآور شد: درس حرفه و فن به حداقل رسیده، کلاس‌های درس فشرده شده و به موازات آن کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌های مدارس در حال تعطیلی است، ضمن آن که محتوای کتاب‌های درسی ضعیف است و آهنگ غیر علمی دارد.

سئوال‌کننده سپس تعطیلی روز پنجشنبه مدارس را زیانبار توصیف کرد و گفت: به جای آن که طبق دستور وزیر، دانش‌آموزان نیم ساعت بیشتر در کلاس بمانند، تمامی مدارس در ساعت ۱۲ تعطیل می‌شود.

حاجی‌بابایی پس از این توضیحات در توجیه تقویت جنبه‌های دینی در آن وزارتخانه، گفت: پیش از آن که به این وزارتخانه بروم ۲۵ هزار دانش‌آموز به اردوی «راهیان نور» می‌رفتند، ولی امسال یک میلیون دانش‌آموز به این اردو رفتند، حال محاسبه کنید تعمق و تعلق دینی چگونه اندازه‌گیری می‌شود؟

همچنین ۶۷۰ مدرسه دارالقرآن به ۱۰ هزار مدرسه افزایش یافته است که نشانگر تقویت مبانی دینی در مدارس است.

افت تحصیلی

سئوال‌کننده بار دیگر استفاده نادرست از نیروهای متخصص آن وزارتخانه را مورد انتقاد قرار داد و گفت: طراحی نظام جامع نظارت و ارزیابی در آموزش و پرورش حداقل است، نمونه آن آمار زیر است:

در مقطع ابتدایی و راهنمایی ۸۰ تا ۹۰ درصد قبولی داریم، ولی وقتی این عده به مقطع دبیرستان می‌رسند، درصد قبولی‌شان به شدت کاهش می‌یابد.

خباز، اجبار معلمان به افزایش آمار قبول‌شدگان را مورد انتقاد قرار داد و گفت: معلم می‌گوید که در کلاس اول سه نفر قبول شده‌اند و با تحکم می‌گویند که تعداد قبول‌شدگان باید به ۱۵ نفر برسد.

توصیه و سفارش هم برای برخی دانش‌آموزان می‌کنند و بعد آمار غیر واقعی ارائه می‌دهند.

نماینده کاشمر در ادامه، خواستار تقویت سیستم نظارتی مدارس شد و پرسید: مگر می‌شود که بازیکن داور هم باشد؟!

در پی این بحث‌ها، نماینده کاشمر، پاسخ وزیر را قانع کننده ندانست و ضمن خودداری از رأی‌گیری در مورد سئوال مطرح شده، خواستار تقویت اهرم‌های نظارتی آن وزارتخانه شد.

شکایت از قصور پزشکی در کشور روند افزایشی دارد

سرویس حوادث: رئیس سازمان پزشکی قانونی گفت: شکایت مردم از پزشکان در خصوص قصور پزشکی در کشور روند افزایشی دارد.

احمد شجاعی در همایش «ضمان و مسئولیت پزشکی» در تبریز افزود: از سال ۸۵ تاکنون، ۱۱ هزار و ۱۳۸ مورد پرونده قصور پزشکی در پزشکی قانونی بررسی شده که در ۴۵/۷ درصد موارد، پزشک محکوم شده است.

وی با اشاره به اینکه پزشکی قانونی هم از حقوق پزشک و هم از حقوق بیمار دفاع می‌کند، گفت: پزشک در مقابل درمانی که انجام می‌دهد هم از نظر قانونی و هم از نظر شرعی مسئول است.

شجاعی افزود: در تمامی تخصص‌های پزشکی، شکایت‌هایی درباره قصور پزشکی وجود دارد، ولی به ترتیب زنان و زایمان، ارتوپدی، جراحی عمومی، دندانپزشکی و ترمیم و جراحی پوست بیشترین آمار شکایات را خود اختصاص می‌دهد.

وی اظهار داشت: جراحی پوست تنها رشته‌ای است که محکومیت پزشکان در آن به میزان بیش از ۶۰ درصد است.

وی ادامه‌داد: افزایش آگاهی‌های عمومی، رعایت یا رعایت نکردن اخلاق پزشکی و نحوه ایجاد ارتباط با بیماری از عوامل تاثیرگذار در آمار شکایات قصور پزشکی است.

وی با اشاره به آمار بالای مراجعان به پزشکی قانونی گفت: منافع مالی عاملی است که سطح مراجعان را افزایش می‌دهد و افزایش نرخ دیه در آینده نیز شمار مراجعه کنندگان به پزشکی قانونی را بیشتر خواهد کرد، بنابراین باید با آموزش صحیح و توجیه همکاران پزشکی قانونی، با پیاده کردن فرهنگ صحیح برخورد با بیمار از حجم مراجعان بکاهیم.

رئیس سازمان پزشکی قانونی تاکید کرد: بهترین راهکار پیشگیری از قصور پزشکی بهبود ارتباط پزشک با بیمار است، چرا که این ارتباط مانع بسیاری از قصورها و سوء تفاهم‌ها می‌شود.

۵۵ درصد پرونده‌ها در کلانتری‌ها به صلح ختم می‌شود

سرویس خبر: ۵۵ درصد از پرونده‌های تشکیل شده در کلانتری‌ها به صلح و سازش ختم می‌شود و هر چه ماموران کلانتری باسوادتر و حرفه‌ای باشند، رسیدگی به پرونده‌ها نیز آسان‌تر می‌شود.

سردار اسماعیل احمدی مقدم فرمانده‌نیروی انتظامی با بیان مطلب بالا در مراسم رونمایی از طرح الکترونیکی صورت‌مجلس‌ها و گزارش‌های قضایی، با بیان مطلب بالا، افزود: کلانتری به عنوان یکی از مجموعه‌های پلیس پیشگیری تجلی فعالیت‌های نیروی انتظامی است و امروزه کلانتری نقش بسیار مطلوبی به خود گرفته و از یک واحد منفعل به واحدی فعال بدل شده و با مردم و گروه‌های مختلف اجتماعی ارتباطات زیادی برقرار کرده است.

فرمانده نیروی انتظامی با اشاره به طراحی الکترونیکی صورت مجلس‌ها و گزارش‌های قضایی که در این مراسم رونمایی شد، گفت: همواره مقام‌قضایی در مورد نحوه صورت جلسه و مستندات صحنه حادثه و پرونده قضایی که توسط کلانتری‌ها انجام می‌شد انتقاد داشت و این ضعف آموزش در این بخش به کلی مشهود بود.

سردار احمدی‌مقدم با اشاره به سفرهای اخیر خود به ۳۱ استان کشور گفت: در بررسی‌های صورت گرفته از نحوه عملکرد کلانتری، پاسگاه و مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ استان‌های کشور به نقاط ضعف مشترکی در این حوزه رسیده‌ایم.

وی با بیان این که در سال‌های گذشته نحوه تیراندازی و نوع برخورد ماموران کلانتری با مردم همواره مورد انتقاد قرار می‌گرفت، یادآور شد: در سال‌های گذشته موضوع تیراندازی ماموران همواره به دغدغه پلیس بدل شده بود به گونه‌ای که نمره ماموران در هنگام تیراندازی ۳۲ بود اما در حال حاضر با سرمایه‌گذاری‌هایی که در این بخش صورت گرفت، نه فقط نمره تیراندازی ماموران به ۶۵ ارتقاء پیدا کرده بلکه پرونده‌های دیه پلیس به نصف کاهش یافته است.

افزایش آمار زاد و ولد در کشور

بقیه از صفحه اول

بر این اساس از این تعداد ازدواج ثبت شده ۳۳۹ هزار و ۷۴۸ مورد در شهرها و ۱۳۰ هزار و ۵۸۳ مورد در روستاها به ثبت رسیده است.

گفتنی است: با توجه به این که در شش ماهه نخست سال قبل ۱۴۹ هزار و ۵۸ مورد ازدواج در روستاهای کشور به ثبت رسیده است، ثبت ازدواج در روستاها در مقایسه با سال قبل ۱۲/۴ درصد کاهش نشان می‌دهد.

به این ترتیب در شش ماهه نخست امسال به طور متوسط در هر شبانه روز ۲۵۲۹ واقعه ازدواج در کشور به ثبت رسیده است.

بر اساس این گزارش، در شش ماهه نخست امسال بیشترین ازدواج ثبت شده مردان در گروه سنی ۲۰ـ۲۴ ساله با رقم ۱۸۶ هزار و ۶۹۶ نفر و بیشترین ازدواج ثبت شده زنان در گروه سنی ۲۰ـ۲۴ ساله با رقم ۱۶۵ هزار و ۲۳ نفر بوده است.

گزارش ثبت احوال کشور حاکی است: در شش ماهه نخست امسال ۶۹۵ هزار و ۲۰۹ واقعه ولادت در کشور به ثبت رسیده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱/۳ درصد رشد داشته است.

بر این اساس نسبت جنسی حاصل از ثبت ولادت در این مدت برابر با ۱۰۵/۴ است که همین شاخص در مدت مشابه سال قبل ۱۰۵/۳ بوده است. (یعنی در مقابل هر ۱۰۰ ولادت ثبت شده دختر حدود ۱۰۵/۴ ولادت پسر به ثبت رسیده است.)

این گزارش حاکی است: از ولادت‌های ثبت شده، ۳۵۶ هزار و ۷۴۴ نفر پسر و ۳۳۸ هزار و ۴۶۵ هزار نفر دختر بوده‌اند.

همچنین در این مدت تولد ۵۴۷ هزار و ۲۹۸ نفر در شهرها و ۱۴۷ هزار و ۹۱۱ نفر در روستاها به ثبت رسیده است و بر این اساس در شش ماهه نخست امسال در هر شبانه روز به طور متوسط ۳۷۳۸ واقعه ولادت در کشور به ثبت رسیده است.

گزارش ثبت احوال کشور درباره ثبت واقعه فوت در شش ماهه نخست امسال حاکی است: در این مدت ۳۱۸ هزار و ۹ واقعه فوت در کشور به ثبت رسیده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۵۴/۱ درصد افزایش نشان می‌دهد.

بر اساس این گزارش، افزایش ثبت فوت ناشی از اجرای طرح ضربتی ثبت فوت‌های معوقه در ماه‌های اردیبهشت و خرداد امسال است. بر این اساس در این مدت فوت ۱۶۲ هزار و ۷۳۱ مرد و ۱۵۵ هزار و ۲۵۵ زن به ثبت رسیده است. ۲۳ واقعه فوت در سال ۹۰ به ثبت رسیده که به لحاظ جنس نامشخص بوده است.

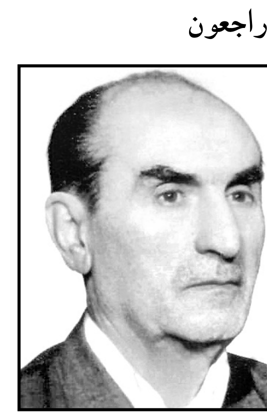
همچنین بر اساس این گزارش فوت ۲۳۱ هزار و ۹۴۲ نفر در شهرها و ۸۶ هزار و ۶۷ نفر در روستاها به ثبت رسیده که به این ترتیب به طور متوسط در هر شبانه‌روز ۱۷۱۰ واقعه فوت در کشور به ثبت رسیده است.

ترحیم

انالله و انا الیه راجعون
بانهایت تأسف درگذشت مرحوم **حاج حسین غیاثی**، بزرگ خاندان غیاثی و بنیانگذار مؤسسه خیریه و بیمارستان غیاثی را به اطلاع دوستان و آشنایان و علاقه‌مندان آن مرحوم می‌رساند. مجلس ترحیم آن مرحوم در تاریخ شنبه ۱۳۹۰/۷/۲۳، از ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب، میدان صنعت برگزار می‌گردد.
هیأت مدیره و مدیر عامل مؤسسه خیریه غیاثی و کارکنان بیمارستان غیاثی

بازگشت همه به سوی اوست
بدینوسیله درگذشت مرحوم **حسین غیاثی** بزرگ خاندان غیاثی و موسس خیریه و بیمارستان غیاثی را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند. مجلس ترحیم آن مرحوم در تاریخ شنبه ۱۳۹۰/۷/۲۳ از ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب، میدان صنعت برگزار می‌گردد.
هیات مدیره و مدیر عامل و کارکنان بیمارستان پاستورنو

بازگشت همه به سوی اوست
دراندوه درگذشت یار عزیزمان **حسین غیاثی** خود را شریک می‌دانیم و یادش همواره زنده است.
از طرف خانواده‌های: شاپور فرهاد ـ یگانگی ـ فریبرز ـ فولادپور ـ سهیل ـ هدایت ـ هرندی ـ زرتشتی

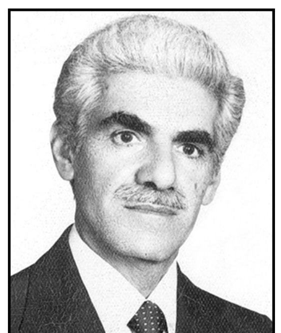
انالله و اناالیه راجعون

با نهایت تاسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور شادروان **حاج عبدالله ملاجعفر** را به اطلاع کلیه بستگان و دوستان محترم می‌رساند.
مراسم ختم آن مرحوم روز پنجشنبه ۹۰/۷/۲۱ ساعت ۱۳/۳۰ الی ۱۵ در مسجد الغدیر واقع در بلوار میرداماد برگزار می‌گردد.
مراسم شب هفت آن مرحوم نیز روز یکشنبه ۹۰/۷/۲۴ ساعت ۱۹ الی ۲۱ در حسینیه قائمیه واقع در خیابان شریعتی، بالاتر از پل رومی، ایستگاه رضایی، کوچه نبوی برگزار می‌گردد.
تشریف فرمایی شما عزیزان باعث شادی روح آن مرحوم و آرامش خاطر بازماندگان خواهد شد.
از طرف خانواده ملاجعفر و وابستگان

بازگشت همه بسوی اوست
سیده صفیه محسنین (آجودانی)
امروز که در میان ما نیستی گلواژه‌های عشق‌انگیز و عطرآگین زندگی از میان ما رخت بر بسته است به یاد روزهای پرشور و شوق با هم بودن.
یادواره آن عزیز، همسری فداکار و مادری مهربان را به اطلاع اقوام، دوستان و آشنایان می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس بزرگداشتی در روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۰/۷/۲۰ از ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ در سالن اجتماعات بیمارستان پارس واقع در بلوار کشاورز، خیابان رستاک، جنب بیمارستان پارس برگزار می‌گردد.
همسر: دکتر امیر سیامک آجودانی
فرزندان: سایه و ساره آجودانی
دامادها: سیدعلی مسعودی ـ نک فرح
نوه‌ها: لینزی ـ نک‌فرح ـ سیدداریوش و سیدکوروش مسعودی و خانواده‌های وابسته

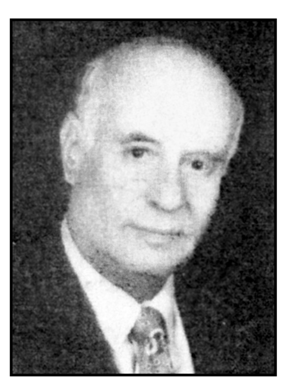
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت بانو **سیده صفیه محسنین** همسر گرامی همکار محترم جناب آقای دکتر امیر سیامک آجودانی را به استحضار می‌رساند.
ضمن عرض تسلیت به خانواده‌های محترم آجودانی و محسنین مراسم بزرگداشت آن فقیده سعیده از ساعت ۱۴ تا ۱۵/۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۰/۷/۲۰ در سالن اجتماعات بیمارستان پارس واقع در بلوار کشاورز برگزار می‌گردد، حضور سروران ارجمند موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
هیئت مدیره، پزشکان و کارکنان بیمارستان پارس

بازگشت همه به سوی اوست
با کمال تأسف **دکتر یوسف فضل علیزاده** که از پیشکسوتان رادیولوژیست کشور و استاد دانشگاه تهران و یکی از بنیانگذاران انجمن رادیولوژی و شرکت تعاونی رادیولوژیست‌های ایران بوده است به رحمت ایزدی پیوست.
ضمن عرض تسلیت به بازماندگان آن مرحوم مراسم ختم روز چهارشنبه ۹۰/۷/۲۰ از ساعت ۱۴/۱۵ الی ۱۵/۴۵ در مسجدالرضا (ع) واقع در عباس آباد میدان نیلوفر برگزار خواهد شد. حضور همکاران رادیولوژیست باعث تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.
هیئت مدیره و کارکنان
شرکت تعاونی رادیولوژیست‌های ایران

بازگشت همه بسوی خداست
به مناسبت درگذشت جانگداز همکار ارجمند جناب آقای **دکتر شهرام ایرانی** مراسم یادبودی روز جمعه ۹۰/۷/۲۲ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی از ساعت ۱۴ تا ۱۵/۳۰ برگزار می‌گردد.
از همکاران عزیز دعوت بعمل می‌آید با شرکت در این مراسم موجب تسلی خاطر بازماندگان گردند.
هیئت‌مدیره انجمن علمی روانپزشکان ایران

«بازگشت همه به سوی اوست»

با اندوه و تأثر فراوان درگذشت همسر و پدر بزرگوارمان سرتیپ خلبان (بازنشسته نیروی هوائی) شادروان **هادی قائمی** را به اطلاع بستگان و آشنایان می‌رسانیم. مراسم ختم آن مرحوم روز پنجشنبه ۹۰/۷/۲۱ از ساعت ۱۵/۳۰ تا ۱۷ در مسجد النبی (ص) واقع در انتهای کارگر شمالی، مقابل کوی دانشگاه برگزار می‌گردد. حضور عزیزان موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
از طرف همسر، فرزندان، دامادها و عروس آن مرحوم: آفاق کمانساز ـ زهره قائمی ـ عباس قائمی ـ نادره قائمی ـ دکتر علیرضا قائمی ـ مهندس حسین صمدیان ـ فرزانه ابراهیمی.

بنام خدا
آوخ ز جهان موحدی رفت
آن گنج نهان، موحدی رفت
آن آیت مهر و لطف و احسان
آن (عشق نشان)، موحدی رفت
دانای مسایل پزشکی
در جسم و روان، موحدی رفت
آن خبره طبیب کارکشته
در فن زنان، موحدی رفت
آن شاعر فحل نکته‌پرداز
با حسن بیان، موحدی رفت
آنکس که نوشت هرچه را خواست
بگذشته ز جان، موحدی رفت
آنکس که قلم به گردش آورد
بی‌بهره از آن، موحدی رفت
آنکس که به راه خلق کوشید
روزان و شبان، موحدی رفت
سنجید زمانه را و بگذشت
همراه زمان، موحدی رفت
چون تیر که می‌پرد به ناگاه
از بند کمان، موحدی رفت
آنکس که نگاه دوستی داشت
با پیر و جوان، موحدی رفت
تا بود به عمر خود چنین بود
تا رفت جنان، موحدی رفت
برچید بساط این جهان را
تا باغ جنان، موحدی رفت


با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **دکتر محمدمهدی موحدی** پزشک متخصص زنان، شاعر، نویسنده، محقق، همسر و پدر عزیزمان را به اطلاع می‌رسانیم. مراسم ترحیم آن روانشاد در روز پنجشنبه ۱۳۹۰/۷/۲۱ از ساعت ۴ الی ۵/۳۰ بعدازظهر در مسجدجامع شهرک غرب واقع در فاز ۳ خیابان حسن سیف برگزار می‌گردد.
همسر: هما خلوتی
فرزندان: دکتر خسرو و دکتر ایرج موحدی

از شمار دو چشم یک تن کم
وز شمار خرد هزاران بیش
با کمال تأسف و تأثر ضایعه مؤلمه درگذشت انسانی والا شادروان **دکتر محمدمهدی موحّدی** متخصص زنان، پزشکی حاذق و یار دیرین دبیرستان حکیم نظامی قم را به اطلاع می‌رساند.
انجمن دبیرستان حکیم نظامی قم، این ضایعه بزرگ را به همسر فداکار و دلسوز آن شادروان و نور چشمان عزیزش آقایان دکتر خسرو و دکتر ایرج موّحدی از صمیم قلب تسلیت می‌گوید.
مجلس بزرگداشت روز پنج‌شنبه ۲۱/مهر/۹۰ از ساعت ۴ تا ۵/۳۰ بعدازظهر در مسجد جامع شهرک غرب ابتدای خیابان حسن سیف (فاز۳) روبروی میلاد نور برگزار می‌شود.
انجمن دبیرستان حکیم نظامی قم

بازگشت همه بسوی اوست
با اندوه فراوان درگذشت شادروان سیده **آمنه امیدوار** (فریدی) را به اطلاع اقوام، دوستان و آشنایان محترم می‌رساند. مجلس ختم آن فقیده سعیده در روز جمعه ۹۰/۷/۲۲ از ساعت ۲۰ الی ۲۱/۳۰ در مسجد الرضا (ع) واقع در خیابان خرمشهر (آپادانا) خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد. حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن عزیز از دست رفته و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: امیدوار، فریدی و سایر آشنایان

با نهایت تاسف و تاثر درگذشت شادروان **محمدحسین صادقی شبستری** را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و همشهریان محترم شبستری می‌رساند.
به همین مناسبت مراسم ترحیمی روز پنجشنبه مورخ ۹۰/۷/۲۱ از ساعت ۳ تا ۴/۳۰ بعدازظهر در مسجد نور شبستریها واقع در میدان دکتر فاطمی برگزار می‌گردد.
حضور سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: صادقی ـ فرهنگ آذر ـ علی‌یاری ـ شبستری ـ برابی ـ گرامی‌نژاد ـ میرزایی ـ فرشی و سایر وابستگان سببی و نسبی.

بازگشت همه به سوی خداست
با قلبی آکنده از غم و اندوه درگذشت آقای **گرگین افخمی مهاجر** فرزند غلامرضاخان میرپنج را به اطلاع می‌رساند.
ضمناً کلیه هزینه مراسم صرف امور خیریه خواهد شد.
خاندان افخمی مهاجر

یادبود

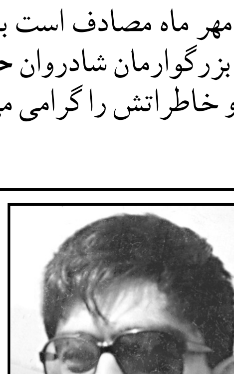
بهراد مهربانمان



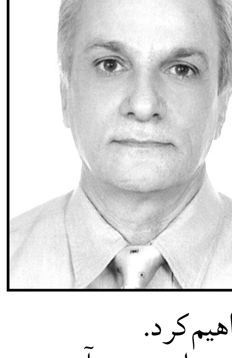
هزار جهد بکردم که یار من باشی
مراد بخش دل بیقرار من باشی
چراغ دیده شب زنده‌دار من گردی
انیس خاطر امیدوار من باشی
ترا ۶ سال است به هزاران زبان دل سروده‌ایم
ولی تو آن سروده‌ای که پایانی ندارد
اندوه نبودنت هرگز التیامی ندارد
مادر ـ پدر ـ خواهر ـ همسر
و تنها یادگارت علی صادقی

---

۲۱ مهر ماه مصادف است با پانزدهمین سال درگذشت پدر بزرگوارمان شادروان **حاج سید عباس سعید واقفی**، یاد و خاطراتش را گرامی می‌داریم.
خانواده سعید واقفی


سال‌ها سپری می‌شود، اما اندوه جانکاه و فزاینده ما در سوگ عزیزمان **«مهندس امید رهنما»** پابرجاست.
هفدهمین سال از دست دادن **امید** را، امیدوارانه گرامی می‌داریم.
«یادش گرامی باد»
رهنما ـ اعتمادیه و خانواده‌های وابسته

بیست و یکم مهر ماه مصادف است با چهلمین روز درگذشت روانشاد مرحوم **محمدحسین آریا**، به همین مناسبت جهت بزرگداشت یاد و خاطره آن مرحوم روز پنجشنبه ۹۰/۷/۲۱ از ساعت ۳ تا ۵ بعدازظهر بر سر مزار آن مرحوم واقع در بهشت زهرا(س) قطعه ۲۴۳ ردیف ۱۰۷ شماره ۴۲ به سوگ می‌نشینیم.
ضمناً هزینه مراسم چهلم طبق وصایای آن مرحوم صرف امور خیریه می‌گردد.
از طرف خانواده روانشاد محمدحسین آریا

یا لطیف

مهر ماه مصادف است با اولین سال درگذشت فرزند دلبند و برادر عزیزمان شادروان **ابوالقاسم (ناصر) حیدرزاده**، با دریغ و درد سالی پشت سر گذاشتیم در حسرت عزیزی که همواره و همه جا وجودش و مهربانیهایش در دل باقی است و هرگز فراموش نخواهیم کرد.
برای شادی روح آن مرحوم هزینه مراسم صرف امور خیریه خواهد گردید.
خانواده‌های: حیدرزاده ـ جعفری ـ حاتمی ـ پزشکپور

تسلیت

جناب آقای دکتر مرتضی مشایخی و بانو
درگذشت نابهنگام فرزند شایسته و فرهیخته شما زنده یاد **دکتر مهرداد مشایخی** موجب اندوه کلیه دوستداران و علاقمندان به خاندان مشایخی و آریانپور گردید. مراتب همدردی خود را تقدیم می‌داریم و از پیشگاه پروردگار شکیبایی و سلامتی برای بازماندگان خواستاریم. روان آن انسان والا و برجسته شاد باد.
خانواده فاضلی

جناب آقای دکتر مرتضی مشایخی
درگذشت جانسوز فرزندتان مرحوم آقای **دکتر مهرداد مشایخی** را صمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم.
دکتر سیدعلی ابهری خوانساری

خانواده محترم غیاثی
جناب آقای مهندس ابوالفضل غیاثی
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **مهندس حسین غیاثی** بزرگ خاندان و از بنیانگذاران نفت پارس را صمیمانه تسلیت گفته، غفران الهی برای آن زنده‌یاد و طول عمر باعزت بازماندگان محترم را از درگاه ایزد یکتا خواهانیم.
شرکت فرعی راه ـ علی آزاد ـ مهدی آزاد

جناب آقای همایون امیری
با قلبی آکنده از تألم و تاسف درگذشت پدر بزرگوارتان را از صمیم قلب تسلیت عرض می‌نمایم.
سیدجلال ویژگان

تنها اوست باقی
جناب آقای مدنی موسوی
مصیبت وارده را به جنابعالی و سرکار خانم تسلیت عرض نموده، برای بازماندگان صبر و شکیبایی و برای آن مرحومه طلب غفران می‌نماییم.
اهری ـ احمدی ـ اسباک ـ اسدی خوانساری ـ اسرار حقیقی ـ اقبال ـ بدیعی ـ بنازاده ـ تقوی ـ توسلی ـ جباری ـ خلیلی ـ حدائق ـ اسکوئی ـ خادم تبریزی ـ دارائی ـ راد ـ زمان‌فر ـ سحابی ـ سروش ـ سعیدی ـ سهیلی ـ شریفی ـ شکوهی ـ طباطبائی ـ عضدی ـ علیخانی ـ فخرائی ـ فیلی شیرازی ـ قادسی ـ لطفی ـ مشرف ـ مطلبی ـ مهدوی ـ میر سالاری ـ میرموسی ـ نجفی ـ یزدانی ـ یوسفی زاده ـ آلب ارسلان

جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا مصطفوی
بدینوسیله با ابراز همدردی به مناسبت اندوه وارده، برای جنابعالی و بازماندگان گرامی شکیبایی آرزومندیم.
با احترام
محمود و مجید رسول زاده

خانواده‌های محترم جمالی، اشتری و مشکی
بانهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای آن عزیز از دست رفته رحمت واسعه و برای آن خانواده‌های محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.
خانواده‌های: صابری ناصری و قوانلونیا

جناب آقای مهندس معلمی ـ خاندان محترم معلمی
با تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌نماییم.
هیئت مدیره شرکت ساختمانی خیز

خانواده بزرگ و محترم اخلاقی
نام مادر باید بازر نوشت
بردیوار دل و درب بهشت
بانهایت تأسف و تأثر درگذشت جانگداز مادری مهربان و فداکار را خدمتتان تسلیت عرض می‌نماییم، برای آن مرحومه مغفوره علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی از خداوندمنان خواستاریم.
ایرج قنواتی و وابستگان

دوست عزیز جناب آقای سید عباس رضوی
فقدان غم‌انگیز پدر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم غفران الهی و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.
صبوری ـ امانی پور ـ شکوهی ـ کرم زاده ـ یراقی‌فرد

بازگشت همه به سوی اوست
خاندان محترم احمدی ترشیزی
درگذشت ناگهانی مرحوم **مسعود احمدی ترشیزی** را تسلیت گفته و خود را در غم شما شریک می‌دانیم.
دوستان پلی تکنیکی:
محمود ریحانی، هوشمند وجدانی، امیرحسین خوشبخت، لطف‌الله مکرمی، اصغر بوستانی، احمد وکیلی، بهمن امام، محمد شهرابی، منوچهر محسن‌زاده، مهدی صادق، مهرداد وفایی، خسرو محمدپور، سلیمان امیری، مجید جلال‌زاده، رجبعلی واحدی، فریدون پورنیا، مهرداد اسعدی

جناب آقای مهندس دادخواه تهرانی
مدیر عامل محترم شرکت سداد
با نهایت تأسف مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای خانواده گرامی صبر و اجر مسئلت می‌نماییم.
هیئت مدیره شرکت‌های سداد و تیراژ

جناب آقای دکتر عبدالرسول صادقیان
متخصص محترم گوش و حلق و بینی
بیمارستان کسری تهران
درگذشت مادر ارجمندتان را تسلیت عرض نموده، صبر و شکیبایی برای شما و خانواده محترمتان از درگاه ایزد منان خواستاریم.
مدیرعامل ـ هیأت‌مدیره ـ پزشکان و پرسنل بیمارستان کسری تهران

همکار ارجمند جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا مصطفوی
مدیرعامل محترم شرکت داروسازی آریا
با نهایت تأسف و تألم مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نماییم. امیدوارم خداوند روح مطهر ایشان را قرین رحمت واسعه خویش قرار دهد.
دکتر اقبال طاهری

بازگشت همه به سوی اوست
قائمشهر (هردورود) جنابان محمد و عادل مرادی
با نهایت تأثر و تأسف درگذشت برادر و پدر بزرگوارتان **حاج احمد مرادی** را تسلیت عرض نموده برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.
تهران ـ علی برهانی

جناب آقای مهندس مهدی سماواتی
درگذشت همسر گرامی شما، هم‌دانشکده‌ای عزیز را به جنابعالی و آن خانواده محترم از صمیم قلب تسلیت عرض می‌نماییم.
کانون فارغ‌التحصیلان دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی (معمار ملّی)

استاد ارجمند جناب آقای دکتر مرتضی مشایخی
با نهایت تأثر مصیبت وارده را حضور جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم غفران و رحمت الهی و برای خاندان محترم صبر و شکیبایی از درگاه ایزد منان مسئلت داریم.
دکتر منصور بهرامی و بانو

جناب آقای مهندس محمود نبوی
رئیس محترم اتحادیه تولید و صادرکنندگان صنایع پوشاک ایران
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت و غفران واسعه و برای جنابعالی طول عمر مسئلت دارم.
اسدالله عسگراولادی

جناب آقای دکترعزیزی
با نهایت تأسف و تألم درگذشت والده مکرمه را به شما و سایر بستگان تسلیت عرض می‌نمائیم و از خداوند متعال برای بازماندگان و شما صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می‌نمائیم.
شرکت طلیعه متقین

جناب آقای دکتر عبدالرسول صادقیان
درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نماییم.
دکتر میراحمدی ـ دکتر یحیوی ـ دکتر وهاب‌زاده

جناب آقای مهدی معصومی
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر گرامیتان را به حضور جناب‌عالی تسلیت عرض نموده، از پیشگاه خداوند منان برای آن مرحومه طلب مغفرت و جهت سایر بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.
شرکت سانیا فوم پارس
نوروزی

به نام خدا
جناب آقای مهندس معلمی
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
محمد رفیع نامور ـ کیانوش نامور ـ بهفر نامور

جناب آقای مهندس محمد معلمی
جناب آقای مهندس مسعود معلمی
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبائی مسئلت می‌نماییم.
هیأت مدیره و کارکنان
شرکت مهندسان مشاور پاسیلو

سپاسگزاری

تشکر و سپاسگزاری
بدینوسیله از کلیه اقوام، دوستان و آشنایانی که اظهار محبت فرمودند و در مراسم تشییع، خاکسپاری و ترحیم مادر عزیزمان مرحومه مغفوره شادروان **تاجلی سالور قاجار** شرکت فرمودند و عزیزانی که از طریق تلفن، درج آگهی در جراید، پست الکترونیکی، ارسال گل و خیرات برای کمک به نیازمندان ابراز همدردی نموده‌اند نهایت تشکر و قدردانی را داریم و از خداوند متعال برای ایشان سلامتی و موفقیت و طول عمر مسئلت می‌نمائیم.
مراتب اعتذار ما را در صورتی که مفتخر به دیدار حضوری برای تشکر و قدردانی از سروران عزیز نشدیم را بپذیرید.
فرزندان: عباسه سالور (قشقایی) ـ دکتر سلطان حسین سالور ـ دکتر سلطان علی سالور ـ خسرو سالور
داماد: مرتضی قشقایی
عروس‌ها: طلایه درمیشیان (سالور) ـ السی سالور ـ سایه اقتصادی‌نیا (سالور) و خانواده‌های سالور و سایر خانواده‌های وابسته

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران- بلوار میرداماد- خیابان نفت جنوبی- ساختمان اطلاعات- کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد و ششم

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۰
۱۴ ذی القعده ۱۴۳۲ _ ۱۲ اکتبر ۲۰۱۱

ظهر شرعی	۱۱ و ۵۱ دقیقه
غروب آفتاب	۱۷ و ۳۴ دقیقه
اذان مغرب	۱۷ و ۵۲ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۰۹ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۴۵ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۰۹ دقیقه

درخواست اروپا برای کناره‌گیری فوری دیکتاتور یمن

سرویس خارجی: اتحادیه اروپا از علی عبدالله صالح دیکتاتور یمن خواست طرح پیشنهادی شورای همکاری خلیج فارس را مبنی بر انتقال حاکمیت و کناره‌گیری از قدرت، فوراً و بدون هیچ شرطی امضا کند.

اتحادیه اروپا در پایان جلسه وزیران خارجه در لوکزامبورک همچنین خواستار محاکمه افرادی شد که علیه تظاهرکنندگان صلح‌جوی یمنی دست به خشونت زده‌اند. این اتحادیه مسئولیت حمایت از شهروندان را متوجه دولت یمن دانست. اتحادیه اروپا اعلام کرد که سیاست‌های خود را در قبال یمن بر اساس تحولات این کشور ادامه می‌دهد و تمامی گزینه‌ها را در صورت ادامه بحران سیاسی و اوضاع بد اقتصادی و انسانی در نظر می‌گیرد. این گزارش می‌افزاید: اتحادیه اروپا از تمامی طرف‌ها در یمن خواست برای تحولات سیاسی منظم و گسترده و دوری از هر گونه اقدامات خشونت‌بار و احترام به معیارهای بین‌المللی در خصوص حقوق بشر و تعهد به توقف درگیری‌ها در کلیه شهرهای یمن متعهد باشند. اتحادیه اروپا اعلام کرد که همچنان به حمایت از نقشی که عبدربه منصورهادی، معاون رئیس‌جمهوری یمن در ایجاد توافق سیاسی مورد قبول تمامی طرف‌ها دارد و همچنین برگزاری انتخابات زودهنگام ادامه می‌دهد. اتحادیه اروپا همچنین از اوضاع انسانی و بحرانی که در نتیجه کمبودها در یمن به وجود آمده است و همچنین وضع آوارگان در داخل و سوء تغذیه مردم یمن به شدت اظهار نگرانی کرد. از سویی شورای امنیت امروز پشت درهای بسته بر اساس گزارش نماینده ویژه سازمان ملل در یمن درباره این کشور تصمیم‌گیری می‌کند.

منابع دیپلماتیک غربی تاکید کردند که شورای امنیت تلاش می‌کند تصمیم درباره یمن را تا هفته آینده به تصویب برساند. این گزارش می‌افزاید: انگلیس طرحی را درباره یمن در نظر دارد که آن را برای مشورت با فرانسه و آمریکا مطرح کرده و قصد دارد طرح خود را به دیگر اعضا نیز ارائه کند تا درباره آن پشت درهای بسته در شورای امنیت بحث و تبادل نظر شود. خبرگزاری رویترز نیز در این باره نوشت که دیپلمات‌ها در نیویورک می‌گویند بعید است روسیه و چین نسبت به صدور قطعنامه درباره یمن اعتراض کنند. یک دیپلمات غربی در این باره گفت: اگر اوضاع به همین منوال پیش برود، آنان مایلند که پیش نویس قطعنامه درباره یمن همین هفته تدوین شود. از طرفی پایگاه اطلاع‌رسانی التغییر نوشت: سربازان تیپ یکم زرهی با نیروهای گارد ریاست جمهوری یمن درگیر شدند. التغییر نوشت: برخی خیابان‌ها و محله‌های شهر صنعا شاهد درگیری‌هایی بین سربازان تیپ یکم زرهی حامی انقلاب و نیروهای گارد ریاست جمهوری طرفدار علی عبدالله صالح بود. شاهدان می‌گویند که نیروهای گارد ریاست جمهوری به محل استقرار تیپ یکم زرهی در خیابان «الستین» گلوله‌های توپ و خمپاره شلیک کرده‌اند. مکان درگیری پشت ساختمان وزارت خارجه یمن و مجلس نمایندگان جدید و نزدیک به منزل عبدربه منصورهادی، معاون رئیس‌جمهوری است. شاهدان همچنین اعلام کردند که صدای شلیک سلاح‌های نیمه سبک و سبک را شنیده‌اند، ولی هیچ خبری از کشته یا زخمی شدن طرف‌های درگیری منتشر نشده است.

شاهدان یمنی همچنین اظهار داشتند که منطقه «کنتاکی» نزدیک به میدان «التغییر» در مرکز صنعا شاهد درگیری‌هایی با سلاح‌های سنگین و نیمه سنگین بین طرف‌ها بوده است، به طوری که نیروهای وابسته به گارد ریاست جمهوری تلاش کردند بر مناطقی که نیروهای هوادار انقلابیون مستقر بودند تسلط یابند. پایگاه اطلاع‌رسانی التغییر همچنین نوشت: منابع مخالف نظام علی عبدالله صالح اعلام کردند که محمد صالح الاحمر، برادر عبدالله صالح تعدادی موشک از شهر «الحدیده» به صنعا منتقل کرده است. التغییر افزود: محمد صالح الاحمر که فرمانده نیروی هوایی یمن است اقدام به انتقال ادوات نظامی با هواپیمای نوع یوشن از فرودگاه نظامی در شهر الحدیده به پایگاه هوایی الدیلمی در شهر صنعا کرده است.

یک مقام یمنی نیز اعلام کرد که بر اثر انفجار بمب در استان «لحج» یک سرهنگ نیروی هوایی این کشور کشته شد. در تحولی دیگر دهها هزار یمنی با برپایی تظاهرات در میدان التغییر صنعا خواستار محاکمه دیکتاتور این کشور شدند. منابع آگاه در میدان التغییر اعلام کردند تظاهرکنندگان از طریق بلندگو فریاد می‌زدند: این تظاهرات پیامی به جهان و کشورهای بزرگ و شورای امنیت است. ما از کشورهای بزرگ و شورای امنیت می‌خواهیم که عبدالله صالح و رژیمش را محاکمه کنند.

تظاهرکنندگان فریاد می‌زدند: عبدالله صالح جنایتکار جنگی است، تا زمانی که عبدالله صالح محاکمه نشود، ما آرام نمی‌گیریم، انقلاب تا پیروزی، تا ریشه‌کنی فساد در کاخ.

معترضان یمنی همچنین از شورای امنیت درخواست کردند علیه عبدالله صالح تدابیری را اتخاذ کنند.

این در حالیست که، القاعده در شبه جزیره عرب با صدور بیانیه‌ای، خبر کشته شدن انورالعولقی را تایید کرد.



تظاهرات دهها هزار یمنی با درخواست محاکمه صالح _عکس از خبرگزاری فرانسه

القاعده در شبه جزیره عرب با صدور این بیانیه اعلام کرد که انورالعولقی یکی از رهبران برجسته القاعده در یمن در حمله هواپیمای بدون سرنشین آمریکا کشته شده است.

در این حال، «علی محسن الاحمر»، فرمانده نظامی حامی انقلابیون یمن برای اولین بار فاش کرد که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۶ این کشور، «فیصل بن شملان» فقید برنده انتخابات بود، نه علی عبدالله صالح. پایگاه اطلاع‌رسانی الصحوه نت یمن نوشت: علی محسن الاحمر در دیدار با برخی از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران رسانه‌های خارجی در قرارگاه تیپ یکم زرهی در صنعا گفت که علی عبدالله صالح در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۶ رای نیاورد، ولی تهدید کرد چنانچه بن شملان وارد کاخ ریاست جمهوری شود وی این مکان را با هواپیما و تانک هدف قرار خواهد داد.

***بحرین**

جنبش انقلاب ۱۴ فوریه با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که آمریکا و انگلیس مسئول مستقیم جنایات جنگی و کشتارهایی هستند که علیه ملت بحرین صورت می‌گیرد. جنبش انقلاب ۱۴ فوریه با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد، باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا، کاخ سفید و دولت انگلیس شرکای آل خلیفه و آل سعود در جنایت قتل و کشتار و پاکسازی نژادی و مذهبی ملت بحرین و اعطای تابعیت سیاسی به مزدوران و تعرض به زنان و دختران بحرینی هستند.

این بیانیه در ادامه تاکید کرد که بی‌شک مسئولیت مستقیم ارتکاب چنین جنایاتی به جز آل خلیفه و آل سعود متوجه آمریکا و انگلیس است و ملت بحرین بار دیگر بر سرنگونی رژیم آل خلیفه و محاکمه حمدبن خلیفه و مقامات رژیم وی و عاملان جنایت و قتل و کشتار علیه ملت مظلوم بحرین در دادگاه‌های عادلانه پافشاری می‌کند.

از دیگر سو، آمریکا که از آل خلیفه در سرکوب اعتراضات مردمی بحرین حمایت می‌کند در اقدامی فریبنده سفیر جدید خود در این کشور را از میان منتقدین حاکمان بحرین انتخاب کرده است. «جیم توماس کرایسکی»، سفیر جدید آمریکا در بحرین از سال ۲۰۰۱ لغایت ۲۰۰۴ معاون مدیر و پس از آن مدیر دفتر امور شمال خلیج فارس (ایران و عراق) در دفتر امور خاور نزدیک وزارت خارجه آمریکا بوده است. وی طی این مدت نیز مشاور سیاسی «پل برمر» در دولت ائتلاف موقت در بغداد محسوب می‌شد.

در تحولی دیگر، جمعیت ملی الوفاق بحرین اعلام کرد: هدف ما از تظاهرات اصلاح نظام حاکم و ایجاد یک نظام دموکراتیک در کشور است.

علی سلمان، دبیر کل جمعیت ملی الوفاق بحرین، بزرگترین گروه شیعه مخالف طی نشستی مطبوعاتی در منامه، پایتخت این کشور اعلام کرد: مخالفان خواهان براندازی نظام حاکم نیستند، بلکه خواهان اصلاح نظام حاکم و تبدیل آن به یک نظام دموکراتیک هستند که در آن مردم بتوانند از طریق نمایندگان خود و به شیوه دموکراتیک نقش داشته باشند. وی افزود: ما می‌خواهیم در سایه ایجاد یک اداره مستقل برای انتخابات، حوزه‌های انتخاباتی عادلانه تشکیل شود که میان شهروندان فرق نگذارد و در حقوق سیاسی آنها تبعیض قائل نشود.

از طرفی حکومت بحرین، آنچه را که اصلاحات سیاسی می‌نامد، شامل افزایش اختیارات مجلس، در حالی آغاز کرد که یکی از رهبران مخالف، آن را اقدامی ناچیز پس از هشت ماه اعتراض دانسته است. اصلاحات سیاسی در بحرین افزایش قدرت پارلمان و نیز امکان تحقیق و تفحص در عملکرد وزیران توسط قوه مقننه را در برمی‌گیرد، اما تغییری در وضع حاکمیت سنی‌ها ایجاد نخواهد کرد.

***عربستان**

یک مفتی سعودی که پیش‌تر آرزوی مرگ تمامی زنانی که در کشور رانندگی می‌کنند را کرده بود، اعلام کرد که مشارکت زنان در انتخابات حرام است. عبدالرحمان البراک یک مفتی سعودی اعلام کرد که مشارکت زنان در انتخابات حرام است چرا که این اقدام آنها را شبیه کافران می‌کند!

وی افزود: برگزاری انتخابات، بدترین چیزی است که مسلمانان از کافران یاد گرفته‌اند و خود را شبیه کافران کرده‌اند.

احتمال جایگزینی ناتو با نیروهای آمریکا در عراق

سرویس خارجی: نخست وزیر کشور عراق از احتمال جایگزین کردن نیروهای ناتو به جای نظامیان آمریکایی در عراق خبر داد.

نوری مالکی از احتمال جایگزینی نیروهای ناتو به جای نظامیان آمریکایی در عراق خبر داد و گفت که این جایگزینی، تاثیری بر روابط بغداد و واشنگتن نخواهد گذاشت.

مالکی تاکید کرد: استراتژی عراق نباید حساسیت‌های حقوقی یا سیاسی را برانگیزد. چون این موضوع تاثیری بر روابط دو کشور نخواهد گذاشت و عراق سیاست درهای باز را در برابر تمامی کشورها براساس احترام متقابل و منافع مشترک دنبال می‌کند.

نخست‌وزیر عراق در ادامه افزود: بغداد و واشنگتن بر یک اصل اساسی به توافق رسیدند. و آن نیاز عراق به آموزش است؛ نیازی که با قانون اساسی و قوانین کشور عراق در تعارض نباشد و نیازی به مصونیت قضایی نداشته باشد؛ مصونیتی که امکان ندارد پارلمان با آن موافقت کند.

وی گفت: تا پیش از اواسط اکتبر، عراق با آمریکا دو یا سه گزینه احتمالی را بررسی می‌کنند تا به نتیجه نهایی برسند، اما به نظر می‌رسد که گزینه جایگزین کردن نیروهای ناتو به جای نظامیان آمریکایی احتمال بیشتری داشته باشد.

مالکی تاکید کرد که بغداد و واشنگتن این موضوع را بخوبی در می‌یابند و کاخ سفید می‌داند ماموریت نیروهایش در عراق پایان یافته است.

از سویی، سخنگوی دولت عراق اعلام کرد، بغداد آماده است به مناسبات مستقیم نظامی خود با آمریکا خاتمه دهد. علی دباغ گفت: عراق آماده است تا مناسبات مستقیم نظامی خود را با آمریکا تا پایان ماه دسامبر خاتمه دهد و به منظور اجرای برنامه‌های آموزشی در سال ۲۰۱۲ و پس از آن به پیمانکاران خصوصی تکیه کند.

دباغ افزود: وقتی ما تجهیزات خریداری می‌کنیم، احتمال آن وجود دارد که آموزش بر اساس شرایط تجاری پیش رود.

وی گفت: عراق همچنان آمادگی دارد تا درباره حضور مربیان نظامی آمریکایی بدون برخورداری از مصونیت با آمریکا مذاکره کند.

در این حال، جلال طالبانی، رئیس جمهوری عراق از آمریکا خواست که حتی بعد از زمان رسمی خروج نیروهایش از خاک عراق، بیش از ۵۰۰۰ سربازش را در خاک این کشور نگه دارد. جلال طالبانی در روزنامه الصباح، چاپ بغداد از آمریکا درخواست کرد که بیش از ۵۰۰۰ سرباز خود را حتی بعد از زمان رسمی خروج نیروهایش، در این کشور نگه دارد.

جلال طالبانی به الصباح گفت: تمامی احزاب عراق، حامی این تصمیم هستند. به گزارش اشپیگل، همه احزاب عراق غیر از جنبش شیعی صدر موافق ادامه حضور بخشی از نیروهای آمریکایی در خاک این کشور هستند.

اظهارات مقتدا صدر

رهبر جریان صدر در پاسخ به استفتأ یکی از طرفدارانش در نجف در باره حضور مربیان آمریکایی در خاک عراق گفت: مخالف حضور مربیان، نظامیان، سفارت، شرکت‌ها و حتی افراد آمریکایی در عراق هستیم.

«مقتدا صدر» رهبر جریان صدر در پاسخ به استفتاء یکی از طرفدارانش در نجف اشرف در رابطه با موضع وی در قبال حضور مربیان آمریکایی در خاک عراق تاکید کرد: مخالف حضور مربیان، نظامیان، سفارت، شرکت‌ها و حتی افراد آمریکایی در عراق هستیم.

وی افزود: هر چیزی که رنگ و بوی آمریکایی و غربی بدهد مخالف آن هستم، حتی اگر انگشتم آمریکایی باشد آن را قطع می‌کنم.

این استفتاء بازتاب بسیار گسترده‌ای در جامعه رسانه‌ای عراق داشت.

تلفات جدید

بمب‌گذاری‌های بغداد دست کم ۴۶ کشته و زخمی بر جا گذاشت.

خبرگزاری فرانسه با اعلام این خبر افزود: در جریان انفجار سه بمب در یکی از محله‌های بغداد، دست کم ۹ تن کشته و ۲۱ تن مجروح شدند. منابع رسمی در بغداد خبر داده‌اند که دو انفجار به فاصله زمانی ۶ دقیقه از یکدیگر در منطقه «اسکان» واقع در غرب بغداد روی داد.

وزارت کشور عراق در عین حال از حملات و بمبگذاری‌های دیگری نیز در محله‌های دیگر بغداد خبر داد و اعلام کرد که در جریان این حوادث نیز ۱۲ تن مجروح شده‌اند.

ادعای ویکی لیکس

پایگاه اینترنتی ویکی لیکس فاش کرد که چندی پیش از تجاوز آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، ۳۲۰ افسر ارشد صدام در قبال زندگی در آمریکا متقاعد شدند که به وی خیانت کنند.

اسناد منتشر شده از پایگاه اینترنتی «ویکی لیکس» نشان می‌دهد که سرویس اطلاعاتی آمریکا «سیا» اقدام به فراری دادن تعداد زیادی از فرماندهان نظامی صدام به آمریکا از طریق پایگاه «انجرلیک» در ترکیه کرده است. براساس این اسناد که مکاتبات دیپلماتیک وزارت خارجه آمریکا است، سیا اندکی پیش از حمله به عراق ۳۲۰ افسر ارشد صدام را متقاعد کرد که دست از حمایت صدام بردارند و در مقابل به همراه خانواده‌هایشان به آمریکا پناهنده شوند.

اعلام آمادگی محمود عباس و نتانیاهو برای ازسرگیری مذاکرات سازش

سرویس خارجی: رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی برای ازسرگیری مذاکرات سازش اعلام آمادگی کردند.

به گزارش فارس، محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین که در راستای سفر دوره‌ای خود به آمریکای لاتین وارد کلمبیا شده است، آمادگی خود را برای ازسرگیری مذاکرات سازش در هر لحظه از زمان اعلام کرد.

وی در مراسمی که شهردار بوگوتا پایتخت کلمبیا به افتخار عباس ترتیب داده بود، گفت: ما موافق مذاکرات صلحی هستیم که به تشکیل کشور فلسطین در کنار دولت اسرائیل بیانجامد.

عباس افزود: اگر اسرائیل آمادگی داشته باشد حاضریم هر لحظه به میز مذاکرات بازگردیم و درخواست به رسمیت شناختن فلسطین در سازمان ملل منافاتی با این روند ندارد.

از سوی دیگر دفتر بنیامین نتانیاهو با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که وی با دعوت اتحادیه اروپا برای نشست با عباس در راستای تلاش برای ازسرگیری مذاکرات سازش موافقت کرده است.

از سویی نماینده فلسطین در سازمان ملل، باج دادن آمریکا به مسئولان فلسطینی برای عقب‌نشینی از درخواست عضویت کشور فلسطین در سازمان ملل را ننگ‌آور خواند.

ریاض منصور گفت: مسئولان فلسطینی به خاطر این باج دادن هرگز از درخواست‌های خود عقب‌نشینی نمی‌کنند.

شهادت یک فلسطینی

یک فلسطینی به ضرب گلوله نظامیان رژیم صهیونیستی در نزدیکی گذرگاه بیت حانون به شهادت رسید.

به گفته منابع فلسطینی، این فرد ساکن منطقه بیت حانون بود و در نزدیکی دیوار مرزی قدم می‌زد که ناگهان با یورش نظامیان صهیونیست روبرو شد و اشغالگران قدس بدون هرگونه دلیلی به سوی او تیراندازی کردند که بلافاصله منجر به شهادت وی شد.

در این حال شبکه الجزیره اعلام کرد نیروهای پلیس رژیم صهیونیستی به سوی تحصن کنندگان در رام‌الله گاز اشک‌آور شلیک کردند.

نیروهای اشغالگر کوشیدند مانع از تظاهرات مسالمت‌آمیز و تحصن در برابر زندان عوفر شوند و تعداد زیادی گاز اشک‌آور به سوی فلسطینی‌ها شلیک کردند.

گفتنی است خانواده‌های اسرای فلسطینی برای اعلام همبستگی با اسرا که دست به اعتصاب غذا زده‌اند، در برابر زندان عوفر در غرب رام‌الله تجمع کرده بودند.

از سویی نیروهای اشغالگر صهیونیست مسجد «خربه یرزا» در منطقه «المالحه» واقع در الاغوار شمالی را برای سومین بار متوالی تخریب کردند.

سومین بار است که اشغالگران این مسجد را به بهانه وجود آن در یک منطقه نظامی که ساخت و ساز در آن ممنوع است، تخریب می‌کنند.

استقرار نیرو در سینا

رژیم صهیونیستی اعلام کرد به مصر اجازه استقرار شمار بیشتری از نیروهای مسلح خود را در صحرای سینا می‌دهد.

به گزارش آسوشیتدپرس، این اقدام منعکس‌کننده نگرانی فزاینده رژیم صهیونیستی از وقوع حملات بالقوه از سوی صحرای سینا است.

رژیم صهیونیستی براساس توافقنامه سال ۱۹۷۹ با مصر، نیروهای خود را از این صحرا عقب کشید. براساس این پیمان بخش اعظم صحرای سینا غیرنظامی شد و تنها چندصد مأمور پلیس مصر مجاز به استقرار در آن بودند.

اما از هنگام سقوط حسنی مبارک، رژیم صهیونیستی به منظور رویارویی با نفوذ افراد مسلح به سرزمین‌های اشغالی و همچنین جلوگیری از تردد فلسطینیان از غزه، به قاهره اجازه استقرار نیروهای بیشتری در این صحرا را داده است.

بحران در اسرائیل

به دنبال شکست مذاکرات کابینه نتانیاهو با معترضان صهیونیست، هزاران نفر از پزشکان و کارکنان بیمارستانی با هدف شرکت در تظاهراتی گسترده که برای شنبه هفته آینده برنامه‌ریزی شده از مشاغل خود استعفا کردند. «یونا وایسباچ» از هماهنگ‌کنندگان تظاهراتها در شهرهای مختلف سرزمین‌های اشغالی اعلام کرد پزشکان و کارکنان بیمارستانی خواستار افزایش حقوق و بهبود شرایط زندگی خود هستند. گفتنی است یکی از محورهای اصلی اعتراضات ساکنان سرزمین‌های اشغالی افزایش بهای مسکن و اجاره بها در شهرهای مختلف این منطقه است.

کابینه رژیم صهیونیستی تاکنون جلسات متعددی را برای پایان دادن به اعتراضات تشکیل داده، اما تاکنون نتیجه خاصی در این ارتباط نگرفته و این درحالی است که معترضان کمیته‌ای را برای پیگیری خواست‌های خود تشکیل داده‌اند.

روسیه و چین قطعنامه جدید درباره سوریه به شورای امنیت می‌دهند

سرویس خارجی: سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد مسکو و پکن آماده هستند پیش‌نویس قطعنامه جدیدی را به شورای امنیت ارائه کنند که در آن توازن بیشتری به چشم می‌خورد و خشونت‌ها از سوی دو طرف درگیر در سوریه به یک اندازه محکوم شده است.

لاوروف با تاکید بر لزوم اجرای اطلاحات تصریح کرد: باید از بشار اسد بخواهیم به اصلاحاتی که آن را آغاز کرده است، ادامه دهد. وی اظهار داشت: باید مخالفان سوری را نیز تشویق کنیم بر سر میز مذاکره بنشینند تا توافق بین دو طرف حاصل شود و ما با شرکای چینی خود آماده هستیم پیش‌نویس قطعنامه‌ای را در این خصوص تقدیم شورای امنیت کنیم.

وزیر امور خارجه روسیه همچنین از طرح پیش‌نویس کشورهای غربی درخصوص سوریه ابراز نگرانی کرد و اظهار داشت این طرح ممکن است به تحریم کامل فروش سلاح به سوریه که هم‌پیمان استراتژیک و قدیمی روسیه است، بینجامد.

از سوی دیگر میخائیل مارگیلف، نماینده روسیه در خاورمیانه و شمال آفریقا با گروهی از مخالفان سوریه که به مسکو سفر کرده‌اند، دیدار کرد.

مارگیلف در پایان این دیدار اعلام کرد مواضع مخالفان سوری مسالمت‌آمیز است. وی همچنین تصریح کرد: ما آماده برگزاری یک نشست بین مخالفان و مقام‌های سوریه هستیم و این نشست می‌تواند در مسکو یا هر مکان دیگری برگزار شود.

در این حال سخنگوی وزارت خارجه چین خواستار اجرای سریعتر اصلاحات وعده داده شده دولت سوریه شد. «لیو ویمین» به خبرنگاران گفت: به اعتقاد ما دولت سوریه باید اجرای اصلاحات وعده داده شده را تسریع کند و روند سیاسی این کشور را با شرکت تمامی احزاب سیاسی به پیش ببرد.

اصلاح قانون اساسی

معاون دبیرکل حزب حاکم سوریه اعلام کرد به زودی دستور ریاست جمهوری برای تشکیل کمیته اصلاح قانون اساسی صادر می‌شود.

«محمد سعید بخیتان» اعلام کرد دستور رئیس جمهوری برای تشکیل کمیته مامور اصلاح قانون اساسی سوریه تا ساعات دیگر صادر می‌شود.

بخیتان افزود: قانون اساسی جدید حیات سیاسی کشور را تنظیم خواهد کرد و تاکید ما بر ضرورت همکاری و انتخاب گزینه صحیح به دور از قبیله‌گری و مذهبی کاری و غیره است.

موضع اروپا

اتحادیه اروپا در جریان نشست وزیران خارجه خود در لوکزامبورگ ضمن استقبال از تشکیل شورای ملی مخالفان سوریه، آمادگی خود را برای تشدید تحریم‌ها علیه دمشق اعلام کرد.

در بیانیه منتشره از سوی اتحادیه اروپا آمده است: اتحادیه اروپا آماده تشدید تحریم‌ها علیه سوریه است و از تلاش‌های مردم این کشور برای برقراری جبهه‌ای از مخالفان متحد حمایت می‌کند و از جامعه بین‌الملل نیز می‌خواهد همین رویه را در پیش گیرد.

از سویی شورای انتقالی لیبی اعلام کرد که شورای ملی سوریه، متشکل از مخالفان حکومت این کشور را نماینده مشروع مردم سوریه می‌داند و آن را به رسمیت می‌شناسد.

لیبی نخستین کشور جهان است که رسماً از مخالفان حکومت سوریه حمایت می‌کند و به گفته سخنگوی شورای انتقالی لیبی، سفارت سوریه در لیبی نیز که نمایندگی حکوم بشار اسد را برعهده دارد، تعطیل خواهد شد.

خبر دیگر اینکه نیروهای ارتش سوریه به افراد مسلح در شهر حمص ۴۸ ساعت برای تسلیم مهلت دادند.

جالب این که افراد مسلح نیز به نیروهای ارتش مهلت داده‌اند شهر را در ۴۸ ساعت ترک کنند، در غیر این صورت اقدام به حمله مسلحانه شدیدتر خواهند کرد.

در همین حال ارتش سوریه اعلام کرده در پایان فرصت مزبور، عملیات پاکسازی کامل محله‌هایی را که شاهد اقدام‌های تروریستی مسلحانه است، آغاز خواهد کرد.

یورش پلیس آمریکا به معترضان در بوستون



تظاهرات گسترده معترضان در شیکاگو _عکس از خبرگزاری فرانسه

سرویس خارجی: رسانه‌های خبری از حمله پلیس آمریکا به تظاهرات‌کنندگان معترض به سیستم اقتصادی حاکم بر ایالات متحده خبر دادند.

پلیس آمریکا به معترضان حاضر در خیابان‌های شهر بوستون حمله و تعدادی از آنها را نیز بازداشت کرد.

تظاهرات شهر بوستون در ادامه تظاهرات «جنبش تسخیر وال استریت» برگزار شد.

این جنبش ضد تبعیض و بی عدالتی حاکم بر غرب هم اکنون به بیش از یک هزار و ۱۰۰ شهر آمریکا و چند کشور اروپایی سرایت کرده است. از سویی، هزاران آمریکایی از جمله معلمان، رهبران دینی و کارگران اتحادیه‌های مختلف در اعتراض به سیاست‌های اقتصادی دولت و افزایش نرخ بیکاری، در شیکاگو تظاهرات گسترده‌ای برپا کردند.

هزاران تن از معلمان، رهبران دینی و کارگران و کارکنان اتحادیه‌های گوناگون در آمریکا در اعتراض به سیاست‌های مالی و اقتصادی دولت «باراک اوباما»، رئیس جمهوری آمریکا و افزایش نرخ بیکاری، در حومه شیکاگو تظاهرات گسترده‌ای برپا کردند.

برخی از این معترضان با شعار «ما ۹۹ درصد هستیم» و «از ثروتمندان، مالیات، مالیات، مالیات بگیرید» در خیابان «میشیگان» تظاهرات و در خارج از موسسه هنرهای شیکاگو تجمع کردند.

جمع زیادی از معترضان نیز مقابل هتل مجللی در نزدیکی محل برگزاری نشست انجمن بانکداران آمریکا تجمع کردند.

مأموران پلیس آمریکا تعداد معترضان را ۳۰۰۰ نفر تخمین زده‌اند.

به دنبال این اعتراضات، پلیس دست کم ۲۶ نفر از معترضان را دستگیر کرد که بسیاری از آنها تی‌شرت‌های معلمان شیکاگو را بر تن داشتند و شعار می‌دادند: «مدارس ما را نجات دهید، خانه‌های ما را نجات دهید».

در این حال «اریک هولد»، دادستان کل آمریکا به اتهام کوتاهی در انجام وظایف قانونی خود به مجلس نمایندگان احضار شد.

اریک هولدر، دادستان آمریکا متهم است در جریان عملیات شکست خورده سریع و بی امان که منجر به فروش ۲۰۰۰ قبضه سلاح به قاچاقچیان مکزیکی و کشته شدن دو نفر از ماموران دولت آمریکا شد، به وظایف قانونی خود عمل نکرده است، اما او این اتهام را رد می‌کند.

«دارل عیسی»، نماینده مجلس و رئیس کمیته بازخواست از دادستان کل آمریکا اظهار داشت: شواهد موجود نشان می‌دهد که هولدر از این عملیات اطلاع داشته است. بنابراین باید به اتهام کوتاهی در انجام وظایف قانونی، مورد بازخواست قرار گیرد.

حمله موشکی به محل سخنرانی فرماندار ایالت «خیبر» پاکستان

سرویس خارجی: اصابت سه موشک به محل سخنرانی فرماندار ایالت خیبر پاکستان، یک کشته و هفت زخمی بر جای گذاشت.

سه موشک به محل اجتماع بزرگان قبایل که برای استماع سخنان «مسعود کوثر» فرماندار ایالت خیبر در منطقه قبیله‌ای «اورکزی ایجنسی» گردهم آمده بودند، اصابت کرد.

قرار بود مسعود کوثر فرماندار ایالت خیبر در این نشست سخنرانی کند، اما بعد از اصابت موشک به محل برگزاری جلسه، وی دوباره به پیشاور بازگشت.

در این حادثه به فرماندار خیبر آسیبی نرسید.

از سوی دیگر، مقام‌های ارتش پاکستان اعلام کردند سربازان پاکستانی ۳۰ شبه نظامی افغان را که از مرز گذشته تا به ارتش پاکستان حمله کنند، کشتند.

این حمله که توسط گروهی متشکل از ۲۰۰ شبه نظامی افغان صورت گرفت، می‌توانست بر روابط پاکستان و افغانستان خدشه وارد کند که اغلب یکدیگر را به شکست در مقابله با عملیات شبه نظامیان در مناطق مرزی متهم می‌کنند.

مقام‌های پاکستانی اعلام کردند که در این درگیری که باعث بسته شدن یک ساعته مرز شد، یک سرباز پاکستانی کشته و چهار تن از آنان مجروح شدند.

همچنین مقام‌های امنیتی پاکستان اعلام کردند؛ شبه نظامیان محلی سه تن از نیروهای نظامی پاکستان را در منطقه قبایلی «کرم» در شمال غربی این کشور ربودند.

این نظامیان در بخش «چپری» در منطقه کرم ایجنسی از یک پست ایست و بازرسی مرزی توسط شبه نظامیان محلی ربوده شدند.

تاکنون هیچ گروهی مسئولیت این حمله را بر عهده نگرفته است.

در تحولی دیگر سازمان تحقیقات فدرال پاکستان از دستگیری یکی از ماموران صدور ویزای سفارت انگلیس در اسلام‌آباد به اتهام صدور ویزای جعلی از طریق ترغیب مردم این کشور برای سفر به انگلیس خبر داد.

در این حال، دیوان عالی پاکستان دستور تعلیق حکم اعدام قاتل «سلمان تأثیر» فرماندار فقید ایالت پنجاب پاکستان را صادر کرد.

«وکیل ممتاز قادری» مأمور پلیسی که سلمان تأثیر فرماندار فقید ایالت پنجاب را به ضرب گلوله در اوایل سال ۲۰۱۱ میلادی به قتل رسانده بود، دستور قاضی در تعلیق این حکم را تأیید کرد.

خاورمیانه و رخدادها

العوامیه

سیدمحی‌الدین ساجدی

هفته گذشته پلیس سعودی دو مرد کهنسال را در روستای «العوامیه» بازداشت می‌کند. این دو گناهی نداشتند. پسران این دو به سبب شرکت در تظاهرات تحت تعقیب قرار داشتند. دو پدر را گرفتند تا دو پسر را به دست آورند. یکی از این دو پدر در کلانتری روستا به حمله قلبی دچار شد، که ناچار شدند او را به درمانگاه ببرند. مردم روستا دربرابر کلانتری جمع و خواستار آزادی این دو پدر شدند. کار بالا گرفت و پلیس سعودی به مردم حمله کرد. مردم هم به حمله پاسخ دادند و چند کوکتل مولوتوف به طرف پلیس پرتاب کردند. وکیلی هم که برای خبر گرفتن از این دو پدر به کلانتری رفته بود، بازداشت شد. دوست این وکیل را هم که برای خبر گرفتن از او رفته بود به بازداشتگاه بردند.

سرانجام، دو پدر آزاد شدند و تظاهرات به پایان رسید، ولی دولت سعودی و مطبوعات دولتی این کشور ابعاد گسترده‌ای به این تظاهرات دادند. وزارت کشور سعودی می‌گوید که مردم این روستا باید تکلیف خود را بین وفاداری به آل سعود یا کشورهای خارجی مشخص کنند و دولت‌های خارجی هم باید از مداخله در امور داخلی سعودی دست بردارند. مفتی‌ها به صحنه آمدند و مردم این روستا را تا حد تکفیر، محکوم کردند. منابع رسانه‌ای سعودی به اتفاق گفتند که منظور از کشور و دولت خارجی، ایران بوده است. معلوم نیست که دولت ایران چگونه توانسته است در روستایی در منطقه «شرقیه» عربستان نفوذ کند؟ در این روستا نه سفارت ایران وجود دارد و نه کنسولگری ایران!

روستای العوامیه در منطقه نفتخیز عربستان قرار دارد؛ جایی که مردمش به تبعیض آشکاری دچارند و در مناصب لشکری و کشوری جایی ندارند. مردم شیعی این منطقه همان مشکلاتی را دارند که بقیه مردم عربستان به آن دچارند. در این کشور، رئیس سه قوه یک نفر است و رأی مردم در هیچ انتخاباتی لحاظ نمی‌شود. مشکل دیگر مردم این منطقه، تبعیض مذهبی است که در حق آنان اعمال می‌شود.

هنوز در مرکز قدرت سیاسی و شهرهای بزرگ عربستان خبری نیست. پادشاه سالخورده سعی می‌کند با پمپاژ پول به مردم، آنان را ساکت نگه دارد، ولی دامن زدن به موضوع اختلافات مذهبی و متهم کردن غیر مستقیم ایران در آستانه مراسم حج، سؤال برانگیز است. کسانی که امامت جماعت حرم‌های شریف مکی و مدنی را برعهده دارند، از محکوم کردن شیعیان ابایی ندارند. دولت نیز عملا به این عده میدان می‌دهد. دولت سعودی همه کار کرد که اکثریت مردم بحرین نتوانند به خواسته‌های خود در برقراری نظام مشروطه پارلمانی و تعیین نخست وزیر جدید در پارلمان برسند. این طرح راه به جایی نبرده است. رژیم سعودی نگران است که پیروزی خیزش مردمی در بحرین یا یمن، به شدت بر وضع اجتماعی و سیاسی عربستان تأثیر بگذارد؛ بویژه که سنت‌های اجتماعی در این سه کشور بسیار به هم نزدیک است.

زنان بحرین و یمن نقش مهمی در صحنه سیاسی بازی می کنند. اینکه خانمی در یمن برنده جایزه صلح نوبل شود، قبل از همه، برای سعودی‌ها خبر ناخوشایندی است. در عربستان، زنان از کمترین حقوق محروم‌اند و در یمن، زنان پرچمدار تحول سیاسی می‌شوند. رژیم بحرین نیز زنان را گروه گروه به زندان می‌اندازد و پزشکان زن را به اتهام درمان تظاهرکنندگان زخمی، به زندان می‌برد. شاید اینکه رژیم سعودی مایل است حادثه روستای عوامیه را به صحنه برخورد میان دولتها بکشاند، بی‌ارتباط با وضع سوریه نباشد که امکان دارد با مرحله خطرناک جنگ فرقه‌ای داخلی روبرو شود. اسنادی در دست است که نشان می‌دهد پادشاه عربستان بعد از سقوط بغداد، از جرج بوش خواسته بود حکومت سوریه را براندازد تا توازن با عراق برقرار شود.

دبیر کل ناتو: به پایان عملیات در لیبی نزدیک شده‌ایم

سرویس خارجی: دبیر کل ناتو اعلام کرد ناتو به پایان عملیات نظامی‌اش در لیبی نزدیک است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه آندرس فوگ راسموسن در نشست مجمع پارلمانی ناتو در بخارست به خبرنگاران گفت: به پایان عملیات ناتو در لیبی نزدیک شده‌ایم. وی خاطرنشان کرد که معمر قذافی برای ناتو هدف محسوب نمی‌شود.

راسموسن افزود عملیات ناتو تا زمانی که لازم باشد و تهدیدها علیه غیرنظامیان وجود داشته باشد، ادامه خواهد یافت اما این آمادگی وجود دارد که اگر شرایط مناسب باشد عملیات در لیبی خاتمه یابد. وی تصریح کرد به رغم پیشروی نیروهای شورای ملی انتقالی لیبی به سوی شهر سرت، ناتو هیچ اطلاعی از محل پنهان شدن قذافی ندارد.

این در حالی است که نبردهای خونین در لیبی همچنان ادامه دارد و بنابر گزارش‌ها بیش از ۲۰ نفر کشته و ۸۰ تن دیگر در سرت زخمی شدند. نیروهای انقلابی لیبی اعلام کردند توانسته‌اند طرفداران قذافی را در مرکز شهر سرت محاصره کنند. شبکه الجزیره گزارش داد درگیری‌های خونینی در خیابان‌های سرت در جریان است و مزدوران قذافی به شدت مقاومت می‌کنند. یکی از فرماندهان نیروهای انقلابی نیز اعلام کرد حامیان قذافی را تا نزدیکی دریا عقب راندند. این در حالی است که براساس گزارش‌های موجود، درگیری‌های سنگین در سرت ادامه دارد و نیروهای قذافی همچنان مقاومت می‌کنند. شورای ملی انتقالی لیبی نیز اعلام کرده به محض اینکه سرت سقوط کند، آنان آزادی ملی را اعلام خواهند کرد. در این حال، فرمانده عملیات هوایی ناتو در لیبی اظهار داشت صدها تن از نیروهای سازمان یافته و وفادار به قذافی همچنان در دو شهر سرت و بنی ولید تهدیدی سرسختانه را ایجاد و از فضاهای شهری برای پیچیده ساختن ماموریت ناتو بهره‌برداری می‌کنند.

ژنرال رالف جی. جودیس، فرمانده نیروی هوایی آمریکا و عملیات هوایی ناتو در لیبی اظهار داشت: تک تیراندازان هوادار قذافی بر روی پشت بام‌ها و افراد مسلح سوار بر وانت‌ها در شهرهای سرت و بنی ولید همچنان ساکنان را می‌کشند و بسیاری دیگر را می‌ترسانند. خبر دیگر اینکه دهها دانشجوی لیبیایی و برخی اعضای ائتلاف ۱۷ فوریه در اردن، با حمله به ساختمان سفارت لیبی در امان، شماری از کارمندان طرفدار رژیم قذافی در این سفارتخانه را اخراج کردند.

کوتاه از سراسر جهان

الجزایری‌ها برای اصلاح بخش آموزش اعتصاب کردند

ایرنا: الجزایری‌ها برای اصلاحات در بخش آموزش این کشور اعتصاب گسترده‌ای را در سطح ملی برگزار کردند. سندیکاهای فعال در بخش آموزش این کشور با سازماندهی و برگزاری تظاهراتی ملی، خواستار انجام اصلاحات در بخش آموزش شدند. در حالی که سندیکاهای تابع اتحادیه کار در الجزایر اعلام کردند که اعتصاب این کشور ۹۰ درصد به اجرا گذاشته شد، وزارت آموزش و پرورش الجزایر اعلام کرد که این اعتصاب تنها ۳۰ درصد از بخش آموزش الجزایر را تحت تأثیر قرار داده است.

وزیر دفاع انگلیس عذرخواهی کرد



ایرنا: وزیر دفاع انگلیس طی سخنانی در پارلمان این کشور از رفیق‌بازی‌های خود برای حضور دوستش در دفاع عذرخواهی کرد. «لیام فاکس» در این سخنان تأکید کرد که در ارتباطات خود با دوستان قدیمی‌اش قوانین و مقررات را نقض نکرده است. گزارش‌های انگلیس طی چهار روز گذشته گزارش‌های متعددی را درباره «آدام ورتی» منتشر کرده‌اند که از دوستان قدیمی لیام فاکس وزیر دفاع انگلیس بوده و بدون این که سمتی داشته باشد، در امور مربوط به وزارت دفاع مداخله داشته است.

عفو ۶۰۰۰ زندانی در میانمار

ایسنا: تلویزیون دولتی میانمار اعلام کرد بیش از شش هزار زندانی این کشور مشمول عفو شده‌اند، خبری که امیدهایی برای آزادی قریب‌الوقوع صدها زندانی را به عنوان نشانه‌ای از تغییرات عرصه سیاسی این کشور افزایش داده است. سرنوشت حدود دو هزار زندانی سیاسی این کشور شامل مبارزان حامی دموکراسی، خبرنگاران و وکلا در راس خواست کشورهای غربی است که تحریم‌هایی را علیه این کشور اعمال کرده‌اند.

آغاز رزمایش هند و فرانسه

ایرنا: رزمایش مشترک تعدادی از نیروهای زمینی ارتش هند و فرانسه با عنوان شاکتی ۲۰۱۱ در ایالت «اتارچال» هند آغاز شد.

این رزمایش دیروز در منطقه «چائوباتیا» در «رانیکهت» هند شروع شد که در آن ۶۰ نفر فرانسوی متخصص مبارزه در کوهستان و همین تعداد از واحد کوهستان ۹۹ هنگ ایالت بیهار هند به منظور ارتقای مهارت‌های رزمی، افزایش شناخت متقابل و قابلیت انجام عملیات مشترک شرکت دارند.

انفجار در راه آهن برلین

ایسنا: حرکت بیش از ۳۰۰ قطار در پی انفجار بطری‌های حامل مواد مایع منفجره در راه آهن برلین با تاخیر مواجه شد. گروه‌های افراطی چپ آلمان مسئولیت این حمله را بر عهده گرفتند.

این گروه اعلام کرد؛ این اقدام در اعتراض به حضور نیروهای آلمان در افغانستان صورت گرفته است.

«لاوروف» و مذاکرات موشکی روسیه و آمریکا



ایرنا: وزیر امور خارجه روسیه با اشاره به ادامه تلاش‌های آمریکا برای ایجاد سپر موشکی در قاره اروپا و نادیده گرفتن مواضع روسیه در این زمینه گفت: پیشرفتی در مذاکرات روسیه و آمریکا در زمینه امنیت موشکی وجود ندارد.

سرگئی لاوروف اظهار داشت: مذاکره همیشه بهتر از مذاکره نکردن است اما در مذاکرات روسیه و آمریکا در زمینه امنیت موشکی قاره اروپا هیچ گونه پیشرفتی بدست نیامده است.

جلالی: رسیدگی به شکایت ایران از روسیه آزمونی برای دادگاه پاریس است

ایرنا: سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، رسیدگی شفاف به شکایت ایران از روسیه در پرونده فروش موشک‌های اس ۳۰۰ را آزمونی مهم برای دادگاه بین‌المللی پاریس دانست. کاظم جلالی در حاشیه جلسه علنی دیروز مجلس اظهار داشت: پیگیری مسائل حقوقی کشورها از طریق دادگاه‌های بین‌المللی بخشی از روندی است که باید انجام شود. جلالی اظهار امیدواری کرد در این دادگاه در رسیدگی به شکایت ایران از روسیه روند سیاسی حاکم نشود. وی یادآور شد: نتیجه این دادگاه صداقت و شفافیت دادگاه‌های بین‌المللی را در رسیدگی به شکایت کشورها مشخص می‌کند. جلالی با بیان این که در این ملاقات‌ها بارها تأکید کرده‌ایم که در افکار عمومی ایران همواره یک بی‌اعتمادی تاریخی به روس‌ها وجود دارد، افزود: از آن‌ها خواسته‌ایم تا به گونه‌ای حرکت نکنند که این بی‌اعتمادی ادامه داشته باشد چرا که ما دوست نداریم در گذشته باقی بمانیم.

شورشیان «الشباب» از موگادیشو رانده شدند

ایرنا: نیروهای اتحادیه آفریقا می‌گویند پیکارجویان افراط‌گرای گروه «الشباب» را از آخرین سنگر گاهشان در شمال موگادیشو، پایتخت سومالی بیرون رانده‌اند.

ژنرال «فرد موگیشا» از این نیرو گفت: «ما سراسر موگادیشو را کنترل می‌کنیم.» او گفت که نیروهای دولت سومالی نیز در این عملیات شرکت داشتند. گزارش‌ها حاکیست که یک سرباز اتحادیه آفریقا و هشت غیر نظامی در این نبردها کشته شده‌اند.

سفر رسمی پوتین به چین

ایرنا: ولادیمیر پوتین، نخست‌وزیر روسیه با ورود به پکن، سفر دو روزه رسمی خود به چین را آغاز کرد.

نخست‌وزیر روسیه در روز نخست اقامت در پکن با هو جین تائو، رئیس جمهوری، «ون جیابائو» نخست‌وزیر و «ووبانگ گوا» رئیس کنگره ملی خلق چین دیدار و گفت‌وگو کرد. پوتین در این سفر در شانزدهمین نشست نخست‌وزیران دو کشور نیز شرکت می‌کند.

پوتین هنگام ورود به پکن، روابط مشترک با چین را بی‌نظیر توصیف کرد و گفت که دیدار با رهبران چین، گامی مثبت در مسیر توسعه مناسبات دوجانبه است. «لیو خویی» سفیر چین در روسیه نیز روابط دوجانبه را یکی از نمونه‌های مناسبات مطلوب میان قدرت‌های جهان توصیف کرد.

۷ سال زندان برای نخست وزیر سابق اوکراین



ایرنا: «یولیا تیموشنکو» نخست وزیر سابق اوکراین دیروز به هفت سال زندان محکوم شد.

قاضی دادگاه «پچورسکی کی یف»، که محاکمه درآن صورت گرفت، اعلام کرد؛ یولیا تیموشنکو نخست وزیر سابق اوکراین در عقد قرارداد گازی با روسیه، فراتر از اختیارات خود عمل و به شرکت نفت و گاز اوکراین ۱۸۹ میلیون دلار (یک و نیم میلیارد گریونا) خسارت وارد کرده‌است و باید این خسارت را بپردازد. تیموشنکو طی سخنانی در دادگاه حکومت اوکراین را رژیم استبدادی عنوان کرد و خطاب به مردم اوکراین گفت که از رژیم خودکامه «ویکتور یانوکوویچ» هراسی نداشته باشند.

کلیسای ارتدوکس مصر نفوذی‌ها را عامل آشوب‌های قاهره خواند

ایرنا: شورای کلیسایی مسیحیان ارتدوکس مصر با برگزاری نشستی، نفوذی‌ها را عامل آشوب‌های دو روز گذشته قاهره دانست.

نشست شورای کلیسایی مسیحیان ارتدوکس به ریاست «پاپ شنوده» و با حضور ۷۰ تن از کشیشان برگزار شد. از سویی دادستانی نظامی مصر حکم زندانی و بازجویی ۲۱ متهم در ارتباط با حوادث دو روز پیش قاهره را صادر کرد.

شبکه الجزیره قطر نیز اعلام کرد دو روز پس از حوادث خونین منطقه ماسپیرو در قاهره، اوضاع در پایتخت مصر آرام است. حزب‌الله لبنان نیز با صدور بیانیه‌ای دلیل درگیری اخیر در مصر را فتنه‌انگیزی آمریکا دانست و از ملت مصر خواست تا نسبت به این توطئه‌ها هوشیار باشند.

حزب الله لبنان در پی درگیری‌های اخیر میان قبطی و مسلمانان در مصر با صدور بیانیه‌ای ابراز تاسف کرد.

نبرد سنگین میان طالبان و نیروهای دولتی افغان در ولایت «پروان»

خبرگزاری فارس: فرمانده پلیس ولایت «پروان» از درگیری شدید بین طالبان و نیروهای افغان خبر داد.

«شیراحمد ملدانی» فرمانده پلیس ولایت پروان اظهار داشت: درگیری شدیدی که از روز گذشته در منطقه «سیاگرد» این ولایت آغاز شده است، همچنان ادامه دارد. در این عملیات تاکنون پنج شبه نظامی کشته و ۳۰ نفر دستگیر شده‌اند.

در همین حال سخنگوی استاندار نورستان افغانستان اعلام کرد: شورشیان یک مقام دولتی این استان را به قتل رساندند. «محمد زرین» این مقام دولتی را «محمود نبی» مدیر اجرایی استانداری نورستان معرفی کرد که هنگام بازگشت از جلال‌آباد به نورستان در مسیر راه ترور شد. از سوی دیگر به دنبال آغاز دور جدید حملات موشکی به خاک افغانستان که از خاک پاکستان صورت می‌گیرد، صدها تن از شهروندان کابل دست به تظاهرات زدند.

در تحولی دیگر، سازمان ملل متحد در گزارشی، از شکنجه نظام‌مند در زندان‌های تحت نظارت دستگاه امنیت و اطلاعات افغانستان خبر داد.

یونان در گرداب اعتصاب

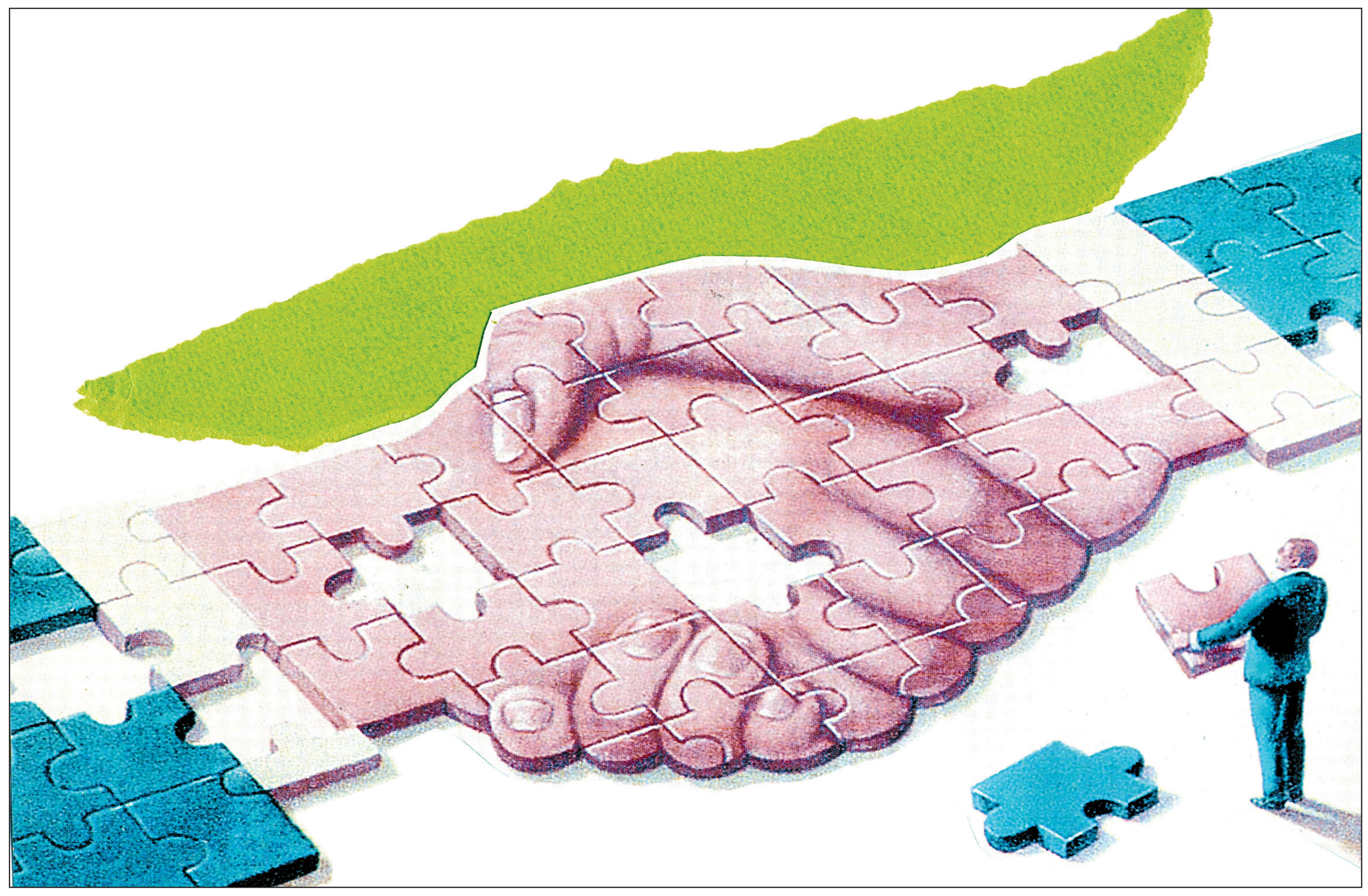
ایرنا: یونان با موج تازه‌ای از اعتصاب‌ها روبه‌رو شد.

کارمندان دولتی اداره‌ها و شهرداری‌ها و معلم‌ها دیروز در حالی دست از کار کشیدند و ورودی‌های محل کار خود را مسدود کردند که دولت این کشور مذاکرات خود را با اتحادیه اروپا و صندوق بین‌المللی پول بر سر کاهش هزینه‌ها و دریافت وام جدید به پایان رسانده است.

کارگران یکی از پالایشگاه‌های مهم نیز به نشانه اعتراض به اعتصاب‌کنندگان پیوستند و این گونه هم‌آوایی خود را با دیگر معترضان اعلام کردند.

کارمندان و کارگران بیمارستان‌ها و زندان‌بان‌ها هم در اواخر هفته جاری به اعتصاب‌کنندگان خواهند پیوست و ماموران مالیات و کارمندان بانک هم تصمیم دارند هفته آینده دست از کار بکشند. این درحالی است که وکلا هم تهدید کرده‌اند به جمع معترضان خواهند پیوست.

برپایه این گزارش، کارمندان و کارگران بخش دولتی سرا پا خشم هستند چرا که حقوقشان کم شده است و علاوه بر این دولت تصمیم دارد در سال جاری دست کم ۳۰ هزار نفر از کارکنانش را به طور موقت به مرخصی بفرستد.



چتری برای تولیدکننده و مصرف کننده

***بیمه مسئولیت کالا امری ضروری است که از هم‌اکنون باید زمینه‌های قانونی و اجرایی آن فراهم شود. همچنین برای آن که فروشندگان بتوانند با آرامش بیشتری به اعطای حق استرداد یا تعویض کالا بیندیشند، باید چنین نظام بیمه‌ای گسترش یابد**

***بیمه مسئولیت کالا یکی از مهمترین اقسام بیمه است، به طوری که این بیمه‌نامه می‌تواند مسئولیت تولید کننده، واردکننده، عمده‌فروش و خرده‌فروش را در قبال جبران خسارت‌های مصرف‌کننده ناشی از کالاهای معیوب و غیرمعیوب که به بازار عرضه می‌شود، پوشش دهد**

***بیمه مسئولیت کالا درخصوص تأمین حقوق مصرف‌کنندگان شکل گرفته و می‌تواند همانند گواهی استاندارد ملی، نقش اساسی در افزایش کیفیت محصول داشته باشد**

بیمه مسئولیت کالا، از دستاوردهای نوین روابط تجاری بوده که در خصوص توسعه فضای رقابتی و حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده شکل گرفته است؛ به طوری که طرفین معامله می‌توانند از مزایای آن بهره‌مند شوند. درعصر کنونی توانمندساختن بنگاه‌های اقتصادی به‌لحاظ رقابتی؛ الزامی‌ترین بستر تعامل کشورها با اقتصاد جهانی بوده و «رقابت» مفهوم سنتی خود را که مبتنی بر تسلط بر بازار و افزایش سودآوری بود، ازدست داده و بر مفاهیم نوینی چون مشتری‌محوری، رضایت‌مندی طرفین معامله و سهولت در معامله استوار شده است.

باید توجه داشت که بیمه مسئولیت کالا یکی از شاخه‌های بیمه بوده و آنچه اهمیت بررسی این شاخه از بیمه مسئولیت را آشکار می‌سازد، این است که با گسترش تولید کالاهای متنوع در زندگی بشر، دیگر نمی‌توان براساس قواعد معمول، به نحو شایسته‌ای از حقوق طرفین معامله حمایت کرد.

ازطرف دیگر، تحولات مسئولیت مدنی باعث پیدایش خطرهای قانونی برای تولیدکنندگان و تامین کنندگان کالاهای موردنیاز عموم شده و این مساله زمینه را برای گرایش آن‌ها به تضمین‌های بیمه مسئولیت فراهم کرده که خارج از رابطه میان عامل زیان و زیان دیده؛ خسارت وارده را جبران کند.

در این ارتباط می‌توان گفت که اهمیت بیمه مسئولیت کالا در هنگام خرید کالای معیوب توسط مصرف‌کننده کاملاً واضح است؛ وانگهی در خصوص نقش بیمه مسئولیت کالا برای حق استرداد یا تعویض کالای غیرمعیوب باید گفت که فرض کنید مصرف‌کننده در فروشگاه و به هنگام خرید، رنگ لباس را پسندیده است، اما در منزل و به هنگام پوشیدن آن، رنگ آن را نمی‌پسندد و قصد تعویض یا استرداد آن را دارد. در این فرض یا موارد مشابه که در زندگی روزمره برای بسیاری از ما اتفاق افتاده است، می‌توان گفت که به نظر می‌رسد جمع منافع همه اعضای زنجیره تأمین می‌تواند گسترش نظام بیمه مسئولیت کالا باشد؛ به طوری که این نظام از طریق ارائه خدمات پس از فروش بتواند خدمات بیشتر و بهتری را ارایه دهد که یکی از مصادیق آن همانا حق تعویض و استرداد کالای سالم هم است.

در این ارتباط می‌توان گفت که در کشور ما با توجه به ساختار اقتصاد دولت گرا و با توجه به فقدان ثبات قیمت‌ها، فروشندگان بدون برخورداری از یک نظام پوشش بیمه‌ای، رغبتی به اعطای حق استرداد و تعویض کالای سالم ندارند و معمولاً در قراردادهای خود سعی می‌کنند که این حق را از مصرف‌کننده سلب کنند. برای همین است که به نظر می‌رسد برقراری نظام بیمه مسئولیت کالا، علاوه بر آن که به طور غیرمستقیم منافعش به مصرف‌کننده می‌رسد، می‌تواند از فروشنده و تولیدکننده هم در خصوص کالای استرداد شده حمایت می‌کند. به طوری که در مجموع می‌توان گفت که حق تعویض و استرداد در اقتصاد بازارگرا به نفع هر دو طرف معامله بوده و در یک اقتصاد دولتی و مشروط به حمایت از فروشنده از طریق شیوه‌هایی مانند بیمه مسئولیت کالا، به نفع هر دو طرف است و می‌تواند موجبات تعادل منافع همه اعضای زنجیره تأمین را فراهم آورد و برای همین است که به نظر می‌رسد با توجه به پیوستن احتمالی ایران به سازمان جهانی تجارت از هم اکنون باید زمینه‌های توسعه قانونی و اجرایی بیمه مسئولیت کالا در ایران فراهم شود.

در این ارتباط باید توجه داشت که بیمه مسئولیت کالا یکی از مهم‌ترین اقسام بیمه مسئولیت بوده به طوری که این بیمه‌نامه می‌تواند مسئولیت تولیدکننده، واردکننده، عمده‌فروش و خرده‌فروش را در قبال مصرف‌کننده برای جبران خسارت‌های مصرف‌کننده ناشی از کالای معیوب و غیرمعیوب که به بازار عرضه می‌شود را پوشش می‌دهد.

باید توجه داشت که این بیمه اجباری نیست، ولی مجموعه قوانین مختلف برای حمایت موثر از همه اعضای زنجیره تامین، تولیدکنندگان وفروشندگان را عملاً مجبور می‌سازد که بیمه مسئولیت کالا را خریداری کنند. واضح است با تعریف فوق، دامنه پوشش این نوع بیمه فقط به تولیدکنندگان محدود نمی‌شود و همه افرادی را که در زنجیره تأمین کالا نقش دارند،در بر می‌گیرد.

بیمه مسئولیت کالا در توسعه فعالیت‌های اقتصادی نقش موثری ایفا می‌کند که به طور اجمالی به برخی از تاثیرات آن اشاره می‌شود.

– تأمین امنیت حرفه‌ای: در دنیای کنونی ایجاد امنیت برای اصناف مختلف از دو جنبه مهم است. هم ازلحاظ مصرف‌کنندگان و هم از لحاظ افراد شاغل در حرفه‌های مختلف‌به‌طوری‌که‌مصرف‌کنندگان ترجیح می‌دهند از کسانی کالا یا خدمات دریافت کنند که از پشتوانه قوی برخوردار باشند.

– صیانت از نیروی انسانی مولد و ایجاد اشتغال: درشرایط اقتصادی کنونی که مسئله تولید و اشتغال اولویت ویژه‌ای دارد و مشکلات ناشی از خرید کالای معیوب و مسائل پیرامونی آن از مسایل مهم به شمار می‌رود صاحبان مشاغل می‌توانند با خرید بیمه مسئولیت کالا از بروز مشکلات اقتصادی جلوگیری کنند.

– گسترش بازاریابی و ارتقای کیفیت کالا: شرکت‌های مرتبط با بیمه مسئولیت کالا با تحلیل خطر و بیمه کردن کالاهایی که از سطح ایمنی و کیفی مناسبی برخوردارند، نقش موثری در بازاریابی و فروش کالاها ایفا می‌کنند؛ همچنین در تولید محصولات صنعتی که نیازمند فناوری بالایی هستند، پوشش خدمات بیمه مسئولیت، ضمانت لازم را به مصرف‌کنندگان ارائه می‌کند تا بتوانند به تولیدات داخلی اعتماد داشته و در صورت نیاز آن‌ها را تعویض یا استرداد کنند.

–نقش حمایتی دراجرای بهینه مسئولیت‌های قراردادی: بسیاری از قراردادهای اقتصادی و بازرگانی در چارچوب معین حقوقی شکل می‌گیرند. برای نمونه قراردادهای حمل و نقل بین‌المللی کالا را می‌توان نام برد که بیمه مسئولیت آنها را تحت پوشش قرار داده و نقش ارزنده‌ای در توسعه این صنعت ایفا می‌کند.

– بیمه مسئولیت کالا عاملی برای حل اختلاف: هدف بیمه مسئولیت کالا، جبران خسارت شخص زیان‌دیده است؛ به طوری که این بیمه موجبات صلح و سازش بین طرفین اختلاف را فراهم می‌آورد.

– گسترش بیمه‌های مسئولیت کالا و کاهش دعاوی مصرف‌کنندگان به مراجع قضایی: پوشش بیمه مسئولیت کالا با محرز شدن مسئولیت بیمه‌گزار در مقابل اشخاص ثالث به جبران خسارات اقدام می‌کند. با این روش مصرف کنندگان به حقوق خود خواهند رسید و دیگر لزومی به طرح دعوا در مراجع قضایی نخواهد بود و طبیعتاً دولت و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط هم کمتر در جریات تولید و فروش کالاها مداخله می‌کنند.

– پشتیبانی از استمرار پروژه‌های تولیدی: در اجرای پروژه‌های تولیدی، احتمال‌بروزخسارات‌سنگین‌وجوددارد، به‌طوری‌که‌این‌امرمی‌تواندخسارت‌های ناگواری را برای ادامه حیات آن‌ها ایجاد کند؛ وانگهی با خرید بیمه مسئولیت کالا از ادامه حیات آن‌ها پشتیبانی خواهد شد.

– بیمه مسئولیت کالا و حمایت از تولیدکنندگان: افزایش نسبی آگاهی‌های عمومی مردم از مسئولیت تولیدکنندگان کالاهای معیوب موجب می‌شود که مصرف‌کنندگان، ادعاهای مختلفی علیه تولیدکنندگان مطرح کنند که با خرید بیمه مسئولیت کالا توسط تولیدکنندگان موضوعات مربوطه حل و فصل خواهد شد. به طوری که تولیدکننده با پرداخت مبلغ ناچیزی برای اخذ این بیمه، می‌تواند نقدینگی خود را در فعالیت‌های مولد به‌کار گیرد.

ادامه در صفحه ۱۸

پارس جنوبی در یک نگاه

با روی کار آمدن رستم قاسمی در راس وزارت نفت و درپی توجه و تاکید خاص او بر اهمیت میدان گازی پارس جنوبی، بهره برداری سریع تر از این میدان گازی به اصلی ترین مسئله صنعت نفت تبدیل شده و کار تا جایی پیش رفته است که برخی از مسئولان از جلو افتادن ایران از قطر در سه سال آینده خبر می دهند.

به گزارش ایسنا، مخزن مشترک گازی پارس جنوبی که ۵۰ درصد از ذخایر گاز کشور و هشت درصد از ذخایر گازی جهان را داراست، بزرگترین میدان گازی جهان محسوب می‌شود که در خلیج فارس و در آبهای سرزمینی ایران و قطر واقع شده‌است. این میدان گازی بین ایران و قطر مشترک بوده و در کشور قطر میدان گازی گنبد شمالی نام دارد.

مساحت این میدان ۹۷۰۰ کیلومتر مربع است که ۳۷۰۰کیلومتر مربع آن در آبهای سرزمینی ایران و ۶۰۰۰کیلومتر مربع آن در آبهای سرزمینی قطر قرار دارد.

ذخیره بخش قطری این میدان ۳۷ تریلیون مترمکعب گاز درجا و ۲۶ تریلیون مترمکعب گاز قابل برداشت و ۳۰ بیلیون بشکه میعانات گازی (۱۰ بیلیون بشکه قابل برداشت) است که معادل ۹۹/۹ درصد ذخایر گازی قطر و ۲۱درصد ذخایر گازی جهان است.

اکنون سال‌هاست عقب ماندن ایران در برداشت از این میدان مشترک به قول معاون اول رئیس جمهوری به یک درد ملی تبدیل شده و قطر در برداشت از این میدان به مراتب پیشتر از ایران است.

به منظور جبران این عقب ماندگی از تیر ۱۳۸۹ بهره‌برداری از مجتمع بندری پارس به کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران واگذار شدکه چندی پیش، پس از گذشت یک سال از قرارداد ۳۵ماهه فازهای پارس جنوبی، علی طاهری مدیر عامل شرکت مهندسی و ساخت تاسیسات دریایی، پیشرفت این پروژه را کم و بیش مطابق برنامه دانسته و اذعان کرد که متاسفانه ایران ۱۰ تا ۱۱ سال در بهره‌برداری از پارس جنوبی از کشور قطر عقب است.

به گفته وی، دلیل پیشرفت قطر در پارس جنوبی، همکاری شرکت‌های معتبر نفتی همچون شل و توتال بوده است.

اما در زمینه فعالیت‌های ایران در این میدان، مدیرعامل شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی چندی پیش به صحبت درباره آخرین وضع پارس جنوبی پرداخته و اعلام کرد: با برداشت بیش از ٦ میلیارد و ۴۰۰ میلیون متر مکعب گاز تا پایان تیرماه امسال، برداشت گاز ترش از مخزن مشترک پارس جنوبی از مرز ٤١٥ میلیارد و ٥٤٦ میلیون متر مکعب گذشته است.

علی اکبر شعبانپور گفت:علیرغم انجام تعمیرات اساسی پالایشگاههای این مجتمع، بیش از ٤ میلیارد و ۸۰۰میلیون متر مکعب گاز شیرین در تیر برای مصرف به خطوط سراسری تزریق شده است.

وی در ادامه به میزان تولید میعانات گازی این مجتمع اشاره کرد و افزود: در مدت یک ماه بیش از ۹ میلیون و ۱٤٠ هزار بشکه میعانات گازی در این مجتمع تولید شده است.

شعبانپور میزان گاز ترش تزریقی به چاههای نفتی از طریق خط پنجم را ۸١٦ میلیون متر مکعب اعلام کرد و ادامه داد: در تیر امسال بیش از ۲٤١ میلیون متر مکعب گاز شیرین نیز به پتروشیمی پارس ارسال شده است.

وی میزان تولید گاز مایع پروپان را در این مقطع زمانی ٦٧ هزار تن دانسته و اظهار کرد: در این مدت همچنین بیش از ٤٠ هزار تن گاز مایع بوتان در این مجتمع تولید و صادر شده است.

مدیرعامل شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در ادامه به تولید ۲۷ هزار تنی گوگرد در تیر اشاره کرد و گفت: در این مدت ۷۹ هزار تن اتان تولیدی این مجتمع به عنوان خوراک به پتروشیمی‌های جم، آریا ساسول و مروارید ارسال شده است.

ادامه در صفحه ۱۸



چتری برای تولید کننده و مصرف کننده

بقیه از صفحه ۱۷

-حمایت از مصرف کنندگان: بیمه مسئولیت کالا در خصوص تأمین حقوق مصرف کنندگان شکل گرفته و می تواند همانند گواهی استاندارد ملی، نقشی اساسی در افزایش کیفیت محصول داشته باشد، زیرا شرکت‌های بیمه از لحاظ اقتصادی نمی توانند کالاهای فاقد استانداردهای قابل قبول را بیمه کنند، برای همین تولیدکنندگان مجبور خواهند شد که به طور دائم سطح کیفی محصولات تولیدی را ارتقاء دهند.

درمجموع به نظر می رسد برقراری نظام بیمه مسئولیت کالا موجبات تعادل منافع همه اعضای زنجیره تأمین را فراهم خواهد آورد؛ به طوری که باید گفت با توجه به گرایش احتمالی به سمت اقتصاد بازارگرا و تشدید رقابت، فروشندگانی که برای مصرف کننده حق تعویض یا استرداد قائل شوند، در زمینه بازاریابی و ارتقاء نام خود موفق تر خواهند بود؛ چرا که این نوع اقتصاد مبتنی بر «مشتری محوری» بوده و یکی از ابزارهای عمل به آن اعطای حق (تعویض یا استرداد کالا) به مصرف کننده است.

در این میان گسترش بیمه مسئولیت کالا امری ضروری است که از هم اکنون باید زمینه‌های قانونی و اجرایی آن فراهم شود. همچنین برای آن که فروشندگان بتوانند با آرامش بیشتری به اعطای حق استرداد یا تعویض کالا بیندیشند، باید نظام بیمه مسئولیت کالا گسترش یابد تا این نظام از طریق ارائه خدمات پس از فروش بتواند خدمات بیشتری به مصرف کنندگان ارائه کند.

خصوصاً در کشور ما که با توجه به ساختار اقتصاد دولت گرا و فقدان ثبات قیمت‌ها، فروشندگان بدون برخورداری از یک نظام پوشش بیمه‌ای، رغبتی به اعطای حق استرداد و تعویض ندارند و معمولاً در قراردادهای خود این حق را از مصرف کننده سلب می کنند.

زهرا آقاجانی
عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

پارس جنوبی در یک نگاه

بقیه از صفحه ۱۷

تاکنون ایران در برداشت از این مخزن مشترک از قطر جا مانده و میزان برداشت آن حدود نیمی از برداشت قطر بوده است که این موضوع اگرچه در ادوار مختلف مورد توجه مدیران صنعت نفت قرار گرفته، اما به نظر می رسد این بار و با روی کار آمدن وزیر جدید نفت توجه بیشتری به توسعه این میدان صورت خواهد گرفت.

رستم قاسمی چندی پیش از سرمایه‌گذاری ۵۰ میلیون دلاری در پارس جنوبی و تکمیل تمامی فازهای این میدان گازی خبر داده و با بیان این که بخشی از مشکلات منابع مالی پارس جنوبی حل شده است، گفت: تا پایان امسال فازهای ۱۵ و ۱٦ میدان گازی پارس جنوبی وارد مدار تولید خواهد شد.

وزیر نفت با اشاره به تلاش برای همکاری با عراق در زمینه میادین مشترک، گفت: باتوجه به این که اکنون برداشت ایران از میادین مشترک با عراق نسبتا کم است، سعی کردیم با عراقی‌ها شرکت مشترکی برای برداشت از این میادین تشکیل دهیم، ولی رسیدن به توافق برای چنین شرکتی سخت است، چرا که عراقی‌ها می گفتند ایرانی‌ها باید روی این میادین سرمایه گذاری کنند و پس از آن باهم از میدان مشترک برداشت کنیم. از طرفی تعلل در این میادین جایز نیست، چرا که قطعا آمریکایی‌ها و غربی‌ها با سرمایه‌گذاری در این بخش، از میادین مشترک همسایگان، برداشت را آغاز می کنند.

مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس هم از اختصاص یک میلیارد دلار به این منطقه خبر داد و گفت: با توجه‌های ویژه صورت گرفته احتمالا تا سه سال دیگر میزان برداشت ما از پارس جنوبی با قطر مساوی شده و حتی ممکن است ما در برداشت از این کشور پیشی بگیریم.

پیش از این مهلتی ۳۵ ماهه برای پیمانکاران طرف قرارداد در فازهای مختلف این میدان تعیین شده بود و این شرکت‌ها موظف به توسعه فازهای پارس جنوبی در ۳۵ ماه شده بودند. شاید به دلیل اهمیت همین موضوع بوده باشد که وزیر نفت به تازگی سختگیری خود را در این رابطه زیاد و اعلام کرده که پیمانکاران غیرمتعهد و کم‌کار را جریمه خواهد کرد.

بهره وری و جهاد اقتصادی



یکی از عوامل مهم پیشرفت و رشد اقتصادی، توجه جهادگونه مردم و مسئولین به تولید و خودکفایی و تکیه بر استراتژی کارآفرینی مولد نوآورانه، با هدف ارتقای بهره وری کل عوامل تولید است که بستر و زمینه تحقق جهاد اقتصادی را فراهم و موجبات اقتدار و پیروزی نظام اسلامی را در تقابل با جبهه اقتصادی دشمن در مواجه با تحریم‌ها تضمین می کند. بنابراین با توجه به استراتژی بودن این مهم و جایگاه آن در قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موضوع را از ابعاد نظری و اجرایی مورد بررسی و تأمل قرار می‌دهیم.

در جهان امروز بهره وری تحقیقاً مترادف با پیشرفت است و استاندارد زندگی در جوامع به درجه‌ای از تأمین حداقل نیازهای جامعه بستگی دارد به عبارت دیگر مقدار کیفیت غذا، پوشاک، مسکن، آموزش و امنیت اجتماعی، استاندارد زندگی را تعیین می کند و برای افراد آن باید با رعایت اولویت نیازها، بیشتر تولید شود. ارتقای تعداد تولید در عرصه‌های مختلف می تواند از طریق افزایش نهادهای نیروی کار و سرمایه صورت پذیرد یا اینکه از منابع موجود استفاده بهینه و مطلوب به عمل آید. منابع یا همان عوامل تولید یک کشور عموماً محدود است، بنابراین بهره وری، بیشتر یک ضرورت، برای ارتقای استاندارد زندگی یک ملت است.

بهره وری بیشتر موجب رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی شده و با بهبود بهره وری، شاغلان به دستمزد بیشتر و شرایط کاری مناسب‌تر دست خواهد یافت و فرصت‌های شغلی بیشتری ایجاد خواهد شد.

ارتقای بهره وری از یک سو موجبات کاهش قیمت تمام شده محصولات و خدمات شده و از سوی دیگر سود حاصل از فعالیت اقتصادی را افزایش می‌دهد، بنابراین با ارتقاء بهره وری می توان به اشتغال پایدار رسید و معضلات اقتصادی را برطرف کند. برای بهره وری بالاتر باید ضایعات، به هر شکل که وجود دارد همچون هرز رفتن نیروی انسانی، مواد خام و اولیه، ماشین آلات، زمان، فضا و دیگر اشکالات از جمله فرآیندهایی است که موجب ایجاد ارزش افزوده نمی‌شود، لذا باید شناسایی و از چرخه تولید حذف شوند.

سطوح بهره وری:

برخلاف تصور برخی افراد، بهره وری فقط به بخش صنایع اختصاص ندارد، بلکه بهره وری سطوح مختلفی دارد و همه افراد در همه سطوح در ارتقاء آن نقش دارند، یعنی اینکه افراد می‌توانند با تفکر، ابداعات و نوآوری‌های خود عملاً در چند سطح گوناگون مؤثر واقع شوند. سطوح بهره وری را در سه سطح کلان شامل سطوح بین المللی، منطقه‌ای و ملی)، میانه، شامل سطح بخش و زیربخش اقتصادی مانند بخش‌های صنعتی و کشاورزی، تجاری و خدماتی، علمی و فناوری و خرد شامل سطح بنگاه، سطح واحد یا فرآیند، سطح گروه، سطح محصول یا مشتری، سطح خانواده و سطح فرد تقسیم کرد که همه این سطوح بهره وری در پیشرفت و رشد اقتصادی نقش مؤثر خود را دارد.

فواید عمومی و کلان بهره وری:

- افزایش سطح رفاه عمومی و رضایت آحاد مردم ناشی از تثبیت قیمت‌ها و حتی کاهش آن با افزایش مرغوبیت و مطلوبیت کالاها و خدمات از ثمرات باارزش ارتقای بهره وری است.

- ایجاد اشتغال و کارآفرینی مولد و صرفه جویی در هزینه‌ها که موجبات افزایش درآمد و سود اجتماعی است.

- افزایش کمی و کیفی تولید کالا و خدمات و مطلوبیت آن و تأمین نیازهای داخلی و خودکفایی و کاهش واردات که رونق اقتصادی را به دنبال داشته و موجبات تحقق جهاد اقتصادی را فراهم می‌آورد.

- افزایش صادرات غیرنفتی و حرکت در مسیر شکوفایی اقتصادی بدون اتکاء به درآمدهای نفتی و افزایش تولید ناخالص ملی که ثبات اقتصادی را در بازار جهانی درپی داشته و سبب شکست و ناکامی استکبار در جبهه اقتصادی خواهد شد.

عوامل مؤثر بر ارتقاء بهره وری

۱. مدیریت منابع انسانی: انسان در موضوع بهره‌وری همواره محور و اساس است. چون همه برنامه‌ریزی‌ها و سازماندهی‌ها در فرآیند کسب و کار و کیفیت محصول از سوی نیروی انسانی تأمین می‌شود، به تعبیری مدیریت سازمان یا شرکت به ویژه مدیریت منابع انسانی نقش کلیدی و محوری در افزایش بهره وری دارد.

نگرش مثبت عامل انسانی، روحیه جهادی، غرور داشتن در کار و تمایل به پیشرفت مستمر، خلاقیت و نوآوری، کسب مهارت‌های جدید و تخصصی از طریق آموزش‌های ضمن خدمت، مشارکت در برنامه‌ها و طرح‌ها، سپردن کار به افراد توانمند، متعهد، شایسته، خلاق و نوآور در مشاغل مختلف و مرتبط و ایجاد انگیزش مناسب برای کارکنان مستعد از طریق تفویض اختیار، اعطای پاداش‌های مادی و ایجاد محیط دوستانه و روابط غیررسمی بین کارکنان، انجام کارهای درست (اثربخش) به اضافه انجام درست کارها (کارایی)، بهبود روش‌ها و حذف مراحل زاید و بالاخره بهسازی مستمر، هدف و اساس بهره وری در هر سازمان، شرکت و جوامع است و این مهم فقط در سایه تلاش انسانی و مدیریت منابع انسانی تحقق می‌یابد.

۲. بهبود و بهسازی در به کارگیری اقدامات فناورانه، شامل:

- اهتمام و استفاده از اندیشه و تفکر نوآورانه و خلاق کارکنان و پژوهش‌های کاربردی آنان در فرآیند سازمان یا بنگاه اقتصادی

- سرمایه گذاری بیشتر در بکارگیری تجهیزات و ماشین آلات جدید و استاندارد

-انجام پژوهش برای دستیابی به فناوری‌های برتر، کاهش هزینه‌های تولید و تولید محصولات و یا خدمات جدید با کیفیت برتر

- تغییر و تحول در کیفیت مواد اولیه و بهبود آن و -استفاده صحیح و کامل تجهیزات فنی و فناورانه

-تغییر و تحول در فرآیند ساخت، عملکرد و بهبود شیوه‌ها و استفاده از مهندسی کار (روش سنجی و زمان سنجی)

-توجه به نظام به موقع خدمات و تولید به هنگام(just in Time)

-استفاده کارآ و اثربخش از منابع و امکانات

- استفاده از تدابیر ارگونومی (مهندسی انسان، یا دانش هماهنگ سازی میان انسان، محیط و ماشین) به منظور سلامتی، شادابی، رفاه و ایمنی کارکنان

- صرفه جویی در هزینه‌های سرمایه‌ای و عملیاتی انبار و انبارداری با استفاده از نظام موجودی صفر یا بدون انبار(Zero inventory)

-لزوم بهبود روابط حاکم بین مدیر و کارکنان شامل:

-لزوم استقرار ساختار ارگانیکی و اجتناب از ساختار بروکراتیک و به کارگیری ریسک مدیریتی صحیح و علمی و فقدان تمرکزگرایی و اعمال مدیریت به شیوه مشارکتی و قابل انعطاف که خلاقیت و نوآوری را در سازمان رواج دهد و موجبات بهره وری شود.

- توجه مدیریت به مشکلات کاری و زندگی کارکنان و ایجاد روابط دوستانه و صمیمی با آنان

- ایجاد سیستم اطلاعاتی مدیریتی صحیح برای استفاده مدیران از اطلاعات و آمار درست و دقیق درباره عملکرد سیستم و عملیات انجام شده و سایر اطلاعات مورد نیاز

- دادن آگاهی و شناخت به کارکنان درباره اهداف و وظایف سازمانی و نقش مؤثر افراد در آن

ارزیابی بهره وری

برای ارزیابی بهره وری در سطح ملی، سه شاخص مورد ارزیابی قرار می گیرد: ۱)شاخص بهره وری نیروی کار، ۲)شاخص بهره وری سرمایه، ۳) شاخص بهره وری کل عوامل تولید مطالعات، آمار نشان می دهد شاخص بهره وری نیروی کار درسه سال آخر برنامه دوم توسعه و در برنامه سوم منفی ۳ دهم درصد و سه سال نخست برنامه چهارم ۲/۵ درصد بوده است، این در حالی است که هدفگذاری این شاخص در برنامه چهارم توسعه ۳/۵ درصد بوده است.

همچنین شاخص بهره وری سرمایه درسال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸٦ با متوسط رشد سالانه ۳ دهم درصد است و رشد این شاخص در سه سال آخر برنامه دوم توسعه منفی ۱/۲ درصد بوده است. در حالی که فاصله کشور با اهداف برنامه فاصله یک درصدی است و بالاخره شاخص بهره وری کل عوامل تولید کلان اقتصادی در سه سال آخر برنامه دوم منفی ۸ درصد، در برنامه سوم ۱/۵ درصد و در سه سال نخست برنامه چهارم توسعه ۱/۵ درصد بوده است به طوری که این رقم در کل دوره سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸٦ به ۹ دهم درصد می‌رسد. بهرحال، بهره وری، دانش و علم استفاده بهینه از منابع و امکانات برای تولید و مطلوبیت زندگی است و لازمه تحقق آن کاهش هزینه‌ها در فرآیند تولید، کوتاه کردن زمان تولید و افزایش کیفیت کالا، محصول و خدمات است در واقع بهره وری با سه عنصر هزینه، زمان و کیفیت در ارتباط است.

بنابراین بر همه آحاد مردم کشور اعم از شهری و روستایی (کارگران، کشاورزان، تجار، صاحبان صنایع، کارکنان، مراکز آموزش عالی و...) به ویژه جوانان خلاق، مبتکر و نوآور لازم است به منظور ارتقاء بهره وری در همه سطوح بانگرش مثبت و روحیه‌ای جهادی و نگاه هوشمندانه و مقتصدانه به کار و زندگی با تلاشی مضاعف، کارا و اثربخش در کسب و کار خود در عرصه‌های مختلف علمی و فناوری، صنعتی و کشاورزی، تجاری و خدماتی، خانگی و خانوادگی و... اهتمام ورزیده کنند تا از این رهگذر موجب امنیت شغلی خود، خدمت اجتماعی و کسب درآمد و سود رضایت بخش و شکوفایی اقتصاد کشور را فراهم آورند.

دولت و سایر دلسوزان نظام هم کماکان با عزم و اراده‌ای مضاعف ضمن تدوین و یا بازنگری استراتژی‌های بهبود بهره وری و پیگیری تحقق برنامه پنجم توسعه، نسبت به اعلام اقدامات موثر انجام شده سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری چون اصلاح الگوی مصرف، نظام اداری، اصل ٤٢ قانون اساسی و اشتغال اقدام و همچنین با ایجاد بستر و ابزار ارتقاء بهره‌وری چون سوق دادن نظام آموزشی کشور به ویژه نظام آموزش عالی به ارتقاء مهارت و تخصص و پاسخ به نیاز بازار و صنایع، اطمینان خاطر جامعه در بهره‌مندی از منافع بهره‌وری، سامان گرفتن اصول مالیات، تنظیم نظام بودجه ریزی کشور مبتنی بر بهره‌وری در خصوص عمل گرایی و نتیجه گرایی، توجه به کارایی و اثربخشی نیروی انسانی و به ویژه ایجاد بستر و زمینه قطع وابستگی اقتصادی به درآمدهای نفتی با انجام مطالعات کارشناسی و برنامه ریزی، گام به گام اهتمام ورزند. همچنین رسانه ملی و اصحاب مطبوعات هم نسبت به ایجاد فضای بهره وری و فرهنگ سازی و اطلاع رسانی کماکان پیش قدم شده تا به فضل الهی شاهد تحقق جهاد اقتصادی و دستیابی به برنامه‌های کلان اقتصادی در افق ١٤٠٤ باشیم.

سیّدحسین حسینی
مدرس دانشگاه

اخبار کوتاه اقتصادی

افزایش مبادلات تجاری میان کشورهای اکو

حجم مبادلات میان کشورهای عضو اکو در حال حاضر حدود ٥٦ میلیارد دلار است.

محمدرضا کرباسی دبیرکل اتاق بازرگانی اکو در گفت‌وگو با ایرنا گفت: با اجرایی شدن لایحه موافقتنامه تجاری (اکوتا)، تخفیف در تعرفه‌های تجاری و رفع موانع غیرتعرفه‌ای، حجم مبادلات میان اعضا بیش از پیش افزایش خواهد یافت.

عضو اتاق بازرگانی ایران ابراز امیدواری کرد: با اجرایی شدن سریعتر این لایحه توسط اعضا، همکاری‌ها میان بخش‌های خصوصی کشورهای عضو و در نتیجه حجم مبادلات بازرگانی میان اعضا افزایش یابد.

وی، ارائه خدمات و تسهیل در صدور روادید برای تجار و بازرگانان و برای تمامی شهروندان کشورهای عضو اکو را ضروری دانست و افزود: گرچه تاکنون هیچیک از تجار کشورهای عضو، انتقادی نسبت به صدور روادید برای تردد به این کشور نداشته‌اند، اما تمامی اعضا مکلف به رعایت قوانین و مقررات از جمله صدور آسان آن، هستند.

بررسی قیمت فروش گاز در اجلاس مجمع صادرکنندگان گاز

وزیر نفت با تأکید بر سهم قابل توجه ایران از منابع جهانی گاز، گفت: تولید و قیمت فروش گاز از جمله موضوع‌های قابل بررسی در اجلاس آینده سران کشورهای عضو مجمع صادرکنندگان گاز خواهد بود.

به گزارش شانا، رستم قاسمی با بیان این که نشست سران مجمع کشورهای صادرکننده گاز، آذر امسال در قطر برگزار می‌شود، افزود: قیمت، تولید و فروش گاز، از جمله محورهای قابل بررسی در این نشست است و ایران به طور جدی در آن شرکت خواهد کرد.

وی قیمت کنونی گاز صادراتی ایران را خوب ارزیابی و اعلام کرد: سهم ایران از منابع جهانی گاز بسیار قابل توجه است و با رویکرد گازی می توانیم بحث انرژی در کشور را بهتر شکل دهیم.

برنامه‌ریزی هما برای خرید هواپیماهای ایرباس

مدیرعامل هما ضمن بیان اینکه برای نوسازی ناوگان، این شرکت به دنبال خرید ایرباس‌های جدید است، از راه‌اندازی سیستم خودپذیرش مسافر در ترمینال دو فرودگاه مهرآباد خبر داد.

فرهاد پرورش در گفتگو با فارس درباره نوسازی ناوگان هوایی هما، اظهار داشت: شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران از گذشته بر نوسازی ناوگان و کاهش تنوع هواپیماهای خود تأکید داشته است.

وی ضمن اشاره به اینکه کاهش تنوع هواپیماها موجب کاهش هزینه‌ها و تجهیز کارگاه‌های تعمیر و نگهداری تخصصی خواهد بود، گفت: هم اکنون در ناوگان هما هواپیماهای بوئینگ، ایرباس و فوکر وجود دارد که بیشترین تعداد هواپیماها شامل ۱۸ فروند فوکر، ۱۸ فروند بوئینگ و بقیه ایرباس است.

پرورش با بیان اینکه بیشترین هواپیماهای موجود در ناوگان هما، ایرباس است، اظهار داشت: از نظر تعمیر و نگهداری هواپیما، ایران ایر تجربه تعمیر ۳۰ ساله در هواپیماهای ایرباس و بوئینگ و ۲۰ ساله برای هواپیماهای فوکر را دارد.



بیمه اتکایی بالای ۵۰ درصد رشد داشته است

محمد فاضل، با بیان اینکه بیمه پشتوانه تمامی فعالیت‌های اقتصادی و بیمه‌های اتکایی پشتوانه صنعت بیمه هستند، افزود: به نوعی می توان اذعان داشت که فعالیت‌های اتکایی پشتوانه فعالیت‌های اقتصادی هر کشور بوده و نقش ارزنده‌ای در حفظ ثروت‌های ملی آن کشور دارد.

به گزارش روابط عمومی شرکت بیمه پارسیان وی با اشاره به فعالیت‌های این شرکت در زمینه بیمه‌های اتکایی افزود: بیمه پارسیان به عنوان بزرگ‌ترین شرکت بیمه خصوصی کشور با تکیه بر مدیریت مجرب و کارآزموده، کارکنان جوان و باانگیزه و همچنین حجم و ترکیب مناسب پورتفوی بیمه‌ای موفق شده است با عقد قراردادهای اتکایی مناسب در تأمین پوشش‌های بیمه‌ای صنایع و پروژه‌های بزرگ سهم قابل توجهی داشته است.

به گفته وی پس از اخذ مجوز قبولی از بیمه مرکزی ایران از مهر ۸۵ به بعد فعالیت‌های اتکایی بیمه پارسیان عمدتاً در دو بخش عمده واگذاری و قبولی ادامه یافته است.

فاضل افزود: دربخش واگذاری باتوجه به ادامه روند محدودیت‌های بین‌المللی نسبت به بازار بیمه ایران و همچنین با توجه به سرمایه و ذخایر بالای شرکت در بین شرکت‌های بیمه، مدیریت اتکایی شرکت تلاش‌های مضاعفی در خصوص مشارکت در بالابردن ظرفیت اتکایی بازار با محوریت بیمه مرکزی و سایر شرکت‌های بزرگ داخلی کرده است که نتایج مثبت قابل ملاحظه‌ای برای شرکت به همراه داشته و در این زمینه ضمن حفظ رابطه با تعدادی از شرکت‌های اتکایی خارجی با تغییراتی در نوع قراردادها موفق به کاهش حق بیمه واگذاری به میزان قابل ملاحظه‌ای شده است.

به گفته وی بر اساس محاسبات صورت گرفته، در سال ۸۳ حدود ۳۹/۴۴درصد از درآمد حق بیمه رشته باربری بابت اخذ پوشش اتکایی هزینه می‌شد و در تمامی سال‌های بعدی این روند کاهشی بوده، به‌گونه‌ای که این عدد پارسال به ۱۶/۶۰ درصد رسیده است.

مدیر بیمه‌های اتکایی بیمه پارسیان خاطرنشان ساخت: این آمار نشان‌دهنده میزان مناسب واگذاری اتکایی و به تبع آن مناسب بودن قراردادهای اتکایی است و بدیهی به نظر می‌رسد که اخذ قراردادهای اتکایی مناسب منوط به داشتن پورتفوی قابل توجه، ضریب خسارت پایین، داشتن آمارهای دقیق و مهم‌تر از همه تجزیه و تحلیل، تجربه و درایت مدیریتی است که خوشبختانه مدیریت اتکایی پارسیان از عهده این مهم برآمده است و در حال حاضر هم قراردادی با شرایط مشابه سال قبل تمدید شده است.

وی در رابطه با قبولی علاوه بر قبولی‌های اختیاری این شرکت گفت: در تمامی رشته‌های بیمه‌ای اعم از آتش سوزی، مهندسی، باربری، هواپیما و مسئولیت و... بیمه پارسیان به صورت مستقیم از تمامی شرکت‌های بیمه قبولی داشته است، ضمن آنکه با توجه به اینکه این شرکت در ایجاد ظرفیت سازی بازار که با مدیریت بیمه مرکزی ایران انجام گرفته مشارکت داشته، درصدی از تمامی رشته‌های بیمه به‌صورت اختیاری و قراردادی از صندوق فوق را پذیرش داشته است.

فاضل یادآور شد: در رابطه با قبولی اتکایی که در نیمه دوم سال ۸۵ شروع شده هر ساله رشدی بالای ۵۰درصد وجود داشته که از این طریق حق بیمه‌ای بالغ بر ۸۴ میلیارد و ۷۸۹ میلیون ریال عاید شرکت شده است.

به گفته فاضل علاوه بر انجام امور ذکر شده، شرکت بیمه پارسیان در خصوص بیمه‌های نفت، گاز، پتروشیمی و به طور کلی بازار بیمه‌های انرژی که بیمه‌نامه‌های آن به صورت مشترک میان شرکت‌های بیمه مختلف صادر می‌شود، دارای سهم مناسبی بوده که امور مربوط به تعیین سهم و میزان واگذاری اتکایی این نوع از بیمه‌نامه‌ها از سوی مدیریت اتکایی پیگیری و انجام می‌شود.

مدیر بیمه‌های اتکایی بیمه پارسیان در پایان تاکید کرد: بدیهی است وجود روابط اتکایی مطلوب با شرکت‌های عضو کنسرسیوم و انجام مذاکرات اثربخش در این زمینه همراه با همکاری واحدهای صدور مربوطه از عوامل کلیدی حفظ سهم بیمه پارسیان از بیمه‌نامه‌های انرژی کنسرسیومی است.

نرم‌افزار جدید حق بیمه

نرم‌افزار اجرایی دستورالعمل آیین‌نامه اجرایی بند(و) ماده ۸۰ قانون برنامه پنجم توسعه مبنی بر اعمال تخفیف حق بیمه سهم کارفرمایان هفته گذشته ارائه شد.

بابک هاشم‌پور رئیس کانون انجمن‌های صنفی کاریابی‌های سراسری کشور در گفتگو با ایسنا، در رابطه با صدور اطلاعیه از سوی سازمان تامین اجتماعی مبنی بر طراحی نرم‌افزار اجرایی دستورالعمل آیین‌نامه اجرایی بند(و) ماده ۸۰قانون برنامه پنجم توسعه اظهار کرد: این نرم‌افزار ارائه شد.

وی ادامه داد: تهیه نرم‌افزار از آن‌رو حائز اهمیت است که وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در هفته‌های پیش دستورالعمل اجرایی‌شدن دستورالعمل این مصوبه را ابلاغ کرده است. وی با بیان این‌که این مصوبه موجب افزایش تعداد نیروی کار جدید است، تصریح کرد: با اجرای کامل این مصوبه کارفرمایان می‌توانند نیروی کار جدیدی را به کار گرفته که این خود کمکی اساسی و بسیار مهم در تحقق ۲/۵ میلیون فرصت شغلی در سال جاری است . آیین‌نامه اجرایی بند «و» ماده ۸۰قانون برنامه پنجم توسعه که موضوع آن اعمال تخفیف حق بیمه سهم کارفرمایان است در جلسه دوم مرداد ۹۰ هیأت‌وزیران تصویب و به دستگاه‌های مجری ابلاغ شده است.

جشنواره کسب و کار بیمه



زمان و مکان برگزاری چهارمین کنفرانس و جشنواره کسب و کار بیمه ۲۷ و ۲۸ مهر در سالن همایش‌های بین‌المللی نیایش اعلام شد.

به گزارش دبیرخانه چهارمین کنفرانس و جشنواره کسب و کار بیمه، این کنفرانس و جشنواره در تاریخ‌های ۲۷ و ۲۸ مهر از ساعت ۸/۳۰ الی ۱۶/۳۰ در سالن همایش‌های بین‌المللی نیایش واقع در ضلع شمال غربی میدان سعادت‌آباد تهران برگزار خواهد شد.

لازم به ذکر است در این کنفرانس و جشنواره که با حضور مسئولان، دست‌اندرکاران، متخصصان، صاحب نظران، مدیران، کارشناسان و کارکنان شرکت‌های بیمه، شرکت‌های خدمات بیمه‌ای، کارگزاران رسمی، نمایندگان و ارزیابان خسارت بیمه، سندیکا، تشکل‌ها و انجمن‌های صنفی و کارفرمایی و علمی بیمه، بازاریابان و فروشندگان بیمه و سایر ارکان و فعالان صنعت بیمه برگزار خواهد شد، مسائل مربوطه به کسب و کار بیمه با محوریت بازاریابی و فروش حرفه‌ای بیمه در دو حوزه بیمه‌های زندگی و غیرزندگی بحث و بررسی خواهد شد.

صنعت بیمه جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از مجموعه وسیعی از نیروی انسانی و شبکه گسترده‌ای از شعب، نمایندگی‌ها، کارگزاران، ارزیابان خسارت، کارشناسان و سایر ارکان بیمه‌ای و تولید و عرضه خدمات متعدد و متنوع بیمه‌ای نقش حائز اهمیتی را در توسعه اقتصادی کشور ایفا می‌کند. فضای کسب و کار بیمه کشور بواسطه برخی رویدادهای مهم در حال نیل به شکلی جدید و متفاوت است. از جمله این رویدادها می‌توان به قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ و واگذاری بیمه‌های دولتی به بخش خصوصی، طرح تحول اقتصادی دولت در حوزه بیمه، ورود بیمه‌های خصوصی با روندی شتابان به عرصه رقابت بیمه ای، سیاست‌ها و تدابیر ویژه بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران در خصوص آزاد سازی تعرفه‌های بیمه‌ای و توانمندسازی صنعت بیمه و غیره اشاره کرد. بطور طبیعی مهمترین دستاورد این وضع شدت یافتن رقابت بیمه‌ای در سطوح استراتژیک و عملیاتی است.

۳۲ رسته مشمول کمک

پیش از این ۱۸۱رسته شغلی مشمول کمک دولت در حق بیمه بودند که ۱۵ سال پیش این ۱۸۱ رسته به ۳۲ رسته کاهش پیدا کرد، در همان زمان دیوان عالی کشور موضوع را رد کرد اما هنوز هم اجرا نمی‌شود.

محمد شکریه عضو هیأت رئیسه شورای اصناف کشور در شورای عمومی مجامع امور صنفی کشور اظهار داشت: در واحدهای صنعتی برای تولید یک واحد یک میلیارد هزینه می‌شود تا بین پنج تا ۱۰ نفر اشتغال ایجاد شود اما با هزینه کمتر در واحدهای صنفی می‌توان ایجاد شغل کرد. وی با اشاره به مشاغل سخت و زیان‌آور گفت: سازمان تأمین اجتماعی بدون هماهنگی اصناف بعضی از صنوف را شخص زیان‌آور اعلام می‌کند به طوری که کارفرما باید ۴ درصد آخرین حقوق فرد را به صندوق بازنشستگی بپردازد که در این زمینه هماهنگی لازم وجود ندارد و امیدواریم با اصلاح قانون کار این مشکل حل شود. وی با تأکید بر اینکه بسیاری از صنوف در حال انقراض هستند، گفت: یکی از ایرادهای تأمین اجتماعی این است که مشخص نیست ماهیت آن خصوصی است یا دولتی. اگر ماهیت آن خصوصی است چرا اصناف و بخش خصوصی دخالتی در انتخاب مدیران آن نمی کنند.

بررسی چالش‌های اجرایی در همایش بیمه و توسعه

رئیس هجدهمین همایش ملی و چهارمین همایش بین‌المللی بیمه و توسعه گفت: این همایش با تمرکز بر مدیریت علمی و حرفه‌ای صنعت بیمه برگزار می‌شود.

وی افزود: امسال همانند پارسال و بهتر از آن می‌توان گفت که استقبال بیشتر خواهد بود و محدودیتی برای ثبت نام و حضور فعالان صنعت بیمه نخواهیم داشت.

رئیس همایش بیمه و توسعه گفت: با توجه به اینکه محورهای برنامه تحول در صنعت بیمه در همایش‌های قبلی مورد بررسی قرار گرفتند. تغییرات بازار صنعت بیمه مسائل مدیریتی حائز اهمیت هستند که در همایش امسال به بررسی کارآیی مدیریت در شرکت‌های بیمه پرداخته می‌شود و مدیریت در تمام شقوق آن مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

مظلومی در ادامه افزود: در این همایش ضمن بررسی مدیریت بیمه از نگاه صاحبنظران چالش‌های صنعت شناسایی خواهد شد و امیدواریم راهبردهایی جهت هدایت بهتر صنعت بیمه دست پیدا کنیم تا سرعت صنعت بیمه در دست یابی به اهداف تعیین شده در افق ۱۴۰۴بیشتر شده و شاهد شکوفایی این صنعت در آینده باشیم.

رئیس پژوهشکده بیمه در ادامه خاطرنشان کرد: عنوان هجدهمین همایش ملی و چهارمین همایش بین‌المللی بیمه و توسعه «کارآمدی مدیریت بیمه: چالش‌ها و راهبردها» است که هشتم آذر امسال برگزار خواهد شد.

وی با اشاره به محورهای همایش تصریح کرد: همایش هجدهم با توجه به موضوع آن دارای محورهایی است که صاحبنظران، اساتید، دانشجویان و دست اندرکاران صنعت بیمه می توانند در قالب محورهای آن مقالات خود را تهیه و به دبیرخانه همایش ارسال نمایند.

لازم به ذکر است محورهای هجدهمین همایش ملی و چهارمین همایش بین‌المللی بیمه و توسعه حول محورهایی چون، حاکمیت شرکتی و صنعت بیمه، مدیریت ریسک‌های شرکت‌های بیمه، توسعه منابع انسانی در صنعت بیمه، جایگاه مدیریت استراتژیک در شرکت‌های بیمه، نقش IT در شرکت‌های بیمه، جایگاه مدیریت دانش در صنعت بیمه، نقش کارکردهای مدیریتی نوین در صنعت بیمه، ساختارهای سازمانی در شرکت‌های بیمه، استراتژی‌های بازاریابی در صنعت بیمه، خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در صنعت بیمه، سرمایه‌های فکری در صنعت بیمه، مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌های بیمه، آسیب شناسی تفکر مدیریت دولتی در بیمه‌های خصوصی به بحث و بررسی خواهد پرداخت.

همچنین در زمینه پاسخگویی هرچه بیشتر به علاقه‌مندان، وب‌سایت دوزبانه فارسی / انگلیسی هجدهمین همایش ملی و چهارمین همایش بین‌المللی بیمه و توسعه راه‌اندازی شد.

به گزارش کارگروه روابط عمومی و اطلاع‌رسانی همایش، وب‌سایت راه‌اندازی شده در بخش های گوناگون درباره هجدهمین همایش ملی و چهارمین همایش بین‌المللی بیمه و توسعه همچون، ارسال مقاله، ثبت‌نام و امور دیگری چون داوری مقالات و پی‌گیری آنها توضیح داده شده و قابل استفاده می‌باشد به طوری که تمامی امور همایش از طریق وب‌سایت مذکور انجام خواهد شد.

کاربران می‌توانند با مراجعه به آدرس اینترنتی http://seminar.irc.ac.ir از آخرین اخبار و گزارشات و نحوه اجرای این همایش مطلع شوند.

محورهای همایش عبارت است از:

حاکمیت شرکتی و صنعت بیمه، مدیریت ریسک‌های شرکت‌های بیمه، توسعه منابع انسانی در صنعت بیمه، جایگاه مدیریت استراتژیک در شرکت‌های بیمه، نقش IT در شرکت‌های بیمه، جایگاه مدیریت دانش و سرمایه‌های فکری در شرکت‌های بیمه، نقش کارکردهای مدیریتی نوین در شرکت‌های بیمه، استراتژی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بیمه، ساختارهای سازمانی در شرکت‌های بیمه، استراتژی‌های بازاریابی در شرکت‌های بیمه، خلاقیت و نوآوری و کارآفرینی در صنعت بیمه، مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌های بیمه، آسیب‌شناسی تفکر مدیریت دولتی در بیمه‌های خصوصی و تجربیات مدیریتی در صنعت بیمه کشور.

جایگاه بیمه مرکزی ارتقا می‌یابد

بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران با برنامه‌ریزی درازمدت و استراتژی مشخص در مسیر توسعه و پیشرفت حرکت خواهد کرد.

به گزارش روابط عمومی بیمه مرکزی، سید محمد کریمی رئیس کل بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران که در نخستین جلسه شورای معاونان و مدیران بیمه مرکزی سخن می گفت، ضمن اعلام این مطلب افزود: «نقش نیروی انسانی متخصص در برنامه‌های آتی بیمه مرکزی بسیار پررنگ است و در کنار استفاده از نیروهای ورزیده بحث آموزش نیروی متخصص را با جدیت هر چه تمام‌تر دنبال خواهیم کرد.»

مهندس کریمی تصریح کرد: خوشبختانه بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران به داشتن نیروهای ارزشی، مخلص و خدوم اشتهار دارد و باید تلاش کنیم شرایط به گونه‌ای فراهم شود تا عرصه برای خدمت رسانی هر چه بیشتر دلسوزان این صنعت آماده باشد. رئیس کل بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر اهمیت پاکدستی و خلوص نیت در خانواده بزرگ صنعت بیمه گفت: صنعت بیمه از ارکان و محورهای مهم اقتصاد است و به همین خاطر گردش مالی چشمگیر و قابل توجهی دارد و هیچکس نباید به خود اجازه دهد با حیثیت مجموعه صنعت بیمه کشور بازی کند.

مهندس کریمی بر لزوم تدوین آیین نامه تشویق برای کارکنان بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد و افزود: ما اعتقاد داریم در کنار اهرم‌های بازدارنده و تنبیهی برای متخلفان باید فضا را طوری مهیا کنیم که خادمان راستین صنعت بیمه با دلگرمی بیشتری به انجام وظایف خود بپردازند.

وی خاطرنشان کرد: الگوی بسیجی در مدیریت بیمه مرکزی همواره مد نظر من و همکارانم خواهد بود و در این مسیر صرفه جویی در هزینه‌ها و مدیریت مصرف بهینه از اهم برنامه‌های دوره جدید بیمه مرکزی به شمار می‌رود.

کریمی تصریح کرد: با تاکید بر پنج اصل پاکدستی، روحیه خدمتگزاری و مخاطب مداری و تخصص گرایی و توجه به اسناد بالا دستی در مسیر ارتقای جایگاه بیمه مرکزی حرکت خواهیم کرد.

مهندس کریمی با پاسداشت هفته دفاع مقدس بر جایگاه رفیع شهدا، جانبازان و ایثارگران هشت سال دفاع مقدس تاکید کرد و افزود: امروز شهیدان گرانقدر انقلاب اسلامی بر ما و عملکرد ما نظارت می کنند که امیدواریم با استعانت از خداوند متعال و در سایه توجهات ولی عصر (عج) نزد آنان روسفید باشیم.

رئیس کل بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران در پایان ضمن تاکید دوباره بر برنامه محوری ابراز امیدواری کرد همکاران مجموعه بیمه مرکزی با تلاشی مضاعف در زمینه شکوفایی این صنعت گام بردارند.

ازسوی دیگر در یک مطالعه پژوهشی کارآیی شرکت‌های بیمه خصوصی و دولتی مورد ارزیابی قرار گرفت که بر اساس نتایج حاصل از آن کارآیی شرکت‌های بیمه خصوصی نسبت به شرکت‌های بیمه دولتی بالاتر بوده است

به گزارش روابط عمومی پژوهشکده بیمه، خدیجه ابراهیمی قوام‌آبادی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «اندازه‌گیری کارآیی تخصیصی، فنی و بهره‌وری شرکت‌های بیمه دولتی و خصوصی با استفاده از تکنیک تحلیل پوشش داده‌ها» به مطالعه کارآیی شرکت‌های بیمه خصوصی و دولتی پرداخت. از اهداف تحقیق مورد نظر، اندازه گیری میزان کارآیی تخصیصی و فنی شرکت‌های بیمه دولتی و خصوصی، معرفی عوامل مؤثر بر کارآیی و تأثیر هر یک از آنها بر روی کارآیی ، ارائه راهکارهایی برای کارا شدن شرکت یا شرکت‌های ناکارا، اندازه‌گیری بهره‌وری در تمامی شرکت‌های بیمه در دوره مورد بررسی بود. تحقیق مورد بحث مشتمل بر تمامی شرکت‌های دولتی و خصوصی در ایران در سالهای ۸۴ تا ۸۷ بوده است.

در دوره مورد بررسی کارآیی فنی در مدل بازدهی ثابت نسبت به مقیاس، کارآیی مقیاس و کارآیی تخصیصی شرکت‌های بیمه خصوصی نسبت به شرکت‌های بیمه دولتی بالاتر بوده است و کارآیی فنی در مدل بازدهی متغیر نسبت به مقیاس در شرکت‌های بیمه خصوصی تا سال ۸۶ بالاتر از شرکت‌های بیمه دولتی بوده و در سال ۸۷ این رقم برای هر دو گروه دولتی و خصوصی برابر بوده است.

کارآیی فنی در مدل بازدهی ثابت نسبت به مقیاس در تمامی شرکت‌های بیمه موجود در صنعت به طور متوسط در سال‌های مورد بررسی روندی صعودی داشته و کارآیی فنی خالص در این سال‌ها به طور متوسط تقریباً ثابت بوده است.

تحقیق حاضر برای ارزیابی کارآیی شرکت‌های بیمه دولتی و خصوصی و تعیین پیشرفت یا پسرفت آنها صورت گرفته است که نتایج زیر به دست آمده است:

کارآیی فنی در مدل BCC در سال ۸۴ بین ۰/۸۲۲ و یک (۱۰۰درصد) متغیر بوده که از میان تمامی شرکت‌های مورد بررسی شرکت‌های بیمه ایران ـ معلم ـ پارسیان، توسعه ـ رازی ـ سینا ـ ملت و سامان کاملاً کارا بوده‌اند و بیشترین کارآیی را به‌دست آوردند و کمتر میزان کارآیی مربوط به شرکت بیمه البرز (۰/۸۲۲) است. در این سال کارآیی تخصیصی بین ۰/۸۴۸ و یک متغیر بوده است. این رقم در شرکت‌های بیمه ایران ـ پارسیان ـ توسعه و ملت برابر واحد بوده که بیانگر این است که بیشترین میزان کارآیی تخصیصی توسط این شرکت‌ها نسبت به سایر شرکت‌های مورد بررسی بدست آمده است و کمترین میزان کارآیی تخصیص به شرکت بیمه دانا (۰/۸۴۸) اختصاص دارد.

ـ کارآیی فنی در مدل BCC در سال ۸۵ برای شرکت‌های بیمه بین ۰/۸۱۸ و یک (واحد) متغیر بوده است. شرکت‌های بیمه ایران ـ آسیا ـ معلم ـ پارسیان ـ توسعه ـ رازی ـ ملت و نوین در میان شرکت‌های مورد بررسی کاملاً کارا بوده‌اند و بالاترین میزان کارآیی فنی را در این سال نسبت به سایر شرکت‌های بیمه مورد بررسی کسب کرده‌اند و کمترین میزان کارآیی فنی در این سال به شرکت بیمه البرز (۰/۸۱۸) اختصاص دارد.

ـ کارآیی تخصیصی در سال ۸۵ بین ۰/۸۳۱ و یک متغیر بوده است. شرکت‌های بیمه آسیا ـ پارسیان ـ توسعه ـ رازی و ملت بیشترین میزان کارآیی تخصیصی را نسبت به سایر شرکت‌های بیمه مورد بررسی کسب کرده‌اندو در این سال از نظر کارآیی تخصیصی کاملاً کارا بوده‌اند و کمترین میزان ـ کارای تخصیصی در این سال توسط شرکت بیمه دانا (۰/۸۳۱) به دست آمده است.

ـ در سال ۸۶ کارآیی فنی در مدل BCC برای شرکت‌های بیمه بین ۰/۸۰۶ و یک متغیر بوده است که بیشترین میزان کارآیی فنی (۱۰۰درصد) توسط شرکت‌های بیمه ایران ـ معلم ـ پارسیان ـ رازی ـ ملت و پاسارگاد به دست آمده است و کمترین میزان کارآیی فنی در این سال به شرکت بیمه البرز ۲۰/۸۰۶ اختصاص دارد.

تحقق ۶۳ درصد از پیش‌بینی سود همراه اول

شرکت همراه اول ۶۳ درصد از پیش‌بینی سود ۵۵۸۷ ریالی هر سهم سال مالی امسال را در پایان نیمه اول پوشش داد.شرکت همراه اول که با سرمایه اسمی ۲۰۶ تومانی از ۲۸ آذر پارسال با کشف قیمت ۳ هزار و ۴۹۵ تومانی هر سهم به جمع شرکت‌های فرابورسی پیوسته، عملکرد نیمه اول سال را منتشر کرد.براساس این گزارش، این شرکت در شرایدر سود هر سهم سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۹۰ را ۵۵۸۷ ریال پیش بینی کرده بود که طبق اطلاعات میان دوره ایی منتهی به شهریور، ۶۳ درصد از این سود یعنی ۳۵۳۸ ریال محقق شده که ۱۳ درصد بیشتر از روال معمول پوشش سود شرکت‌ها در نیمه اول سال است. بررسی‌ها از وضعیت بازدهی سهام این شرکت (که با ارزش روز بیش از ۱۰هزار میلیارد تومانی بعد از مخابرات دومین شرکت بزرگ بازار سهام کشور محسوب می‌شود) از پارسال تاکنون نشان می‌دهد به دلیل رشد قیمت هر سهم از ۳۴۹۵ به بیش از ۵۱۰۰ تومان و همچنین توزیع سود۵۰۰ تومانی در مجمع امسال، سهام همراه اول بیش از ۶۰درصد بازدهی به همراه داشته است.ازسوی دیگر دومین عرضه عمده سهام سرمایه‌گذاری ملی ایران در ۱۰ماه اخیر با واگذاری ۱۹ درصد از سهام توسط گروه بهمن هفته گذشته انجام و بیش از ۵۵۱ میلیون سهم این شرکت خودروساز از ترکیب سهامداری آن خارج شد.

به گزارش فارس، سرمایه‌گذاری ملی ایران در حالی یکی از خریداران بلوک ۱۸ درصدی ایران خودرو بوده و در زمره بزرگترین شرکت‌های فعال در بازار سرمایه قرار دارد که حدود ۱۰ ماه بعد از معامله ۱۳/۲۴ درصدی سهام، بار دیگر شاهد تغییر و تحولاتی در ترکیب سهامداری خود بود.

براساس این گزارش، آذر پارسال بود که سرمایه‌گذاری مدبر طبق توافقنامه‌ای بابت پرداخت باقی مانده بدهی ۱۱۰ تا ۱۲۰ میلیارد تومانی به بانک تجارت،۳۸۴ میلیون سهم سرمایه‌گذاری ملی ایران را به قیمت پایه هر سهم ۱۷۴ تومان را به صورت یکجا و نقد عرضه کرد تا بانک تجارت به عنوان یکی از سهامداران عمده این شرکت بورسی باشد.

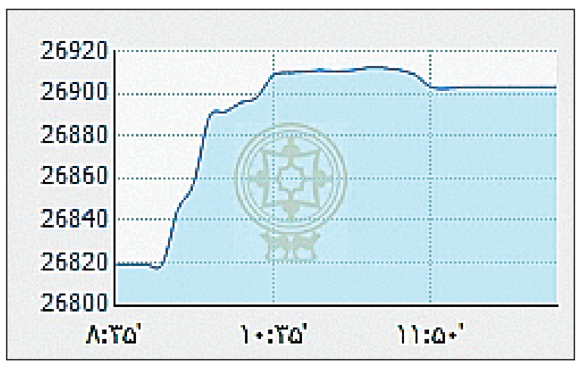
بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۲۶۹۰۳	۲۶۹۱۲/۱	۲۶۸۲۱/۷	۸۳/۶	۰/۳۱
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۱۶۸۸	۱۶۸۸	۱۶۷۹/۵	۸/۶	۰/۵۱
شاخص آزادشناور	۳۴۶۳۳/۶	۳۴۶۸۳/۴	۳۴۵۹۲/۹	۴۰/۷	۰/۱۲
شاخص بازاراول	۲۲۹۳۶	۲۲۹۴۳/۷	۲۲۸۸۳/۳	۷۲/۴	۰/۳۲
شاخص بازاردوم	۳۱۸۴۴/۲	۳۱۸۵۷/۷	۳۱۷۸۱/۵	۸۶/۳	۰/۲۷
شاخص صنعت	۲۰۶۲۸/۹	۲۰۶۲۸/۹	۲۰۵۳۱/۹	۹۹/۳	۰/۴۸

آمار آخرین روز معاملاتی(سه شنبه۹۰/۷/۱۹)

مجموع حجم معاملات	۲۴۸ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۶۳۵/۰۰۹ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۱۹۱۲۷ معامله
ارزش بازار	۱/۲۸۱/۱۳۶ میلیارد ریال



شرکت دارویی ۲۰۰درصد افزایش سرمایه می‌دهد

شرکت تولید مواد اولیه داروپخش با اعمال افزایش سرمایه ۲۰۰ درصدی، سرمایه اسمی خود را از ۶ به ۱۸ میلیارد تومان می‌رساند.

به گزارش فارس، این شرکت کوچک بورسی که هم اکنون دارای سرمایه اسمی ۶ میلیارد تومانی است در صدد است تا با انتشار ۱۲۰ میلیون سهم ۱۰۰ تومانی، ۱۲ میلیارد تومان از از محل آورده نقدی و مطالبات حال شده سهامداران تامین کند که در این صورت سرمایه اسمی آن به ۱۸ میلیارد تومان خواهد رسید.

این افزایش سرمایه ۲۰۰ درصدی به منظور بازسازی بخش‌های مختلف تولیدی و تحقیقاتی، آماده سازی بخش کورتونها و سرمایه‌گذاری در جهت تولید محصولات جدید انجام خواهد شد.

شفافیت‌سازی قیمت‌ها در بورس کالا



بورس کالا نمی‌خواهد به ثروت ملی چوب حراج بزند و با تخفیف و قیمت پایین‌تر معامله کند پس می‌توان با شفاف سازی قیمت در بورس و قیمت متناسب با نرم جهانی ذره‌ای از حق ملت ایران کوتاه نیامد.

محمدرضا طهماسبی ناظر تالار معاملات بورس کالا در گفتگو با خبرنگار ایسنا، با اعلام مطلب فوق و با تاکید بر آن‌که مشکل معامله نشدن نفت خام در بورس بطور قطع حل خواهد شد، اظهار کرد: یا باید دستورات دولت زیر پا گذاشته شود و شرایدر را برای انجام نشدن معاملات ایجاد کرد و یا باید به این کار گردن داد.

وی ادامه داد: طبق دستور قوه مجریه معاملات نفت باید در بورس کالا انجام شود. در بورس کالا مانعی وجود ندارد و همه چیز در خصوص انجام معاملات برنامه‌ریزی شده است.

وی با بیان اینکه دستورات مدیران ارشد در بعضی بخش‌ها چون نفت، با رسیدن به مدیران میانی با چالش مواجه می‌شود و اهداف دستور یا آیین‌نامه به دست نمی‌آید، افزود: معامله نفت خام در بورس جز این دستورات است که به دلیل مقاومت مدیران مربوط به امور بین‌الملل شرکت ملی نفت، عملی نمی‌شود.

طهماسبی تاکید کرد: وارد کردن این اتهام که بورس کالا با معاملات نفت آشنا نیست اشتباه است، زیرا بورس کالا بازار ایران را می‌شناسد و برای پیش‌برد صحیح معاملات نفت در جریان تجربیات بورس‌های نفت در دیگر کشورها قرار گرفته است.

این ناظر معاملات بورس کالا همچنین اظهار کرد: سال ۸۶ در کمیته‌ای با حضور سه وزیر معایب و مزایای عرضه و معامله نفت خام در بورس کالا بررسی شده است حال با نادرست خواندن معامله نفت در بورس باید یا کار کارشناسی سه وزارتخانه اشکال داشته باشد یا امور بین‌الملل شرکت ملی نفت در این راستا مشکل دارد.

این کارشناس بورس کالا با تاکید بر مقاومت موجود بین مسئولان عرضه‌کننده نفت خام برای انجام معاملات، تصریح کرد: این مقاومت پس از عرضه و در تعیین قیمت نشان داده می‌شود، زیرا قیمت‌های اعلام شده خارج از نرم جهانی و بالاتر از بازارهای منطقه است تا خریدار به معامله ورود نکند.

به گفته وی خریداران با توجه به قیمت‌های منطقه وارد معامله می‌شوند پس ما هم باید تابع قیمت‌های منطقه باشیم.

وی همچنین اظهار کرد: از جمله موانعی که شرکت ملی نفت بر سر راه معامله نفت قرار داده است به جز قیمت‌گذاری، سیستم گزینش کسانی است که می‌توانند خریدار محموله‌های عرضه شده باشند؛ که شرکت ملی نفت می‌تواند با هدایت خریداران به بورس به دستور صادر شده مبنی بر معامله نفت خام در بورس جامه عمل بپوشاند.

طهماسبی تاکید کرد:طبق دستور دولت ثبت قیمت و کشف قیمت نفت باید از سیستم غیر شفاف کنونی به بورس وارد شود.

وی در پاسخ به این پرسش که با توجه به شرایط ثابت کنونی عرضه‌های بعدی نفت خام به معامله خواهد انجامید یا خیر؟ گفت :مسئولان عرضه‌کننده نفت خام احتمالا کماکان روش کنونی را ادامه خواهند داد تا بورس خسته شود اما ما بدون خستگی پیش خواهیم رفت تا قبول شرایط معامله در بورس را در آنها ایجاد کنیم.

طبق این گزارش، معاملات آتی بورس کالا روند رو به رشدی را در می‌کند که در آینده بیش از پیش سرعت خواهد گرفت.

یک ناظر معاملات آتی شرکت بورس کالا ایران با بیان اینکه در هفته‌های اخیر با توجه به نوسان قیمت کالا در بازار جهانی و تاثیر آن در بازار سکه آتی ایران، برخی خریداران دچار ضرر شده‌اند، تاکید کرد: این ضرر ناشی از عملکرد بورس نیست.

وی در پاسخ به این سؤال که برخی خریداران معتقدند به موقع نبودن عملکرد کارگزاران باعث ضرر آن‌ها شده است، خاطرنشان کرد: شاید در برخی موارد این گونه بوده است اما آنچه مسلم است آن که از نظر سیستم مشکلی وجود ندارد.

به گفته وی سیستم معاملات آتی بورس کالا به سمت نرم‌افزارهای جدید و سیستم‌های نو که باعث افزایش سرعت تراکنش‌های معاملاتی برای رفتن به سمت بازارهای جهانی می‌شود، خواهد رفت.این کارشناس بازار سرمایه معتقد است: آنچه در بازارهای آتی سکه جهان اتفاق می‌افتد در یک مقیاس کوچک‌تر در ایران در جریان است و ما باید با استفاده از ابزارهای نوین از این مسیر دور نمانیم. ازسوی دیگر به دلیل نبود توافق بر سر قیمت دومین محموله سنگ آهن در بورس کالا معامله نشد.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
بیمه آسیا	۳,۴۷۱	(۱۴۳)
مخابرات ایران	۳,۶۳۰	۷
بیمه البرز	۳,۴۱۵	(۱۴۲)
ایران ترانسفو	۵,۴۶۵	۹۸
پارس‌سویچ	۶,۷۹۹	(۲۸)
لامپ پارس شهاب	۲,۹۰۰	(۲۷)
موتوژن	۴,۲۸۰	(۱۷۸)
نیروترانس	۵,۶۵۵	(۱۸۶)
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۵,۰۶۰	(۲۱۰)
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۲,۶۵۰	(۸)
بیمه پارسیان	۲,۷۰۳	(۱۱۲)
ایران‌یاساتایرورابر	۵,۵۰۰	(۱۲۶)
سرمایه گذاری پردیس	۱,۳۲۰	(۵)
صنایع لاستیکی سهند	۱,۸۷۹	۱۱
گازلوله	۵۲۳	۱
گروه صنعتی بارز	۱,۱۴۰	۱۵
تراکتورسازی‌ایران	۱,۷۰۱	۲۷
پمپ سازی ایران	۳,۳۳۸	۲۸۶
تولیدتجهیزات‌سنگین‌هپکو	۹۷۲	(۴۰)
ماشین‌آلات صنعتی تراکتورسازی	۱,۸۰۹	(۷۵)
فیروزا	۲,۶۲۴	(۶۹)
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱,۴۳۵	(۵۹)
کمباین سازی ایران	۶۵۵	(۲۳)
تکنوتار	۱,۷۵۵	۶۷
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۳۶۲	۵۲
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۳,۲۷۲	۴۲
سرمایه گذاری شاهد	۲,۱۳۰	(۳)
ح . سرمایه گذاری شاهد	۸۸۲	(۱۴)
عمران‌وتوسعه‌فارس	۱,۴۲۱	(۳۸)
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۸۷۵	۳۰
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۲,۱۴۰	۸۲
افست	۳,۴۴۰	(۲۴)
بسته بندی پارس	۷۲۲	(۳۰)
فیبر ایران	۶,۱۰۰	۲۳۴
کارتن مشهد	۷۷۷	(۳۲)
کارتن ایران	۱,۷۸۵	۳۶
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۷,۷۳۳	(۳۲۱)
تایدواترخاورمیانه	۲,۹۵۰	۰
حمل‌ونقل‌توکا	۲,۴۸۶	(۱۰۳)
حفاری شمال	۲,۳۹۱	(۳۹)
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۹۶۰	(۱۴)
ساپاآذین	۱,۱۱۰	(۲)
آهنگری تراکتورسازی ایران	۳,۰۳۳	(۱۲۶)
ایران خودرودیزل	۹۴۰	۷
پارس خودرو	۱,۱۴۸	۱
سازه پویش	۱۵,۰۰۰	۴۳۸
رادیاتور ایران	۱,۰۴۴	۴۰
قطعات اتومبیل ایران	۳,۳۰۰	(۶۹)
چرخشگر	۳,۲۵۰	(۶۴)
رینگ‌سازی‌مشهد	۱,۲۸۰	۲۱
زامیاد	۱,۶۵۰	(۱)
ح . زامیاد	۶۴۹	۱
سایپا	۲,۲۶۹	(۱۰)
الکتریک خودرو شرق	۱,۲۳۰	(۵)
صنعتی دریایی ایران	۲,۴۴۰	(۲۱)
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۳,۰۱۰	(۲۸)
نیرو محرکه	۱,۵۵۱	(۹)
تولیدمحورخودرو	۱,۵۴۹	۵۸
مهرکام‌پارس	۶۹۰	(۱۰)
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۹۲۱	(۳۰)
مهندسی‌نصیرماشین	۲,۲۰۲	(۹۱)
ایران خودرو	۳,۱۵۰	(۳۱)
محورسازان‌ایران‌خودرو	۷۳۸	(۴)
کاربراتورایران	۳,۰۳۷	(۱۲۲)
سایپا دیزل	۷۴۲	۴
داروسازی ابوریحان	۸,۵۴۷	(۳۵۳)
کارخانجات‌داروپخش	۶,۸۵۰	(۷۵)
داروسازی اسوه	۱۳,۱۰۰	(۲۴۳)
البرزدارو	۱۲,۷۵۲	۰
داروسازی امین	۲,۸۹۰	(۴۳)
بیمه دانا	۱۱,۳۶۸	(۴۷۳)
تولیدموادّاولیه‌داروپخش	۱۳,۸۰۰	(۲۸۳)
داروسازی جابرابن‌حیان	۴,۰۵۴	(۴۸)
داملران	۹,۰۰۳	(۱۰۴)
دارویی رازک	۱۲,۸۵۰	(۱۶۹)
داروسازی روزدارو	۵,۱۱۲	(۲۱۳)
داروسازی‌زهراوی	۱۴,۸۰۸	۵۶۹
گروه دارویی سبحان	۴,۸۷۵	(۲)
داروسازی سینا	۱۴,۳۴۴	۰
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۹,۰۰۰	(۳۶۷)
داروسازی اکسیر	۷,۶۶۴	(۳۱۹)
دارویی لقمان	۴,۲۳۱	(۱۷۱)
ایران‌دارو	۵,۰۰۱	۴
داروسازی کوثر	۲,۸۳۰	(۷۳)
کیمیدارو	۳,۰۰۷	(۳۸)
خدمات‌انفورماتیک	۱۳,۱۸۰	۲۸۵
تجارت الکترونیک پارسیان	۱۰,۲۰۰	۱۱

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۳,۶۷۴	۱۴۱
مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۲,۸۳۱	۱۰۸
کشاورزی ودامپروری مگسال	۱۲,۸۰۰	(۴۹۴)
آذریت	۷,۶۰۰	(۹۰)
سیمان داراب	۳,۰۳۵	(۲)
سیمان‌ارومیه	۴,۳۲۹	۱۳۵
ایرانیت	۷۰۸	۲۷
سیمان بهبهان	۱۳,۴۰۰	۴۱۰
سیمان‌سپاهان	۱,۶۷۰	(۴)
سیمان تهران	۲,۸۶۶	۱۱۰
سیمان خزر	۱,۹۲۱	۱۱
سیمان دورود	۵,۲۰۰	(۱۱۴)
سیمان‌شاهرود	۲,۶۳۱	۳۱
سیمان شرق	۱,۱۳۵	۲۶
سیمان شمال	۱,۰۵۹	۲۴
سیمان صوفیان	۱,۲۰۹	۴۶
سیمان‌غرب	۲,۷۳۹	۱۰۵
سیمان فارس و خوزستان	۱,۲۳۵	۴۷
کارخانه‌فارسیت‌درود	۶۲۹	(۴)
فارسیت اهواز	۸۵۰	(۳۵)
سیمان فارس نو	۲,۶۰۲	۱۷
سیمان‌مازندران	۵,۴۹۵	۶۰۲
سیمان سفیدنی‌ریز	۴,۱۱۷	۱۵۷
سیمان‌هرمزگان	۸,۷۷۷	۳۳۷
سیمان‌هگمتان	۲,۷۶۷	۱۰۱
سیمان کارون	۲,۷۱۰	(۴۹)
سیمان کردستان	۷,۶۱۰	(۱۶۰)
سیمان کرمان	۳,۹۰۰	(۲۳)
پتروشیمی شازند	۴,۲۶۶	(۱۱۸)
معدنی املاح ایران	۷,۸۰۰	۱۴۵
پالایش نفت تبریز	۲,۰۴۲	۷۸
نفت بهران	۱۷,۲۵۵	۲۵۲
پاکسان	۳,۵۲۰	(۵۴)
پتروشیمی آبادان	۵,۴۸۰	۶۰
پلی‌اکریل	۵۳۰	۳
پالایش نفت اصفهان	۴,۱۴۶	(۸۴)
تولی‌پرس	۱,۸۸۳	۱۴
پتروشیمی خارک	۱۸,۵۸۸	۳۰۵
تجهیزنیروی‌زنگان	۹۱۰	۳۵
تولید سموم علف کش	۳,۸۴۵	(۴)
پتروشیمی اصفهان	۳,۲۰۰	(۲۶)
پتروشیمی‌فارابی	۲,۳۱۰	(۸۱)
صنایع شیمیایی فارس	۲,۸۵۰	۶۶
پتروشیمی فناوران	۸,۴۰۲	(۹۹)
گلتاش	۶,۲۱۵	۲۳۹
لعابیران	۴,۳۰۰	۱۳
تولیدموادّاولیه‌والیاف‌مصنوعی	۱,۳۵۶	۳
نفت پارس	۳,۱۵۱	(۱۲)
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۱۱,۲۰۴	(۳۰۶)
کربن ایران	۸۰۰	۱۵
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴,۱۰۰	(۲۸)
لبنیات‌کالبر	۱,۶۵۰	(۳۱)
صنعتی بهشهر	۵,۸۹۴	۷۳
لبنیات پاک	۳,۶۳۵	(۱۵۱)
پارس مینو	۱,۶۴۲	(۴۴)
خوراک دام پارس	۵,۳۱۷	(۲۱۵)
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱,۳۴۵	۵۱
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۲,۹۳۷	(۱۲۲)
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۲,۸۰۰	(۶۲)
شهد ایران	۱,۱۹۹	۴۶
بیسکویت گرجی	۲,۳۶۰	۳۶
مارگارین	۱,۷۳۹	۶۶
تولیدی‌مهرام	۲,۷۰۰	(۱۰۸)
روغن نباتی ناب	۴,۶۹۵	۱۸۰
صنایع آذرآب	۲,۴۳۵	(۳۴)
ماشین سازی اراک	۱,۸۴۹	(۱۰)
کالسیمین	۱,۹۰۰	(۶۰)
آلومتک	۲,۴۱۳	۹۱
ح . آلومتک	۱,۳۹۶	۱۰۳
صنعتی آما	۳,۹۱۰	(۷۴)
مس شهیدباهنر	۱,۱۶۳	۴۴
فولاد خراسان	۶,۶۸۹	(۲۷۸)
فولاد خوزستان	۸,۶۲۸	(۱۳۹)
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۴,۸۸۰	۶۷
فروسیلیس ایران	۳,۹۹۳	(۴۹)
تولیدفرومولیبدن‌کرمان	۶۸۳	۲۶
ملی سرب‌وروی ایران	۳,۸۰۰	(۲۳)
ح . ملی سرب‌وروی ایران	۲,۶۰۰	(۱۱۲)
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۳,۳۰۱	(۷۳)
ملی صنایع مس ایران	۴,۷۲۱	۶
نورد آلومینیوم	۲,۷۵۰	(۲۶)
نوردوقطعات فولادی	۱,۶۲۰	(۳۱)
ح . نوردوقطعات فولادی	۵۳۱	(۳۰)
فولاد مبارکه اصفهان	۳,۱۵۰	۳۵
فولاد آلیاژی ایران	۳,۱۲۰	(۱۷)
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۷,۰۰۰	(۲۲۷)
قند ثابت خراسان	۲,۴۷۱	(۱۰۲)

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
فرآورده‌های غذایی وقندتربت‌جام	۱,۶۷۴	۶۴
کارخانجات قند قزوین	۲,۳۶۶	(۷۶)
قند شیرین خراسان	۳,۱۵۲	(۱۲۱)
شهد	۵,۸۰۰	(۱۰۰)
شکرشاهرود	۳,۵۵۴	۱,۰۴۶
قنداصفهان	۱۳,۷۹۹	۱۸۹
قند لرستان	۱۵,۳۰۵	(۶۳۷)
قند مرودشت	۱۰,۲۶۰	۷۵
قند نیشابور	۴,۴۱۰	۳
قندهکمتان	۷,۵۰۰	۹۲
آبسال	۷۳۱	(۱۵)
گروه‌صنعتی‌بوتان	۱,۹۹۶	۷۶
پارس الکتریک	۱,۰۷۰	(۴۴)
لوازم خانگی پارس	۷۷۰	(۳۲)
پارس خزر	۱,۹۴۶	۷۴
سرما آفرین	۱,۵۷۰	۱۸
کارخانجات‌مخابراتی‌ایران	۱,۲۶۷	۴۸
داده‌پردازی‌ایران	۳,۱۵۷	۱۴
ح . داده‌پردازی‌ایران	۲,۱۶۰	(۴۶)
ایران‌ارقام	۳,۹۱۰	۵۲
ح . ایران‌ارقام	۲,۷۷۰	۸۸
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۸۳۷	۳۲
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۹۷۶	(۱۹)
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۳,۹۰۰	(۹۱)
ح . سرمایه گذاری‌البرز(هلدینگ	۲,۹۰۰	۰
مدیریت سرمایه گذاری امید	۳,۶۷۰	۲۷
بانک انصار	۲,۹۸۴	۳۰
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۲,۶۵۹	۳
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۲,۶۹۰	۵۵
بانک صادرات ایران	۱,۵۰۰	(۱۰)
بانک ملت	۲,۳۹۱	(۵)
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۰۳۵	۳۹
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۹۶۹	۳۴
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱,۰۰۴	۳۸
بانک‌پارسیان	۳,۴۰۰	۲۷
بانک پاسارگاد	۲,۰۷۹	(۲۷)
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۸۱۰	۱۶
داروپخش (هلدینگ	۷,۹۵۷	(۱۸۹)
پست بانک ایران	۶,۸۱۱	(۱۱۴)
بانک تجارت	۱,۸۰۰	(۳۱)
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۱,۲۸۶	۴۹
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۶۵۰	(۱۸)
سرمایه گذاری پارس توشه	۲,۲۹۰	۳۴
توسعه‌صنعتی‌ایران	۱,۲۹۹	۴۱
ح . توسعه‌صنعتی‌ایران	۲۹۳	۲۱
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۲,۳۱۰	۰
ح . توکافولاد(هلدینگ	۱,۲۵۹	(۶)
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۲,۲۲۱	(۱۰)
سرمایه‌گذاری سایپا	۲,۹۳۰	۲۷
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۱,۸۹۶	۷۲
سرمایه‌گذاری سپه	۱,۲۹۹	۲۷
گروه‌صنعتی‌سدید(هلدینگ	۱,۶۰۰	۳۶
بانک سینا	۳,۴۰۰	۲۰
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۲,۶۲۰	(۸۱)
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱,۳۲۶	۵۱
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۴,۵۹۰	۳۱
لیزینگ رایان سایپا	۵,۷۶۲	۲۲۱
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۷۱۴	۶۵
لیزینگ‌خودروغدیر	۵۶۶	۲۱
لیزینگ‌ایران	۲,۶۰۳	۳
توسعه‌معادن‌وفلزات	۸,۶۹۰	۹۳
سرمایه‌گذاری‌ملت	۳۶۸	۶
سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۱,۰۷۶	(۴۴)
بانک‌اقتصادنوین	۴,۴۹۹	۱۰۱
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۳۸۶	(۵۷)
سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۸۰۸	(۵۸)
بانک کارآفرین	۳,۰۱۰	۲۶
آبگینه	۵۴۳	(۱۱)
فرآورده‌های‌نسوزآذر	۱,۳۹۰	۵۳
کاشی اصفهان	۱,۳۹۰	۱۲
باما	۲۲,۰۲۰	(۷۹۸)
معادن بافق	۱۸,۵۸۷	۷۱۴
کاشی پارس	۱,۳۱۲	۵۰
تولیدی کاشی تکسرام	۱,۲۱۷	۴۶
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۶,۳۹۹	۵
چینی ایران	۳,۵۰۶	۱۳۴
معدنی دماوند	۶,۷۶۱	۲۶۰
توسعه معادن روی ایران	۲,۸۸۸	۲
صنایع کاشی و سرامیک سینا	۲,۹۴۸	۱۱۳
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۹,۱۹۰	۲۴
کاشی سعدی	۲,۰۳۹	(۸۴)
ذغال‌سنگ نگین طبس	۵,۸۷۱	۲۲۵
فراورده های نسوزایران	۳,۹۰۰	۷۳
معدنی و صنعتی گل گهر	۶,۶۸۰	۴۲
کاشی نیلو	۱,۶۱۰	(۱۲)
تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۱,۴۴۰	۴۱
شیشه همدان	۳,۱۸۶	۳۲

فرهنگی ۵۴

● چهارشنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۰
● شماره ۲۵۱۵۰ـ ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات
● ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن اسلام و ایران

آموزه



شمس تبریزی:

تا کنون سخن محبت می گفتیم. پیش اهل دنیا سخن خوف باید گفتن... اگر تو را صفت این خفته بگویم نومید شوی از خویش. نگویم تا نومید نشوی. نومید مشو که امیدهاست...

مقالات شمس/ ۱۴۱ و ۱۴۰

سر سخن

کریم فیضی

فرهنگ نو

در فرض کشتی غرق شده، انسان اگر لازم باشد آن تخته‌پاره‌ها را در وسط دریا رها کند و دوباره از جنگل و درخت چوب محکمتر و بزرگتر مهیا کند، چنین میکند و اگر لازم باشد کشتی‌هایی بزرگتر بسازد می‌سازد و در این کار تا آنجا پیش می‌رود که اگر لازم باشد به فرض محال دریا را به آتش بکشد، باز حتماً این کار را می‌کند. این چیزی است که تاریخ آن را اثبات می‌کند و بخصوص مراجعه به تاریخ صنعتی بشر و تغییر و تحولی که در چند و چون ساختن و کامل کردن ابزار و ادوات ایجاد کرده و در دسترس ماست، به وضوح آن را نمایان می‌کند. اگر قرار بود انسان در سوارشدن بر کشتی، به خاطر ترس از کمبود ظرفیت و ترس از غرق شدن، دست‌های خویش را به نشانه تسلیم بالا ببرد، بزرگترین صف‌های تاریخ بشری در سواحل زندگی شکل می‌گرفت تا محدودیت ظرفیت و منابع و امکانات اجازه بدهد و نوبت از فردی به فردی برسد تا آنچه راکه دوست دارد، عملی کند.

حال که هرگز چنین اتفاقی روی نداده بلکه عکس آن روی داده است و انسان بی اعتنا به محدودیت‌ها و رعایت ظرفیت و بی‌اعتقاد به چیزی به نام نوبت، صف همه چیز را به هم ریخته است و چنین بوده که به اصطلاح دریا را دور زده و بجای زمین و خشکی و دریا از آسمان رفته است و حالا مدتی است که در صدد دور زدن آسمان است و آنچه که امروزه به دست اینترنت انجام می‌شود و همه روزه تکرار می‌شود، چیزی جز دور زدن آسمان نیست و اسم دیگری رویش نمی‌توان نهاد! در بازگشت به موضوع، شما می‌توانید آنچه را که در باب انسان و کشتی زندگی گفتیم،



در باب انسان و کشتی فرهنگ نیز صادق بدانید. واقع این است که انسان به لحاظ موجودیت ذاتی و قابلیت‌های شناخته وناشناخته روانی و ذهنی ـ که ما آنها را جزو توانایی‌های فرهنگی انسان به حساب می‌آوریم ـ به گونه‌ای نیست که بر کشتی فرهنگ بنشیند و این کشتی در برابر نگاه او به اعماق دریا فرو رود، حتی اگر خطا از انسان باشد بلکه در شرایطی از این دست، طبق آنچه هزاران سال است از خود بروز می‌دهد، دست به کارهایی می‌زند که فارغ از ابتکاری بودن و نبودن، مانع از پذیرش شکست کشتی فرهنگ است.

انسانها ممکن است که با نوعیت خود به حسب ظاهر کشتی یا قطار فرهنگ را با خطر مواجه کنند و با آسیب روبرو کنند، اما هرگز تن به کنار گذاشتن این کشتی و ترک آن نمی‌دهند و رضایت نمی‌دهند بدون این کشتی به حیات خود ادامه دهند.

بدین ترتیب، در کوتاه‌ترین بیان ممکن باید نقش انسان در چرخه‌هایی مانند، عامل و معمول بودن جمعیت را متفاوت ارزیابی کنیم و اطمینان نداشته باشیم که انسان ساختاری دارد که معمولاً تن به حذف نمی‌دهد. طبق این ساختار انسان اجازه نمی‌دهد چیزی خراب شود و از بین برود. اگر هم چنین شود یا خود چنین کند، دیر یا زود دست به کار می‌شود و چیزی دیگر می‌سازد و می‌آفریند که بهترین جانشین ممکن برای پدیده سابق خواهد بود و این چنین بوده که انسان گذشته را به حال و حال را به آینده پیوند داده است و این موضوع تصویری دیگر از اوست در ارتباط و تعاملی که با فرهنگ داشته و دارد و خواهد داشت.

آری، ظواهر و قراین نشان می‌دهد که انسان با عواملی چون جمعیت و افزایش بی‌رویه آن درصدد تخریب بنای زندگی و فرهنگ خویش است. این موضوع نمی‌تواند ناراحت‌کننده نباشد. زوال فرهنگ به دست انسان را نمی‌توان دست‌کم گرفت، اما اندکی باید توقف کرد. انسان فرهنگی را خراب نمی‌کند مگر اینکه فرهنگی دیگر به جایش می‌گذارد. انسان حتی فرهنگ خود را نیز با فرهنگ خراب می‌کند. پس خراب نمی‌کند مگر برای فرهنگ و آفرینش فرهنگ: فرهنگی نو، کافی است کمی منتظر بمانید تا فرهنگ خلاقیت خود را عیان کند.



با یاد استاد محمود فرشچیان
به رنگ مینیاتور

از سال‌های پیش از مدرسه از روی نقشه‌های قالی طرح میزد، تا به تدریج دستش در کار نقش پردازی روان گردید.

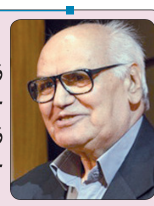
بدون تردید، استاد محمود فرشچیان یکی از پدیده‌های هنر نگارگری (مینیاتور) در عصر حاضر است و او در طراحی و شناخت و بکارگیری رنگ‌ها فوق‌العاده قدرتمند و قوی است. شاهد بر این امر، آثار فاخری است که به دست این هنرمند بزرگ پدید آمده ودر زمره افتخارات جهانی ایران زمین در عرصه هنر و نقاشی و مینیاتور است.

محمود فرشچیان به سال ۱۳۰۸ شمسی در اصفهان، پایتخت هنر ایران، دیده به جهان گشود. پدرش، حاج غلامرضا فرشچیان، از تجار فرش بود و در کار هنر قالی بافی دست داشت. این زمینه مساعد برای پرورش ذوق و شوق او در راه آشنایی با هنر موثر افتاد.

در برخی نقل‌ها آمده است: پدر فرشچیان که نماینده فرش اصفهان بود با دیدن استعداد فرزندش، وی را به کارگاه نقاشی استاد حاج میرزا آقا امامی برد. فرشچیان، پس از آموزش نزد استاد امامی و بهادری و دانش‌آموختگی از مدرسه هنرهای زیبای اصفهان، برای گذراندن دوره هنرستان هنرهای زیبا به اروپا سفر کرد و چندین سال به مطالعه آثار هنرمندان غربی در موزه‌ها پرداخت. بنا بر گفته وی در موزه‌های اروپا، اول کسی بود که وارد موزه می‌شد با بسته‌ای از کتاب و قلم، و در نهایت آخر از همه، خود او بود که از موزه خارج می‌شد. پس از بازگشت به ایران، فرشچیان کار خود را در اداره کل هنرهای زیبای تهران آغاز کرد و به مدیریت اداره ملی و استادی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران برگزیده شد.

بقیه در صفحه۳

یادی از آن زندگی
گفتگو با دکتر شمس شریعت تربقان



*** بحث ما دربارهٔ زندگی است. اگر جنابعالی بخواهید زندگی را تعریف کنید، چه می‌گویید؟**

عجب سؤال عجیبی را طرح کردید! از هر کس که چنین سؤالی را بپرسید، در ذهن خودش به جستجو می‌پردازد و آنچه را که از «فرائدالادب» و «بوستان» و «گلستان» سعدی و کتاب‌های فرنگی همچون کتابهای آناتول فرانس و سایر نویسندگان فرنگی دیگر خوانده و یا در مدرسه یا دانشکده از استادها و شخصیت‌های مهم شنیده است، جمع و ترکیب می‌کند و به عنوان جواب چند جمله «سلمبه و قلمبه» تحویل شما می‌دهد که: این است زندگی! تعریف زندگی مگر این است؟

*** طبعاً نگاه ما به تجربه و دریافت وجودی زندگی ناظر است. در واقع، وقتی از یک استاد پر سن و سال تعریف زندگی را جویا می‌شویم، حاصل تجربه او بعد از یک عمر زندگی را جویا می‌شویم. مسأله تجربه مطرح است، نه خوانده‌ها و نوشته‌ها و شنیده‌ها.**

زندگی به نظر من حتی تجربه هم نیست بلکه زندگی به معنی اخص خودش عبارتست از شب خوابیدن، صبح بیدار شدن و به امری اشتغال داشتن.

*** این یک ساحت زندگی است.**

این که عرض می‌کنم، حالت عادی زندگی است. برای من که در یک روستازاده شده‌ام، زندگی در روستا عبارت بود از: شب خوابیدن و صبح بلند شدن و رفتن به مکتب ده. صبح باید به مکتب ملاّی زن میرزامحمدحسن و بعداً میرزا مهدی می‌رفتم و برمی گشتم و بعد که بزرگتر شدم، باید به مدرسه می‌رفتم و به خانه می‌آمدم و آنچه به من یاد می‌دادند یاد می‌گرفتم.

*** این یک مقطع از زندگی است. طبعاً زندگی مقطع‌های مختلفی دارد.**

زندگی مقطع ندارد. زندگی در هر لحظه زنده‌بودن است یعنی حیات‌داشتن است که البّته در متن حیات هر فردی به امری از امورات اشتغال دارد.

*** قبول می‌فرمایید که چندین مقطع در زندگی مطرح است. دوره‌ای به گونه‌ای است، دوره‌ای دیگر به گونه‌ای دیگر.**

به نظر من زندگی قابل تعریف کردن به آن صورت که شما می‌گویید، نیست. اجازه بدهید من از یک تشبیه استفاده کنم. بچه‌ای را در نظر بگیرید که تازه به دنیا آمده است. آن بچه زندگی می‌کند، بدون اینکه تعریفی از زندگی داشته باشد. تعریف زندگی به صورت فلسفی از نظر من قابل قبول نیست، گرچه همه بزرگان جهان زندگی را تعریف کرده‌اند. آنچه که جامعه‌شناسان و نخبگان از زندگی تعریف می‌کنند خود زندگی نیست بلکه محصول زندگی است و نه خود زندگی. شوپن‌هاور از جمله کسانی است که در باب زندگی کتاب نوشته و فلسفه‌ای دارد. اگر به دوره‌ای عقب‌تر برگردیم، ارسطو و سقراط و افلاطون هم به تعریف زندگی پرداخته‌اند. تمام نوشته‌های حکمای اسلام در تدبیر آیین حیات و زندگی است، اما زندگی وقتی به فرد می‌رسد، مسأله‌اش فرق می‌کند. تصور من این است که اگر خواسته باشیم تشبیهی کرده باشیم هر نوزاد انسانی در قله‌ای از قلل حیات پا به عرصه حیات این جهان می‌گذارد و حیاتش و زندگانیش را اجباراً به خاطر شیب حیات می‌گذراند

بقیه در صفحه۳

بعد از حافظ در گفتگو با دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن/۷
شعر نو

*** شعر نو اکنون چند دهه است که در جریان است. می‌دانیم که نیما پیشتاز آن‌شناخته می‌شود. فکر می‌کنید شعر نو چگونه آغاز شد؟**

شعر نو نهضتی است که در دوره رضاشاهی آغاز می‌شود. نیما نخستین شعرهای نو خویش را در مجلّه‌ای به نام «موسیقی» که آن زمان منتشر می‌شد، عرضه کرد و جریان را آغاز نمود.

*** چیزی که هست، این است که شعر نو از دل زبان فارسی سر برآورد. چه‌دلیلی می‌توان برای شروع و ظهور آن در نظر گرفت؟ آیا این اتّفاق به دلیل کهنگی و قدمت شعر کلاسیک فارسی روی داد یا اقتضای زمانی داشت و جامعه جدید نیازمند چنین زبان و بیانی بود؟**

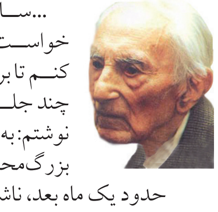
به نظر من، برای آنچه «شعر نو» خوانده می‌شود، دو مبنا را باید مؤثّر دانست: یکی اینکه به طور کلّی، جریان سیاسی دوره رضاشاهی رو به نوی گذاشته بود و در شئون مختلف چنین ابراز می‌شد که همه چیز رو به تجدّد دارد. تمدّن غربی و اروپایی در شئون مختلف نمود پیدا کرده بود و از جمله در آموزش جدید که در آموزشگاه‌ها و ایجاد دانشگاه خود را نشان می‌داد. بنابراین، لازم بود که شعر هم این جریان را همراهی کند. این اصلی بود که نیما به آن توجّه نشان داد. وی در مدرسه سن‌لویی فرانسوی درس خوانده و با زبان فرانسه آشنا شده بود و از همین جا با مدرنیسم فرانسوی سر و کار پیدا کرد. در آن زمان که ثلث اول قرن بیستم بود در فرانسه هم مکتب‌های مختلف نوی ایجاد شده بود، از جمله سوررئالیسم و سایر تفنّن‌های شعری.


دکتر اسلامی ندوشن

بنابراین، نیما از اینجا به فکر افتاد که شعر فارسی را نیز به گونه‌ای نو مورد آزمایش قرار دهد و چنین اندیشید که: حالا که تجدّد در شئون مختلف پیداشده است، چرا نوی در شعر راه نیابد؟ این موضوع را باید یک علّت شمرد برای ظهور آنچه شعر نو خوانده می‌شود، که عبارت باشد از به هم ریختن موازین کهنه مانند وزن و قافیه و قواعدی که در شعر گذشته وجود داشت.

بقیه در صفحه۵

نام آوران
یادی از جمالزاده



...سال‌ها پیش، یک نفر پیش من آمد و خواست که تعدادی از کتاب‌هایم را امضاء کنم تا برای جمالزاده ببرد. من قبول کردم و چند جلد ازکتاب‌هایم را به او تقدیم کردم و نوشتم: به دوست نادیده و دانشمند، و نویسنده بزرگ‌محمدعلی جمالزاده.

حدود یک ماه بعد، ناشرم – که آقای سحاب بود – خبر داد که نامه‌ای از جمالزاده‌خطاب به من رسیده شده است. نامه‌ای بود سراپا محبت و مهر و لطف که مرا با بزرگان کرمان‌مقایسه کرده بود. درباره قلمم نگاهی ستایش‌آمیز داشت.

نوشته بود که کتاب‌های زیادی به‌دست من می‌رسد که مقداری از آنها را می‌خوانم و می‌گذارم که بعدها بخوانم و در حقیقت‌تعلیق به محال می‌کنم. از شما چه پنهان، این کلمه را اولین‌بار از جمالزاده شنیدم.

بقیه در صفحه ٤

روایت

حمید سعادت

خاطرات سیدمحمد فاطمی، نویسندهٔ قانون مدنی/۱

ایام تحصیل

تاریخ تولّدمن، تحقیقاً دردست نیست. تولّد اخوی – آقا سیّد محمّد تقی – در بیست و یکم ذیقعدهٔ سنهٔ ۱۲۸۲ ق بوده، بعد از اخوی، یک پسر و یک دختر متولّد شده، و بعد من به دنیا آمده‌ام. بر حسب تقریر والده، فاصلهٔ بین هر تولد، تقریباً چهارسال بوده، و به این تقریر، تولّد من در حدود سنهٔ ۱۲۹٤ ق بوده، مابین عید قربان و غدیر، در خانهٔ ملکی که واقع است در قرب دروازه ری قم.

در سنهٔ ۱۳۰۲ ق والد، مرحوم شد. در سنهٔ ۱۳۰۳ ق حاجی سیّد جوادعمو در ماه صفر، مرحوم شد. از سن شش سالگی مرا مطابق معمول در مکتب‌خانه، برای تحصیل گذاردند و مشغول تحصیل فارسی و عربی بودم. ابتدا در مکتب‌خانه‌ای نزدیک دروازه ری قم پیش شیخ میرزا و بعد پیش آخوند ملّا غلامحسین یزدی در میدان مسجد قم، علاوه بر بعضی کتب فارسی، نصاب را حفظ کرده، امثله و صرف میر و عوامل را آنجا خواندم. بعد نزد آخوند ملا محمّدتقی در مدرسهٔ جانی خان، مقابل مسجد جامع قم از صمدیّه شروع کرده، تا مغنی و مطوّل، آنجا خواندم و شرح لمعه را تامقداری نزد حاج میرزا محمّد، معروف به ارباب، خواندم.

ملاقات با ناصرالدّین شاه

قبل از رمضان سنهٔ ۱۳۰۹ ق سفری به همراهی صدرالعلمای قم به تهران آمده، در موقع تحویل حمل، با رقعهٔ دعوت که برای اخوی آمده بود و به اسم او بود، به حضور ناصرالدّین شاه در جزء علما و طلّاب رفتم. بعداز چهل پنجاه روز مراجعت کردم به قم.

امتیاز تنباکو

در حدود سنهٔ ۱۳۰۹ق کمپانی رژی، امتیاز تنباکو و توتون ایران را از دولت گرفت و مشغول عملیات گردید. در آن موقع، حکمی منسوب به حاجی میرزامحمّدحسن شیرازی در تمام بلاد منتشر شدکه: «الیوم استعمال تنباکو و تتن بأی نحو کان در حکم محاربه با امام زمان است».

مردم عموماً استعمال دخانیات را ترک کردند، ولی بعضی از علما نسبت حکم را به آن مرحوم، غیرواقع دانسته، مخالفت کردند. در تهران حاجی میرزاحسن آشتیانی، اوّل مروّج این حکم شد و سایر علما نیز همراهی کردند، غیر از آقا سیّدعبدالله بهبهانی که مخالفت کرد. کمپانی به توسّط قوام‌الدّوله – وزیر امور خارجه – نزد شاه شکایت کرد. شاه، عبداللّه خان والی را نزد میرزای آشتیانی فرستاد که یا در ملأ، قلیان بکشند و یا از ایران خارج شوند. مردم دکان‌ها را بسته به طرف ارگ ریختند. امر به شلیک شد. جمعی مجروح و مقتول شدند. دولت برای اینکه مبادا فتنه بالا گیرد، جلو کار را گرفت، خسارات کمپانی را هشت کرور متحمّل و امتیاز را بر هم زد.

در محرّم سنهٔ ۱۳۱۰ ق، وبا در بلاد ایران شایع شد. من با تمام اهل خانه و اقوام به بیدهند، شش فرسخی قم رفتیم. تابستان را آنجا مانده، بعد از تمام شدن وبا به قم مراجعت کرده، بلافاصله مبتلا به ناخوشی سختی شدم که مأیوس از حیات من شدند. بعداز بهبودی مشغول تحصیل شدم.

اقامت و تحصیل در تهران

در پانزدهم شعبان سنهٔ ۱۳۱۱ ق آمدم تهران. مدرسهٔ منیریّه را تازه ساخته [بودند] و هنوز مسکون نشده بود. حاجی میرزاحسن آشتیانی، حجره‌ای در آنجا به من داد. در ماه ذیقعدهٔ سنهٔ ۱۳۱۱ ق در آن مدرسه، ساکن شدم.

در نوشته‌ای که موجود است، نوشته‌اند: «جناب آقا سیّدمحمّد، اخوی جناب مستطاب آقای آقامیرزا محمّد تقی قمی – سلّمه‌الله تعالی – حجرهٔ ششم از طرف شمال، به سلامتی منزل فرموده، مشغول تحصیل خواهندشد. سیّم ذیقعدةالحرام ۱۳۱۱».

ریاضیات قدیم را – از حساب و هیئت و تقویم – نزد میرزاابراهیم زنجانی، و فقه و اصول را نزد اخوی و آقا سیّدعبدالکریم – مدرّس مدرسهٔ مروی – و آقا شیخ محمّدصادق و آقا شیخ محمّدحسن – ناظر مدرسه – و غیر هم دیدم و کلام و حکمت را نزد حاجی شیخ‌علی نوری و آقا میرزاهاشم رشتی و آقا میرزاحسن کرمانشاهی و تا آخر، درنزد مرحوم حاجی میرزاحسن آشتیانی و آقامیرزاهاشم، مشغول فقه و اصول و حکمت و عرفان بودم، تازمانی که این دو نفر، وفات یافتند. در ماه رمضان سنهٔ ۱۳۱۲ ق حاجی میرزاحسن شیرازی، مرحوم و در تمام شهرهای ایران، عزاداری مفصّلی برای آن مرحوم کردند.

قتل ناصرالدّین شاه

در سنهٔ ۱۳۱۳ ق ناصرالدّین شاه، مقتول شد. اتّفاقاً در آن روز، من با رفقا حضرت عبدالعظیم بودیم، یعنی روز جمعه هفدهم ذیقعدهٔ آن سال.



از چندی قبل، برای جشن سال پنجاهم سلطنت و ذوالقرنین شدن، تهیهٔ خیلی مفصّل دیده بودند.

ما در مدرسه، جنب صحن، نهار می‌خوردیم که شنیدیم شاه وارد شد و به حرم رفت و یکدفعه حرم و صحن و اطراف را قرق کردند و به اختلاف میگفتند: شاه کشته شد و بعضی می گفتند: تیر خطا کرد و کشته نشد. تا وقتی که کالسکهٔ شاه را حرکت دادند، شاه را در کالسکه نشانیده بودند و میرزا علی اصغرخان اتابک، پهلوی او نشسته و یک نفر او را باد می‌زد که بفهمانند زنده است. ما هم تا نزدیک مغرب، تهران آمدیم. مردم، تمام مستوحش و مشغول تهیهٔ نان و آذوقه بودند. فردای آن روز، در مسجدشاه، قتل شاه و جلوس مظفرالدّین شاه را در تبریز اعلان کردند و بعداز چهل روز، مظفرالدّین شاه وارد تهران شد.

در سنهٔ ۱۳۱٤ ق مدرسهٔ مروی از امام جمعه گرفته شد، و تفصیلش آن است که بعداز وفات مرحوم حاجی ملّاعلی کنی که درسنهٔ ۱۳۰٦ ق واقع شد، ناصرالدّین شاه، تولیت مدرسه را به امام جمعه – که داماد او بود – داد؛ و چون تولیت باید اعلم علمای تهران باشد و او هم با طلّاب، خوش‌رفتار نمی‌کرد و موقوفات حیف و میل می‌شد و چیزی به طلّاب نمی‌رسید، با او خوش نبودند. یک روز، نزاع مختصری که مابین طلّاب مدرسهٔ صدر با آدم‌های امام جمعه واقع شد، عنوان کرده، علما را به مدرسهٔ صدر آوردند و کم‌کم طلّاب عنوان کردند باید مدرسهٔ مروی از امام جمعه گرفته شود، و به دولت نوشتند. دولت دکّاکین مدرسه را توقیف کرد. امام جمعه، روز دیگر، جمعیّتی در منزل خود جمع کرد که موقوفات را از توقیف درآورد. علما و طلّاب هم مجدّداً در مدرسهٔ صدر جمع شده، خلع ید امام را به جدّیّت خواستند. جمعیّت مدرسهٔ صدر زیاد شد، بازار را هم بستند و علما عنوان کردند از شهرمی رویم. تا اینکه به دستور علما، دستخطّی از شاه صادر شد که مدرسه به چهارنفر از طلّاب واگذار شود که به استحضار علما، امور مدرسه را اداره کنند. من در این واقعه، در مدرسهٔ صدر بودم و اوضاع را می دیدم.

بالاخره امر تولیت قهراً راجع به حاجی میرزا حسن شد. در این اوقات، حاجی میرزاحسن، خیلی بزرگ شده بود؛ به جهت اینکه بعد از واقعهٔ تنباکو، مردم به او گرویده بودند. طلّاب هم محض علمیّت، دور او جمع بودند. دولت درصدد ضدّیّت با او برآمد و حاجی میرزا ابوالفضل، پسر مرحوم حاجی میرزا ابوالقاسم کلانتری – صاحب مطارح الانظار – را در مقابل او ترویج کرد و تولیت مدرسهٔ ناصری را به او داد، ولی اعتبار حاجی میرزاحسن روز به روز زیادتر می‌شد. دو سفر به مکّه و خراسان رفت. در برگشتن، استقبال شایانی کردند.

عزل و نصب میرزاعلی اصغرخان

در سنهٔ ۱۳۱۵ ق میرزاعلی اصغرخان، معزول و به قم رفت. امین‌الدّوله به صدارت منصوب شد. حاجی میرزاحسن و جمعی از علما، ختم شیخ محمّد طاهرنام – از علما که در نجف فوت کرده – در مسجد مروی گذارده و این را عنوان کردند و خیلی اهمّیت دادند؛ برای اینکه امین‌الدّوله را عزل کنند و میرزاعلی اصغرخان منصوب شود و تهدید کردند که به طرف عتبات خواهند رفت. امین الدّوله اعتنایی نکرد و جواب نوشت: «راه‌ها برای حرکت امن است».

ادامه دارد

زندگی

۱۵ آرش تبریزی

نامهٔ اسیر

حاج یدالله که سابق بر این فرصت سیگار کشیدن نداشت، چندماه بعد از آمدن از سفر حج، روی آورد به سیگار. در مدت خیلی کمی عدد و رقم سیگار کشیدنش را بالا برد. اوایل هر روز راحت یک بسته سیگار خارجی می کشید، ولی گویا این مقدار کمش بود و احساس آرامش نمی‌کرد. این بود که یواش یواش گاز پک زدن را گرفت، کار را رساند به دو بسته. هرچقدر دوستان و دوستدارانش گفتند: حاجی! به پول رحم نمی‌کنی به خودت رحم کن، به خرجش نرفت و هنوز نمی‌رود. خوشم می‌آید که بدون آنکه صلاح ببیند جوابی به کسی بدهد، همچنان در خط سیگار است و سیگار را با سیگار خاموش روشن می کند.

ویژگی سیگار کشیدن حاج یدالله، بخصوص از وقتی که هر روز دو بسته‌اش کرده، این است که هیچ یک از نخ سیگارهایش را تا ته نمی کشد. همین که سیگار در لبش به نزدیکی‌های نصف می‌رسد، آن را مستقیماً با لبش، می‌اندازد زمین.

از شما چه پنهان که من عاشق این بخش از کار حاجی هستم. هر بار در کوچه از نزدیک و با چشم خودم دیده‌ام سیگار تف می کند، از اینکه چرا سیگاری که هنوز نصف نشده و می توان با آن دود راه انداخت بر زمین افتاده و رفته زیرپای مردم، احساس ناراحتی و عذاب کرده‌ام. حاج یدالله نباید این تعداد سیگار قابل استفاده را به این صورت اسراف می کرد.

از شما چه پنهان که برای اینکه کمی – در حد خودم – جلوی این اسراف را گرفته باشم، چند صباحی است که تعدادی از سیگارهای حاج یدالله را تا بر زمین می افتد، برمی‌دارم و تا ته می کشم.

اوایل نمی‌دانستم سیگار چه طعم و مزه‌ای دارد. بعدها که مزه‌اش را فهمیدم، از آن بدم نیامد، اما چون می ترسیدم کار کار بدی باشد، نمی‌گذارم کسی ببیند. جوری عمل می کنم که حتی خود حاج یدالله هم نبیند سیگارش چگونه درست مورد استفاده قرار می گیرد، اما امان از پسر عموی بد و فضول.

> **هر بار سیگار تف می‌کند، از اینکه چرا سیگاری که هنوز نصف نشده و می‌توان با آن دود راه انداخت بر زمین افتاده احساس ناراحتی و عذاب کرده‌ام**

یحیی راپورتم را که به پدرم داد، اولین سیگاری که با آن دیده شدم، آخرین سیگارم شد. پدرم که شاید تلخی و ناراحتی شب فحاشی و ناراحتی مشهدی یدالله سابق را از یاد نبرده بود، چنان کتک سختی را به کام جانم چشاند که هوس سیگار را برای همیشه از سر بیرون کردم.

مدت زیادی نگذشته بود که اتفاق دیگری افتاد و آن این بود که معلوم شد برخلاف تصور همه که فکر می‌کردند آقا نبی شهید شده است، او شهید نشده است و اسیر است. از هلال احمر نامه‌ای آوردند که به خط نبی بود و آقا نبی نوشته بود. او زنده بود و می توانست به پدرش که نمی‌دانست حاجی شده است، نامه بنویسد.

همه دوست داشتند بدانند نبی در اسارت و زندان هم حرف می‌زند، یا همچنان روزه سکوت خودش را حفظ کرده است.

وقتی آقا نبی از اسارت آزاد شد، همپای مشهدی یدالله و حلیمه شور و شوق عجیبی در محل ایجاد شد. هنوز همه می‌خواستند ببینند آیا نبی باز هم حرف نمی‌زند یا می‌زند! باورها این بود که نبی در طول مدت اسارت، در زندان هم مثل محله، یک کلمه حرف نزده است.

وقتی او برگشت، دیدیم قد بلندش همان است که بود. ثابت مانده بود. به نظر می‌رسید چند سانتی‌متری، رشد هم داشت، اما حرف زدنش از زمین تا آسمان تغییر کرده بود. نبی بدون اینکه یادش باشد در گذشته چه حسرتی به دلها می گذاشت و یک کلمه هم حرف نمی‌زد، راحت و یک ریز حرف می‌زد، عین خواهرش حلیمه!

افسوس که در این زمان سوره خانم زنده نبود تا بگوید: نبی حرف نمی‌زند، بلبل زبانی می کند! حاج یدالله بعد از بازگشت پسرش آقانبی، همچنان سیگار می‌کشد و روشش همان است که در گذشته بود: هیچ سیگاری را بیش از نصف نمی کشد، اما هیچ وقت کسی به سیگارهایی که به وسط کوچه پرت می‌کند، نگاه هم نمی‌کند، چه برسد به اینکه رغبت داشته باشد به آن دست بزند.

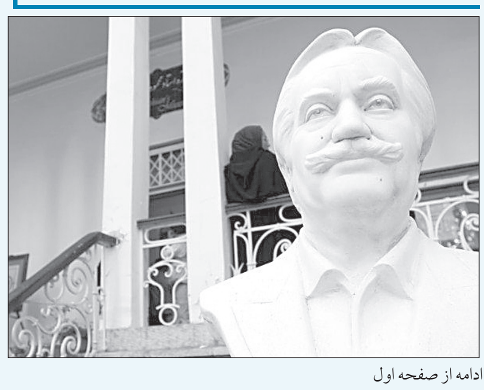
در انتظار کلاغ‌ها

توی بازار مغازه دارد. سالهاست. در کار خرید و فروش فرش است. عده‌ای به شوخی یا جدی ازش با عنوان «تاجر» یاد می کنند، اما از شما چه پنهان که بیشتر از تجارت و فرش به «روستا» فکر می کند و بیش از آنکه به مغازه و بازار دل بسته باشد، دل بسته باغ است. پدرم اسد خان را می گویم.

عجیب این است که هر اندازه این حاج یدالله و آن حاج یدالله و علی نفتی و حاج حسن بقال و علی آقا – که به علی عامل معروف است – رشد و پیشرفت می کنند و هر روز کارشان را پررونق‌تر و خانه و زندگی شان را بزرگ‌تر و شیک‌تر می کنند، پدر من آنگونه که مادرم می گوید پسرفت می کند. دیگران هم همین را می گویند.

ادامه دارد

به رنگ مینیاتور



ادامه از صفحه اول

باری، فرشچیان در طی تحصیلات مقدماتی در محضر استاد میرزاآقا امامی اصفهانی هنرمند چیره دست و پرآوازه دیار اصفهان، به آموختن نقاشی دلبستگی تمام پیدا کرد و دل در گرو نقشهای زیبا گذاشت. او از کار هنر احساس رضایت و شادمانی داشت. از کلاس هفتم دبیرستان فرشچیان قدم به هنرستان هنرهای زیبای اصفهان گذاشت و چهار سال در آن جایگاه عاشقی، زیر نظر استاد عیسی بهادری، استاد نابغه و توانمند نقاشی قالی، مینیاتور، نقاشی رنگ و روغن، به فراگیری اصول و مبانی طراحی نقوش سنتی (نقشه قالی، تذهیب، مینیاتور) پرداخت.

بدون شک نقش استاد عیسی بهادری در پرورش و خلاقیت‌های محمود فرشچیان نقشی فوق العاده ارزشمند بود. استاد در بیان احساس و تجسم شعرگونه عواطف، به شیوه‌ای کاملا جدید موفق به هماهنگی و همگامی میان مضمون و محتوا و شکل و فرم نقاشی‌هایش گردید و این مشخصه اصلی کار او در نقاشی شد. فرشچیان در جوانی بسیار پرتلاش و خستگی ناپذیر به کار و طراحی نقوش مختلف می پرداخت. او در مطالعه آثار تاریخی شهر اصفهان (چهل ستون، عالی قاپو، مسجد شیخ لطف الله و...) طرحهای اسلیمی و ختایی کاشیکاری‌های بی نظیر آن آثار سر از پا نمی‌شناخت و چون محققی موشکافانه این نقش‌ها را مطالعه می کرد. فرشچیان حتی در دوره سربازی نیز دست از قلم و رنگ برنداشت و آثاری دیدنی آفرید که مورد تشویق مقامات قرار گرفت.

سال ۱۳۲۹ بعد از ٦ سال فعالیت و کسب هنر در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان، فرشچیان به کسب دیپلم عالی نائل آمد. آثار سالهای شاگردی استاد هنوز در مرکز هنرستان، موجود است. بدون تردید استاد محمود فرشچیان یکی از پدیده‌های هنر نگارگری (مینیاتور) در عصر حاضر است و او در طراحی و شناخت و بکارگیری رنگها فوق العاده قدرتمند و قوی است. این قدرت قلم و صلابت و استواری خطوط قلم‌گیری است که از او هنرمندی پرآوازه و مشهور ساخته است.

از نظر محتوا و مضمون، آثار استاد عمدتا با الهام از ادبیات عرفانی و باورهای مذهبی ساخته و پرداخته شده‌اند. سخن آخر اینکه امروز استاد فرشچیان از پس نزدیک به پنجاه سال کسب هنر و مهارت در کار نقاشی و خلق نقشهای دلنشین و چشم‌نواز، هنرمندی است که به جرأت می‌توان او را صاحب سبک جدید در نقاشی ایرانی (مینیاتور) دانست. فیلم مستندی نیز با عنوان عشق‌پرداز به کارگردانی محمدهادی کاویانی، با حضور عزت الله انتظامی، پرویز پورحسینی و با صدای زیبا بروفه در نکوداشت او ساخته شده‌است که در آیین رونمایی کتاب پنجم استاد به نمایش در آمد. آخرین و پنجمین جلد از کتاب آثار «محمود فرشچیان» شامل تازه‌ترین آثار این هنرمند از سوی انتشارات گویا شامل ۱۵۰ اثر نگارگری و طراحی از تازه‌ترین آثار محمود فرشچیان در ۲۵۸ صفحه رنگی با کاغذ گلاسه در سال ۱۳۸۷ منتشر شده است. ناصر میرباقری ناشر این کتاب درباره ویژگی‌های این کتاب گفته است که این کتاب در قطع رحلی سلطانی در ۸ رنگ، در جلدهای مختلف چرمی، گالینگور با قاب مخصوص به خود روانه بازار شده که برای اولین بار در کتاب‌های آثار فرشچیان از رنگ متالیک نیز استفاده شده است. محمود فرشچیان، هم اکنون در نیوجرسی آمریکا ساکن است و سفرهای دوره‌ای و فصلی به ایران دارد.

برخی آثار

«ضامن آهو»: طرحی از شمایل امام رضا

«پنجمین روز آفرینش»: در این تابلو همه مخلوقات زمینی و آسمانی به ستایش پروردگار مشغول‌اند.

«عصر عاشورا»: فرشچیان در مورد نحوه طراحی این اثر جاویدان می گوید: «سه سال پیش از انقلاب روز عاشورا مادرم مرا نصیحت کرد و گفت: به روضه گوش کن تا چند کلمه حرف حساب بشنوی. و من به ایشان گفتم: من اول در اتاقم کاری دارم بعد خواهم رفت. حال عجیبی به من دست داد. وارد اتاق شدم، قلم را برداشتم و تابلوی عصر عاشورا را شروع کردم. قلم را که برداشتم تابلویی شد که الآن هست بدون هیچ تغییری». این اثر توسط استاد به موزه آستان قدس رضوی اهدا شد. آخرین تابلوی او «کوثر» به نام خانم فاطمه زهرا (س) می‌باشد.

منتخبی از جوایز

۱۳۷۹: انضمام نام هنرمند در فهرست روشنفکران قرن بیست و یکم

۱۳۷۲: نشان درجه یک هنر

۱۳٦٤: تندیس طلایی اسکار ایتالیا

۱۳٦۳: نشان هنر نخل طلایی ایتالیا

۱۳٦۳: تندیس طلایی اروپایی هنر، ایتالیا

۱۳٦۲: دیپلم آکادمیک اروپا، آکادمی اروپا، ایتالیا

۱۳٦۱: دیپلم لیاقت دانشگاه هنر، ایتالیا

۱۳٦۰: مدال طلای آکادمی هنر و کار، ایتالیا

۱۳۵۲: جایزه اول وزارت فرهنگ و هنر، ایران

۱۳۳۷: مدال طلای جشنواره بین‌المللی هنر، بلژیک

۱۳۳۱: مدال طلای هنر نظامی، ایران

گفتگو



یادی از آن زندگی...

ادامه از صفحه اول

در جهتی سرازیر می‌شود و به اصطلاح «قِل» می‌خورد. تا سنی از بزرگ شدن، قِل خوردن تقریباً بی‌اختیار است. دوران طفولیت دوره‌ای بود که ما در آن قِل می خوردیم، بی آنکه بدانیم دقیقاً چه کار می کنیم. من وقتی به مکتب ملای ده رفتم، از روی انتخاب و تجربه چنین نکردم. هر بچه‌ای که در ده بود، به مکتب می‌رفت تا قرآن بیاموزد. اگر خانواده‌ای یک مقدار امکانات هم داشت، می گذاشت بچه‌اش کمی هم خط نوشتن بیاموزد. در این کارها تفکری وجود نداشت. آنچه بود، قِل خوردن در سرازیری بود.

*** خب، بعد از دوره‌ای، نوبت به انتخاب می‌رسد.**

بله، ولی بعد از انتخاب هم باز قِل خوردن مطرح می‌شود. فرض کنید انسان از سربالایی سرازیر می‌شود و به یک دو راهی و سه راهی می‌رسد. حالا در این دو راهی شخص ممکن است ادامه تحصیل بدهد و درس بخواند یا به کار فلاحت بپردازد یا به تجارت و کاسبی بپردازد یا کارمند ساده اداری بشود. در اینجا حق انتخاب وجود دارد ولی درصد آن چقدر است؟

بعد انسان به جوانی می‌رسد و خودش انتخاب می کند، اما چه انتخابی. جوان به الگوهایی نگاه می کند که برایش قابل احترام هستند و می‌بینند که مثلاً برادر بزرگتر یا پسرعموی پدر یا نوۀ عمه پدر که از خودش بزرگترند، از این یا آن مسیر حرکت کرده‌اند. در نتیجه او هم همان مسیر را در پیش می گیرد و می‌رود. چه بسا این مسیر غلط باشد.

*** شاید قطعاً غلط باشد.**

پس، تجربهٔ غلط دیگری نمی تواند زندگی ما را بسازد و از طرف دیگر به جوان نمی توان گفت که این یا آن الگو را انتخاب نکن! آیا ما به فرزندانمان می توانیم بگوییم فلان راه را انتخاب نکن! خوب است مثالی از زندگی خودم بزنم. من وقتی داشتم سیکل اول دبیرستان را در ۱۸ سالگی تمام می کردم، در شهر ما شخصی فاضل و عاقل و بسیار باسواد بود. او کارمند بود. ما دانش آموزان علاقه داشتیم که از محضر او استفاده کنیم ولی او طرز تفکر خاصی داشت که ما را جذب می کرد. شخصیت قابل احترامی داشت و در همان زمان که رئیس ادارهٔ غله شهر بود، ابداً از مقام و موقعیت خودش در آن زمان ـ که زمان جنگ بود و قحطی از موقعیت اداریش ـ استفاده نکرد. همانگونه که دیگران در صف نان می ایستادند، فرزندان او هم به صف می ایستادند ولی ما بعدها فهمیدیم که طرز تفکر او غلط است. منظورم طرز تفکر اجتماعی ایشان است و نه عدم استفاده از موقعیتش برای تهیه نان یا امکانات دیگر زندگی.

*** بسیاری از آنچه شما می گویید، مرتبط با زمان است. در واقع، بسیاری از تغییرات زندگی به دست زمان عارض می‌شود و نسل قبلی نمی‌تواند مثل نسل بعدی فکر کند. این چیزی است که هر فرهنگی آن را می پذیرد. اما آقای دکتر! هر فردی که به دنیا می آید و روزی هم از دنیا می‌رود، نحوه‌ای از زندگی را تجربه می کند. چیزی که شما الان آن را بیان می کنید، تجربه زندگی شماست. طبق تجربه می گویید که ما ممکن است مسیری را در زندگی انتخاب کنیم ولی بعدها پی ببریم که راه غلطی را طی کرده‌ایم. این آموزه زندگی شماست و می توان تصور کرد که در زندگی شما هزاران آموزه از همین نوع باشد.**

همین طور است.

*** پس ما از مسأله اول که اتفاقاً بسیار هم بنیادی است، فارغ شدیم. بعد از تعریف، مسأله معنا قرار دارد. می خواهم از معنای زندگی سؤال کنم. طبق همین تعریفی که برای زندگی بیان می کنید، آیا زندگی چه معنایی دارد؟ این سؤال از این جهت اهمیت دارد که یکی از نزاع‌های تاریخی مربوط به مسأله زندگی، معناست. عده‌ای زندگی را بی‌معنا و عده‌ای دیگر با معنا می‌دانند. در باب معنای زندگی چه دیدگاهی دارید.**

به نظر من زندگی نه بی‌معناست، نه با معناست. زندگی یک امر ساری و جاری است. معنای زندگی به انسان و بهر شخص و به «من» مربوط می‌شود. گاهی معنا و مفهوم زندگی همان قدرت و توانایی شخصی ماست که ناشی از اندیشه و کاربرد اندیشه ما است. هر کس می تواند این نتیجه را بپذیرد یا نپذیرد. زندگی چیزی است که جریان دارد. انسان تا زمانی که در قید حیات است، مشمول زندگی است. کلمه «قید» در اینجا بسیار زیباست.

*** پس اعطاکننده معنی به زندگی ما هستیم.**

بله، ما هستیم که زندگی را سیاه و سفید می کنیم یا آن را تلخ و شیرین می کنیم. حالا ممکن است روزی را که زندگی در آن برای ما شیرین بود، بعد از مدتی برایمان مورد قبول نباشد و بگوییم اشتباه می کردیم. در اینجا مسأله جدیدی طرح می‌شود. ما در مسائل انسانی به دو گونه انسان قائل هستیم. انسان‌های ثابت عقیده و محکم و با اراده و یک رنگ و در مقابل انسان‌های متلون‌المزاج. کدام یک از این دو نوع انسان بهتر است؟

*** به نظرم وارد شدن به این بحث ما را از زندگی دور می کند.**

مقصودم این است که معنا و مفاهیم مسائل انسانی در هر دهه‌ای پس و پیش می‌شود و تغییر شکل می‌دهد.

*** در عین حال، با تمام متغیرات، آنچه درست است، ثابت است.**

من با شما موافقم. بسیاری از امور معنوی، ذاتی (اِخباری) هستند؛ یعنی انسانی هستند، نه انشایی و ایجادی. همانگونه که انسان کبد دارد، دفاع از نیکی و جوانمردی و فضیلت‌های انسانی را جزو ذات خودش می داند، اما تجسم این فضیلت و به عینیت رساندن این فضیلت راه‌های مختلفی دارد. عده‌ای با زدن جیب مردم خیرات می کنند. عده‌ای دیگر این فضیلت را به این صورت تجسم می‌دهند که کاری را که انجام می‌دهند، با آرامش و متانت و دقت و بدون‌های و هوی انجام بدهند.

*** حاصل سخن شما در باب معنای زندگی چیست؟**

من نمی‌دانم معنای زندگی چیست! معنای زندگی ریشه‌ای دارد که ثابت است و فضایل انسانی از همین ریشه برمی‌خیزد، اما تجسم فضایل و حتی رذایل انسانی متغیر است. شما خیال می کنید آدولف هیتلر واقعاً به قصد آدمکشی دست به اسلحه برد؟ نه واقعاً! او به قصد نجات مردم آلمان دست به کار شد. نیت هیتلر احتمالاً آدمکشی نبوده است ولی در راهی که او پیش گرفت و قصدی که داشت، انسان‌ها را بی‌رحمانه از بین می‌برد. او معادل ملت آلمان آدم کشت! لابد هیتلر هم به حسن زندگی جمعی ملتش اعتقاد داشت و در این راه به اصطلاح فداکاری می کرد ولی تجسم فداکاری او را شما می توانید در قتل نفس‌هایی ببینید که او مرتکب شد. پس من نمی‌دانم معنای زندگی بدان معنا که همگان آن معنا را بپذیرند چیست!

*** خلاصه، آیا زندگی معنای ثابت دارد یا ندارد؟**

معنای زندگی پایه ثابت دارد ولی تجسم آن متنوع است. اگر بگویید زندگی معنای ثابت ندارد، حیات یا زندگی بی معنی می‌شود در حالی که حیات واقعاً معنی‌دار است. حیات بامعنا همراه است. از نظر بنده زندگی و حیات که انسان در آن «قل» می‌خورد علاوه بر اینکه در آن معنا باید وجود داشته باشد، عزیز و شیرین و قشنگ است. حیات با معنا زیبا و دلچسب است.

*** در یک کلمه حیات مطلوب است.**

مطلوب است اما به شرط آنکه وقتی می‌خواهیم به عینیت آن برسیم، سر از سیاهی درنیاوریم.

*** آقای دکتر! شما عمری را سپری کرده‌اید و برای خود دیدگاه‌هایی دارید که از تجربه عمر حدوداً ۸دهه‌ای شما ناشی می‌شود. مایلم بدانم که مهمترین مسأله زندگی از نظر شما و برای شخص شما چه مسأله‌ای است؟**

در همین لحظه که من با شما حرف می‌زنم، مهمترین مسأله زندگی برای من همان است که ۱۰ سال قبل مهمترین مسأله زندگی‌ام بوده است. ۲۰ سال قبل هم مهمترین مسأله زندگی من، همین بود که هست.

*** خب، جمع‌بندی شما از مهمترین مسأله زندگی چیست؟**

ببینید! خیلی سالهاست و بهتر است بگویم دهه‌هاست به این نتیجه رسیده‌ام که زندگی شیرین و زیباست. این حیات زیبا و شیرین چیزی نیست که در یک صندوق آهنی بزرگ و محکم دست نخورده باشد.

حیات زیبا و شیرین در دست هرکس که باشد، با کوچکترین تلنگری می تواند زیر و رو شود و مغشوش گردد و به هم بخورد. زندگی دگرگون می‌شود و تکان می‌خورد. انسان زنده و دارنده حیات باید بداند که یکی از علل زیبایی زندگی همین موضوع است، همین تلاطم‌ها و دگرگونی‌ها و رنگ به رنگ شدنها. حیات آن نیست که دائماً برای انسان تولید لذت کند و آنچه می خواهیم هر روز انجام شود، حیات آن است که انسان بعد از ۱۰ پله صعود، گاهی هم ممکن است ۹ پله سقوط کند. معهذا همچنان حیات را زیبا بداند. این معنای حیات و لذت آن است.

خاطره

احمد یاوری

من، دختر ناصرالدین‌شاه/ ۲۰
یک «پروگرام»



تاج السلطنه

آری! حزن و اندوه یک قسمتی از زندگانی است. بنی نوع انسان همیشه در طوفان‌های عظیم پیش آمده گرفتار است؛ وزندگانی دلخواهی نیست، بلکه تحمل است. خوش یا ناخوش این عمر در گذر است، و باید تحمل هر رنجی را کرد در زمان خویش. انسان نباید غره بشود و تکبر [و] نخوت پیشه نماید. همین‌طور در حال بدبختی‌هم نباید بگذارد کسی ناله‌ی او را بشنود.

روزها و شب‌ها می گذشت، و تمام اهل سرای در عیش و عشرت و خوشی بودند. لیکن، من همیشه محزون و غمناک و یک چیز خارجی مرا تهدید می کرد. یک سال به همین منوال گذشت، واتفاق تازه‌ای نبود که من به شما می نویسم. روزگار به یک «پروگرام»می گذشت.

پس از انقضای این سال، امینه اقدس که یکی دو سال بود از دو چشم کور شده بود، فوت کرد. تمام اثاثیه [و] دارایی او را که مبلغ گزافی بود، به خواهر من دادند. و در همان سال، مشغول تهیه عروسی شدند. و در همین بین‌ها، من محاصره شده‌بودم‌از یک‌نگاه‌های عجیب و آه‌های غیر آشنایی از طرف این پسرک که کم کم می‌رفت جوانی بشود. مکالمه با این پسر برای ما اکیداً از طرف مادر ما منع و قدغن بود. ولی، چون ناچار می‌بایست هر روز عصر را به حضور رفته و تا ساعت شش و هفت در حضور باشیم ، برای نگاه ممانعتی نبود.

عروسی خواهر من شروع شد و قبل از این عروسی، مادر شوهر من فوت کرد و آرزوی عروسی پسر یگانه خود را به گور برد

من فوق‌العاده رشد کرده، خوشگل شده بودم؛ و مثل باغ خیلی قشنگی که به اقسام گل ها مزین است، هر روز یک گل تازه باز و بر جلوه رنگ رخسار خود می‌افزودم. مادرم خیلی بزرگ و بزرگوار بود. در خرج کردن و اقسام لباس‌های قشنگ قیمتی در باره خودش و من و برادرم کوتاهی نداشت. همیشه، هرروز یک لباس تازه جدیدی ملبس، و با اقسام زینت‌ها مرا آرایش می‌داد. پدرم حکم کرده بود لباس فرنگی و اغلب صورتی و سفید به من بپوشانند. هر روزه، در تفحص پارچه‌های ممتاز بر آمده؛ اقسام لباس‌ها را برای من دوخته، با گل ها زینت می‌دادند. نه تنها حسن صورت من این جوان بیچاره را در زحمت و گرفتاری دچار، بلکه از این آه‌کش‌ها در تمام اطراف من به‌وفور بود. و من مثل یک گنجشک مظلومی در میان این حریق و ناله دچار بودم. و این طوفان عظیم را مادرم خوب ملتفت، و هر روز یک نوع، یک قسم سختی تازه در باره من معمول و مجرا می‌داشت. و کم‌کم، بازی، آزادی، گردش، تفرج را از من منع؛ منزوی محبوسم ساخته بود. لیکن، از حضور حضرت پدرم دیگر نمی توانست منع کند. تمام این دلباخته‌ها در آن موقع مرا دیده، و به همین دیدار از دور قناعت داشته. من هم طبیعتاً محزون و ملول و تقریباً از زندگانی سیر بودم. و این حزن داده بود به من یک ملاحت و وقار فوق‌العاده‌یی که خیلی بر حسن صورت من افزوده، و جلوه مرا معاونت می‌نمود.

در همین سال، عروسی خواهر من شروع شد. و قبل از این عروسی ، مادر شوهر من فوت و آرزوی عروسی پسر یگانه خود را به گور برد. و من خیلی از این پیش‌آمد محزون و متأسف شدم. زیرا که مرگ آن خانم محترمه، کمک به بدبختی من نمود و زندگانی آتیه مرا تاریک کرد.

پس از چند ماه، پدر شوهر من برای خودش یکی از دختر های صدراعظم [را] عقد و عروسی کرد؛ و پس از عقد و عروسی خود، به حضور پدرم عرض و درخواست نمود که مرا عقد کند. و اگر اجازه عروسی‌هم نمی دهند، بماند تا هر وقت میل پدرم قرار گرفت.

اجازه‌ی عقدکنان داده شد و مشغول جشن شدند. فوق‌العاده عالی و قشنگ تهیه دیده، ولی تقریباً کم جمعیت تر از شیرینی خوران.

منابع تاریخ ایران/ ۲۱



نوشته دکتر شیرین بیانی

۱۸ـ غیاث‌الدین بن همام‌الدین، معروف‌به‌خواندمیر، حبیب‌السیر: تاریخ عمومی از ابتدای خلقت تا سال ۹۳۰. تألیف این کتاب بنا به خواسته و تشویق امیرعلیشیر نوائی شروع گردید، و پس از مرگ این وزیر خواندمیر دست از نوشتن بقیه اثر خود برداشت، ولی پس از چندی کریم‌الدین خواجه حبیب‌الله ساوی از بزرگان هرات وی را تشویق به اتمام آن ساخت. این کتاب در سه جلد نوشته شده و در تهران و بمبئی نیز به چاپ رسیده است. نسخه مورد استفاده من به خط نسخ و در اصفهان به سال ۱۰۱۰ تحریر گردیده، و دارای ۸۳۹ صفحه می‌باشد. و نسخه‌ای که در تهران به تاریخ ۱۲۷۱ هجری قمری چاپ شده است.

۱۹ـ غیاث‌الدین محمدبن‌همام‌الدین، ملقب به خواندمیر، نامه نامی: مجموعه نامه‌ها و منشآتی است که به منظور نشان دادن نمونه‌هایی از مراسلات سیاسی و رسمی زمان گردآوری شده و شامل مقدمه‌ای است که در خلال آن تاریخ منشأ و تکامل فن منشیگری را بیان می‌دارد. کتاب دارای یک مقدمه، نه فصل و یک نتیجه می‌باشد، بدین قرار: فصل اول شامل نامه‌هایی به سلاطین، وزرا، امرا، شاهزادگان و شخصیت‌های درباری. فصل دوم شامل نامه‌هایی به شیوخ، علما و قضات می‌باشد. فصل سوم دارای هفت بخش است که در هر یک نامه‌های اشخاص مختلف از طبقات عادی آمده است. فصل چهارم نامه‌هایی است که به صنعتگران نوشته می‌شد. فصل پنجم نامه‌های مربوط به پدران و مادران و خویشاوندان می‌باشد. فصل ششم تبریکات. فصل هفتم تسلیت‌ها. فل هشتم نامه‌هایی با مضامین گوناگون می‌باشد. فصل نهم فرمول و چگونگی فرامین و سفارشات را شرح می‌دهد.

این اثر در سال ۹۲۵ پایان یافت، و نسخه‌ای از آن به خط نستعلیق به قلم محمدبن ملک محمدالاستادی در دست می‌باشد که دارای ۱۸۷ برگ و در کتابخانهٔ ملی پاریس با شمارهٔ فیش Supp. Pers. No. r۸۴۲ محفوظ است.

۲۰ـ حسن بن شهاب بن حسین بن تاج الدین یزدی، جامع‌التواریخ حسنی: تاریخ عمومی است از خلقت آدم تا تاریخ ۸۵۵ که به نام غیاث‌الدین ابوالمظفر محمدبن بایسنقربن شاهرخ تألیف شده است. مندرجات آن شش قسم و یک خاتمه است و تعضی اقسام خود به چند فصل تقسیم می‌شود، بدین قرار: قسم اول، در ذکر آدم و حوا و فرزندان. قسم دوم، در ذکر ملوک عجم و سیرت آنان. قسم سوم، در ذکر ولادت پیغمبر و نسب بزرگوار و مبعث و وفات.

قسم چهارم، در ذکر امراء بنی‌امیه. قسم پنجم، در ذکر خلافت بنی عباس (در اینجا تاریخ صفاریان، سامانیان، دیلمیان و غزنویان به اختصار و سلجوقیان به تفصیل آمده است). قسم ششم، در ذکر سایر ملوک که بعد آل سلجوق سلطنت کردند، در چندین فصل: خوارزمشاهیان، سلغریان، قراخطائیان، آل‌مظفر، تاریخ چنگیزخان و اولاد او که در ایران زمین سلطنت راندند. ذکر تریخ امیرقطب‌الحق و الدنیا والدین امیر تیمور گورکان، تاریخ جماعت بعد وفات حضرت صاحبقران، و خاتمه، در ذکراولاد امیر غیاث‌الدین غناشیرین. از مهمترین مطالب تاریخ ابن شهاب، بحث دربارهٔ منابع و مآخذ است.

از این کتاب تنها یک نسخه در کتابخانهٔ فاتح‌اسلامبول به شمارهٔ فیش: ٤۳۰۷ مورخ ۸۵۹ و یک نسخه در کتابخانهٔ ملی ایران به خط نستعلیق و به خط عبدالله کاتب اصفهانی به تاریخ ۸۸۰ و شمارهٔ فیش: ۱۳۳۰ وجود دارد.

۲۱ـ یوسف‌بن محمدبن شهاب، فرائد غیاثی: مجموعه‌ای از نامه‌های سیاسی و سایر نامه‌ها است، که به نام غیاث‌الدین پیراحمد، وزیر شاهرخ میرزا تدوین گردیده است. این اثر مشتمل بر پنج فصل می‌باشد: فصل اول که مهمترین فصول آنست، شامل نامهٔ سلاطین و امرا است. فصل دوم شامل نامه‌های وزرا، فصل سوم متعلق به نامه‌های سادات و فصل چهارم متعلق به نامه‌های قضات، و خلاصه فصل پنجم شامل نامه‌هایی است که به دانشمندان نوشته شده است. مؤلف در مقدمه فهرست اسامی ۱۳۸ نفر را که از این نوع نامه‌ها دریافت داشته‌اند، ضبط کرده است.

نسخه‌ای که در مورد استفادهٔ من قرار گرفته، نسخهٔ اصلی و از روی چرکنویس مؤلف و در ابتدای نیمهٔ اول قرن نهم به خط نستعلیق تحریر گردیده، و دارای ک ۳۱۱ صفحه می‌باشد.

۲۲ـ مجموعهٔ اسناد و مدارک سیاسی و نامه‌ها وقطعات ادبی: شامل نامه‌ها واسناد سلاطینی است که در تاریخ بین حکومت مغول و صفویه در ایران سلطنت کرده‌اند. همّ مؤلف بیشتر مصروف گردآوری نامه‌هایی شده که متعلق به شاهزادگان و سلاطین تیموری است. این اثر در تبریز به سال ۹۲۷ به خط نستعلیق تحریر شده است، و در کتابخانهٔ ملی پاریس با شمارهٔ فیش: .Supp. Pers No ۱۸۱۵ نگاهداری می‌شود.

۲۳ـ عبدالحسین النصیری طوسی، تحفهٔ‌شاهی: مجموعهٔ‌اسنادسیاسی می‌باشد که‌به‌نام‌شاه‌صفی در سال ۱۰٤۳ گردآوری شده‌و شامل یک‌مقدمه، دو فصل و یک نتیجه است. مقدمه دارای نامه‌هایی است که سلاطین به یکدیگر نوشته‌اند. کتاب به خط نستعلیق، به قلم محمدبن شاهرخ به سال ۱۰٤۳ و دارای ۳٦۷ صفحه می‌باشد. این نسخه در کتابخانهٔ ملی پاریس به شمارهٔ فیش: Supp. Pers. No ۱۸۳۸ محفوظ است.

۲٤ـ امیریحیی بن‌عبداللطیف‌حسینی‌القزوینی، لب‌التواریخ: مختصری از تاریخ عمومی از ابتدای خلقت تا سال ۹٤۸ می‌باشد. این اثر بنا به خواستهٔ بهرام میرزا شاهزادهٔ صفوی تدوین گردیده و در ۹٤۸ پایان یافته است، و دارای شش فصل می‌باشد. فصل سوم آن اختصاص به تاریخ زمان فترت بین دورهٔ مغول و تیموری دارد. نسخه‌ای که از آن استفاده شده است به خط نستعلیق اواخر قرن دهم و دارای ۱۳۰ صفحه و در کتابخانهٔ ملی پاریس به شمارهٔ فیش: Supp. Pers. No ۱۰۳۷، می‌باشد.

۲۵ـ دولت شاه بن علاءالدوله سمرقندی، تذکرهٔ دولتشاه: این کتاب در شرح حال شعرای زمان و به نام امیر علیشیرنوائی در سال ۸۹۲ تدوین گردیده است. در این کتاب اغلاطی یافت می‌شود، ولی معهذا یکی از منابع مهم تاریخ ادبیات ایرانی و شامل یک مقدمه، هفت فصل و یک ضمیمه می‌باشد. این اثر چندین بار به طبع رسیده است. نسخه‌ای که مورد استفادهٔ من قرار گرفته، به خط نستعلیق با تاریخ تحریر جمادی‌الثانی ۹۷٦، به شمارهٔ فیش B. N. Supp. Pers. No ۹۸٤ می‌باشد.

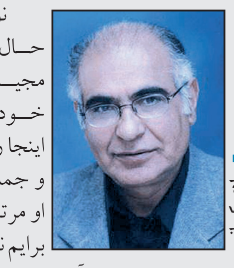
۲٦ـ کمال‌الدین ابوالقاضی سلطان حسین بن منصوربن بایقرا، مجالس العشاق: مجموعه‌ای از شرح زندگی علما، صوفیان و چند سلطان و امیر می‌باشد. مؤلف یعنی سلطان حسین آخرین سلطان تیموری کتاب خود را در سال ۹۰۸ به نظم و نثر تدوین کرده است، که شامل ۷۸ مجلس می‌باشد و در هریک از مجالس شرح حال شخصیت‌ها را تشریح کرده است. نسخهٔ مورد استفادهٔ من که به میناتور تزئین شده، به خط تعلیق، در اواخر قرن دهم تحریر گردیده و در کتابخانهٔ ملی پاریس به شمارهٔ فیش .Supp .Pers. No ۷۷٦ نگاهداری می‌شود.

نام آوران

۱ به روایت: مرادی کرمانی

یادی از جمالزاده

ادامه از صفحه اول



مرادی کرمانی

نوشته بود که: با این حال، خواندن «قصه‌های مجید» مرا به کودکی خودم در اصفهان‌برد. از اینجا رابطه و مکاتبات من و جمالزاده شروع شد و او مرتب لطف می‌کرد و برایم نامه‌می‌فرستاد. مثلاً وقتی دیده بود که آدرس من کوچه میرزا محمود است، در نامه‌ای برایم نوشت‌که میرزا محمود که بوده و چه‌کاره بود و ... چون او مرا با بزرگان کرمان مقایسه کرده بود،برایش نوشتم که من از یک خانواده روستایی برخاسته‌ام به سختی نویسنده شده‌ام.

جمالزاده جواب داد که حالا من اعتقادم به تو دو چندان شد، چون با من راحت وصمیمانه حرف می‌زنی و می‌گویی که کیستی! او فکر کرده بود که من از بزرگ‌زادگان کرمانم واز یکی از خانواده‌های «الدوله» و «السلطنه» برخاسته‌ام.

او کتاب‌های مرا می‌خرید و به کسانی که با او ارتباط داشتند، می‌داد وبه‌جاهای مختلف می‌فرستاد. جالب است که او با کسان زیادی تماس گرفته بود و از من تعریف و توصیف کرده بود، از جمله با دکتر باستانی پاریزی و دکتر تقی رضوی و دولت‌آبادی‌و دیگران. به همه دوستانش گفته بود که فلانی نویسنده خوب و مهمی است و باید قدرش رابدانید! جالب است بدانید که دکتر باستانی پاریزی استاد تاریخ دانشگاه تهران، همشهری من بود ولی مرا نمی‌شناخت. جمالزاده به او نامه نوشته بود و گفته بود که: فلانی که همشهری‌شماست و نویسنده است. چطور شما او را نمی‌شناسید؟

جمالزاده بسیار انسان نیک‌نفس و ارزنده‌ای بود. یادم نمی‌رود که بعد از اینکه داستان«چکمه» را خواند، از من پرسید که این داستان از کجا به ذهنت رسیده است؟ جواب دادم که‌این اتفاق برای بچه خودم افتاد، به این صورت که رفتیم برایش «چکمه» خریدم. او در ماشین‌خوابش برد. وقتی آمدیم خانه، دیدم یک لنگه چکمه‌اش افتاده است. فهمیدم که اگر بیدار شود، گریه خواهد کرد، افتادم توی کوچه و خیابان که آن لنگه «چکمه» را پیدا کنم...

جمالزاده، بلافاصله از طریق دکتر تقی رضوی ۵۰۰ تومان پول برای من فرستاد تا من‌برای بچه‌هایم چکمه بخرم! نیازی به این کار نبود، ولی او چنین روحیه‌ای داشت. نوشته بودکه: برای بچه‌ات چکمه بخر و بگو که این چکمه را «عموجمال» داده است و توضیح داده بودکه هیچ‌وقت بچه‌ای نداشته و بعد از سال‌ها زندگی، زنش فراموشی گرفته.

جمالزاده در یکی از نامه‌هایش از من پرسید که نویسندگی را چگونه شروع‌کردی؟ من هم جواب دادم که: در دوره دانش‌آموزی انشاهایی می‌نوشتم. مدیرمان می‌گفت که‌تو مثل جمالزاده می‌نویسی، ولی من جمالزاده را نمی‌شناختم و نمی‌دانستم او چگونه‌می‌نویسد. بنابراین، رفتم کتاب شما را خریدم، خواندم، خیلی هم خوشم آمد. اول «یکی بود،یکی نبود» را خواندم، بعد هم بقیه آثار.

در این زمینه یک اتفاق جالب هم افتاد و آن این بود که شخصی ظاهراً آقای عبدالرشیدی از جمالزاده پرسیده بود که بهترین داستان‌نویس ایران کیست؟ جواب داده بود:هوشنگ مرادی کرمانی، چون مثل من می‌نویسد. جمالزاده بهترین نویسنده ایران را هم باستانی پاریزی می‌دانست.

در مجموع، جمالزاده مردی بود بسیار بی‌عقده و حداقل کم‌عقده. او هرچیزی که‌می‌خواند و خوشش می‌آمد، چیزی درباره آن می‌نوشت. مثلاً درباره «مدیر مدرسه» آل‌احمدمقاله‌ای نوشت که آل‌احمد در مقابل، خیلی تند برخورد کرد و دو نامه برایش فرستاد که خیلی معروف است. جمالزاده هم جواب جانانه‌ای داد که آن هم معروف و خواندنی است. جمالزاده تقریباً با همه نویسندگان ایران مکاتبه داشت. مثلاً با آقای خسرو شاهانی و خانم دانشور و محمود دولت‌آبادی مکاتبه می‌کرد، از جمله با من هم مکاتبه‌داشت. تشخیص من این است که جمالزاده بی‌عقده بود و دارای یک جور سعه صدر و گذشت‌و مهربانی.

نامه‌های زیادی از جمالزاده به دست من رسید، ولی من هیچ‌وقت نخواستم از نام او ودوستی‌ام و علاقه او به خودم سوءاستفاده کنم. یکبار ناشرم از من خواست که یکی از نامه‌های جمالزاده را در اول یکی از کتاب‌های داستانم چاپ کنم، ولی من قبول نکردم...

آیینه



۴۰ زیر نظر: دکتر محمد کاظم حسینیان

گزیده‌ای از خاطرات مرحوم عبدالله مستوفی(۱۳۲۹-۱۲۵۵ش)

المفلس فی امان الله !

اشاره: درسه‌شماره قبلی گزارش مرحوم مستوفی درباره زندگی دشوار جنوب و جنوبیان را توضیح دادیم. و اینک برمی گردیم به ادامه کتاب ارزشمند «شرح زندگانی من»:

مردم برای اعمال غیرعادلانهٔ ظل‌السلطان از او راضی نبودند. حتی بعضی‌ها حدس می‌زدند که اگر حادثه‌ای برای شاه اتفاق بیفتد، ظل‌السلطان زیر بار مظفرالدین میرزا نخواهد رفت و اگر از قدرتش نکاهند، مردم را گرفتار جنگ داخلی خواهد کرد حتی عوام معتقد بودند که شمشیری هم به استادهای اصفهان سفارش داده و روی تیغهٔ آن «مظفرکش» نوشته است.

این نارضامندی عمومی از ظل‌السلطان هم، امین‌السلطان را در حملهٔ به او بیشتر جری می‌کرد. از طرف دیگر هم ممکن بود همین که کار را از نایب‌السلطنه شروع کند، ظل‌السلطان هوای کار خود را نگاه داشته و با قدرتی که دارد، خیال امین‌السلطان را بر هم بزند، سهل است، اسباب وهن کار او را هم فراهم آورد. به این جهت‌ها بود که حملهٔ به دو برادر را از ظل‌السلطان شروع نمود.

معلوم نیست با چه مقدماتی، شاه را برای این کار حاضر کرد. شاید کثرت توجه رجال کشور را به ظل‌السلطان، با زیرکی در نزد شاه جلوه داده باشد. در هر حال در اواخر پاییز ۱۳۰۴ در حالی که شاهزاده برای کارهای سال بعد خود به تهران آمده و در عمارت مسعودیه با حول و حوش خود متوقف گشته بود، دستخط شاه را نسبت به انفصالش از حکومت‌های خود دریافت کرده و بعد از چندی به مقر قدیمی خود اصفهان که تنها حکومتی بود که برای او باقی گذاشته بودند، مراجعت نمود.

این نقل و تحویل، در خارج پایتخت، سر و صدایی برپا نکرد. نایب‌الحکومه‌ها که اکثر از رجال درباری بودند، در محل‌های خود باقی ماندند. تنها سر و کار آنها مستقیماً با مرکز شد. اما مردم پایتخت از این کار بی‌اندازه خشنود شدند، به درجه‌ای که اشعاری هم برای عزل و انفصال ساختند و بچه‌ها در کوچه و بازار خواندند، از این قرار:

ستاره کوره، ماه نمی‌شه
شاهزاده لوچه، شاه نمی‌شه
تو بودی که پارک می‌ساختی؟
سر در و لاک می‌ساختی؟!
پشتتا دادی به پشتی
صارم‌الدوله را تو کشتی
کفشاتا گیوه کردی
خواهرا تا بیوه کردی!

نایب‌السلطنه هم حکومت‌های خود را از دست داد و کار او هم منحصر به حکومت تهران گشت، ولی چون حکومت او در این ولایات بود و نمودی نداشت، انفصال او هم بی‌سر و صدا صورت گرفت. شاهزاده هم چون استفادهٔ زیادی از این حکومت‌ها نمی‌کرد خیلی اهمیت به این انفصال نداد. در این وقت توجه او بیشتر معطوف به کار مهمش وزارت جنگ بود. در ضمن ناصرالدین شاه هم رقیبی را که برای امین‌السلطان لازم داشت، ایجاد کرد و طبعاً بین این وزیر اعظم و وزیر جنگ رقابت تولید گشت. رقابتی که تا فوت ناصرالدین شاه بین آنها



باقی و طرفین را به خون هم تشنه کرده بود.

مال بد بیخ ریش صاحبش

این روزها اشعار دیگری هم بچه‌های کوچه می‌خواندند و آن راجع به ربابه خانم دختر حاجی ابوالحسن معمارباشی بود که شاه او را ازدواج کرده و به مجرد دیدار، او را به خانهٔ پدرش پس فرستاده بود. ناصرالدین شاه غیر از چند تا زنی که در اوایل به وساطت مادرش گرفته بود و یک دو تای آنها هم از خانوادهٔ سلطنت بودند، باقی هفتاد هشتاد زنی که تا این وقت در حبالهٔ خود داشت، تقریباً همه را دیده و پسندیده بود.

در اندرون شاه مهمانی می‌شد زن‌های شاه از خانم‌های اقوام خود و زن‌های رجال دعوت می‌کردند. شاه هم به اندرون می‌آمد، زن‌های خارج هم نباید از او رو بگیرند، البته میان آنها دخترهایی هم بودند که اگر پسند شاه می‌شدند، با رضایت پدر و مادر ازدواج به عمل می‌آمد. خانم‌های جاافتاده که سمت ریاست بر حرمخانه داشتند، خدمتکارهایی تربیت می‌کردند، شاه آنها را اگر می‌پسندید، شیخ اسدالله، شیخ‌الحرم که برای آموختن قرائت و مسائل نماز خانم‌های حرم هر روز مواظب خدمت بود، فوراً دختر خدمتکار را برای شاه صیغه می‌کرد و بر عدهٔ زن‌ها یکی افزوده می‌شد. شاه به باغات و ییلاقات می‌رفت. برحسب تصادف دختری در کنار نهری آمده بود آب ببرد، شاه می‌دید و می‌پسندید، بعد از استرضای پدر و مادر به حرمخانه وارد می‌گشت و به وسیلهٔ صیغه‌خوانی شیخ‌الحرم، زن شاه بود.

خانم‌های جاافتادهٔ حرم برای تحصیل تقرب، از این جوجه رقیب‌ها، برای خود خیلی

ناصرالدین شاه به قدری به مقام سلطنت اهمیت می‌داد که دستمال‌های جیب خود را خارج نمی‌کرد

به دم پر شاه می‌دادند و سعی می‌کردند که همیشه خدمتکارهای زیبای خوش‌رویهٔ خوش ادای خوش حرف تربیت شده در دستگاه خود زیاد داشته باشند.

اتفاق افتاده بود که یک خواهر، زن شاه شده خواهر جوانترش برای دیدار خواهر به حرمخانه رفته، شاه طالب خواهر دوم هم شده بود. جمع بین دو خواهر شرعاً ممنوع است، شاه مدت خواهر بزرگتر را می‌بخشید و بدون اینکه او را از حرم خارج کند، خواهر کوچکتر را صیغه می‌کرد و بعد هر وقت هوای خواهر اولی به سرش می‌زد، همین عمل را دربارهٔ خواهر دومی مجری می‌نمود. عایشه خانم و لیلی خانم، خواهرهای میرزا عبدالله‌خان یوشی، انتظام‌الدوله، که هر دو از زن‌های ناصرالدین شاه بودند، همین وضع را داشتند.

در این اواخر، شاه دختر باغبان از گلی را دید. او را به زنی به حرمخانه برد. این خانم به قدری زیبا و با وجود جوانی به اندازه‌ای عاقل و فهمیده بود که واقعاً ناصرالدین شاه را فریفتهٔ خود کرده و مقامش در حرمخانه به حدی بالا رفته بود که با خانم‌های کهنه‌کار، مانند انیس‌الدوله و امینه‌اقدس و شمس‌الدوله دخترعموی شاه، هم‌پهلو به پهلو می‌زد. این خانم خواهر کوچکتری داشت که برای دیدار خواهر خود به حرمخانه رفته و بی‌اندازه طرف علاقهٔ شاه واقع شد. شاه می‌خواست با این دو خواهر هم همین معامله را بکند ولی متانت دختر باغبان بیش از خواهر میرزا عبدالله‌خان بود. دختر بزرگ، آمدن خواهر را به حرمخانه قدغن و به شاه عرض کرد انتخاب یکی از ما دو نفر در اختیار اعلیحضرت است. شاه نه از خواهر اولی دل می‌کند و نه به فراق دومی دل می‌داد. کار عشق ناصرالدین شاه نسبت به این دو خواهر به جایی رسید که سر پیری اشعاری هم راجع به سوز و گداز خود از فراق خواهر کوچکتر سرود.

ناصرالدین شاه به قدری به عظمت و ابهت مقام سلطنت اهمیت می‌داد که دستمال‌های جیب خود را که طبعاً چرک می‌شد، از جیب خود خارج نمی‌کرد که مبادا متصدی شستشو آب خشک شده بینی شاه را در دستمال ببیند. زمستان‌های دستمال چرک خود را به بخاری می‌افکند و خود را از آن خلاص می‌نمود و تابستان‌ها لای علف‌های باغ و این سر و آن سر پرت می‌کرد.

شاه از جوانی مبتلا به نزف‌الدم بود و زیرشلواری او همیشه به خون آلوده می‌گشت. برای پنهان داشتن آن، پیشخدمت محرم او دستور داشت که همین که شاه در سر حمام رخت خود را می‌کند، لباس آلوده را از انظار مستور و به نفع خود، آنها را تصرف کند. به همین جهت در حساب رخت‌دارخانه همیشه دیده می‌شد که روزی یک زیرشلواری نو برای شاه تهیه شده و خود شاه هم حساب را دیده و جزئیات آن را رسیدگی و اصلاحاتی در آن به عمل آورده و نسبت به این قلم که خیلی به نظر بی‌منطق است، چیزی نگفته و گذشته است.

شاهی که این‌قدر مواظب این جزئیات باشد، البته راضی نخواهد شد که هم‌بستر و بالین او از حرمخانه خارج شود و مثلاً در نزد شوهری که بعد خواهد کرد، اسرار خلوت کردن شاه را با زن‌هایش افشا کند. بنابراین خیلی ممکن بود که شاه بعد از ملاقات اولیه، دیگر رغبتی به زنی که تازه گرفته بود نداشته باشد، ولی چون زن شاه شده بود، نباید از حرمخانه خارج گردد.

از طرف دیگر، شاه هم‌چنان که دیدیم هیچ وقت معاملهٔ ندیده نمی‌کرد. معلوم نیست چه شده بود که این بار به حرف خواجه‌سرایان که شاید حاجی ابوالحسن معمارباشی، پدر دختر، هم آنها را قبلاً خریده بود، اطمینان و معاملهٔ ندیده کرده بود. دختر هم به تجمل پرداخته، تا توانسته بود طلا و نقره و زربفت و زری و ترمه و مرواریددوزی همراه خود آورده بود. معلوم نشد که چه چیز این دختر در نظر شاه زننده آمد که به مجرد دیدار، خانم را با جهیزش به خانهٔ پدرش فرستاد. نقادی مردم از این پیشامد که شاید برای مردم عادی هم خیلی اتفاق می‌افتاد، به جهت تازگی آن بود. زیرا شاه رسم نداشت بار را جایی فرود آورد که تحمل یک بار ملاقات را هم نداشته باشد. از طرف دیگر اصرار دختر و پدرش در این ازدواج که دست به دامان رشوه به خواجه‌سرایان شده بودند و شاید از همه بیشتر موضوع کشیدن ترمه و مروارید به رخ شاه، در این تصنیف‌سازی مداخله داشته است. اشعاری که ساخته بودند دارای مضمون‌هایی به قرار ذیل بود: یل زری نداشتی؟/ تنبان مرواری نداشتی؟ / شوهر شاه می‌خواستی؟/ رو رو رو ربابه / دلم واست کبابه.

که دو مصرع آخری به منزلهٔ برگردان و در هر سه چهار مصراع یک بار تکرار می‌شد. در قسمت «شرح زندگانی اسلاف من در سلطنت فتحعلی شاه» وعده کرده‌ام که در موقع از بیوتات سلطنتی هم شرحی بنگارم. در این موقع که به اندرون شاه نزدیک شده‌ایم، مناسب است وعدهٔ خود را وفا کنم.

بیوتات سلطنتی

بیوتات، جمع اندر جمع بیت، و مثل حبوبات، بذورات، امورات و فروعات، غلط مصطلحی است. در اصطلاح درباری قدیم، ادارات امور شخصی شاه را که اکثر مثل آبدارخانه و قهوه‌خانه و کشیک‌خانه و امثال آن به خانه ختم می‌شود، بیوتات سلطنتی می‌گفتند. اگر چه کار بعضی از این بیوتات مثل ضراب‌خانه و خزانه بالمره دولتی و کار پاره‌ای دیگر مانند صندوقخانه و فراش‌خانه نیمه دولتی و نیمه شخصی بود و با تعریفی که از آن کردیم نبایست جزء بیوتات سلطنتی باشند ولی چون در استبداد، دولت و شاه، با هم فرقی ندارد، این ادارات هم جزء بیوتات به شمار می‌آمدند.

حرم‌خانه ناصرالدین شاه

محوطه‌ای که ضلع جنوبی آن دیوار پشت تالار موزه و اتاق‌های برلیان و باقی دیوار شمالی باغ گلستان و ضلع شرقی آن خیابان ناصر خسرو و ضلع شمالی آن خیابان دراندرون سابق که تا آخر درالماسیه ختم می‌شد، و ضلع غربی آن از روبه‌روی مسجد مادر شاه تا پشت خلوت کریمخانی امتداد پیدا می‌کرد، به حرمخانهٔ ناصرالدین شاه تخصیص داشت. در این محوطه، عماراتی از قدیم و جدید بود که زنهای زیاد ناصرالدین شاه در آن منزل داشتند و شاید بعضی از آنها از زمان آقا محمدخان و فتحعلی شاه به یادگار مانده بوده است. ناصرالدین شاه برای ایجاد انضباط بیشتری در حرمخانه، امر داد تمام عمارت کهنهٔ داخل این محوطه را بکوبند و در دورهٔ این مکان پرعرض و طول، حیاطهای تقریباً متحدالشکلی برای خانم‌های حرمخانه، بسازند و از تمام این حیاطها به محوطه‌ای که در وسط باقی می‌ماند، در باز کنند و در سمت جنوب این محوطهٔ دویم، نزدیک به دیوار تالار

لباس شاه اکثر قبای یخه بسته و سرداری یخه‌برگردان ترمه بود و رنگ زمردی را ترجیح می‌داد

موزه و باغ گلستان، عمارتی برای خوابگاه شاه بنا نمایند که این عمارت، مسکن شاه و حیاطهای اطراف، منزل زنهای او باشد. تاریخ اتمام این بناها سال ۱۳۰۰ و در موقعی است که شاه به سفر خراسان رفته بوده است.

عمارت خوابگاه همین است که امروز مقر وزیر دارایی و دفتر خصوصی او و دفتر رئیس کل دارایی آمریکایی است. اما حیاطهای ضلع شرقی و شمالی و غربی را تا محاذی عمارت خوابگاه، در این پنج شش سال اخیر خراب و به جای آنها عمارت وزارت دارایی را که هنوز تمام نشده و مسکون نگردیده است ساخته‌اند. فقط سمت مغرب عمارت خوابگاه، یکی دو حیاط آنها باقی مانده است که می‌توان از این یکی دو تای باقیمانده به باقی آنها پی‌برد.

هر یک از این حیاطها، در سه طرف، ساختمان داشته و طرف چهارم که حدفاصل بیرون حیاط می‌شده، به جای بنا، دیوار بلندی ساخته بودند که گذشتن از آن جز به وسیلهٔ نردبانهای سی‌چهل پله امکان نداشته باشد. در هر یک از سه طرف یک سه قسمتی زیر رو ساخته و در کنجها پله و سرسرایی بنا کرده بودند که حیاط را به طبقه دوم مربوط می‌کرد. بنابراین هر یک حیاطی هجده اتاق بزرگ و کوچک با راهرو و صندوقخانه و غیره داشت.

البته طبقهٔ زیر، مال خدمتکارها و طبقهٔ فوقانی متعلق به خانمها بوده است که مثلاً هر یک، یک سمت از این حیاط‌ها را اشغال می‌کرده‌اند. ولی در این ضمن بعضی خانمهای مقرب یا جاافتاده که سمت ریاست به سایرین و حاشیهٔ بیشتری داشتند، نیز بوده‌اند که یک حیاط تمام یا بیشتر در تصرف آنها بوده است.

در ضلع شمالی و دو طرف جلوخان دراندرون، یکی دو حیاط یک طبقه هم بود که به عمله جات حرمخانه و خواجه‌سرایان و میرزا حسن سمیعی، مستوفی کرمان، که در آن واحد مستوفی حرمخانه، و به وزیر درب حرم هم ملقب بود و شیخ‌الحرم و از این قبیل کارکنان تخصیص داشت. فقط عمارتی که در ۱۳۰۰قمری در محوطهٔ قدیم حرمخانه از خرابی معاف شد، تالار بزرگی بود که از زمان فتحعلی شاه مانده و آن مرحوم دیوارهای آن را به مجالس شکار و عیش خود منقش کرده و از زمان وزارت عدلیهٔ مرحوم داور به بعد که بعضی از این حیاطها به دادگستری تخصیص یافت، این تالار هم محل محکمهٔ جنایی گردید و بالاخره در چهار سال قبل که می‌خواستند عمارات جدید ناتمام فعلی وزارت دارایی را بسازند، این تالار قدیمی هم، مثل حیاطهای دور محوطه، گرفتار خرابی شد و از بین رفت.

این محوطهٔ حرمخانه و خوابگاه، گذشته از دراندرون و دری که از باغ گلستان نزدیک عمارت خوابگاه برای رفت و آمد شاه از بیرون به اندرون داشت، دارای مدخل دیگری و آن زیر سردر الماسیه واقع بود. من هیچ وقت این در را باز ندیدم، همیشه از تو بسته و یک عده سرباز در اتاق و ایوانی که به پهلوی آن ساخته بودند قراول بود. این سردر، در اول سلطنت پهلوی به جرم داشتن کتیبه‌ای به اسم ناصرالدین شاه که با خط طلا بر روی زمینه لاجوردی بسیار زیبا در کلهٔ ایوان آیینه‌کاری بالاخانهٔ آن نصب بود، از ریشه کنده شد و یک مدخل بسیار زشتی از آجر تراشیدهٔ قرمز، جای آن را گرفت که آن هم در نوبت خود در دو سال قبل خراب شده و در آینده باید مدخل زیبای سنگی یا سیمانی که در خور عمارت پشت آن باشد، در این نقطه بنا کنند.

شاه به این حیاطها نمی‌رفت و منزل او همان عمارت خوابگاه بود، زنهای او هم بدون احضار نزد او نمی‌رفتند. شبها عادت داشت بدن او را مالش بدهند و مشت بزنند تا خواب برود و در این موقع برای او کتاب هم می‌خواندند، نزدیک‌های اتاق خواب او مستحفظ هم بوده‌اند که با ساری اصلان، رئیس خود، تا صبح کشیک می‌داده‌اند. در مسافرتها هم این رسم ترک نمی‌شده و نزدیک سراپردهٔ شاه این کشیک برقرار بوده است. شاه هر روز صبح حمام می‌رفته و حمام مخصوص او جنب بیرونی بوده و در سر حمام گاهی رجال را می‌پذیرفته و دستوراتی به آنها می‌داده است.

لباس شاه در زمستان و بهار و پاییز اکثر قبای یخه بسته و سرداری یخه‌برگردان ترمه بوده و رنگ زمردی را بر سایر رنگها ترجیح می‌داده و در فصل سرما سرداری او آستر خز داشته که رویهٔ برگردان شنل مانند آن هم از خز بود.

گذشته از شلوار که همیشه ماهوت بوده، سرداری ماهوت هم می‌پوشیده و سرداری او دکمه‌های الماس بسیار درشت داشته است. از جواهرهای سلطنتی دریای نور را که بالای آن تاج مانندی از پر شترمرغ نصب کرده بودند، به جلوی کلاه خود که همیشه کلاه نظامی بود می‌زده و تسبیحی از مرواریدهای یک آب و اندازه از میان یک جوال بیست و چهار پنج منی مروارید انتخاب شده، و شیک‌ها و آخوندک سر آن زمرد یا یاقوت بوده، به دست می‌گرفته و همیشه چکمهٔ چرمی برقی به پا می‌کرده و از سر حمام به بیرونی، یعنی باغ گلستان، می‌آمده است.

خواجه‌ها، گذربه گذر، برای او پرده‌های جلوی درهای بین اندرون و بیرون را بالا می‌گرفتند. آخری، که پردهٔ آخری را گرفته بود، ورود اعلیحضرت را اعلام می‌کرد و جارچی باشی با صدایی که به همه جا و همه کس می‌رسید، گفتهٔ او را تکرار می‌نمود. رجالی که قبلاً احضار، یا خودشان برای شرفیابی حاضر شده بودند، نزدیکی‌های این در ایستاده، بعضی از پیشخدمت‌ها و عملهٔ خلوت هم، در صف دیگر یا لابه‌لای آنها بودند و همه تعظیم می‌کردند. اگر شاه با کسی صحبت داشت می‌خواندش. او که نزدیک می‌شد، دوره را خلوت می‌کردند و شاه را با او تنها می‌گذاشتند.

اگر قبلاً سواری خبر کرده بود، بعد از کمی صحبت با این و آن و دادن دستور، سوار می‌شد والا قدری بیشتر گردش می‌کرد و عده‌ای را که فقط برای عرض لحیه آمده بودند، با چند کلمه صحبت و تفقد راه می‌انداخت. در این ضمن‌ها بیانات آنها را که عرضی هم داشتند می‌شنید و از جوابی که می‌داد، تکلیف ماندن بیشتر یا رفتن آنها معین می‌شد. همین که قدری سرش فارغ‌تر می‌گشت، به سمت اتاقها می‌رفت. اگر کاغذخوان حضور را که اکثر یکی از نیمه رجال دربار بود احضار می‌کرد، تکلیف سایرین معلوم بود. هیچ‌کس نباید نطلبیده وارد اتاق شود، روی صندلی جلوس می‌کرد، کاغذ خوان حضور، روبه‌رو برزمین می‌نشست، دستمال کاغذش را باز می‌کرد و خلاصهٔ مطالب عریضه‌های متفرقه و گزارش وزرا را با یک نظر به صفحهٔ کاغذ به عرض رسانده، عین عریضه را تقدیم می‌داشت. شاه گاهی با دستخط خود چند کلمه در صدر عریضه جواب می‌نوشت یا جواب را تقریر می‌کرد و کاغذخوان حضور می‌نوشت و شاه ذیل آن را صحه می‌گذاشت.

گاهی اتفاق می‌افتاد که در ضمن صحه گذاری یکی دو کلمه‌ای هم به خط خود به آن می‌افزود. فرمانهای اعطای لقب یا نصب و ترفیع مستخدمین کشوری و لشکری یا برقراری و اضافه مواجب را که مقدمات آن تدارک شده و به مهر صدراعظم رسیده بود، صحه می‌گذاشت و قوت اجرا به آنها می‌داد. توقیع‌هایی که شاه در بالای عریضه می‌نوشت خیلی مختصر و موجز و صنعت انسجام را کاملاً دارا بود. گاهی در این توقیعات، کنایات بامزه‌ای هم می‌گنجاند و با ارسال مثل جواب طرف را به دو سه کلمه می‌داد.

حاجی میرزا لطف‌الله روضه‌خوان اصفهانی، که آوازی بسیار خوب داشت و از راه حرفهٔ خود مکنتی اندوخته بود، پول خود را به تجارت به این و آن می‌داد. وقتی مقداری از سرمایهٔ او نزد تاجری جا واکرد و تاجر ورشکست شد. قضیه را وزارت تجارت تعقیب و تاجر را تا آنجا که قواعد و قوانین اجازه می‌داد مجازات کرده بود. ولی حاجی میرزا لطف‌الله متقاعد نمی‌شد و عریضه‌پرانی می‌کرد. در ضمن سایر اقدامات، عریضه‌ای هم به شاه نوشته و احقاق حق خود را خواسته بود. شاه در بالای عریضهٔ او نوشت: «ملالطف‌الله! المفلس فی امان الله».

روزگار

۱۰ حسین شهید زاده

مأموریت در بغداد

تکریتی!



معلوم است که این پیشامد، آن هم در ابتدای کار، چه قدر به اعتبار و اهمیت سفارت ایران افزود و شخص مرا سرفراز کرد، به طوری که به جرأت می‌توانم بگویم اثر آن در تمام دوران مأموریت سه ساله‌ام در بغداد به جای ماند. از آن پس کاملاً مشهود بود که وزارت امور خارجه و مأموران عراقی روی حرف و قول سفارت حساب مخصوص باز کرده‌اند؛ دیدارها به راحتی انجام می‌شد و درها همه‌جا به روی من و همکارانم گشوده بود. خوب می‌دیدم که سفیران کشورهای دیگر برای دیدار وزیر خارجه باید چند روز منتظر تعیین وقت باشند، اما من هر وقت چنین تقاضایی داشتم، چه بسا در همان روز که عنوان کرده‌بودم، به مرحلهٔ عمل درمی‌آمد؛ تا جایی که بعضی از سفیران طراز اول، مثل سفیر شوروی وسفیر انگلستان در بغداد، یکی دو بار این مطلب را با خودم در میان گذاشتند. سفیر انگلستان سرجان گراهام، از مأموران کار کشتهٔ این کشور، کسی بود که بعدها به سمت سفیر در ایران معین شد و بعدها با لقب سر به مقام معاونت وزارت خارجه انگلستان رسید.

از اولین جلسهٔ ملاقات با صدّام حسین خاطره‌ای هم دارم و آن این است که وی ضمن گفتار، چند بار عبارت خلیج فارس به کار برد و من هر بار کلام او را قطع و گفته اش را تصحیح کردم. دو سه بار که این بگو و مگو تکرار شد، وی دفعهٔ بعد که خواست نام خلیج فارس را بر زبان بیاورد، گفته: «خلیج، آن طور که شما می گویید» و بدین ترتیب خواست بدون محاجّه و دوری جستن از اینکه من کلام او را قطع کنم، به گفتهٔ خود ادامه دهد.

شاید به دلیل نتایج مثبت این دیدار نخستین و کارآیی آن بود که چند روز بعد باز هم شب هنگام برای دیدار استاد احضار شدم(عراقیها صدام حسین را گاهی با عنوان استاد و گاهی السیّد در ابتدای نام یاد می کردند).پیش ازآنکه به موضوع این ملاقات بپردازم، موضوع خنده‌آور و در عین حال ناراحت کننده‌ای دربارهٔ نحوهٔ درج خبر این دیدارها و بی توجهی برخی از روزنامه‌های ایران به عناوین و القاب رایج به خاطر آمد که بد نیست اشاره‌ای به آن بکنم و هشداری به دوستان روزنامه‌نگار بدهم و آن این است که به مناسبت همین دیدار، یکی از روزنامه‌های معتبر و پر تیراژ تهران با عنوان درشت در صفحهٔ اول خود نوشته بود:« سفیر ایران در بغداد با «تکریتی» ملاقات و مذاکره کرد.» همه می دانیم تکریت، زادگاه صدام حسین و شهری است در حدود صدو پنجاه کیلومتری شمال بغداد. اما این کلمه جزو اسم و رسم او نیست و به کار بردن آن به جای اسم، گذشته از اینکه وافی به مقصود نیست، در حقیقت برخورنده وتحقیر آمیز هم هست.

درست مثل این است که کسی دربارهٔ نگارنده بگوید:« قمی، با حسین یا حسن ملاقات کرد.» صدها هزار، بلکه میلیونها قمی وجود دارد و سؤال این است که کدام قمی واسم و رسم او چیست؟ ناچارشدیم این نکته را به وزارت خارجه و ازآنجا به وزارت اطلاعات و مطبوعات وقت تذکر دهیم، اما نمی‌دانم فایده‌ای کرد یا نکرد.

صدام در ملاقات دوم گفت‌حاضر است برای حل مشکلات موجود میان دو کشور، به ایران مسافرت و با شاه به مذاکرهٔ مستقیم بپردازد

شاید برای خوانندهٔ عادی یا مردمی که توجهی به آداب و رسوم تشریفاتی، بخصوص در سطح رجال و مقامهای مملکتی ندارند، قبول این نکته دشوار باشد که چه بسا اوقات نا به جا به کار بردن یک کلمه، زیان غیر قابل جبرانی برای یک کشور یا جامعه به بارآورده است. این کیفیت،به ویژه درمورد صدام که مردی به غایت جاه طلب و پای بند به مقام و موقعیت اجتماعی خود می‌باشد، و در شرح حال او می خوانیم که چند نفر از نزدیکان خویش را به خاطر محترم نشمردن نامش به دیارنیستی فرستاده است، مصداق واقعی دارد.

باری، در ملاقات دوم،عنوان کردکه حاضر است برای حل مشکلات موجود میان دو کشور، به ایران مسافرت نماید و با شاه ایران به مذاکرهٔ مستقیم دربارهٔ تمام مسائل موجود میان دو کشور بپردازد و مرا مأمور کرد که پیام او را به تهران ابلاغ نمایم. جریان این ملاقات را هم من با اظهار نظر موافق خودم (چیزی که در وزارت خارجه مرسوم نبود و آن را نوعی گستاخی به مقام سلطنت تلقی می کردند) به تهران گزارش کردم. اما جوابی نیامد و بعد هم که برای گرفتن جواب اصرار به خرج دادم پاسخ دادند:« به شرف عرض ملوکانه رسید، فرمودند حالا زود است.» البته ابلاغ این جواب به صدام حسین، به نحوی که از تهران رسیده بود، به مصلحت نبود. ناچار از طریق وزیر خارجهٔ عراق، جوابی کم و بیش به این مضمون به نایب رییس شورای فرماندهی انقلاب دادیم که: « به علت برنامهٔ فشردهٔ شاهنشاه، عجالتاً تعیین وقت سفر به تهران مشکل است در فرصت مناسب پاسخ داده خواهد شد.» بعدها در سفری به تهران، تلگرافی را که در این باب فرستاده‌بودم، دیدم شاه درحاشیهٔ آن و در مورد اظهار نظری که دربارهٔ پذیرفتن صدام کرده بودم، نوشته بود:« به سفیر بگویید مواظب باشد از هول حلیم در دیگ نیفتد.»

هر چند صدام حسین در آن تاریخ عملاً در جای رییس کشور قرار داشت و حکمران مطلق عراق بود، دربار ایران شاید به این دلیل که وی از نظر تشریفاتی همطراز شاه نبود، پیشنهاد او را نپذیرفت وقضیه را مسکوت گذاشت. اما درست یک سال بعد، پس از آنکه خسارتها وسوءتفاهمهای بیشتری به جمع مشکلات موجود افزوده شد، این سفر به مرحلهٔ عمل درآمد.

از آن پس میان صدام حسین و من ملاقاتهای مکرر، خواه در معیّت شخصیتها و هیئتهای ایرانی و خواه به طور خصوصی، صورت گرفت که به طور کلی همیشه مقرون به موفقیت بود هر بار جنبهٔ دوستانه‌تر و خودمانی تری به‌خود می گرفت تا حدی که در طی دیدارهای بعدی گاهی سخن از لباس پوشیدن وشکار و روابط خانوادگی پیش می آمد. مترجم ما در مذاکرات،یکی از کارمندان سفارت بود که آشنایی کامل به زبان عربی داشت و صدام بیش از یک بار ضمن صحبت از اینکه نمی تواند به طور مستقیم با من مکالمه‌ای داشته‌باشد اظهار تأسف نمود.

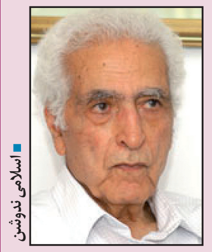
صدام حسین به شیک‌پوشی پای بند بود؛ من هیچ‌وقت یک لباس را دوبار به تن او ندیدم و اولین بار که از دوخت لباس او تعریف کردم،به طور محسوسی خوشحال شد.

هزاران سال انسان

گفتگو با دکتر اسلامی ندوشن/۷

شعر نو

ادامه از صفحه اول



اسلامی ندوشن

به اعتقاد نیما: اقتضای دوران جدید این بود که بیان تازه‌ای برای شعر پیدا شود که جوابگوی زندگی نو باشد. البتّه قبل از کار نیما در ایران، زمزمه‌هایی از این نوآوری در قفقاز و حتّی ترکیّه به وجود آمده بود، ولی آنها را نمی‌توان نو به معنای درهم ریختگی شعر کهن گذارد و بنای سبک تازه به شمار آورد. در مجموع گرایشی به وجود آمده بود که شعر را از قید گذشته بیرون می‌آورد.

*** این کار را در ایران، نیما یوشیج انجام داد.**

بلی، و به حق هم لقب «پدر شعر نو» به او داده‌اند، برای اینکه این جسارت را به خرج داد که بتواند چارچوب‌ها را درهم بشکند، در حالی که قبل از آن قواعد شعر قدیم مقدّس شناخته می‌شد. نیما جرأت به خرج داد و بر سر این موضوع، عمر خود را در ناکامی گذراند، برای اینکه تقریباً همه ادبای زمان با این کار مخالف بودند. عامّه مردم هم توجّهی به آن نداشتند.

جوان‌ها هم که می‌توانستند پشتیبانی شعر نو باشند – چنانچه در دوران بعد این اتّفاق افتاد – و می‌توان گفت که امروز مشتری اصلی شعر نو آنها هستند، در آن زمان هنوز به آن توجّه نشان نمی‌دادند. بنابراین، نیما قضیّه را به تنهایی دنبال کرد و پای آن ایستاد. حالا اینکه ارزش شعر نیما تا چه حدّ است، بحثی است که باید در جای دیگری پیش آورده شود و ما الآن وارد آن نمی‌شویم، ولی از این تهوّری که وی به خرج داد و سنّت‌شکنی کرد و شعر را وارد مرحله تازه‌ای نمود، باید قدر او را شناخت. او با قبول محرومیّت کار خود را ادامه داد و تنها بعد از مرگش بود که جای نمایانی برای خودش باز کرد.

*** گویا زمانی که نیما به گونه‌ای غریب از دنیا رفت، شما هم چیزی را به قلم‌آوردید.**

بله، وقتی نیما مرد، جز دو سه مطلب چیزی درباره او نوشته نشد که از جمله مطلب کوتاهی را من در مجلّه «یغما» انتشار دادم. مرگ نیما تقریباً غریب‌وار بود. مدّتی بعد بود که نیما نه تنها لقب «پدر شعر نو» گرفت، بلکه مورد ستایش واقع شد و دیگران به تعداد زیاد از او پیروی کردند.

*** شما اشاره کردید که دو مبنا را برای شعر نو می‌توان در نظر گرفت و یک مبنا را بیان کردید. مبنای دومی که می‌توان ذکر کرد، چیست؟**

مبنای دومی که برای شعر نو می‌توان در نظر گرفت، نبود آزادی در کشور است. بعد از کوتای ۲۸ مرداد، نوعی سرخوردگی در مردم و بخصوص در جوان‌ها پیدا شد که باعث گشت تا آنها به دنبال یک زبان کنایه‌دار بگردند، زبانی که بیانش آسان باشد و به قافیه و وزن و قواعد شعری کلاسیک نیاز نداشته باشد. این سرخوردگی، جوان‌ها را به این طرف کشاند که سبک جدید شعر را دنبال کنند.

این اتّفاق افتاد، بخصوص به این علّت که آسان بود و هر کسی می‌توانست بی‌قید قواعد کهن، به دلخواه خود عبارتی در کنار هم بگذارد. عذر خواهش نو بودن بود. و البتّه در این حالت، قبول خاطر آن در گرو ارزش آن بود.

موضوع این بود که جوان‌ها برای گفتن درددل‌هایی داشتند. به همین منظور به شعر نو روی آوردند و در کنایه‌های شعر نو و پوشش‌های آنچنانی، (چون فضای کشور اجازه نمی‌داد که عریان حرف زده شود)، نهضتی به وجود آوردند که در واقع دنباله کار نیما بود. البتّه نوع‌های دیگری هم با عناوین شعر سپید و آزاد و غیره... نضج پیدا کرد.

در واقع، بعد از سرخوردگی ۲۸ مرداد مشتری شعر نوجوان‌ها قرار گرفتند. در میان مسنّ‌ترها، تصوّر می‌کنم در آن زمان به ندرت می‌شد کسانی را یافت‌که خواننده شعر نو باشند و از آن لذّتی ببرند. شعر نو بیشتر زبان جوان‌هاست، هم برای اینکه شعر بگویند و هم برای اینکه بخوانند و خواننده آن باشند. آماری گرفته نشده است، ولی در عرض این این چند دهه‌ای که از کودتای ۲۸ مرداد می‌گذرد، سال به سال بر تعداد نوسرایان افزوده شده است.

در مجموع باید گفت که شعر نو در ایران، از این دو مبنا بهره‌مند بوده است واین دو مبنا موجباتی را فراهم آورد که شعر نو در ایران رشد کند. البتّه در کشورهای دیگر هم این حالت بوده است. در ترکیّه هم چنین وضعی پیش آمد. در ادبیّات عرب هم هم‌چنین. در چین هم تعداد زیادی از جوان‌های چینی وارد شعر نو شدند. یادم هست که در چین به من گفتند: تعداد گوینده شعر نو در چین بیشتر از خواننده‌آن است!

*** طبق تحلیلی که ارائه می‌دهید، آیا می‌توان شعر نو را ادامه شعر فارسی در تاریخ ادبیّات ایران به شمار آورد؟**

زمینه برای این که شعر نو بتواند تا این حدّ جلو بیاید، مسلّماً آماده بوده است. اصولاً ما ملّتی شعرپرور هستیم؛ چه شعر خوب، چه شعر بد. جریان فکر ما به طرف شاعرانه بودن حرکت می‌کند. چیزی که احساس می‌شود این است که شعر نو جوابگوی مقداری از خواست‌های جوانان است، یعنی طالب نو بودن در همه شئون. به همین جهت هم هست که مورد توجّه آنان قرار گرفته است. در عین حال‌ما به نوگرائی و اقتباس از فرنگی‌ها هم علاقه داریم.

*** در نهایت می‌توان دیدگاه شما را چنین جمع‌بندی کرد که اسلامی ندوشن، اصل شعر نو را قبول می‌کند و تا حدودی ضروری هم می‌داند.**

حرفی که من می‌زنم، این است که: پشت شعر نو ضرورت زمانی وجود دارد؛ یعنی پرهیز از ملالتی که از تکرار مکرّرات شعر سنّتی ایجاد شده بود و تقاضایی که برای نو شدن در همه شئون وجود داشت.

عکس‌ها سخن می‌گویند / ۲۱



عکس: مهر

زندگی در قاب

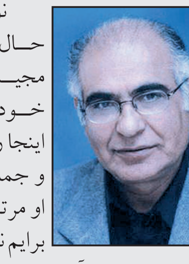
خدابیامرز پدرم می‌گفت: تا زنده‌ای نمی‌فهمی! فکر کردم وقتی عصبانی‌اش می‌کنم، بااین حرف خودش را خالی می‌کند. وقتی معنای حرفش را فهمیدم که زنده نبود. روزی که پدرم سرش را گذاشت زمین، حس کردم زیر پایم خالی است. حس می‌کردم ریشه ندارم. فکر می‌کردم گام‌هایم در زمین فرو می‌رود و به هرجا تکیه می‌کنم، سست است. اولین بار بود که معنای مرگ را می‌فهمیدم. یک جورهایی خودم را مرده می‌دیدم. حالا سال‌ها از آن روزگار گذشته است. روزگار سر و کارم را با دریا انداخته است و ساحل و کشتی و موج. یک روز، پیش خودم فکر کردم من واقعاً می‌دانم دریا چیست؟ می‌دانم زندگی چیست؟ می‌دانم کشتی چیست؟ خیلی فکر کردم. دیدم، نه! چرا دروغ بگویم؟ چرا خودم را فریب بدهم؟ نمی‌دانم. گیج شدم. از کشتی زدم بیرون! بی‌اختیار فاصله گرفتم از خودم، از دریا، از کشتی... از دور نگاه کردم، از دریچه، از یک قاب ... تازه فهمیدم که برای درک زندگی باید از زندگی بیایم بیرون. باید از بیرون نگاه کنم، از دور، از یک روزنه و دریچه دیگر. باورتان می‌شود. تا قبل از این که از دریچه آن کشتی متروک و فرورفته در گل و لای ساحل به کشتی خودمان نگاه کنم، اصلاً نمی‌دانستم کشتی چیست و چقدر ناپایدار و حقیر است؟ باور می‌کنید که تا قبل از آن نمی‌دانستم که کشتی می‌تواند نباشد؟ در دریا بمیرد؟ ... نمی‌دانم پدرم چطور فهمیده بود که زندگی را تا از قاب مرگ نگاه نکنیم، نمی‌فهمیم. بگذریم.

نام آوران

۱ به روایت: مرادی کرمانی

یادی از جمالزاده

ادامه از صفحه اول


مرادی کرمانی

نوشته بود که: با این حال، خواندن «قصه‌های مجید» مرا به کودکی خودم در اصفهان‌برد. از اینجا رابطه و مکاتبات من و جمالزاده شروع شد و او مرتب لطف می‌کرد و برایم نامه‌می‌فرستاد. مثلاً وقتی دیده بود که آدرس من کوچه میرزا محمود است، در نامه‌ای برایم نوشت‌که میرزا محمود که بوده و چه‌کاره بود و ... چون او مرا با بزرگان کرمان مقایسه کرده بود،برایش نوشتم که من از یک خانواده روستایی برخاسته‌ام به سختی نویسنده شده‌ام.

جمالزاده جواب داد که حالا من اعتقادم به تو دو چندان شد، چون با من راحت وصمیمانه حرف می‌زنی و می‌گویی که کیستی!او فکر کرده بود که من از بزرگزادگان کرمانم واز یکی از خانواده‌های «الدوله» و «السلطنه» برخاسته‌ام.

او کتاب‌های مرا می‌خرید و به کسانی که با او ارتباط داشتند، می‌داد وبه‌جاهای مختلف می‌فرستاد. جالب است که او با کسان زیادی تماس گرفته بود و از من تعریف و توصیف کرده بود، از جمله با دکتر باستانی پاریزی و دکتر تقی رضوی و دولت‌آبادی‌و دیگران. به همه دوستانش گفته بود که فلانی نویسنده خوب و مهمی است و باید قدرش رابدانید! جالب است بدانید که دکتر باستانی پاریزی استاد تاریخ دانشگاه تهران، همشهری من‌بود‌ولی مرانمی‌شناخت. جمالزاده به او نامه نوشته بود و گفته بود که: فلانی که همشهری‌شماست و نویسنده است. چطور شما او را نمی‌شناسید؟

جمالزاده بسیار انسان نیک‌نفس و ارزنده‌ای بود. یادم نمی‌رود که بعد از اینکه داستان»چکمه» را خواند، از من پرسید که این داستان از کجا به ذهنت رسیده است؟ جواب دادم که‌این اتفاق برای بچه خودم افتاد، به این صورت که رفتیم برایش «چکمه» خریدم. او در ماشین‌خوابش برد. وقتی آمدیم خانه، دیدم یک لنگه چکمه‌اش افتاده است. فهمیدم که اگر بیدار شود،گریه خواهد کرد، افتادم توی کوچه و خیابان که آن لنگه «چکمه» را پیدا کنم...

جمالزاده، بلافاصله از طریق دکتر تقی رضوی ۵۰۰ تومان پول برای من فرستاد تا من‌برای بچه‌هایم چکمه بخرم! نیازی به این کار نبود، ولی او چنین روحیه‌ای داشت. نوشته بودکه: برای بچه‌ات چکمه بخر و بگو که این چکمه را «عموجمال» داده است و توضیح داده بودکه هیچ‌وقت بچه‌ای نداشته و بعد از سال‌ها زندگی، زنش فراموشی گرفته.

جمالزاده در یکی از نامه‌هایش از من پرسید که نویسندگی را چگونه شروع‌کردی؟ من هم جواب دادم که: در دوره دانش‌آموزی انشاهایی می‌نوشتم. مدیرمان می‌گفت که‌تو مثل جمالزاده می‌نویسی، ولی من جمالزاده را نمی‌شناختم و نمی‌دانستم او چگونه‌می‌نویسد. بنابراین، رفتم کتاب شما را خریدم، خواندم، خیلی هم خوشم آمد. اول «یکی بود،یکی نبود» را خواندم، بعد هم بقیه آثار.

در این زمینه یک اتفاق جالب هم افتاد و آن این بود که شخصی ظاهراً آقای عبدالرشیدی از جمالزاده پرسیده بود که بهترین داستان‌نویس ایران کیست؟ جواب داده بود:هوشنگ مرادی کرمانی، چون مثل من می‌نویسد. جمالزاده بهترین نویسنده ایران را هم باستانی پاریزی می‌دانست.

در مجموع، جمالزاده مردی بود بسیار بی‌عقده و حداقل کم‌عقده. او هرچیزی که‌می‌خواند و خوشش می‌آمد، چیزی درباره آن می‌نوشت. مثلاً درباره «مدیر مدرسه» آل‌احمدمقاله‌ای نوشت که آل‌احمد در مقابل، خیلی تند برخورد کرد و دو نامه برایش فرستاد که خیلی‌معروف است. جمالزاده هم جواب جانانه‌ای داد که آن هم معروف و خواندنی است.جمالزاده تقریباً با همه نویسندگان ایران مکاتبه داشت. مثلاً با آقای‌خسرو شاهانی و خانم دانشور و محمود دولت‌آبادی مکاتبه می‌کرد، از جمله با من هم مکاتبه‌داشت. تشخیص من این است که جمالزاده بی‌عقده بود و دارای یک جور سعه صدر و گذشت‌و مهربانی.

نامه‌های زیادی از جمالزاده به دست من رسید، ولی من هیچ‌وقت نخواستم از نام او ودوستی‌ام و علاقه او به خودم سوءاستفاده کنم. یکبار ناشرم از من خواست که یکی از نامه‌های جمالزاده رادر اول یکی از کتاب‌های داستانم چاپ کنم، ولی من قبول نکردم...

آیینه

۴۰ زیر نظر: دکتر محمد کاظم حسینیان



گزیده‌ای از خاطرات مرحوم عبدالله مستوفی (۱۳۲۹ - ۱۲۵۵ش)

المفلس فی امان الله !

اشاره: درسه‌شماره قبلی گزارش مرحوم مستوفی درباره زندگی دشوار جنوب و جنوبیان را توضیح دادیم. و اینک برمی گردیم به ادامه کتاب ارزشمند «شرح زندگانی من»:

مردم برای اعمال غیرعادلانهٔ ظل‌السلطان از او راضی نبودند. حتی بعضی‌ها حدس می‌زدند که اگر حادثه‌ای برای شاه اتفاق بیفتد، ظل‌السلطان زیر بار مظفرالدین میرزا نخواهد رفت و اگر از قدرتش نکاهند، مردم را گرفتار جنگ داخلی خواهد کرد حتی عوام معتقد بودند که شمشیری هم به استادهای اصفهان سفارش داده و روی تیغهٔ آن «مظفرکش» نوشته است.

این نارضامندی عمومی از ظل‌السلطان هم، امین‌السلطان را در حملهٔ به او بیشتر جری می‌کرد. از طرف دیگر هم ممکن بود همین که کار را از نایب‌السلطنه شروع کند، ظل‌السلطان هوای کار خود را نگاه داشته و با قدرتی که دارد، خیال امین‌السلطان را بر هم بزند، سهل است، اسباب وهن کار او را هم فراهم آورد. به این جهت‌ها بود که حملهٔ به دو برادر را از ظل‌السلطان شروع نمود.

معلوم نیست با چه مقدماتی، شاه را برای این کار حاضر کرد. شاید کثرت توجه رجال کشور را به ظل‌السلطان، با زیرکی در نزد شاه جلوه داده باشد. در هر حال در اواخر پاییز ۱۳۰۴ در حالی که شاهزاده برای کارهای سال بعد خود به تهران آمده و در عمارت مسعودیه با حول و حوش خود متوقف گشته بود، دستخط شاه را نسبت به انفصالش از حکومت‌های خود دریافت کرده و بعد از چندی به مقر قدیمی خود اصفهان که تنها حکومتی بود که برای او باقی گذاشته بودند، مراجعت نمود.

این نقل و تحویل، در خارج پایتخت، سر و صدایی برپا نکرد. نایب‌الحکومه‌ها که اکثر از رجال درباری بودند، در محل‌های خود باقی ماندند. تنها سر و کار آنها مستقیماً با مرکز شد. اما مردم پایتخت از این کار بی‌اندازه خشنود شدند، به درجه‌ای که اشعاری هم برای عزل و انفصال ساختند و بچه‌ها در کوچه و بازار خواندند، از این قرار:

ستاره کوره، ماه نمی‌شه
شاهزاده لوچه، شاه نمی‌شه
تو بودی که پارک می‌ساختی؟
سر در و لاک می‌ساختی؟!
پشتتا دادی به پشتی
صارم‌الدوله را تو کشتی
کفشاتا گیوه کردی
خواهرا تا بیوه کردی!

نایب‌السلطنه هم حکومت‌های خود را از دست داد و کار او هم منحصر به حکومت تهران گشت، ولی چون حکومت او در این ولایات بود و نمودی نداشت، انفصال او هم بی‌سر و صدا صورت گرفت. شاهزاده هم چون استفادهٔ زیادی از این حکومت‌ها نمی‌کرد خیلی اهمیت به این انفصال نداد. در این وقت توجه او بیشتر معطوف به کار مهمش وزارت جنگ بود. در ضمن ناصرالدین شاه هم رقیبی را که برای امین‌السلطان لازم داشت، ایجاد کرد و طبعاً بین این وزیر اعظم و وزیر جنگ رقابت تولید گشت. رقابتی که تا فوت ناصرالدین شاه بین آنها باقی و طرفین را به خون هم تشنه کرده بود.



مال بد بیخ ریش صاحبش

این روزها اشعار دیگری هم بچه‌های کوچه می‌خواندند و آن راجع به ربابه خانم دختر حاجی ابوالحسن معمارباشی بود که شاه او را ازدواج کرده و به مجرد دیدار، او را به خانهٔ پدرش پس فرستاده بود. ناصرالدین شاه غیر از چند تا زنی که در اوایل به وساطت مادرش گرفته بود و یک دو تای آنها هم از خانوادهٔ سلطنت بودند، باقی هفتاد هشتاد زنی که تا این وقت در حبالهٔ خود داشت، تقریباً همه را دیده و پسندیده بود.

در اندرون شاه مهمانی می‌شد زن‌های شاه از خانم‌های اقوام خود و زن‌های رجال دعوت می‌کردند. شاه هم به اندرون می‌آمد، زن‌های خارج هم نباید از او رو بگیرند، البته میان آنها دخترهایی هم بودند که اگر پسند شاه می‌شدند، با رضایت پدر و مادر ازدواج به عمل می‌آمد. خانم‌های جاافتاده که سمت ریاست بر حرمخانه داشتند، خدمتکارهایی تربیت می‌کردند، شاه آنها را اگر می‌پسندید، شیخ اسدالله، شیخ‌الحرم که برای آموختن قرائت و مسائل نماز خانم‌های حرم هر روز مواظب خدمت بود، فوراً دختر خدمتکار را برای شاه صیغه می‌کرد و بر عدهٔ زن‌ها یکی افزوده می‌شد. شاه به باغات و ییلاقات می‌رفت. برحسب تصادف دختری در کنار نهری آمده بود آب ببرد، شاه می‌دید و می‌پسندید، بعد از استرضای پدر و مادر به حرمخانه وارد می‌گشت و به وسیلهٔ صیغه‌خوانی شیخ‌الحرم، زن شاه بود.

خانم‌های جاافتادهٔ حرم برای تحصیل تقرب، از این جوجه رقیب‌ها،برای خود خیلی

ناصرالدین شاه به قدری به مقام سلطنت اهمیت می‌داد که دستمال‌های جیب خود را خارج نمی‌کرد

به دم پر شاه می‌دادند و سعی می‌کردند که همیشه خدمتکارهای زیبای خوش‌رویهٔ خوش ادای خوش حرف تربیت شده در دستگاه خود زیاد داشته باشند.

اتفاق افتاده بود که یک خواهر، زن شاه شده خواهر جوانترش برای دیدار خواهر به حرمخانه رفته، شاه طالب خواهر دوم هم شده بود. جمع بین دو خواهر شرعاً ممنوع است، شاه مدت خواهر بزرگتر را می‌بخشید و بدون اینکه او را از حرم خارج کند، خواهر کوچکتر را صیغه می‌کرد و بعد هر وقت هوای خواهر اولی به سرش می‌زد، همین عمل را دربارهٔ خواهر دومی مجری می‌نمود. عایشه خانم و لیلی خانم، خواهرهای میرزا عبدالله‌خان یوشی، انتظام‌الدوله، که هر دو از زن‌های ناصرالدین شاه بودند، همین وضع را داشتند.

در این اواخر، شاه دختر باغبان ازگلی را دید. او را به زنی به حرمخانه برد. این خانم به قدری زیبا و با وجود جوانی به اندازه‌ای عاقل و فهمیده بود که واقعاً ناصرالدین شاه را فریفتهٔ خود کرده و مقامش در حرمخانه به حدی بالا رفته بود که با خانم‌های کهنه‌کار، مانند انیس‌الدوله و امینه‌اقدس و شمس‌الدوله دخترعموی شاه، هم‌پهلو به پهلو می‌زد. این خانم خواهر کوچکتری داشت که برای دیدار خواهر خود به حرمخانه رفته و بی‌اندازه طرف علاقهٔ شاه واقع شد. شاه می‌خواست با این دو خواهر هم همین معامله را بکند ولی متانت دختر باغبان بیش از خواهر میرزا عبدالله‌خان بود. دختر بزرگ، آمدن خواهر را به حرمخانه قدغن و به شاه عرض کرد انتخاب یکی از ما دو نفر در اختیار اعلیحضرت است. شاه نه از خواهر اولی دل می‌کند و نه به فراق دومی دل می‌داد. کار عشق ناصرالدین شاه نسبت به این دو خواهر به جایی رسید که سر پیری اشعاری هم راجع به سوز و گداز خود از فراق خواهر کوچکتر سرود.

ناصرالدین شاه به قدری به عظمت و ابهت مقام سلطنت اهمیت می‌داد که دستمال‌های جیب خود را که طبعاً چرک می‌شد، از جیب خود خارج نمی‌کرد که مبادا متصدی شستشو آب خشک شده بینی شاه را در دستمال ببیند. زمستان‌های دستمال چرک خود را به بخاری می‌افکند و خود را از آن خلاص می‌نمود و تابستان‌ها لای علف‌های باغ و این سر و آن سر پرت می‌کرد.

شاه از جوانی مبتلا به نزف‌الدم بود و زیرشلواری او همیشه به خون آلوده می‌گشت. برای پنهان داشتن آن، پیشخدمت محرم او دستور داشت که همین که شاه در سر حمام رخت خود را می‌کند، لباس آلوده را از انظار مستور و به نفع خود، آنها را تصرف کند. به همین جهت در حساب رخت‌دارخانه همیشه دیده می‌شد که روزی یک زیرشلواری نو برای شاه تهیه شده و خود شاه هم حساب را دیده و جزئیات آن را رسیدگی و اصلاحاتی در آن به عمل آورده و نسبت به این قلم که خیلی به نظر بی‌منطق است، چیزی نگفته و گذشته است.

شاهی که این‌قدر مواظب این جزئیات باشد، البته راضی نخواهد شد که هم‌بستر و بالین او از حرمخانه خارج شود و مثلاً در نزد شوهری که بعد خواهد کرد، اسرار خلوت کردن شاه را با زن‌هایش افشا کند. بنابراین خیلی ممکن بود که شاه بعد از ملاقات اولیه، دیگر رغبتی به زنی که تازه گرفته بود نداشته باشد، ولی چون زن شاه شده بود، نباید از حرمخانه خارج گردد.

از طرف دیگر، شاه هم‌چنان که دیدیم هیچ وقت معاملهٔ ندیده نمی‌کرد. معلوم نیست چه شده بود که این بار به حرف خواجه‌سرایان که شاید حاجی ابوالحسن معمارباشی، پدر دختر، هم آنها را قبلاً خریده بود، اطمینان و معاملهٔ ندیده کرده بود. دختر هم به تجمل پرداخته، تا توانسته بود طلا و نقره و زربفت و زری و ترمه و مرواریددوزی همراه خود آورده بود. معلوم نشد که چه چیز این دختر در نظر شاه زننده آمد که به مجرد دیدار، خانم را با جهیزش به خانهٔ پدرش فرستاد. نقادی مردم از این پیشامد که شاید برای مردم عادی هم خیلی اتفاق می‌افتاد، به جهت تازگی آن بود. زیرا شاه رسم نداشت بار را جایی فرود آورد که تحمل یک بار ملاقات را هم نداشته باشد. از طرف دیگر اصرار دختر و پدرش در این ازدواج که دست به دامان رشوه به خواجه‌سرایان شده بودند و شاید از همه بیشتر موضوع کشیدن ترمه و مروارید به رخ شاه، در این تصنیف‌سازی مداخله داشته است. اشعاری که ساخته بودند دارای مضمون‌هایی به قرار ذیل بود:یل زری نداشتی؟/ تنبان مرواری نداشتی؟ / شوهر شاه می‌خواستی؟/رو رو رو ربابه / دلم واست کبابه.

که دو مصرع آخری به منزلهٔ برگردان و در هر سه چهار مصراع یک بار تکرار می‌شد. در قسمت «شرح زندگانی اسلاف من در سلطنت فتحعلی شاه» وعده کرده‌ام که در موقع از بیوتات سلطنتی هم شرحی بنگارم. در این موقع که به اندرون شاه نزدیک شده‌ایم، مناسب است وعدهٔ خود را وفا کنم.

بیوتات سلطنتی

بیوتات، جمع اندر جمع بیت، و مثل حبوبات، بذورات، امورات و فروعات، غلط مصطلحی است. در اصطلاح درباری قدیم، ادارات امور شخصی شاه را که اکثر مثل آبدارخانه و قهوه‌خانه و کشیک‌خانه و امثال آن به خانه ختم می‌شود، بیوتات سلطنتی می‌گفتند. اگرچه کار بعضی از این بیوتات مثل ضراب‌خانه و خزانه بالمره دولتی و کار پاره‌ای دیگر مانند صندوقخانه و فراش خانه نیمه دولتی و نیمه شخصی بود و با تعریفی که از آن کردیم نبایست جزء بیوتات سلطنتی باشند ولی چون در استبداد ، دولت و شاه، با هم فرقی ندارد، این ادارات هم جزء بیوتات به شمار می‌آمدند.

حرمخانه ناصرالدین شاه

محوطه‌ای که ضلع جنوبی آن دیوار پشت تالار موزه و اتاق‌های برلیان و باقی دیوار شمالی باغ گلستان و ضلع شرقی آن خیابان ناصر خسرو و ضلع شمالی آن خیابان دراندرون سابق که تا آخر در الماسیه ختم می‌شد، و ضلع غربی آن از روبه‌روی مسجد مادر شاه تا پشت خلوت کریمخانی امتداد پیدا می‌کرد، به حرمخانهٔ ناصرالدین شاه تخصیص داشت. در این محوطه، عماراتی از قدیم و جدید بود که زنهای زیاد ناصرالدین شاه در آن منزل داشتند و شاید بعضی از آنها از زمان آقا محمدخان و فتحعلی شاه به یادگار مانده بوده است. ناصرالدین شاه برای ایجاد انضباط بیشتری در حرمخانه، امر داد تمام عمارت کهنهٔ داخل این محوطه را بکوبند و در دورهٔ این مکان پرعرض و طول، حیاطهای تقریباً متحدالشکلی برای خانم‌های حرمخانه، بسازند و از تمام این حیاطها به محوطه‌ای که در وسط باقی می‌ماند، در باز کنند و در سمت جنوب این محوطهٔ دویم، نزدیک به دیوار تالار

لباس شاه اکثر قبای یخه بسته و سرداری یخه‌برگردان ترمه بود و رنگ زمردی را ترجیح می‌داد

موزه و باغ گلستان، عمارتی برای خوابگاه شاه بنا نمایند که این عمارت، مسکن شاه و حیاطهای اطراف، منزل زنهای او باشد. تاریخ اتمام این بناها سال ۱۳۰۰ و در موقعی است که شاه به سفر خراسان رفته بوده است.

عمارت خوابگاه همین است که امروز مقر وزیر دارایی و دفتر خصوصی او و دفتر رئیس کل دارایی آمریکایی است. اما حیاطهای ضلع شرقی و شمالی و غربی را تا محاذی عمارت خوابگاه، در این پنج شش سال اخیر خراب و به جای آنها عمارت وزارت دارایی را که هنوز تمام نشده و مسکون نگردیده است ساخته‌اند. فقط سمت مغرب عمارت خوابگاه، یکی دو حیاط آنها باقی مانده است که می‌توان از این یکی دو تای باقیمانده به باقی آنها پی‌برد.

هر یک از این حیاطها، در سه طرف، ساختمان داشته و طرف چهارم که حدفاصل بیرون حیاط می‌شده، به جای بنا، دیوار بلندی ساخته بودند که گذشتن از آن جز به وسیلهٔ نردبانهای سی‌چهل پله امکان نداشته باشد. در هر یک از سه طرف یک سه قسمتی زیر رو ساخته و در کنجها پله و سرسرایی بنا کرده بودند که حیاط را به طبقه دوم مربوط می‌کرد. بنابراین هر یک حیاطی هجده اتاق بزرگ و کوچک با راهرو و صندوقخانه و غیره داشت.

البته طبقهٔ زیر، مال خدمتکارها و طبقهٔ فوقانی متعلق به خانمها بوده است که مثلاً هر یک ، یک سمت از این حیاط‌ها را اشغال می‌کرده‌اند. ولی در این ضمن بعضی خانمهای مقرب یا جاافتاده که سمت ریاست به سایرین و حاشیهٔ بیشتری داشتند، نیز بوده‌اند که یک حیاط تمام یا بیشتر در تصرف آنها بوده است.

در ضلع شمالی و دو طرف جلوخان دراندرون، یکی دو حیاط یک طبقه هم بود که به عمله جات حرمخانه و خواجه‌سرایان و میرزا حسن سمیعی، مستوفی کرمان، که در آن واحد مستوفی حرمخانه، و به وزیر درب حرم هم ملقب بود و شیخ‌الحرم و از این قبیل کارکنان تخصیص داشت. فقط عمارتی که در ۱۳۰۰قمری در محوطهٔ قدیم حرمخانه از خرابی معاف شد، تالار بزرگی بود که از زمان فتحعلی شاه مانده و آن مرحوم دیوارهای آن را به مجالس شکار و عیش خود منقش کرده و از زمان وزارت عدلیهٔ مرحوم داور به بعد که بعضی از این حیاطها به دادگستری تخصیص یافت، این تالار هم محل محکمهٔ جنایی گردید و بالاخره در چهار سال قبل که می‌خواستند عمارات جدید ناتمام فعلی وزارت دارایی را بسازند، این تالار قدیمی هم، مثل حیاطهای دور محوطه، گرفتار خرابی شد و از بین رفت.

این محوطهٔ حرمخانه و خوابگاه، گذشته از دراندرون و دری که از باغ گلستان نزدیک عمارت خوابگاه برای رفت و آمد شاه از بیرون به اندرون داشت، دارای مدخل دیگری و آن زیر سردر الماسیه واقع بود. من هیچ وقت این در را باز ندیدم، همیشه از تو بسته و یک عده سرباز در اتاق و ایوانی که پهلوی آن ساخته بودند قراول بود. این سردر، در اول سلطنت پهلوی به جرم داشتن کتیبه‌ای به اسم ناصرالدین شاه که با خط طلا بر روی زمینه لاجوردی بسیار زیبا در کلهٔ ایوان آیینه‌کاری بالاخانهٔ آن نصب بود، از ریشه کنده شد و یک مدخل بسیار زشتی از آجر تراشیدهٔ قرمز، جای آن را گرفت که آن هم در نوبت خود در دو سال قبل خراب شده و در آینده باید مدخل زیبای سنگی یا سیمانی که در خور عمارت پشت آن باشد، در این نقطه بنا کنند.

شاه به این حیاطها نمی‌رفت و منزل او همان عمارت خوابگاه بود، زنهای او هم بدون احضار نزد او نمی‌رفتند. شبها عادت داشت بدن او را مالش بدهند و مشت بزنند تا خواب برود و در این موقع برای او کتاب هم می‌خواندند، نزدیک‌های اتاق خواب او مستحفظ هم بوده‌اند که با ساری اصلان، رئیس خود، تا صبح کشیک می‌داده‌اند. در مسافرتها هم این رسم ترک نمی‌شده و نزدیک سراپردهٔ شاه این کشیک برقرار بوده است. شاه هر روز صبح حمام می‌رفته و حمام مخصوص او جنب بیرونی بوده و در سر حمام گاهی رجال را می‌پذیرفته و دستوراتی به آنها می‌داده است.

لباس شاه در زمستان و بهار و پاییز اکثر قبای یخه بسته و سرداری یخه‌برگردان ترمه بوده و رنگ زمردی را بر سایر رنگها ترجیح می‌داده و در فصل سرما سرداری او آستر خز داشته که رویهٔ برگردان شنل مانند آن هم از خز بود.

گذشته از شلوار که همیشه ماهوت بوده، سرداری ماهوت هم می‌پوشیده و سرداری او دکمه‌های الماس بسیار درشت داشته است. از جواهرهای سلطنتی دریای نور را که بالای آن تاج مانندی از پرشترمرغ نصب کرده بودند، به جلوی کلاه خود که همیشه کلاه نظامی بود می‌زده و تسبیحی از مرواریدهای یک آب و اندازه از میان یک جوال بیست و چهار پنج منی مروارید انتخاب شده، و شیک‌ها و آخوندک سر آن زمرد یا یاقوت بوده، به دست می‌گرفته و همیشه چکمهٔ چرمی برقی به پا می‌کرده و از سر حمام به بیرونی، یعنی باغ گلستان، می‌آمده است.

خواجه‌ها، گذربه گذر، برای او پرده‌های جلوی درهای بین اندرون و بیرون را بالا می‌گرفتند. آخری، که پردهٔ آخری را گرفته بود، ورود اعلیحضرت را اعلام می‌کرد و جارچی باشی با صدایی که به همه جا و همه کس می‌رسید، گفتهٔ او را تکرار می‌نمود. رجالی که قبلاً احضار، یا خودشان برای شرفیابی حاضر شده بودند، نزدیکی‌های این در ایستاده، بعضی از پیشخدمت‌ها و عملهٔ خلوت هم، در صف دیگر یا لابه‌لای آنها بودند و همه تعظیم می‌کردند. اگر شاه با کسی صحبت داشت می‌خواندش. او که نزدیک می‌شد، دوره را خلوت می‌کردند و شاه را با او تنها می‌گذاشتند.

اگر قبلاً سواری خبر کرده بود، بعد از کمی صحبت با این و آن و دادن دستور، سوار می‌شد والا قدری بیشتر گردش می‌کرد و عده‌ای را که فقط برای عرض لحیه آمده بودند، با چند کلمه صحبت و تفقد راه می‌انداخت. در این ضمن‌ها بیانات آنها را که عرضی هم داشتند می‌شنید و از جوابی که می‌داد، تکلیف ماندن بیشتر یا رفتن آنها معین می‌شد. همین که قدری سرش فارغ‌تر می‌گشت، به سمت اتاقها می‌رفت. اگر کاغذخوان حضور را که اکثر یکی از نیمه رجال دربار بود احضار می‌کرد، تکلیف سایرین معلوم بود. هیچ‌کس نباید نطلبیده وارد اتاق شود، روی صندلی جلوس می‌کرد، کاغذ خوان حضور، روبه‌رو برزمین می‌نشست، دستمال کاغذش را باز می‌کرد و خلاصهٔ مطالب عریضه‌های متفرقه و گزارش وزرا را با یک نظر به صفحهٔ کاغذ به عرض رسانده، عین عریضه را تقدیم می‌داشت. شاه گاهی با دستخط خود چند کلمه در صدر عریضه جواب می‌نوشت یا جواب را تقریر می‌کرد و کاغذخوان حضور می‌نوشت و شاه ذیل آن را صحه می‌گذاشت.

گاهی اتفاق می‌افتاد که در ضمن صحه گذاری یکی دو کلمه‌ای هم به خط خود به آن می‌افزود. فرمانهای اعطای لقب یا نصب و ترفیع مستخدمین کشوری و لشکری یا برقراری و اضافه مواجب را که مقدمات آن تدارک شده و به مهر صدراعظم رسیده بود، صحه می‌گذاشت و قوت اجرا به آنها می‌داد. توقیع‌هایی که شاه در بالای عریضه می‌نوشت خیلی مختصر و موجز و صنعت انسجام را کاملاً دارا بود. گاهی در این توقیعات، کنایات بامزه‌ای هم می‌گنجاند و با ارسال مثل جواب طرف را به دو سه کلمه می‌داد.

حاجی میرزالطف‌الله روضه‌خوان‌اصفهانی، که آوازی بسیار خوب داشت و از راه حرفهٔ خود مکنتی اندوخته بود، پول خود را به تجارت به این و آن می‌داد. وقتی مقداری از سرمایهٔ او نزد تاجری جا وا کرد و تاجر ورشکست شد. قضیه را وزارت تجارت تعقیب و تاجر را تا آنجا که قواعد و قوانین اجازه می‌داد مجازات کرده بود. ولی حاجی میرزا لطف‌الله متقاعد نمی‌شد و عریضه‌پرانی می‌کرد. در ضمن سایر اقدامات، عریضه‌ای هم به شاه نوشته و احقاق حق خود را خواسته بود. شاه در بالای عریضهٔ او نوشت: «ملالطف‌الله! المفلس فی امان الله».

روزگار

۱۰ حسین شهید زاده

مأموریت در بغداد

تکریتی!



معلوم است که این پیشامد، آن هم در ابتدای کار، چه قدر به اعتبار و اهمیت سفارت ایران افزود و شخص مرا سرفراز کرد، به طوری که به جرأت می‌توانم بگویم اثر آن در تمام دوران مأموریت سه ساله‌ام در بغداد به جای ماند. از آن پس کاملاً مشهود بود که وزارت امور خارجه و مأموران عراقی روی حرف و قول سفارت حساب مخصوص باز کرده‌اند؛ دیدارها به راحتی انجام می‌شد و درها همه‌جا به روی من و همکارانم گشوده بود. خوب می‌دیدم که سفیران کشورهای دیگر برای دیدار وزیر خارجه باید چند روز منتظر تعیین وقت باشند، اما من هر وقت چنین تقاضایی داشتم، چه بسا در همان روز که عنوان کرده‌بودم، به مرحلهٔ عمل درمی‌آمد؛ تا جایی که بعضی از سفیران طراز اول، مثل سفیر شوروی وسفیر انگلستان در بغداد، یکی دو بار این مطلب را با خودم در میان گذاشتند. سفیر انگلستان سرجان گراهام، از مأموران کار کشتهٔ این کشور، کسی بود که بعدها به سمت سفیر در ایران معین شد و بعدها با لقب سر به مقام معاونت وزارت خارجه انگلستان رسید.

از اولین جلسهٔ ملاقات با صدّام حسین خاطره‌ای هم دارم و آن این است که وی ضمن گفتار، چند بار عبارت خلیج فارس به کار برد و من هر بار کلام او را قطع و گفته اش را تصحیح کردم. دو سه بار که این بگو و مگو تکرار شد، وی دفعهٔ بعد که خواست نام خلیج فارس را بر زبان بیاورد، گفته: «خلیج، آن طور که شما می‌گویید» و بدین ترتیب خواست بدون محاجّه و دوری جستن از اینکه من کلام او را قطع کنم، به گفتهٔ خود ادامه دهد.

شاید به دلیل نتایج مثبت این دیدار نخستین و کارآیی آن بود که چند روز بعد باز هم شب هنگام برای دیدار استاد احضار شدم(عراقیها صدام حسین را گاهی با عنوان استاد و گاهی السیّد در ابتدای نام یاد می‌کردند).پیش از آنکه به موضوع این ملاقات بپردازم، موضوع خنده‌آور و در عین حال ناراحت کننده‌ای دربارهٔ نحوهٔ درج خبر این دیدارها و بی‌توجهی برخی از روزنامه‌های ایران به عناوین و القاب رایج به خاطر آمد که بد نیست اشاره‌ای به آن بکنم و هشداری به دوستان روزنامه‌نگار بدهم و آن این است که به مناسبت همین دیدار، یکی از روزنامه‌های معتبر و پر تیراژ تهران با عنوان درشت در صفحهٔ اول خود نوشته بود:« سفیر ایران در بغداد با «تکریتی» ملاقات و مذاکره کرد.» همه می‌دانیم تکریت، زادگاه صدام حسین و شهری است در حدود صد و پنجاه کیلومتری شمال بغداد. اما این کلمه جزو اسم و رسم او نیست و به کار بردن آن به جای اسم، گذشته از اینکه وافی به مقصود نیست، در حقیقت برخورنده و تحقیرآمیز هم هست.

صدام در ملاقات دوم گفت‌حاضر است برای حل مشکلات موجود میان دو کشور، به ایران مسافرت و با شاه به مذاکرهٔ مستقیم بپردازد

درست مثل این است که کسی دربارهٔ نگارنده بگوید:« قمی، با حسین یا حسن ملاقات کرد.» صدها هزار، بلکه میلیونها قمی وجود دارد و سؤال این است که کدام قمی واسم و رسم او چیست؟ ناچار شدیم این نکته را به وزارت خارجه و ازآنجا به وزارت اطلاعات و مطبوعات وقت تذکر دهیم، اما نمی‌دانم فایده‌ای کرد یا نکرد.

شاید برای خوانندهٔ عادی یا مردمی که توجهی به آداب و رسوم تشریفاتی، بخصوص در سطح رجال و مقامهای مملکتی ندارند، قبول این نکته دشوار باشد که چه بسا اوقات نا به جا به کار بردن یک کلمه، زیان غیر قابل جبرانی برای یک کشور یا جامعه به بار آورده است. این کیفیت،به ویژه درمورد صدام که مردی به غایت جاه طلب و پای بند به مقام و موقعیت اجتماعی خود می‌باشد، و در شرح حال او می‌خوانیم که چند نفر از نزدیکان خویش را به خاطر محترم نشمردن نامش به دیارنیستی فرستاده است، مصداق واقعی دارد.

باری، در ملاقات دوم،عنوان کردکه حاضر است برای حل مشکلات موجود میان دو کشور، به ایران مسافرت نماید و با شاه ایران به مذاکرهٔ مستقیم دربارهٔ تمام مسائل موجود میان دو کشور بپردازد و مرا مأمور کرد که پیام او را به تهران ابلاغ نمایم. جریان این ملاقات را هم من با اظهار نظر موافق خودم (چیزی که در وزارت خارجه مرسوم نبود و آن را نوعی گستاخی به مقام سلطنت تلقی می‌کردند) به تهران گزارش کردم. اما جوابی نیامد و بعد هم که برای گرفتن جواب اصرار به خرج دادم پاسخ دادند:« به شرف عرض ملوکانه رسید، فرمودند حالا زود است.» البته ابلاغ این جواب به صدام حسین، به نحوی که از تهران رسیده بود، به مصلحت نبود. ناچار از طریق وزیر خارجهٔ عراق، جوابی کم و بیش به این مضمون به نایب رییس شورای فرماندهی انقلاب دادیم که: « به علت برنامهٔ فشردهٔ شاهنشاه، عجالتاً تعیین وقت سفر به تهران مشکل است در فرصت مناسب پاسخ داده خواهد شد.» بعدها در سفری به تهران، تلگرافی را که در این باب فرستاده‌بودم، دیدم شاه درحاشیهٔ آن و در مورد اظهار نظری که دربارهٔ پذیرفتن صدام کرده بودم، نوشته بود:« به سفیر بگویید مواظب باشد از هول حلیم در دیگ نیفتد.»

هر چند صدام حسین در آن تاریخ عملاً در جای رییس کشور قرار داشت و حکمران مطلق عراق بود، دربار ایران شاید به این دلیل که وی از نظر تشریفاتی همطراز شاه نبود، پیشنهاد او را نپذیرفت وقضیه را مسکوت گذاشت. اما درست یک سال بعد، پس از آنکه خسارتها وسوءتفاهمهای بیشتری به جمع مشکلات موجود افزوده شد، این سفر به مرحلهٔ عمل درآمد.

از آن پس میان صدام حسین و من ملاقاتهای مکرر، خواه در معیّت شخصیتها و هیئتهای ایرانی و خواه به طور خصوصی، صورت گرفت که به طور کلی همیشه مقرون به موفقیت بود هر بار جنبهٔ دوستانه‌تر و خودمانی‌تری به‌خود می‌گرفت تا حدی که در طی دیدارهای بعدی گاهی سخن از لباس پوشیدن وشکار و روابط خانوادگی پیش می‌آمد. مترجم ما در مذاکرات،یکی از کارمندان سفارت بود که آشنایی کامل به زبان عربی داشت و صدام بیش از یک بار ضمن صحبت از اینکه نمی‌تواند به طور مستقیم با من مکالمه‌ای داشته‌باشد اظهار تأسف نمود.

صدام حسین به شیک‌پوشی پای بند بود؛ من هیچ‌وقت یک لباس را دوبار به تن او ندیدم و اولین بار که از دوخت لباس او تعریف کردم،به طور محسوسی خوشحال شد.

عکس‌ها سخن می‌گویند / ۲۱



عکس:مهر

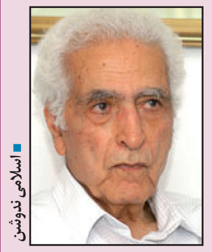
خدابیامرز پدرم می‌گفت: تا زنده‌ای نمی‌فهمی! فکر کردم وقتی عصبانی‌اش می‌کنم، بااین حرف خودش را خالی می‌کند. وقتی معنای حرفش را فهمیدم که زنده نبود. روزی که پدرم سرش را گذاشت زمین، حس کردم زیر پایم خالی است. حس می‌کردم ریشه ندارم. فکر می‌کردم گام‌هایم در زمین فرو می‌رود و به هرجا تکیه می‌کنم، سست است. اولین بار بود که معنای مرگ را می‌فهمیدم. یک جورهایی خودم را مرده می‌دیدم. حالا سال‌ها از آن روزگار گذشته است. روزگار سر و کارم را با دریا انداخته است و ساحل و کشتی و موج. یک روز، پیش خودم فکر کردم من واقعاً می‌دانم دریا چیست؟ می‌دانم زندگی چیست؟ می‌دانم کشتی چیست؟ خیلی فکر کردم. دیدم، نه! چرا دروغ بگویم؟ چرا خودم را فریب بدهم؟ نمی‌دانم. گیج شدم. از کشتی زدم بیرون! بی‌اختیار فاصله گرفتم از خودم، از دریا، از کشتی... از دور نگاه کردم، از دریچه، از یک قاب ... تازه فهمیدم که برای درک زندگی باید از زندگی بیایم بیرون. باید از بیرون نگاه کنم، از دور، از یک روزنه و دریچه دیگر. باورتان می‌شود. تا قبل از این که از دریچه آن کشتی متروک و فرورفته در گل و لای ساحل به کشتی خودمان نگاه کنم، اصلاً نمی‌دانستم کشتی چیست و چقدر ناپایدار و حقیر است؟ باور می‌کنید که تا قبل از آن نمی‌دانستم که کشتی می‌تواند نباشد؟ در دریا بمیرد؟ ... نمی‌دانم پدرم چطور فهمیده بود که زندگی را تا از قاب مرگ نگاه نکنیم، نمی‌فهمیم. بگذریم.

هزاران سال انسان

گفتگو با دکتر اسلامی ندوشن/۷

شعر نو

ادامه از صفحه اول


اسلامی ندوشن

به اعتقاد نیما: اقتضای دوران جدید این بود که بیان تازه‌ای برای شعر پیدا شود که جوابگوی زندگی نو باشد. البتّه قبل از کار نیما در ایران، زمزمه‌هایی از این نوآوری در قفقاز و حتّی ترکیّه به وجود آمده بود، ولی آنها را نمی‌توان نو به معنای درهم ریختگی شعر کهن گذارد و بنای سبک تازه به شمار آورد. در مجموع گرایشی به وجود آمده بود که شعر را از قید گذشته بیرون می‌آورد.

*** این کار را در ایران، نیما یوشیج انجام داد.**

بلی، و به حق هم لقب «پدر شعر نو» به او داده‌اند، برای اینکه این جسارت را به خرج داد که بتواند چارچوب‌ها را درهم بشکند، در حالی که قبل از آن قواعد شعر قدیم مقدّس شناخته می‌شد. نیما جرأت به خرج داد و بر سر این موضوع، عمر خود را در ناکامی گذراند، برای اینکه تقریباً همه ادبای زمان با این کار مخالف بودند. عامّه مردم هم توجّهی به آن نداشتند.

جوان‌ها هم که می‌توانستند پشتیبانی شعر نو باشند – چنانچه در دوران بعد این اتّفاق افتاد – و می‌توان گفت که امروز مشتری اصلی شعر نو آنها هستند، در آن زمان هنوز به آن توجّه نشان نمی‌دادند. بنابراین، نیما قضیّه را به تنهایی دنبال کرد و پای آن ایستاد. حالا اینکه ارزش شعر نیما تا چه حدّ است، بحثی است که باید در جای دیگری پیش آورده شود و ما الآن وارد آن نمی‌شویم، ولی از این تهوّری که وی به خرج داد و سنّت‌شکنی کرد و شعر را وارد مرحله تازه‌ای نمود، باید قدر او را شناخت. او با قبول محرومیّت کار خود را ادامه داد و تنها بعد از مرگش بود که جای نمایانی برای خودش باز کرد.

*** گویا زمانی که نیما به گونه‌ای غریب از دنیا رفت، شما هم چیزی را به قلم‌آوردید.**

بله، وقتی نیما مرد، جز دو سه مطلب چیزی درباره او نوشته نشد که از جمله مطلب کوتاهی را من در مجلّه «یغما» انتشار دادم. مرگ نیما تقریباً غریب‌وار بود. مدّتی بعد بود که نیما نه تنها لقب «پدر شعر نو» گرفت، بلکه مورد ستایش واقع شد و دیگران به تعداد زیاد از او پیروی کردند.

*** شما اشاره کردید که دو مبنا را برای شعر نو می‌توان در نظر گرفت و یک مبنا را بیان کردید. مبنای دومی که می‌توان ذکر کرد، چیست؟**

مبنای دومی که برای شعر نو می‌توان در نظر گرفت، نبود آزادی در کشور است. بعد از کوتای ۲۸ مرداد، نوعی سرخوردگی در مردم و بخصوص در جوان‌ها پیدا شد که باعث گشت تا آنها به دنبال یک زبان کنایه‌دار بگردند، زبانی که بیانش آسان باشد و به قافیه و وزن و قواعد شعری کلاسیک نیاز نداشته باشد. این سرخوردگی، جوان‌ها را به این طرف کشاند که سبک جدید شعر را دنبال کنند.

این اتّفاق افتاد، بخصوص به این علّت که آسان بود و هر کسی می‌توانست بی‌قید قواعد کهن، به دلخواه خود عبارتی در کنار هم بگذارد. عذر خواهش نو بودن بود. و البتّه در این حالت، قبول خاطر آن در گرو ارزش آن بود.

موضوع این بود که جوان‌ها برای گفتن درددل‌هایی داشتند. به همین منظور به شعر نو روی آوردند و در کنایه‌های شعر نو و پوشش‌های آنچنانی، (چون فضای کشور اجازه نمی‌داد که عریان حرف زده شود)، نهضتی به وجود آوردند که در واقع دنباله کار نیما بود. البتّه نوع‌های دیگری هم با عناوین شعر سپید و آزاد و غیره... نضج پیدا کرد.

در واقع، بعد از سرخوردگی ۲۸ مرداد مشتری شعر نوجوان‌ها قرار گرفتند. در میان مسنّ‌ترها، تصوّر می‌کنم در آن زمان به ندرت می‌شد کسانی را یافت‌که خواننده شعر نو باشند و از آن لذّتی ببرند. شعر نو بیشتر زبان جوان‌هاست، هم برای اینکه شعر بگویند و هم برای اینکه بخوانند و خواننده آن باشند. آماری گرفته نشده است، ولی در عرض این این چند دهه‌ای که از کودتای ۲۸ مرداد می‌گذرد، سال به سال بر تعداد نوسرایان افزوده شده است.

در مجموع باید گفت که شعر نو در ایران، از این دو مبنا بهره‌مند بوده است واین دو مبنا موجباتی را فراهم آورد که شعر نو در ایران رشد کند. البتّه در کشورهای دیگر هم این حالت بوده است. در ترکیّه هم چنین وضعی پیش آمد. در ادبیّات عرب هم هم‌چنین. در چین هم تعداد زیادی از جوان‌های چینی وارد شعر نو شدند. یادم هست که در چین به من گفتند: تعداد گوینده شعر نو در چین بیشتر از خواننده‌آن است!

*** طبق تحلیلی که ارائه می‌دهید، آیا می‌توان شعر نو را ادامه شعر فارسی در تاریخ ادبیّات ایران به شمار آورد؟**

زمینه برای این که شعر نو بتواند تا این حدّ جلو بیاید، مسلّماً آماده بوده است. اصولاً ما ملّتی شعرپرور هستیم؛ چه شعر خوب، چه شعر بد. جریان فکر ما به طرف شاعرانه بودن حرکت می‌کند. چیزی که احساس می‌شود این است که شعر نو جوابگوی مقداری از خواست‌های جوانان است، یعنی طالب نو بودن در همه شئون. به همین جهت هم هست که مورد توجّه آنان قرار گرفته است. در عین حال‌ما به نوگرائی و اقتباس از فرنگی‌ها هم علاقه داریم.

*** در نهایت می‌توان دیدگاه شما را چنین جمع‌بندی کرد که اسلامی ندوشن، اصل شعر نو را قبول می‌کند و تا حدودی ضروری هم می‌داند.**

حرفی که من می‌زنم، این است که: پشت شعر نو ضرورت زمانی وجود دارد؛ یعنی پرهیز از ملالتی که از تکرار مکرّرات شعر سنّتی ایجاد شده بود و تقاضایی که برای نو شدن در همه شئون وجود داشت.

نمای نزدیک

۷ ایرج آدیگوزلی

نوشتن با خود کاربیک؛ خاطرات علی‌اکبر رفوگران

در بازار تهران


علی اکبر رفوگران

در ایام قحطی، پدر به اتفاق رفقایش تنوری در انتهای بـاغ منزل تعبیه کرده بود که در آن شـب‌ها نان می‌پختند و با اتومبیل به محله‌های فقیرنشین می‌بردند و بین آنها تقسـیم می‌کردند. (البته کار بی‌خطری هم نبـود، چه از نظر هجوم گرسنگان و چه از جهت واگیری مرض تیفوس.) سهم ما بچه‌های منزل از این نان روزی یک عدد بود و بیش از آن را پدر گناه می‌دانست.

برای چایی هم سهمیه اهل منزل یک حبه قند بود که پدر از کمدی که کلیدش را در اختیار داشت بیرون می‌آورد. اگرچه آن سختگیری به خاطر قحطی و کمبود آذوقه عمومی بود، لیکن به طورکلی اسـراف در مصرف، عادت عمومی نبود و مردم در هر طبقه که بودند از اسراف پرهیز داشتند. در زمان جنگ و تا مدتی بعد از آن ایران آشفته و درهم ریخته بود.

حضور سـربازان هندی و روسـی و امریکایی و حرکات خلافی که هر از چندی انجام می‌دادند چهره نامأنوس و نامطلوبی به کشور ما داده بود که البته ما بچه‌ها چیزی از آنچه می‌گذشت درک نمی‌کردیم. تنها عبور سربازان متفقین از خیابان‌ها برای ما سرگرمی و تفریح بود به‌خصوص وقتی سربازان امریکایی عبور می‌کردند سـخاوتمندانه برای بچه‌ها آدامس و شکلات و برای بزرگترها سیگار پرتاب می‌کردند و من نمی‌دانم چرا همه آنها را «جانی» صدا می‌زدند که شاید مخفف یک اسم امریکایی باشد.

به یاد دارم در زمان جنگ ویتنام به یک دوست زمان بچگی که در جانی گفتن، هم صدا و در شکلات گرفتن، مشترک بودیم برخورد کردم. گفتم رفیق یادت هسـت که سـربازان امریکایی را جانـی خطاب می‌کردیم گفـت آری. گفتم حالا باید بگوییم جانی بالفطره. ببین چه آدمکشی در ویتنام می‌کنند. خندید و گفت: «آری درست است این یانکی‌ها روی جلّادان جابر تاریخ را سفید کرده‌اند».

سخاوتمندانه برای بچه‌ها آدامس و شکلات و برای بزرگترها سیگار پرتاب می‌کردند و نمی‌دانم چرا همه آنها را «جانی» صدا می‌زدند

در محیـط بـازار تهـران آدم‌هایـی کاسـبی می‌کردند که بسـیار از نظـر سـلیقه، رفتار و اعتقادات، متفاوت و حتی متضاد بودند. مـن از همان ابتدای ورودم به این محیط شگفت‌انگیز، در احوالات آنها غور می‌کردم و شب‌ها برداشت‌های خود را در دفترم یادداشت می‌نمودم. تکرار آنها در این نوشته‌ها وقت‌کشی و بدون فایده است، لیکن چند نمونه از آنها را برایت می‌نویسم تـا بـه محیطی که جدت ابتدای جوانـی را در آن گذرانده کمی آشنا شوی.

در بـازار بین‌الحرمیـن مردی بود به نـام حاجی حبیب‌الله کاغذفروش که متدین واقعی بود و کسـوت دین، دسـت‌افزار کسـبش قرار نداشـت. او صبح که دکانش را باز می‌کرد در حد به دسـت آوردن مخارج آن روز می‌مانـد و چون به اندازه لازم کسـب می‌شد، دکان را می‌بسـت و به مسجد و از آنجا به خانه می‌رفت؛ تا فردا ـ که عمل روز پیش تکرار شود. در عوض، مردی هم بـود که صبح زودتر از همـه در حجره خود حاضر می‌شـد و دیرتر از همه همکاران، کار را تعطیل می‌کرد. روزهای تعطیل را نمی‌شناخت و جز تاسـوعا و عاشورا و سه روز اول سال نو بقیه ایام، کمـاکان فعال بود. هـر دو هم آدمهای قابل احترام و خوبی بودند.

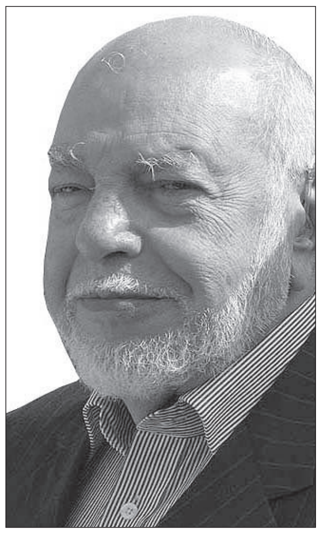
آقای دیگـری که حوله‌فروشـی می‌کرد، به اطرافیـان بدبین بود، به طوری که حجره‌اش را شـخصاً باز می‌کرد و می‌بسـت و آن را هرگز بـه شـاگردش ـ حتی بـرای یـک سـاعت ـ واگذار نمی‌کرد. ظهرها برای خوردن غذا و اداء فریضـه نماز و غیره دکان را تعطیل می‌کرد. بیچاره شـاگردش باید پشـت دکان می‌ماند تا او برگردد. بعدازظهرهای تابستان که نیاز به خوابیدن داشت یک نخ را می‌بست به پای شاگرد و بـه او می‌گفت کـه از روی چهارپایه خود نباید حرکت کند و یک سر نخ را هم می‌بست به پای خودش که در بالاخانهٔ دکان می‌خوابید که اگر شاگرد حرکتی می‌کرد بیدار شود. آن شاگرد، حق فروش جنس را نداشـت و باید همچنان روی چهارپایه بماند تا او از خواب بیدار شود.

تحقیق

۳ احمد مهدوی دامغانی

فی‌الجمله وضع عدلیه و محاکم آن در سال‌های ۱۲۷۵ تا ۱۲۸۷ بر همین منوال بود و در این فاصله چندین نفر متصدی وزارت عدلیـه به مدت‌های کوتـاه یا بلند گردیدند ولی جزء آنچه مذکور شـد اقدام یا اصلاح عمده‌ای در وضع قضاوت و محاکم آن ظاهر نگشت.

محاکم قضایی در زمان قاجاریه


دکتر مهدوی دامغانی

در سال ۱۲۸۷ شاه، مرحوم حاج میرزا حسین خان مشـیرالدوله (سپهسالار اعظم بعـدی) را بـه وزارت عدلیه منصوب کرد. مشیرالدوله به گفته «ناظم‌الاسلام کرمانی»: «قوانین جدید در آن وزارتخانه برقرار داشت و سـبک «آلافرنگی» را در ایران او مؤسس بود، خیلی میل داشـت در اداره او ناسـخ و منسـوخ صادر نشـود و همیشه پیرو قانون بود» از جمله اقدامات اصلاحی مشیرالدوله (سپهسـالار) که خصوصاً در جهت محدود کـردن اختیارات حکام ولایت و جلوگیری آنان از اجرای احکام سخت و مجازات اعدام توسط آنان، صورت گرفته است آن است که ناصرالدین‌شاه را به صدور دستخطی خطاب به ولی‌عهد خود (مظفرالدین میرزا) واداشته اسـت که در آن شاه می‌گوید: «... از آنجا که مباشرین ایالت و حکومت در اجرای حدود به مکافات و مجازات بی‌اندازه می‌پرداختند و ... خواسـتیم کلیه این رسوم مرتفع شده، اختیار مجازات هر یک از مقصرین عباد در هر بلـدی از بلاد فقط با ذات کامل‌الصفات اقدس همایون سلطانی متعلق باشد، لهذا از هذه السـنه و ما بعدها معدلت ملوکانه چنان اقتضا فرموده که... نفس ایالت و حکومت قبـل از ثبوت و وضـوح قطعیه ابداً مجاز و مأذون در سیاسـت و قصاص نباشـند و از ایـن تاریخ هر مجرمی که به دسـت افتاد و هـر مقصری که در ولایت بهم رسـید فوراً محبوس نموده به جزء حبس حکم دیگر به هیچ وجه نکنند و مراتب را با امارت و اسباب ایضاح و اثبات توسط جناب ... مشیرالدوله که وزارت عدلیه اعظم ... به عهده او مرجوع است: به خاکپای مبارک معلوم دارند تا آنچه در حضور همایونی قرن اثبات افتاد و حکم مجـازات از مصدر خلافت شـرف صدور یافت جناب معزی‌الیه مدلول حکم همایون را انهاء نموده از آن قرار اجراء دارند...»

در دوره وزارت عدلیـه میـرزا حسـین خـان مشـیرالدوله و پس از آن چـه در زمان صدارت و سپهسالاریش و چه در دوران پس از مرگ او، در طهران شـش شـعبه (محکمه) یا (مجلس قضا) وجود داشـته است، در وقتی که مشیرالدوله وزیر عدلیه بوده است ریاست شـعبه اول آن محاکم را خود او عهده‌دار بوده اسـت و اداره شعبه دوم که مخصوص دعاوی ملکـی و رسـیدگی به امور مدنـی (حقوقی) بوده اسـت بـه عهده «جنـاب میرزا شـفیع صـدر دیوانخانه و مسـتوفی دیـوان اعلی» و شـعبه سـوم و چهارم و پنجم که مخصوص تحقیـق و دعاوی نقـود (=مطالبات) بوده به ترتیب به عهده میرزا کاظم‌خان امین‌العداله» و «حاج محمدخان اعتمادالملک» و «حاج‌میرزا حسـینخان گرانمایـه» مفوض بوده اسـت و شعبه ششم که هم به امور جنائی و هم به امور تجارت رسـیدگی می‌کرده به ریاست «حاج میـرزا علی رئیس» دائر بوده اسـت. مجالس (محاکـم) دیگری که در حکم ادارات تحقیق و بازپرسی (شبیه دادسرای امروزه) بوده است نیز در جزو تشـکیلات محاکم مذکور شده و «مجلسی» هم برای اجرای احکام صادره معین بوده اسـت. هر یـک از «مجالس» به اختلاف از چهار تا یازده نفر مستشـار داشـته اسـت. اسلامی صدور (رؤسا) این مجالس و اعضای آن و نیـز نام «منشـیان» و «ثبات‌ها» (=بایگان) و «عـزب دفتران» =(مأمورین حسـابداری و وصول هزینه محاکمات) در مطلع‌الشـمس و المآثر و الآثار و مرآت البلدان، آمده است. از نظر اجرای احکام نیز عدلیه مجموعاً یکصد و دو نفـر «مأمـور» و «غـلام» و «فراش» در اختیار داشـته است و علاوه بر این «فراشان و کدخدایان محلی نیز وظیفه‌دار اجرای اسـناد بودند».

وقتی که مشیرالدوله وزیر عدلیه بود، ریاست شعبه اول آن محاکم را خود او عهده‌دار بود

از آنجـا که وزارت و صدارت حاج‌میرزا حسینخان مشیرالدوله (سپهسالار) و اقدامات اصلاحی او مطلوب درباریان متنفذ و روحانیان متعصب نبود، این دو طبقه ناصرالدین‌شـاه را بـه عزل سپهسـالار وادار کردنـد و اقدامات اصلاحـی او، در همـه زمینه‌هـا و خصوصاً «عدلیه» ادامه نیافت.

و وزرای عدلیـه پس از او نیز اثر نمایانی از دوران وزارت خـود بـر جـای نگذاردند، ولی دو اقدام دیگری که در این سـال‌ها به نام ناصرالدین‌شـاه ثبت شده است، اگر به القاء و پیشـنهاد سپهسـالار نبوده باشد بر اثر همت و ابتکار وزرای پس از او است. این دو اقدام مهم یکی مسـأله رسـمیت دادن به «مرور زمان» و دیگری «منع از تملک مبیع به شرط خیار فسخ» اسـت که در دوران مشروطیت این دو مسأله در قوانین آیین دادرسـی مدنی و ثبت اسناد و املاک ضمن موادی چند، با شـرح و تفصیل بسیار به تصویب مجلس شورا رسید.

اجـرای این دو موضـوع در عدلیه در دوران آخـر قاجاریـه طبعـاً در احقاق حق مسـتحقان تأثیر بسـزائی داشـت گو اینکه گرچه اجرای اصل مرور زمان و منع استماع دعاوی که بیست سال از وقوع آن می‌گذشت اندکی از مراجعات و مرافعات کاسـت، ولی در عـوض رسـیدگی به مسـائل و دعاوی ناشیه از «بیع شرط‌های لازم شده» مرافعات تازه‌ای برای عدلیه ایجاد کرد. زیرا بسـیاری از «رباخـواران» حرفـه‌ای بـه محض آنکه مدت بدهی بدهکار منقضی می‌شد درصدد «تملک مبیع» برمی‌آمدند و بدهکاران هم به اتکاء دسـتورالعمل «شـاه» یا «عدلیه» برای حفظ حقـوق خود مقاومـت می‌کرده و به عدلیه تظلم می‌نمودند.

■

آخریـن مطلبـی که مربوط بـه دوران ناصرالدین شاه اسـت و نباید ناگفته بماند، موضوع آئین‌نامه و آن چنانکه در همان دوران نامیده شده است: «کتابچه اول قانونی» است کـه: رئیس کل اداره جلیلـهٔ نظمیه و امنیه و تنظیفـات بلدیـه «آنتونیو کنـت دومونیت فورت» نوشته و بندگان اعلی‌حضرت قوی شوکت شاهنشاهی روحنافداه قبول و امضاء فرموده‌اند به تاریخ شهر شوال سنهٔ ۱۲۹۶» و شاید برای اولین بار است که لفظ «قانون» در آن دوره بر چنین تکالیف و بر آثار ناشـیه از تخلف از آن تکالیف، اطلاق شده است.

با اجرای این «قانون» به موازات «عدلیه» بنیاد دیگری هم برای رسیدگی به جنحه‌ها و جرائم و جنایات و صدور حکم مجازات آن به وجود آمد، «جزء در مورد قتل که چنانچه شـریعت مطهره اسـلام حکم فرموده است بلاخلاف و بلااسـتثناء محاکمه می‌شـود و در قتل عمد و شـبه عمد و قتل خطا، احکام شـارع مقدس مطاع و حتمی‌الاجرا خواهد بود» (ماده ۲)

در این قانون که مشـتمل بر یک مقدمه مختصر و پنجاه و هشت فصل (=ماده) است بسیاری از «خلاف»ها و «جنحه»ها و «جرائم» و «جنایات» مجملاً و مختصراً تعریف شده و برای هر مورد مجازاتی معین گشته است، حداقـل این مجازات‌ها بـرای امور خلافی (مانـند آن که فی‌المثل کسـی بدون اطلاع پلیس به سـفر خارجه برود) بیست و چهار سـاعت حبس (ماده ٤٩) و در مورد جریمه نقـدی حداقل یک قران (مـاده ٤٢ و ٤٣) و حداکثر مجازات‌ها بیست و پنج‌سال حبس که «در مدت حبس دست‌های او با دست بند آهن بسـته و قفل شده و کلید آن در خدمت پادشاه یا رئیس پلیس خواهد بود» (ماده ۳: در مورد جعل خط و امضای پادشاه و ماده ٤: در مورد قلب زنی و سکه‌سـازی جعلی داخلی و خارجـی) و حبس ابد (در مورد معاونت در قتل: ماده ٦) معین شـده اسـت. اصول برخـی از قوانین که در دوره مشـروطیت تـا زمان حاضر با طـول و تفصیل خاص به تصویب رسـیده اسـت مانند قوانین: ـ آئین دادرسـی کیفری (جزا) ـ شهرداری ـ اطاق اصنـاف ـ کار ـ آمـار و ثبت احوال ـ ازدواج و طـلاق ـ گذرنامه ـ جرائـم رانندگی!!، به نحو اختصار در همین ۵۸ ماده گنجانیده شده است (برای موضوعات فوق از شش تا یک مـاده اختصاص داده اسـت) چون از طرفی مجازات‌هایی که در این «کتابچه قانونی» برای مجرمین و متخلفین تعیین شده است نه تنها با مقررات شرعی مورد عمل در محاکم شرع و عرف مطابقت ندارد بلکه در بعضی موارد با آن آشکارا مخالف است (مثلاً مجازات زنای محصنـه در مـاده ۱۵ آن)، و از طرف دیگر خشـونت مأموران پلیس و قساوت آنان در اجـرای وظایـف ادعائی خـود، موجبات نارضایتـی مردم را عموماً و علمای روحانی خصوصاً فراهم آورده بود، ناصرالدّین شـاه «کنـت» را برکنار کرد و عمل به مقرّرات این «کتابچهٔ قانونی» دوامی نیافت.

یکی از آثار خـوب این «قانون» ایجاد یـک نوع «دادسـرای» مقدّماتی در «نظمیّه» بـود که افراد فی‌الجمله با سـواد و حرفه‌ای متصدّی بازجوئی از متّهمان شدند (صورت مجلـس بازجوئـی از میرزا رضـا کرمانی قاتـل ناصرالدّین شـاه و بازجوئی از فرزند و همسـر و دوسـتان او، که توسـط میرزا ابوتـراب نظم‌الدّوله، رئیـس بعدی نظمیّه و یکی دیگراز همـکاران او صورت گرفته اسـت موجود و در شماره‌های نهم و دهم و یازدهم روزنامه صوراسرافیل در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است.

مشیرالدوله



میـرزا حسـین قزوینی ملقب به مشـیرالدوله، و بعـد ملقب به سپهسـالار، به مدت ۲ سـال صدراعظم ناصرالدین شاه قاجار بود. او فرزند میرزا نبی قزوینی بود. پس از تحصیلات مقدماتی و مدتی تحصیل در دارالفنون، به ماموریت‌های خارجی رفت. به زبان‌های فرانسـوی و انگلیسـی تسلط داشت. او در دوران صدراعظمی امیرکبیر نزدیک به سه سال کارپرداز ایران در بمبیی بود و مدتی پس از مراجعت از هندوسـتان، کنسـول ایران در تفلیس شد. در سالهای آخر صدارت میرزا آقاخان نوری وزیر مختار ایران در استانبول شد. او ۱۰ سال وزیر مختار ایران در استانبول بود و پس از آن هم با رتبه سفیرکبیری دو سال دیگر در استانبول ماند.

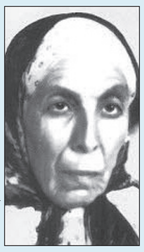
مشـیرالدوله در یک دوره ۲۰ سـاله در خارج از ایران به سـر برد. در دوره ۱۲ ساله اقامت خود در استانبول جنبشهای قانون‌خواهی و مشروطه‌طلبی اروپا را که در عثمانی بازتاب گسترده‌ای داشت از نزدیک مشاهده کرد و با تکاپوی روشنفکران عثمانی برای دستیابی به قانون اساسی و بنای مجلس قانونگذاری آشنا شد. او ترتیب سفر ناصرالدین شاه به عتبات عالیات را با هماهنگی با عثمانی داد و با جلب اعتماد او فعالیت برای ایجاد اصلاحات در امور مملکتی را آغاز کرد. شاه در پایان سفر به عتبات، او را با خود به تهران آورد و او را به «وزارت عدلیه و اوقاف و وظایف» گمارد. مدتی بعد با فرمان ناصرالدین شاه به مقام صدراعظمی رسید و کوشش‌های اصلاحی خود را ادامه داد. او بسیار کوشید تا کشور و دولت را به پیشرفت برساند. او کارش را با برپایی نُه وزارتخانه آغاز کرد.

تاریخ

۹ دکتر منصوره اتحادیه

نجم‌السلطنه و فرزندانش

دلگرمی به پسر


نجم‌السلطنه

در ذیقعـده ۱۳۲۷ ق، مـادر دلسـوز و پشـتیبان عزت‌السلطنه در سـفر عتبـات فوت کـرد. عیـن السـلطنه می‌نویسد: «ام‌الخاقان در قصر شیرین وفات کرد و به جای خودش نعش را عتبات بردند. شاه که نبود. عیال فرمانفرما هم ناخوش اسـت. فقط یک روز در خانه سپهبد بـرادرش، پسـر عزت‌الدولـه مرحوم ختم گذاشتند و سپهدار و حاجی علی قلیخان رفته جمع کردند».

فرمانفرما پس از تبعید محمد علی شـاه بـرادر زنش، زنان جوان دیگری اختیار کرد و صاحب پسـران و دختران بیشتری شد. عزت السـلطنه از زندگی او کنار زده شـد که البته ارتباطـی با طـلاق نصرت‌الدوله نداشـت. فرمانفرمـا تـا آخر عمر احترام او را داشـت، امـا با او زندگی نکـرد. ازدواج‌های مکرر در خانواده‌های اعیان اتفاق می‌افتد و زنان با این رویداد بیگانه نبودند، ولی مانع از این نبود که زندگی‌شان تلخ نگردد و غمگین نشوند.

در کنـار تمامـی تشـنجات و اتفاقات غیره منتظره ایام مشـروطه، زندگانی عده‌ای از رجال بدون تغییرات چشـمگیر همچنان بـه روال گذشـته ادامـه می‌یافـت، چنانچه ملیجـک در طول این مـدت وقت خود را به دیدو بازدید، حضور در دربار، سواری، بازی جدیـد «بـاکارا» و شـکار می گذراند و فقط گاهـی اشـاره‌ای به وقایـع دارد. در حالی که افتتاح مجلس همراه با تشنجات، تظاهرات و تجمع روزافزون اعضای انجمن‌های انقلابی در میدان بهارستان بود.

مجلـس از یـک سـو بـا تنـدروی و تقاضاهای انقلابیون روبرو بود و از یک سوی دیگر با دشـمن‌های مخالفین مشروطه که به دور محمدعلی‌شـاه جمع شده بودند و او را تحریک می‌کردند. روس‌ها نیز آتش مخالفان را باد می‌زدند. ترور امین‌السلطان در ۲۲ رجب ۱۳۲۵ ق اتفاق افتاد، تقریباً ٤ ماه پس از آنکه او به ایران باز می‌گردد و بر خلاف مخالفت‌های، شاه اورا به سمت رئیس الوزرا مأمور می‌کند، این ترور واقعه‌ای تکان دهنده، بنظر می‌آمد و نشانه ناامنی و گسترش هرج و مرج در جامعه بود، ولی وقایع جاری درتهران از جمله بسـتن بازار، تظاهرات جلوی بهارسـتان و اعتصابات، برای مردم نگران‌کننده و مخل آرامش بود. درماه ذیقعـده هواداران محمدعلی شـاه و عده‌ای از مخالفین انقلاب در میدان توپخانه جمع شدند و مجلس را تهدید کردند، به همین سبب به مدت چند روز رفت و آمد در آن حوالی دچار وقفه و تشنج شد. مغیث‌السلطنه وضع تهران را در اوایل سـال ۱۳۲٦ چنین توصیف کرد: «وضع شـهر چنـدان تعریف ندارد تمام مردم متزلزل دو روز یک مرتبه یا نزاع مابین جهال و الواط یا به اشکال دیگر، یکی دونفر کشته می‌شوند». درجای دیگر نوشت: «وضع تهران عجالتاً مغشوش و درهم، احدی اطمینان ندارد که شـب درخانهٔ خودش راحت باشـد درتهران آدم کشتن با پشه کشتن یکی. واقعاً امروز از برای شـاه و گدا توقف در تهران مشکل شده است».

محمد علی شاه مورد تنفر فعالان سیاسی بود. مشـروطه خواهـان و به خصوص چپ گرایان تندرو نسبت به او مشکوک و بی‌اعتماد بودند. محمد علی شاه نیز از قانون اساسی که قدرت مطلقهٔ او را محدود می‌کرد، دل‌خوشی نداشـت. درعین حال اطرافیان وروس‌ها نیز شاه را علیه مجلس تحریک می‌کردند. بنابراین در واقع آشتی بین این دو امکان ناپذیر بود.

نجم‌السلطنه در این زمان به حضور پسر بزرگـش دلگرمی داشـت. محمد مصدق در این وقت ۲٤ سال داشت و به علت گرایشات شـخصی، تحصیـلات و حـس ملی گرایی خـود جـزء مشـروطه خواهان بـود. علاقهٔ او بـه دموکراسـی که در طـول عمرش ادامه یافت عمیق و ریشـه‌دار بود. باید تصور کرد که موفقیت‌های مشـروطه‌خواهان، تاسیس مجلس شـورای ملی و تدوین قانون اساسی شور و اشتیاقی دراو ایجاد کرد.

کتاب

محمد صادقی



نگاهی به کتاب

در جهان گفتگو

نوشته: هادی خانیکی

تعریف ما از گفتگو چیست؟ آیا هر مکالمه‌ای را می‌توان گفتگو نامید؟ تفاوت میان گفت‌وگو، گپ زدن، جر و بحث و... چیست؟ گفت‌وگو، مکالمه‌ای هدفمند است که برای حل مشکلی نظری یا عملی انجام می‌گیرد، گفت‌وگو، کوششی برای دست‌یابی به حقیقت و گامی در مسیر شناخت دیگری است. شرکت‌کنندگان در گفت‌وگو، از آن رو که خود را و باورهای خود را به هر شکل و به هر روش ثابت کنند، وارد گفتگو نمی‌شوند. به تعبیر سقراط، گفتگو نتیجه توجه انسان به این موضوع است که همه حقیقت نزد او نیست. یعنی گفتگو راهی است برای خروج از نادانی، پس می‌توان نتیجه گرفت، کسانی که خود را حقیقت مطلق نمی‌انگارند و وجود آگاهی نزد دیگران را انکار نمی‌کنند و در جستجوی دانایی و حقیقت هستند، از توانایی شرکت در گفتگو برخوردار خواهند بود. پرسش دیگر این است که تفاوت گفتگو با گپ زدن و جر و بحث چیست؟ گپ زدن، مکالمه هدفمندی نیست. مکالمه‌ای بدون هدف و بدون دقت است در حالی که ویژگی مهم گفت‌وگو، هدفمند بودن آن است. جر و بحث هم، مکالمه‌ای است که برای اثبات خود در برابر دیگری و از راه حمله به دیگری انجام می‌پذیرد. پس این دو شکل از مکالمه تفاوت‌های آشکار و بارزی با گفتگو دارند.

در «گفت‌وگو» فهم سخن «دیگری» است که اهمیت دارد، فهم و نقد سخن دیگری و نه حمله به دیگری و این نکته بسیار جای اندیشیدن دارد. شرکت‌کنندگان در گفتگو پس از فهم سخن یکدیگر، به نقد سخن یکدیگر می‌پردازند، به این ترتیب سخنی که نقد می‌شود یا باید روشن‌تر بیان شود یا اینکه با دلیل قوی‌تر و محکم‌تری گفته شود. استدلالی‌تر سخن گفتن و تقویت دلیل برای سخن و ادعای هر یک از شرکت‌کنندگان در گفت‌وگو، به فهم و نقد دقیق‌تر و عمیق‌تر از آن سخن یا ادعا می‌انجامد و به این ترتیب مسیر مکالمه به سوی حل مشکل یا مسأله پیش می‌رود.

ژان برن در کتاب خود (سقراط) و در فصلی با نام مکالمه و با اشاره به سخن کی یر کگارد، که می‌گوید، سقراط، همواره به همان اندازه درد آشنای خویشتن است که همدرد با دیگران است، می‌افزاید: «صفا و سادگی سقراط را در نحوه گفت و گوهای او با همشهریانش باز می‌یابیم. سقراط هیچ شباهتی به آن مدیر مدرسه ندارد که به شاگردانش درس می‌دهد و در ازای آن مزد می‌گیرد، مدرسه سقراط میدان آگوراست که در آن، به میان بازاریان، عامه ناس، اعیان و اشراف در گشت و گذار است، با یکی گپ می‌زند، از دیگری پرس و جو می‌کند و مدام هزار و یک مساله روزمره زندگی را موضوع تفکر و تأمل قرار می‌دهد. پیوسته تکرار می‌کند که رسالت تعلیم و تربیت هم‌عصران خویش را یافته است...» و خود را به خرمگسی تشبیه می‌کند که همه روزه از بیدار کردن، پند دادن و شماتت یکایک مردم باز نمی‌ایستد...

هادی خانیکی در کتاب «در جهان گفت و گو» تقویت مبانی نظری و علمی گفت و گوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را در نظر دارد و از سوی دیگر، در پژوهش خویش از پرداختن به جستارهای ناکارآمد پرهیز داشته و رویکردی کاربردی به موضوع دارد. کتاب «در جهان گفت و گو» به موضوع‌هایی همچون گفت و گوی تمدن‌ها به مثابه یک پارادایم، تلقی‌های جدید از گفتگو و گفت و گوی تمدن‌ها، گفت و گوی مکاتب فلسفی و اجتماعی، رد غیریت سازی، گفتگو در عصر ارتباطات و... نیز می‌پردازد. خانیکی درباره کاربرد گفت و گوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در جهانِ «درهم تنیده» و «مسطح شده» که وضعیتی غیرقابل قیاس با گذشته دارد، می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین ایده‌هایی که در آغاز این سده مطرح شد و هم نظریه پردازان و هم سیاست مداران را در نهادهای بین‌المللی به خود مشغول کرد این بود که چطور به رخداد پردامنه‌ای مثل جهانی شدن بپردازیم که از فرصت‌ها و منافع‌اش بیشتر برخوردار شویم، به عبارت دیگر چطور جهانی شدن را به یک پدیده انسانی و اخلاقی تبدیل کنیم و به طور عادلانه در جهان امروز از آن استفاده کنیم. بر پایه همین تلاش، نخستین اجلاس سران جهان درباره جامعه اطلاعاتی هم که در ژنو تشکیل شد، بحث اصلی‌اش این بود که چطور فن‌آوری جدید به خصوص فن آوری جدید ارتباطات که باعث ایجاد جامعه اطلاعاتی شده به امکانی تبدیل شود که همه جوامع بتوانند از آن استفاده کنند نه اینکه شکاف‌ها و فاصله‌های جدید بر پایه دسترسی یا عدم دسترسی به این فن‌آوری بوجود بیاید. من می‌گویم وقتی خود این موضوعیت پیدا کرده، ما می‌توانیم در کنار آن به یک فرایند دیگری هم که واکنشی به «جهانی شدن» است با عنوان «محلی شدن» هم از این زاویه بپردازیم... با رویکرد گفت و گویی هم می‌شود به انسانی‌تر شدن روند جهانی شدن کمک کرد و هم به انسانی‌تر شدن روند محلی شدن. و از دل این چارچوب، اندیشه‌ها و راهکارهای تازه‌ای بوجود می‌آید که می‌تواند از لوکس شدن و انتزاعی شدن گفت و گوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها جلوگیری کند. همان طور که شما هم اشاره کردید این فقط ایده گفت و گوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نیست که می‌تواند به مسائل به اصطلاح نخبه گرایانه و مسائل دور از زندگی جامعه تبدیل شود، در حالی که می‌تواند در متن زندگی و جامعه قرار بگیرد، مقوله‌هایی مثل حقوق بشر، دموکراسی، محیط زیست و... مگر مقوله‌هایی نیستند که اگر نسبت آنها با مسائل سیاسی، اقتصادی و... تبیین نشود آنها هم می‌توانند به مسائل لوکس تبدیل شوند.»

...از سویی دیگر می‌توان گفت، ساموئل هانتینگتون با طرح موضوع برخورد تمدن‌ها، اهمیت فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را در دنیای کنونی برجسته ساخت و در قامت یک نظریه پرداز و پژوهشگر سیاسی، سطح مناسبات جهانی را از سیاست به فرهنگ تغییر داد که خود جای اندیشیدن دارد. هر چند هانتینگتون از برخورد تمدن‌ها سخن می‌گوید اما شاید بهتر باشد این را هم در نظر بگیریم که در عبارت «برخورد تمدن‌ها» تناقضی آشکار وجود دارد. اینکه چگونه دو واژه تمدن و برخورد را در ردیف هم به کار ببریم جای تردید فراوان دارد، چگونه می‌شود تمدن در کار باشد و از سویی نیز برخورد را در پی بیاورد؟ شاید مناسب باشد نگاهی به آرای برخی منتقدان هانتینگتون داشته باشیم.

پروفسور یوخن هیپلر (متولد ۱۹۵۵–آلمان) استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در دانشگاه دویسبورگ و دبیر علمی کتاب مشترک موسسات مطالعات صلح (در آلمان) در نقد نظریه برخورد تمدن‌ها اظهار می‌دارد: «آیا هانتینگتون فرهنگ‌ها و تمدن‌های غیرغربی را می‌شناسد یا نه. من می‌گویم معلومات او و اطلاعات او درباره سایر فرهنگ‌ها بسیار محدود بود به دلیل اینکه او اصلاً علاقه‌مند نبوده که فرهنگ‌های غیرغربی را بشناسد و علاقه او فقط در شناسایی دوست و دشمن است. اینکه چه کسی دوست غرب است و چه کسی دشمن غرب است و او هیچ گاه نمی‌خواسته فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر را بشناسد. بعد از کتاب برخورد تمدن‌ها، او یک کتابی نوشت به اسم ما چه کسانی هستیم و در این کتاب سعی کرد توضیح بدهد فرهنگ غرب چیست، فرهنگ امریکایی چیست. برای اینکه این کار برای او آسان بود چون در همان سرزمین به دنیا آمده بود و در همان فرهنگ بزرگ شده بود ولی هرگز سعی نکرد در مورد تمدن‌های دیگر مثل اسلام یا چین سخن بگوید. این نشان می‌دهد بعد از کتاب و نظریه برخورد تمدن‌ها او به این نتیجه رسیده بود که هویت‌یابی فرهنگ‌ها بسیار کار پیچیده یی است و او این کار را با فرهنگ خودش شروع کرد یعنی شروع کرد فرهنگ خودش را (فرهنگ غرب را) توضیح بدهد...»

همچنین، دکتر محمد علی اسلامی ندوشن در مقاله‌اش «کدام رویارویی» ابراز می‌دارد که هانتینگتون شرق را نمی‌شناسد: «اینکه گفتم آقای هانتینگتون شرق را نمی‌شناسد، برای آن است که شرق بسیار تودرتوست، می‌تواند بگوید ف و منظورش فرحزاد نباشد. تمدن غرب رابطه میان مادیت و معنویت را بسیار نزدیک کرده، یعنی معنویت را در خدمت مادیت قرار داده، ولی شرقی به یک دست این دارد و به یک دست آن و از این رو، این دو می‌توانند در حالت نامتوازن به سر برند و چه بسا میان آنها برخورد هم پیش بیاید. در شرق –لااقل بخشی از شرق– هنوز امور معنوی با امور مادی در ارتباطند و این بین آن دو تفاوت ایجاد می‌کند. برای مثال هم اکنون فاصله میان کره جنوبی و بلژیک کمتر است تا فاصله میان دو محله شیعه نشین و سنی نشین عراق. این به آن معناست که عوامل دیگری به غیر از اشتراک دین یا جغرافیا، همسانی‌ها را ایجاد می‌کنند. باورها زاییده شرایط زندگی هستند.» و چنین پاسخ‌هایی است که همچنان پس از سال‌ها که از طرح نظریه برخورد تمدن‌ها می‌گذرد آن را با چالش مواجه می‌سازد.



لینکلن و کندی؛ شباهت‌های عجیب



به فاصله صد سال در آمریکا اتفاقی روی داد که وجه تشابه موجود در میان این دو چنان زیاد است که گویی از پشت دستی آن دو را سامان داده و مرتب کرده است.

در میان حوادث تاریخی گاه به مواردی برمی خوریم اعجاب آور و بهت آفرین. دو حادثه به فاصله صد سال از یکدیگر اتفاق افتاده است اما وجوه تشابه میان این دو حادثه آنقدر زیاد است که گویی کسی تمامی این موارد اتفاقی و تصادفی را از قبل برنامه ریزی و هماهنگ کرده است. دو تن از روسای جمهور آمریکا آبراهام لینکلن و جان اف کندی موضوع این شگفتی شده اند. اخیراً برخی کارشناسان بین زندگی و مرگ دو رئیس جمهور اسبق آمریکا یعنی «آبراهام لینکلن» و «جان اف کندی» وجوه تشابه فراوانی پیدا کرده و بر آن انگشت گذاشته‌اند که شگفتی هر خواننده‌یی را برانگیخته است. نگاه کنید؛

۱– آبراهام لینکلن در سال ۱۸٤٦ به کنگره راه یافت و جان اف کندی در سال ۱۹٤٦.

۲– لینکلن در سال ۱۸٦۰ به ریاست جمهوری انتخاب شد و کندی در سال ۱۹٦۰.

۳– هر دو رئیس‌جمهور به خصوص بر حقوق مدنی تاکید داشته اند.

٤– هر دو رئیس‌جمهور پس از ورود به کاخ سفید فرزندی را از دست دادند.

۵– هر دو رئیس‌جمهور روز جمعه کشته شدند و هر دو هم به ضرب گلوله یی که به سرشان اصابت کرد.

٦– منشی لینکلن، کندی نام داشت و منشی کندی، لینکلن.

۷– هر دو به دست فردی از اهالی جنوب آمریکا کشته شدند و هر دو هم جانشینی به نام «جانسون» داشتند؛ اندرو جانسون که جانشین لینکلن شد، در سال ۱۸۰۸ به دنیا آمده بود و لیندون جانسون که بر جای کندی نشست، در سال ۱۹۰۸،

۸– «جان ویلکس بوث» که لینکلن را به قتل رساند، متولد سال ۱۸۳۹ بود و «لی هاروی اوسوالد» که به زندگی کندی پایان داد متولد ۱۹۳۹،

۹– هر دو قاتل اسمی سه بخشی داشتند و هر اسم از ۱۵ حرف تشکیل شده بود.

۱۰– لینکلن در تئاتری به نام «فورد» به قتل رسید و کندی در اتومبیلی به نام لینکلن، ساخته شده در کارخانه «فورد»،

۱۱– لینکلن در یک تئاتر کشته شد و قاتلش پس از فرار، خود را در انباری مخفی کرد. کندی از انباری هدف قرار گرفت و قاتلش پس از فرار در یک تئاتر پنهان شد.

۱۲– «بوث» و «اوسوالد» هر دو پیش از آغاز محاکمه‌شان به قتل رسیدند.

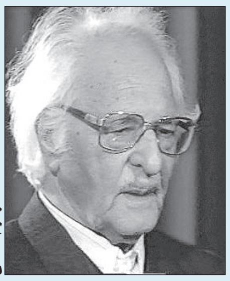
۱۳– و بالاخره اینکه لینکلن یک هفته پیش از مرگ خود در شهر «مونرو» در «مریلند» به سر می‌برد و کندی اوقات خود را با هنرپیشه‌یی به نام «مریلین مونرو» می‌گذراند.

هنر

حمید مجتهدی ⑨

با خاطرات علی اکبر صنعتی

در عکاسخانه



مرحوم صنعتی

اسماعیل آشتیانی هنرمندی ساده‌دل و بی‌شیله و پیله بود. من طریق ساختن تابلوهای موزاییک از سنگ را از او آموختم. او هم الحق در تعلیم من هیچ کوتاهی نکرد. چندانکه من هرگز سهم والای او را در کار ساختن تابلوهای سنگ چه در آن زمان وچه بعد، از یاد نبردم. یاران بسیاری بودند؛ بیم دارم اسامی دیگری را هم بگویم و نام‌های دوستان و سرورانی از خاطرم رفته باشد، و آن وقت شرمسار شوم. هرچند بر این اعتقادم که سهم استاد کمال‌الملک وشاگرانش، در تاریخ هنر ایران آنچنان پر اعتبار و والا است که یادآوری و تمجید و تحسین امثال من به هیچ می آید، هیچ.»

«ـروز اول نوروز بود. مدرسه تعطیل شده بود. در مدرسه تنها من مانده بودم و مستخدم مدرسه. همه رفته بودند یا به سفر و یا به دیدار خانواده‌شان. بعد از این دو سه سال ماندگاری در مدرسه، دراین صبح اول عید نوروز دلم به شدت گرفته بود. پیش خودم فکر می‌کردم، من به کجا بروم؟ خدایا غریبی چه درد بی‌درمانی است. بی‌اختیار راه افتادم پیاده به طرف زیارتگاه شاه عبدالعظیم. گفتم بروم زیارت سید غریب بزرگوار تا خودم را سبک کنم. میان راه یک بند نسبت به حال و روز خودم گریه می‌کردم.

یادم افتاده بود به صبح اول نوروز که با بچه‌ها خدمت مرحوم حاجی می‌رفتم، مرحوم حاجی به ما عیدی می‌داد؛ دستمال‌های هر کدام از ما را پر از شیرینی می‌کرد. دستمال پراز شیرینی را می‌بردم نزد بی‌بی؛ مقابل هم می‌نشستیم؛ روز اول سال شیرینی می‌خوردیم. حالا بی‌بی چکار می‌کند؟ چه کسی برای بی‌بی دستمال پر از شیرینی هدیه می‌برد؟ چه ایام خوبی بود! چه صفایی داشت صبح اول نوروز. افسوس که آن ایام بی‌خیالی رفته بود. گم شده بود!

به حرم مطهر شاه عبدالعظیم که رسیدم، زیارتی کردم؛ سبک شدم؛ آرام گرفتم. عیدی‌ام را که همان سبکبالی بود از سید بزرگوار گرفتم. در بازگشت مصمم شدم ـ تابستان که آمد ـ خارج از مدرسه برای خودم کاری دست و پا کنم و هر طور که شده از بی بی بخواهم که به تهران بیاید و کنار من زندگی کند. می‌ترسیدم غفلت کنم، بی بی از غصه دوری من دق کند؛ چندانکه خودم داشتم آرام آرام از پای درمی‌آمدم.

فصل بهار عاقبت تمام شد. تابستان رسید. قصدم را برای پیدا کردن کار با پسر مرحوم حاجی ـ که دور و نزدیک همیشه مددکارم بود ـ در میان گذاشتم. او هم بعداز مدتی اندیشیدن، سر آخر مرا به عکاسخانه «مادام لیلیان» که در لاله‌زار قدیم قرار داشت برد. این مادام، عکاس با ذوق و سلیقه رجال و اشراف آن موقع تهران بود. عکس‌هایش بسیار مورد اعتنا و توجه این جماعت بود. پسر مرحوم حاجی با سابقه آشنایی که با صاحب عکاسخانه مادام لیلیان داشت، از او درخواست کرد که به من کاری در عکاسخانه‌اش بدهد.

خوب خاطرم مانده؛ به مادام گفت: این جوان استعدادی دارد و ذوقی؛ حالا هم در مدرسه صنایع مستظرفه دارد. تعلیم نقاشی و مجسمه‌سازی می‌بیند. چون تابستان است و وقت بیکاری و بنیه مالی خوبی هم ندارد، می‌خواهد نزد شما در کار عکاسی تجربه‌ای بیاندوزد و کار کند و اگر قابل بود در آینده برای شما فیلم عکس‌هاتان را رتوش کند.

مادام ابتدا بهانه آورد که در عکاسخانه‌اش رتوش‌کار ماهر دارد و نیازی به وجود امثال من ندارد. داشت کار گره می‌خورد که خودم پیش‌دستی کردم و گفتم مادام رتوش‌کار لازم ندارید، نظافتچی که می‌خواهید؛ من حاضرم عکاسخانه شما را هر صبح و شام، آب و جارو کنم. مادام با شنیدن حرف من یکه‌ای خورد. بعد با تعجب و حیرت پرسید: یعنی شما حاضر هستید اینجا نظافتچی بشوید؟ گفتم بله مادام! من از کار کردن ابایی ندارم. خیلی شرمسار شد؛ ناگزیر قبول کرد تا با دستمزد روزانه پنج قران در عکاسخانه کار کنم ...

روزهای اول بر طبق قول و قراری که گذاشته بودم، عکاسخانه را آب و جارو می‌کردم. شب هم همانجا به سر می‌بردم. رفته‌رفته در اوقات فراغت، شروع کردم طرح‌هایی مدادی کشیدن از عکس‌هایی که بر دیوار دفتر مادام نصب شده بود.

زبانزد

منیره طباطبایی



بخت که آمد برو بخواب!

*بچّه عزیز دردانه یا هیز می‌شود یا دیوانه!
*بچّه که دامن شناخت زمین نمی‌نشیند.
*بچـه کـه راه افتاد هاون سنگی را هم باید گل میخ کرد!
*بچهٔ مُردنی از... پیداست.
*بچه میخ میان قیچی است.
*بچه نازدان به از شش ماهه افکندن جنین.
*بچهٔ همسایه زود بزرگ می‌شود.
*بچهٔ یتیم دستش دراز است.
*بچهٔ یکی یکدانه یا دنگه یا دیوانه!
*بخت بد با کسی که یار بود/ سگ گزدش ار شترسوار بود
*بخت چون برگشت پالوده دندان بشکند.
*بخت در بازار نمی‌فروشند.
*بخت که آمد، برو بخواب!
*بخت که برگردد اسب تازی خر گردد.
*بخت که بیدار شد برو بخواب.
*بخت که رو کرد، برو به پشت بخواب.
*بخت گر خندان بود، دندان به سندان نشکند.
*بخت گر خندان نباشد، فالوده دندان بشکند!
*بخت گو روی کن و روی زمین لشکر گیر.
*بخت من اگر بخت بود، اسفناج سر دماغم درخت بود.
*بخت من نامرد: زعفران کاشتم تپاله درآمد!
*بخت می‌آید در خانهٔ آدم اما آدم خانه نیست!
*بخت نافرجام را پالوده دندان بشکند.
*بخشش از بزرگتر است و گناه از کوچکتر.
*بخشیدم اگرچه مصلحت ندیدم!
*بخشیدن گناه کم از انتقام نیست.
*بخشیده را وانستانند.
*بخند تا دنیا به روی تو لبخند بزند.
*بخور آش، بشکن جاش!
*«بخورم و بمیرم» بهتر از «نخورم و نمیرم» است.
*بخور نان خود بر سر خوان خویش.
*بخور و بخواب کار من است، الله نگهدار من است!
*بخور هر چه داری به فردا مپای.
*بد آن است که نباشد.
*بد آید بداندیش را کارپیش.
*بد آید به پیش بد از کار بد/ بد آید به مردم زکردار بد.
*بد آید فال چون باشی بداندیش.
*بد از پیش خدا نیاید!
*«بد» از «خیلی بد» بهتر است.
*بد از نیک کمتر شناسد غریب.
*بد اصل وفا نکند و خوش اصل خطا نکند.
*بداندیش را بد بود روزگار.
*بدان را دوست دارید ای عزیزان/ که خوبان هر کجا باشند عزیزند
*بدبخت آن کسی که گرفتار عقل شد/خوشبخت آنکه کُرّه خر آمد الاغ رفت!
*بدبخت اگر مسجد آدینه بسازد، یا طاق فرود آید و یا قبله کج آید!

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۲۰مهر ۱۳۵۰، (برابر با ۲۱ شعبان ۱۳۹۱، ۱۲ اکتبر ۱۹۷۱) نقل شده است

مصرف گوشت گاو در تهران افزایش یافته

در تهران مصرف گوشت گاو بطور بیسابقه‌ای افزایش یافته و مردم تهران بتدریج از مصرف گوشت گوسفند روگردان شده‌اند. این وضع نتیجه توزیع گوشتهای یخزده و انواع گوشتهای خارجی است که مصرف کنندگان را نسبت به گوشت گوسفند بی تفاوت کرده است.

باین علت در تهران از تعداد دکانهای قصابی گوشت گوسفند کاسته شده و به تعداد دکان‌های گوشت گاو افزوده می گردد این دگرگونی بیشتر در شمال شهر تهران بچشم می خورد و دکانهای قصابی گوسفند در این محلات بتدریج جمع آوری و به فروشگاه گوشت گوساله تبدیل میگردند.

اکنون تعداد کشتار گاو و گوساله در تهران هر روز به هزار رأس می رسد این تعداد کشتار گاو برابر است با چندین هزار گوسفند و در برابر این افزایش از تعداد کشتار گوسفند کاسته می شود.

کارآموزان استاندارد کشورهای عربی در تهران

شش کارشناس استاندارد از کشورهای مصر، عربستان سعودی، لبنان و لیبی برای کارآموزی در رشته‌های استاندارد و تحقیقات صنعتی، وارد تهران شدند و برنامه کارآموزی خود را در مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران آغاز کردند.

کارآموزی این کارشناسان طبق تقاضای دبیر کل سازمان استاندارد و مترولوژی کشورهای عربی صورت گرفته است که بموجب آن قرار است، ده کارشناس از کشورهای عربی برای دیدن یک دوره آموزشی به ایران بیایند.

خبرنگار ما می نویسد: سه سال پیش در کنفرانس ترویج استاندارد که با همکاری سازمان ملل متحد سازمان بین المللی استاندارد در بانکوک تشکیل شد، ایران و ژاپن در زمینه استاندارد از نظر کیفیت و سطح علمی، بعنوان دو مرکز، کارآموزی برای کارشناسان استاندارد کشورهای آسیائی و افریقائی تعیین و معرفی شدند.

فقط قضات دکترای حقوق از یک پایه ترفیع استفاده می کنند

قضات دادگستری که در حین خدمت بتوانند به درجه دکترای حقوق نائل شوند، از یک پایه ترفیع، خود بخود استفاده خواهند کرد. بنا بر رأی شورای سازمان امور اداری و استخدامی کشور که به تایید دیوانعالی کشور رسیده است، استفاده از یک پایه ترفیع اختصاص به قضاتی دارد که در رشته حقوق به درجه دکترا نائل می شوند و سایر لیسانسیه‌های وزارت دادگستری که دارای لیسانسی غیر از لیسانس حقوق باشند، نمی توانند در صورت احراز شرایط از یک پایه ترفیع استفاده کنند.

رای شورای سازمان امور اداری و استخدامی مورد اعتراض یکی از قضات شاکی قرار گرفت و لذا پرونده نامبرده طبق مقررات در دیوانعالی کشور مطرح گردید. استناد شاکی به رد رای شورای سازمان امور اداری به موجب ماده ۴۷ قانون تشکیلات دادگستری در سال ۳۳ می باشد که در این ماده برای ورود بخدمت قضات داشتن لیسانس قید شده و طبق تبصره سه همین ماده به قضاتی که ضمن خدمت بدرجه دکتری نائل می شوند یک پایه ترفیع داده می شود.

حمایت شوروی و چین از کمونیستهای هند و چین

هنک کنگ ـ رویتر ـ نیکلای پادگورنی صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در پیامی برای رهبران ویت کنگ اعلام کرد که طرح ۷ ماده‌ای آنها تنها راه قابل قبول برای استقرار یک صلح واقعی در ویتنام است.

پادگورنی از ویت کنگ‌ها بخاطر پذیرائی گرمی که از وی و همراهانش در سفر اخیر آنها به ویت‌نام شمالی بعمل آوردند سپاسگزاری کرده است.

چوئن لای نخست‌وزیر چین کمونیست نیز پیامی برای رهبران جبهه متمایل به کمونیست پاتت لائو فرستاد و اعلام کرد که جمهوری خلق چین در آینده نیز بی دریغ از مبارزه مردم لائوس بر ضد تجاوز آمریکا پشتیبانی خواهد کرد.

این پیام بمناسبت بیست و ششمین سالروز استقلال لائوس از طرف چوئن لای برای رهبران پاتت لائو فرستاده شده است.

تقاضای کندی برای تحقیقات درباره شورش سربازان آمریکا در ویتنام

واشنگتن ـ رویتر ـ سناتور ادوارد کندی تقاضا کرد درباره گزارش هائی که از سایگون به واشنگتن رسیده و حکایت از امتناع یک گروه از سربازان آمریکائی از شرکت در جنگ هند و چین می کند تحقیقات دامنه‌داری انجام گیرد.

گزارش هائی که دیروز و پریروز در سایگون انتشار یافته است نشان می دهد که در یکی از پایگاه‌های آتشبار ارتش آمریکا در خط مقدم جبهه‌ای که نزدیک مرز کامبوج قرار دارد ـ نیروهای آمریکائی حاضر نشدند در یک ماموریت جنگی شبانه شرکت کنند.

سخنگوی نظامی آمریکا نیز دیروز اعلام کرد که از طرف فرماندهان نظامی این کشور تحقیقات درباره امتناع یک گروه از سربازان آمریکائی از شرکت در جنگ هند و چین آغاز شده است. به سربازانی که در این سرپیچی دخالت داشتند دستور داده شده بود تا در جریان یک ماموریت شبانه در منطقه‌ای که از دو هفته پیش صحنه یکی از سخت ترین جنگ‌های هند و چین است به مواضع کمونیستها شبیخون بزنند.

سناتور کندی این گزارش را که سربازان امتناع کننده از جنگ نامه‌ای برای او فرستاده و از فرمانهای انتحار آمیز مافوق هایشان شکایت کرده‌اند تکذیب کرد.

اعلامیه مشترک مصر و کویت

کویت ـ در پایان گفتگوهای پرزیدنت سادات با شیخ صباح السالم الصباح حاکم کویت اعلامیه مشترکی انتشار یافت.

در این اعلامیه جمهوری عربی مصر و کویت تاکید کرده‌اند که صلح در خاورمیانه عربی هنگامی برقرار خواهد شد که صهیونیست کلیه نیروهای خود را از سرزمین های اشغالی خارج کند و ملت فلسطین به حقوق قانونی خود دست یابد.

انور السادات و شیخ کویت در اعلامیه خود با اشاره به اختلافات فلسطینی ها و اردن اظهار عقیده کرده‌اند که قراردادهای اردن و قاهره باید بدقت بمورد اجرا گذاشته شود، تنها باین وسیله است که صلح و ثبات در کشور «برادر» اردن برقرار می شود.

قاب زندگی



سرباز آمریکایی با دستگاه مخصوص شناسایی، شبکیه چشم مرد افغان را در ننگرهار می بیند / منبع: Msnbc

امروز با سعدی

که می‌رود به شفاعت که دوست باز آرد؟
که عیش خلوت بی‌او کدورتی دارد
که را مجال سخن گفتن است به حضرت او؟
مگر نسیم صبا کاین پیام بگذارد
مرا که گفت دل از یار مهربان بردار
به اعتماد صبوری؟ که شوق نگذارد
که گفت هر چه ببینی ز خاطرت برود؟
مرا تمام یقین شد که سهو پندارد
حرام باد بر آن کس نشست با معشوق
که از سر همه برخاستن نمی‌یارد
درست ناید از آن مدّعی حقیقت عشق
که در مواجهه تیغش زنند و سر خارد
به کام دشمنم ای دوست، اینچنین مگذار
کس این کند که دل دوستان بیازارد؟
بیا که در قدمت اوفتم و گر بکشی
نمیرد آنکه به دست تو روح بسپارد
حکایت شب هجران که باز داند گفت؟
مگر کسی که چو سعدی ستاره بشمارد
دل پیش تو و دیده به جای دگرستم
تا خصم نداند که تو را می‌نگرستم
روزی به درآیم من ازین پرده ناموس
هر جا که بتی چون تو ببینم، بپرستم
اَلْمِنَّةُ لله که دلم صید غمی شد
کز خوردن غمهای پراکنده برستم
آن عهد که گفتی: نکنم مهر فراموش
بشکستی و من بر سر پیمان درستم
تا ذوق درونم خبری می‌دهد از دوست
از طعنهٔ دشمن به خدا گر خبرستم
می‌خواستمت پیشکشی لایق خدمت
جان نیک حقیر است، ندانم چه فرستم؟
چون نیک بدیدم که نداری سر سعدی
بر بخت بخندیدم و بر خود بگرستم

داستان کوتاه

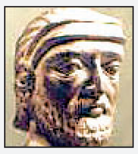
شادی معنوی

پادشاهی که دخترش را بسیار دوست داشت به او یک گردنبند بسیار زیبا و گرانبها از الماس هدیه داد. پس از گذشت مدتی گردنبند به طرز مشکوکی گم شد و تمامی تلاش‌های کارکنان دربار برای پیدا کردن آن بی‌ثمر ماند. یکی از درباریان گفت: احتمالاً پرنده‌ای گردنبند را دزدیده و با خود به جنگل برده است. پادشاه دستور داد تا بلافاصله جنگل را جستجو کنند و به هر کس که گردنبند را بیابد ۵۰ هزار سکه پاداش می‌دهد. یکی از کارکنان دربار روزی در راه بازگشت به منزل از کنار رودخانه‌ای رد شد که فاضلاب شهر در آن می‌ریخت. آب بسیار کثیف بود و بوی تعفن همه جا به مشام می‌رسید. ناگهان او برق الماس گردنبند را در وسط رودخانه دید. او هر چه دست خود را دراز کرد نتوانست گردنبند را بگیرد و آن را نزد پادشاه ببرد و پاداش را از آن خود کند. او به سختی خود را قانع کرد تا در جوی متعفن شیرجه بزند. او شنا کرد و حتی عرض رودخانه را پیمود اما نتوانست جواهر را بیابد. او سپس بیرون آمد و باز دید که گردنبند در رودخانه است. او کاملاً ناامید شده بود. در این میان مرد فرزانه‌ای از کنار آن رودخانه رد می‌شد. موضوع را از مرد درباری پرسید، اما او از ترس اینکه غریبه گردنبند را از آن خود کند هیچ نگفت. مرد فرزانه دو باره پرسید که چه شده او گفت: که قول می‌دهم به کسی رازت را نگویم. درباری دست آخر ماجرا را تعریف کرد. مرد فرزانه گفت: درست بنگر. شاید گردنبند بر روی شاخه درختی که بالای رودخانه است گیر کرده و تو فقط انعکاس آن را در آب می‌بینی. درباری نگاه کرد و دید که او تلاش می‌کرد تا فقط انعکاس را بگیرد. شادی‌های دنیوی درست مثل رودخانه آلوده و کثیف هستند که صرفاً بازتابی از شادی واقعی در جهان معنوی را در خود متبلور می سازند.

مترجم: آرش میری خانی
منبع: ummah

امروز در تاریخ

برگزاری آیین بیست و پنجمین سده تاسیس امپراتوری ایران

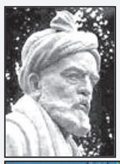


تصویری از کوروش بزرگ

بیستم مهرماه سال ۱۳۵۰ (اکتبر ۱۹۷۱) به مناسبت بیست و پنجمین سده ایجاد دولت مرکزی و تاسیس امپراتوری پهناور پارسیان، بزرگترین کنگره ایران‌شناسی با شرکت شرق شناسان جهان و مورخان مربوط در میهن ما گشایش یافت. ایجاد دولت مرکزی ایران به دست کوروش (سیروس = سایرس) در اکتبر سال ۵۵۹ پیش از میلاد صورت گرفته بود. وی در اکتبر سال ۵۳۹ و پس از تصرف شهر بابل که ۱۲ یا ۱۳ اکتبر صورت گرفت تاسیس امپراتوری (ایران واحد بعلاوه سرزمین‌های متصرفی) را اعلام داشت.

گشایش ساختمان تازه آرامگاه فردوسی در توس

بیستم مهرماه سال ۱۳۱۳ خورشیدی (۱۱ اکتبر ۱۹۳۴) رضا شاه ساختمان باشکوه آرامگاه فردوسی را در توس خراسان طی مراسمی با حضور مستشرقین و ایرانشناسان سراسر جهان، ادیبان کشور و مقامات فرهنگی و دولتی گشود.



مورخان به اتفاق «ابوالقاسم فردوسی» را تنها فرد در سراسر تاریخ بشر خوانده‌اند که بدون هرگونه چشمداشت، همه عمر خود را صرف زنده کردن تاریخ وطن خود (ایران)، خصلت‌های نیک هموطنان (ایرانیان) و زبان نیاکان (زبان پارسی) و خدمت بی‌دریغ به شناساندن فرهنگ و تمدن کهن میهنش کرد و به نوشته مرحوم دکتر رضا زاده شفق، شصت هزاربیت شعر گفت تا شکوه ایران باقی بماند و باعث افتخار و دلگرمی نسل های بعد باشد تا بدانند که چه میراثی گرانبها و با عظمت برایشان باقی مانده است و با همه توان بکوشند که این میراث همچنان سربلند و بزرگ و عزیز باقی بماند. فردوسی برای به نظم در آوردن تاریخ ایران، اسناد و نامه‌های فراوان خواند.



نمای آرامگاه فردوسی مردی که تنها در اندیشه ایران و ایرانی بود

کشف شبکه مقدماتی براندازی حکومت دکتر مصدق در تهران

در این روز در سال ۱۳۳۱ شبکه‌ای در تهران کشف شد که اعلام شد هدف از ایجاد آن برانداختن حکومت دکتر مصدق بود. با کشف این شبکه گروهی از افسران ارشد که دکتر مصدق آنان را بازنشسته کرده بود از جمله سرلشکر حجازی دستگیر و بازداشت شدند. برادران رشیدیان و عده‌ای غیر نظامی دیگر در میان بازداشت شدگان بودند. برخی از نمایندگان مجلس و سنا از جمله سرلشکر بازنشسته فضل الله زاهدی نیز متهم به همدستی با این شبکه شده بودند که قرار بود پس از سلب مصونیت پارلمانی توقیف و پس از تکمیل پرونده، احراز مجرمیت و صدور کیفرخواست محاکمه شوند. اعلام شده بود که این شبکه با نقشه و کمک دستگاه جاسوسی انگلستان ایجاد شده است.

حکم اعدام برای سه همرزم دکتر مصدق

۱۸ مهر سال ۱۳۳۳ خورشیدی حکم دادگاه بدوی نظامی تهران در روزنامه‌ها چاپ شد که به موجب آن دکتر حسین فاطمی، مهندس احمد رضوی کرمانی و دکتر علی شایگان از یاران دکتر مصدق به اعدام محکوم شده بودند. اتهام آنان ضدیت با سلطنت و اقدام برای حذف شاه اعلام شده بود. این حکم بعدا در تجدیدنظر نظامی نقض شد.



مهندس احمد رضوی کرمانی ــ دکتر علی شایگان ــ دکتر حسین فاطمی

عضویت ایران در پیمان بغداد و اعتراض مسکو

۱۹ مهرماه ۱۳۳۴ (دهم اکتبر ۱۹۵۵) دولت شوروی نسبت به عضویت ایران در اتحادیه نظامی وابسته به غرب معروف به پیمان بغداد شدیدا اعتراض کرد و آن را مغایر با عهدنامه‌های دوجانبه از جمله قرار داد ۱۹۲۱ و پیمان عدم تجاوز منعقده در یکم اکتبر سال ۱۹۲۷ دو دولت خواند و متعاقب آن جنگ تبلیغاتی دو کشور آغاز شد. باوجود این، پارلمان ایران عضویت در پیمان بغداد را که به خاطر آن جلال بایار رئیس‌جمهوری ترکیه اول مهرماه آن سال به تهران آمده بود تصویب کرد.

جدول سودوکو

سودوکو (Sudoku) یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی تکرار است وامروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون های حل جدول سودوکو:

۱ـ در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲ـ در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

آسان ۱۰۲۲

۴			۵	۷	۱			۹
۱		۲	۹	۳	۴	۵		
۳		۹	۶	۲				
		۳		۹				۲
۷			۲		۶		۹	
		۶			۳			۱
	۷		۱				۳	۵
				۵			۷	
۵		۱		۶		۹		۴

حل جدول شماره ۱۰۲۱

۴	۷	۹	۸	۳	۱	۶	۲	۵
۲	۳	۱	۶	۷	۵	۴	۸	۹
۶	۵	۸	۲	۹	۴	۷	۳	۱
۹	۱	۵	۴	۸	۷	۳	۶	۲
۸	۶	۲	۹	۱	۳	۵	۷	۴
۷	۴	۳	۵	۶	۲	۱	۹	۸
۳	۹	۴	۱	۲	۶	۸	۵	۷
۵	۲	۷	۳	۴	۸	۹	۱	۶
۱	۸	۶	۷	۵	۹	۲	۴	۳

دشوار ۳۴۵

۸			۹					۶
			۷			۸		۵
	۷	۹	۸	۵				۳
۹	۸				۵		۶	
	۵		۲		۸	۱		
	۶			۴				
	۴	۷			۱		۸	
۶						۹		۱
۵					۲			

حل جدول شماره ۳۴۴

۱	۲	۴	۶	۳	۷	۹	۵	۸
۷	۹	۵	۲	۸	۱	۳	۶	۴
۸	۳	۶	۹	۵	۴	۲	۷	۱
۳	۶	۷	۱	۴	۸	۵	۹	۲
۲	۱	۹	۵	۶	۳	۴	۸	۷
۵	۴	۸	۷	۲	۹	۶	۱	۳
۴	۷	۳	۸	۹	۵	۱	۲	۶
۶	۵	۱	۴	۷	۲	۸	۳	۹
۹	۸	۲	۳	۱	۶	۷	۴	۵

آذربایجان‌شرقی

اطلاعات

چهارشنبه ۲۰مهر ۱۳۹۰ - ضمیمه شماره ۲۵۱۵۰

احداث ۳۰ پارک و بوستان محله‌ای جدید در تبریز

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: شهردار تبریز از احداث ۳۰ پارک و بوستان محله‌ای جدید در سال جاری خبر داد.

علیرضا نوین در مراسم بهره‌برداری از پروژه‌های شهرداری منطقه۷ گفت: شهردار تبریز با اجرای طرح‌های توسعه فضای سبز شهری و تملک باغ‌های موجود در مناطق مختلف شهر درصدد احیای باغ شهر تبریز است.

وی اظهار داشت: اجرای سریع طرح جنگلکاری ارتفاعات عون بن علی، اجرای پارک بهشت عدن (کوهستان)، طرح توسعه چهار برابری پارک ایل‌گلی، پارک بزرگ تبریز، توسعه پارک‌ها و بوستانهای محلی، تملک باغات لاله، چایکنار، رواسان و نیز اجرای طرح کاشت یک میلیون درخت و نهال در فضاهای خالی شهر از مهمترین و اثربخش‌ترین اقدامات شهرداری تبریز در حوزه فضای سبز طی سالهای گذشته بوده و با اجرای این طرحها شهرداری تبریز موفق شد سرانه فضای سبز تبریز را از ۸ متر در سال ۸۴ به ۱۲متر در حال حاضر افزایش دهد.

وی در ادامه تلاش برای افزایش سرانه فضای سبز شهری تبریز به ۱۵مترمربع در افق برنامه تبریز ۹۰ را هدف اصلی شهرداری اعلام و خاطرنشان کرد: با احداث ۳۰پارک و بوستان محله‌ای جدید در سال جاری، تداوم جنگلکاری عون بن علی و پارک کوهستان این هدف محقق خواهد شد.

شهردار تبریز در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به بهره‌برداری از پروژه‌های عمرانی به ارزش ۶۰۰میلیارد ریال همزمان با هفته دفاع مقدس در روزهای گذشته تاکید کرد.

شهردار تبریز در ادامه افتتاح و بهره‌برداری‌های مناسبتی از طرح‌های عمران شهری، افتتاح چند پروژه عمرانی، خدماتی و فرهنگی شامل بهره‌برداری از تندیس سرداران شهید، افتتاح و مسیرگشایی چند خیابان، آماده‌سازی کوی فرشته، بهره‌برداری از مرکز خرید الماس تبریز، ساختمان شماره۲ منطقه۹، مجتمع تجاری صدرا، باند کندرو مقابل ساختمان تراکتورسازی، ساختمان اداری منطقه۳ و چند پروژه عمرانی دیگر را از مهمترین برنامه‌های این سازمان دانست.

اختصاص ۴۳۸ میلیارد ریال اعتبار برای تغییر روش‌های آبیاری

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: ۱۳۰میلیارد ریال اعتبار از محل اعتبارات استانی و ملی برای احیای دریاچه ارومیه برای بخش کشاورزی استان اختصاص یافت.

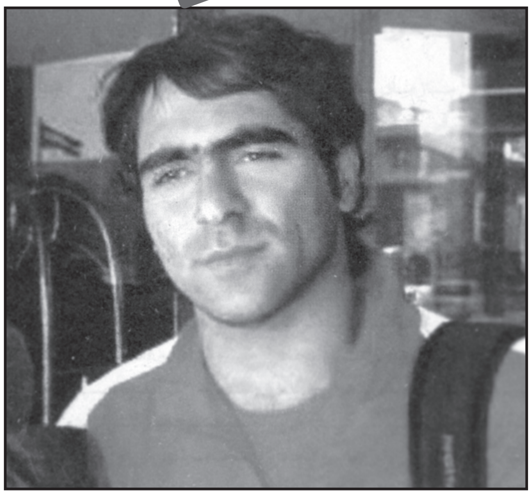
دکتر مسعود محمدیان رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی با بیان این که این میزان اعتبار برای اجرای طرح‌های آبیاری تحت فشار و شبکه‌های فرعی در حوزه آبریز دریاچه ارومیه در استان آذربایجان شرقی هزینه خواهد شد گفت: سازمان جهادکشاورزی استان تعهدات خود را نسبت به دریاچه ارومیه به طور کامل انجام می‌دهد.

وی با بیان این که اعتبار تعیین شده بخش کشاورزی برای نجات دریاچه ارومیه توسط کمیته شورای عالی آب تا شهریور تامین و تکالیف معین شده برای این سازمان تا پایان سالجاری عملیاتی می‌شود افزود: کمیته شورای عالی آب درباره دریاچه ارومیه تکالیف و تعهداتی برای این سازمان طی برنامه سه ساله و پنج ساله معین کرده است.

دکتر محمدیان با بیان این که امسال ۹۰۰ میلیارد ریال برای اجرای طرح‌های آب و خاک در حوزه آبریز دریاچه ارومیه هزینه می‌شود افزود: این اعتبارات در سه محور مهم آبیاری تحت فشار، ایجاد شبکه‌های فرعی آبیاری و انتقال آب با لوله از سر چاه تا محل آبیاری در سه استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و کردستان صرف می‌شود.محمدیان با بیان این که ۵۵۰ میلیارد ریال از این اعتبارات برای آبیاری تحت فشار در ۲۰هزار هکتار از اراضی باغی و زراعی منطقه و حوزه آبریز دریاچه ارومیه هزینه می‌شود ادامه داد: هدف از اختصاص این میزان اعتبار، حفظ سطح سبز فعلی و جلوگیری از افزایش آن با هدف نهایی کاهش میزان مصرف آب در حوزه آبریز دریاچه ارومیه است.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی با اشاره به این که ۶۰درصد از ۷۳۰ میلیارد ریال اعتبار منابع آب و خاک این سازمان در حدود ۴۳۸ میلیارد ریال برای کمک به حل مشکل دریاچه ارومیه اختصاص می‌یابد افزود: افزایش تولید محصولات کشاورزی در حوزه دریاچه ارومیه در سالهای اخیر به واسطه افزایش راندمان تولید بوده و سطح زیرکشت محصولات کشاورزی افزایشی نداشته است. راندمان تولید در بخش کشاورزی استان در دو سال گذشته در راستای اجرای الگوی کشت، کشت مکانیزه و استفاده از شیوه‌های نوین کشت ارتقا یافته است و ارتباطی به سطح زیرکشت نداشته است.محمدیان با بیان این که با اجرای شیوه‌های نوین آبیاری درصدد کاهش مصرف آب در این بخش در حوزه دریاچه ارومیه هستیم ادامه داد: با اجرای تمام تعهدات جهاد کشاورزی برای نجات دریاچه ارومیه از جمله اصلاح الگوی کشت و اجرای شیوه‌های نوین آبیاری، سالانه فقط ۲۷۰ میلیون متر مکعب از آب مصرفی دریاچه در بخش کشاورزی صرفه‌جویی خواهد شد. رئیس سازمان جهاد کشاورزی انتقال آب از سایر حوزه‌ها را تنها راه نجات دریاچه ارومیه دانست و خواستار همکاری و همدلی تمام سازمانها و نهادهای دولتی و خصوصی برای نجات این دریاچه شد.

ماشین‌سازی تبریز علاقمندبه جذب مهدی کیانی است



تبریز ـ خبرنـگار اطلاعات: سرمربی تیم فوتبال ماشین‌سازی تبریز از علاقمندی این تیم برای جذب مهدی کیانی هافبک تراکتورسازی خبر داد.

رسول خطیبی گفت: با توجه به تصمیم مسئولان باشگاه تراکتورسازی تبریز مبنی بر بررسی پیشنهاد رسمی تیمها برای به خدمت گرفتن کیانی، انتظار می‌رود این باشگاه با مساعدت‌های لازم زمینه را برای پیوستن این بازیکن با تجربه به تیم ماشین‌سازی تبریز فراهم کند.

وی اظهار داشت: مهدی کیانی در طول سالهای اخیر به عنوان بازیکن در تیم تراکتورسازی به فوتبال تبریز کمک‌های شایانی کرده و در بازگشت تراکتورسازی به لیگ برتر نقشی کلیدی و حایز اهمیت داشته است.خطیبی گفت: پیوستن کیانی به ماشین‌سازی علاوه بر تداوم دوران بازیگری وی در تبریز، موجب تقویت بیش از پیش این تیم که ریشه‌دارترین و با سابقه‌ترین تیم شهرستانی فوتبال کشور است می‌شود و راه صعود آن به لیگ برتر را هموارتر می‌کند.

وی، ابراز امیدواری کرد که با تعامل و همکاری مسئولان باشگاه تراکتورسازی و مهدی کیانی، این هافبک توانمند به تیم ماشین‌سازی تبریز ملحق شود.مدیرعامل باشگاه تراکتورسازی تبریز در مصاحبه قبلی خود با ایرنا اعلام کرده بود که در صورت ارائه پیشنهاد رسمی توسط باشگاه‌ها برای به خدمت گرفتن کیانی، آن را بررسی خواهد کرد. باشگاه تراکتورسازی که به دلیل تخلفات کیانی وی را به کسر ۱۳درصد از کل مبلغ قراردادش محکوم از دادن رضایت‌نامه مستقیم به وی خودداری می‌کند.

تیم والیبال امیدهای آذربایجان شرقی قهرمان کشور شد

تبریز ـ خبرنـگار اطلاعات: تیم والیبال امیدهای آذربایجان شرقی پس از ۱۰سال دوباره بر سکوی قهرمانی کشور ایستاد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل تربیت بدنی آذربایجان شرقی، مرحله نهایی رقابت‌های والیبال قهرمانی امیدهای کشور با حضور هشت تیم برتر کشور از ۹مهرماه به میزبانی کرمانشاه برگزار شد و تیم آذربایجان شرقی به مربیگری عادل بناکار با شکست دادن تیم توابع تهران به مقام قهرمانی رسید.

در دیدار فینال تیم آذربایجان شرقی با نتیجه ۳ بر ۲ و با نتایج ۲۵ بر ۲۱، ۲۳ بر ۲۵، ۲۵ بر ۲۳، ۲۴ بر ۲۶ و ۱۵ بر ۱۳ تیم توابع را شکست داد.تیم والیبال امیدهای آذربایجان شرقی در دیدار نیمه نهایی نیز تیم آذربایجان غربی را ۳ بر یک شکست داد تا انتقام شکست دوره مقدماتی را در تبریز بگیرد.

سعید شربت‌اوغلی، فرهاد خداشناس، محمد پورفرج، حسین ولایی، میرجلایر موسوی گرگر، آرمین عسگرپور، علیرضا ضیایی، حسام تقی‌یان، فرزین رضوی کلیبر، عادل هوشیار، بهزاد صادقی و محمد زنده‌گر بازیکنان اعزامی به این رقابت‌ها بودند.

با این قهرمانی تیم والیبال آذربایجان شرقی دو مقام اولی، ۲ مقام نایب قهرمانی، یک مقام سومی و یک مقام پنجمی را در کارنامه خود ثبت کرد.مرحله مقدماتی منطقه یک با حضور چهار تیم به میزبانی تبریز برگزار شد و تیم آذربایجان شرقی به همراه تیم آذربایجان غربی به دور نهایی صعود کرد.



امید اتاپور
کلاس دوم راهنمائی
مدرسه امام رضای اهر
با معدل ۲۰ رتبه اول